



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

علم مفادیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و نهم - حرف و
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۲۴	واجبات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۸	وارث از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۵	والدین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۹۱	وتر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۹۷	وجدان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۰۳	وجه الله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۰۶	وحی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۷۱	وراثت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۸۰	ورد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۸۳	وزارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۸۹	وسوسه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۳۷	وصیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۰۱	وضو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۲۲	وطن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۲۷	وعده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۰۳	وعید از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۰۹	وقت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۳۷	وقف از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۳۹	وکالت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۴۷	ولادت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

۱۲۷۹ ولایت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

۱۵۲۸ ولی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

۱۵۳۲ ولید بن مغیره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

۱۵۵۰ ویرانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

۱۵۶۴ درباره مرکز

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و نهم - حرف و / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف: ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره: ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی: ۱۳۹۰.۵۷۷۷د۳۷۲/۲۱

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است. که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تعریف، هدف، فایده، پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش‌های تفسیری؛ ۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می‌باشد. زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات

هرمنوتیک و متودولوژی می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن براساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این

زمینه مراکز قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به

مجله بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصورات اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن

را در منظومه این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و

نقش آن در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه در حیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم و اعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن

و صدها نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست

و یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به

آنچه فرو فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات

وینیات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینہ لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبانی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه

هدایت بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار

مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلاّی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل

نطق ظاهر که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهاى معرفتى او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً- توأم و همراه با اندیشه هاى درونى آدمى است. ثانياً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به ديگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز میرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ پردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با ديگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته هاى خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علائم ديگر نیز وضع کرده که همان خط یا علائم مکتوب یا الفباست. علائمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علائم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علائم کتبی یا خطی) -

وجود لفظی (علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می

کند و حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر بخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی

و کسانی که می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکین اصفهانی

واجبات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{واجبات}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۳ - ۳

۳ - نماز و زکات ، از واجبات دینی اسلام و از ارکان عملی آن است .

و أقيموا الصلوة وءاتوا الزكوة

دعوت به اقامه نماز و پرداخت زکات، پس از فراخواندن اهل کتاب به ایمان، بیانگر اهمیت خاص نماز و زکات در میان سایر تکالیف عملی اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ - وجوب پرستش خدا و پرهیز از پرستش غیر او

لا تعبدون إلا الله

جمله <لا تعبدون إلا الله> (پرستش نمی کنید جز خدا را) نهی است به صورت نفی و به عبارت دیگر خبر است در مقام انشاء یعنی، پرستش نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۲

۱۲ - ادای شهادت واجب و کتمان آن ظلم است .

و من أظلم ممن كتم شهادته عنده من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱

۱ - وجوب وصیت به هنگام فرا رسیدن مرگ و پیدایش آثار آن

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت .. الوصیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۳ - ۱،۲

۱ - وجوب روزه بر مسلمانان

يأیها الذین ءامنوا کتب علیکم الصیام

۲ - ایمان از شرایط وجوب روزه *

يأیها الذین ءامنوا کتب

علیکم الصیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۴،۱۱

۴ - وجوب قضای روزه ماه رمضان ، بر کسی که در آن ماه مسافر و یا مریض بوده است .

فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر

۱۱ - بر کسانی که به خاطر مشقت بار بودن روزه بر آنان ، روزه نمی گیرند ، پرداخت فدیة واجب است .

و علی الذین یطیقونه فدیة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱۲

۱۲ - روزه ماه رمضان بر هر فرد مسلمانان واجب است .

فمن شهد منكم الشهر فليصمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۸

۸ - وجوب اطاعت از فرمان های خدا و ضرورت ایمان داشتن به او

فليستجيبوا لي و ليؤمنوا بي

برداشت فوق بر این مبناست که <استجابت> به معنای <اجابت> باشد. بنابراین <فليستجيبوا لي> یعنی، پس بندگان باید فرمانهای مرا اطاعت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱

۱ - وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرچنگ داشته باشند .

و قتلوا في سبيل الله الذين يقتلونكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۳

۱۳ - در صورتی که دشمنان دین در مسجد الحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند ، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است .

و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام حتى يقتلواكم فيه فإن قتلواكم فاقتلوهم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۱۳، ۱۴، ۳۶، ۴۱، ۴۳

۱۳ وجوب قربانی در حج تمتع

فمن تمتع .. فما استيسر من الهدى

۱۴ وجوب روزه به مدت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت (ده روز کامل) ، برای فاقد قربانی

فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام فى الحج و سبعة .. تلك عشرة كامله

۳۶ عمره ، همانند حج واجب است .

و اتموا الحج و العمره لله

امام صادق (ع): العمره واجبه على الخلق بمنزله الحج .. لان الله عز و جل يقول < و اتموا الحج و العمره لله >

علل الشرايع، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۱؛ كافي، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۴.

۴۱ وجوب بجا آوردن عمره تمتع ، قبل از انجام اعمال حج

فمن تمتع بالعمره الى الحج

امام صادق (ع): ان الحج متصل بالعمره لان الله عز و جل يقول < فاذا امتتم فمن تمتع .. > فليس ينبغى لاحد الا ان يتمتع

علل الشرايع، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۱، ب ۱۴۹؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۶۶۹.

۴۳ وجوب سه روز روزه ، در روز ترويه و روز قبل و روز بعد از آن (عرفه) در حج بر کسی که قادر به قربانی نیست .

فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام فى الحج

از امام صادق (ع) درباره حج کننده ای که قادر بر قربانی نیست سؤال شد، آن حضرت فرمود: يصوم ثلاثة ايام فى الحج يوماً قبل الترويه و يوم الترويه و يوم عرفه

كافى، ج ٤، ص ٥٠٨، ح ٣ / نورالثقلين، ج ١، ص ١٩٠، ح ٦٧٧

و ۶۷۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۱۳

۱۳ وجوب تهیه توشه (پوشاک و خوراک و ...) برای سفر حج

و تزودوا

با توجه به شأن نزول نقل شده در مجمع البیان، ذیل آیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۷۸

۷ وجوب رفتن و وقوف به مشعرالحرام ، پس از وقوف در عرفات

فاذا افضتم من عرفات فاذكروا الله عند المشعرالحرام

لازمه وجوب ذکر خداوند در مشعرالحرام پس از وقوف به عرفات، وجوب رفتن و بودن (وقوف) در مشعرالحرام است.

۸ وجوب ذکر خداوند در مشعرالحرام

فاذكروا الله عند المشعرالحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱

۱ وجوب ذکر خداوند در روزهای مشخص (ایام تشریق) بر حج گزار

و اذكروا الله في ايام معدودات

مراد از روزهای مشخص، ایام تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجّه) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۱،۱۴

۱ وجوب جهاد بر مسلمانان ، حکمی ثابت و همیشگی

کتب علیکم القتال

<کُتِبَ> یعنی ثبت و استقر.

۱۴ احکام الهی (وجوب جهاد و ...) ، بر اساس علم خداوند نسبت به مصالح و مفسد انسانهاست .

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی .. و الله يعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۶ - ۶،۷

۶ لزوم آمیزش مردان

با همسران خویش در هر چهار ماه *

لذین یؤلون من نسانهم تربص اربعه اشهر

به نظر می رسد که اگر ترک آمیزش در بیشتر از چهار ماه جایز بود، به همان مقدار، حکم ایلاء از نظر زمان افزایش می یافت.

۷ وجوب آمیزش یا طلاق بر ایلاء کننده ، پس از گذشت چهار ماه از ایلاء

لذین یؤلون .. فان فاءو ... و ان عزموا الطلاق

از اینکه <تربص> تا چهار ماه است، معلوم می شود که پس از آن، شخص ملزم به یکی از دو کار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۱

۱ وجوب شیر دادن مادران به فرزندان خویش

و الوالدات یرضعن اولادهن

جمله <یرضعن .. >، جمله ای است خبری در مقام انشا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۳

۳ وجوب پیکار در راه خداوند

و قاتلوا فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۴، ۳۰، ۲۹، ۲۱، ۱۶، ۱۲، ۴، ۳، ۲

۲ وجوب تنظیم سند برای دین مدت دار بر طرفین

یا ایها الذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فکتبوه

جمله <تداینتم بدین> شامل هر نوع طلبی می شود؛ چه در فروش کالایی به نسیه و یا خرید کالایی تحویل نشده به نقد

(سلف) و یا قرض دادن به شخصی.

۳ لزوم تعیین مدّت برای دیون و مطالبات *

إذا تداینتم بدین الی اجل مسمّی

احتمال اینکه لزوم کتابت مخصوص مطالبات و دیون مدّت دار باشد، احتمالی ضعیف است؛ بنابراین باید <الی اجل> را توضیحی برای دیون مورد امضاء قرآن

دانست. یعنی دیونی که بدون ذکر مدت صحیح نیست.

۴ وجوب مراعات عدالت در تنظیم اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه <بالعدل> متعلق به جمله <ولیکتب> باشد.

۱۲ وجوب رعایت تقوای الهی از سوی مدیون و کم و کاست نکردن چیزی در تنظیم اسناد مبادلاتی

و لیملل الذی . . . و لیتق الله ربّه و لا یبخس منه شیئاً

۱۶ وجوب املائی اسناد دین و مبادلات نسبه ای با رعایت عدالت ، از سوی ولیّ مدیونِ سفیه یا ضعیف و یا ناتوان از املائی اسناد

فان کان الذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعیفاً او لا یتطیع ان یملّ هو فلیملل ولیّه ب

۲۱ وجوب شاهد گرفتن دو مرد مسلمان و در صورت نبودن آنان ، یک مرد و دو زن مسلمان در ثبت و تنظیم اسناد دیون و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یكونا رجلین فرجل و امراتان

۲۹ وجوب ادای شهادت بر گواهان به هنگام فراخوانی به شهادت

و لا یأب الشّهداء اذا ما دعوا

بنابراینکه <اذا ما دعوا> دعوت برای ادای شهادت باشد؛ یعنی: اذا ما دعوا الی اداء الشّهاده.

۳۰ وجوب تحمّل شهادت بر مؤمنین ، به هنگام استشهاد از آنان

و لا یأب الشّهداء اذا ما دعوا

بنابراینکه <اذا ما دعوا> دعوت برای تحمل شهادت باشد؛ یعنی: اذا ما دعوا الی اداء الشّهاده.

۴۴ لزوم شاهد گرفتن در هنگام داد و ستد هر چند معامله ای نقد و بدون مطالبه باشد .

و اشهدوا اذا تبايعتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢ - بقره - ٢ - ٢٨٣ - ٣،٥

٣ وجوب ردّ امانت به صاحب آن

فليؤدّ الذي أوتمن امانته

وَجُوب رَدِّ عَيْنِ مَرْهُونَهُ بِصَاحِبِ آن

فرهان مقبوضه فان امن بعضكم بعضاً فليؤدّ الذی اوّتمن امانته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۲۱

۲۱ لزوم تقیّه در برابر کافران به هنگام اضطرار

الّا ان تتقوا منهم تقیه

رسول الله (ص): لا ایمان لمن لا تقیه له ؛ قال الله عزّ و جل: <الّا ان تتقوا منهم تقیه >

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۶، ح ۲۴؛ نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۲۵، ح ۸۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۱ - ۵

۵ لزوم پیروی از پیامبر (ص)

قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۲ - ۲

۲ لزوم اطاعت از خدا و رسول

قل اطیعوا الله و الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۳ - ۳

۳ شایستگی های ویژه انبیا، علّت وجوب اطاعت از آنان

قل اطيعوا الله و الرسول .. ان الله اصطفى ادم و نوحاً و ال ابراهيم و ال عمرا

زيرا پس از امر به اطاعت از رسول، برگزیدگی پیامبران مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۲ - ۲

۲ وجوب تبعیت از فرامین رسول خدا (رهبران الهی)

و اطيعوا الله و الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۱۱

۱۱ وجوب فوری

توبه ، پس از ارتکاب گناه *

و سارعوا الی مغفره من ربکم

برخی برآنند که توبه، همان عملی است که موجب مغفرت الهی خواهد شد؛ بنابراین این نظر، امر <سارعوا .. >، لزوم فوری توبه را ایجاب می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۱

۱ وجوب پرداخت اموال یتیم به وی

و اتوا الیتامی اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴ - ۱۰

۱۰ تعیین مهریه در عقد ازدواج ، از اسباب ملکیت

و اتوا النساء صدقاتهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۴

۴ وجوب ردّ اموال یتیمان ، پس از بلوغ جنسی و احراز رشد اقتصادی آنان

و ابتلوا الیتامی .. فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم

مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آیه فوق فرمود: ایناس الرشد حفظ المال.

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶۴، ح ۷، ب ۱۱۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۴، ح ۶۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ وجوب معاشرت پسندیده مردان با همسرانشان

و عاشروهنّ بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۳ - ۹

۹ وجوب پرداخت حقوق کسانی که با آنها پیمان های مالی بسته شده است .

و الذین عقدت ایمانکم فاتوهم نصیبهم

در برداشت فوق، <الذین > مبتدا گرفته شده و جمله <فاتوهم نصیبهم > خبر آن ؛ در نتیجه، <الذین . . .

< از زمره وارثان نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۱،۴

۱ وجوب بازگرداندن امانت ها به صاحبان آن

انّ الله يأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها

۴ وجوب مراعات عدالت و قضاوت

انّ الله يأمرکم . . . و اذا حکمتکم بین الناس ان تحکموا بالعدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۵،۶

۵ وجوب اطاعت از اولوالامر و والیان ، منوط به ایمان ایشان است .

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم

کلمه <منکم> (از میان شما مؤمنان) دلالت دارد که اولوالامر و والیانی اطاعتشان واجب است که مؤمن باشند.

۶ وجوب اطاعت از ولی خدا ، در صورتی است که در چارچوب اصول مشخص شده از جانب خدا و رسول عمل کند .

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم

چون اطاعت از اولوالامر در کنار اطاعت خدا و رسول قرار گرفته، نمی تواند شامل دستوراتی شود که در تضاد با اوامر خدا و رسول است زیرا اطاعت از چنین فرامینی ملازم با اطاعت نکردن از خدا و رسولش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۲

۲ وجوب مراجعه به قرآن و رسول ، برای حل و فصل اختلافات

و اذا قيل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۱ - ۱

۱ وجوب حمل سلاح و ادوات جنگی و کوچ جمعی و یا گروه

گروه ، برای دفاع و نبرد

يا ايها الذين امنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جميعاً

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: خذوا سلاحکم .. الثبات السیرایا و الجمیع العسکر.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۲۵۳؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۱۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۶، ح ۳۹۶، ۳۹۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱، ۲

۱ وجوب جهاد در راه خدا

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه

۲ وجوب جنگ و مبارزه برای رهایی مستضعفان

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه و المستضعفین

مراد از جنگ در راه مستضعفان به قرینه ادامه آیه جنگیدن برای رهایی آنان از چنگال ستمگران است. در برداشت فوق، <المستضعفین> عطف بر <اللّٰه> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۶

۶ وجوب نبرد با یاوران شیطان (کافران و طاغوت ها)

و الذّٰین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّٰغوت فقاتلوا اولیاء الشّیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۱، ۳

۱ وجوب پاسخگویی به تحیت و درود دیگران

و اذا حیّتم بتحیة فحیوا

<تحیة> در اصل به معنای دعا و درخواست سلامتی و طول عمر است و سپس در مطلق دعا به کار رفته است و در عرف اسلامی به معنای سلام کردن و درود فرستادن است.

۳ سلام کردن ، امری پسندیده است و پاسخ به آن ، واجب .

و اذا حیّتم بتحیة فحیوا باحسن

منها او ردّوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۸ - ۳،۶

۳ توانایی ، شرط وجوب هجرت برای مسلمانان تحت ستم (مستضعف)

قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها .. الا المستضعفين ... لا يستطيعون

۶ وجوب هجرت حتی بر زنان و کودکان مانده در سیطره کافران

الا المستضعفين من الرجال والنساء والولدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳ وجوب شکسته خواندن نماز در سفر به هنگام ترس از فتنه دشمن

و إذا ضربتم في الارض فليس عليكم جناح .. ان يفتنكم الذين كفروا

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از چگونگی نماز مسافر فرمودند: ان الله عز وجل يقول: و اذا ضربتم في الارض .. فصار التقصير في السفر واجباً كوجوب التمام في الحضر ...

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۷۸، ح ۱، باب ۵۹، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۲، ح ۵۲۷

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۳،۹

۳ وجوب برپا کردن نماز ، حتی در میدان رزم و شرایط دشوار

و إذا كنت فيهم فاقمت لهم الصلوه

۹ وجوب همراه داشتن سلاح و حفظ هوشیاری و احتیاط ، به هنگام ادای نماز خوف

و ليأخذوا أسلحتهم .. و ليأخذوا حذرهم و أسلحتهم

ظاهراً مراد از ضمير در <ليأخذوا> همان کسانی هستند که به نماز ایستاده اند، نه آن گروهی که مشغول پاسداری هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ -

۵ و جوب برپایی نماز با تمام شرایط و آداب آن ، پس از رفع ترس از ناحیه دشمن

فاذا اطمانتم فاقیموا الصلوه

اقامه نماز به معنای انجام نماز است با تمام شرایط و آداب آن. و از اینکه در نماز خوف تعبیر به اقامه نماز نشده و فرموده: <فلیصلوا>، این معنا تأیید می شود.

۶ و جوب برپایی نماز با تمام شرایط ، پس از سفر و بازگشت به وطن *

فاذا اطمانتم فاقیموا الصلوه

برخی بر آنند که مراد از <اطمانتم> بازگشت به وطن است.

۷ نماز ، وظیفه ای ثابت و واجب برای اهل ایمان

ان الصلوه کانت علی المؤمنین کتباً موقوتاً

<کتاب> به معنای واجب و ثابت است. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر(ع) است که درباره <کتاباً موقوتاً> در آیه فوق فرمود: یعنی مفروضاً ...

کافی، ج ۳، ص ۲۹۴، ح ۱۰ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۵، ح ۵۴۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱

۱ و جوب وفا به تمامی عقد ها و پیمان ها (فردی ، اجتماعی ، بین المللی و پیمان های الهی)

یا ایها الذین ءامنوا اوفوا بالعقود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۴

۲۴ و جوب تسمیه (بردن نام خدا) به هنگام فرستادن سگک تعلیم دیده برای شکار

فكلوا مما امسكن عليكم و اذكروا اسم الله عليه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <علیه> به <ما علمتم من الجوارح> برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید

و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲۱

۲۱ وجوب پرداخت مهریه زنان به خود آنان

و المحصنت من المؤمنت .. إذا ءاتیتموهن اجورهن

<هن> در <ءاتیتموهن>، بیانگر آن است که مهریه زنان را باید به خود آنان پرداخت نه به پدر و برادر و .. آنان اگر این معنا مراد نبود می فرمود: <إذا ءاتیتم اجورهن>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۲۳، ۴۲، ۱۴، ۹، ۸، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم .. و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

۲ تمام اجزای دست ، بین آرنج تا سر انگشتان ، باید برای وضو شسته شود .

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلى المرافق

<الی المرافق> توضیح و توصیف برای <ایدیکم> است، نه قید برای <فاغسلوا>. یعنی دستها را بشوئید و مراد از دستها، دست تا مچ و یا تا کتف نیست بلکه دست تا مرفق مقصود است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام باقر(ع) است که در توضیح آیه فوق فرمود: ... و لیس له ان یدع شیئاً من یدیه الی المرفقین الا- غسله لان الله یقول < فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق > ...

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۷.

۳ مسح قسمتی از سر ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم

برداشت فوق بر این مبنا است که <باء> در

<برءوسکم> برای تبعیض باشد.

۴ مسح پا تا برآمدگی روی آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلى الکعبین

۵ مسح پا تا قوزک های دو طرف آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلى الکعبین

در برداشت فوق <کعب> به معنای قوزک پا گرفته شده است و تشبیه آمدن <کعبین> مؤید این معناست. زیرا هر پا دو قوزک دارد.

۸ وجوب تحصیل طهارت (غسل) بر شخص جنب ، برای خواندن نماز

و إن کنتم جنباً فاطهروا

جمله <ان کنتم ..> عطف بر جمله ای مقدر است و کلام با تقدیر آن چنین می شود: <اذا قمتم إلى الصلوه فتوضوا ان لم تکنوا جنباً و ان کنتم جنباً فاطهروا>. بنابراین غسل مشروط می شود به هنگامی که جنب می خواهد نماز بخواند.

۹ وجوب شستن تمام بدن در غسل

و إن کنتم جنباً فاطهروا

مراد از <فاطهروا> تحصیل طهارت با شستشوی تمام بدن است و اگر عضوی خاص در نظر بود به آن تصریح می شد. چنانچه در وضو و تیمم به اعضای خاص تصریح شده است.

۱۴ وظیفه محدث و جنب در صورت نیافتن آب برای غسل یا وضو ، تیمم است .

او جاء أحد منکم من الغائط او لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا

۲۳ مسح قسمتی از صورت و دست ها ، از واجبات تیمم

فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم منه

<باء> در <وجوهکم> برای تبعیض است و کلمه <ایدیکم> ، به صورت <مجرور> عطف است بر <وجوهکم>. یعنی تنها قسمتی از صورت و قسمتی از دستها باید تیمم شود. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر(ع) است که درباره آیه فوق فرمود: ... فلما

وضع الوضوء ان لم تجدوا الماء اثبت بعض الغسل مسحاً لانه قال <بوجوهكم> ثم وصل بها <وايديكم> ...

کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۶، ح ۷۰.

۴۲ لزوم زدن دو دست بر زمین و مسح پیشانی با آنها و کشیدن کف هر یک از دو دست بر پشت دیگری در تیمم

فلم تجدوا الماء فتمموا صعيداً طيباً فامسحوا بوجوهكم و ايديكم منه

از امام باقر(ع) روایت شده که: پیامبر(ص) بعد از خواندن آیه فوق چنین تیمم نمودند: فضرِب بیده الارض .. ثم مسح یدیه بجبینہ ثم مسح کفیه کل واحد منهما علی الاخری.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۴، ح ۲۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ ضرورت دفن و خاکسپاری مردگان *

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

می توان گفت هدف از آموزش خاکسپاری به قاییل، تنها امداد ویژه خداوند به وی نبوده، بلکه برخاسته از ضرورت دفن مردگان نیز بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱

۱ وجوب بریدن دست دزد

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۲ - ۱

۱ اقامه نماز فرمانی است که آدمیان باید بر آن گردن نهند.

و أمرنا لنسلم لرب العلمین. و أن أقیموا الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۲۰

۲۰ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله: حواء اتوا

حقه یوم حصاده > قال: حقه یوم حصاده علیک واجب و لیس من الزکاه . . .

از امام صادق(ع) درباره آیه <وأتوا حقه یوم حصاده> روایت شده است: پرداخت حق الحصاد در روز درو، بر تو واجب است و این حق، غیر از زکات است . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۰

۱۰ نیکی به پدر و مادر از واجبات و ترک آن از محرّمات الهی است.

أتل ما حرم ربکم علیکم . . . و بالوالدین إحسنا

<احساناً> مصدر و مفعول مطلق است جانشین فعل *ت* یعنی: <أحسنوا بالوالدین إحساناً>. گفتنی است که جمله <ءاتل ما حرم...> بیانگر این است که فزاهای بعد در صدد تبیین محرّمات است، در حالی که جمله <بالوالدین إحساناً> حاکی از وجوب احسان است. بنابراین باید گفت جمله مذکور دلالت بر حرمت ترک احسان نیز دارد و به اصطلاح اصولیان امر در اینجا مقتضی نهی از ضد عامش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۷، ۱۸

۱۷ وجوب پایبند بودن به پیمانهای که خدا بر عهده آدمی نهاده است.

و بعهدالله أوفوا

کلمه <عهد> هم می تواند اضافه به فاعل شده باشد، که در این صورت از <عهدالله> پیمانی است که خدا با انسانها دارد، و هم می تواند اضافه به مفعول شده باشد، که در این صورت مراد از <عهدالله> پیمان است که انسانها به خداوند می سپارند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۸ وجوب پایبندی به پیمانهای که آدمی با خدا دارد.

و بعهدالله أوفوا

برداشت فوق بر

این اساس است که کلمه <عهد> اضافه به مفعولش شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۷

۷ وجوب پیروی از قوانین دین و حرکت در صراط مستقیم الهی

و أن هذا صرطی مستقیماً فاتبعوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۰

۲۰ زکات از واجبات الهی در آیین یهود

و یؤتون الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۱

۱ وجوب گوش فرادادن به قرآن و رعایت سکوت به هنگام شنیدن آن

و إذا قرى القرآن فاستمعوا له و أنصتوا

<استماع> (مصدر استمعوا) به معنای گوش سپردن و <انصات> (مصدر أنصتوا) به معنای سکوت کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۸

۱۸ پیمان بستن با کافران (پیمان عدم تعرض و . . .) امری جایز و پایبندی به آن واجب است .

إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۳، ۱۲

۱۲ آزاد کردن اسیر در صورت توبه و پذیرفتن اسلام ، واجب است .

و خذوهم .. . فإن تابوا ... فخلّوا سبيلهم

۱۳ رفع حصر از محاصره شدگان به دست قوای اسلام ، در صورت پذیرفته شدن اسلام از سوی آنان ، واجب است .

و احصروهم .. . فإن تابوا فخلّوا سبيلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷

۸ وفاداری به پیمان ، مادامی که طرف معاهده بر آن پایبند است ، واجب است .

إِلا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقِيمُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۰

۱۰ وفاداری و التزام به عهد و پیمان ، واجب است .

وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وِلَايَةَ اللَّهِ وَوِلَايَةَ رَسُولِهِ وَوِلَايَةَ الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِ أُولَئِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۴،۵

۴ رعایت حقوق خویشاوندان ، واجب است .

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا

آیه فوق که در توصیف مشرکان است، رعایت نکردن حق خویشاوندان را از خصوصیات مشرکان شمرده و به همین خاطر آنان را انسانهای متجاوز معرفی کرد (هم المعتدون) این توصیف، حکایت دارد که رعایت حق خویشاوندان امری لازم است.

۵ وفاداری و التزام به عهد و پیمان ، واجب است .

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وِلَايَةَ اللَّهِ وَوِلَايَةَ رَسُولِهِ وَوِلَايَةَ الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِ أُولَئِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۳

۳ ممانعت از نزدیک شدن مشرکان به مسجدالحرام ، بر اهل ایمان واجب است .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمَشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ انفاق دارایی ها در راه جنگ و جهاد ، واجب و امتناع ورزیدن از آن ، در پی دارنده عذاب دردناک دوزخ است .

و الذين يكتزون الذهب و الفضة و لا ينفقونها في سبيل الله فبشرهم بعذاب أليم

برداشت فوق با توجه به این حقیقت است که آیه شریفه به

دنبال آیات مربوط به جنگ و قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۲

۲ شرکت در جهاد و پیکار با دشمنان اسلام ، وظیفه تمامی مسلمانان ، هر چند فاقد امکانات و تجهیزات کافی نظامی باشند .

انفروا خفافاً و ثقلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱،۲

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقة للفقراء والمساكين والعملین علیها

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقة . . . و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّٰه و ابن ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۸

۱۸ اطاعت از دستورات رسول خدا در فرمان های حکومتی و . . . همانند اطاعت از خدا لازم است .

و یطیعون اللّٰه و رسوله

جدا آمدن اطاعت رسول از اطاعت خدا، مشعر به متفاوت بودن مواد و موضوعات مورد دستور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ پلیدی شدید منافقان جهادگریز ، ملاک وجوب اعراض و روی گردانی از آنان

فأعرضوا عنهم إنهم رجس

<إنهم رجس> در مقام تعلیل حکم به اعراض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۵

۵ وفای

به عهد ، واجب است .

إلا عن موعده وعدّها إياه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۰ - ۱

۱ خداوند ، انسان ها را به رعایت عهد ها و پیمانهای ملزم ساخته است .

الذین یوفون بعهد الله

<عهد> به معنای پیمان است و مراد از <عهدالله> (پیمان خدا) می تواند وظایف و تکالیفی باشد که خداوند آنها را بر عهده انسانها گذاشته است و می تواند مراد از آن تعهداتی باشد که آدمی خویشتن را ملتزم به رعایت آن کرده است و به گونه ای \$ همانند سوگند به خدا و .. آنها را به خداوند مرتبط کرده است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۱

۱ خداوند به برقرار کردن پیوندهایی فرمان داده و رعایت آنها را بر آدمیان واجب کرده است .

والذین یصلون ما أمر الله به أن یوصل

<أن> مصدریه و <أن یوصل> بدل برای ضمیر در <به> است. مراد از <ما أمر الله ...> پیوندهایی نظیر صله رحم، پیوند ولایت میان اهل ایمان، پیوند ولایت میان پیشوایان بر حق و امت اسلامی و... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱،۵

۱ خداوند انسان ها را به عهد ها و پیمانهای ملزم ساخته است .

والذین ینقضون عهد الله

مراد از <عهد الله> چنان چه در آیه ۲۰ گذشت عهدها و پیمانهای است که خداوند با انسانها دارد و یا عهدها و پیمانهای است که آدمیان با خداوند می بندد.

خداوند به برقرار کردن پیوندهایی فرمان داده و رعایت آنها را بر آدمیان واجب کرده است .

والذین .. یقطعون ما أمر الله به أن یوصل

برای توضیح عبارت <ما أمر الله> به آیه ۲۱ ذیل برداشت شماره ۱ رجوع شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۴ - ۵

۵- صراحت و قاطعیت در بیان اصول و مبانی دین ، امری لازم و تکلیفی واجب بر رهبران اسلامی

فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۱

۱- وجوب پابندی انسان ، به عهد ها و میثاق های خود با خداوند

و أوفوا بعهد الله إذا عهدتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۴،۱۶

۴- بر هر کسی واجب است به پدر و مادر خویش احسان کند .

و قضی ربک .. بالولدین إحسنًا

تنوین <إحسانًا> برای تعظیم است و <ال> در <والدین> برای استغراق افرادی است و شامل والدین هر مکلفی می شود.

۱۶- برخورد عاطفی و مؤدبانه ، با پدر و مادر و تکریم آنان به هنگام سخن گفتن با ایشان ، تکلیفی برعهده فرزندان

فلاتقل لهما أف .. و قل لهما قولاً کریمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۹،۱۲، ۶، ۱

۱- ادای حق خویشاوندان ، امری واجب و لازم است .

و عات ذالقربی حقّه

۶- پرداخت حق مساکین و در راه ماندگان ، امری لازم و واجب است .

و عات .. و المسکین و ابن السبیل

۹- رسیدگی

به مشکلات خویشاوندان حتی در صورت عدم مسکنت و در راه ماندگی آنان، امری لازم و واجب است.

و ءات ذالقربی حقه و المسکین و ابن السبیل

ذکر <ذالقربی> به صورت جداگانه، می تواند إشعار به مطلب فوق داشته باشد.

۱۲- رعایت اعتدال در انفاق و پرهیز از زیاده روی در آن، لازم و واجب است.

و ءات .. و لاتبذّر تبذیرًا

مورد برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از تبذیر (زیاده روی) به مناسبت مورد آیه زیاده روی در انفاق به خویشاوندان و مستمندان باشد؛ چنان که در مورد مصرف اموال شخصی در زندگی و انفاق به دیگران در همین سوره (آیه ۲۹) چنین دستوری صادر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۲

۲- پرهیز از هرگونه زمینه ای که موجب کشیده شدن انسان به زنا شود، لازم و واجب است.

و لاتقربوا الزنی

اینکه خداوند، به جای <لاتزنوا> <زنا نکنید> فرمود: <لاتقربوا الزنی> (به زنا نزدیک نشوید)، می تواند برای توجه دادن به این نکته باشد که نه تنها عمل زنا ممنوع است؛ بلکه باید از عملی که در نهایت منجر به ارتکاب آن می شود و از زمینه های گرایش به فحشاست، نیز پرهیز کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۳، ۱۵

۳- پرهیز از هرگونه امری که موجب حیف و میل مال یتیم و تصرف به ناحق در آن شود، واجب و لازم است.

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

۱۵- وفای به عهد و

پیمان ، لازم و واجب است .

و أوفوا بالعهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۱

۱- وجوب کامل کردن پیمان و کم نگذاشتن از آن ، در معاملات کیلی

و أوفوا الكيل إذا كلتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۷ - ۲

۲- پرهیز از هرگونه تکبر و خوشی و سرمستی افراطی ، امری لازم و واجب است .

و لاتمش فی الأرض مرحاً

برداشت یاد شده، بر این اساس است که مراد از <لاتمش> احتمال دارد رفتار باشد که شامل همه حالت‌های انسان می شود و نه راه رفتن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۳

۳- نماز ظهر ، اولین نماز از نماز های واجب است .

أقم الصلوه لدلوك الشمس

از اینکه در بیان اوقات نمازهای پنجگانه، ابتدا زوال خورشید مطرح شد، می تواند گویای این حقیقت باشد که اولین نماز واجب، نماز ظهر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲۲

۲۲- وفای به نذر واجب است .

إِنِّي نذرت للرحمن . . . فلن أكلّم اليوم إنسيًّا

چنانچه مریم(ع) با وجود نذر، حق سخن گفتن داشت، نذر او نمی توانست نزد مردم عذر قطعی برای سکوت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۶

۶ - وجوب ذکر نام خدا، به هنگام نحر کردن شترانی قربانی

فاذكروا اسم الله عليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴

۳ - وجوب برهنه بودن بدن نسبت دهندگان زنا به زنان ، به هنگام اجرای کیفر (قذف) بر آنان

والذین یرمون المحصنت ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۵

۵ - تأمین نیازمند های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، بر اغنیا و ثروتمندان واجب است .

ولا یأتل أولوا الفضل منکم والسعه أن یؤتوا أولى القربی و المسکین و المهجری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۵

۵ - پوشاندن عورت و شرمگاه خویش از دید دیگران ، بر مردان واجب و کشف آن حرام است .

قل للمؤمنین .. یحفظوا فروجهم

<فرج> و <فرجه> در اصل به معنای شکاف میان دو شیء است ؛ ولی در اصطلاح متعارف به معنای عورت و شرمگاه می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۵

۵ - پوشاندن عورت و شرمگاه خویش از دید دیگران ، بر زنان واجب و کشف آن ، حرام است .

و قل للمؤمنت یغضضن من أبصرهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۶ - ۲،۹

۲ - نماز و زکات ، از مهم ترین و با ارزش ترین فریضه ها و احکام الهی

وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

برداشت فوق با توجه به اختصاص به ذکر یافتن نماز و زکات، پس از بیان اعمال صالح

که نماز و زکات نیز جزء آنها می باشد قابل استفاده است.

۹ - > ابراهیم بن عبدالحمید عن أبي الحسن قال : سألته عن صدقه الفطر أواجهه هي بمنزله الزكاه فقال : هي ممّا قال الله : > أقيموا الصلوه و آتوا الزكاه < هي واجبه ... ;

ابراهیم بن عبدالحمید گوید: از امام رضا(ع) پرسیدم: آیا زکات فطره به منزله زکات واجب است؟ فرمود: زکات فطره، از همان زکاتی است که خداوند فرموده: > .. و آتوا الزکاه < و آن واجب است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۱ - ۵

۵ - وجوب اقامه نماز ، در مکه تشریح شده است .

و أقيموا الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۸

۸ - شکر و سپاس در برابر نعمت های الهی ، امری لازم و واجب

أفلايشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۶

۶- فرمان های صادر شده از شخص پیامبر (ص) ، همانند فرمان های وحی واجب الاتباع است . *

أطيعوا الله و أطيعوا الرسول

فرمان به اطاعت رسول(ص)، پس از فرمان به اطاعت از خدا بدون هیچ قید و تمایز بیانگر معنای یادشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۱

۱ - انفاق در راه خداوند ، وظیفه ای واجب بر مؤمنان

و ما لكم ألا تنفقوا في سبيل الله

خطاب در آیه شریفه، متوجه مؤمنان و استفهام در <ما لكم> توبیخی است. توبیخ مؤمنان

از سوی خداوند، به خاطر کوتاهی آنان در امر انفاق، بیانگر واجب بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۴

۴ - اطاعت از فرمان های پیامبران واجب است .

قال نوح ربّ إنهم عصونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۸

۸ - خداوند ، محکوم هیچ فرمانی نبوده و فرمان او لازم الاجرا است .

الله الصمد

<صمد>؛ یعنی، بزرگواری که فرمان او مطاع باشد و بدون خواست او کاری فیصله نیابد. (لسان العرب). و هیچ فرمان دهنده و نهی کننده ای، بر او تفوق نیابد. (مجمع البیان)

آثار اجتماعی ترک واجبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۵

۵- گناه ترک واجبات از سوی فرد ، دارای پیامد های ناگوار اجتماعی

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض

واژه <فی الأرض>، می رساند که فساد روی گردانان از دین و تکالیف الهی، محدود و منحصر در قلمرو وجود خودشان نیست؛ بلکه همچون بیماری مسری در بستر جامعه شیوع می یابد.

آخرین واجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵۴

۵۴ ولایت علی (ع) ، آخرین فریضه نازل شده از سوی خداوند

اليوم اكملت لكم دينكم

امام باقر(ع): امر الله عزوجل رسوله بولاية علي(ع) . . . و كانت الولاية اخر الفرائض فانزل الله عزوجل >اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي < يقول الله عزوجل: ... قد اكملت لكم الفرائض.

كافي، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴؛ نورالثقلين، ج

۱، ص ۵۸۷، ح ۲۵.

اقسام واجبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۶،۷

۶ جهاد، از واجبات کفایی

و ما كان المؤمنون لينفروا كافة

۷ تفقه در دین و شناخت عمیق و تبلیغ و نشر آن، از واجبات کفایی است.

فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم

ترك واجبات مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۵

۱۵ نپرداختن حقوق واجب مالی اسراف است.

و اتوا حقه يوم حصاده... و لاتسرفوا إنه لايحب المرفين

واجب کفایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۳

۱۳- وجوب کفایی حضور جمعی از مؤمنان و گواهی آنان به وقت اجرای حد زنا

الزانية و الزانى فاجلدوا... و ليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين

کفایی بودن وجوب حضور در صحنه اجرای حد از کلمه <طائفة> که به معنای گروه است استفاده می شود؛ زیرا اگر واجب عینی می بود، می بایست آیه شریفه چنین می آمد: <و ليشهد عذابهما المؤمنون>.

واجب موقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۲

۲- نماز، از تکالیفی است که دارای وقت و ساعات تعیین شده و مخصوص می باشد.

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلی غسق الیل و قرءان الفجر

واجبات تیمم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۳۱، ۳۰

۳۰ مسح قسمتی از صورت و دست ها

، از واجبات تیمم

فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم

چون ماده <مسح> بدون واسطه حرف جرّ می تواند مفعول داشته باشد، بنابراین آوردن <باء> بر کلمه <وجوه> برای تبعیض است. و <ایدیکم> نیز به دلیل مجرور بودن، حکم <وجوه> را در تبعیض داراست.

۳۱ وجوب تقدیم مسح صورت بر دست ها در تیمم

فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم

تقدم ذکری <وجه> بر <ایدی>، دلالت بر تقدم آن در انجام تیمم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۲۳،۴۲

۲۳ مسح قسمتی از صورت و دست ها، از واجبات تیمم

فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم منه

<باء> در <وجوهکم> برای تبعیض است و کلمه <ایدیکم>، به صورت <مجرور> عطف است بر <وجوهکم>. یعنی تنها قسمتی از صورت و قسمتی از دستها باید تیمم شود. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر(ع) است که درباره آیه فوق فرمود: ... فلما وضع الوضوء ان لم تجدوا الماء اثبت بعض الغسل مسحاً لانه قال <بوجوهکم> ثم وصل بها <و ایدیکم> ...

کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۶، ح ۷۰.

۴۲ لزوم زدن دو دست بر زمین و مسح پیشانی با آنها و کشیدن کف هر یک از دو دست بر پشت دیگری در تیمم

فلم تجدوا الماء فتمموا صعيداً طيباً فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم منه

از امام باقر(ع) روایت شده که: پیامبر(ص) بعد از خواندن آیه فوق چنین تیمم نمودند: فضرِب بیده الارض .. ثم مسح یدیه بجبینہ ثم مسح کفیه کل واحد منهما علی الاخری.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۴، ح ۲۷.

واجبات حج

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۶

۶ - قربانی کردن پس از حضور در عرفات و مشعر، از مناسک واجب حج

و یدکروا اسم الله... علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱،۴

۱ - وجوب تقصیر و بیرون آمدن از احرام، پس از انجام مراسم قربانی

و یدکروا اسم الله... ثم لیقضوا تفثهم

<قضاء> (مصدر <یقضون>) به معنای بریدن و جدا کردن است. <تفث> یعنی، غبار و چرکی که بر بدن می نشیند. بنابراین <ثم لیقضوا تفثهم> یعنی، حاجیان پس از انجام مراسم قربانی، با تراشیدن سر و گرفتن ناخن که به خاطر محرم بودن، نمی توانستند انجام دهند خود را تمیز کنند و این کنایه از بیرون شدن از احرام است.

۴ - وجوب طواف، پس از تقصیر و خروج از احرام

ثم لیقضوا تفثهم... و لیطوفوا

واجبات حد زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۳

۱۳ - وجوب کفایی حضور جمعی از مؤمنان و گواهی آنان به وقت اجرای حد زنا

الزانیه و الزانی فاجلدوا... و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

کفایی بودن وجوب حضور در صحنه اجرای حد از کلمه <طائفه> که به معنای گروه است استفاده می شود زیرا اگر واجب عینی می بود، می بایست آیه شریفه چنین می آمد: <ولیشهد عذابهما المؤمنون>.

واجبات در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

۷ وجوب نهی از منکر در ادیان پیشین

فلولا كان من القرون من قبلکم أولوا بقیه ینهون عن الفساد

واجبات در دین یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲۰

۲۰ زکات از واجبات الهی در آیین یهود

و یؤتون الزکوه

واجبات ذبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۴

۴ - وجوب ذبح یا نحر قربانی ، به طرف کعبه

ثم محلها إلى البيت العتيق

<محل> اسم مکان و مشتق از مصدر <حلول> است. <حلول> نیز به معنای نزول و فرود آمدن است و <حلّ بالمکان>؛ یعنی، در آن جا فرود آمد. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: <جایی که دام های قربانی فرود می آیند، به طرف کعبه است.> مقصود این است که دام های قربانی، وقتی به قربانگاه رسیدند و در آن جا برای ذبح و نحر آماده شدند، باید به سوی کعبه باشند. گفتنی است که ذکر کیفیت قربانی کردن و این که دام ها باید به طرف کعبه ذبح و نحر بشوند، می تواند بدان جهت باشد که مشرکان عصر بعثت، دام ها را به طرف بت هایی که در منا نصب شده بود قربانی می کردند.

واجبات غسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۱۶

۱۶ ضرورت شستن تمامی بدن ، برای تحقق غسل

حتی تغتسلوا

تعیین نکردن اعضایی خاص برای غسل در مقابل تصریح به مواضع تیمم، بیانگر آن است که در غسل باید تمامی بدن شسته شود.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۹

۹ وجوب شستن تمام بدن در غسل

و إن كنتم جنباً فاطهروا

مراد از <فاطهروا> تحصیل طهارت با شستشوی تمام بدن است و اگر عضوی خاص در نظر بود به آن تصریح می شد. چنانچه در وضو و تیمم به اعضایی خاص تصریح شده است.

واجبات غیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۲۱

۲۱ وجوب وضو ، غسل و تیمم ، وجوب غیری است .

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ایدیکم فلم تجدوا ماء فتیمموا

با توجه به اینکه وضو و ... را برای نماز، واجب کرده است، وجوب غیری از آن استفاده می شود.

واجبات کفایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۶،۷

۶ جهاد ، از واجبات کفایی

و ما كان المؤمنون لينفروا كافة

۷ تفقه در دین و شناخت عمیق و تبلیغ و نشر آن ، از واجبات کفایی است .

فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم

واجبات لعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۷ - ۱

۱ - وجوب درخواست لعنت خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی شوهری که زنش را به زنا متهم کرده است .

و الخمسه أنّ لعنت الله عليه إن كان من الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۹ - ۱

۱ - وجوب

درخواست غضب خدا به عنوان پنجمین سوگند ، پس از ادای چهار سوگند ، از سوی زن متهم به زنا از جانب شوهرش

والخمسه أنّ غضب الله عليها إن كان من الصديقين

واجبات مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۲، ۱

۱ پیکارگران مسلمان باید خمس غنایم جنگی به دست آمده را بپردازند .

أما غنمتم من شيء فأن لله خمس

از مصادیق مورد نظر برای <ما غنمتم> به دلیل وقوع آن در بین آیات جنگ، چیزهایی است که از دشمن گرفته می شود که به آن غنایم جنگی اطلاق می گردد.

۲ باید خمس (یک پنجم) استفاده های مالی ، هر چند اندک باشد ، پرداخت شود .

و اعلموا أنما غنمتم من شيء فأن لله خمس

<غنم> مصدر <غنمتم> به معنای به دست آوردن فایده است. راغب در مفردات می گوید: غنم به معنای به دست آوردن گوسفندان بوده و سپس در مورد هر چیزی که بدان دست یافته شود، استعمال شده است؛ چه در جنگ از دشمنان به دست آید و یا از طریق دیگری. <من شيء> بیان و توضیحی است برای <ما>ی موصوله و دلالت می کند بر اینکه باید خمس آن فایده به دست آمده، هر چند اندک باشد، پرداخت شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ > عن أبي عبد الله (ع) قال: إن الله عزوجل فرض للفقراء في أموال الأغنياء فريضة... و مما فرض الله عزوجل أيضاً في المال من غير الزكاة قوله عزوجل

: > الذین یصلون ما أمر الله به أن یوصل < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خداوند عزوجل برای فقرا در اموال اغنیا حقوقی را واجب کرده است .. و از جمله چیزهایی که خداوند غیر از زکات در ثروت واجب نموده، سخن خداوند است که فرموده: الذین یصلون ما أمر الله به أن یوصل...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۷

۱۷- > عن أبي عبدالله (ع) قال: ... و لكن الله عزوجل فرض في أموال الأغنياء حقوقاً غير الزكاة ... و قد قال الله عزوجل: > ينفقوا مما رزقناهم سراً و علانیه < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: .. ولی خداوند عزوجل در اموال ثروتمندان، حقوقی را به غیر از زکات واجب کرده است ... و خداوند عزوجل فرموده: ينفقوا مما رزقناهم سراً و علانیه...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - > عن أبي عبدالله (ع) قال إن الله عزوجل ... فرض في أموال الأغنياء حقوقاً غير الزكاة فقال عزوجل: > ... أقرضوا الله قرضاً حسناً < و هذا غير الزكاة < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که خدای عزوجل .. در اموال صاحبان ثروت، حقی غیر زکات واجب نموده... و فرموده است: >...أقرضوا الله قرضاً حسناً< و این <قرض حسن< غیر از زکات است...<.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۴ - ۳

۳ - وجود احکام اقتصادی و واجب مالی جدا از فریضه زکات و خمس و پیش از آن در شریعت اسلام

و الذین فی أموالهم حقّ معلوم

برداشت یاد شده، به جهت این نکته است که بنا به گفته همه مفسران، این آیه پیش از فریضه زکات و خمس نازل شده است.

واجبات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۲،۱۸

۲- نماز شب ، تکلیفی واجب بر پیامبر (ص) علاوه بر سایر واجبات

و من الّیل فتهجّد به نافلة لك

با توجه به معنای لغوی <نافله> که به معنای زیادت بر واجب است؛ (مفردات راغب) و نیز لام اختصاص <لك> نکته یاد شده قابل استفاده است.

۱۸- > عن عمار الساباطی قال : کنا جلوساً عند ابي عبد الله (ع) بمنی فقال له رجل : ما تقول فی النوافل ؟ فقال : فریضه قال : ففرعنا و فرع الرجل ، فقال : أبو عبد الله (ع) : إنما أعنی صلاه اللیل علی رسول الله (ص) ان الله یقول : > و من الّیل فتهجّد نافلة لك < ;

عمار ساباطی گوید: در منی نزد امام صادق(ع) نشسته بودیم، شخصی به حضرت گفت: در باره نافلة ها چه می گوئید؟ حضرت فرمود: واجب هستند. راوی گوید: ما و آن مرد سؤال کننده برآشفتم، پس حضرت فرمود: منظور من نماز شب است که بر رسول خدا واجب بود. همانا خداوند می فرماید: و من الّیل فتهجّد به نافلة لك <.

واجبات وضو

جلد - نام

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ایدیکم ... و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

۲ تمام اجزای دست ، بین آرنج تا سر انگشتان ، باید برای وضو شسته شود .

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلى المرافق

<الی المرافق> توضیح و توصیف برای <ایدیکم> است، نه قید برای <فاغسلوا>. یعنی دستها را بشوئید و مراد از دستها، دست تا مچ و یا تا کتف نیست بلکه دست تا مرفق مقصود است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام باقر(ع) است که در توضیح آیه فوق فرمود: ... و لیس له ان یدع شیئاً من یدیه الی المرفقین الا- غسله لان الله یقول < فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق > ...

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۷.

۳ مسح قسمتی از سر ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم

برداشت فوق بر این مبنا است که <باء> در <برءوسکم> برای تبعیض باشد.

۴ مسح پا تا برآمدگی روی آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلى الکعبین

۵ مسح پا تا قوزک های دو طرف آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلى الکعبین

در برداشت فوق <کعب> به معنای قوزک پا گرفته شده است و تشبیه آمدن <کعبین> مؤید این معناست. زیرا هر پا دو قوزک دارد.

۳۹ لزوم شستن صورت در وضو از رستنگاه مو تا چانه و در پهنا به اندازه ای که

ما بین انگشت شصت و وسطی قرار می گیرد .

فاغسلوا وجوهکم

از امام باقر(ع) در بیان مقداری از صورت که خداوند دستور شستن آن را در وضو داده است روایت شده: الوجه الذی امر الله بغسله .. ما دارت السبابه و الوسطی و الابهام من قصاص الشعر الی الذقن

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۱۶.

وارث از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وارث

پاداش عمل خیر وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۴

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا..>، جمله ای مانند <من الذی تأخرونه إلى الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

تجاوز به حقوق وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ هشدار خداوند به کسانی که نسبت به پرداخت حقوق ورثه کوتاهی می نمایند .

و لكل جعلنا موالی .. ان الله کان علی کل شیء شهیداً

جمله <ان الله> می تواند به منظور تهدید کسانی باشد که احکام الهی را عمل نمی کنند و حقوق بیان شده در آیه شریفه را به اهل آن نمی رسانند.

حقوق وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷ - ۸،۹

۸ سهام تعیین شده در

میراث ، حقّ وارثان است ؛ چه ما ترک میّت اندک باشد و چه فراوان

لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا قَلَّ مِنْهُ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا قَلَّ مِنْهُ وَ لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا قَلَّ مِنْهُ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا قَلَّ مِنْهُ

۹ لزوم دقت در تقسیم ارث و پرهیز از تضييع حقوق وارثان

لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا قَلَّ مِنْهُ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا قَلَّ مِنْهُ وَ لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا قَلَّ مِنْهُ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا قَلَّ مِنْهُ

تصریح به اینکه هر چند مال اندک باشد، وارثان باید در آن سهیم باشند و بهره خویش را ببرند، دلالت بر اهمیت مسأله ارث و لزوم دقت در پرداخت سهام دارد.

مالکیت وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۰

۱۰ - وصیت برای پرداخت مال به وارثان ، جایز و دارای اعتبار قانونی است .

الوصیه للولدین و الأقربین

مسئولیت وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۲۴،۲۵،۳۵،۳۹،۴۲

۲۴ وارثان پدر باید تأمین مخارج زنیکه فرزند میّت را شیر می دهد ، بر عهده بگیرند .

و علی الوارث مثل ذلک

ظاهر این است که مراد از <وارث>، وارثان پدر کودک هستند.

۲۵ وارثان پدر نباید به فرزند شیرخوار مورث با عدم رعایت حقوق وی ضرر بزنند .

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده و علی الوارث مثل ذلک

جمله <و علی الوارث مثل ذلک>، تمامی تکالیفی را که پدر کودک باید نسبت به او رعایت کند، بر عهده وارث پدر گذاشته که از جمله، عدم اضرار به کودک (لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده) است.

۳۵ لزوم رعایت تقوا از سوی مادر، پدر، وارثان پدر و دایه نسبت به حقوق متقابل

و الوالدات یرضعن . . . و اتقوا الله

خطاب اصلی در <اتقوا الله>، متوجه کسانی است که آیه شریفه آنها را به وظایف و رعایت حقوقی مکلف کرد؛ یعنی پدر، مادر و دایه و وارثان پدر.

۳۹ خداترسی و توجه به آگاهی او، عامل رعایت مصالح نوزادان و مسائل مربوط به شیردهی آنان از سوی پدر، مادر، وارثان پدر و دایه

و الوالدات یرضعن . . . و اتقوا الله

۴۲ وارث پدر حق ندارد با جدا کردن طفل از مادر، به مادر زیان رساند.

و علی الوارث مثل ذلک

امام صادق (ع): .. لا ینبغی للوارث ان یضارّ المرأه فیقول لادع ولدها یأتیها ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۳۸۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۸۸۶.

وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۳

۳- خداوند، یگانه وارث همه موجودات است.

و نحن الورثون

وارث آثار باستانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ - تنها خدا وارث آثار به جا مانده (زمین، باغ، خانه و...) از جوامع هلاک شده پیشین

و کم أهلکنا من قریه . . . و کنا نحن الورثین

وارث آل یعقوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۸

۸- یحیی (ع) ، وارث حضرت زکریا (ع) و خاندان یعقوب بود .

یرثنی و یرث من ءال یعقوب . . . یزکریا إنا نبشرك بغلم اسمه یحیی

وارث انسان ها

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۱

۱- خداوند ، تنها وارث تمامی زمین و زمینیان است .

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا

وارث داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۱

۱ - سلیمان ، وارث مقام ، امکانات و دارایی های داوود

و ورث سلیمان داود

با توجه به آیه قبل (ما داوود و سلیمان را به نحو یکسان از علم ویژه برخوردار کردیم) باید اذعان کرد که مراد از حورث سلیمان داود < چیزی از قبیل علم موهبتی نیست. علاوه بر این، علوم موهبتی همانند نبوت برخلاف علوم اکتسابی اصولاً قابل انتقال نیست.

وارث زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۸

۸- یحیی (ع) ، وارث حضرت زکریا (ع) و خاندان یعقوب بود .

یرثنی و یرث من ءال یعقوب . . . یزکریا إنا نبشرك بغلم اسمه یحیی

وارث زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۱

۱- خداوند ، تنها وارث تمامی زمین و زمینیان است .

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا

وارث موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۳

۳- خداوند ، یگانه وارث همه موجودات است .

و نحن الورثون

وارث میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۳ - ۷، ۴، ۲، ۱

۱ خداوند برای هر کس وارثانی تعیین نموده است .

و لکلّ

<موالی>، جمع کلمه <مولی>، یعنی آنان که دارای حق اولویّت هستند، و مراد از آن در آیه شریفه به قرینه <مّمّا ترک>، وارثان می باشند.

۲ اموالی که پدر و مادر و خویشان باقی می گذارند، دارای وارثانی معین

و لکلّ جعلنا موالی ممّا ترک الوالدان و الاقربون

در برداشت فوق، <الوالدان و الاقربون>، فاعل برای <ترک> گرفته شده است.

۴ پدر و مادر و خویشان، وارثان میت

و لکلّ جعلنا موالی ممّا ترک الوالدان و الاقربون

فاعل <ترک> در برداشت فوق، ضمیری است که به <کلّ> برمی گردد و <الوالدان و الاقربون>، خبر برای ضمیری محذوف است که به موالی برمی گردد؛ یعنی آن وارثان، پدر و مادر و خویشان میت هستند. لازم به تذکر است که <مّمّا ترک> متعلق به فعل مقدر (یرثون) می باشد.

۷ زن و شوهر، وارث یکدیگر *

و لکلّ جعلنا موالی . . . و الذین عقدت ایمانکم

برخی برآنند که مراد از پیمان در آیه شریفه، پیمان زناشویی است که منطبق بر زن و شوهر می شود.

وارثان

{وارثان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۳

۳ برادران و خواهران میت از جمله وارثان وی

قل الله یفتیکم فی الکله . . . و ان کانوا اخوه و رجالا و نساء

مراد از برادران و خواهران در این آیه بنا به گفته تمامی مفسران خواهر و برادر پدر و مادری و خواهر و برادر پدری است، و

سهام خواهر و برادر مادری در آیه ۲۱ از همین سوره تبیین شده است.

ارزش وارثان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۱۴

۱۴- وارث صالح و شایسته ، نعمتی بزرگ و گوهری ارزشمند است .

یرثنی . . واجعله ربّ رضیاً

اهمیت وارثان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۱

۱- زکریا (ع) ، از درگاه خداوند ، برای خویش و خاندان حضرت یعقوب ، وارثی تمنا می کرد .

یرثنی و یرث من ءال یعقوب

گرچه <یعقوب> را ، برخی بر <یعقوب بن ماثان> عموی همسر زکریا و حضرت مریم (س) تطبیق داده اند ولی بیشتر مفسران وی را همان <یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم> می دانند.

پاداش وارثان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۳

۳ - پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنت عدن یدخلونها

درخواست وارثان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۱

۱- دعای زکریا در طلب وارثی صالح ، مستجاب گردید .

إِنَّا نَبْشُرُكَ بِغَلْمٍ

مراد از وارثان زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۴

۱۴- > عن أبي جعفر (ع) قال: قوله عزّوجلّ: < أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ > هم أصحاب المهدي [في]
آخرالزمان ;

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ: < أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ > روایت شده که فرمود: آنان یاوران
حضرت مهدی(عج) در آخرالزمان می باشند.

نعمت وارثان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۱۴

۱۴- وارث صالح و شایسته ، نعمتی بزرگ و گوهری ارزشمند است .

یرثنی . . . واجعله ربّ رضیاً

نگرانی از وارثان بد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶ - ۲

۲- زکریا (ع) ، نگران قرار گرفتن میراث وی و همسرش در اختیار ناهلان بود .

فهب لی من لدنک ولیّاً . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

وارثان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۱

۱- بندگان تقوایبیشه خداوند ، وارثان بهشت اند .

تلك الجنة التي نورث من عبادنا من كان تقياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۷

۷- بشارت خداوند به وراثت بهشت برای بندگان صالح خویش

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <الأرض> بهشت باشد، چنان که در برخی از آیات به صراحت چنین آمده است: <و أورثنا الأرض ننبؤاً من الجنة حيث نشاء فنعم أجر العاملين> (سوره زمر (۳۹) آیه ۷۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰ - ۱

۱ - مؤمنان راستین ، تنها وارثان بهشت

قد أفلح المؤمنون .. أولئك هم الورثون

<أولئك> مبتدا و اشاره به مؤمنانی است که دارای صفات یاد شده در آیات پیشین (آیات ۲ تا ۹) هستند. <الوارثون> خبر مبتدا و <ال> در آن برای تعریف عهد ذهنی یا اسم موصول و به تقدیر <الذین یرثون> می باشد. به هر حال <الوارثون> بیانگر

این معنا است که کسانی که به عنوان میراث بر بهشت خوانده می شوند، این دسته از مؤمنان اند. گفتنی است که ضمیر <هم> می تواند ضمیر فصل و مفید حصر باشد (رساننده این معنا که مسند (الوارثون)، تنها برای مسندالیه ثابت است) و نیز می تواند مبتدا و <الوارثون> خبر آن و جمله <هم الوارثون> خبر <أولئك> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان راستین ، وارثان بهشت اند .

الذین یرثون الفردوس

<الذین> در محل رفع و صفت توضیحی (عطف بیان) است و یا بدل برای <الوارثون> می باشد. <فردوس> واژه ای معرب و به معنای بوستان است که در این جا به جای <الجنة> به کار رفته است؛ چون با این که مذکر می باشد، به آن ضمیر مؤنث (فیها) ارجاع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۴،۵

۴ - بهشت جاویدان ، میراث تقوایندگان

و أورثنا الأرض ننبؤاً من الجنة

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقوایندگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض ننبؤاً من الجنة

وارثان زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱،۸

۱- به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح ، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که: ۱ الف و لام <الزبور> برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع)

باشد؛ چنان که در آیه ۱۶۳، سوره <نساء> آمده است (و آتینا داوود زبوراً)؛ ۲ مقصود از <الذکر> تورات باشد؛ چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده است (انبیا، آیه ۴۸)؛ ۳ <من بعد الذکر> متعلق به <کتبنا> باشد.

۸- وراثت زمین برای صالحان، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد کتبنا .. أن الأرض یرثها عبادی الصالحون

وارثان سرزمین قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۴

۴ خداوند، حضرت نوح (ع) و تمام کسانی را که با او در کشتی بودند، جانشین غرق شدگان و وارث سرزمین آنان قرار داد.

فنجینه و من معه فی الفلک و جعلنهم خلف و أغرقنا الذین کذبوا

وارثان سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۲

۲ - بنی اسرائیل، وارث سرزمینی آباد و برخوردار از باغ ها و چشمه سار ها، پس از خارج شدن آنان از مصر

کذلک و أورثنا بنی إسرءیل

ضمیر <ها> در <أورثناها> به مطلق <جنات> بازمی گردد؛ نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسرائیل را که در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد

و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدسه التي كتب الله لكم>، (مائده (۵) آیه ۲۱).

وارثان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ - انتخاب مسلمانان برای وراثت قرآن و بهره مند شدن از آموزه های آن ، فضل بزرگ خداوند به آنان است .

ثمَّ أورثنا الكتب الذين اصطفينا .. ذلك هو الفضل الكبير

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <ذلك> به <اصطفاء> و <ایراث کتاب> (مستفاد از جمله <أورثنا الكتاب الذين اصطفينا>) اشاره داشته باشد.

وارثان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۵

۵ وارثان کتاب های آسمانی باید از دلبستگی به مظاهر ناپایدار دنیا پیراسته باشند و از چنگ اندازی به مال و منال دنیا از راه های ناصواب پرهیزند .

ورثوا الكتب يأخذون عرض هذا الأذنی

والدین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

والدین

آثار احسان به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲

۲- احسان به پدر و مادر ، همواره مورد توجه موحدان و مایه دست یابی آنان به بهشت

جزاء بما كانوا يعملون . و وصینا الإنسن بولدیه إحسنًا

بیان <وَصِّينَا الْإِنْسَانَ..> در پی <جزاء بماكانوا يعملون> بیانگر این ارتباط است که یکی از وظایف مورد عمل یکتاپرستان، احسان به پدر و مادر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱،۷

۱- احسان به والدین ، روحیه شکر ، توبه ، صلاح جویی و تسلیم ، شرط پذیرش تمام اعمال نیک انسان به

درگاه خدا

أولئك الذين نتقبل عنهم أحسن ما عملوا

مراد از <أحسن..> می تواند اعمال واجب و مستحب در قبال اعمال مباح باشد. که در این صورت از ارتباط دو آیه استفاده می شود که اگر کسی از روحيات یاد شده برخوردار بود اعمال نیک او (واجب و مستحب) پذیرفته می شود.

۷- احسان به والدین ، روحیه شکر و صلاح جویی برای خود و آیندگان ، مؤثر در شمول عفو الهی نسبت به انسان

و وصينا الإنسن .. أوزعني أن أشكر ... و أن أعمل صلحا ترضيه و أصلح لي في ذرّ

آنچه در آیه قبل به عنوان احسان به والدین و .. یاد شده است؛ در حقیقت عامل اصلی برای اغماض خداوند از سیئات انسان می باشد. واژه <أولئك> این ارتباط تنگاتنگ را برقرار کرده است.

آثار بداخلاقی با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۵

۱۵- انسان بد رفتار با پدر و مادر و ناباور به وعده های الهی ، فاقد رشد و کمال *

ألك الذين نتقبل .. و الذي قال لولديه أفّ ... ما هذا إلا أسطير الأولين

با توجه به مقابله <والذي قال..> با <أولئك الذين نتقبل...>، به دست می آید که بد رفتاران با والدین و ناباوران به دین، در حقیقت از رشد و خرد بی بهره اند.

آثار پیری والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۳، ۱۰

۱۰- کهولت و به سن پیری رسیدن والدین ، عامل سنگین تر شدن وظایف فرزند نسبت به آنها

إما يبلغنّ عندك الكبر

أحدهما أو كلاهما فلا تقل لهما أفّ ولا تنهرهما وقل لهما قو

۱۳- پدران و مادران در سن پیری و سالخوردگی ، در معرض بی احترامی از سوی فرزندان هستند .

إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ .. فَلَاتَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ وَلَا تُنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

خطاب مطلق احسان به والدین، شامل هر والدینی در هر سن و سالی می شود. ذکر <إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ> ممکن است جهت یادآوری نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۲

۲- ضعف و سالخوردگی پدر و مادر ، زمینه ابتلای فرزند به غرور و سرکشی است .

إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ .. وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ

تذکر خداوند برای رعایت حال پدر و مادر در حال پیری، احتمال دارد به خاطر وجود زمینه لغزش و تکبر فرزندان در این فصل از زندگی پدر و مادر باشد.

آثار دعای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ تأثیر مثبت و سازنده دعای پدر و مادر ، در حق فرزندان خود و در سرنوشت و سعادت آنان

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ

آثار زندگی با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۲

۱۲- حضور پدر و مادر نزد فرزند ، در پی دارنده مسؤولیت فزون تر برای فرزند

إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ

<عندك الكبر> ممکن است إشعار به این حقیقت داشته باشد که اگر پدر و مادر پیش فرزندان زندگی کنند، مسؤلیت نگه

داری

آنان بیشتر شده و از هرگونه حرمت شکنی - هر چند به گفتن <أَفَّ> - باید پرهیز شود.

آثار شرک والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۵

۵ - شرک پدر و مادر و انحراف آنها از ادیان الهی ، مجوز کشتن فرزندان آنان نیست .

و إذا الموءودة سئلت . بأی ذنب قتلت

آیه شریفه ناظر به رفتاری است که برخی از مشرکان عصر بعثت با دختران خود داشتند. محکومیت این رفتار، حاکی از مصونیت جان فرزندان آنان است.

آثار عمل والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۰ - ۷

۷ - تأثیر رفتارها و مواضع فردی و اجتماعی پدران و مادران ، بر رفتار و مواضع فرزندان و نسل های آینده

فهم علی ءاثرهم یهرعون

آثار نیکی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۴

۴- نیکی به پدر و مادر ، زمینه ساز رشد و تکامل معنوی انسان *

و زکوه . . . و برّاً بولدیه

همان گونه که <و کان تَقِيّاً> تعلیل برای <و حناناً من لدنا و زکاه> بود، <برّاً بوالدیه> نیز که عطف بر <کان> می باشد، همان موقعیت را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- تقوا، احسان به پدر و مادر، پرهیز از سلطه جویی و عصیان، زمینه ساز فرجامی سرشار از سلامت و امنیت کامل است.

بَرًّا بولدیه و لم یکن جَبَّارًا عَصِيًّا . و سلم علیه یوم

ولد و یوم یموت و یوم یبعث

آداب تکلم با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۶

۱۶- برخورد عاطفی و مؤدبانه ، با پدر و مادر و تکریم آنان به هنگام سخن گفتن با ایشان ، تکلیفی برعهده فرزندان

فلاتقل لهما أفّ .. و قل لهما قولاً کریمًا

آداب ورود به اتاق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۱، ۳، ۱

۱ - پدر و مادر ، وظیفه دارند که آداب و چگونگی ورود به اتاق و محل استراحت خود را به فرزندان نابالغ خویش بیاموزند .

يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَذْنِكُمَ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَنُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ث

فعل امر <ليستذنکم> هر چند در ظاهر متوجه بردگان و فرزندان نابالغ است ولی به قرینه این که خطاب <يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا> متوجه پدران و مادران مؤمن است و نیز چون فرزندان نابالغ مکلف نیستند تا بشود به آنان امر و نهی کرد، از این رو این امر متوجه اولیای فرزندان خواهد بود که آنان باید محتوای این دستور را به فرزندان خویش بیاموزند.

۳ - فرزندان نابالغ ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت پدر و مادرشان به وقت برهنگی و خلوت آنان ، اجازه بگیرند .

ليستذنکم .. الذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلث مَرّت ... ثلث عورت لکم

۱۱ - رفت و آمد فرزندان به اتاق پدر و مادر ، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر ، وقت استراحت نیمروزی و پس از نماز عشا ، بدون اذن جایز است .

ليستذنکم

... و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۹ - ۱،۲

۱ - کودکان ، به مجرد رسیدن به سن بلوغ ، باید برای ورود به اتاق خلوت و خوابگاه پدر و مادرشان در همه اوقات ، اذن بگیرند .

لیستندنکم ... و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلث مرّت ... و إذا بلغ الأطفل منکم

۲ - کودکان ، به مجرد رسیدن به سن بلوغ ، باید برای ورود به اتاق و محل سکونت پدر و مادرشان از آنان اذن بگیرند .

و إذا بلغ الأطفل منکم الحلم فلیستندنوا کما استئذن الذین من قبلهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از <الذین من قبلهم> افراد بالغی باشند که تکلیف آنان در آیه ۲۷ و ۲۸ ذکر شده است؛ یعنی، همان گونه که بزرگسالان باید برای ورود به اتاق و منزل مسکونی افراد اجازه بگیرند، اطفالی که به سن بلوغ رسیده اند نیز، باید اذن بطلبند؛ هر چند اهل خانه و ساکنان منازل، پدر و مادر آنان باشند.

اجتناب از بی احترامی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۲

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه

احترام به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء -

۱۶- برخورد عاطفی و مؤدبانه ، با پدر و مادر و تکریم آنان به هنگام سخن گفتن با ایشان ، تکلیفی برعهده فرزندان

فلاتقل لهما أفّ . . . و قل لهما قولاً كريماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱۴، ۱۳، ۱۰

۱- فرزندان در برابر والدین خویش باید از سر مهربانی و ترحم ، تواضع و فروتنی کامل بکنند .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

<من> در <من الرحمه> نشویه است؛ یعنی، خفض جناح و تواضع، باید ناشی از رحمت و مهربانی به آنان باشد.

۳- ترحم و مهربانی به پدر و مادر ، از وظایف فرزند است .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

۱۴- < عن أبي ولادالحناط قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزّوجلّ : . . . > و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه < قال : لا تملأ عينيك من النظر إليهما إلا برحمه و رقه و لا ترفع صوتك فوق أصواتهما و لا يدك فوق أيديهما و لا تقدم قدامهما ;

ابی ولاد حناط گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ . . . > و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه < سؤال کردم، حضرت فرمود: به پدر و مادر نگاه مکن مگر با رأفت و مهربانی و صدایت را بیش از صدای آنان بالا مبر و دست خودت را بالای دست آنان قرار مده و [در راه رفتن و...از آنان پیشی مگیر].<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱

۱ - سفارش خداوند به انسان ، برای رعایت حقوق و حرمت پدر

۳ - احسان به پدر و مادر، خویشان، یتیمان و درماندگان، از جمله پیمان‌های خداوند با بنی اسرائیل

و إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ

>إِحْسَانًا> مفعول مطلق برای فعل محذوف >تحسنون> یا >احسنوا> می باشد. کلمات >ذی القربى و ...> عطف بر >الوالدین> است.

۱۳ - نیکی کردن به پدر، مادر، یتیمان و مساکین از وظایف ضروری اهل ایمان است .

و بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتْمَىٰ وَ الْمَسْكِينِ

فرمانهای موجود در آیه، هر چند که به عنوان میثاقهای خدا با بنی اسرائیل مطرح شده است، ولی بیان آن در قرآن نشانه این است که: عمل کردن به آن فرمانها وظیفه همگان خصوصاً اهل ایمان است.

۱۴ - احسان به پدر و مادر، از مهمترین تکلیف‌های اجتماعی اهل ایمان است .

لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا

از آن جا که احسان به پدر و مادر پس از لزوم پرستش خدا بیان شده است، اهمیت خاص آن معلوم می شود.

۱۷ - یکتا پرستی و احسان به والدین، خویشان، یتیمان و درماندگان، از مصادیق اعمال شایسته است .

و عَمَلُوا الصَّلٰحٰتِ .. لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا ... وَ الْمَسْكِينِ

آیه مورد بحث در حقیقت تفسیری برای آیه پیشین و بیان مصادیقی از >الصالحات> می باشد.

۲۸ - ابی ولاد حناط می گوید: > سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

> و بالوالدین احساناً < ما هذا الاحسان؟ فقال: الاحسان ان تحسن صحبتها و ان لاتکلفهما ان یسألاک شیئاً مما یحتاجان الیه و ان کانا مستغنین... >

از امام صادق(ع) از آیه <و بالوالدین احساناً> سؤال نمودم که این احسان چیست؟ امام فرمود: احسان [به پدر و مادر] آن است که با آنان خوشرفتار باشی و کاری نکنی که آنان مجبور شوند از تو چیزی که نیاز دارند درخواست کنند ولو اینکه مستغنی باشند...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۴

۴ خدمت فرزند به مادر، حق طبیعی مادر، و قابل گذشت از سوی او

ربّ ائی نذرت لک ما فی بطنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۱۹، ۱۵، ۹، ۷، ۶

۶ ضرورت احسان و نیکی فرزندان به پدر و مادر خویش

و بالوالدین احساناً

۷ جایگاه ویژه احسان به پدر و مادر

و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین احساناً

امر به احسان پس از فرمان به عبادت خدا، حاکی از اهمیت خاص احسان به پدر و مادر در پیشگاه خداوند است.

۹ اولویت احسان به پدر و مادر، بر احسان به خویشان

و بالوالدین احساناً و بذی القربی

۱۵ ضرورت احسان به ایتم و اولویت دادن به آنان، پس از پدر، مادر و خویشان

و بالوالدین احساناً و بذی القربی و الیتامی

۱۹ احسان به پدر، مادر، خویشان، همسایگان و زبردستان، زمینه جلب محبت الهی

و بالوالدين احساناً . .. انّ الله لا

يحب من كان مختالاً فخوراً

از مصادیق مورد نظر برای <مختالاً- فخوراً>، ترک احسان به پدر، مادر و ... می باشد. در نتیجه ترک احسان مانع محبت الهی و احسان عامل جلب آن خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۲۵، ۲۸، ۳۱ - ۱۰

۱۰ نیکی به پدر و مادر از واجبات و ترک آن از محرّمات الهی است.

أتل ما حرم ربکم علیکم ... و بالوالدین إحسناً

<احساناً> مصدر و مفعول مطلق است جانشین فعل *ت* یعنی: <أحسنوا بالوالدین إحساناً>. گفتمی است که جمله <ءاتل ما حرم ...> بیانگر این است که فزاهای بعد در صدد تبیین محرّمات است، در حالی که جمله <بالوالدین إحساناً> حاکی از وجوب احسان است. بنابراین باید گفت جمله مذکور دلالت بر حرمت ترک احسان نیز دارد و به اصطلاح اصولیان امر در اینجا مقتضی نهی از ضد عامش است.

۲۵ کناره گیری از شرک، احسان به پدر و مادر و پرهیز از کشتن فرزندان، از سفارشهای خداوند به انسانها

ألا تشرکوا به شیئا ... ذلکم وصیکم به

۲۸ تعالیم پنجگانه (اجتناب از شرک، احسان به والدین و ..) تعالیمی مطابق با عقل

ذلکم وصیکم به لعلکم تعقلون

۳۱ عن أبي ولاد الحنات قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل: <و بالوالدین احساناً> ما هذا الاحسان؟ فقال: الاحسان ان تحسن صحبتهم و ان لاتکلفهما ان یسألاک شیئا مما یحتاجان الیه و ان کانا مستغنین ...

ابو ولاد گوید: از امام صادق (ع) درباره این سخن خداوند <و بالوالدین احساناً> سؤال کردم، فرمود: احسان آن است که با آن دو

به نیکی رفتار کنی و به دشواری درخواست از تو، در مورد نیازمندیهایشان ناچار نسازی، اگر چه از نظر امکانات مالی بی نیاز باشند . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۲

۲ نیکی به پدر و مادر، عدالت در داد و ستد، پایبند بودن به پیمانهای الهی و به عدل سخن گفتن، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

و بالوالدین إحساناً . . . و أن هذا صراطي مستقيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۴،۷،۲۰

۴- بر هر کسی واجب است به پدر و مادر خویش احسان کند .

و قضی ربّک . . . بالوالدین إحساناً

تنوین <إحساناً> برای تعظیم است و <ال> در <والدین> برای استغراق افرادی است و شامل والدین هر مکلفی می شود.

۷- مؤحد واقعی ، خدمتگزار و احسان کننده به پدر و مادر است .

و قضی ربّک ألاّ تعبدوا إلاّ إیّاه و بالوالدین إحساناً

۲۰- < و قال الصادق (ع) : قوله تعالى < و بالوالدین إحساناً > قال : الوالد محمد (ص) و علی (ع) ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند متعال <و بالوالدین إحساناً> فرمود: مراد از پدر، محمد(ص) و علی(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۳

۳- نیات ، انگیزه ها و افکار آدمی در عبادت خداوند و احسان به پدر و مادر ، تحت نظارت کامل خداوند است .

و قضی ربّک ألاّ تعبدوا إلاّ إیّاه و بالوالدین إحساناً . . . و اخفض لهما

جناح الذلّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۲

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذلک ممّا أوحى إليك ربّک من الحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۳،۱

۱ - خداوند به انسان ها ، برای احسان به والدین شان ، توصیه کرده است .

و وصّینا الإنسن بولدیه حسنًا

۳ - فرزندان ، موظف اند به پدر و مادرشان ، احسان کنند و از آنان ، اطاعت نمایند ، هرچند مشرک باشند .

و وصّینا الإنسن بولدیه حسنًا وإن جهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلاتطعهما

از اطلاق <والدی> استفاده می شود که به والدین، در هر آیینی باشند، باید احسان شود و هیچ قیدی وجود ندارد که اطلاق را مقید سازد. گفتنی است <إن جهداک لتشرک بی> قرینه است بر این که نهی <لاتطعهما> مربوط به دعوت به شرک آنان است و نه سایر جهت ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲۳،۶

۶- انسان ، مکلف به رعایت هر چه بیشتر حقوق والدین و احسانی فراتر از رفع نیاز های اولیه آنان *

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

در واژه <إحسانًا>، نوعی خدمت فزون تر از حد ضرورت نهفته است. به علاوه تنوین <إحسانًا> بر بزرگی و تفخیم دلالت دارد.

۲۳- به یاد داشتن پدر و مادر به هنگام نیایش ، از احسان فرزند

به ایشان

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا .. قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

با توجه به این که احسان به والدین، نکته بارز این آیه به شمار می رود و در صدر آن قرار دارد، می توان چنین استفاده کرد که سایر بخش های آیه نیز، به نوعی با احسان به والدین در ارتباط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۱۳

۱۳ انفاق به پدر و مادر پیش از درخواست ایشان ، راه دستیابی به پاداش نیک خداوند

لن تنالوا البر حتى تنفقوا ممّا تحبون

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از معنای احسان در آیه <و بالوالدین احسانا> فرمود: و ان لا تکلفهما ان یسئلاک شیئا ممّا یحتاجان الیه و ان کانا مستغنین الیس یقول الله عزّ و جل <لن تنالوا البر حتى تنفقوا ممّا تحبون .. >.

کافی، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۱ / بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۹، ح ۷۸.

احسان به والدین در ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۴

۴- انسان ها در همه ادیان آسمانی ، موظف به رعایت حقوق والدین و احسان به ایشان

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا

ماضی آمدن واژه <وَصَّيْنَا> و نیز اطلاق و شمول واژه <الإنسان>، می رساند که این فرمان مخصوص نسل یا امتی نیست؛ بلکه مطلق انسان ها مأمور به آن بوده و هستند.

احسان به والدین مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۸ - ۳

۳ - فرزندان ،

موظف اند به پدر و مادرشان ، احسان کنند و از آنان ، اطاعت نمایند ، هر چند مشرک باشند .

و وصّينا الإنسن بولديه حسناً وإن جهداك لتشرك بي ما ليس لك به علم فلاتطعهما

از اطلاق <والدی> استفاده می شود که به والدین، در هر آیینی باشند، باید احسان شود و هیچ قیدی وجود ندارد که اطلاق را مقید سازد. گفتنی است <إن جهداك لتشرك بي> قرینه است بر این که نهی <لاتطعهما> مربوط به دعوت به شرک آنان است و نه سایر جهت ها.

ارزش احترام به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۴

۴- تواضع دلسوزانه و از سر مهربانی برای پدر و مادر ، دارای ارزش است نه تواضع به انگیزه های دیگر .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

ارزش احسان به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۵

۵- احسان به پدر و مادر ، دارای اهمیت و ارزشی بس مهم ، پس از پرستش خداوند

و قضی ربك ألا تعبدوا إلا إياه و بالولدين إحسنًا

از اینکه خداوند احسان به پدر و مادر را پس از دعوت به عبادت خالصانه خویش قرار داده است، نکته یاد شده استفاده می شود.

ارزش تواضع برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۴

۴- تواضع دلسوزانه و از سر مهربانی برای پدر و مادر ، دارای ارزش است نه تواضع به انگیزه های دیگر .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

ارزش دعای والدین

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲۹

۲۹- ارزش دعای پدر و مادر برای صلاح فرزند

و أصلح لی فی ذرّیتی

ارزش مهربانی با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۴

۴- تواضع دلسوزانه و از سر مهربانی برای پدر و مادر، دارای ارزش است نه تواضع به انگیزه های دیگر .

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

ارزش نیکی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۲

۲- نیکی و احسان به پدر و مادر، دارای ارزش والا، نزد خداوند

و برّاً بولدیه

ارزش والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۳۰

۳۰ منفعت فرزندان نسبت به میت، در مقایسه با والدین، نزدیکتر و بیشتر است . *

اباء وکم و ابناؤکم لاتدرون ایّهم اقرب لکم نفعاً

چنانچه ملاک ارث بیشتر، نفع رسانی افزونتر وارث باشد، فزونی سهم فرزند بر سهم والدین نشانه سودمندتر بودن آنان خواهد

بود.

استغفار برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۷،۱۲

۷ - مقدم داشتن خویش بر پدر و مادر و آنان بر اعضای خانواده و اینان بر دیگر زنان و مردان مؤمن در آمرزش خواهی از درگاه الهی ، کاری پسندیده و شایسته

رَبِّ اغْفِرْ لِي و لَوْلَدِي و لِمَن دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا و لِلْمُؤْمِنِينَ و الْمُؤْمِنَاتِ

۱۲ - دعا و آمرزش خواهی برای پدر و مادر ، اعضای خانواده و عموم

مردان و زنان مؤمن ، عملی پسندیده و شایسته

ربّ اغفر لی و لولدئ . و للمؤمنین و المؤمنات

استغفار برای والدین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۳

۳ - آمرزش خواهی نوح (ع) ، از درگاه الهی برای پدر و مادر خود

ربّ اغفر ... و لولدئ

استمداد والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۹

۹- پدر و مادر با ایمان ، در کنار استمداد از خداوند برای هدایت فرزند خویش ، رهنمود های لازم را به او ارائه می دهند .

و هما یستغیثان الله و یلکء امن انّ وعد الله حقّ

استیذان از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۲۵، ۳

۳- فرزندان نابالغ ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت پدر و مادرشان به وقت برهنگی و خلوت آنان ، اجازه بگیرند .

لیستئذنکم .. الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرّات ... ثلاث عورت لکم

۲۵ - > عن أبی عبد الله (ع) فی قول الله عزّوجلّ : یا أيّها الذین آمنوا لیستئذنکم الذین ملکت أیمانکم والذین لم یبلغوا

الحلم منکم ثلاث مرّات < قیل : من هم ؟ فقال : هم المملوکون من الرجال و النساء و الصبیان الذین لم یبلغوا الحلم ;

امام صادق(ع) در پاسخ این سؤال که مراد از > الذین ملکت أیمانکم و الذین لم یبلغوا الحلم منکم < چه کسانی اند؟ فرمود:

آنان بردگان اند؛ چه غلامان [باشند] و چه کنیزان و کودکانی که

به سن بلوغ نرسیده اند. ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۹ - ۱،۲

۱ - کودکان ، به مجرد رسیدن به سن بلوغ ، باید برای ورود به اتاق خلوت و خوابگاه پدر و مادرشان در همه اوقات ، اذن بگیرند .

ليستئذنکم . . . و الذین لم يبلغوا الحلم منکم ثلث مرّت ... و إذا بلغ الأطفل منکم

۲ - کودکان ، به مجرد رسیدن به سن بلوغ ، باید برای ورود به اتاق و محل سکونت پدر و مادرشان از آنان اذن بگیرند .

و إذا بلغ الأطفل منکم الحلم فليستئذنوا كما استئذن الذین من قبلهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از <الذین من قبلهم> افراد بالغی باشند که تکلیف آنان در آیه ۲۷ و ۲۸ ذکر شده است؛ یعنی، همان گونه که بزرگسالان باید برای ورود به اتاق و منزل مسکونی افراد اجازه بگیرند، اطفالی که به سن بلوغ رسیده اند نیز، باید اذن بطلبند؛ هر چند اهل خانه و ساکنان منازل، پدر و مادر آنان باشند.

اطاعت از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۴

۴ - پدر و مادر ، بر فرزندان حق اطاعت کردن دارند .

و إن جهداک لتشکرک بی . . . فلا تطعهما

اطاعت از والدین مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - پیروی از پدر و مادری که مسیرشان خدایی است ، لازم است .

و صاحبهما فی الدنيا . . . و اتّبع سبیل من أناب

من.. < اشاره دارد به این که اگر والدین به سوی خدا حرکت می کنند، از آنان تبعیت کن و گرنه از کسی که دارای چنین صفتی است، پیروی بنما.

انفاق به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۵،۷

۵ لزوم توجه به والدین و مقدم داشتن آنها در انفاق

فللوالدین و الاقربین و الیتامی

۷ والدین ، خویشاوندان ، یتیمان ، فقرا و در راه ماندگان ، به ترتیب از موارد مصرف انفاق هستند .

فللوالدین و الاقربین و الیتامی و المساکین و ابن السبیل

انقیاد والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۲

۲- پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

<طغیان> یعنی <بی اندازه در معصیت پیش رفتن> . (مفردات راغب).

اهانت به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۶

۱۶- اهانت به پدر و مادر ، در شأن منکران معاد و نه معتقدان به حقانیت وعده های خداوند *

الذی قال لولدیہ أفّ لکما أتعداننی أن أخرج .. ما هذا إلاّ أسطیر الأولین

آیات پیشین، حاوی سفارش خداوند در زمینه احسان به والدین بود و در مقابل، در این آیه به دو صفت ناشایست اشاره شده است: ۱ بی احترامی به والدین، ۲ انکار معاد. از قرین آمدن این دو نکته می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

اهمیت احترام به والدین

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۴، ۱۵، ۱۶

۱۴- هرگونه پرخاش و اهانت به پدر و مادر، حتی در حد گفتن < اُف >، ممنوع است.

فلاتقل لهما أُفّ

۱۵- فرزندان موظفند به خواسته های پدر و مادر کهنسالشان پاسخ مثبت داده و هرگز از تأمین آن خواسته ها دریغ نکنند.

ولا تنهرهما

<نهر> در لغت به معنای منع و زجر است (لسان العرب).

۱۶- برخورد عاطفی و مؤدبانه، با پدر و مادر و تکریم آنان به هنگام سخن گفتن با ایشان، تکلیفی برعهده فرزندان

فلاتقل لهما أُفّ .. و قل لهما قولاً کریمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱، ۱۳

۱- فرزندان در برابر والدین خویش باید از سر مهربانی و ترحم، تواضع و فروتنی کامل بکنند.

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

<من> در <من الرحمه> نشویه است، یعنی، خفض جناح و تواضع، باید ناشی از رحمت و مهربانی به آنان باشد.

۱۳- تربیت فرزندان در دامان پر مهر پدر و مادر، نعمتی بس بزرگ و شایسته قدردانی و موجب استحقاق هرگونه احسان و

احترام از سوی فرزند به آنان

و بالوالدین إحسنًا .. و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه و قل ربّ ارحمهما کما ر

برداشت فوق با توجه به این نکته است که خداوند در تعلیم شیوه دعا کردن فرزندان برای پدر و مادرشان، مسأله تربیت

والدین آنان را یادآور شد (کما ربّیانی صغیراً).

اهمیت احسان به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - احسان به پدر و مادر ، دارای اهمیتی برتر در قیاس با احسان به دیگران

و بالوالدین إحساناً

تقدیم <والدین> بر <ذی القربی و...> تصریح به کلمه <احساناً> در مورد آنان و نیاوردن آن در آخرین معطوف (مساکین)، حکایت از برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۱

۱۱ اهمیت خاص نیکی به پدر و مادر در میان تکالیف الهی

ألا تشرکوا به شیئا و بالوالدین إحسنا

آوردن جمله <و بالوالدین إحساناً> پس از بیان مهمترین اصل اعتقادی (توحید)، برای رساندن اهمیت ویژه این امر، یعنی <لزوم نیکی به پدر و مادر>، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۵

۵- احسان به پدر و مادر ، دارای اهمیت و ارزشی بس مهم ، پس از پرستش خداوند

و قضی ربک ألا تعبدوا إلا إیاه و بالوالدین إحسناً

از اینکه خداوند احسان به پدر و مادر را پس از دعوت به عبادت خالصانه خویش قرار داده است، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱۳

۱۳- تربیت فرزندان در دامن پر مهر پدر و مادر ، نعمتی بس بزرگ و شایسته قدردانی و موجب استحقاق هرگونه احسان و احترام از سوی فرزند به آنان

و بالولدين إحسنًا و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه و قل ربّ ارحمهما كما ر

برداشت فوق با توجه به این نکته است که خداوند در تعلیم شیوه دعا کردن فرزندان برای پدر و مادرشان، مسأله تربیت

والدین آنان را یادآور شد (کما ربّیانی صغیراً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱،۴

۱- سفارش خداوند به انسان ها ، در مورد نیکی به پدر و مادر

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

۴- انسان ها در همه ادیان آسمانی ، موظف به رعایت حقوق والدین و احسان به ایشان

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

ماضی آمدن واژه <وصّینا> و نیز اطلاق و شمول واژه <الإنسان>، می رساند که این فرمان مخصوص نسل یا امتی نیست؛ بلکه مطلق انسان ها مأمور به آن بوده و هستند.

اهمیت اطاعت از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - پیروی از پدر و مادری که مسیرشان خدایی است ، لازم است .

و صاحبهما فی الدنيا .. و اتّبع سبیل من أناب

<و اتّبع سبیل من ..> اشاره دارد به این که اگر والدین به سوی خدا حرکت می کنند، از آنان تبعیت کن و گرنه از کسی که دارای چنین صفتی است، پیروی بنما.

اهمیت حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۶

۶- پدر و مادر ، دارای بالاترین و مهم ترین حق ، در میان مجموعه حقوق انسان ها بر یکدیگر

و قضی ربّک .. بالولدین إحسنًا

از اینکه خداوند در مقام بیان حقوق متقابل گروههایی از انسانها، حق والدین را مقدم بر همه آنها و پس از حق خویش قرار داده است، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- رعایت حقوق خویشاوندان پس از ادای حق والدین ، بر سایر حقوق اجتماعی ، اولویت دارد .

و بالوالدین إحسنًا .. وءات ذاللقربی حقه و المسکین

فاصله شدن <حقه> میان <ذاللقربی> و دو مورد بعد و نیز تقدمش بر آن دو، می تواند إشعار به تمایز <ذی القربی> و اولویت مرتبه آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۴،۶

۴- انسان ها در همه ادیان آسمانی ، موظف به رعایت حقوق والدین و احسان به ایشان

و وصینا الإنسن بولدیه إحسنًا

ماضی آمدن واژه <وصینا> و نیز اطلاق و شمول واژه <الإنسان>، می رساند که این فرمان مخصوص نسل یا امتی نیست؛ بلکه مطلق انسان ها مأمور به آن بوده و هستند.

۶- انسان ، مکلف به رعایت هر چه بیشتر حقوق والدین و احسانی فراتر از رفع نیاز های اولیه آنان *

و وصینا الإنسن بولدیه إحسنًا

در واژه <إحسانًا>، نوعی خدمت فزون تر از حد ضرورت نهفته است. به علاوه تنوین <إحسانًا> بر بزرگی و تفخیم دلالت دارد.

ایمان والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۲

۲- پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

<طغیان> یعنی <بی اندازه در معصیت پیش رفتن>. (مفردات راغب).

ایمان والدین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - پدر و مادر

حضرت نوح (ع) مؤمن بودند .

و لولدئ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نوح(ع) در دعای خود درباره غیر پدر و مادر، قید مؤمن بودن را آورده؛ ولی پدر و مادر خویش را بدون این قید یاد کرده است.

بنی اسرائیل و حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لا تعبدون إلا الله و بالوالدین احساناً .. ثم تولیتم إلا قليلاً منکم

پیری والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۵

۱۵- فرزندان موظفند به خواسته های پدر و مادر کهنسالشان پاسخ مثبت داده و هرگز از تأمین آن خواسته ها دریغ نکنند .

و لاتنهرهما

<نهر> در لغت به معنای منع و زجر است (لسان العرب).

تأمین نیازهای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۵

۱۵- فرزندان موظفند به خواسته های پدر و مادر کهنسالشان پاسخ مثبت داده و هرگز از تأمین آن خواسته ها دریغ نکنند .

و لاتنهرهما

<نهر> در لغت به معنای منع و زجر است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۶

۶- انسان ، مکلف به رعایت هر چه بیشتر حقوق والدین و احسانی فراتر از رفع نیاز های اولیه آنان *

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِإِحْسَانًا

در واژه <إِحْسَانًا>، نوعی خدمت فزون

تراز حد ضرورت نهفته است. به علاوه تنوین <إحساناً> بر بزرگی و تفخیم دلالت دارد.

تساوی حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۷

۱۷- حضور هر یک از پدر و مادر سالخورده به تنهایی و یا هر دوی آنها نزد فرزند، تأثیری در مقدار احترام به آنها نداشته و هر دو از حقوق مساوی برخوردارند.

و بالوالدین إحساناً إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا

تشکر از زحمات والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۹

۹- درخواست رحمت از پروردگار برای پدر و مادر، ادای گوشه ای از زحمت های بی دریغ آنان است.

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

<کما> حرف تشبیه مجازی و به معنای <لما> است؛ یعنی، خداوند! به آنان ترحم کن به خاطر آنکه آنان مرا با زحمتهای خود پرورش داده اند.

تشکر از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۷

۷- فرزندان باید همواره به زحمات تربیتی پدر و مادر خویش، توجه داشته باشند.

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

دستور خداوند به یادآوری زحمات تربیتی پدر و مادر به وقت دعا، می تواند آموزنده حقیقت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - خداوند، فراخوان انسان هابه سپاسگزاری در برابرش و تشکر از والدین

أن اشكرلى و لولدىك

۱۶ - تشکر از والدین و رعایت حقوق آنها، نباید انسان را از شکرگزاری

به درگاه خداوند ، باز دارد .

أَنْ اشكرلى و لولدىك

از این که در میان توصیه به رعایت حال و حقوق والدین و تشکر و قدردانی از آنها، یادآوری می کند که <مرا سپاس بگوئید!>، احتمال دارد برای توجه دادن به نکته بالا باشد.

تضییع حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لا تعبدون إلا الله و بالوالدین احساناً .. ثم تولیتم إلا قلیلاً منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۵، ۱۸

۱۵ - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین و نیازمند به تذکر است .

و وصینا الإنسن بولدیه .. أن اشكرلى و لولدىك

۱۸ - هشدار الهی به انسان ها ، درباره تضییع حقوق والدین

أَنْ اشكرلى و لولدىك إلیّ المصیر

جمله <إلیّ المصیر> پس از توصیه به رعایت حال والدین و فرمان به سپاسگزاری از آنها، ناظر به این نکته است که انسان ها، در صورت رعایت نکردن توصیه و فرمان یاد شده، مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

تقصیر در حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- انسان ها حتی صالحان ، در معرض لغزش و کوتاهی نسبت به حقوق پدر و مادرند .

و اخفض لهما جناح الذلّ .. ربّکم أعلم ... إن تكونوا صلحین فإنه کان للأویین غفو

تکریم زحمات والدین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۵

۱۵- توجه به نعمت های الهی و ارج نهادن به زحمات والدین ، از نمود های رشد عقلی و کمال وجودی انسان در چهل سالگی

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ

خداوند، سن چهل سالگی را به عنوان زمینه و مقدمه توجه انسان به پروردگار و شکر نعمت ها و تقدیر از والدین دانسته است. این مطلب نشانگر آن است که انسان به طور طبیعی، در این سن به دلیل کمال وجودی و یا رشد قوای عقلانی، به ارزش ها می اندیشد.

تواضع برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱

۱- فرزندان در برابر والدین خویش باید از سر مهربانی و ترحم ، تواضع و فروتنی کامل بکنند .

و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه

<من> در <من الرحمه> نشویه است، یعنی، خفض جناح و تواضع، باید ناشی از رحمت و مهربانی به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۷

۷- خداوند خواهان تواضع و رحمت قلبی فرزندان به پدر و مادر است و نه صرفاً خدمات ظاهری به آنان

و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه .. رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نَفْسِكُمْ

خداوند در آیات قبل دستور به احسان به والدین و فروتنی از سر رحمت در برابر آنها را داده است و در این آیه می فرماید:

<به نیات درونی شما آگاهی دارد>. ذکر آگاهی به نیات پس از دستور یاد شده،

می تواند به این منظور باشد که: فروتنی باید خالصانه و قلبی باشد و نه ظاهری.

توبه از بی احترامی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- بی حرمتی به پدر و مادر و کوتاهی در رعایت حقوق آنان ، گناه و نیازمند توبه است .

و اخفض لهما .. فانه كان للأولين غفورًا

حتمیت عذاب اذیت کنندگان والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۱

۱- کافران گستاخ در برابر خداوند و پدر و مادر ، محکوم به عذاب حتمی الهی

و الذی قال لولدیة أفّ .. ما هذا إلا أسطیر الأولین . أولئک الذین حقّ علی

مشارالیه <أولئک> کسی است که به پدر و مادر <أفّ> گفته و وعده الهی را <أساطیر> خوانده است.

حرمت اهانت به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۴

۱۴- هرگونه پرخاش و اهانت به پدر و مادر ، حتی در حد گفتن < أفّ > ، ممنوع است .

فلاتقل لهما أفّ

حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۸

۲۸- ابی ولاد حنط می گوید : > سألت ابا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل > وبالوالدين احساناً < ما هذا الاحسان؟
فقال: الاحسان ان تحسن صحبتهم و ان لاتكلفهما ان يسألاک شیئاً مما يحتاجان اليه و ان كانا مستغنین . . . ;

از امام صادق(ع) از آیه >

بالوالدین احساناً > سؤال نمودم که این احسان چیست؟ امام فرمود: احسان [به پدر و مادر] آن است که با آنان خوشرفتار باشی و کاری نکنی که آنان مجبور شوند از تو چیزی که نیاز دارند درخواست کنند ولو اینکه مستغنی باشند .. <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۴

۱۴ - مسئولیت انسان بالاخص دارندگان ثروت ، درباره پدر و مادر و سایر خویشاوندان *

الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۴

۴ - پدر و مادر ، بر فرزندان حق اطاعت کردن دارند .

و إن جهداك لتشرك بی .. فلا تطعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۲

۲ - پدر و مادر ، حقّی الهی بر گردن فرزند دارند .

و وصّینا الإنسن بولدیه

توصیه خداوند به انسان ها، برای رعایت حال والدین، می تواند گویای این حقیقت باشد که رعایت حال والدین، امری الهی است و خدا خواهان آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۵

۵ - رفق و مدارا با پدر و مادر و داشتن رفتاری شایسته با آنان در امور دنیوی ، امری لازم است .

و صاحبهما فی الدنیا معروفاً

خطر بی احترامی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۳

۱۳- پدران و مادران در سن پیری و سالخوردگی ، در معرض بی احترامی از

سوی فرزندان هستند .

إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ... فَلَاتَقْلُ لَهُمَا أَفًّا وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

خطاب مطلق احسان به والدین، شامل هر والدینی در هر سن و سالی می شود. ذکر <إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ> ممکن است جهت یادآوری نکته یاد شده باشد.

خوشرفتاری با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۸

۲۸ - ابی ولاد حنات می گوید : < سألت ابا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل > و بالوالدين احساناً < ما هذا الاحسان ؟ فقال : الاحسان ان تحسن صحبتها و ان لاتكلفهما ان يسألاك شيئاً مما يحتاجان اليه و ان كانا مستغنين ... >

از امام صادق(ع) از آیه <و بالوالدين احساناً> سؤال نمودم که این احسان چیست؟ امام فرمود: احسان [به پدر و مادر] آن است که با آنان خوشرفتار باشی و کاری نکنی که آنان مجبور شوند از تو چیزی که نیاز دارند درخواست کنند ولو اینکه مستغنی باشند...>

درخواست بهشت برای والدین مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

۱ - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ... و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيتهم

<مَيْنَ> در <و من صلح...> می تواند عطف بر ضمیر <هم> در <أَدْخِلْهُمْ...> و یا عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم> باشد. برداشت

یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

درخواست رحمت برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۵،۹

۵- دعا و طلب رحمت بی دریغ از پروردگار برای پدر و مادر، از وظایف فرزند است.

قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

<کما> می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چون رحمت پدر و مادر به فرزند بی دریغ بوده، پس فرزند نیز متقابلاً باید چنین رحمتی را برای پدر و مادرش درخواست کند.

۹- درخواست رحمت از پروردگار برای پدر و مادر، ادای گوشه ای از زحمت های بی دریغ آنان است.

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

<کما> حرف تشبیه مجازی و به معنای <لما> است؛ یعنی، خداوند با آنان ترحم کن به خاطر آنکه آنان مرا با زحمتهای خود پرورش داده اند.

دعا برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۵،۹،۱۲

۵- دعا و طلب رحمت بی دریغ از پروردگار برای پدر و مادر، از وظایف فرزند است.

قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

<کما> می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که چون رحمت پدر و مادر به فرزند بی دریغ بوده، پس فرزند نیز متقابلاً باید چنین رحمتی را برای پدر و مادرش درخواست کند.

۹- درخواست رحمت از پروردگار برای پدر و مادر، ادای گوشه ای از زحمت های بی دریغ آنان است.

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

<کما> حرف تشبیه مجازی و به معنای <لما> است؛ یعنی، خداوندا به آنان ترحم کن به خاطر آنکه آنان

مرا با زحمتهای خود پرورش داده اند.

۱۲- دعای فرزند برای پدر و مادر ، دارای تأثیر و موجب توجه ویژه خداوند و در مظان استجاب است .

و قل ربّ ارحمهما

از اینکه خداوند دستور به دعا برای والدین با کیفیت و الفاظ خاص داده است به دست می آید که خداوند به این دعا عنایت ویژه داشته و احتمال اجابت آن زیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۲

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲۳

۲۳- به یاد داشتن پدر و مادر به هنگام نیایش ، از احسان فرزند به ایشان

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنا .. قال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک الّتی أنعمت علیّ

با توجه به این که احسان به والدین، نکته بارز این آیه به شمار می رود و در صدر آن قرار دارد، می توان چنین استفاده کرد که سایر بخش های آیه نیز، به نوعی با احسان به والدین در ارتباط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - دعا و آموزش خواهی برای پدر و مادر ، اعضای خانواده و عموم مردان و زنان مؤمن ، عملی پسندیده و شایسته

ربّ اغفر لی و لولدئی . و للمؤمنین و المؤمنات

دعای والدین

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۵

۱۵ نقش دعای مادر و کمالات معنوی او ، در سعادت فرزند

ربّ ائی نذرت .. و ائی اعیذها بک

ذکر زحمات والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۷۸

۷- فرزندان باید همواره به زحمات تربیتی پدر و مادر خویش ، توجه داشته باشند .

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرا

دستور خداوند به یادآوری زحمات تربیتی پدر و مادر به وقت دعا، می تواند آموزنده حقیقت فوق باشد.

۸- توجه انسان به ضعف ها و نیازهای دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به آنان است .

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرا

رد دعوت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۷

۷ - هشدار خداوند ، به فرزند ، درباره جواب مساعد دادن به دعوت و تلاش والدین در جهت مشرک ساختن او

و إن جهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلاتطعهما

رعایت حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سفارش خداوند به انسان ، برای رعایت حقوق و حرمت پدر و مادر

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ

۱۶ - تشکر از والدین و رعایت حقوق آنها ، نباید انسان را از شکرگزاری به درگاه خداوند ، باز دارد .

أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلَوْلَا كَيْدُ

از این که در میان توصیه به رعایت حال و حقوق والدین و تشکر و قدردانی

از آنها، یادآوری می کند که <مرا سپاس بگویند!>، احتمال دارد برای توجه دادن به نکته بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱

۱ - فرزندان به رغم موظف بودن به رعایت حقوق والدین در صورت تلاش پیگیر پدر و مادر به ایجاد انحراف عقیدتی (شرک) در آنان ، نباید تسلیم خواست آنان شوند .

و وصینا الإنسن بولدیه . . . و إن جهداك على أن تترك بی ... فلاتطعهما

متعدی شدن <جاهدا> با <علی> دلالت بر مجاهده و تلاش قوی و پیگیر می کند.

روش برخورد با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۳۱

۳۱ عن أبي ولاد الحنات قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز و جل: <و بالوالدين احسانا> ما هذا الاحسان؟ فقال: الاحسان ان تحسن صحبتها و ان لاتكلفها ان يسألك شيئا مما يحتاجان اليه و ان كانا مستغنيين . . .

ابو ولاد گوید: از امام صادق (ع) درباره این سخن خداوند <و بالوالدين احسانا> سؤال کردم، فرمود: احسان آن است که با آن دو به نیکی رفتار کنی و به دشواری درخواست از تو، در مورد نیازمندیهایشان ناچار نسازی، اگر چه از نظر امکانات مالی بی نیاز باشند . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - < عن أبي ولاد الحنات قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزوجلّ : . . . > و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه < قال

: لا تملأ عينيك من النظر إليهما إلا برحمه و رقه و لا ترفع صوتك فوق أصواتهما و لا يدك فوق أيديهما و لا تقدم قدامهما 7

ابی ولاد حناط گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند عزوجلّ .. < و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه > سؤال کردم، حضرت فرمود: به پدر و مادر نگاه مکن مگر با رأفت و مهربانی و صدایت را بیش از صدای آنان بالا مبر و دست خودت را بالای دست آنان قرار مده و [در راه رفتن و...] از آنان پیشی مگیر.<

زمینه تجاوز به حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳

۳- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدین و سهل انگاری در احسان به آنان

ووصینا الإنسن بولدیه إحسنًا

توصیه الهی به لزوم احسان به والدین علی رغم طبیعی و فطری بودن چنین پیوند و تمایلی در وجود انسان نشانگر اهمیت و حساسیت این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

زمینه سستی در حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳

۳- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدین و سهل انگاری در احسان به آنان

ووصینا الإنسن بولدیه إحسنًا

توصیه الهی به لزوم احسان به والدین علی رغم طبیعی و فطری بودن چنین پیوند و تمایلی در وجود انسان نشانگر اهمیت و حساسیت این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

زمینه عواطف به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- توجه انسان به ضعف ها و نیاز های دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به آنان است .

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

زیان به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۸

۸ لزوم ادای شهادت به حق ، گر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد .

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

<شهداء>، خبر دوم برای <کونوا> است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق به قرینه <ولو علی أنفسکم> کلمه <بالحق> گرفته شده است.

شرایط احسان به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۹

۹- لزوم دور ماندن احسان به پدر و مادر ، از شائبه شرک

و قضی ربّک ألاّ تعبدوا إلاّ إیّاه و بالولدین إحسنًا

قرار گرفتن تکلیف احسان به والدین پس از فرمان به توحید و پرهیز از شرک، ممکن است إشعار به این مطلب داشته باشد که علاقه و احسان بیش از حد به پدر و مادر، ممکن است انسان را به شرک بکشاند. بنابراین باید این علاقه و احسان از شائبه شرک خالی باشد.

شکر نعمتهای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - لزوم سپاس گذاری انسان به درگاه خدا به خاطر نعمت های عطا شده از سوی او به پدر

و مادرش

رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَلَدِي

عصیان از والدین مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۲

۲ - فرزندان ، موظف اند از تلاش والدین برای مشرک ساختن آنان ، سرپیچی کنند .

و إن جهداك لتشرك بي ما ليس لك به علم فلاتطعهما

عفت والدین مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۵، ۱

۱- قوم مریم با بیان عفت و پاکدامنی پدر و مادر وی ، او را در فرزنددار شدن بدون ازدواج سرزنش کردند .

ما كان أبوك امرأ سوء و ما كانت أمك بغياً

۵- پدر و مادر مریم (س) میان مردم زمان خود ، به پاکی و صلاح مشهور بودند .

ما كان أبوك امرأ سوء و ما كانت أمك بغياً

عوامل چشم روشنی والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۵

۵ - فرزند ، مایه روشنی چشم والدین و سرور و شادمانی آنان

و قالت امرأت فرعون قرت عين لي و لك

عوامل سرور والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۵

۵- فرزند ، مایه روشنی چشم والدین و سرور و شادمانی آنان

و قالت امرأت فرعون قرت عین لی و لك

عوامل نگرانی والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۷

۷- پدر و مادر با ایمان ، با تمام وجود ، نگران و دلواپس تربیت ایمانی فرزند

و هما يستغیثان الله ویلک ءامن

تعبیر <یستغیثان> نگرانی عمیق و شدید والدین مؤمن را می رساند؛ زیرا استغاثه در مواردی صدق می کند که فریاد از جان برآید.

گناه اذیت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۲

۲- آزردهن خاطر پدر و مادر، حتی با گفتن <أف>، جرمی گران است.

و وصینا الإنسن بولدیہ إحسنًا .. و الذی قال لولدیہ أف لکما ... إنهم کانوا

گناه بی احترامی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- بی حرمتی به پدر و مادر و کوتاهی در رعایت حقوق آنان، گناه و نیازمند توبه است.

و اخفض لهما .. فإنه کان للأوبین غفورًا

گناه عاق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱- > عن أبی عبد الله (ع) [فی تعریف الكبائر] و منها عقوق الوالدین لأذن الله عزوجل جعل العاق جباراً شقیماً فی قوله حکایه، قال عیسی (ع): > و برّاً بوالدتی و لم یجعلنی جباراً شقیماً < ;

از امام صادق(ع) [در معرفی گناهان کبیره] روایت شده که از جمله آنها عقوق و نافرمانی والدین است، زیرا خداوند عزوجل در سخن خود به نقل از حضرت عیسی(ع) عاق نافرمانی کننده را جبار شقی قرار داده است، آن جا که فرموده: و برّاً بوالدتی و

لم يجعلني جباراً شقيماً.

گواهی علیہ والدین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ شهادت آدمی ، علیه پدر ، مادر و دیگر خویشاوندان ، دارای اعتبار قانونی و حقوقی است .

شهداء لله و لو على أنفسكم او الولدين و الاقربین

محافظت از ایمان والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱۳

۱۳- حفاظت خداوند از ایمان والدین ، ریشه بروز برخی پیشامدهای ناگوار برای فرزندان آنان است .

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما طغيانًا و كفرًا

محافظت از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۱،۱۲

۱۱- مراقبت از پدر و مادر پیر ، برعهده فرزند است .

و بالولدين إحسنًا إِمَّا يبلِغَنَّ عندك الكبر . . . فلا تقل لهما أُفّ

برداشت فوق به خاطر این است که مخاطب آیه شریفه، فرزندان هستند و هم چنین ظرف <عندك> (پیش تو) گویای این است که فرزندان آن چنان باید از پدر و مادر مراقبت کنند که گویی نزد خود آنان زندگی می کنند و از نزدیک مراقب حال آنان می باشند.

۱۲- حضور پدر و مادر نزد فرزند ، در پی دارنده مسؤلیت فزون تر برای فرزند

إِمَّا يبلِغَنَّ عندك الكبر

<عندك الكبر> ممکن است إشعار به این حقیقت داشته باشد که اگر پدر و مادر پیش فرزندان زندگی کنند، مسؤلیت نگه داری آنان بیشتر شده و از هرگونه حرمت شکنی - هر چند به گفتن <أُفّ> - باید پرهیز شود.

محدوده استیذان از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۱،۱۴

۱۱ - رفت و آمد فرزندان به

اتاق پدر و مادر، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر، وقت استراحت نیمروزی و پس از نماز عشا، بدون اذن جایز است.

لیستندنکم .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و

۱۴ - ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین، برای رفت و آمد نزدیک با آنان در غیر از سه وقت مقرر است.

لیستندنکم .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوّفون علیکم بعضکم

جمله <طوّفون علیکم..> جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است؛ یعنی، چون فرزندان باید با پدر و مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

محدوده اطاعت از والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - فرزندان به رغم موظف بودن به رعایت حقوق والدین در صورت تلاش پیگیر پدر و مادر به ایجاد انحراف عقیدتی (شرک) در آنان، نباید تسلیم خواست آنان شوند .

و وصینا الإنسن بولدیه .. و إن جهداک علی أن تشرک بی ... فلا تطعهما

متعدی شدن <جاهدا> با <علی> دلالت بر مجاهده و تلاش قوی و پیگیر می کند.

۳ - مرز اطاعت از پدر و مادر،

عدم تعارض با عقیده توحیدی ، است .

و وصینا الإنسن بولدیه ... و إن جهداک علی أن تشرک ... فلا تطعهما

مدارا با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۵

۵ - رفق و مدارا با پدر و مادر و داشتن رفتاری شایسته با آنان در امور دنیوی ، امری لازم است .

و صاحبهما فی الدنیا معروفاً

مراد از احسان به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۲۱

۲۱- > عن أبی ولاد الحناط قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزّوجلّ : > و بالوالدین إحساناً < ما هذا الإحسان ؟ فقال : الإحسان أن تحسن صحبتهما و أن لا تکلفهما أن یسألاک شیئاً ممّا یحتاجان إلیه و إن کانا مستغنین ... و أمّا قول الله عزّوجلّ : > إّما یبلغنّ عندک الکبر أحدهما أو کلاهما فلا تقل لهما أفّ و لا تنهرهما < قال : إن ضجراک فلا تقل لهما أفّ و لا تنهرهما إن ضرباک قال : > و قل لهما قولاً کریماً < قال : إن ضرباک فقل لهما : غفر الله لکما فذلک منک قول کریم ... ;

ابی ولاد حناط گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ > و بالوالدین إحساناً < سؤال کردم که معنای احسان در این آیه چیست؟ پس آن حضرت فرمود: مراد از احسان، خوش رفتاری با آنان و اینکه آنها را به درخواست کردن از خودت در مورد آنچه نیاز دارند به زحمت نیندازی، هر چند از [نظر مالی] بی نیاز باشند .. اما در

باره سخن خداوند عزوجل >إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهِمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُمَّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا< حضرت فرمود: اگر تو را دلتنگ کردند، پس به آنان اُم مگو و بر آنها فریاد مزن و هیچ اهانتی به آنان روا مدار، گرچه تو را کتک بزنند. خداوند فرمود: >وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا<. حضرت فرمود: اگر تو را زدند پس به آنان بگو: خداوند شما را ببخشد؛ پس این سخن از جانب تو قول کریم محسوب می شود...<.

مراد از والدین نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - > عن أبي شعيب الخراساني قال : قلت لأبي الحسن الرضا (ع) . . . قال : إنّ مسجد الكوفة بيت نوح . . . فيه دعوة نوح حيث قال : > رَبِّ اغْفِرْ لِي و لوالدي و لمن دخل بيتي مؤمناً < قال : قلت : من عني بوالديه ؟ قال : آدم و حوّا ;

ابوشعيب خراسانی از امام رضا(ع) روایت کرده . . . که فرمود: مسجد کوفه خانه نوح(ع) است ... دعای نوح در آن جا این بوده است که گفت: >رَبِّ اغْفِرْ لِي و لوالدي و لمن دخل بيتي مؤمناً<. ابوشعيب گفت: به امام(ع) عرض کردم: نوح(ع) از والدینش چه کسی را قصد کرده؟ فرمود: آدم و حوّا را<.

مسئولیت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱۳

۱۳ - ضرورت تلاش برای گرایش دادن فرزندان به انتخاب آیین الهی

و وصی بها إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ و يَعْقُوبَ بَنِيهِ . . . فَلَاتَمُوتُنَّ

إلا و أنتم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۸

۸ - ضرورت توجه به سرنوشت دینی فرزندان و لزوم احساس مسؤولیت درباره آن

إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۱۶، ۱۷، ۲۲، ۳۵، ۳۹

۱۶ پدر و مادر نباید فرزند را وسیله تزییع حقوق یکدیگر قرار دهند .

لا تُضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

بنابراینکه <لا تضارّ>، مجهول و باء، سببیه باشد؛ یعنی نباید به بهانه فرزند، پدر و مادر به دیگری ضرر رسانند.

۱۷ پدر و مادر، حق ضرر زدن به فرزند خویش را ندارند . حتی بر فرض وقوع طلاق .

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

بنابراینکه <لا تضارّ> به صیغه معلوم باشد یعنی پدر و مادر ضرر نزنند.

۲۲ پدر نباید با محروم کردن همسر خود از تأمین مخارج حتی پس از طلاق او، موجب ضرر فرزند شود .

لا تضارّ .. و لا مولود له بولده

۳۵ لزوم رعایت تقوا از سوی مادر، پدر، وارثان پدر و دایه نسبت به حقوق متقابل یکدیگر

و الوالدات یرضعن . . . و اتقوا الله

خطاب اصلی در <اتقوا الله>، متوجه کسانی است که آیه شریفه آنها را به وظایف و رعایت حقوقی مکلف کرد؛ یعنی پدر، مادر و دایه و وارثان پدر.

۳۹ خداترسی و توجه به آگاهی او، عامل رعایت مصالح نوزادان و مسائل مربوط به شیردهی آنان از سوی پدر، مادر، وارثان پدر و دایه

و الوالدات يرضعن . . . و اتقوا الله

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۲

۲ مسؤولیت اولیا ، نسبت به سرنوشت فرزندان خویش

ولیکش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً

نگرانی از آینده فرزندان و احساس مسؤولیت نسبت به آنان حالتی طبیعی برای انسان است که خداوند آن را تأیید کرده و مبنای حکم خویش به لزوم رعایت تقوا (فلیتقوا الله) قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۹

۹- پدران و مادران ، نباید خود را روزی دهنده فرزندان تصور کنند .

نحن نرزقهم و ایاکم

دستور به اجتناب از قتل فرزند به خاطر ترس از فقر و آنگاه اعلام این نکته که خداوند روزی دهنده خود والدین و فرزندان است، می تواند به دلیل نکته ذکر شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۲، ۱۵

۱ - پدر و مادر ، وظیفه دارند که آداب و چگونگی ورود به اتاق و محل استراحت خود را به فرزندان نابالغ خویش بیاموزند .

یأیها الذین ءامنوا لیستئذنکم الذین ملکت أیمانکم و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ث

فعل امر <لیستئذنکم> هر چند در ظاهر متوجه بردگان و فرزندان نابالغ است ولی به قرینه این که خطاب <یأیها الذین ءامنوا> متوجه پدران و مادران مؤمن است و نیز چون فرزندان نابالغ مکلف نیستند تا بشود به آنان امر و نهی کرد، از این رو این امر متوجه اولیای فرزندان خواهد بود که آنان باید محتوای این دستور را به فرزندان خویش بیاموزند.

۵ - پدران و مادران ، حق

ندارند با وضعیت و پوشش متناسب با خواب و خلوت (چون برهنگی و ...) در انظار فرزندانشان ظاهر شوند .

ليستئذنکم .. و الذین لم يبلغوا الحلم منکم و من بعد صلوه العشاء ثلث عورت لکم

از این که فرزندان ممنوع شدند که بدون اذن، وارد اتاق و محل استراحت پدران و مادرانشان (در سه وقتی که نوعاً والدین در حال برهنگی و خلوت و متناسب با وضعیت خواب قرار دارند) شوند، می توان استفاده کرد که والدین هم نباید با چنین وضعیتی بر فرزندانشان وارد شوند. گفتنی است: مفهوم جمله > لیس علیکم و لا علیهم جناح؛ نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست < مؤید برداشت یاد شده است؛ زیرا معلوم می شود که در اوقات سه گانه، جناح (گناه) خواهد بود.

۱۲ - پدران و مادران ، باید هر گونه روابط جنسی و رفتار مخصوص زن و شوهری خود را ، از فرزندان نابالغ (بچه های ممیز) خویش پنهان دارند .

ليستئذنکم .. و الذین لم يبلغوا الحلم منکم ... لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ

ممنوعیت ورود فرزندان نابالغ به محل استراحت و خلوت پدران و مادران خود، می تواند به این خاطر باشد که روابط جنسی پدران و مادران نوعاً در این مواقع صورت می گیرد و فرزندان نباید از آن باخبر شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۳

۳ - فرزند و والدین ، در مقابل هم ، مسؤولیت دارند .

قال لقمن لابنه و هو يعظه .. و وصّينا الإنسن بولدیه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۸،۱۰

۸- تلاش در جهت تربیت ایمانی فرزند، وظیفه مشترک پدر و مادر *

و هما یستغیثان الله

لحن آیه شریفه گرچه گزارشی است؛ اما حمایت خداوند از والدین و تقبیح عمل فرزند، به آن بُعد دستوری می دهد. ضمیر <هما> و فعل <یستغیثان> اشاره به آن دارد که پدر و مادر مؤمن، هر دو در راستای تربیت فرزند، باید تلاش کنند.

۱۰- لزوم اهتمام پدر و مادر، به رشد معنوی فرزند خویش، همپای پرورش جسمانی وی

حملته أمه کرهًا .. حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ ... و هما یستغیثان الله ویلک ءامن

در آیات پیشین، سخن از رنج مادر برای رشد جسمی فرزند بود و در این آیه سخن از تلاش پدر و مادر در گرایش دادن فرزند به ایمان است و چون خداوند هر دو را به عنوان ارزش یاد کرده، مطلب بالا استفاده می شود.

مصالح والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۳،۲۰

۱۳ منافع شخصی و رعایت مصالح والدین، بستگان، فقیران و ثروتمندان، باید تحت الشعاع حق و رضایت خدا باشد.

کونوا .. شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین ان یکن

۲۰ مقدم داشتن مصالح خویش، والدین و بستگان بر شهادت به حق، هواپرستی و عدالت شکنی است.

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم ... فلا تتبعوا الهوی

معاشرت با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ -

۵ - رفق و مدارا با پدر و مادر و داشتن رفتاری شایسته با آنان در امور دنیوی ، امری لازم است .

و صاحبهما فی الدنیا معروفاً

۹ - رعایت حال پدر و مادر و معاشرت با آنان ، در هر منطقه ای ، بسته به رسوم متفاوت آن جا است .

و صاحبهما فی الدنیا معروفاً

<معروفاً> صفت برای مفعول مطلق محذوف فعلِ <صاحب> است و مراد از آن، چیزی است که به خوبی و نیکی در میان مردم شهرت دارد.

معاشرت با والدین مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۷

۷ - انسان ، به داشتن رفتار نیک با پدر و مادر ، حتی در صورت مشرک بودن آنان موظف است .

و إن جهداک علی أن تشرک . . و صاحبهما فی الدنیا معروفاً

معاشرت ناپسند با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - خداوند به انسان ها درباره لغزش در عقیده و رفتار ناصحیح با والدین ، هشدار می دهد .

و إن جهداک علی أن تشرک بی . . فلا تطعهما و صاحبهما فی الدنیا معروفاً و اتبع سب

ملاک شرافت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۹

۹- بدی و ناهلی فرزندان ، تأثیری در سرنوشت پدران و مادران نداشته و از شخصیت و شرافت آنان نمی کاهد .

و برکنا علیه و علی إسحق و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که برخی از

فرزندان ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) افرادی کافر و نااهل شدند؛ ولی در عین حال این دو پیامبر از الطاف و برکات الهی به طور کامل برخوردار بودند.

موانع اجابت دعای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۵

۵- کفر شدید فرزند، مانع از استجابت دعای والدین در حق وی *

و هما يستغيثان الله .. أولئك الذين حقّ عليهم القول

برداشت بالا بدان احتمال است که <یستغیثان>، استغاثه پدر و مادر برای هدایت فرزند و ایمن گشتن وی از عذاب الهی باشد. تعبیر <حقّ عليهم القول> نشان می دهد که این استغاثه، در مورد فرزند حق ستیز به اجابت نمی رسد.

موقعیت والدین در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۲

۱۲ جامعه جاهلی در عصر بعثت جامعه ای آلوده به شرک و بی اهتمام نسبت به پدران و مادران بود.

و بالولدين إحسنا

مهربانی با والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۱۴، ۱۳

۱- فرزندان در برابر والدین خویش باید از سر مهربانی و ترحم، تواضع و فروتنی کامل بکنند.

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

<من> در <من الرحمه> نشویه است؛ یعنی، خفض جناح و تواضع، باید ناشی از رحمت و مهربانی به آنان باشد.

۳- ترحم و مهربانی به پدر و مادر، از وظایف فرزند است.

و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمه

١٤- > عن أبي ولاد الحنّاط قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزّوجلّ : ... >

و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه < قال : لا تملأ عينيك من النظر إليهما إلا برحمه و رقه و لا ترفع صوتك فوق أصواتهما و لا يدك فوق أيديهما و لا تقدم قدامهما ;

ابی ولاد حناط گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند عزوجل . . < و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه > سؤال کردم، حضرت فرمود: به پدر و مادر نگاه مکن مگر با رأفت و مهربانی و صدایت را بیش از صدای آنان بالا مبر و دست خودت را بالای دست آنان قرار مده و [در راه رفتن و...]از آنان پیشی مگیر.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۷

۷- خداوند خواهان تواضع و رحمت قلبی فرزندان به پدر و مادر است و نه صرفاً خدمات ظاهری به آنان

و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه . . ربکم أعلم بما فی نفوسکم

خداوند در آیات قبل دستور به احسان به والدین و فروتنی از سر رحمت در برابر آنها را داده است و در این آیه می فرماید: <به نیات درونی شما آگاهی دارد>. ذکر آگاهی به نیات پس از دستور یاد شده، می تواند به این منظور باشد که: فروتنی باید خالصانه و قلبی باشد و نه ظاهری.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۱ - ۶

۶- پاک و صالح بودن و نیز مهرورزی فزون تر نسبت به والدین ، از ویژگی های فرزند شایسته است .

يبدلها ربهما خيرا منه زكوه و أقرب رحماً

مهربانی والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷

۶- تربیت اولاد توسط پدر و مادر ، بر اساس رحمت و محبت است .

رَبِّ اِرْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

<کما ربیانی> صفت برای مصدر مقدر (رحمت) است. بنابراین، عبارت چنین می شود: <رب ارحمهما مثل رحمتها و تربیتها لی> (خداوندا! همان گونه که آنان به من ترحم کردند تو بر آنان ترحم کن).

ناپسندی بی احترامی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۲

۲- شرک به خدا ، پرخاش به والدین ، تبذیر ، فرزندکشی ، زنا ، قتل ناحق ، خوردن مال یتیم ، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن ، اعمال ناپسند و منفور خداوند

كُلَّ ذَلِكْ كَان سَيِّئَةً عِنْد رَبِّكَ مَكْرُوهاً

نسل والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۱ - ۸،۹

۸- < عن أبي عبد الله (ع) في قول الله : < فأردنا أن يبدلها ربهما خيراً منه . . . > قال : < إنه ولدت لهما جارية فولدت غلاماً فكان نبياً . > ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدا <فأردنا أن يبدلها ربهما خيراً منه..> روایت شده که فرمود: <همانا، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد.>

۹- < عن أبي عبد الله (ع) : . . . [في قول الله عزوجل] < فأردنا أن يبدلها ربهما خيراً منه زكاه و أقرب رحماً > : < أبدلها الله به جارية ولدت سبعين نبياً

از امام صادق(ع) [در باره این سخن خدای عزوجل] >فأردنا أن يبدلها ربهما خيراً منه زكاه.. < روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.<

نعمتهای والدین سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۰، ۶

۶ - توجه سلیمان به خدایی بودن نعمت های عطا شده به او و پدر و مادرش

أن أشكر نعمتك التي أنعمت عليّ و عليّ و لِدِيّ

۱۰ - پدر و مادر سلیمان ، برخوردار از نعمت های ویژه الهی

نعمتك التي أنعمت عليّ و عليّ و لِدِيّ

نقش نعمتهای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - تأثیر مثبت و سازنده برخورداری پدر و مادر از نعمت های الهی در سعادت و سرنوشت فرزندان

ربّ أوزعني أن أشكر نعمتك .. و عليّ و لِدِيّ

شکر و سپاس حضرت سلیمان(ع) به خاطر برخوردار بودن پدر و مادرش از نعمت های الهی، گویای این حقیقت است که این برخورداری در سعادت و سرنوشت او مؤثر بوده است.

نقش والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۹

۹- پدر و مادر با ایمان ، در کنار استمداد از خداوند برای هدایت فرزند خویش ، رهنمود های لازم را به او ارائه می دهند .

و هما يستغيثان الله ويلك ءامن إن وعد الله حقّ

نيكى به والدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۱۴ - ۱،۳،۶

-۱

یحیی (ع) نسبت به پدر و مادرش بسیار نیکوکار بود .

و بَرًّا بولدیه

<بَرًّا> عطف بر <تَقِيًّا> در آیه قبل است و با کلمه <بَارًّا> به یک معنا است جز این که <بَرًّا> مبالغه دارد و <بَرِّالوالدین> احسان و نیکی گسترده به آنها است (مفردات راغب).

۳- احسان به پدر و مادر ، از نمود های بارز تقوا و لازمه آن

و کان تَقِيًّا . و بَرًّا بولدیه

۶- حضرت یحیی (ع) علاوه بر نیکی به پدر و مادر هیچ گاه چیزی بر آنان تحمیل نکرد و از فرمان آنها ، سربرنتافت .

و بَرًّا بولدیه و لم یکن جَبَّارًا عَصِيًّا

چون جملات پیشن در باره حضرت یحیی(ع)، مهر و شفقت را مطرح کرد و از بین صفات بارز او به نیکی در حق پدر و مادر اشاره نمود؛ محتمل است نفی جباریت و عصیان نیز متعلق به <والدیه> باشد. بنابراین می توان گفت حضرت یحیی در نهایت خضوع در برابر پدر و مادر و اطاعت از فرمان آنها بود.

والدین انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۶

۶ آدم و حوا پدر و مادر همه انسانها

كما أخرج أبويكم من الجنة

والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱،۴

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم . . . فخشينا أن يرهقهما طغياناً و كفرًا

>إرهاق < یعنی: >وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار

و طاقت فرسا است <. (قاموس).

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول ، در صورت زنده ماندن فرزندشان ، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند .

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزند پاک تر و مهربان تر بود .

فأردنا أن يبدلهما ربهما خيراً منه زكوه و أقرب رحماً

مراد از <زکاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و <رُحْم> و <رحمت> به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه> خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

والدین و فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۲

۲ - فرزند ، بخشی از وجود پدر و مادر است .

و جعلوا له من عباده جزءاً

وصیت برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۱، ۱۲، ۴

۴ - آدمی باید اموالی را برای پرداخت به پدر و مادر و خویشان نزدیک وصیت کند .

كتب عليكم .. الوصيه للولدين و الأقربين

١١ - اولويت

پدر و مادر نسبت به دیگر خویشاوندان در امر وصیت

الوصیه للولدين و الأقربین

برداشت فوق از تقدیم کلمه <والدین> بر <الأقربین> استفاده شده است.

۱۲ - توصیه به پرداخت اموالی به پدر ، مادر و خویشان ، مقتضای تقوا و پرهیزگاری است .

کتب علیکم .. الوصیه للولدين و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

وقت استراحت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۴،۱۱

۴ - پیش از نماز بامداد ، وقت استراحت نیمروزی (ظهر) و پس از نماز عشا (هنگام خواب شب) ، سه زمان برهنگی و خلوت پدران و مادران محسوب می شود .

لیستندنکم .. ثلث مرّت من قبل صلوه الفجر و حین تضعون ثيابکم من الظهیره و من بعد

۱۱ - رفت و آمد فرزندان به اتاق پدر و مادر ، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر ، وقت استراحت نیمروزی و پس از نماز عشا ، بدون اذن جایز است .

لیستندنکم .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و

ولایت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۵،۶

۵ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش

ربّ ائی نذرت لک ما فی بطنی

۶ ولایت مادر نسبت به فرزند ، در ادیان گذشته *

ربّ ائی نذرت لک ما فی بطنی

هدایتگری والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۹

۹- پدر و مادر با ایمان ، در کنار استمداد از خداوند

برای هدایت فرزند خویش ، رهنمود های لازم را به او ارائه می دهند .

و هما يستغيثان الله ويلك ءامن إن وعد الله حقّ

یحیی(ع) و تحمیل بر والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۶

۶- حضرت یحیی (ع) علاوه بر نیکی به پدر و مادر هیچ گاه چیزی بر آنان تحمیل نکرد و از فرمان آنها ، سربرنتافت .

و برّاً بولدیه و لم یکن جباراً عصیّاً

چون جملات پیشن در باره حضرت یحیی(ع)، مهر و شفقت را مطرح کرد و از بین صفات بارز او به نیکی در حق پدر و مادر اشاره نمود؛ محتمل است نفی جباریت و عصیان نیز متعلق به <والدیه > باشد. بنابراین می توان گفت حضرت یحیی در نهایت خضوع در برابر پدر و مادر و اطاعت از فرمان آنها بود.

وتر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وتر

استغفار در نماز وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۸ - ۶

۶ - > قال أبو عبد الله (ع) كانوا يستغفرون الله في الوتر سبعين مرّة في السحر ;

امام صادق(ع) درباره <و بالأسحار هم يستغفرون > فرمودند: آنان در نماز وتر به هنگام سحر، هفتاد بار استغفار می کنند.

تشریح نماز وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۶

۶ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله تعالى < و من الليل فسبحه و إدبار النجوم > هو الوتر آخر الليل ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند تعالی که فرموده <و من اللیل فسبحه و إدبار النجوم>

روایت شده که [مراد نماز] وتر در آخر شب است <.

سوگند به وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به جفت و تاق

و الشفع و الوتر

حرف <ال> در <الشفع> و <الوتر>، برای جنس است. درباره مصداق شفع و وتر، نظرهای گوناگونی ابراز شده است؛ برخی گفته اند: <شفع> روز هشتم ذی الحجه (یوم الترویة) و <وتر> روز عرفه است و برخی آن دو را بر نماز شفع و وتر تطبیق داده اند. در نظری دیگر، شفع روز قربان و وتر روز عرفه است. این احتمال نیز وجود دارد که <شفع>، به تمام مخلوقات نظر داشته و مراد از <وتر>، ذات باری تعالی باشد؛ زیرا تنها او است که مرکب نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دید گاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر کیف فعل ربك بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، برای تأکید مراقبت خویش بر کردار بندگان ، به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، سوگند یاد کرده است .

و الفجر .. إن ربك لبالمرصاد

در برداشت یاد شده جمله <إن ربك> می تواند جواب سوگندهایی باشد که در آغاز سوره آمده بود. بر این اساس بیان سرنوشت عاد، ثمود و فرعون، جمله هایی معترضه و نوعی استدلال بر مقصود است.

عظمت وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۳

۳ - عظمت سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، قابل درک برای بهره مندان از اندکی عقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

تقلیل، از نکره بودن <حجر> استفاده شده است.

مراد از وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۲ - > [فی المجمع] الشفع الخلق . . . و الوتر الله تعالى . . . و هی روایه ابی سعید الخدری عن النبئی (ص) ؛

[در مجمع البیان آمده است:] شفع مخلوقات اند . . . و وتر خدای تعالی است . . . و این روایت ابی سعید خدری از پیامبر (ص) است < .

۳ - > عن الصادق (ع) أنه قال : فی قول الله عزوجل > و الشفع و الوتر < قال : الشفع الركعتان و الوتر الواحده التي یقنت فیها ؛

از امام صادق (ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزوجل > و الشفع و الوتر <، فرمود: شفع همان دو رکعت (نماز شب) و وتر همان یک رکعتی است که در آن قنوت خوانده می شود < .

۴ - > [فی المجمع] قیل : الشفع یوم النحر و الوتر یوم عرفه . . . و هی روایه جابر عن النبئی (ص) ؛

[در مجمع البیان آمده است:] گفته شده که شفع روز <قربانی> و وتر روز <عرفه> است . . . و این روایت جابر از پیامبر (ص) است < .

۵ - > [فی المجمع] و قیل الشفع یوم الترویة و الوتر یوم عرفه و روی ذلك عن أبی جعفر و أبی عبدالله (ع) ؛

[در مجمع البیان آمده است:] گفته شده که شفع روز ترویة (هشتم ذی الحجه) و وتر روز عرفه است و این مطلب از امام باقر و امام صادق (ع) روایت شده است < .

۶ - > عن النبئی (ص) أنه سُئل عن الشفع و الوتر فقال : یومان و لیله

یوم عرفه و یوم النحر ، و الوتر ليله النحر ليله جُمع ؛

از پیامبر(ص) از شفیع و وتر سؤال شد؛ آن حضرت فرمود: دو روز و یک شب است روز عرفه و روز قربانی و وتر شب قربانی است که شب مشعر است < .

نماز وتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۹

۹ - > [فی مجمع البیان ، فی قوله تعالی] > و أدبار السجود < فیہ أقوال . . . و رابعها أنه الوتر من آخر الليل . روی ذلك عن أبي عبدالله (ع) ؛

در مجمع البیان ذیل آیه < و أدبار السجود > آمده است که در تفسیر این آیه چند قول هست. قول چهارم این است که مراد، نماز < وتر > در آخر شب است و این قول از امام صادق(ع) روایت شده است < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳ - ۳

۳ - > عن الصادق (ع) أنه قال : فی قول الله عزوجل > و الشفع و الوتر < قال : الشفع الركعتان و الوتر الواحده التي یقنت فیها ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزوجل < و الشفع و الوتر >، فرمود: شفع همان دو رکعت (نماز شب) و وتر همان یک رکعتی است که در آن قنوت خوانده می شود < .

وجدان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وجدان

ارزش وجدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۹

۹ عدم پذیرش و کراهت وجدان آدمی از گرفتن پاره ای اموال ، نشانه ای برای

تشخیص نامرغوب از مرغوب

و لا تيمّموا الخبيث منه تنفقون و لستم باخديه

عذاب وجدان متخلفان غزوه تبوك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۵

۵ گرفتار شدن سه مسلمان متخلف از جنگ تبوك به عذاب وجدان

و ضاقت عليهم أنفسهم

عوامل تضعيف وجدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۳

۳- فقر و تهی دستی ، در تضعيف وجدان آدمی و از میان بردن حتی قوی ترین عواطف انسانی ، چون مهر به فرزند ، تأثیر دارد .

و لا تقتلوا اولدکم خشيہ املق

قضاوت وجدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۷۸

۷ احاله انفاق کننده به داوری وجدان خویش ، در پرهیز از اموال نامرغوب

و لا تيمّموا الخبيث منه تنفقون و لستم باخديه

۸ به داوری گرفتن وجدان ، از روش های قرآن برای پرهیز از کارهای ناروا و تربیت انسان ها و رعایت احکام و مقررات دینی

و لا تيمّموا الخبيث منه تنفقون و لستم باخديه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۷ - ۱

۱ پیامبر(ص) مأمور برانگیختن داوری وجدان مشرکان بر چگونگی فرجام آنان در صورت نزول عذاب الهی

قل أراءيتكم .. هل يهلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۷

۷ برانگیختن داوری وجدان از طریق طرح پرسش، از روشهای تبلیغی قرآن

قل أئذعوا من دون الله ما لا ينفعنا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۱۱

۱۱- برانگیختن عقل و وجدان مردم به داوری ، روش حضرت ابراهیم (ع) در ارشاد و تبلیغ

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ... لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

نقش وجدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ برانگیختن وجدان انسانی از روش های قرآن برای ایجاد تعهد نسبت به رعایت پیمان های زناشویی

و كيف تأخذونه... و اخذن منكم ميثاقاً غليظاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۷

۷- سؤال از وجدان و برانگیختن حس حق جویی ، وسیله ای برای هوشیاری و روشی در اثبات حقایق

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۴ - ۹

۹- خودیابی و مراجعه به وجدان ، زمینه ساز اعتراف به حقایق

فَرَجِعُوا إِلَىٰ أَنفُسِكُمْ فَاقُولُوا لَكُمْ أَنتُمْ الظَّالِمُونَ

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و رجوع به وجدان و ضمیر خویش، به بطلان شرک و راستی توحید پی بردند، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - وجدان اخلاقی ، از ابعاد وجود انسان

و لا أقسم بالنعفس اللوامة

<وجدان اخلاقی>، اصطلاحی است رایج در موضوع انسان شناسی که می توان آن را از آیه شریفه استنباط کرد.

وجدان انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲

۱۰ برانگیختن وجدان ها از روش های قرآن در تربیت

افمن أتبع رضوان الله كمن بآء بسخط من الله

وجدان در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ برانگیختن عقل و وجدان به داوری، از روشهای قرآن در احتجاج

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

وجدان دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۷

۱۷ اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند (وجدان دینی) ، پشتوانه رعایت حقوق دیگران

و كفی بالله حسبیا

وجدان مذهبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ ایمان به علم و قدرت الهی ، عامل احیای وجدان مذهبی

قل ان تخفوا .. و یعلم ما فی السموات ... و الله علی کل شیء قذیر

وجدان مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ عمق وجدان مشرکان در دنیا گواه بر حقانیت توحید و معاد می دهد.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

۳ مشرکان، علی رغم گواهی ضمیرشان بر حقانیت توحید و معاد، آن را پنهان می کنند.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

مراد از <ما یخفون>، به قرینه آیات پیشین، حقایق ایمانی، از قبیل توحید و معاد، است که مشرکان آن را در ضمیر خویش پنهان می ساختند.

وجه الله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{وجه الله}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۵، ۱۳

۱۳ انفاق زمینه

دستیابی به < وجه الله > و رضای او

و ما تنفقون الا ابتغاء وجه الله

۱۵ دستیابی به < وجه الله > (خشنودی خدا) ، در گرو تلاش و اجتهاد جوینده آن

و ما تنفقون الا ابتغاء وجه الله

با توجه به واژه < ابتغاء > که در آن اجتهاد و تلاش ملحوظ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۷

۷ - < وجه الله > ، رضایت او است .

ابتغاء وجه ربّه . . . و لسوف یرضی

در صورتی که فاعل < یرضی > خداوند باشد، وعده < رضایت او > به کسانی که طالب < وجه الله > هستند، بیانگر اتحاد آن دو خواهد بود.

زمینه دستیابی به وجه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۵

۱۵- دعا زمینه دستیابی به < وجه الله > و جلب رضایت او است .

یدعون ربّهم بالغدوه . . . یریدون وجهه

زمینه وجه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۷

۷- دستیابی به < وجه الله > ، در گرو تلاش و جدّیت جوینده آن است .

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ

از واژه <ابتغاء> تنها در موردی استفاده می شود که طلب همراه با کوشش و تلاش باشد. (مفردات)

مراد از وجه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ - > عن الرضا (ع) . . . وجه الله أنبيأؤه و رسله و حججه (صلوات الله عليهم) هم الذين يتوجه بهم إلى

اللّٰه و إلی دینه و معرفته ... و قال عزوجلّ < کلّ شیء هالک إلا وجهه > ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده که <وجه اللّٰه> پیامبران خدا و رسولان و حجت های او هستند که به وسیله آنان به خدا و دین و معرفت او توجه می شود. .. خداوند عزوجلّ فرموده است: <کلّ شیء هالک إلا وجهه>...

وحی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وحی

{وحی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱

۱ نزول تدریجی قرآن بر پیامبر (ص)

نزل علیک الكتاب بالحقّ

تنزیل، معمولاً در مورد نزول تدریجی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۲

۲ تلاوت آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، از سوی خداوند

ذلک نتلوه علیک من الايات

آثار استماع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۲

۲- دلدادگان به وحی و سخنان رسول (ص) ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند در ره یابی به حق

و منهم من یستمع إلیک .. و الذین اهدوا زادهم هدی

<والدین اهدوا> معرف چهره‌هایی است که برخلاف هواپرستان و قلب‌های مهر شده، با استماع سخنان پیامبر(ص) و پیام قرآن، بر هدایتشان افزوده می‌شود.

آثار استهزای وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۵

۵ - بی توجهی به پیام وحی و استهزای آن، از جمله عوامل نابودی جوامع در طول

كانوا به يستهزءون . فأهلكنا أشدَّ منهم بطشًا و مضى مثل الأولين

از ارتباط دو آیه، استفاده می شود که استهزای پیام وحی از سوی جوامع شرک پیشه، موجب نابودی آنان شده است.

آثار اعراض از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۷

۷- روی گردانی از پیام های الهی ، اعراض از رحمت او و روی برتافتن از منافع خویش است .

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن . . . معرضین

با توجه به این که پیام های الهی تبلور رحمت او است، روی گردانی از آن در حقیقت اعراض از رحمت خدا و محروم ساختن خود از لطف او می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۵

۵- بی توجهی به پیام وحی و استهزای آن ، از جمله عوامل نابودی جوامع در طول تاریخ

كانوا به يستهزءون . فأهلكنا أشدَّ منهم بطشًا و مضى مثل الأولين

از ارتباط دو آیه، استفاده می شود که استهزای پیام وحی از سوی جوامع شرک پیشه، موجب نابودی آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۳ - ۱۶

۱۶- انسان ، با چشم پوشی از هدایت وحی ، فرو غلتیده در سنت های قومی و تقلید های محیطی

إلا قال مترفوها . . . إنا علی ءاثرهم مقتدون

آثار انقطاع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۴

۴- پیامبر اکرم (ص) از انقطاع موقت وحی دلگیر بود و به

نزول فزون تر ملائکه تمایل داشت .

و ما ننزّل إلاّ بأمر ربّك

در شأن نزول این آیه گفته شده است که: مدتی وحی از پیامبر(ص) قطع گردید و این امر، موجب دلگیری پیامبر(ص) شد و این آیات در پاسخ استفسار پیامبر(ص) از جبرئیل، نازل گردیده است (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۹

۹ - تأخیر وحی در برهه ای از دوران نزول قرآن ، پیامبر (ص) را نگران ساخته ، در معرض زخم زبان دشمن قرار داد .

ما ودّعك ربّك و ما قلی

لحن آیه شریفه و همراه بودن آن با سوگندهای خداوند، بیانگر اضطراب و رنجیدگی پیامبر(ص) و در صدد آرامش بخشیدن و تسلای خاطر دادن به آن حضرت است.

آثار ایمان به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۸

۸- زندگی بدون ایمان به وحی و معاد ، بازیچه و بی هدف است .

ما یأتیهم من ذکر . . . و هم یلعبون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <یلعبون> ناظر به زندگی طبیعی و روز مرّه مشرکان باشد؛ یعنی، آنان به وقت نزول وحی به همان زندگی بی هدف و بازیچه مشغولند. بنابراین کسانی که مبدأ و معاد را انکار کنند (مانند مشرکان) به لعب و بازیچه در زندگی گرفتار می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۷

۷- ثمربخشی اعمال نیک ، در پرتو پذیرش پیام وحی و گردن نهادن به آن از روی رغبت و میل

اللّٰهُ فَأَحْبِبْ أَعْمَلَهُمْ

از مفهوم آیه شریفه، مطلب بالا- استفاده می شود؛ یعنی، اگر عمل همراه با کراهت و ناخشنودی نباشد؛ بلکه از روی طوع و رغبت و برای خداوند صورت گیرد، باقی مانده و ثمر خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۲

۲ - گرایش به عبادت و سجده در برابر خداوند ، نتیجه ضروری ایمان به وحی و قیامت

أزفت الأزفة .. أفمن هذا الحديث تعجبون ... فاسجدوا لله و اعبدوا

<فای تفریح > در آیه شریفه می رساند که سجده و عبادت برای خداوند، در پی باور داشتن قیامت و مفاهیم وحی، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

آثار پیروی از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ - پیروی از دستورات وحی و رهنمود های پیامبر (ص) ، هیچگاه به خسران و گمراهی انسان نخواهد انجامید .

و إنك لتهدى إلى صراط مستقیم

از تأکید خداوند بر نقش هدایت گری پیامبر(ص)، این نکته استفاده می شود که تعالیم وحی هیچ گاه به خسران و گمراهی انسان منتهی نخواهد شد.

آثار تکذیب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۳

۳- ناخشنودی از پیام های وحی و انکار آن از روی هوس ، مایه حبط تمامی اعمال

کرهوا ما أنزل اللّٰهُ فَأَحْبِبْ أَعْمَلَهُمْ

با توجه به اطلاق کلمه <أعمالهم>، حیط تمامی اعمال از آیه برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۷

۷ - کفر

به حق و اصالت وحی ، دلیل عدم شایستگی کافران برای دوستی

تلقون إليهم بالموذّه و قد كفروا بما جاءكم من الحقّ

عبارت <و قد كفروا..> در حقیقت بیانگر علت نهی (لا تتخذوا عدوی) است.

آثار ذکر وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۲

۲ - توجه به سابقه داشتن وحی ، از بین برنده تردید و شگفتی نسبت به رسالت پیامبر (ص)

كذلك يوحى إليك و إلى الذين من قبلك

چنانچه مشاّرالیه <كذلك> اصل وحی باشد، آیه می تواند اشاره به این داشته باشد که مشرکان مکه درباره وحی الهی به پیامبر(ص) در شگفتی و تردید بودند و خداوند با ذکر سابقه وحی، درصدد رفع تردید آنان بود.

آثار عظمت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۶

۶ - عظمت وحی ، موجب تسبیح و ستایش فرشتگان

كذلك يوحى إليك .. و الملكة يسبحون بحمد ربهم

جمله <و الملكة...> عطف بر جمله <تكاد السماوات...> است. بنابراین عظمت وحی به هنگام نزول به زمین، همان گونه که آسمان ها را در آستانه فروپاشی قرار می دهد، فرشتگان را نیز به تسبیح و تقدیس خدا وا می دارد.

آثار مصونیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۲

۱۲- ثبات و جاودانی و مصونیت از تحریف ، ملاک ارزشمندی پیام وحی و مقتضی تلاوت و ابلاغ آن است .

واتل ما أحي إليك .. لا مبدل لكلمته

آثار ناخشنودی از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱- ناخشنودی کافران از پیام وحی ، باعث حبط اعمال آنان و گرفتار آمدنشان به نفرین الهی

فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم . ذلک بأنّهم کرهوا ما أنزل الله

بنابراین که <ذالک> اشاره به <فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۳- ناخشنودی از پیام های وحی و انکار آن از روی هوس ، مایه حبط تمامی اعمال

کرهوا ما أنزل الله فأحبط أعمالهم

با توجه به اطلاق کلمه <أعمالهم>، حبط تمامی اعمال از آیه برداشت می شود.

آثار نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۷

۷- نزول وحی ، مایه کمال آفرینش ، در نگاه فرشتگان

كذلک یوحى إليك .. و الملئکه یسبحون بحمد ربّهم

با توجه به این که <تسییح> به معنای تنزیه و نفی نقیصه و کاستی است، تسییح فرشتگان، حکایت از مشاهده کمال آفرینش پس از نزول وحی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۲

۲- از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرآن .. و تلك الأمثل نضربها

<تصدّع> (مصدر <متصدّعاً>) به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

آثار وحی به مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۱۲، ۴، ۲، ۱

۱ - تأثیر ژرف و آرامش بخش وحی الهی در دل مادر موسی

و أوحینا إلی أم موسی . . . و أصبح فؤاد

<أصبح> معادل <صار> و <فارغاً> مرادف <خالياً> است. با توجه به ارتباط این آیه با آیه هفتم، تقدیر آن چنین می شود: <و صار فؤاد أم موسى بعد الوحي خالياً من الخوف و الحزن دل مادر موسی بعد از وحی ما از ترس و اندوه خالی گشت.>

۲ - دل مادر موسی ، فارغ از ترس و اندوه نسبت به فرجام نوزادش پس از دریافت وحی الهی

و أوحينا إلى أم موسى . . . أن لاتخافي . . . و أصبح فؤاد أم موسى فرغاً

۴ - اطمینان یافتن مادر موسی به بازگردانده شدن فرزندش به آغوش وی ، پس از دریافت وحی الهی

لولا أن ربطنا علی قلبها لتكون من المؤمنین

۱۲ - قرار داشتن مادر موسی در وضعیت اضطراب و پریشانی ، پیش از وحی امیدبخش الهی به وی

و أصبح فؤاد أم موسى فرغاً . . . لتبدی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۱

۱ - تبدیل شدن مادر موسی به شخصیتی مصمم و قادر بر انجام کار های سترگ ، پس از دریافت پیام امیدآفرین الهی

و أوحينا إلى أم موسى . . . و قالت لأخته قصیه

جمله <و قالت..> عطف بر محذوف است؛ یعنی، <فألقیه فی الیم و قالت لأخته قصیه>. مادر موسی پس از دریافت وحی، اقدام به انداختن فرزندش در رود نیل کرد؛ با این که پیش از آن از فرط ترس و نگرانی نزدیک بود راز فرزندش را فاش سازد. این موضوع، بیانگر مطلب یاد شده است.

آثار وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲

۸ - افزایش معرفت و ایمان پیامبر (ص) در نتیجه نزول وحی

ما کنت تدری ما الکتب و لا الایمن

پیامبر(ص) پیش از وحی از معارف توحیدی مطلع بود و به آن ایمان داشت . از این نکته استفاده می شود که نزول وحی بر ایمان و معرفت آن حضرت افزوده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱ - ۳

۳ - > قال جابر : ... حدّثنا رسولَ الله (ص) قال : جاورتُ بحراء ، فلما قضيتُ جوارى فنوديتُ فنظرتُ عن يميني فلم أر شيئاً ونظرتُ عن شمالي فلم أر شيئاً ونظرتُ خلفي فلم أر شيئاً ، فرفعتُ رأسي فإذا الملكُ الذي جاءني بحراء جالس على كرسي بين السماء والأرض فجلستُ منه رعباً فرجعتُ فقلت : دثروني فدثروني فنزلتُ > يا أيها المدثر ... < ;

جابر گوید: .. رسول خدا(ص) برای ما حدیث نمود، که مجاور <حراء> بودم. پس چون مجاورت من پایان یافت، به من ندا داده شد و من [از پی ندا] به طرف راست خود نگاه کردم، چیزی را ندیدم؛ به طرف چپ خود نگاه کردم، چیزی را ندیدم؛ به پشت سر خود نگاه کردم، چیزی را ندیدم. پس سر خود را بالا کردم، دیدم فرشته ای که در <حراء> نزد من آمد، بین آسمان و زمین بر کرسی نشسته است، از رعب او از جای جستم و [به خانه] برگشتم و گفتم: مرا بپوشانید. پس مرا پوشاندند که آیه <يا أيها المدثر...> نازل شد.<

آداب دریافت وحی

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - تعلیم ادب دریافت وحی به پیامبر (ص) از سوی خداوند

لا تحرّك به لسانك لتعجل به

۳ - رعایت سکوت کامل در هنگام دریافت وحی تا پایان یافتن آن ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

لا تحرّك به لسانك لتعجل به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۸ - ۱

۱ - رعایت سکوت کامل در هنگام نزول و دریافت وحی تا پایان آن ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

فإذا قرأه فاتبع قرءانه

ابلاغ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۴،۳،۲،۱

۱ ابلاغ کامل وحی الهی به مردم ، وظیفه پیامبر (ص)

يايها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

۲ پیامبر (ص) فرستاده خدا و واسطه ابلاغ وحی به مردم

يايها الرسول بلغ ما أنزل إليك

۳ رسالت الهی پیامبر (ص) برای ابلاغ وحی ، جلوه ای از ربوبیت خداوند

يايها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك

گزینش اسم <رب> نشانه ارتباط رسالت و وحی با ربوبیت الهی است.

۴ پیامبر (ص) مأمور ابلاغ پیام ویژه ای از سوی خداوند برای مردم

بلغ ما أنزل . . . و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

مراد از <ما انزل . . .> نمی تواند تمامی احکام و معارف دینی باشد، زیرا معنا ندارد که گفته شود: اگر همه آنچه بر تو نازل شده ابلاغ نکنی، رسالت الهی را به انجام نرسانده ای

بنابراین مقصود از <ما انزل> پیامی خاص بوده که به منزله تمامی رسالت محسوب می شده است. که بنا بر شأن نزولهای متعدد و روایات فراوان، آن پیام ویژه، اعلام ولایت امیرالمؤمنین(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۱

۱ پیامبر (ص)، مأمور ابلاغ وحی و پاسخ گویی به دروغ پردازی ها و اتهام های واهی کافران، علیه رسالت خویش و قرآن

و قال الذین کفروا إن هذا... قل أنزله الذی یعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۸،۱۱

۸ - <وحی>، شیوه سخن گفتن فرشتگان با پیامبران، برای رساندن پیام خداوند

أو یرسل رسولاً فیوحی

۱۱ - فرشته وحی، پیکی امین در ابلاغ پیام خدا به پیامبران

فیوحی یاذنه ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، در ابلاغ پیام الهی و آموختن قرآن به مردم، بخل نمیورزید.

و ما هو علی الغیب بضنین

مراد از <الغیب>، معارف قرآن است که فرشته وحی برای پیامبر(ص) می آورد و دیگران به آن، جز از طریق پیامبر(ص)

دست رسی نداشتند. کلمه <ضنین> از ریشه <ضِنَّه> (بخلورزی به چیزی ارزشمند) گرفته شده است. (مفردات راغب)

ابلاغ وحی به فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۹ - ۱،۲

۱ - موسی و هارون (ع) با ابلاغ پیام های وحی الهی به فرعون ،

مأموریت خویش را به انجام رساندند .

فَقُولَا لَهُ .. قَالَ فَمَنْ رَبِّكُمَا

آیات گذشته، جملگی سخن خداوند با موسی و هارون(ع) بود؛ ولی از مواجهه آنان با فرعون و آنچه روی داده، در این آیات سخنی نیست. از پاسخ فرعون برمی آید که آنان پیام خویش را به وی رساندند و پاسخ او را دریافت کردند.

۲- فرعون با گوش فرادادن به سخنان موسی و هارون (ع) ، اجازه داد آنان پیام الهی خویش را به او برسانند .

فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا .. قَالَ فَمَنْ رَبِّكُمَا

ابلاغ وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۲

۲- جبرئیل کسی جز پیامبر (ص) را بر آیات قرآن آگاه نمی ساخت .

و ما هو علی الغیب بضنین

کلمه <الغیب> به قرینه <هو> دلالت می کند که فرشته وحی آنچه را می آوژد، به غیر پیامبر(ص) ابلاغ نمی کرد.

اتمام حجت با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۱

۱- ابلاغ وحی از سوی فرشتگان ، به منظور اتمام حجت بر خلق و انذار و اخطار به آنان است .

فالمَلَقَاتِ ذَكَرًا . عَذْرًا أَوْ نَذْرًا

<عذر> و <نذر> مصدر و به معنای <اعذار و انذار> است و نصب این دو، به جهت مفعول له بودن آنها برای

<ملقیات> است و یا به سبب بدل بودن آنها، برای <ذکرًا> است. برداشت یاد شده، مبتنی بر ترکیب نخست است.

احتضار مدعیان دروغین وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ مدعیان دروغین وحی و کسانی که مدعی آوردن ماندی برای قرآن هستند به هنگام احتضار حالتی بس دشوار دارند.

أوحى إليّ و لم يوح إليه شيء و من قال .. و لو ترى إذ الظلمون في غمرت الموت

ادعای تلقی وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۴

۲۴ دروغ بستن به خداوند و به دروغ مدعی دریافت وحی شدن و ادعای آوردن مانند برای قرآن، سخنانی باطل و ناحق است.

ممن افتري على الله كذبا أو قال .. بما كنتم تقولون على الله غير الحق

ارزش وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - وحی و رسالت ، دارای ارزشی والا و غیر قابل قیاس با اندوخته های مادی

أهم يقسمون رحمت ربّك .. و رحمت ربّك خير ممّا يجمعون

استقلال وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۹ - ۵

۵ - وحی و داوری خداوند ، تابع داوری ها و دیدگاه های انسان ها نیست .

أم لكم أيمن .. إنّ لكم لما تحكمون

استماع تعالیم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ فرمان الهی به پیامبر (ص) مبنی بر به حضور پذیرفتن مشرکانی که پس از انقضای مهلت چهار ماهه ، به منظور شنیدن پیام وحی ، درخواست ملاقات کنند .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين .. و إن أحد من المشركين

استجارک فآجره

<استجاره> به معنای درخواست جوار و همسایگی است. درخواست جوار از سوی مشرکان پس از انقضای مهلت چهار ماهه به قرینه <حتى یسمع کلام الله> درخواست رسیدن به حضور پیامبر (ص) به منظور استماع دعوت آن حضرت و تحقیق پیرامون وحی است.

۵ دستور الهی مبنی بر رساندن مشرکان به مراکز امن خودشان، پس از استماع و دریافت پیام وحی از پیامبر (ص)

فآجره حتى یسمع کلم الله ثم أبلغه مأمنه

استماع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند، موسی (ع) را پس از برگزیدن به پیامبری، به گوش فرادادن و دریافت وحی فرمان داد.

و أنا اخترتک فاستمع لما یوحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱،۲

۱- حضور برخی از کافران، در مجلس پیامبر (ص)، برای استماع وحی و سخنان آن حضرت

و منهم من یستمع إلیک

ضمیر <منهم> به کافران بازمی گردد که در آیات پیشین نامشان به میان آمده است (والذین کفروا یتمتعون).

۲- فراهم بودن زمینه های حضور آزادانه کافران در مجلس پیامبر (ص)، برای استماع وحی

و منهم من یستمع إلیک حتی إذا خرجوا من عندک

استمرار وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴ - ۳

۳- پیامبر (ص)، وحی را به گونه ای مستمر و مداوم دریافت می کرد.

و ما ینطق عن الهوی . إن هو إلاّ وحی یوحی

فعل

مضارع <یوحی> دال بر استمرار است.

استهزای وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۳

۳- استهزای کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص)، در پی خارج شدن از محضر آن حضرت

حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا: .. مَاذَا قَالَ ءانفًا

پرسش <ماذا قال آنفًا> از روی توهین و استهزا بوده است.

اظهار نظر درباره وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۹

۹- اظهار نظر درست درباره دین و وحی الهی، از مصداق های احسان است.

و قیل للذین اتقوا ماذا أنزل ربکم قالوا خیرًا للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت فوق، بر این اساس است که <للذین أحسنوا..> کلام خداوند باشد و نه ادامه کلام متقین. بنابراین خداوند با این

بیان، درصدد توصیف تقوایبشگانی است که قرآن و دین را وحی دانسته اند.

اعتصام به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۱۸

۱ - پیامبر (ص)، از جانب خداوند مأمور تمسک به پیام وحی و پایداری در راه دعوت به آن

فاستمسک بالذی أوحی إلیک

۸ - تمسک جویندگان به قرآن و وحی، در صراط مستقیم الهی اند.

فاستمسك بالذی .. إنك علی صرط مستقیم

اعراض از تعالیم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۰ - ۳

۳ - کافران دوزخی ، از شنیدن سخنان پیامبران و پیام های آسمانی امتناع می کردند .

وقالوا لو كنا نسمع

برداشت یاد

شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <نسمع> امتناع از شنیدن باشد؛ چنان که این واکنش دستور سران کفر به توده های مردم است: <وقال الذين كفروا لا تسمعوا لهذا القرآن و ألغوا فيه لعلكم تغلبون> (سوره فصلت (۴۱) آیه ۲۶).

افترا به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۷

۷- کفرورزی و نسبت های ناروای مشرکان به ساحت وحی و پیامبر (ص)، مورد علم و آگاهی خداوند

قل .. هو أعلم بما تفيضون فيه

اقسام وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۶

۶ تکلم خداوند با حضرت موسی (ع) نوعی از وحی بوده است .

أوحينا إليك كما أوحينا إلى نوح .. و كلم الله موسى تكليماً

بنابر اینکه <كلم الله> عطف بر <أوحينا إلى نوح> باشد، جمله این گونه خواهد بود، <أوحينا إليك كما كلم الله موسى تكليماً> یعنی وحی الهی به پیامبر نظیر سخن خدا با موسی (ع) است. ، بنابراین سخن گفتن خدا نیز نوعی از وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۳،۲۷

۱۳ - خواب ، از راه های ارتباط پیامبران با مصدر وحی (خداوند)

إني أرى في المنام أنني أضحك .. افعل ما تؤمر

۲۷ - > علی بن موسی عن أبيه عن جدّه عن آبائه عن علی (ع) قال : رؤيا الأنبياء وحی ؛

امام رضا(ع) .. روایت می کند که امام علی(ع) فرمود: رؤیای پیامبران وحی می

باشد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۲

۲ - تحقق انواع سه گانه وحی (وحی بیواسطه ، وحی از پس حجاب و نزول فرشته) برای پیامبر اکرم (ص)

و ما كان لبشر أن يكلمه الله إلا وحياً أو ... و كذلك أوحينا إليك

تعبیر به <کذلک> می تواند ناظر به مفاد آیه پیشین باشد که راه ها و اقسام وحی را معین کرده بود.

امین وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ پیامبر اکرم (ص) ، امین وحی و پیرو بی چون و چرای فرمان های الهی

إن أتبع إلا ما يوحى إليّ

انذار با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۷، ۶

۶ وحی و قرآن، ابزارهایی کافی برای تبلیغ و انذار مردم

و أنذر به

مرجع ضمیر به <قرآن> است ؛ یعنی با قرآن انذار کن. و چون ابزار انذار مشخص شده است، بالطبع باید قرآن در فعلیت بخشی به انذار کافی و کارآمد باشد.

۷ لزوم بهره گرفتن از وحی و تعالیم آن برای انذار مردم

و أنذر به

یادآوری ابزار انذار و معین کردن آن می تواند اشاره به لزوم حرکت در محدوده وحی برای انذار باشد.

انذار مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۳، ۱

۱ پیامبر(ص) مأمور توجه دادن تکذیب کنندگان وحی به رحمت واسعه خداوند و بیم دادن آنان از عذاب حتمی اوست.

فإن کذبوک فقل ربکم

ذو رحمہ وسعہ و لا یرد بأسہ عن القوم المجرمین

۱۳ ابلاغ رحمت خداوند به تکذیب کنندگان وحی و بیم دادن آنان از عذاب خداوند، روشهای کلی مقابله با آنان است.

فإن کذبوک فقل ربکم ذو رحمہ وسعہ و لا یرد بأسہ عن القوم المجرمین

انقطاع وحی از یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم و نفرین علیه آنان) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیہ ربّہ

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس (ع) پیش از ماجرای ارتکاب < ترک اولی > از پیامبران بود. بنابراین مقصود از < فاجتباہ > به رسالت رساندن او نیست؛ بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

انقیاد کاتبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۲

۲ - نویسندگان قرآن در صحیفه های پاک و والا مرتبه ، کاتبانی راست گفتار ، مطیع خداوند و درست کردارانند .

بأیدی سفرہ .. برہ

< برہ > و < ابرار > به یک معنا است؛ جز این که < برہ > مبالغه بیشتری دارد؛ زیرا جمع < برّ > است و < برّ > مبالغه بیشتری از کلمه < بارّ > (مفرد < ابرار >) دارد (مفردات راغب). از جمله معانی ای که برای < برّ > ذکر شده، < صلاح و درست کاری >، < اطاعت > و < صداقت > است. (لسان العرب)

اهداف وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- تذکار بشر ، هدف نهایی و مورد انتظار وحی

فَأِنَّمَا يَسْتَرْهَبُهُ .. لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

اهمیت استماع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳ - ۶

۶- گوش سپاری به کلام خداوند ، هنگام شنیدن آن ، لازم است .

فاستمع لما یوحی

گرچه مخاطب، حضرت موسی(ع) است، ولی خداوند آداب برخورد با وحی الهی را که به موسی(ع) آموخته است، در قرآن بیان می کند تا برای همگان سودمند باشد.

اهمیت تدبر در وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۲

۲- خداوند ، خواهان تدبیر انسان در حقایق وحی و نه برخورد سطحی با آن

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْءَانَ

اهمیت تعقل در وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۷

۷- لزوم نگرش عقلانی و جدی در وحی الهی و کتاب های آسمانی

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ .. هُمْ يَلْعَبُونَ

اهمیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۲

۲ علم و آگاهی پیامبر (ص) به حقیقت داستان عیسی (ع) و مریم (س) پس از بیان سرگذشت آنان از طریق وحی

فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶ - ۴

۴ - سپری شدن تاریخ [رخدادها و تحولات زندگی انسان در گذر زمان]، باعث بی نیازی بشر از وحی و هدایت های آسمانی نیست .

أفضرب

عنکم الذکر .. و کم أرسلنا من نبی فی الأولین

فرستاده شدن پیامبران فراوان در امت های پیشین، نشانگر آن است که انسان ها در هیچ یک از دوره های تاریخ، بی نیاز از وحی الهی نیستند.

ایمان به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۱۷

۱۷ ایمان به خدا، اعتقاد به وحی و رسالت و عفت و پاکدامنی، از ارزش های والا در انتخاب همسر و تشکیل خانواده

و المحصنت .. و المحصنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۳

۳ توحید خالص و پیراسته از هر گونه شرک، ایمان به قرآن و وحی، راه رسیدن به خداست.

و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنین .. و ما یؤمن بالله إلا و هم مشرکون .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۲

۲ - اهل عقل و اندیشه، تسلیم در مقابل پیام وحی و نه در ضدیت با آن

أم تأمرهم أحلمهم بهذا

استفهام انکاری، می رساند که خردمندان واقعی، هرگز مردم را به ستیزه با پیام وحی دعوت نمی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۴

۴ - وحی و مشاهدات پیامبر (ص)، مورد تصدیق قلبی آن حضرت

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <مارأى> اشاره به وحی و معارف دیگری نیز باشد که آیات پیشین، از آن حکایت می کنند.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - مریم (س) ، مؤمن به وحی و کتاب های آسمانی و تصدیق کننده آنها بود .

و صدقت بکلمت ربّها و کتبه

بازی با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۵

۵- برخورد ناشایست با وحی و بازی با آن ، از مصداق های ظلم و ستم

و هم یلعبون . لاهیة قلوبهم ... الذین ظلموا

برادران یوسف و درک وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ برادران یوسف از شنیدن و احساس کردن وحی الهی به او ، ناتوان بودند .

و أوحینا إلیه .. و هم لایشعرون

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که عامل حال (و هم لایشعرون) فعل <أوحینا> باشد. بر این اساس مفاد <و هم لایشعرون> چنین می شود: آنان وحی ما را به یوسف (ع) نمی فهمیدند.

برهان در ادعای وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۸ - ۳

۳- ادعای دریافت وحی و ارتباط با عالم غیب ، نیازمند دلیل قاطع و روشن

فلیأت مستمعهم بسلطن مبین

بی ایمانی به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۱

۱ اکثر مردم به قرآن و وحی الہی ، ایمان نمی آورند .

و ما أكثر الناس .. بمؤمنین

متعلق <مؤمنین> به قرینه آیه قبل (نوحیه إليك) و نیز آیه بعد (إن هو ..)

قرآن و وحی الهی است.

بی منطقی استدلال مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۶

۶- زندگی ، تلاش و استدلال های منکران وحی ، حرکتی بازیگرانه و فاقد بنیاد های متقن

فی شکّ یلعبون

بی منطقی تلاش مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۶

۶- زندگی ، تلاش و استدلال های منکران وحی ، حرکتی بازیگرانه و فاقد بنیاد های متقن

فی شکّ یلعبون

بی منطقی زندگی مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۶

۶- زندگی ، تلاش و استدلال های منکران وحی ، حرکتی بازیگرانه و فاقد بنیاد های متقن

فی شکّ یلعبون

بی منطقی مخالفان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۷

۲۷ گفتگو و مجادله های لجاجت پیشگان مخالف وحی و رسالت، بازیگری و فاقد ریشه و بنیان است.

قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون

بی همتایی وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۷

۷ کسی را قدرت آوردن همانندی برای وحی و کتب آسمانی نیست.

و من قال سأنزل مثل ما أنزل الله

پرسش از وحی به انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۰

۱۰- دعوت خداوند از مشرکان مکه برای تفحص و تحقیق از عالمان ، جهت به دست آوردن حقایق وحی به انسان

و ما أرسلنا من قبلك

إِلَّا رَجَالًا .. فَسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

مخاطب فعل <فَسئَلُوا> به قرینه آیات قبل که درباره مشرکان بود می تواند مشرکان باشد.

پوچ انگاری تعالیم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۳

۳- جدی نگرفتن پیام های وحی و بازی انگاشتن حقایق ، در پی دارنده کیفری سخت و حتمی

بل هم فی شكّ یلعبون .. یوم نبطش البطشه الكبرى إنا منتقمون

پیروان وحی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۵

۱۵ - پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و كذلك أوحینا .. یدخل من یشاء فی رحمته... و الظلمون ما لهم من ولیّ و لا نصیر

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا که مشمولان رحمت الهی (یدخل من یشاء فی رحمته) در برابر ستمگران قرار گرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

پیروی از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲ - ۶

۶ - چون سرمنشأ صدور وحی ، ربوبیت خداوند است ، پس باید از آن تبعیت کرد .

و اتّبع ما یوحی إلیک من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - تبعیت از وحی و توکل بر خداوند ، از جمله پیمان های خداوند با انبیای خویش است .

و اتّبع ما یوحی إلیک . . و توکّل علی الله ...

وإذا أخذنا من النبيين ميثقهم

پیروی محمد(ص) از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۸

۸- پیامبر (ص) ، موظف به حرکت دقیق بر اساس وحی الهی و پرهیز از هر عملی مغایر با آن

و إن كادوا ليفتنونك عن الذي أوحينا إليك لتفتري علينا غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲ - ۱،۵

۱ - پیامبر (ص) ، موظف بود از تعالیمی که از ناحیه خداوند بر او وحی می شد ، تبعیت کند .

و أتبع ما يوحى إليك من ربك

۵ - پیامبر (ص) موظف بود تا جهت گیری های رسالی خویش را بر اساس تعالیم وحی قرار دهد .

يأتينا النبي... و لا تطع الكافرين... و أتبع ما يوحى إليك من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۹

۹- پیامبر اکرم (ص) ، تنها متکی به وحی و پیرو رهنمود های خداوند

إن أتبع إلا ما يوحى إليّ

تاریخ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۲

۱۲ نوح ، نخستین پیامبری که خدا به او وحی کرده است . *

كما أوحينا إلى نوح و النبين من بعده

چون آیه مورد بحث نه به صورت تفصیل و نه به صورت اجمال سخنی درباره وحی به پیامبری قبل از نوح(ع) بیان نکرده، می توان گفت قبل از حضرت نوح(ع) پیامبری که خدا به وی وحی کرده باشد وجود نداشته

بنابراین نوح(ع) اولین پیامبری است که به وی وحی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - وحی و رسالت ، دارای پیشینه در تاریخ جزیره العرب

أم جاءهم ما لم يأت اباؤهم الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۴

۴ - نزول وحی از سوی خدا ، دارای سابقه دیرین در تاریخ بشر

و ما يأتيهم من ذكر من الرحمن محدث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۱

۱ - وحی خداوند به پیامبران ، دارای سابقه و دیرینه تاریخی است .

كذلك يوحى إليك و إلى الذين من قبلك الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۲

۲ - آبادی ها و شهر های بسیاری ، در جوامع بشری از وجود وحی و پیامبران الهی ، برخوردار بودند .

و كآئن من قريه عتت عن أمر ربها و رسله

تبعیت محمد(ص) از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۱

۱ پیامبر(ص) مأمور پیروی از وحی است.

اتبع ما أوحى اليك من ربك

تبعیت از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ پیامبر(ص) تنها تابع وحی الهی است، نه تابع در خواستهای مشرکان.

إن أتبع إلا ما يوحى إليّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۶

تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءكم الحق من ربكم .. و اتبع ما يوحى إليك و اصبر حتى يحكم الله

تبعیت محمد(ص) از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۷

۷ پیامبر (ص) تابع وحی و همواره پیرو دستور های خداوند بود .

قل إنما أتبع ما يوحى إليّ من ربى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ پیامبر اکرم (ص) ، امین وحی و پیرو بی چون و چرای فرمان های الهی

إن أتبع إلا ما يوحى إليّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۱

۱ پیامبر (ص) مأمور بود از آنچه که به او وحی می شد ، تبعیت کند .

و اتبع ما يوحى إليك

تبلیغ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۲

۲- رساندن پیام وحی به گوش مردم ، از وظایف رهبران الهی است .

واتل ما أوحى إليك من كتاب ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۳ - ۳

۳ - امانت ، دارای نقش محوری در ابلاغ و رساندن پیام وحی

نزل به الروح الأمين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مهم ترین صفتی که خداوند برای حامل وحی بیان داشته، امانت او است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۶

۱۶- رسالت اصلی رهبران الهی ، ابلاغ پیام وحی و اتمام حجت بر خلق

فاصبر . . . و لاتستعجل لهم ... بلغ

<بلاغ> سخنی در توجیه و تعلیل <فاصبر> و <لاتستعجل> است؛ یعنی، تو مأمور بلاغی و نگران فرجام کافران مباش.

تبیین وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، وظیفه دار پاسخ گویی به اتهامات مشرکان مبنی بر ساختگی بودن قرآن با روشن کردن حقیقت وحی

إنما أنت مفتر .. قل نزله روح القدس من ربك

تثبیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۷ - ۲،۳،۶

۲- تثبیت مفاهیم وحی و جاودانگی آنها در قلب پیامبر (ص) ، جلوه ربوبیت خاص الهی نسبت به آن حضرت

لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا .. إلاّ رحمه من ربك

۳- تثبیت وحی و بقای مفاهیم قرآنی ، جلوه رحمت الهی بر بندگان

لئن شئنا لنذهبنّ .. إلاّ رحمه من ربك

۶- امتنان خداوند بر پیامبر (ص) به خاطر تثبیت مفاهیم وحی در قلب او

و لئن شئنا لنذهبنّ .. إن فضله كان علیک کبیرًا

تداوم نزول ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱ - ۲

۲ - نزول فرشتگان وحی ، به صورت مستمر و پیاپی

و المرسلت عرفاً

<عُرف>، مصدر است و در معانی <تتابع> (پی درپی) و معروف (نیک و ارزشمند) به کار می رود. برداشت یاد شده،

مبتنی

بر کاربرد نخست است.

تداوم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۶

۶ وحی و بعثت پیامبران (ع) ، جریانی مداوم و پیوسته در تاریخ

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوْحٍ وَالنَّبِيِّنَ مِنْ بَعْدِهِ .. وءاتینا داود زیوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱

۱ - وحی به پیامبر اکرم (ص) ، استمرار وحی بر انبیای پیشین است .

و كذلك أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مشارئلیه <ذلك>، مطلق وحی باشد (که از آیه قبل استفاده می شود).

تداوم وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، هرگز ارتباط خود را با پیامبر (ص) قطع نکرده و به آن حضرت بی اعتنا نبود .

ما وَدَّعَكَ رَبُّكَ

<تودیع> که در بدرقه مسافر و ترک کردن او متعارف شده است - در این آیه به معنای ترک است (مفردات). فعل های <ما وَدَّع> و <ما قلی>، براساس شأن نزول هایی که برای این سوره ذکر کرده اند، به مقطع خاصی از عمر پیامبر(ص) نظر دارد که نزول وحی در آن مقطع متوقف شده بود ولی به قرینه آیات بعد که از آخرت آن حضرت و نیز دوران خردسالی او سخن گفته است تمام حالات و زمان های وجود مبارک پیامبر(ص) مراد است.

تذکرات وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴

۵- تذکار بشر ، هدف نهایی و مورد انتظار وحی

فَأِنَّمَا يَسْرِنَهُ .. لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

تشبیه ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲ - ۴

۴ - فرشتگان وحی ، همچون طوفان با سرعت بسیار مأموریت خود را دنبال می کردند .

فَالعَصْفُ عَصْفًا

<عاصفات> از نظر لغوی، به معنای تندبادها و طوفان ها است و اگر مقصود از آن، فرشتگان باشد، در این کلام تشبیه و استعاره به کار رفته است.

تعالیم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۲

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبِّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۸

۸- توحید و یگانگی خدا ، شاخص ترین پیام های عقیدتی وحی شده بر پیامبر (ص) است .

يُوحَىٰ إِلَيْكَ أَنَّمَا إِلَهُ الْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - یگانگی خداوند و حقیقت نداشتن هیچ معبودی جز او ، سر لوحه وحی الهی به موسی (ع) در وادی طوی بود .

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۵ - ۳

۳- شعار < لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ > ، پرستش خدای یگانه و

مبارزه با شرک و چندگانه پرستی ، محتوای وحی الهی به تمامی رسولان

من رسول الانوحی إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۱۲،۱۶

۱۲ - تعیین محتوای وحی ، تنها در اختیار خداوند است و نه خواست غیر او

فیوحی یاذنه ما یشاء

۱۶ - مشیت الهی در تعیین محتوای وحی ، متکی به علو مرتبه و حکمت او است .

فیوحی یاذنه ما یشاء إنه علی حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱ - ۴

۴ - وحی و ادیان الهی ، پیام آور نیکی ها و ارزش ها برای انسان ها

و المرسلت عرفاً

تعقل در وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۵

۵ - بهره گیری از معارف روشن وحی ، نیازمند تعقل و خردورزی

و الکتب المبین .. لعلکم تعقلون

تکذیب نزول وحی بر بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۳

۳ انکار نزول وحی بر بشر، افترا به خداوند است.

ما أنزل الله على بشر من شيء .. و من أظلم ممن افترى على الله كذبا

تکذیب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۹

۹ انکار وحی به پیامبر اکرم (ص) در حقیقت انکار وحی به دیگر پیامبران الهی است .

إنا أوحينا إليك كما أوحينا إلى نوح و النبيين من بعده و أوحينا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۷

۷ پذیرفتن قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) کفر به خدا و رحمانیت اوست .

لتتلوا عليهم الذی أوحینا إلیک و هم یکفرون بالرحمن

چون مردم عصر بعثت به ویژه اهل مکه و اطراف آن، به خداوند معتقد بودند، معلوم می شود مراد از <یکفرون بالرحمن> به قرینه عبارت <لتتلوا علیهم ..> انکار قرآن است. تعبیر کردن از انکار قرآن به کافر شدن به خدا، گویای این نکته است که پذیرفتن قرآن و کافر شدن به آن به منزله کفر ورزیدن به خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۹

۹- کفر به وحی و کتاب های آسمانی ، ظلم به خویش است .

هل ینظرون إلا أن تأتيهم الملائکه أو یأتی أمر ربک كذلك فعل الذین من قبلهم و ما

تکذیب وحی به بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۲

۲ انکار وحی و رسالت انسان از جانب خدا ، نشانه بی خردی و کوتاه نظری

أکان للناس عجبا أن أوحینا إلی رجل منهم

استفهام در <أکان للناس عجبا> استفهام انکاری و برای اظهار شگفتی از موضع گیری انکارآمیز مردم مکه در برابر پدیده وحی و رسالت انسان از جانب خداست. اظهار شگفتی خداوند، نشان دهنده این حقیقت است که: مسأله وحی و نبوت مسأله ای بدیهی و ضروری و از مقتضیات ربوبیت خدا نسبت به انسان است و انکار آن به منزله انکار امور بدیهی و ضروری بوده و

بیانگر بی خردی و کوتاه نظری منکران آن است.

تکذیب وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۱

۱ کافران ، منکر نزول وحی بر پیامبر (ص) بودند و قرآن را دروغ و ساخته و پرداخته او می دانستند .

و قال الذین کفروا إن هذا إلا إفک افتریه

تلاش مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۵

۵ - تلاش وحی ناباوران ، برای مایوس ساختن پیامبر (ص) از دعوت آنان به اسلام

و قالوا .. فاعمل إننا عملون

از مانع تراشی های مشرکان و تأکیدهای مکرر آنها مبنی بر نرسیدن دعوت پیامبر(ص) به آنان و نیز تأکیدشان بر پایبندی به کیش خویش، مطلب بالا استفاده می شود.

تلاوت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - فرستادگان الهی ، با در دست داشتن وحی الهی در قالب عبارت های قابل تلاوت در میان مردم ، مبعوث می شدند .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءآیت ربکم

۱۴ - تلاوت وحی و آیات الهی برای مردم ، از وظایف فرستادگان الهی

رسل منکم یتلون علیکم ءآیت ربکم

تهدید استهزاگران وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۵

۵ - تهدید استهزاگران وحی از سوی خداوند به کیفرهای اخروی

فسیأتیهم أنبؤا ما كانوا به یتهزءون

تهمت جادو به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ -

۳- اتهام سحر و ساحری به پیامبران و وحی ، زشت ترین موضع گیری تکذیب گران علیه آنان *

أفسحر هذه

اختصاص به ذکر یافتن موضوع <سحر>، بیانگر مطلب بالا است.

جادوانگاری وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۷

۷- اتهام سحر ، سپر دفاعی کافران در برابر آیات روشن وحی

إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين كفروا .. هذا سحر مبين

جاذبه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۲

۲- شیوایی و جاذبه محسوس پیام وحی ، مورد سوء تعبیر کافران

أم يقولون شاعر

کافران، به جای آن که موزون بودن و شیوایی سخنان وحی را، طریق هدایت خود قرار دهند، مورد سوء تعبیر قرار داده و نوعی شعر قلمداد کرده اند که ناخودآگاه در این نقص گیری به تمجید نشستند.

جرم تکذیب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ تحریم آنچه خداوند حرام نکرده و تکذیب وحی جرم است.

قل لا أجد فيما أوحى إليّ محرماً... فإن كذبوك... ولا يرد بأسه

حامی وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۲

۲ - خداوند ، حامی و نگاهبان پیام وحی ، و پیامبر (ص) موظف به انجام وظیفه ابلاغ

فإننا منهم منتقمون .. فإننا عليهم مقتدرون . فاستمسك بالذي أوحى إليك

حق ناپذیری مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

حقانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۱،۷

۱ - عالمان (آشنایان به معارف آسمانی)، آنچه را که از جانب خداوند به پیامبر (ص) نازل شده است، حق می دانند.

و یری الذین أوتوا العلم الذی أنزل إلیک من ربک هو الحقّ

۷- لازمه علم و آگاهی، قضاوت صحیح و واقع بینانه درباره تعالیم نازل شده از جانب خداوند است.

و یری الذین أوتوا العلم الذی أنزل إلیک من ربک هو الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷- سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند، از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

حقیقت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۸

۸- پایین آمدن مفاهیم عالی وحی از مرتبه < اُمّ الكتاب > تا < زبان عرب > ، نمودی از حکمت الهی است .

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا . . . وَإِنَّهُ فِي أُمَّ الْكُتُبِ

لدینا لعلیٰ حکیم

خاستگاه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۳

۳ - وحی ، پدیده ای آسمانی و از مبدئی اعلی

كذلك یوحى .. تكاد السموت یتفطرن من فوقهنّ

خیریت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱

۱- تقواییشان ، معتقد به خیر محض بودن وحی الهی (قرآن)

وقیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا

درخواست نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۹

۹ - فرشتگان ، خواهان نزول وحی بر اهل زمین *

و یتستغفرون لمن فی الأرض

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب زیر است: الف) مغفرت بدون سبب تحقق پیدا نمی کند. ب) مراد از سبب مغفرت، نزول وحی و تشریح دین باشد که اهل زمین بدین وسیله مشمول مغفرت الهی شوند.

دریافت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - سلامت عقلانی پیامبر (ص) ، ضامن دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی و مصونیت مرحله دریافت از خطا و تحریف

و ما صاحبکم بمجنون

دشمنی با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۶

۶ - بنای کافران بر خصومت و موضع گیری علیه هر پیام جدید الهی ، در طول تاریخ

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث .. معرضین

دشمنی مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه

۶ - کافران به وحی و رسالت پیامبر اکرم (ص)، دشمنان خدا و امت اسلامی اند .

عدوئی و عدوکم .. و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ

دلایل حقانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱۶

۱۶ - احاطه ربوبیت خداوند بر هستی، گواه حقانیت پیام او و هماهنگی آن با قوانین نظام هستی

سنریهم ءایتنا .. حتّی یتبین لهم أنّه الحقّ أولم یکف برّبک أنّه علی کلّ شیء

دلایل نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۳

۲۳ نزول تورات دلیلی بر امکان نزول وحی بر پیامبر (ص) و گواهی بر بطلان پندار منکران نزول وحی بر بشر است.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر .. قل من أنزل الکتب ... قل الله

رد انقطاع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۱

۱ - خداوند، هرگز ارتباط خود را با پیامبر (ص) قطع نکرده و به آن حضرت بی اعتنا نبود .

ما ودّعک ربّک

<تودیع> که در بدرقه مسافر و ترک کردن او متعارف شده است - در این آیه به معنای ترک است (مفردات). فعل های <ما ودّع> و <ما قلی>، براساس شأن نزول هایی که برای این سوره ذکر کرده اند، به مقطع خاصی از عمر پیامبر (ص) نظر دارد که نزول وحی در آن مقطع متوقف شده بود؛ ولی به قرینه آیات بعد که از آخرت آن حضرت

و نیز دوران خردسالی او سخن گفته است تمام حالات و زمان های وجود مبارک پیامبر(ص) مراد است.

روش برخورد با مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۳

۱۳ ابلاغ رحمت خداوند به تکذیب کنندگان وحی و بیم دادن آنان از عذاب خداوند، روشهای کلی مقابله با آنان است.

فإن كذبوك فقل ربكم ذو رحمة وسعة ولا يرد بأسه عن القوم المجرمين

روش برخورد با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ لزوم ژرف نگری در آیات قرآن و پرهیز از برخورد سطحی با پیام های الهی (وحی)

بأنهم قوم لا يفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۵

۲۵ - موضع گیری انسان ها در برابر وحی ، تعیین کننده سرنوشت آنان در قیامت

كذلك أوحينا .. فريق في الجنة و فريق في السعير

روش نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۴

۴ - شیوه وحی الهی به پیامبران ، شیوه ای همسان و همگون*

كذلك يوحي إليك و إلى الذين من قبل

بنابراین که <کذلک> اشاره به کیفیت و چگونگی وحی داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

روشنگری وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاییه - ۴۵ - ۲۰ - ۳

۳ - انسان ، بدون روشنگری های وحی ، ناتوان از درک عمیق بسیاری از حقایق هستی

هذا بصائر للناس

زبان وحی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۱،۳

۱ - نزول مفاهیم وحی در قالب الفاظ عربی بر قلب پیامبر (ص)

نزل .. علی قلبک ... بلسان عربی

۳ - انتخاب گویاترین و روشن ترین واژه ها و شیوه های گویش عرب برای بیان وحی

بلسان عربی مبین

در برداشت یاد شده <مبین> به عنوان صفت احترازی اخذ شده است. براین اساس زبان عربی به دو دسته (مبین و غیرمبین) تقسیم می شود و خداوند قسم اول را برای بیان مفاهیم وحی برگزیده است.

زمینه ابلاغ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - ثبات و جاودانی و مصونیت از تحریف ، ملاک ارزشمندی پیام وحی و مقتضی تلاوت و ابلاغ آن است .

واتل ما أوحی إليك .. لا تبدل لکلمته

زمینه استفاده از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۵

۵ - بهره گیری از معارف روشن وحی ، نیازمند تعقل و خردورزی

و الکتب المبین .. لعلکم تعقلون

زمینه اعراض از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- غفلت از قیامت ، زمینه سازی اعتنایی به وحی و بازیچه قراردادن دین است .

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم ... و هم یلعبون

زمینه افترا به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰- حق ناپذیری و هدایت گریزی کافران ، منتهی به دروغ

شمردن پیام راستین وحی

و إذ لم يهتدوا به فسيقولون هذا إفكٌ قديم

<فاء> در <فسیقولون>، بیانگر ترتّب و نتیجه است؛ یعنی، اتهام آنان به قرآن، نتیجه حق ناپذیری و هدایت گریزی آنان است.

زمینه ایمان به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۶

۶- انسان ، در پرتو سلامت روح و اندیشه ، قادر به دریافت و پذیرش پیام وحی

و من يعيش عن ذكر الرحمن .. أفأنت تسمع الصمّ ... و من كان في ضلل مبين

در آیه شریفه قابلیت نداشتن برای هدایت، گمراهی آشکار شمرده شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که وجود قابلیت روحی و فکری برای هدایت، می تواند راه رسیدن به حق را هموار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۲

۲- مطالعه در مظاهر قدرت و تدبیر الهی ، از میان برنده هرگونه استبعاد و اعجاب انسان ، نسبت به حقایق وحی

أفمن هذا الحديث تعجبون

<فاء> تفریع می رساند که اگر توجه کامل به مفاد آیات پیشین که بیانگر قدرت و تدبیر الهی بود مبذول شود، زمینه ای برای استبعاد و ناباوری باقی نخواهد ماند.

زمینه پیروی از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵- توجیه ناپذیری و نادرستی اعتماد بر غیر خدا برای شناخت حقایق ، مقتضی روی آوردن به تلاوت وحی الهی و پیروی از

آن است .

واتل ما أحيى إليك .. ولن تجد من دونه ملتحداً

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - اطاعت کامل از دستورات وحی ، تنها در پرتو باور و یقین به قیامت میسر خواهد بود .

و إِنَّه لَعَلْمٌ لِّلسَاعَةِ فَلَاتَمْتَرَنَّ بِهَا وَ اتَّبِعُونَ

ارتباط دو قسمت آیه شریفه (و إِنَّه لَعَلْمٌ لِّلسَاعَةِ فَلَاتَمْتَرَنَّ بِهَا) و (اتَّبِعُونَ) نشانگر آن است که اعتقاد به قیامت، زمینه ساز پیروی کامل از دستورات خداوند است.

زمینه تکذیب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۳

۱۳- استکبار و خودبرتربینی ، مایه محرومیت از هدایت وحی و تکذیب آن

و استکبرتم . . . و قال الذین کفروا ... لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه و إذ لم یهتدوا

با توجه به آیات پیشین و نیز با توجه به صدر و ذیل آیه، استفاده می شود که بهره مند نشدن کافران از هدایت قرآن و تکذیب آن از سوی ایشان، ناشی از استکبار و خودبرتربینی آنان است.

زمینه دریافت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۷

۷- عبودیت خداوند ، زمینه ساز شایستگی انسان برای دریافت وحی الهی *

یَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

تبیین <من یشاء> به وسیله <من عباد> و آوردن واژه <عباد> به جای واژه هایی چون: <ناس>، <خلق> و . . . می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - عبودیت خداوند ، زمینه ساز شایستگی انسان برای دریافت وحی

يلقى الروح من أمره على من يشاء

من عباده

زمینه شناخت ارزش وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۲

۲- تقوا، زمینه ساز شناخت ارزش وحی الهی

و قيل للذين اتقوا ماذا أنزل ربكم قالوا خيراً

زمینه شناخت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - جامعه شناسی ، باستان شناسی و تاریخ ، زمینه ساز شناخت سنت های الهی و ره یابی به واقعیت پیام وحی

و کم أهلكنا قبلهم من قرن هم أشد منهم بطشاً .. هل من محيص

زمینه فهم حقانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۵

۵ - دانش بشر و دریافت های علمی او ، در پهنه طبیعت و وجود انسان ، هموارکننده راه درک حقانیت پیام وحی

سنريهم ءايتنا في الأفاق و في أنفسهم حتى يتبين لهم أنه الحق

خداوند حقایقی را در قرآن در مورد انسان مطرح نموده است. از انطباق آن با واقعیت وجودی انسان، حقانیت قرآن آشکار می گردد. این برداشت در صورتی است که ضمیر در <أنه>، به قرآن باز گردد.

زمینه فهم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- بیداردلی و هوشمندی ، زمینه لازم برای فهم صحیح حقایق الهی و اثرپذیری از وحی و کتاب های آسمانی

ما یأتیهم .. لاهیة قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۷

۷- بهرهوری از مفاهیم عالی وحی ، منوط به داشتن قلب سلیم

و زمینه ساز تدبیر

أفلا يتدبرون .. أم علی قلوب أفعالها

در صورتی که <أم> به معنای <بل> باشد، مفاد آیه چنین می شود: اگر در قرآن تدبیر شود، حقیقت بر انسان آشکار می گردد؛ ولی حق گریزان در نتیجه اعمال خودشان، قلبی بسته و ناتوان از تدبیر دارند. در حالی که تدبیر در قرآن، برای قلب سلیم و تأثیرپذیر، میسر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۸ - ۱

۱ - دستیابی به حقایق وحی جز از طریق پیامبران ، امری ناممکن برای بشر

أم لهم سلم يستمعون فيه

زمینه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۸

۸ - نبوت و دریافت وحی ، نیازمند سینه ای فراخ و ظرفیتی گسترده است .

قال رب اشرح لی صدري

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۵

۵ - رحمت گسترده خداوند ، مقتضی نزول وحی و پیام نو به نو برای انسان ها

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث

برداشت یاد شده از ارتباط میان آمدن صفت <رحمان> برای خداوند و صفت <ذکر> برای وحی، استفاده می شود.

زمینه وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نقش عبودیت حضرت محمد (ص) ، در دستیابی آن حضرت به مقام نبوت و دریافت پیام وحی از جانب خداوند

هو الذی ینزل علی عبده

تعبیر <عبده> درباره پیامبر(ص) به جای هر تعبیر دیگر می تواند حاکی از مطلب یاد شده

باشد.

زمینه وحی به یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۲

۲ - انقطاع وحی به یونس (ع) از زمان ارتکاب < ترک اولی > (ترک مردم و نفرین علیه آنان) و وحی مجدد به ایشان ، پس از توبه او و عنایت خداوند به وی

فاجتبیہ ربّہ

مطلب یاد شده با توجه به این نکته است که یونس(ع) پیش از ماجرای ارتکاب < ترک اولی > از پیامبران بود. بنابراین مقصود از < فاجتباہ > به رسالت رساندن او نیست؛ بلکه به معنای تداوم رسالت او پس از انقطاع موقت وحی است.

سختی عبور وحی از آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۴

۴ - تحمل عبور وحی ، امری سخت و دشوار بر آسمان ها

تکاد السموت یتفطرن من فوقهنّ

این که آسمان ها هنگام نزول وحی در آستانه فرو پاشی قرار می گیرند، حاکی از سختی و دشواری تحمل عبور وحی برای آنها است.

سرزنش مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۱

۱ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر باور نداشتن حقایق وحی و وعده های الهی

أفمن هذا الحدیث تعجبون

سکوت هنگام دریافت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۶ - ۳

۳ - رعایت سکوت کامل در هنگام دریافت وحی تا پایان یافتن آن ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

لا تَحْرَکْ بِه لسانک لتعجل به

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۸ - ۱

۱ - رعایت سکوت کامل در هنگام نزول و دریافت وحی تا پایان آن ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

فَإِذَا قَرَأَهُ فَأَتَّبِعْ قِرَاءَانَهُ

سنگینی دریافت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۲

۲ - دریافت وحی (قرآن) و تبلیغ آن ، امری بس سنگین و گران بار برای پیامبر (ص)

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا

سوگند به ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان تلاوت گر وحی الهی و قرآن کریم بر انسان ها و پیامبران

فَالْتَلَيْتَ ذِكْرًا

مراد از <ذکر> وحی الهی و یا خصوص قرآن کریم است. طبق این دیدگاه مقصود از تلاوت، تلاوت بر پیامبران و یا بر انسان هایی است که خداوند به آنان با زبان وحی سخن گفته است و فرشتگان واسطه ابلاغ این وحی بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و المرسلت عرفاً

درباره سوگندهای پنجگانه در آغاز این سوره، سه تفسیر عمده وجود دارد: ۱ تمام این سوگندهای پنجگانه، اشاره به <بادها و طوفان ها> است؛ ۲ همه سوگندها، اشاره به <فرشتگان وحی> است؛ ۳ سوگند اول و دوم ناظر به مسأله <بادها و طوفان ها> و سوگند سوم، چهارم و پنجم ناظر به القا و نشر وحی و آیات حق بهوسیله فرشتگان است. شاهد و دلیل بر تفسیر سوم،

جداسازی این دو دسته از سوگندها در آیات به وسیله <واو> است؛ در حالی که بقیه به وسیله <فاء> به هم عطف شده اند که نشانه ارتباط و پیوند آنها است. گفتنی است تفسیر دوم و سوم، با سیاق آیات سازگارتر است؛ از این رو، مبنای برداشت ها قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالعصفت عصفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

و النشرت نشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالفرقت فرقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به فرشتگان وحی

فالملقیت ذکرًا

سهولت فهم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- مفاهیم عالی وحی ، تنزل یافته از سوی خداوند ، در سطح فهم بشر *

و ءامنوا بما نزل علی محمد

بدان احتمال که واژه <نزل> اشاره به تنزل و پایین آمدن سطح مفاهیم در حد درک بشر داشته باشد، از آیه شریفه استفاده می شود که این تنزل از سوی خداوند صورت گرفته است، نه این که مفاهیم کلی بر پیامبر (ص) وحی شده و آن حضرت خود آنها را در سطح فهم مردم بیان کرده باشد.

شرایط نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۴

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا .. لو ما تأتينا بالملئکه ان كنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

شرایط وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ در تلقی وحی الهی و دریافت آن ، رسیدن به سن خاصی شرط نیست .

و أوحینا إلیه

شک در وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۲ - ۱

۱ - مجادلات و اظهار تردید های مشرکان ، درباره وحی و مشاهدات قلبی پیامبر (ص)

أفتمرونه علی ما یری

<ممارات و مرآء> (مصدر <تمارون>) معادل <مجادله و جدال> است؛ یعنی، <أفتمارونه علی ما یری>.

شک مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۱

۱- کافران و منکران وحی ، گرفتار بازی در فضای شک و تردید

بل هم فی شکّ

این آیه در حقیقت پاسخی به این پرسش است که: چرا علی رغم دلایل روشن بر حقانیت وحی و رسالت پیامبران، گروهی به کفر و انکار وحی می گرایند؟

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۴

۴- پایان یافتن تردیدها و سست انگاری های منکران وحی ، با تحقق وعده های الهی در قیامت

بل هم فی شکّ . . . فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین ... إنا مؤمنون

بنابراین که آیات پیشین در رابطه با قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

شگفتی وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱

۱ - وحی ، از پدیده های شگفت انگیز جهان هستی است .

كذلك یوحی . . . تكاد السموت یتفطرن من فوقهنّ

ذکر شکافته شدن آسمان ها پس از بیان نزول وحی، می تواند بیانگر تأثیر نزول وحی بر جهان هستی باشد و این مطلب نشانگر عظمت و شگفتی این پدیده است.

شیاطین و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۷

۷- وحی به هنگام نزول از آسمان ، از دخل و تصرف شیاطین در امان است . *

إنا نحن نزلنا الذّکر و إنا له لحفظون . . . و حفظنها من کلّ شیطن رجیم . إلاّ من

احتمالاً- مراد از حفظ آسمانها از شیطانها و طرد آنها از آن جا، به منظور دست نیازیدن به وحی باشد که می تواند از جمله موارد حفظ وحی باشد.

صبر بر مشکلات وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءكم الحق

من ربکم .. و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم الله

صداقت کاتبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۲

۲ - نویسندگان قرآن در صحیفه های پاک و والا مرتبه ، کاتبانی راست گفتار ، مطیع خداوند و درست کردارانند .

بأیدی سفره ... برره

<برره> و <ابرار> به یک معنا است؛ جز این که <برره> مبالغه بیشتری دارد؛ زیرا جمع <بَرَّ> است و <بَرَّ> مبالغه بیشتری از کلمه <بَارَّ> (مفرد <ابرار>) دارد (مفردات راغب). از جمله معانی ای که برای <بَرَّ> ذکر شده، <صلاح و درست کاری>، <اطاعت> و <صداقت> است. (لسان العرب)

عبور وحی از آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۲

۲ - عبور وحی الهی ، از آسمان ها

کذلک یوحی .. تکاد السموت یتفطرن

چنانچه عامل شکافته شدن آسمان ها را وحی الهی بدانیم، نزدیک ترین رابطه میان وحی و آسمان ها، چیزی جز این نخواهد بود که آسمان ها مسیر عبور وحی است.

عصمت در تبلیغ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۸ - ۲

۲ - پیامبران ، معصوم و مصون از خطا در ابلاغ کامل پیام های الهی به مردم

لیعلم أن قد أبلغوا رسلت ربهم

عصمت در دریافت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۵

۵ - پیامبر (ص)، مصون از هر گونه خطا، به هنگام دریافت وحی

ما کذب الفؤاد ما رأى

در صورتی که

مراد از <مارأی> وحی باشد، تعبیر <ماکذب> .. < نشانگر راه نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف به هنگام دریافت وحی است.

عظمت تعالیم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳ - ۷

۷ - مفاهیم وحی ، قبل از نزول در قالب واژگان عرب ، مفاهیمی فراتر از عقل بشر بوده است .

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

از این که فلسفه عربی بودن قرآن، خردورزی در آن قرار داده شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

عقلانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۶

۶- معارف وحی ، آشنا برای فطرت و عقل انسان

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

کاربرد <یتذکرون> در مقام ترسیم هدف تسهیل معارف وحی، نمایانگر این حقیقت است که حقایق وحی، مانوس با انسان و آشنا با او است؛ لیکن وی در گذر زمان گرفتار غفلت و فراموشی گشته است.

علم به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱

۱- آگاهی پیامبر (ص) بر وحی و زبان گشودن آن حضرت به قرائت قرآن ، وابسته به خواست خداوند و در گرو عنایت ویژه او بود .

سنقرئک

عمل صالح کاتبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۲

۲ - نویسندگان قرآن در صحیفه های پاک و والا مرتبه ، کاتبانی راست گفتار ، مطیع خداوند و درست کردارانند .

بأیدی سفره .. برره

<برره> و <ابرار> به یک معنا است؛ جز این که <برره> مبالغه بیشتری دارد؛

زیرا جمع <بَرَّ> است و <بَرَّ> مبالغه بیشتری از کلمه <بَارَّ> (مفرد <إبرار>) دارد (مفردات راغب). از جمله معانی ای که برای <بَرَّ> ذکر شده، <صلاح و درست کاری>، <اطاعت> و <صداقت> است. (لسان العرب)

عوامل اعراض از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۵

۵ - ذهن خرافه پرست مشرکان ، بدون تمایل به کلام ناب و بی خرافه وحی *

أم له البنت و لکم البنون

با توجه به این که آیات شریفه، در مقام تأیید و تحکیم رسالت پیامبر(ص) است، بیان اعتقاد خرافی کافران در آیه بالا، می تواند اشاره به یکی از عوامل عمده سرپیچی کافران از پذیرش رسالت (خرافه پرستی آنان) داشته باشد.

عوامل تکذیب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱،۲

۱ کسانی که نزول وحی بر بشر و رسالت یافتن او را انکار می کنند، خداوند را، آن گونه که هست، نشناخته اند.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر

۲ انکار وحی و رسالت یافتن بشر، معلول نقصان معرفت آدمی به خداوند است.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۲

۲ - استکبار ، عامل نادیده انگاشتن حقایق وحی و اصرار بر انکار آن *

یسمع ءایة الله تتلی علیه ثم یصرّ مستکبراً کأن لم یسمعها

تعبیر <مستکبراً کأن لم یسمعها> چنین می نمایاند که صفت استکبار، از عوامل مهم کفر و پافشاری بر

رد آیات روشن الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۶

۱۶ - تخلف از دستور پیامبر (ص) و ناباوری نسبت به وحی، ناشی از سطحی نگری است.

كذلك قال الله من قبل فسيقولون بل تحسدوننا بل كانوا لا يفقهون إلا قليلاً

با توجه به ارتباط صدر و ذیل آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۲

۲ - باطل گرایی و سرگرم شدن به پوچی ها، عامل اصلی تکذیب وحی و قیامت

الذین هم فی خوض یلعبون

از این که <الذین هم...> به عنوان تنها وصف <المکذبین> آمده است؛ نقش اصلی آن در تکذیب حق استفاده می شود.

عوامل دشمنی با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۴

۴ - طغیان و سرکشی، عامل اصلی رویارویی کافران علیه پیامبر (ص) و آرزوی خاموشی پیام وحی

نتریص به ریب المنون .. أم هم قوم طاغون

عوامل غفلت از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱۰

۱۰ - سرگرمی انسان به دنیا، عامل بی توجهی به وحی و دین الهی

ما یأتیهم من ذکر . . . و هم یلعبون

جمله < و هم یلعبون > حال برای ضمیر فاعلی < استمعوه > و بیانگر وضعیت مشرکان و مردم حق گریز است. این وضعیت می تواند در حق گریزی و بی اعتنایی به پیام های الهی مؤثر باشد. گفتنی است جمله < لاهیة قلوبهم > در صدر

آیه بعد که حال برای مبتدا در جمله <و هم یلعبون> است همین برداشت را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ - غفلت از قیامت و دور پنداشتن آن ، از موانع مهم بی توجهی انسان به حقایق وحی و قوانین الهی

اللّٰهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ .. و ما یدریک لعلّ الساعه

از این که در مسأله قیامت، امکان نزدیک بودن آن تخصیص به ذکر یافته، اهمیت آن استفاده می شود.

عوامل محرومیت از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۵

۵ - اگر پیامبر (ص) کوچک ترین افترا و دروغی بر خدا می بست ، کذب وی فاش و از نعمت دریافت وحی محروم می شد

أَمْ يَقُولُونَ افترى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشِئِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ

بنابراین که جمله <فإن يشئ الله..> پاسخ اتهام مشرکان باشد، می توان استفاده کرد که اگر پیامبر(ص) دروغ و افترایی بر خدا می بست، خداوند قلب او را مهر و موم می کرد و در نتیجه از دریافت وحی، محروم می ماند.

عوامل مخالفت با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۴

۴ - خودبزرگ بینی و توهم اقتدار و نیرومندی ، از عوامل حق ناپذیری و وحی ستیزی

فأهلکنا أشدّ منهم بطشاً

تذکر <فأهلکنا أشدّ..> در حقیقت هشدار به کسانی است که با احساس توانمندی، پنداشته اند که می توانند از مجازات حق ستیزی گریخته و ایمن بمانند.

مصونیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۸

۸ - لطف ، رحمت ، قدرت و عزت خداوند ، مقتضی مصون داشتن حریم وحی از نفوذ و تصرف دروغ پردازان

اللّٰه لطیف بعباده . . . و هو القویّ العزیز . . . و یمح اللّٰه البطل

ارتباط مجموعه آیات و سیاق واحد آنها، می تواند بیانگر معنای یاد شده باشد.

فرجام شوم استهزای وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱۶

۱۶ - تمسخر پیام وحی و وعده های پیامبران ، دارای فرجامی سخت

فأنتا بما تعدنا إن كنت من الصدقین . . . و حاق بهم ما كانوا به یستهزءون

فضایل ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۳

۳ - سفیران الهی و واسطه های ابلاغ قرآن ، فرشتگانی ارجمند و درست کاراند .

بأیدی سفره . کرام برره

برداشت یاد شده، براساس معنای سفارت (رسالت) در <سفره> است و به احتمالی که در توضیح ۴ در آیه قبل مطرح شد، نظر دارد.

فطرییت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- معارف وحی ، آشنا برای فطرت و عقل انسان

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

کاربرد <یتذکرون> در مقام ترسیم هدف تسهیل معارف وحی، نمایانگر این حقیقت است که حقایق وحی، مأنوس با انسان و آشنا با او است؛ لیکن وی در گذر زمان گرفتار غفلت و فراموشی گشته است.

فلسفه انقطاع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳

۱۰ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله < ما ودّعك ربك و ما قلى > و ذلك أنّ جبرئيل أبطأ عن رسول الله (ص) . . . فقالت خديجه لعلّ ربك قد تركك فلا يرسل إليك فأنزل الله تبارك و تعالى ، < ما ودّعك ربك و ما قلى > ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <ما ودّعك ربك و ما قلى> روایت شده که فرمود: داستان چنین بود که آمدن جبرئیل نزد رسول خدا(ص) چندی به تأخیر افتاد . . . خدیجه گفت: شاید پروردگارت تو را ترک کرده که دیگر [فرشته ای] به سویت نمی فرستد. پس خدای تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود: <ما ودّعك ربك و ما قلى>.

فلسفه نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - آشنا شدن مردم با معاد و باور داشتن آن ، از اهداف نزول وحی

يلقى الروح . . لينذر يوم التلاق

فلسفه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۳

۳- وحی الهی (قرآن و . . .) ، در راستای غفلت زدایی و احیای فطرت خفته انسان و یادآوری دانستنی های فراموش شده او است .

و هم فی غفله معرضون . ما یأتیهم من ذکر من ربهم

<ذکر> از نظر معنا مانند <حفظ> است، با این تفاوت که <حفظ شیء> به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و <ذکر شیء> به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و وحی الهی

به <ذکر> به این اعتبار است که قرآن، یادآور دانستی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرتِ انسانِ غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۷

۷- ربوبیت خداوند ، مقتضی ارسال وحی به منظور هدایت بندگان است .

و إن اهتدیت فبما یوحی الی ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۱۶

۱۶ - انذار از قیامت ، از اهداف مهم وحی الهی

کذلک أوحینا إلیک .. و تنذر یوم الجمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۶

۶ - یکسان سازی سرنوشت انسان ها در قیامت ، ناهماهنگی با فلسفه نزول وحی و بعثت پیامبران

و کذلک أوحینا .. لتنذر ... و لو شاء الله لجعلهم أمه وحده

از آنجا که آیه شریفه در ادامه آیات مربوط به وحی می باشد، می توان استفاده کرد که نزول وحی با یکسان ساختن انسان ها، از نظر کفر و ایمان و در نتیجه وحدت سرنوشت آنان ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۴ - ۳

۳- وحی و رسالت ، در راستای رشد و تکامل انسان و نه برآوردن تمنیات هواپرستانه او *

و لقد جاءهم من ربّهم الهدی . أم للاینس ما تمّنی

برداشت یاد شده بدان احتمال است که: الف) مراد از <الهدی> در آیه پیش، وحی و رسالت باشد. ب) آیه <أم

للاینس...> با <و لقد جاءهم من ربّهم...> مرتبط باشد، یعنی، انسان نباید انتظار آن

را داشته باشد که آمال هواپرستانه اش، در شریعت ارضا شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۱

۱ - ابلاغ وحی از سوی فرشتگان ، به منظور اتمام حجت بر خلق و انذار و اخطار به آنان است .

فالمَلَقِيتِ ذِكْرًا . عَذْرًا أَوْ نَذْرًا

<عذر> و <نذر> مصدر و به معنای <اعذار و انذار> است و نصب این دو، به جهت مفعول له بودن آنها برای <ملقیات> است و یا به سبب بدل بودن آنها، برای <ذکرًا> است. برداشت یاد شده، مبتنی بر ترکیب نخست است.

فلسفه وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۰ - ۵

۵ - بر دوش داشتن رسالت انذار و اخطار گری ، فلسفه نزول وحی بر پیامبر (ص)

إِن يُوْحَىٰ إِلَيْكَ إِلَّا أَنْتَ مَا نُنذِرُ

برداشت یاد شده از آن جا است که <أنتما..> به تقدیر لام تعلیل است، یعنی، <إِن يُوْحَىٰ إِلَيْكَ إِلَّا أَنْتَ مَا نُنذِرُ...> (به من وحی نمی شود، مگر به خاطر این که من نذیر و اخطار کننده هستم).

فهم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۴

۴ - کافران به دروغ ، مدعی قابل درک نبودن حقایق وحی *

أفسح هذه أم أنتم لاتبصرون

عبارت <أم أنتم لاتبصرون> در حقیقت تکرار همان سخن کافران است که در دنیا نسبت به حقایق دین می گفتند و مدعی بودند که ما در سخنان وحی حقیقتی نمی یابیم.

قوم نوح و وحى به نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ نبوت حضرت نوح (ع) و نزول آیات الهی بر او برای قومش امری دشوار و باور نکردنی بود .

يقوم إن كان كبر عليكم مقامی و تذكیری بأیت الله

جمله <فكذبوه> در دو آیه بعد (۷۳) دلالت می کند بر اینکه موضوع مورد بحث، نبوت و رسالت حضرت نوح (ع) است و حضرت در مقام تحدی و اثبات این ادعاست.

كافران مكه و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا عليك كتبا .. إن هذا إلا سحر مبين

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۴

۴- کافران مکه ، نزول وحی بر پیامبر (ص) را ، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نزل> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

كافران و نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر

كفر به وحى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ فسق بنى اسرائيل عامل ايمان نياوردن به خدا ، پيامبر (ص) و وحى الهى

و لو كانوا يؤمنون .. و لكن كثيراً منهم فسقون

جمله < و لكن .. > بيانگر علت عدم ايمان بنى اسرائيل است.

كيفر اخروى استهزاگران وحى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۵

۵ - تهديد استهزاگران وحى از سوى خداوند به كيفر هاى اخروى

فسياًتهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

كيفيت وحى به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۲

۲ - پيامبر (ص) ، دريافت كننده وحى بدون دخالت حواس ظاهرى

نزل به الروح الأمين . على قلبك

تعبير <على قلبك> به جاى <عليك> اشاره به كيفيت تلقى قرآن به وسيله پيامبر(ص) دارد؛ يعنى، آنچه كه قرآن را از روح الامين دريافت مى كرد، قلب و جان پيامبر(ص) بود؛ بدون مشاركت حواس ظاهرى آن حضرت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۶ - ۴

۴ - نزول آیات قرآن بر پیامبر (ص)، به تدریج و جمله جمله بود .

لا تحرّك به لسانك لتعجل به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۸ - ۳

۳ - نزول وحی و آیات قرآن بر پیامبر (ص)، در قالب الفاظ و به شکل قرائت و روخوانی بر ایشان بود .

فإذا قرأه فاتبع قرءانه

برداشت یاد

شده از به کار رفتن واژه <قرائت> استفاده می شود.

لجاجت مخالفان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۷

۲۷ گفتگو و مجادله های لجاجت پیشگان مخالف وحی و رسالت، بازیگری و فاقد ریشه و بنیان است.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

محافظان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۵

۵ - خداوند ، برای حفاظت از وحی ، نگهبانانی را در اطراف پیامبر (ص) گماشته است .

فإنه یسلک من بین یدیه و من خلفه رسداً

<رصد> اسم جمع <راصد> (مراقب و نگهبان) است و مقصود از آن در این آیه، فرشتگانی است که خداوند بعد از نزول وحی، به آنها دستور داده بود پیامبرش را از هر سو احاطه کنند و آن حضرت از شر شیاطین جن و انس و وسوسه های آنها و آنچه اصالت وحی را خدشه دار می کند، محافظت و پاسداری نمایند؛ تا پیام الهی بی کم و زیاد و بدون کمترین خدشه ای به بندگان ابلاغ گردد. این خود یکی از دلایل معصوم بودن پیامبر(ص) در امر رسالت و مصونیت وحی از دستبرد است.

محافظت از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۸ - ۷

۷- وحی به هنگام نزول از آسمان ، از دخل و تصرف شیاطین در امان است . *

إننا نحن نزلنا الذکر و إننا له لحفظون . . . و حفظنها من کل شیطن رجیم . إلا من

احتمالاً مراد از حفظ آسمانها از شیطانها و

طرد آنها از آن جا، به منظور دست نیازیدن به وحی باشد که می تواند از جمله موارد حفظ وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۲

۲ - خداوند ، حامی و نگاهبان پیام وحی ، و پیامبر (ص) موظف به انجام وظیفه ابلاغ

فإننا منهم منتقمون ... فإننا عليهم مقتدرون . فاستمسك بالذي أوحى إليك

محتوای وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۷

۷ توحید، محتوا و محور اصلی وحی است.

اتبع ما أوحى إليك من ربك لا إله إلا هو

محدوده وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۵

۵- مجموعه آنچه از دانش ها و معارف الهی بر پیامبر (ص) وحی شده ، در مقایسه با حقایق و اسرار نهفته در هستی و علم الهی ، اندک است .

و ما أوتيتم من العلم إلا قليلاً. و لئن شئنا لنذهبن بالذي أوحينا إليك

محل نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۶

۶ - قلب پیامبر (ص) ، محل نزول و دریافت وحی الهی

فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يُخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ

محمد (ص) و ابلاغ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲ - ۱،۲،۳

۱ تکذیب پیامبر از سوی مشرکان به خاطر مطرح کردن قیامت و نیز پیشنهاد های نابه جای ایشان ، آن حضرت را در خطر ترک و

عدم ابلاغ برخی از آیات قرار داده بود .

فلعلک تارک بعض ما یوحی إلیک و ضائق به صدرک أن یقولوا لولا أنزل علیه کترب

روشن است که خوف و شکی که <لعل> دلالت بر آن می کند به لحاظ متکلم (خداوند) نیست؛ بلکه حاکی از خوف و تردید مخاطب (پیامبر) و یا موقعیت خاصی است که هر انسانی احتمال ترک برخی از آیات را دور از انتظار نمی بیند. بنابراین <لعلک تارک...> می رساند که پیامبر در شرایطی بود که این خوف و احتمال وجود داشت که در ابلاغ برخی از آیات به تردید بیفتد و مصلحت بیند که آنها را موقتاً ابلاغ نکند تا شرایط و جو پیشامده تغییر کند. <أن یقولوا...> به تقدیر <لام> و <لا-ی نافیة (لأن لا یقولوا...)> بیانگر علت و ریشه پدید آمدن زمینه و شرایط آن خوف و احتمال است. تفریع <لعلک تارک...> بر آیه هفتم می رساند که تکذیب قیامت نیز می توانست در پدید آمدن آن شرایط مؤثر باشد.

۲ پیامبر (ص) وظیفه دار ابلاغ همه معارف و احکام وحی شده به او، هر چند برخی از آنها، جبهه گیری و مخالفت مردمان را در پی داشته باشد.

إن هذا إلا سحر مبین... فلعلک تارک بعض ما یوحی إلیک

۳ اندیشه ترک ابلاغ برخی از آیات قرآن، مایه دلتنگی و ناراحتی پیامبر (ص) می شد.

فلعلک تارک بعض ما یوحی إلیک و ضائق به صدرک

در برداشت فوق، جمله <و ضائق به صدرک> حالیه گرفته شده است و ضمیر در <به> به اندیشه ترک ابلاغ که از جمله <لعلک>

تارک .. < به دست می آید برگردانده شده است، یعنی، اگر چنان جو و پیشامدی رخ دهد که تو را در ابلاغ برخی آیات به تردید افکند و اندیشه ترک آنها را در ذهن بیورانی این اندیشه تو را سخت دلتنگ و ناراحت می کند.

محمد(ص) و ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۶

۶ - ارتباط پیامبر (ص) با فرشته وحی

إنه لقول رسول کریم

محمد(ص) و نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۸

۸ پیامبر اکرم (ص) در پی بهانه جویی های مشرکان و پرسش های مکرر آنان از علت عدم نزول معجزه، در انتظار پاسخ و رهنمودی از سوی خداوند بود.

و يقولون لولا أنزل عليه آیه من ربه .. إني معكم من المنتظرين

محمد(ص) و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۳

۱۳ پیامبر (ص) در چگونگی استدلال بر حقایق و معارف دین تابع وحی و تعلیم خداوند بود.

قل لاأملک لنفسی نفعاً .. و لو کنت أعلم الغیب

آیه شریفه استدلالی است برای زدایش این توهم که، پیامبر(ص) عالم به غیب است و زمان برپایی قیامت را می داند. شروع آیه با کلمه <قل> به این نکته اشاره دارد که پیامبر حتی در تبیین استدلال تابع وحی است و چگونگی استدلال را از خداوند فرامی گیرد.

محمد (ص) هنگام نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص) به هنگام انتظار وحی روی به سوی آسمان داشت و به هر طرف آن چشم می دوخت .

قد نری تقلب وجهک فی السماء

<تقلب> به معنای: چرخیدن و حرکت کردن از سویی به سوی دیگر است. چرخش صورت در آسمان به معنای نگاه کردن به این سو و آن سوی آسمان است.

مخالفان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۳

۳ - مخالفت های کافران با پیام وحی و تأخیر کیفر دنیایی آنان ، نبایستی پیامبر (ص) و مؤمنان را در تبلیغ دین سست گرداند .

فَأَمَّا نَذِهْبِنَ .. فاستمسك بالذی أوحی إِلیک

از تفریع این آیه بر آیات پیشین که مسأله اعراض کافران از وحی و کیفر آنان را مطرح کرده بود مطلب یاد شده استفاده می شود.

مراتب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۸

۸ - تفاوت نحوه ابلاغ و انزال پیام های دینی ، به پیامبر اکرم (ص) و انبیای پیشین . *

ما وصى به .. و الذی أوحینا إِلیک

با توجه به تفاوت مواد و محتوای دو واژه <وصیت> و <وحی>، برداشت یاد شده به دست می آید.

مردم و استماع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۵ - ۶

۶ - گروهی از بنی اسرائیل خود بدون واسطه پیامبر کلام خداوند را شنیدند . *

و قد کان فریق منهم یسمعون کلم اللّٰه

بر

اساس نظر برخی از مفسران، مراد از <فریق منهم> در جمله فوق، آن هفتاد نفری است که موسی(ع) آنان را گزینش کرد تا خود کلام الهی را بشنوند. اینان همان سخنان را تحریف کردند.

مشركان مكه و نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۴

۴ - اظهار شگفتی و ناباوری مشركان مكه ، نسبت به نزول وحی بر فردی عادی و غیر اشرافی

لولا نزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم

با توجه به اعتراض مشركان مكه كه چرا پیامبر، از میان اشراف و ثروتمندان برگزیده نشد، فقر و تنگدستی پیامبر(ص) به دست می آید.

مشكلات تبعیت از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۵

۵ تبعیت محض از وحی الهی و گام نهادن در مدار حق ، ملازم با سختی ها و مشکلات است .

قد جاءكم الحق من ربكم .. و اتبع ما يوحى إليك و اصبر حتى يحكم الله

مصونیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۷

۷ - قلمرو وحی ، مصون از دخل و تصرف عناصر ناصالح و دروغ پرداز

و يمح الله البطل

مقامات ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - فرشتگان وحی ، موجوداتی بس بلند مرتبه و ارجمند در پیشگاه خداوند

و المرسلت عرفاً . .. فالملقیة ذکرًا

برداشت یاد شده، به این سبب است که فرشتگان، مورد سوگند الهی قرار گرفتند.

مکان ظهور ملائکه وحی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۴

۴ - هر ناحیه ای از آسمان می توانست و احتمال داشت که محل ظهور و پیدایش فرشته وحی بر پیامبر (ص) باشد .

قد نری تقلب وجهک فی السماء

از اینکه پیامبر(ص) برای مشاهده نزول فرشته وحی به نقطه ای خاص و معین چشم نمی دوخت و صورتش را به هر سویی می چرخانید، به برداشت فوق می توان دست یافت.

مکان ظهور وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۳

۳ - آسمان محل ظهور و بروز وحی بر پیامبران

قد نری تقلب وجهک فی السماء

مکذبان نزول وحی بر بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۴

۴ یهودیان به سبب ادعای نازل نشدن وحی بر هیچیک از بشر ظالمترین مردم هستند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء . . . و من أظلم ممن افتری علی

مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱،۴،۶

۱ کسانی که نزول وحی بر بشر و رسالت یافتن او را انکار می کنند، خداوند را، آن گونه که هست، نشناخته اند.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله على بشر

٤ يهود به سبب انكار رسالت پیامبر(ص) منکر نزول هرگونه وحی بر افراد بشر شدند.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء

٦ گفتار یهود زمان پیامبر(ص) مبنی بر نازل نشدن وحی بر بشر، در تناقض

با عقیده آنان در مورد نبوت موسی(ع) و نزول وحی بر آن حضرت بود.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل الكتب الذي جاء به موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۹

۹ ادعای عدم نزول وحی، به دروغ مدعی نبوت شدن و ادعای آوردن مانند برای قرآن، از روشهای مخالفان برای مبارزه با اسلام و پیامبر(ص) بود.

ما أنزل الله على بشر .. افتري على الله كذبا أو قال أوحى إليّ ... سأنزل مثل ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۱

۱ - پافشاری اهل جرم و گناه بر انکار حقایق وحی ، تا مرز مشاهده عذاب دردناک الهی (عذاب استیصال)

كذلك سلكنه ... لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الأليم

<ال> در <العذاب> برای عهد است. بنابراین <العذاب الأليم> اشاره به عذابی دارد که مشرکان مکه به آن تهدید شدند (عذاب استیصال). آیه <أفبعذابنا يستعجلون> بیانگر آن است که آنان تهدید به عذاب را جدی نگرفتند و بدان جهت از روی استهزا، خواستار تعجیل نزول آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۵ - ۵،۶

۵ - مردم انطاکیه ، نزول چیزی را از ناحیه خداوند رحمان برای عالم دنیا و پدیده های آن (انسان و ...) ، ممکن نمی دانستند .

و ما أنزل الرحمن من شيء

۶ - مردم انطاکیه ، نزول وحی و آمدن پیامی از جانب خدای رحمان بر پیامبران فرستاده شده به سوی

خویش را ، انکار می کردند .

و ما أنزل الرحمن من شيء

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که چون آیه شریفه در مقام بیان علت انکار وحی از سوی کافران است، مقصود از <شیء> همان وحی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۲

۲ - انکار لجاجت آمیز وحی و قرآن ، از سوی مشرکان مکه

و رسول مبین . و لَمَّا جَاءَهُم الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَفْرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۱

۱ - قوم نوح ، نمونه ای عبرت انگیز از اقوام تکذیب کننده وحی و رسالت در طول تاریخ

من الأنبياء ما فيه مزدجر .. كذبت قبلهم قوم نوح

با توجه به ارتباط این آیه با آیه <من أنبياء ما فيه مزدجر>، استفاده می شود که بیان کفر قوم نوح، از جمله اخبار هشداردهنده قرآن است.

ملائک ارزش وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۲

۱۲- ثبات و جاودانی و مصونیت از تحریف ، ملائک ارزشمندی پیام وحی و مقتضی تلاوت و ابلاغ آن است .

واتل ما أوحى إليك .. لا تبدل لكلمته

ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- روح القدس (جبرئیل) ، واسطه ابلاغ وحی و نازل کننده قرآن از جانب پروردگار

قل نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ -

۳- فرشتگان در نزول بر پیامبر (ص) و آوردن وحی، تنها از خداوند اطاعت می کنند.

و ما ننزّل إلاّ بأمر ربّك

گرچه در این آیه مطرح نشده است که فرشتگان بر چه کسی فرود می آیند و چه مطالبی را نازل می کنند ولی به قرینه <ربك>، بارزترین مصداق برای گویندگان <ما ننزّل..>، مأموران ابلاغ قرآن به پیامبر(ص) می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۵

۵- روح القدس (جبرئیل)، واسطه وحی الهی برای پیامبر اکرم (ص) بود.

كذلك أوحينا إليك روحاً من أمرنا

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مراد از <روحاً> فرشته وحی (جبرئیل) باشد. در این صورت نصب <روحاً> مبتنی به اعتبار نزع خافض و به تقدیر <أوحينا إليك بروح من أمرنا> است و یا به لحاظ عامل محذوف و به تقدیر <أوحينا إليك بإرسالنا روحاً من أمرنا> می باشد.

منافقان و وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۳

۳ حقانیت پیامبر (ص) و ارتباط او با وحی، امری ثابت شده برای منافقان

يحذر المنفقون أن تنزل عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم

بیم منافقان از افشای اسرارشان به وسیله قرآن، تلویحاً می رساند که آنان ارتباط پیامبر(ص) با وحی را امری مسلم می شمردند.

منشأ انقطاع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۸

۸- پیدایش وقفه ای کوتاه در نزول وحی بر پیامبر (

ص) ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور رسالت آن حضرت بود .

رَبِّكَ

در شأن نزول های متعدد و ناهماهنگ درباره این سوره، این نکته مورد اتفاق است که در نزول پیاپی آیات قرآن، درنگی پدید آمد که پیامبر(ص) را غمگین و مورد شماتت دشمن قرار داد و آیات این سوره، برای آن حضرت مایه تسلاهی خاطر گردید. تعبیر <رَبِّكَ> بیانگر آن است که همین وقعه نیز، جلوه ربوبیت و تدبیر خداوند بوده و آن حضرت را در مسیر دریافت و ابلاغ پیام های الهی، تقویت کرده است.

منشأ مخالفت با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۳

۳- مخالفت با پیام اصول وحی ، ریشه در انحرافات روحی و روانی فرد دارد نه پیچیدگی و ابهام مفاهیم آن .

بل هم فی شكّ یلعبون

<شكّ> و <لعب> آن هم شکی که دستمایه بازی و سرگرمی و بحث و لجاج قرار گیرد از موانع رسیدن به حق و اقرار به آن می باشد و ویژگی چنین شکی، بیماری روحی است.

منشأ مصونیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۷

۷- عزت خداوند ، ضامن بقاء و استحکام وحی و معارف الهی است .

یوحی إليك .. الله العزيز الحكيم

از توصیف خداوند به عزیز و ارتباط صدر و ذیل آیه، می توان استفاده کرد که عزت خداوند مانع از بین رفتن معارف الهی است.

منشأ نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- وحی الهی ، یادآوری به مردمان و نجات آنان از غفلت و بی خبری ، مقتضای ربوبیت خداوند است .

ما یأتیهم من ذکر من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۶

۶- ربوبیت الهی ، مقتضی نزول وحی و کتاب آسمانی

أنزل إلیکم من ربکم

منشأ وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۴

۴- بقا و زوال علوم اعطایی خدا به بشر ، حتی دریافت وحی توسط پیامبر (ص) ، منوط به مشیت خداست .

و ما أوتیتم من العلم إلا قليلاً. و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۴

۴- خداوند ، مبدأ وحی و ارسال پیامبران

و ما أرسلنا قبلك إلا رجالاً نوحی إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲ - ۳،۶

۳- ربوبیت الهی ، مقتضی ارسال وحی به پیامبر (ص) است .

و اتبع ما یوحی إلیک من ربک

۶- چون سرمنشأ صدور وحی ، ربوبیت خداوند است ، پس باید از آن تبعیت کرد .

و اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۷

۷- ربوبیت خداوند ، مقتضی ارسال وحی به منظور هدایت بندگان است .

و إن اهتدیت فیما یوحىٰ إلیّ ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ -

۷ - گزینش پیامبران برای دریافت وحی ، وابسته به مشیت خداوند و از شؤون اختصاصی او است .

يلقى الروح من أمره على من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۱۰

۱۰ - تحقق وحی در نظام طبیعت و انتخاب آن به عنوان راه ارتباط خداوند با خلق ، متکی به عزت و حکمت او است .

كذلك يوحى إليك .. الله العزيز الحكيم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که وصف عزیز و حکیم نظر به توجیه و تبیین اصل وحی داشته و پاسخی به دو پرسش (باشد: الف) آیا راستی وحی امری ممکن است ؟ (ب) چرا شیوه وحی به عنوان راه ارتباط خدا با خلق انتخاب شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴ - ۲

۲ - وحی و بعثت پیامبران ، مقتضای مالکیت و ربوبیت بی شریک خدا بر جهان و انسان

كذلك يوحى إليك .. له ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۳

۳ - وحی ، پدیده ای آسمانی و از مبدئی اعلی

كذلك يوحى .. تكاد السموت يتفطرن من فوقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۱۵، ۱۰

۱۰ - ارسال وحی از سوی فرشته وحی ، تنها منوط به اذن و مشیت الهی است .

۱۵- وحی و شیوه های گوناگون آن ، متکی بر حکمت و کاردانی خداوند است

و ما كان لبشر أن .. إنّه عليّ حكيم

<حكيم> در جمله <إنّه عليّ حكيم>، می تواند مرتبط با وحی و گزینش نوع آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱

۱ - انتخاب پیامبر و تعیین جایگاه رسالت و وحی ، تنها در حوزه اراده و انتخاب الهی است .

أهم يقسمون رحمت ربّك

مراد از <رحمت ربّك> با توجه به آیه قبل نبوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵ - ۳

۳ - مفاهیم وحی و قرآن ، متکی به مبدای مقتدر و بس نیرومند

علمه شديد القوى

منشأ وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۶

۶ - القای وحی به پیامبران به فرمان خداوند بوده است .

يلقى الروح من أمره

<روح> در اصل به معنای مایه حیات و وسیله حیات بخش انسان است (قاموس المحيط)؛ ولی طبق نظر مفسران در این آیه

در معنای کنایی به کار رفته و مقصود از آن وحی الهی است که مایه حیات معنوی انسان ها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - وحی به پیامبر (ص)، تابع مشیت و خواست خداوند

فَإِنْ يَشَاءِ اللَّهُ يَخْتَمِ عَلَى قَلْبِكَ

جمله <یختم علی قلبک> کنایه از انقطاع وحی است. از ارتباط آن با مشیت خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- فرمان دریافت و قرائت قرآن به پیامبر (ص)، برخاسته از مقام ربوبی خداوند و مایه رشد و تعالی آن حضرت

اقرأ وربك الأكرم

موانع انقطاع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۳

۳- توجه پیامبر (ص)، به ربوبیت و عنایت ویژه خداوند به او، مایه اطمینان آن حضرت به قطع نشدن ارتباط الهی با او است

ما ودّعك ربك

موانع ایمان به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۵

۵- خوی سرکشی، تکبر، ستیزه جویی و حق ناپذیر، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

والقرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

موانع تأثیر وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۰ - ۳

۳- اندیشه محدود مشرکان، مانع از تأثیر پیام وحی در آنان

فأعرض عن من .. ذلك مبلغهم من العلم

در صورتی که <ذلك مبلغهم..> بیانگر فلسفه تکلیف اعراض برای پیامبر(ص) باشد، مفاد آن چنین می شود: چون محدوده دانش مشرکان از دنیا فراتر نمی رود، بنابراین از درک معارف معنوی عاجزانند. پس از آنان روی بگردان زیرا پیام

های الهی در عناصری مانند آنان تأثیر ندارد.

موانع فهم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۴

۴- سرگرمی در میدان تردید و توقف در وادی شک و مصمم نبودن برای رسیدن به یقین ، مایه

محرومیت انسان از درک پیام مستدل وحی

إن كنتم موقنین .. بل هم فی شكّ یلعبون

تعبیر <فی شكّ> استقرار در شك را می رساند؛ به علاوه آن که <یلعبون> آن را تأکید می کند. از مقابله این آیه با <إن كنتم موقنین>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۸،۱۱

۸- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص)، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا .. ماذا قال ... أولئك الذین طبع الله علی قلوبهم و اتبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع الله علی قلوبهم> به عنوان علت <یستمع إلیک .. قالوا .. ماذا قال آنفأ> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

۱۱- هواپرستی، مانع درک حقایق وحی و عامل مهر شدن قلب انسان به اراده خداوند *

أولئك الذین طبع الله علی قلوبهم و اتبعوا أهواءهم

جمله <واتبعوا أهواءهم> می تواند بیانگر علت <طبع الله ..> باشد؛ چه این که <طبع الله> می تواند بیانگر علت ناتوانی کافران و منافقان از درک پیام وحی به شمار آید.

موانع محو وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۷ - ۱

۱- لطف و رحمت خداوند، مانع بازپس گیری وحی (حقایق و معارف وحیانی) از پیامبر (ص)

لئن شئنا لنذهبن .. إلا رحمة من ربك

استثنا ممکن است از کلمه و یا کلامی محذوف صورت گرفته باشد: مثلاً عبارت چنین باشد آنچه را به تو دادیم، جز از

سر رحمت ندادیم و بنابراین، محو نخواهیم کرد. و یا استدراک از <لئن شئنا> باشد و عبارت چنین فرض شود: <و لکن لانشاء ذلک رحمہ> (ولی زایل کردن معارف عطا شده را نمی خواهیم به خاطر رحمت به تو)

موانع وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵ - ۱،۳

۱ - افراط و زیاده روی مردم عصر بعثت در مخالفت با پیامبر (ص)، مانع لطف خدا در فرستادن وحی نبود.

أفضرب عنکم الذکر صفحًا أن کنتم قومًا مسرفین

با توجه به مقام آیه که مسأله وحی را مطرح می کند مراد از <اسراف>، افراط و زیاده روی در مخالفت با وحی خواهد بود.

۳ - اراده خداوند در نزول وحی، متأثر از واکنش های مردم نیست.

أفضرب عنکم الذکر صفحًا أن کنتم قومًا مسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۵

۵- فراگیری فساد و غوطه‌وری مردم در جرم و گناه، مانع نفوذ منطق مستدل وحی در ایشان

فدعا ربّه أنّ هؤلاء قوم مجرمون

دعای موسی(ع)، شکوه ای از روی یأس و ناامیدی از ایمان فرعونیان به درگاه خداوند بود. تعبیر <أَنَّ هؤلاء...> بیانگر علت ناامیدی موسی(ع) از تأثیر سخنانش در فرعونیان می باشد.

موضعگیری علیه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۶

۶ - بنای کافران بر خصومت و موضع گیری علیه هر پیام جدید الهی، در طول تاریخ

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث .. معرضین

مؤمنان به وحی

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۹ - ۵

۵ - مادر موسی (ع) ، به پیام خداوند ایمان داشت و به حفظ جان موسی (ع) از جانب او مطمئن بود .

إِذْ أَوْحَيْنَا .. أَنْ اقْذِفِيهِ ... يَا خُذْهُ عَدُوًّا

به قرینه < القیت علیک محبه > و نیز آیات دیگر قرآن؛ مادر موسی (ع) به محتوای وحی الهی عمل کرد و موسی (ع) را به نیل سپرد. این کار گواه اطمینان مادر موسی (ع) به آن است که پیام دریافت شده وحی الهی بوده و نیز نشان از ایمان کامل او دارد.

ناپایداری تهمت‌های مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - اتهام های منکران بر حقایق وحی ، ناپایدار و نابود شدنی است .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى .. وَ يَمْحُ اللَّهُ الْبَطْلَ

ناخشنودی از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۲

۲- کافران ، هواپرستانی ، ناخشنود از پیام های خداوند

و الَّذِينَ كَفَرُوا .. بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

تعبیر < کرهوا >، می رساند که کافران نه این که حقیقت دین را نفهمیده و انکار می کنند بلکه پس از فهم پیام دین، براساس تمایلات و گرایش های درونی، پذیرش پیام وحی بر آنان دشوار است.

نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ نزول وحی و قرآن ، ناشی از مقام ربوبیت الهی

امن الرسول بما انزل الیه من ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۴

۴ نزول وحی از شؤون ربوبیت الهی است.

ما أوحى اليك من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۸

۸ - پایین آمدن مفاهیم عالی وحی از مرتبه < اُمّ الكتاب > تا < زبان عرب > ، نمودی از حکمت الهی است .

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا . . . وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكُتُبِ لَدِينَا لَعَلِيَّ حَكِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۸

۸- مفاهیم عالی وحی ، تنزل یافته از سوی خداوند ، در سطح فهم بشر *

و ءامنوا بما نزل على محمد

بدان احتمال که واژه < نزل > اشاره به تنزل و پایین آمدن سطح مفاهیم در حد درک بشر داشته باشد؛ از آیه شریفه استفاده می شود که این تنزل از سوی خداوند صورت گرفته است؛ نه این که مفاهیم کلی بر پیامبر(ص) وحی شده و آن حضرت خود آنها را در سطح فهم مردم بیان کرده باشد.

نزول وحی بر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۳

۳ - آسمان محل ظهور و بروز وحی بر پیامبران

قد نرى تقلب وجهك في السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - فرشتگان، ابلاغ کننده وحی و کتاب های آسمانی به رسولان

فالمَلَقِیتَ ذِکْرًا

مقصود از <ذکر>، وحی و کتاب های آسمانی است و اطلاق ذکر بر این معنا، در قرآن بسیار است.

نزول وحی بر بشر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۷

۱۷- تفکر در آیات قرآن ، عامل کشف حقانیت و روا بودن نزول وحی بر بشر

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحى إليهم . . . و أنزلنا إليك الذكر لتبين للناس

احتمال دارد متعلق <یتفکرون> شبهه ای باشد که از سوی مشرکان درباره عدم امکان نزول وحی بر بشر، القا و مطرح می شده است.

نزول وحی بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۳ - ۴

۴- قطعی بودن نزول کتاب آسمانی بر موسی (ع) جایی برای تردید در نزول وحی بر پیامبر اسلام (ص) باقی نمی گذارد .

و لقد آتینا موسی الکتب فلاتکن فی مریه من لقائه

برداشت بالا با توجه به دو نکته زیر است: ۱ انتخاب موسی(ع) از میان پیامبران پیشین، برای استدلال به آن، جهت حقانیت پیامبر بعدی، احتمال دارد به خاطر مقبول بودن ایشان نزد همه پیروان ادیان آسمانی باشد. ۲ مرجع ضمیر در <لقائه> احتمال دارد به قرآن برگردد که از محتوای کلام و آیه سه استفاده می شود و <فاء> در <فلاتکن> تفریعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۲

۲ - انتقاد جاهلانه مشرکان مکه به نزول وحی بر محمد (ص) و نه فردی از اشراف

و قالوا لولا نزل هذا القرآن علی رجل من القریتین عظیم

نزول وحی به انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ -

۵- مشرکان مکه ، نزول وحی به انسان را قبول نداشتند .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحى إليهم

آیه در صدد تعریض به مشرکان و جواب گویی به آنان است که طبق قرینه ها و آیات دیگر قرآن کریم (سوره یونس ، آیه ۲) آنها مبعوث شدن انسان را از جانب خداوند برای پیامبری قبول نداشتند. فعل <نوحی> در آیه قرینه و نشانه ای است بر نکته فوق.

نزول وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۵ - ۱

۱ - نزول مفاهیم وحی در قالب الفاظ عربی بر قلب پیامبر (ص)

نزل ... علی قلبک ... بلسان عربی

نقش ملائکه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۵

۵ - دریافت وحی توسط فرشتگان از خداوند و ابلاغ آن به پیامبران

اللّه یصطفی من الملائکه رسولاً و من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱ - ۳

۳ - فرشتگان وحی ، پیام آوران نیکی ها و ارزش ها از سوی خداوند

و المرسلت عرفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - فرشتگان وحی ، صحیفه های آسمانی و حقایق وحیانی را برای پیامبران می گستراندند .

و النشرت نشرًا

از آیات مشابه دیگر، استفاده می شود که مقصود از نشر در این آیه، انتشار صحیفه های آسمانی و حقایق وحیانی به وسیله فرشتگان برای پیامبران است؛ مانند > کَلَّا إِنَّهَا تَذَكِّرْهُ . فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ . فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ

. مرفوعه مطهره . بآیدی سفره . کرام برره < (عبس، آیات ۱۱-۱۶).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۲

۲ - فرشتگان وحی ، جداکنندگان حق از باطل اند .

فالفرت فرقا

<فرق> به معنای تمیزدادن میان اشیا است و مقصود از فارق بودن فرشتگان، به این است که آنان اهل بهشت را از اهل دوزخ و اقوام محکوم به عذاب را (مانند قوم نوح و عاد و ..) با غیر اینها جدا کرده، تمیز می دهند و یا این که آنان چیزهایی می آورند که جداکننده حق از باطل است (وحی و کتاب های آسمانی). گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۴

۴ - فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (ص)

بآیدی سفره

در این که مراد از <سفره> چه کسانی اند؛ نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به <کرام> در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند؛ زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، ۱۱) نیز برای ملائکه، وصف <کرام> ذکر شده است. استنساخ قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر(ص)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

نقش وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - معارف و احکام متکی بر وحی ، حقایقی عالمانه است .

من بعد ما جاءك من العلم

کلمه <علم> به جای <وحی> اشاره به این حقیقت دارد که: دستورات متکی به وحی، دستوراتی عالمانه است.

۱۴ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، حکمی عالمانه و برخاسته از وحی و دستور خداوند است.

و ما أنت بتابع قبلتهم .. من بعد ما جاءك من العلم

از مصادیق مورد نظر برای <العلم>، وحی و دستور الهی مبنی بر تغییر قبله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۲ - ۷

۷ شناخت احکام الهی، در گرو وحی و تبیین الهی و نیز تعقل و اندیشه است.

كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۴

۴ وحی، بیانگر حقایق تاریخی پوشیده بر انسان

ذلك من انباء الغيب نوحيه اليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۷

۷ پیام های الهی، بیانگر راه ایجاد وحدت

من بعد ما جاءهم اليينات

به مناسبت بحث اختلاف و تفرقه، مراد از <یینات>، پیامهای وحدت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۱۹

۱۹ جهان بینی توحیدی و هدفداری جهان بدون اتکای بر وحی با عقل و منطق قابل درک است.

و يتفكرون في خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً

زیرا صاحبان خرد ناب پس از اندیشه در جهان، بدون تکیه بر وحی، به توحید ربوبی و هدفداری جهان رسیده اند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۵

۵ ضرورت توجه به وحی برای شناخت دشمن

و الله اعلم باعدائکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۷

۷ وحی پشتوانه حقانیت پیامبران (ع) در ادعای پیامبری

إنا أوحينا إليك كما أوحينا إلى نوح و النبيين من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ نظام برخاسته از وحی الهی ، بهترین نظام حکومتی و قضایی

و من احسن من الله حكماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ تنها وحی الهی تعیین کننده وظایف و شأن پیامبر(ص) است.

قل لا أقول لكم .. إني ملك إن أتبع إلا ما يوحى إلي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۶، ۷، ۱

۱ انذار مردم با وحی و قرآن، از وظایف پیامبر(ص)

و أنذر به الذين يخافون

ضمیر <به الذین> به <ما یوحی> برمی گردد و مراد از <ما یوحی> مطلق وحی و قرآن بزرگترین و کاملترین مصداق آن است.

۶ وحی و قرآن، ابزارهایی کافی برای تبلیغ و انذار مردم

و انذر به

مرجع ضمیر به <قرآن> است؛ یعنی با قرآن انذار کن. و چون ابزار انذار مشخص شده است، بالطبع باید قرآن در فعلیت بخشی به انذار کافی و کارآمد باشد.

۷ لزوم بهره گرفتن از وحی و تعالیم آن برای انذار مردم

و انذر به

یادآوری ابزار انذار و معین کردن آن می تواند اشاره به

لزوم حرکت در محدوده وحی برای انذار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۰

۲۰ تورات حاوی معارفی بود که بشر بدون وحی به آن راه نمی یافت.

و علمتم ما لم تعلموا أنتم و لا ءاباؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۶،۷

۶ وحی برای تربیت انسانهاست.

اتبع ما أوحى اليك من ربك

۷ توحید، محتوا و محور اصلی وحی است.

اتبع ما أوحى اليك من ربك لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱،۲

۱ وحی تنها منبع پیامبر(ص) برای بیان احکام الهی بوده است.

قل لا أجد فيما أوحى إليّ محرما

گزینش جمله <ما أوحى إليّ> به جای <ما عندي> و مانند آن می تواند اشاره به تنها منبع اساسی احکام که همان وحی الهی است باشد.

۲ وحی، تنها منبع تعیین کننده حرمت و حلیت خوردنیهاست.

قل لا أجد فيما أوحى إليّ محرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ پیامبر (ص) در چگونگی استدلال بر حقایق و معارف دین تابع وحی و تعلیم خداوند بود .

قل لأملك لنفسي نفعاً .. و لو كنت أعلم الغيب

آیه شریفه استدلالی است برای زدایش این توهم که، پیامبر(ص) عالم به غیب است و زمان برپایی قیامت را می داند. شروع آیه با کلمه <قل> به این نکته اشاره دارد که پیامبر حتی در تبیین استدلال تابع وحی است و

چگونگی استدلال را از خداوند فرامی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۱،۴

۱ بیم و نگرانی منافقان صدر اسلام ، از افشای اسرارشان توسط وحی

يحذر المنافقون أن تنزل عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم

۴ فاش شدن نيات قلبی منافقان ، توسط وحی و قرآن *

يحذر المنافقون أن تنزل عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم

بیم منافقان، می تواند نشانگر افشاگریهای پیشین قرآن درباره آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۴،۱۲

۴ اطلاع یافتن پیامبر (ص) از آینده و امور غیبی ، توسط وحی

يعتذرون إليكم إذا رجعتم

۱۲ آگاهی پیامبر (ص) به اعمال نهانی متخلفان ، در پرتو وحی و هدایت الهی

و سیری الله عملکم و رسوله

از اینکه رؤیت تنها به خدا و رسول نسبت داده شده، استفاده می شود که ممکن است اعمال متخلفان بر دیگران مخفی باشد. گفتنی است که فاصله شدن <عملکم> میان <الله> و <رسوله> ممکن است اشاره به این باشد که علم پیامبر(ص) در طول علم خدا و در پرتو آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۶

۶ اطلاع یافتن پیامبر (ص) و مؤمنان از وجود منافقان ، در پرتو وحی

و ممن حولکم . . . نحن نعلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۷

۱۷ وحی الهی ، کمک کننده پیامبر (ص) در افشای چهره منافقانه و

خیانت بار بانیان مسجد ضرار

و الذین اتخذوا مسجداً .. و اللّٰه یشهد انهم لکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۲

۲ وحی ، راهنمای پیامبر (ص) و تعیین کننده حدود مسؤولیت آن حضرت بود .

و اتبع ما یوحی إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۴،۵

۴ وحی و اخبار خداوند ، طریق آگاهی پیامبران به امور غیبی و سرنوشت انسانها

أوحی إلی نوح أنه لن یؤمن من قومک إلا من قد ءامن

۵ وحی ، طریق ارتباط خداوند با پیامبران و ابلاغ برنامه ها و گزارش ها به ایشان

و أوحی إلی نوح أنه لن یؤمن .. فلا تبئس بما کانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۶

۶ پیامبر (ص) و مردم عصر بعثت ، جز از طریق وحی ، راهی برای شناخت صحیح حادثه طوفان و سرگذشت نوح (ع) در اختیار نداشتند .

ما کنت تعلمها أنت و لا قومک من قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۴

۱۴ علم و آگاهی پیامبر (ص) ، نشأت گرفته از قرآن و وحی الهی است .

بما أوحينا إليك .. و إن كنت من قبله لمن الغفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۶

۶ ارتباط خداوند با پیامبران خویش از طریق وحی بود .

إلا رجلاً نوحى إليهم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۹

۹- بخشی از تاریخ اقوام و ملل پیشین در بوته ابهام قرار دارد و دستیازی به آن جز از طریق وحی ممکن نیست .

و الذین من بعدهم لا یعلمهم إلا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۳

۳- انسان ، بدون رهنمود های وحی و دین الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

و قل إني أنا النذير المبين

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطر ها و تهدید های بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان انذار و اخطار های پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطر ها و آفت های بسیاری خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۴

۴- < وحی > حیات بخش انسان و جامعه است .

ينزل الملائكة بالروح من أمره على من يشاء

چنان که مفسران گفته اند، مراد از <الروح> می تواند وحی باشد. به کار بردن کلمه <الروح> به جای وحی، استعاره است. وجه شبه این استعاره حیات بخش بودن وحی است؛ همان گونه که روح حیات بخش موجودات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۵

۵- راه نداشتن انسان به شناخت کنه ذات و صفات خدا ، جز از طریق وحی

فلا تضربوا لله الأمثال إن الله يعلم و أنتم لا تعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که جمله <إن الله يعلم و أنتم لا تعلمون> تعلیل برای جمله <فلا تضربوا لله الأمثال>

<يعلم> و <لا-تعلمون> خدا و ذات مقدس او باشد؛ یعنی، شما برای خدا شریک و مثل نپندارید؛ چون شما به ذات و حقیقت او پی نخواهید برد و این علم تنها منحصر به خداست و جز از طریق وحی شناخته نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۷

۷- عدم امکان راهیابی انسان، به حقیقت و کیفیت و لحظه وقوع قیامت مگر از طریق وحی

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

بیان <أمر الساعه..> پس از <لله غیب السماوات> ممکن است از باب ذکر خاص بعد از عام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۵

۵- پیامبر (ص) از محرماتی که تنها برای ملت یهود وضع گردیده بود، از راه وحی آگاه شد.

و علی الذین هادوا حَرَمْنَا ما قصصنا علیک من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۳

۳- پیامبر (ص)، از آیین ابراهیم (ع) توسط وحی آگاه گردید.

ثم أوحینا إلیک أن اتبع مله إبرهیم حنیفاً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که جمله <أن اتبع..> جمله تفسیری باشد؛ یعنی، ما به تو وحی کردیم و محتوای

وحی ما، همان آیین ابراهیم (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۱

۱۱- تبیین همه نیازهای انسان در سعادت و کمال خویش، در قلمرو تعالیم دین و آموزه های وحی

است .

إن هذا القرآن يهدي . . . و كل شيء فضله تفصيلاً

نوع مفسران برآیند که چون قرآن، کتاب هدایت و در جهت تأمین سعادت و کمال آدمی است، بنابراین مقصود از <و كل شيء> همه امور مرتبط با سعادت و کمال و هدایت است، نه تمامی حقایق و پدیده های عالم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۳

۳- وحی پیام های حکیمانه به پیامبر (ص) ، جلوه ربوبیت خاص خداوند برای آن حضرت است .

أوحى إليك ربك من الحكمة

اضافه <رب> به <ك> که مرجع آن پیامبر(ص) است می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۷

۷- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ گویی سؤالات مردم بر اساس آنچه بر او وحی شده بود .

يسئلونك عن الروح قل الروح من أمر ربي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۲ - ۲۱

۲۱- آگاهی پیامبر (ص) از ماجرای اصحاب كهف ، تنها از طریق وحی الهی امکان پذیر بود .

ولا تستفت فيهم منهم أحداً

نهی <لا تستفت> ارشاد به بی ثمر بودن نظرخواهی است و مفاد آیه این است که از احدی، انتظار نمی رود که به نظرخواهی تو پاسخ صحیح بدهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰- ماجرای اصحاب کهف ، رازی است که دست یافتن بشر به زوایای آن ، جز با وحی ، ممکن

نیست .

قل الله أعلم بما لبثوا له غيب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۷ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص) و رهبران الهی ، در شناخت حقایق تاریخی و معرفتی ، نباید به راهی جز وحی الهی ، اعتماد کنند .

واتل ما أحی إليك .. و لن تجد من دونه ملتحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۴

۴- تنها راه شناخت شیوه برخورد با مؤمنان تهیدست ، وحی الهی است نه آرای هواپرستان غافل از خداوند

و لاتطع من .. و قل الحق من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۳ - ۷

۷- بخشی از علوم و اطلاعات پیامبر (ص) در گرو نزول وحی بود .

و یسئلونک .. قل سأتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۴

۴- دستیابی پیامبر (ص) بر علوم بی کران الهی ، در محدوده وحی است .

قل لو كان البحر .. قل إنما أنا بشر مثلکم یوحی إلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۸ - ۴

۴ - دسترسی مادر موسی (ع) به اطلاعات القا شده به او، جز از طریق وحی الهی ممکن نبود.

مایوحی

مراد از <مایوحی> (آنچه وحی می شود) اموری است که قاعدتاً وحی می شود و انسان، خود به آن نمی رسد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۴

۴- وحی الهی ، راهنمای موسی (ع) در مراحل دشوار و تنگنا های مسیر رسالت .

و لقد أوحینا إلی موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۲

۲- موسی (ع) در میقات و از طریق وحی ، بر امتحان شدن بنی اسرائیل در غیاب او و گمراه شدن آنان آگاهی یافت .

و عجلت إلیک .. فإنا قد فتنا قومک من بعدک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۹

۹- آگاهی های پیامبر (ص) در باره حوادث قیامت و مقدمات آن ، در گرو وحی و متکی به منبع علم الهی بود .

و یسلونک .. فقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۷

۷- دعوت پیامبران ، تنها مبتنی بر وحی الهی بود .

بل قالوا أضغث .. بل هو شاعر ... و ما أرسلنا قبلك إلا رجالاً نوحی إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۴،۵،۸،۳،۲

۲- انذار و اخطار به مردمان در پرتو وحی ، وظیفه و رسالت اصلی پیامبر اسلام (ص)

قل إنما أنذرکم بالوحی

۳- انذار پیامبر (ص) تنها براساس وحی الهی بود نه آرا و هواهای شخصی و نفسانی .

قل إِنَّمَا أَنذَرُكُمْ بِالْوَحْيِ

۴- وحی ، منبع اصلی معرفت دینی و شناخت تعالیم الهی است .

قل إِنَّمَا أَنذَرُكُمْ بِالْوَحْيِ

برداشت یاد شده به

خاطر این نکته است که پیامبر(ص) مأمور بود تنها بر اساس وحی الهی، به انذار مردم بپردازد.

۵- لزوم اتکا به وحی الهی در انذار مردم و تبلیغ دین

قل إِنَّمَا أَنذَرُكُمْ بِالوَحْيِ

۸- تأثیر نکردن انذار های پیامبر (ص) در برخی از مردم، برخاسته از حرف ناشنوایی آنان بود؛ نه ناشی از ضعف در منطق وحی و بیان آن حضرت.

قل إِنَّمَا أَنذَرُكُمْ بِالوَحْيِ وَ لَا يَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يَنْذِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۸ - ۴

۴- دعوت پیامبر اکرم (ص) تنها متکی بر وحی الهی بود؛ نه انگیزه های دیگر.

قل إِنَّمَا يُوْحِي إِلَيَّ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پیامبر(ص) همواره به از سوی دشمنان به دروغگو یا ساحر بودن متهم می شد. بنابراین اعلام به این که تنها به من وحی می شود، می تواند برای رفع این اتهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۸

۸ - بشر، بدون هدایت وحی، در معرض انحراف از توحید و یکتاپرستی است.

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا .. أَنْ أَعْبَدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۳ - ۴

۴ - بشر، بدون هدایت وحی، ناتوان از شناخت و پیمودن راه درست

وَ إِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۳

۳ - تصميم گيرى و حرکت

موسی (ع) ، در مقاطع مختلف بر اساس برنامه وحی

و أوحينا إلى موسى أن أسر بعبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۹

۹ - انسان ، بدون بهره مند شدن از وحی و تعالیم آسمانی ، با انواع خطر ها و آسیب های هلاکت بار مواجه خواهد بود .

و إنه لتنزِيل رَبِّ الْعَلَمِينَ .. لتكون من المندرين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که انذار و اخطار در جایی متصور و معقول است که در آن جا، خطرهایی جدی وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۴

۴ - وحی ، تبیین گر واقعیات پنهان هستی برای بشر

و ترى الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

قرآن در زمانی پرده از راز حرکت زمین برداشت که دانش بشر از دریافت و حتی تصدیق و تأیید آن عاجز بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۱ - ۷

۷ - بیدار کردن بشر ، فلسفه نزول پیامی و پیوسته وحی و رهنمود الهی (کتاب های آسمانی)

و ما كنت بجانب الطور إذ نادينا .. لعلهم يتذكرون... و لقد وصلنا لهم القول لعل

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <القول> عموم سخنان الهی باشد؛ نه خصوص قرآن. ذیل آیه که فلسفه نزول را بیان می کند در مورد تورات نیز آمده است. از این رو این نکته می تواند مؤید برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۲۲، ۲۰

۲۰ - لازم است که به دلایل متقن عقلی و وحی و کتاب آسمانی ، اتکا شود .

يجدل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتب منير

به قرینه <هدی> و <کتاب> که دلایل نقلی اند <علم> در آیه، می تواند دلیل عقلی باشد.

۲۲ - آگاهی عقلانی و وحی و کتاب آسمانی ، سه منبع معتبر در جهان بینی است .

يجدل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتب منير

ذکر <علم> در کنار <هدی> و .. می تواند به آن دسته از آگاهی هایی اشاره داشته باشد که از طریق عقل به دست می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ - وحی ، نیت منافقان را در رخصت خواهی شان از پیامبر (ص) آشکار کرد .

و إذ قالت طائفة منهم يا اهل يثرب لا مقام لكم .. و يستنذون ... إن يريدون إلا فرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۶

۶ - وحی الهی و قرآن کریم ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

فالتلّيت ذكراً

نام گذاری وحی الهی و قرآن مجید به <ذکر>، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۹ - ۲، ۱

۱ - پیامبر اسلام (ص) ، از ملأ اعلی (عالم فرشتگان) جز از راه وحی آگاهی نداشت .

ما کان لی من علم بالملأ الأعلی

طبق نظر مفسران، مقصود

از <مألاً-الأعلى> فرشتگان است. با توجه به آیه بعد، استفاده می شود که آگاه نبودن پیامبر(ص) از ملاً اعلى (مضمون آیه مورد بحث) مربوط به طرق عادى است و آن حضرت از راه وحى به آن عالم آگاه بود.

۲- پیامبر (ص) از مجادله و گفت و گوى فرشتگان با خدا درباره آفرینش آدم، تنها از راه وحى آگاه بود.

ما كان لى من علم بالملا الأعلى إذ يختصمون

مقصود از مجادله و خصومت در آیه شریفه به قرینه دو آیه بعد (إذ قال ربك للملائكة..) گفت و گوى فرشتگان با خدا درباره خلقت انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۰ - ۷

۷- ممکن نبودن آگاهی از ملا اعلى (عالم فرشتگان) جز از راه وحى

ما كان لى من علم بالملا الأعلى .. إن يوحى إلی إلا أنما أنا نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۶

۱۶- قابل شناخت بودن خداوند، از راه وحى و آیات و نشانه های او

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم آیت ربکم

سرزنش شدن کافران به خاطر توجه نکردن به آیات الهى، نشانگر این حقیقت است که آیات الهى، قابل شناخت است و انسان از این راه مى تواند به خدا پی ببرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۹

۹- وحى، حیات بخش انسان و جامعه است.

یلقى الروح من أمره على من یشاء من عباده

از نام گذاری وحى به

روح، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۴،۴

۴ - نظام آسمان ها ، تحت هدایت وحی الهی (امر و تدبیر خداوند)

و أوحى فى كلّ سماء أمرها

۴ - نظام آسمان ها ، تحت هدایت وحی الهی (امر و تدبیر خداوند)

و أوحى فى كلّ سماء أمرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - اهل زمین ، در طبیعت زمینی خود بدون بهره گیری از وحی و شریعت الهی مبتلا به لغزش و گمراهی اند .

كذلك يوحى . . . و يستغفرون لمن فى الأرض

۱۲ - وحی ، تجلی رحمت و غفران بی پایان الهی است .

كذلك يوحى . . . ألا إنّ الله هو الغفور الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - وحی الهی (قرآن) ، موجب تحکیم حق و نابودی باطل

يمح الله البطل و يحقّ الحقّ بكلمته

<کلمات > می تواند اشاره به وحی و آیات الهی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۸

۱۸ - انسان ، بدون تأثیرپذیری از مکتب وحی ، گرفتار کفران و ناسپاسی است .

فإن أعرضوا .. فإن الإنسن كفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۱،۳

۱ - گفتوگوی خداوند با بشر ، تنها از طریق وحی ، یا از ورای حجاب و یا از طریق پیک

صورت می گیرد .

و ما كان لبشر أن يكلمه الله إلا وحياً .. أو يرسل رسولاً

۳- وحی ، عالی ترین شکل ارتباط خدا با انسان است . *

و ما كان لبشر أن يكلمه الله إلا وحياً

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعدد مراتب سه گانه، به ترتیب اولویت و تقدم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - هدایت انسان به وسیله وحی و قرآن ، تابع مشیت الهی است .

نهدی به من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۴

۴ - حس ، عقل و وحی ، ابزار اصلی دریافت معارف صحیح *

أشهدوا خلقهم .. ما لهم بذلك من علم ... أم ءاتينهم كتباً

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیات سه گانه، اشاره به این نکته داشته باشد که مشرکان در ادعای خویش، به هیچ یک از منابع اصلی معرفت (حس، عقل و وحی) متکی نیستند و در نتیجه می توان استفاده کرد که ابزار شناخت، وحی، حس و عقل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۷،۱۲

۷- هدایت و رستگاری کامل ، تنها در پرتو تعالیم وحی و پیامبران الهی است .

أولو جئتكم بأهدى ممّا وجدتم

۱۲ - محتوای پیام وحی ، محور اصلی درگیری مستکبران تاریخ در برابر پیامبران

قال مترفوها .. قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

از این که مترفان در پاسخ دعوت انبیا، مخالفت خویش را با پیام آنان ابراز کردند، برداشت

یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - ادراک فطری انسان از خداوند ، نیازمند تکمیل و تقویت به وسیله هدایت و حیانی *

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ

از سخن ابراهیم(ع)، استفاده می شود که آن حضرت قبل از برخورداری از هدایت های ویژه و فزون تر، با دلایل عقلی و فطری ره به خدا برده بود؛ اما آن را کافی نمی دانست و منتظر هدایتی فزون تر بود. این هدایت می توانست از ناحیه وحی یا به صورت دیگر در اختیار او قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۲،۵

۲ - همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) نیازمند تذکر و یادآوری های وحی

وَإِنَّهُ لَذَكَرُ لَكَ

۵ - عظمت مسلمانان در پرتو تعالیم وحی و قرآن *

وَإِنَّهُ لَذَكَرُ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ

مقصود از <قوم>، ممکن است امت پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته وحی برای بیداری خلق

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ لِعَلِّمْهُم يَتَذَكَّرُونَ

تعبیر <فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ..> پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۶ - ۵

۵ - حکومت و داوری میان مردم ، نیازمند مشروعیت دینی

و استناد به منبع وحی

و لقد آتینا .. و الحکم و النبوه

برداشت بالا از آن جا استفاده می شود که یکی از موارد اعطایی از سوی خداوند به بنی اسرائیل، <حکم> دانسته شده است؛
آن هم در کنار <کتاب> و <نبوت> که اعطای آنها تنها از شؤن خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۰ - ۳

۳- انسان، بدون روشنگری های وحی، ناتوان از درک عمیق بسیاری از حقایق هستی

هذا بصائر للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۵ - ۶

۶- روش وحی، تبیین حقایق با منطق و دلیل روشن و نه الزاماً ارائه نمود های حسی

و إذا تتلى عليهم آیتنا بینت .. قالوا اتوا بآئنا

از این که خداوند، پس از بیان دلایلی روشن، به درخواست مشرکان مبنی بر ارائه نمودهای محسوس ترتیب اثر نداده است،
مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۱۳

۱۳- لزوم مستند بودن هر عقیده دینی، به منبع وحی و یا دلیل قطعی علمی

اثتونی بکتب من قبل هذا أو أثره من علم إن کنتم صدقین

صداقت و درستی هر عقیده دینی، از دو راه قابل اثبات است: ۱ ارائه دلیل متکی به وحی و کتاب های آسمانی؛ ۲ ارائه
گواهی از دریافت های علمی و عقلی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱۳، ۱۰

۱۰- آگاهی پیامبر (ص) به حقایق غیبی،

تنها برگرفته از منبع وحی

و ما أدری ما یفعل بی و لا بکم إن أتبع إلا ما یوحی الی

از ارتباط جمله <و ما أدری> با <إن أتبع>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

۱۳- انذار های پیامبر (ص) نسبت به امت ، برگرفته از منبع وحی

إن أتبع إلا ما یوحی الی و ما أنا إلا نذیر مبین

از ارتباط عبارت <إن أتبع> با <ما أنا إلا نذیر مبین>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۵

۵- حقایق نازل شده از مقام ربوبیت الهی ، مایه رشد و تعالی و مصونیت از پوچی است .

و أصلح بالهم . ذلک بأنّ ... أتبعوا الحقّ من ربّهم

وصف <ربّ> در آیه شریفه، مشعر به علیّت است؛ یعنی، آنچه از سوی <ربّ> نازل شود، جز در جهت تکامل نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۶

۶- اندیشه و خرد آدمی ، برای ره یابی به حقیقت ، نیازمند تذکار های وحی

إنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقى السمع و هو شهید

تعبیر <لذکری> می رساند که خرد انسان در ره یابی به حقیقت، نیازمند تذکار الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳ - ۳

۳- تضمین عصمت پیامبر (ص) ، در تمامی عمر از سوی وحی

ما ضلّ صاحبكم و ما غوى . و ما ينطق عن الهوى

خداوند، با خبر دادن از حال و آینده با عبارت > ما ينطق

... < در حقیقت عصمت پیامبر(ص) را در طول حیات ایشان تضمین نموده است / چنان که با < ما ضلّ... > گذشته آن حضرت را مبرا از گمراهی دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴ - ۱

۱ - سخنان و پیام های پیامبر (ص) ، تنها نشأت یافته ، از مبدأ وحی

و ما ینطق عن الهوی . إن هو إلا وحی یوحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵ - ۴

۴ - اتکای پیامبر (ص) به مبدأ مقتدر وحی ، بازدارنده آن حضرت از هر انحراف و هواپرستی *

و ما ینطق عن الهوی . . . علّمه شدیدالقوی

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین احتمال می رود کهوصف < شدیدالقوی > در تأکید عدم گرایش پیامبر(ص)، به هوای نفس آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۶، ۱۵، ۶

۶ - ارزشمندی باور ها و عقاید انسانی ، در گرو ریشه داشتن آن در وحی و معارف الهی است .

ما أنزل الله بها من سلطان

خداوند، در مقام تخطئه مشرکان، این نکته را گوشزد می کند که باورهای آنان از سرچشمه علم و حکمت الهی نشأت نگرفته است. در نتیجه از مفهوم آیه شریفه می توان نتیجه گرفت که ارزشمندی عقاید انسانی، وابسته به سرچشمه گرفتن آن از علوم الهی است.

۱۵ - وحی و رسالت ، برنامه کامل هدایت و در راستای رشد و تعالی بشر

و لقد جاءهم من ربهم الهدی

بنابراین که <الهدی> اشاره به وحی و

رسالت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۱۶ - انسان ها ، فاقد هر عذر و بهانه ، در پیشگاه پروردگار خویش پس از آمدن وحی

إِن هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا.. و لقد جاءهم من ربهم الهدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۶ - ۴

۴ - وحی ، طریق رهایی انسان به غیب *

أعنده علم الغيب .. أم لم يتبأ بما في صحف موسى

خداوند، در ابتدا علم غیب را از مشرکان نفی می کند و سپس در مقام تخطئه و توییح آنان می فرماید: وحی که طریق ارتباط انسان با غیب است هیچ گونه سازگاری با اندیشه آنان ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۲

۲ - پیام های قرآن و وحی ، زداینده غفلت و غرور کاذب از آدمیان

أفمن هذا الحديث تعجبون ... و أنتم سمدون

توییح کافران به خاطر غفلت زدگی آنان و ناباوری به مفاهیم قرآن، می رساند که اگر آنان به قرآن گوش جان فرا دهند، از غفلت و غرور بیرون خواهند آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۱

۱۱ - جوامعی که خود را در پناه تعالیم وحی قرار ندهند ، خطر گرفتار شدن در ورطه انواع گمراهی ها ، آنان را تهدید می کند .

هو الذي ينزل على عبده آيات ليخرجكم من الظلمت إلى النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - امتحانه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - حرکت های دینی

اجتماعی پیامبر (ص) ، مستند به رهنمود های وحی

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ .. فَبَايِعْهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۳

۳ - پیامبران ، دارای دستورات مستقل و جدا از فرمان های خداوند از راه وحی

أمر ربّها و رسله

تصریح به فرمان رسولان، در کنار فرمان خداوند، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۷ - ۴ - ۳

۳ - داوری درباره دین ، باید بر مبنای وحی و کتاب آسمانی باشد .

أم لکم کتب فیه تدرسون

۴ - وحی و کتاب های آسمانی ، مبنای داوری درباره درستی و نادرستی عقاید و مسائل دینی است .

أم لکم کتب فیه تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳ - ۳

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدریک ما الحاقه

آیات ۱۳ تا ۱۷ این سوره، در جهت بیان بخشی از حقایق مربوط به قیامت است. از مجموع آنها می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان ها قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - انسان ، بدون رهنمود های وحی و دین الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطر ها و تهدید های بسیاری در پیش روی بشر

است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطارهای پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطرها و آفت های بسیاری خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، از راه وحی به استماع جن نسبت به قرآن آگاه شد .

قل أوحى إلیّ أنّه استمع نفر من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۳

۳ - محدودیت قلمرو علم پیامبر (ص) نسبت به عالم آخرت ، من های وحی الهی به ایشان

قل إن أدری أقریب ما توعدون أم يجعل له ربّی أمداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۲

۲ - امکان آگاه شدن رسولان الهی ، از علم غیب و امور پنهانی به وسیله وحی و الهام خداوند

فلا یظهر علی غیبه أحداً . إلا من ارتضی من رسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲ - ۳

۳ - انسان ، بدون بهره مندی از رهنمود های وحی و پیامبران الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

قم فأنذر

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطرها و تهدیدهای بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطارهای پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطرها و آفت های بسیاری خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - حقیقت دوزخ و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی

قابل شناخت و دست یابی است .

و ما أدریک ما سقر

از آیات ۲۷ تا ۳۱ که در جهت تبیین بخشی از حقایق دوزخ است می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۳

۳ - وحی و کتاب های آسمانی ، جداکننده حق از باطل اند .

فالفرقت فرقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۲،۳،۴

۲ - وحی و کتاب های آسمانی ، وسیله اتمام حجت خداوند بر خلق و انذار و اخطار بدان ها است .

ذکراً . عذراً أو نذراً

۳ - ارائه وحی و کتاب های آسمانی از سوی فرشتگان ، مایه عذرخواهی و اثبات بی گناهی مؤمنان در پیشگاه خداوند

فالملقیة ذکراً . عذراً أو نذراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <عذراً>، اعدار (عذر خواستن) مؤمنان در پیشگاه خداوند باشد.

۴ - با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلف ، در پیشگاه خداوند قابل قبول نیست .

فالملقیة ذکراً . عذراً أو نذراً

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۳

۳ - حقیقت قیامت و ژرفای عظمت آن ، تنها از راه وحی قابل شناخت و دستیابی است .

و ما أدريک ما یوم الفصل

از این که آیه مورد بحث، در میان آیات مربوط به قیامت

است قرار دارد، می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، تنها از طریق خود وحی برای بشر قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۲ - ۱

۱ - انسان ، در تشخیص تکالیف دشواری که خداوند خواهان انجام گرفتن آن است ، نیازمند وحی است .

و ما أدريكم ما العقبه

<العقبه> گرچه مطلق است؛ ولی مراد از آن به قرینه سیاق آیه طریقه های سختی است که سلوک آن، مطلوب خداوند می باشد؛ وگرنه شناخت مطلق کارهای دشوار بر کسی سخت نیست.

نیاز به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۷

۷- بشر ، برای رفع اختلاف های عقیدتی و نیل به عقیده ای سالم و برتر ، محتاج به وحی و تعالیم آسمانی است .

و ما أنزلنا عليك الكتب إلا لتبين لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۵

۵- هر موجود شعورمند مستقر در زمین ، نیازمند به وحی الهی و هدایت آسمانی

قل لو كان في الأرض ملئكة يمشون مطمئنين لنزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۴

۴ - نیاز بشر ، به وحی و دین الهی در شناخت حق و راه درست

فلما جاءهم بالحق من عندنا

برداشت یاد شده از آمدن قید <عندنا> برای <حقّ> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶ - ۴

۴ - سپری شدن تاریخ [رخداد

ها و تحولات زندگی انسان در گذر زمان]، باعث بی نیازی بشر از وحی و هدایت های آسمانی نیست .

أفضرب عنکم الذکر . . . و کم أرسلنا من نبی فی الأولین

فرستاده شدن پیامبران فراوان در امت های پیشین، نشانگر آن است که انسان ها در هیچ یک از دوره های تاریخ، بی نیاز از وحی الهی نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۷

۷- نیاز همه انسان ها به پیام وحی و رهنمود های پروردگار، برای رسیدن به حق و صلاح

بأنّ الذین کفروا اتّبعوا البطل و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

مقید شدن <الحقّ> به <من ربّهم> و مقابله <الحقّ من ربّهم> با <الباطل>، می رساند که بشر بیش از دو راه در پیش ندارد: راه باطل و یا راه حق، راه حق تنها همان راهی است که منتسب به پروردگار و نازل شده از سوی او است از این رو انسان برای رسیدن به حق، ضرورتاً نیازمند رهنمود خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۲ - ۱

۱- انسان، در تشخیص تکالیف دشواری که خداوند خواهان انجام گرفتن آن است، نیازمند وحی است .

و ما أدریک ما العقبه

<العقبه> گرچه مطلق است؛ ولی مراد از آن به قرینه سیاق آیه طریقه های سختی است که سلوک آن، مطلوب خداوند می باشد؛ و گرنه شناخت مطلق کارهای دشوار بر کسی سخت نیست.

واسطه وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲

۵- فرشتگان ، واسطه ابلاغ وحی بر بندگان منتخب خداوند

يُنزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

مراد از <روح> در آیه، به قرینه فرازهای بعد (آن اُنذروا ..) که درباره ابلاغ وحی و رسالت است می تواند وحی باشد.

۱۳- فرشتگان ، از وسایط اجرای فرمان های خدا

يُنزِلُ الْمَلَائِكَةُ .. اُنذروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۶

۶- ملائکه ، تنها واسطه نزول وحی و پیام الهی به ساکنان زمین

لَنُنزِلَنَّ عَلَيْهِمْ مَلَكًا رَسُولًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مراد از <ملکاً رسولاً> فرشته وحی باشد نه پیامبر(ص).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۴

۴- دریافت پیام وحی به وسیله جبرئیل از مقام الوهیت و آوردن آن برای پیامبر (ص)

و هو بِالْأَفْقِ الْأَعْلَى

مراد از <أفق اعلى> می تواند مقام الوهیت باشد که جبرئیل از آن جا وحی را دریافت کرده، به زمین می آورد و به پیامبر(ص) می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۰ - ۲

۲- جبرئیل ، واسطه وحی الهی به پیامبران

فأوحى إلى عبده ما أوحى

وحى بر برگزیدگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۱،۵

۱- خداوند ، فرشتگان را همراه روح (وحی الهی) بر بندگان منتخب خود نازل می کند .

يُنزِلُ الْمَلَكُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مِنْ إِيَّاهُ مِنْ عِبَادِهِ

مفسران در مورد مراد از <روح> در آیه شریفه احتمالاتی

را ذکر کرده اند، مانند: <جبرئیل>، وحی و چیزی که حیات با آن تحقق می یابد. در برداشت فوق <روح> کنایه از وحی منظور شده است.

۵- فرشتگان ، واسطه ابلاغ وحی بر بندگان منتخب خداوند

يُنزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ إِذْ يَمُرُّ بِالْعَبَادِ

مراد از <روح> در آیه، به قرینه فرازهای بعد (آن آندروا ..) که درباره ابلاغ وحی و رسالت است می تواند وحی باشد.

وحی به ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۲، ۱۰

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحينا إليهم

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) کارهای نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحينا إليهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. براین اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علمنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اعلام خداوند به ابراهیم (ع) مبنی بر تحقق یافتن رؤیای او و عمل کردن وی مطابق آنچه در خواب دیده و مأموریت یافته بود

قد صدقت الرءيا

تصدیق رؤیا برابر نظر بیشتر مفسران به معنای تحقق بخشیدن رؤیا در عالم خارج است. به عبارت دیگر، ابراهیم(ع) مطابق آنچه در خواب دیده بود، عمل کرد.

وحی به اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۲، ۱۰

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحینا إلیهم

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. بر این اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علمنا> است.

وحی به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۵ - ۲، ۳

۲- بهره مندی از وحی الهی ، ویژگی همه پیامبران است .

و ما أرسلنا من قبلك من رسول إلا نوحی إلیه

۳- شعار < لا إله إلا الله > ، پرستش خدای یگانه و مبارزه با شرک و چندگانه پرستی ، محتوای وحی الهی به تمامی رسولان

من رسول إنا نوحى إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۳ خداوند ، پیامبران بسیاری را پس از نوح (ع) مبعوث کرد و بدان ها وحی فرستاد .

كما أوحينا إلى نوح و النبيين من بعده

۴ ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب وحی

و أوحينا إلى إبراهيم . . . و سليمان

۵ خداوند ، گروهی از فرزندان یعقوب را به پیامبری برانگیخت و به آنان وحی کرد .

أوحينا إلى . . . و الاسباط

<اسباط> جمع <سبط> در لغت به فرزندزادگان گفته می شود، و مراد از آن در آیه فرزندزادگان حضرت یعقوب(ع) هستند و برخی از مفسران مقصود از <الاسباط> را فرزندان اسحاق دانسته اند. گفتنی است که آمدن کلمه <الاسباط> پس از <یعقوب> نظر اول را تأیید می کند.

۹ انکار وحی به پیامبر اکرم (ص) در حقیقت انکار وحی به دیگر پیامبران الهی است .

إنا أوحينا إليك كما أوحينا إلى نوح و النبيين من بعده و أوحينا

۱۰ وحی الهی به پیامبر اکرم (ص) برخوردار از تمام ویژگی های وحی خداوند به پیامبران گذشته

إنا أوحينا إليك كما أوحينا إلى نوح و النبيين من بعده

چون مشبه به وحی به تمامی پیامبران است، معلوم می شود وحی به پیامبر(ص) به گونه ای بوده که از ویژگیهای تمامی وحیها برخوردار بوده است.

۱۶ وحی خداوند بر پیامبر اسلام (ص) دربردارنده هر آنچه بر دیگر پیامبران وحی شده بود .

إنا أوحينا إليك كما أوحينا إلى نوح

امام باقر و امام صادق(ع) بعد

از اشاره به مضمون آیه فوق فرمودند فجمع له کل وحی.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۰۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۳، ح ۶۷۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ دریافت وحی، تنها امتیاز پیامبران از دیگران

قل لا أقول لكم . . . إن أتبع إلا ما يوحى إليّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۴،۵

۴ وحی و اخبار خداوند، طریق آگاهی پیامبران به امور غیبی و سرنوشت انسانها

أوحى إلى نوح أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن

۵ وحی، طریق ارتباط خداوند با پیامبران و ابلاغ برنامه ها و گزارش ها به ایشان

و أوحى إلى نوح أنه لن يؤمن . . . فلا تبئس بما كانوا يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۶

۶ ارتباط خداوند با پیامبران خویش از طریق وحی بود.

إلا رجالاً نوحى إليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۷

۷- در پی تهدید شدن انبیا از سوی کفار، خداوند به پیامبران وحی کرد که قطعاً ستمگران را هلاک خواهد کرد.

قالوا .. لنخرجنكم ... فأوحى إليهم ربهم لنهلكن الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - نحل - ١٦ - ٤٣ - ٣

٣- خداوند ، به همه پیامبران وحی می کرده است .

و ما أرسلنا من .. إلا رجالاً نوحى إليهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- ٩

۲- تفاوت انبیا با سایر انسان ها ، در دریافت وحی از خدا ، داشتن مقام نبوت و کتاب آسمانی است .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجلاً نوحی إلیهم . . . بالبینت و الزبر

برداشت فوق، بنابراین نکته است که آیه در ادامه معرفی انبیا باشد بدین صورت که: آنان از جنس بشر هستند (و ما أرسلنا من قبلك إلا رجلاً نوحی إلیهم. ..) و به آنان وحی می شود و....

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۵

۵- بهره مندی پیامبران از وحی ، وجه امتیاز و تفاوت آنان با سایر بشر

و ما أرسلنا قبلك إلا رجلاً نوحی إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۵

۵- دریافت وحی توسط فرشتگان از خداوند و ابلاغ آن به پیامبران

الله یصطفی من الملائکه رسولاً و من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۳

۱۳- فرستادگان الهی ، با در دست داشتن وحی الهی در قالب عبارت های قابل تلاوت در میان مردم ، مبعوث می شدند .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم آیت ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۱

۱- وحی خداوند به پیامبران ، دارای سابقه و دیرینه تاریخی است .

كذلك يوحى إليك و إلى الذين من قبلك الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - شوری - ٤٢ - ١٣ - ٨

تفاوت نحوه ابلاغ و انزال پیام های دینی ، به پیامبر اکرم (ص) و انبیای پیشین . *

ما وصى به .. و الذى أوحينا إليك

با توجه به تفاوت مواد و محتوای دو واژه <وحیت> و <وحی>، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۵،۱۱

۵ - پیامبران و مرتبطان با علم وحی ، کلام الهی را بدون رؤیت خداوند دریافت می کنند .

و ما كان لبشر أن يكلمه الله إلا وحياً

۱۱ - فرشته وحی ، پیکی امین در ابلاغ پیام خدا به پیامبران

فیوحی یاذنه ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱

۱ - وحی به پیامبر اکرم (ص) ، استمرار وحی بر انبیای پیشین است .

و كذلك أوحينا إليك

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مشارٌالیه <ذلك>، مطلق وحی باشد (که از آیه قبل استفاده می شود).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱۴

۱۴ - دریافت وحی ، تفاوت و امتیاز محوری پیامبران از دیگر مردمان

قل ما كنت بدعاً .. و ما أدرى ... إن أتبع إلا ما يوحى إليّ و ما أنا إلا نذير

کافران از پیامبر(ص)، انتظاراتی فوق بشری داشتند. پیامبر(ص) مأمور شد تا به آنان یادآور شود که من نیز چون دیگر پیامبران، خصائص بشری دارم؛ با این تفاوت که به من وحی شده و در آگاهی های خویش تابع وحی می باشم. این نشان می دهد که تمامی کمالات پیامبر(ص) بر

محور دریافت وحی و پیروی از آن، استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۰ - ۲

۲ - جبرئیل ، واسطه وحی الهی به پیامبران

فأوحی إلی عبده ما أوحی

وحی به انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۴

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

وحی به ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۱

۱۱- ذوالقرنین از پیامبران بود و به مقام دریافت سخن های خداوند نایل شده بود . *

قلنا یدنا القرنین

ظاهر کلمه <قلنا> خطاب مستقیم است، گرچه احتمال الهام و یا رساندن پیام به وسیله پیامبری دیگر نیز وجود دارد.

وحی به رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- فرستادگان الهی ، علاوه بر داشتن کتاب آسمانی ، دارای رهنمود ها و دریافت کننده الهام های خاصی از جانب خداوند بودند .

بالکتاب و بما أرسلنا به رسلنا

در صورتی که مقصود

از < کتاب > جنس کتاب و مجموعه کتاب های آسمانی باشد؛ مراد از < بما أرسلنا به رسلنا > رهنمودهای پیامبران و یا الهام های الهی به آنان جدا از کتاب آسمانی خواهد بود.

وحی به زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۵ - ۲

۲ - زمین ، دریافت کننده وحی و فرمان الهی و مطیع آن

بأن ربك أوحى لها

وحی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۱

۱ - ناباوری قوم ثمود نسبت به انتخاب فردی چون < صالح (ع) > ، از میان همه قوم ، برای دریافت وحی

ألقى الذكر عليه من بيننا

وحی به عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۶

۶- عیسی (ع) در معرفی خویش به مردم ، دریافت فرمان خداوند به نماز و زکات را از ویژگی های خویش برشمرد .

و أوصني بالصلوة والزكوة مادمت حيًا

وحی به قلب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۲

۲ - جبرئیل ، نازل کننده قرآن بر قلب پیامبر (ص)

فإنه نزله علی قلبک

وحی به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲

۲ فرشتگان میهمان بر لوط (ع) ، حامل پیامهایی از ناحیه خداوند برای او بودند .

قالوا یلوط إنا رسل ربک

برداشت فوق ، از اینکه فرشتگان خود را به عنوان پیام آوران الهی (رسل

ربك) معرفی کردند ، استفاده می شود.

وحی به مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۸ - ۴،۳،۱

۱ - مادر موسی (ع) ، دریافت کننده وحی و پیام از جانب خداوند

إذ أوحينا إلى أمك

<وحی> در آیه ممکن است به معنای سخن گفتن خداوند با مادر موسی(ع) باشد و ممکن است از آن الهام اراده شده باشد؛ برخی از وعده های خداوند به مادر موسی(ع) که در سوره قصص آمده است، با معنای اول سازگارتر است.

۳ - وحی و پیام خداوند به مادر موسی (ع) از نعمت های بزرگ او به موسی (ع) بود .

و لقد منّا .. إذ أوحينا إلى أمك مایوحی

<إذ> ظرف است برای <منّا>؛ یعنی نعمت بزرگی که در آیه قبل یاد شد، در آن زمان بوده است.

۴ - دسترسی مادر موسی (ع) به اطلاعات القا شده به او ، جز از طریق وحی الهی ممکن نبود .

مایوحی

مراد از <مایوحی> (آنچه وحی می شود) اموری است که قاعدتاً وحی می شود و انسان، خود به آن نمی رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۹ - ۲۲، ۱۰

۱۰ - خداوند در وحی به مادر موسی ، فردی را که دشمن خدا و دشمن کودک او بود ، عامل نجات آن کودک و تحت تکفل گیرنده او معرفی کرد .

يأخذهُ عدوُّ لِي و عدوُّ له

۲۲ - > عن أبي جعفر (ع) قال : أنزل الله على موسى التابوت و نوديت أمه ضعيه في التابوت فاخذفيه في

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: خداوند تابوت را بر موسی(ع) نازل کرد و به مادر وی ندا داده شد که او را در تابوت قرار ده، پس آن را به دریا بیفکن <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۳

۳ - رهنمود الهی به مادر موسی در رابطه با فرزندش از طریق وحی

و أوحینا إلی أم موسی أن أرضعیه .. فألقیه فی الیم

وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۶، ۲

۲ وحی ، راهی برای دریافت گزارشات غیبی و تاریخ پیشینیان ، برای پیامبر (ص)

ذلك من انباء الغیب نوحیه الیک

۶ آگاهی پیامبر (ص) از حقایق نهفته تاریخ زکریا و مریم ، نشانگر صدق ادعای وی در ارتباط با وحی

ذلك من انباء الغیب .. و ما كنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱

۱ خداوند ، فرو فرستنده قرآن به سوی پیامبر (ص)

إنا انزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ بر خورداری پیامبر (ص) از وحی ، حکمت و علم لدنی ، زمینه مصونیت آن حضرت از خطا و مایه عصمت وی از گناه

و لولا فضل الله .. أنزل الله عليك الكتب و الحكمة و علمك ما لم تكن تعلم

جمله < و انزل الله > بیانگر

علت جمله پیشین است. یعنی چون قرآن و حکمت را بر تو نازل کردیم، تلاش آنان برای انحراف تو بی اثر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۱۶، ۱۰، ۹، ۱

۱ خداوند به حضرت محمد (ص) وحی کرد و وی را به پیامبری برانگیخت.

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

۹ انکار وحی به پیامبر اکرم (ص) در حقیقت انکار وحی به دیگر پیامبران الهی است.

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوْحٍ وَ النَّبِيِّنَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَوْحَيْنَا

۱۰ وحی الهی به پیامبر اکرم (ص) برخوردار از تمام ویژگی های وحی خداوند به پیامبران گذشته

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوْحٍ وَ النَّبِيِّنَ مِنْ بَعْدِهِ

چون مشبه به وحی به تمامی پیامبران است، معلوم می شود وحی به پیامبر (ص) به گونه ای بوده که از ویژگیهای تمامی وحیها برخوردار بوده است.

۱۶ وحی خداوند بر پیامبر اسلام (ص) دربردارنده هر آنچه بر دیگر پیامبران وحی شده بود.

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوْحٍ

امام باقر و امام صادق (ع) بعد از اشاره به مضمون آیه فوق فرمودند فجمع له کل وحی.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۰۵ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۳، ح ۶۷۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ پیامبر (ص)، موظف به اعلام وحی شدن قرآن به خویش و بیان اهداف نزول آن

وَ أَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنْذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ -

۲۳ نزول تورات دلیلی بر امکان نزول وحی بر پیامبر(ص) و گواهی بر بطلان پندار منکران نزول وحی بر بشر است.

إذ قالوا ما أنزل الله على بشر .. قل من أنزل الكتب ... قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ پیامبر اکرم (ص) ، کلام خدا (قرآن) را از راه وحی دریافت می کرد .

أنت بقرءان غیر هذا .. إن أتبع إلا ما يوحى إليّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۶۱ - ۲

۲ قرآن ، کتابی است نازل شده از جانب خدا و خوانده شده بر پیامبر (ص) .

و ما تتلوا منه من قرءان

برداشت فوق از عود ضمیر <منه> به خداوند و از تنکیر قرآن که مصدر به معنای مفعول است استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۹

۹ ربوبیت الهی ، مقتضی نزول قرآن بر پیامبر اکرم (ص) بوده است .

لقد جاءك الحق من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۲،۳

۲ وحی ، راهنمای پیامبر (ص) و تعیین کننده حدود مسؤولیت آن حضرت بود .

و اتبع ما يوحى إليك

۳ نزول وحی (قرآن) بر پیامبر (ص)، تدریجی بود.

و اتبع ما یوحی إلیک

فعل مضارع <یوحی> دلالت بر تجدد و استمرار دارد و لازمه تجدد و استمرار،

تدریجی بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲ - ۶

۶ آیه های قرآن ، حقایقی که از طریق وحی به پیامبر (ص) نازل می شد .

فلعلک تارک بعض ما یوحی إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۳

۳ خداوند ، داستان نوح را از طریق وحی برای پیامبر (ص) تشریح کرد .

تلک من أنباء الغیب نوحيها إلیک

ظاهر این است که مراد از ضمیر <ها> در <نوحیها> همان مشارالیه <تلک> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۴، ۸

۸ خداوند ، قرآن و داستان های آن را از طریق وحی در اختیار پیامبر (ص) قرار می داد .

نحن نقص علیک .. بما أوحینا إلیک هذا القرآن

حرف <باء> در <بما أوحینا> سببیه است و <ما> در آن مصدریه می باشد.

۱۴ علم و آگاهی پیامبر (ص) ، نشأت گرفته از قرآن و وحی الهی است .

بما أوحینا إلیک .. و إن كنت من قبله لمن الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۳

۳ خداوند ، داستان یوسف (ع) را از طریق وحی برای پیامبر (ص) تشریح کرد .

ذلك من أنباء الغيب نوحيه إليك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۰، ۷

۷ قرآن ، کتابی از ناحیه خدا و نازل شده بر پیامبر (ص)

والذی

أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقَّ

۱۰ برای نزول قرآن بر پیامبر (ص) ، میان او و خداوند واسطه ای وجود داشته است .

وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقَّ

فاعل <أنزل> در عبارت فوق نمی تواند خداوند فرض شود ؛ زیرا در این صورت صحیح آن بود که گفته می شد: <والذی أنزل ربك إليك الحق> و یا <الذی أنزل إليك الحق> ؛ یعنی، آن گاه که فاعل حذف شود و فعل به صورت مجهول آورده شود، نباید در عبارت اشاره به فاعل شود. بنابراین فاعل <أنزل> شخصی دیگر (جبرئیل یا ...) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۲

۲ قرآن ، کتابی از ناحیه خداوند و نازل شده بر پیامبر (ص)

أَمَّا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۵۸

۵ قرآن حقیقتی که خداوند آن را با وحی بر پیامبر (ص) نازل کرد .

لَتَتْلُوا عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

۸ قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) پرتوی از رحمت گسترده خداوند است .

وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۴

۴ نزول قرآن بر پیامبر (ص) مایه سرور و شادمانی گروهی از یهود و نصارا بود .

وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكُتُبَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ

جمله <و من الأحزاب...> (برخی از یهود و نصارا بخشی از قرآن را نمی پذیرند) حکایت از آن دارد که مراد از <الذین

... يفرحون <

همه یهود و نصارا نیستند. از این رو در برداشت سرور و شادمانی به گروهی از آنان نسبت داده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۲

۲- قرآن، کتابی است که از جانب خداوند بر پیامبر (ص) نازل شده است.

کتاب أنزلناه إليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۳،۴

۳- کافران مکه، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود، فردی مجنون و دیوانه می دانستند.

و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

۴- کافران مکه، نزول وحی بر پیامبر (ص) را، ادعایی بیش نمی دانستند.

قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نُزِّلَ> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۲

۲- کافران مکه، دلیل صداقت پیامبر (ص) را در ادعای نزول وحی، آمدن ملائکه برای تصدیق او می دانستند.

لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۴ - ۱

۱- قرآن ، کتابی نازل شده از سوی خداوند بر پیامبر (ص)

و ما أنزلنا

<ال> در <الکتاب> عهد ذهنی بوده و مراد از آن قرآن کریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۵

۵- پیامبر (ص) از محرماتی که تنها برای ملت یهود وضع گردیده بود، از راه وحی آگاه شد.

و علی الذین هادوا حَرَمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَیْكَ مِنْ قَبْلِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۳

۳- پیامبر (ص)، از آیین ابراهیم (ع) توسط وحی آگاه گردید.

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که جمله <أَنْ اتَّبِعْ...> جمله تفسیری باشد، یعنی، ما به تو وحی کردیم و محتوای وحی ما، همان آیین ابراهیم (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱،۳

۱- مجموعه اوامر و نهی های خداوند، که به پیامبر (ص) وحی شد، رهنمودهایی حکیمانه است.

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ

مشارالیه <ذَلِكَ> مجموعه تعالیم، اعم از نواهی و اوامری می باشد که در چند آیه قبل آمده است.

۳- وحی پیام های حکیمانه به پیامبر (ص)، جلوه ربوبیت خاص خداوند برای آن حضرت است.

أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ

اضافه <رَبِّ> به <كَ> که مرجع آن پیامبر (ص) است می تواند مشعر به معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، پیامبر (ص) را

به هنگام ابلاغ وحی ، مورد امداد غیبی خویش قرار می داد .

و إذا قرأت القرآن جعلنا بينك . . . حجاباً مستوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۵

۵- خداوند ، علاوه بر آیات قرآن کریم ، سخنانی ویژه با پیامبر اکرم (ص) داشته است . *

و إذ قلنا لك إن ربك أحاط بالناس

برداشت فوق، مبتنی بر دو نکته ادبی است: ۱. <إذ> متعلق به <أذكر> مقدر (از ماده <ذُكِرَ>) باشد؛ ۲. لام در <لك> برای اختصاص باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: <ای پیامبر! به یاد آور نکته ای را که پیش از این اختصاصاً برای تو گفتیم>. گفتنی است که نکته یاد شده در آیات پیشین نیامده است و این حکایت از آن دارد که به پیامبر (ص) غیر از قرآن، تعالیم دیگری اعطا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۴، ۲، ۱

۱- خداوند ، قادر بر محو و زایل کردن تمامی معارف و حقایقی است که بر پیامبر (ص) وحی کرده است .

و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک

۲- پیامبر اسلام (ص) ، شخصیتی که از جانب خداوند به او وحی می شد .

و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک

۴- بقا و زوال علوم اعطایی خدا به بشر ، حتی دریافت وحی توسط پیامبر (ص) ، منوط به مشیت خداست .

و ما أوتیتم من العلم إلاّ قليلاً. و لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

۱- لطف و رحمت خداوند ، مانع بازپس گیری وحی (حقایق و معارف وحیانی) از پیامبر (ص)

لئن شئنا لنذهبنّ .. إلاّ رحمه من ربّك

استثنا ممکن است از کلمه و یا کلامی محذوف صورت گرفته باشد: مثلاً عبارت چنین باشد آنچه را به تو دادیم، جز از سر رحمت ندادیم و بنابراین، محو نخواهیم کرد. و یا استدراک از <لئن شئنا> باشد و عبارت چنین فرض شود: <و لکن لانشاء ذلک رحمه> (ولی زایل کردن معارف عطا شده را نمی خواهیم به خاطر رحمت به تو)

۲- تثبیت مفاهیم وحی و جاودانگی آنها در قلب پیامبر (ص) ، جلوه ربوبیت خاص الهی نسبت به آن حضرت

لئن شئنا لنذهبنّ بالذی أوحینا .. إلاّ رحمه من ربّك

۶- امتنان خداوند بر پیامبر (ص) به خاطر تثبیت مفاهیم وحی در قلب او

و لئن شئنا لنذهبنّ .. إن فضله کان علیک کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۷ - ۳

۳- قرآن کتابی وحی شده به پیامبر (ص) از جانب خداوند است .

واتل ما أوحی إلیک من کتاب ربّک

حرف <من> در <من کتاب ربک> برای تبیین است و گویای این که آنچه وحی شده است، همان کتاب خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۶،۷

۶- تشریح داستان ذی القرنین ، برپایه تلاوت وحی و نه آگاهی های شخصی پیامبر (ص) استوار است .

سأتلوا علیکم منه ذکراً

۷- بخشی از علوم و اطلاعات پیامبر (ص)

ص (در گرو نزول وحی بود .

و یسئلونک .. قل سأتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۳،۴،۸

۳- حضرت محمد (ص) ، من های وحی و نبوت ، بشری عادی است .

إنما أنا بشر مثلكم یوحی الیّ

۴- دستیابی پیامبر (ص) بر علوم بی کران الهی ، در محدوده وحی است .

قل لو كان البحر .. قل إنما أنا بشر مثلكم یوحی الیّ

۸- توحید و یگانگی خدا ، شاخص ترین پیام های عقیدتی وحی شده بر پیامبر (ص) است .

یوحی الیّ انما الهکم إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۱،۳،۵

۱- تاریخ پیامبران و دعوت های توحیدی آنان ، معارفی الهی است که فرشتگان آن را به امر خداوند و با برنامه ای زمان بندی

شده به پیامبر (ص) ابلاغ کرده اند .

و ما نتنزل إلا بأمر ربّک

این آیه و آیه بعد به قرینه <فاعبده و اصطر لعبادته> در آیه بعد تزییلی بر آیات پیشین و گویای این نکته است که: آنچه

گفته شد، به امر خداوند بر تو نازل شده است و واسطه وحی در این زمینه از خود هیچ نقشی ندارد. بنابراین همچون پیامبرانی

که سرگذشت آنان بر تو خوانده شد، به عبادت خداوند پرداز و بر آن پایدار بمان.

۳- فرشتگان در نزول بر پیامبر (ص) و آوردن وحی ، تنها از خداوند اطاعت می کنند .

و ما نتنزل إلا بأمر ربّک

گرچه در این آیه مطرح نشده است که

فرشتگان بر چه کسی فرود می آیند و چه مطالبی را نازل می کنند؟ ولی به قرینه <ربك>، بارزترین مصداق برای گویندگان <ما نتزل..>، مأموران ابلاغ قرآن به پیامبر(ص) می باشند.

۵- نزول ملائکه بر پیامبر (ص) و آوردن وحی، جلوه ای از ربوبیت خداوند بر آن حضرت بود.

و ما نتزل إلا بأمر ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱۰

۱۰- پیامبر (ص)، آیات قرآن را پیش از پایان یافتن وحی آن، به زبان جاری می ساخت و در تلاوت آن تعجیل داشت.*

ولا تعجل بالقرآن من قبل أن یقضی الیک وحیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۳

۳ قرآن، کتابی نازل شده از جانب خداوند بر پیامبر اسلام (ص)

تبارك الذی نزل الفرقان علی عبده

از دیدگاه بیشتر مفسران مقصود از <فرقان> در آیه شریفه قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۴ - ۱

۱- قلب پیامبر (ص)، محل نزول قرآن و پیام وحی

نزل به الروح الأمين . علی قلبك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۵ - ۶

۶- اقدام الهی به بیان معارف، شرایع و سرگذشت پیامبران، از طریق وحی کردن قرآن به پیامبر (ص)

و لكننا أنشأنا قرونًا فتطاول عليهم العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، دریافت کننده وحی

و اَتَّبِعْ مَا يُوْحٰى اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

۳ - ربوبیت الهی ، مقتضی ارسال وحی به پیامبر (ص) است .

و اَتَّبِعْ مَا يُوْحٰى اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

۴ - نزول وحی بر پیامبر (ص) ، برای پرورش و تنظیم جهت گیری صحیح او بود .

و لا تطع الكفرین . . . و اَتَّبِعْ مَا يُوْحٰى اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۱،۲،۸

۱ - پیامبراسلام (ص) ، دریافت کننده وحی از جانب خداوند

و الذی اُوْحٰىنَا اِلَيْكَ

۲ - قرآن ، کتاب آسمانی و وحی الهی به پیامبر (ص)

و الذی اُوْحٰىنَا اِلَيْكَ مِنْ الْكُتُبِ

۸ - انتخاب پیامبر (ص) برای دریافت وحی و قرآن کریم ، بر اساس آگاهی خداوند ، از شایستگی ها و ارزش های نهفته در وجود آن حضرت بود .

و الذی اُوْحٰىنَا اِلَيْكَ مِنْ الْكُتُبِ . . . اِنَّ اللّٰهَ بَعَادَهُ لَخَبِيرٌ بَصِيْرٌ

جمله < اِنَّ اللّٰهَ بَعَادَهُ . . . > در مقام تعلیل برای < و الذی اُوْحٰىنَا اِلَيْكَ . . . > بوده و در واقع پاسخ به این پرسش است که چرا به پیامبراسلام (ص) وحی می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۹ - ۱،۲

۱ - پیامبراسلام (ص) ، از ملأ اعلی (عالم فرشتگان) جز از راه وحی آگاهی نداشت .

ما كان لي من علم بالمأ الأعلى

طبق نظر مفسران، مقصود از <مأ الأعلى> فرشتگان است. با توجه به آیه بعد، استفاده می شود که آگاه نبودن پیامبر (ص) از
مأ اعلی

(مضمون آیه مورد بحث) مربوط به طرق عادی است و آن حضرت از راه وحی به آن عالم آگاه بود.

۲- پیامبر (ص) از مجادله و گفت و گوی فرشتگان با خدا درباره آفرینش آدم، تنها از راه وحی آگاه بود.

ما کان لی من علم بالملاّ الأعلیٰ إذ یختصمون

مقصود از مجادله و خصومت در آیه شریفه به قرینه دو آیه بعد (إذ قال ربّیک للملائکة..) گفت و گوی فرشتگان با خدا درباره خلقت انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۰ - ۶

۶- وحی به پیامبر (ص)، تنها در محدوده انذار به مردمان و به منظور اخطار به آنان بوده است.

إن یوحی الّیّ إلاّ أنّما أنا نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۲

۲- پیامبر اسلام (ص)، دریافت کننده وحی (قرآن) از سوی خداوند

إنّا أنزلنا الّیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۳

۳- ارتباط و حیانی با خداوند، تنها فرق و امتیاز پیامبر (ص) با دیگران است.

قل إنّما أنا بشر مثلکم یوحی الّیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۸

۸- تفاوت نحوه ابلاغ و انزال پیام های دینی، به پیامبر اکرم (ص) و انبیای پیشین.*

ما وصى به . . . و الذي أوحينا إليك

با توجه به تفاوت مواد و محتوای دو واژه

<وصیت> و <وحی>، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۶

۶ - قلب پیامبر (ص) ، محل نزول و دریافت وحی الهی

فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يُخْتِمُ عَلَى قَلْبِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۵،۷،۱،۲

۱ - وحی به پیامبر اکرم (ص) ، استمرار وحی بر انبیای پیشین است .

و كذلك أوحينا إليك

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مشارئیه <ذلك>، مطلق وحی باشد (که از آیه قبل استفاده می شود).

۲ - تحقق انواع سه گانه وحی (وحی بیواسطه ، وحی از پس حجاب و نزول فرشته) برای پیامبر اکرم (ص)

و ما كان لبشر أن يكلمه الله إلا وحياً أو .. و كذلك أوحينا إليك

تعبیر به <کذلك> می تواند ناظر به مفاد آیه پیشین باشد که راه ها و اقسام وحی را معین کرده بود.

۵ - روح القدس (جبرئیل) ، واسطه وحی الهی برای پیامبر اکرم (ص) بود .

كذلك أوحينا إليك روحاً من أمرنا

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مراد از <روحاً> فرشته وحی (جبرئیل) باشد. در این صورت نصب <روحاً> مبتنی به اعتبار نزع خافض و به تقدیر <أوحينا إليك بروح من أمرنا> است و یا به لحاظ عامل محذوف و به تقدیر <أوحينا إليك بإرسالنا روحاً من أمرنا> می باشد.

۷ - پیامبر اکرم (ص) ، پیش از نزول وحی با کتاب های آسمانی و مفاهیم قرآن هیچ آشنا نبود .

ما كنت تدري ما الكتاب

و لا الایمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۴

۴ - قرآن ، وحی الهی بر پیامبر (ص) بوده و آن حضرت در محتوای آن نقشی نداشته است .

فاستمسک بالذی أوحی إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۱،۴

۱ - عزیمت جبرئیل از بالاترین افق هستی ، به سوی پیامبر (ص) جهت ابلاغ قرآن به آن حضرت

فاستوی . و هو بالأفق الأعلى

ضمایر در این آیات، به <شدیدالقوی> (جبرئیل) بازمی گردد.

۴ - دریافت پیام وحی به وسیله جبرئیل از مقام الوهیت و آوردن آن برای پیامبر (ص)

و هو بالأفق الأعلى

مراد از <أفق اعلی> می تواند مقام الوهیت باشد که جبرئیل از آن جا وحی را دریافت کرده، به زمین می آورد و به پیامبر(ص) می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۸ - ۱

۱ - جبرئیل برای ابلاغ وحی ، به پیامبر (ص) خود را به آن حضرت نزدیک و نزدیک تر کرد .

ثم دنا فتدلّی

<دنا>؛ یعنی، نزدیک شد و <تدلّی>؛ یعنی، آویخت و این کنایه از شدت نزدیکی است. ضمیر فاعل در <دنا> و <تدلّی> به جبرئیل بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - جبرئیل برای وحی کردن قرآن به پیامبر (ص) ، خود را آن قدر به آن حضرت نزدیک کرد که فاصله میان وی و حضرت به اندازه دو کمان یا کمتر

از آن رسید .

فكان قاب قوسين أو أدنى

<قاب> معادل <مقدار> و <قاب قوسین> به معنای اندازه دو کمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - جبرئیل ، آن گاه که خود را کاملاً به پیامبر (ص) نزدیک کرد ، حقایق عظیمی را به آن حضرت وحی نمود .

فأوحى إلی عبده ما أوحى

حرف <فاء> می رساند که این وحی، پس از <دنا فتدلی..> صورت گرفته است. عبارت <ما أوحى> نیز دلالت بر تفخیم دارد. برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که ضمیر فاعلی در <فأوحى> به جبرئیل باز گردد.

۲ - جبرئیل ، واسطه وحی الهی به پیامبران

فأوحى إلی عبده ما أوحى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۱،۵

۱ - شهود قلبی پیامبر (ص) ، جبرئیل را به هنگام وحی

ما كذب الفؤاد ما رأى

۵ - پیامبر (ص) ، مصون از هر گونه خطا ، به هنگام دریافت وحی

ما كذب الفؤاد ما رأى

در صورتی که مراد از <ما رأى> وحی باشد، تعبیر <ما كذب..> نشانگر راه نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف به هنگام دریافت وحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱ - ۱،۲

۱- نزول وحی بر پیامبر (ص)، به هنگامی که آن حضرت جامه ای به خود پیچیده بود.

يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ

<تَزْمَلُ> (مصدر <مَزْمَلُ>) به معنای پیچیدن جامه و پارچه ای بر خویشتن است.

۲- نزول وحی بر پیامبر (ص)، به هنگام دل آزرده گی و

يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ

برداشت یاد شده از مجموع آنچه مفسران درباره شأن نزول این آیات ذکر کرده اند، استفاده می شود؛ مثلاً پیامبر(ص) به وقت دریافت اولین وحی، احساس ناراحتی کرده، به حضرت خدیجه فرمود: مرا جامه ای بپوشان و یا آن حضرت به وقت شنیدن تهمت کهنات، جنون و سحر درباره خود، احساس ناراحتی کرده به استراحت پرداخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۵ - ۲

۲ - دریافت وحی (قرآن) و تبلیغ آن ، امری بس سنگین و گران بار برای پیامبر (ص)

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱ - ۱

۱ - نزول وحی بر پیامبر (ص) ، به هنگامی که آن حضرت ردا بر خود پیچیده بود .

يَا أَيُّهَا الْمَدَّثِرُ

<دثار>، به معنای لباس رویین و آنچه روی لباس زیرین به تن می کنند (مانند ردا و ..) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۷ - ۱

۱ - تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر پیامبر (ص) ، تضمین شده از سوی خداوند

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ

<جمع> در لغت به معنای تألیف است و مقصود از آن در این آیه تألیف و تنظیم کلمات قرآن می باشد. واژه <قرآن> نیز معنای مصدری دارد؛ یعنی، خواندن. بنابراین <إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ> یعنی، <بی تردید تألیف و تنظیم کلمات قرآن و خواندن آن بر تو [ای پیامبر] بر عهده ما

است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۴

۴ - فرشتگان وحی نویسندگان قرآن از لوح محفوظ و ابلاغ کنندگان آن به پیامبر (ص)

بأیدی سفره

در این که مراد از <سفره> چه کسانی اند، نظرهایی چند ارائه شده است. از جمله این که به قرینه توصیف آنان به <کرام> در آیه بعد، مراد ملائکه وحی می باشند، زیرا در سوره ای دیگر (انفطار، ۱۱) نیز برای ملائکه، وصف <کرام> ذکر شده است. استنساخ قرآن از لوح محفوظ، برای نازل ساختن آن بر پیامبر(ص)، احتمالی است که با این آیات و مراحل نزول قرآن سازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۵

۵ - القای وحی بر پیامبر (ص) و توانمند ساختن او بر قرائت قرآن، احسان و کرم خداوند به آن حضرت است.

اقراً وربك الأكرم

وحی به مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - در پی زایمان مریم (س)، فرشته الهی (جبرئیل) او را از جاری شدن آب در پایین پایش با خبر ساخت.

فنادیها من تحتها ألا تحزنی قد جعل ربك تحتك سریاً

محتمل است که ضمیر فاعلی در فناداها به فرشته الهی برگردد.

وحی به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند با وحی به فرشتگان حاضر در کارزار بدر، آنان را از پشتیبانی خویش در ثبات بخشیدن به مجاهدان

آگاه ساخت .

إذ يوحى ربك إلى الملكة أنى معكم فثبتوا الذين

۳ تنها پیامبر (ص) شاهد وحی الهی به فرشتگان مبتنی بر مأموریت آنان برای پشتیبانی مجاهدان بدر بود .

إذ يوحى ربك إلى الملكة

چنانچه <إذ>، متعلق به <اذکر> باشد با توجه به اینکه مخاطب در آیه مورد بحث، به خلاف آیات گذشته، شخص پیامبر(ص) است، می توان گفت تنها آن حضرت شاهد وحی خداوند به فرشتگان بوده است.

وحى به موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۱

۲۱ خداوند نازل کننده کتاب تورات بر موسى(ع)

قل من أنزل الكتب الذى جاء به موسى . . . قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۲

۲ خداوند ، فرمانش را (افکندن عصا) از طریق وحی به موسى ابلاغ کرد .

و أوحينا إلى موسى أن ألق عصاك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۱۱

۱۱ فرمان خدا به موسى (زدن عصا بر سنگ برای تهیه آب) فرمانی اعلام شده به او از طریق وحی

و أوحينا إلى موسى . . . أن اضرب بعصاك الحجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند ، از طریق وحی به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) به تهیه مسکن برای قوم خود اقدام کنند .

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوؤا لقومكما

برداشت فوق مبتنی بر این است که اولاً <مصر> به معنای شهر مصر باشد؛ چنان که به همین معنا در مفردات و لسان تصریح شده است. ثانیاً: جار و مجرور (بمصر) متعلق به <تبوءاً> باشد نه حال برای <قومکما>.

۳ برادر موسی (هارون) شریک او در دریافت وحی و یاور او در امر رسالت بود.

و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوءا لقومکما بمصر بیوتاً

۱۴ > عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) قال: قلت: کان هارون أخوا موسی لأبیه و أمه؟ قال: نعم... قلت: و کان الوحی ینزل علیهما جمیعاً؟ قال: الوحی ینزل علی موسی و موسی یوحیه الی هارون؟

محمد بن مسلم گوید به امام باقر (ع) گفتم: آیا هارون برادر پدری و مادری موسی (ع) بود؟ حضرت فرمود: آری... گفتم: آیا وحی بر هر دوی آنان نازل می شد. حضرت فرمود: وحی بر موسی (ع) نازل می شد و موسی (ع) وحی را به هارون منتقل می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۱

۱- خداوند از سمت راست کوه طور، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت.

و ندینه من جانب الطور الأيمن

<أیمن> یا از <یمن> به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از <یمین> که به معنای <سمت راست> است. در این برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت <الأیمن> وصف کلمه <جانب> خواهد بود.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳ - ۵

۵ - سخن خداوند با موسی (ع) در وادی طوی (پای کوه طور) ، به صورت وحی بوده است .

فاستمع لما یوحی

جمله <إِنِّي أَنَا اللَّهُ> (در آیه بعد) بدل برای <ما یوحی> است. بنابراین آنچه در پایین کوه طور با موسی(ع) گفته شده بود، وحی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱۰، ۱

۱ - یگانگی خداوند و حقیقت نداشتن هیچ معبودی جز او ، سرلوحه وحی الهی به موسی (ع) در وادی طوی بود .

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

۱۰ - فرمان مداومت بر نماز و برپاداشتن آن ، از نخستین برنامه های عملی ابلاغ شده به موسی (ع) در وادی طوی بود .

أقم الصلوه

<اقامه نماز> (برپاداشتن آن) به مداومت بر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان برحذر داشت .

فاعبدنی .. فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای <عنها> و <بها> به <الساعه> (در آیه قبل) برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۹

۹- موسی و هارون (ع)، با خطابی مشترک از سوی خداوند، وحی الهی را دریافت کردند.

قال لاتخافا إني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۸ - ۱

۱ - هارون نیز مانند موسی (ع) ، دریافت کننده وحی الهی بود .

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۱

۱ - دل قوی داشتن و نگران نبودن از پی آمد های سحر ساحران فرعون ، مفاد وحی خداوند به موسی (ع) در میدان مقابله با ساحران

فَأَوْجَسَ... قَلْنَا لَا تَخَفْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۳،۴

۳ - مسیر هجرت بنی اسرائیل از مصر ، از طریق وحی به موسی (ع) مشخص شده بود .

و لقد أوحينا إلى موسى... فاضرب لهم طريقاً في البحر

فرمان به کوچ دادن شبانه بنی اسرائیل و بیان برخورد آنان در مسیر خود با دریا، دال بر این است که مسیر حرکت نیز از طریق وحی مشخص شده بود.

۴ - وحی الهی ، راهنمای موسی (ع) در مراحل دشوار و تنگنا های مسیر رسالت .

و لقد أوحينا إلى موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۵ - ۲

۲ - موسی (ع) در میقات و از طریق وحی ، بر امتحان شدن بنی اسرائیل در غیاب او و گمراه شدن آنان آگاهی یافت .

و عجلت إليك .. فإننا قد فتننا قومك من بعدك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۱،۳،۶

وحی خداوند به موسی (ع) در خارج ساختن شبانه بنی اسرائیل از سرزمین مصر

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

۳- تصمیم گیری و حرکت موسی (ع) ، در مقاطع مختلف بر اساس برنامه وحی

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی

۶- خبر دادن خداوند به موسی (ع) مبنی بر تعقیب بنی اسرائیل از سوی فرعونیان در صورت خروج از مصر

أسر بعبادی إنکم متبعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۲

۲- وحی الهی به موسی (ع) مبنی بر زدن عصای خویش به دریا

فأوحینا إلی موسی أن اضرب بعصاک البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۱ - ۱

۱- فرمان الهی به موسی ، در وادی طور مبنی بر افکندن عصای خویش

و أن ألق عصاک

<إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای انداختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۶ - ۲

۲- وحی به موسی (ع) ، جلوه ربوبیت خداوند بر او و از عوامل رشد و تربیت آن حضرت برای انجام رسالت خویش بود .

إذ نادیه ربّه

وحی به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۲،۱۲

۲ خداوند نوح (ع) را به پیامبری برانگیخت و به وی وحی کرد .

كما أوحينا إلى نوح

۱۲ نوح ، نخستین پیامبری که خدا به او وحی کرده است . *

كما أوحينا إلى نوح و النبيين من بعده

چون آیه مورد

بحث نه به صورت تفصیل و نه به صورت اجمال سخنی درباره وحی به پیامبری قبل از نوح(ع) بیان نکرده، می توان گفت قبل از حضرت نوح(ع) پیامبری که خدا به وی وحی کرده باشد وجود نداشته؛ بنابراین نوح(ع) اولین پیامبری است که به وی وحی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۳

۳ نوح (ع) با اعلان دریافت سخنان خویش از خداوند، خود را پیراسته از هر گونه گمراهی خواند.

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۲

۲ خداوند، در پی تلاش های حضرت نوح (ع) و مؤثر نبودن آن تلاشها، او را از ایمان آوردن کفرپیشگان قومش مأیوس کرد.

و أوحى إلی نوح أنه لن يؤمن من قومك إلا من قد آمن

فاعل <لن يؤمن> کلمه ای همانند <أحد> می باشد؛ یعنی: <لن يؤمن أحد من قومك> <إلا> به معنای <غیر> و صفت برای <أحد من قومك> است نه استثنای از جمله <لن يؤمن...>؛ زیرا استثنای مؤمنان از جمله سابق، استثنای وجیه بلکه صحیحی نیست. بنابراین جمله <لن يؤمن...> چنین معنا می شود: احدی از افراد غیر مؤمن قومت (کافران آنان) ایمان نخواهد آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۴،۱۰

۴ نوح (ع)، در ساخت کشتی با دریافت وحی، از تعالیم و راهنمایی های خداوند بهره می برد

واصنع الفلك بأعيننا ووحينا

۱۰ خداوند ، فرجام کفرپیشگان قوم نوح (غرق شدن در طوفان آب) را برای او بیان کرد .

إنهم مغرقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۲

۲ - وحی الهی به نوح (ع) در ساختن کشتی

فأوحينا إليه أن اصنع الفلك

وحی به هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱۴، ۱۳

۱ خداوند ، از طریق وحی به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) به تهیه مسکن برای قوم خود اقدام کنند .

و أوحينا إلى موسى وأخيه أن تبوءا لقومكما بمصر بيوتاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که اولاً <مصر> به معنای شهر مصر باشد ؛ چنان که به همین معنا در مفردات و لسان تصریح شده است. ثانیاً: جار و مجرور (بمصر) متعلق به <تبوءاً> باشد نه حال برای <قومكما>.

۳ برادر موسی (هارون) شریک او در دریافت وحی و یاور او در امر رسالت بود .

و أوحينا إلى موسى وأخيه أن تبوءا لقومكما بمصر بيوتاً

۱۴ > عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر (ع) قال : قلت : كان هارون أخا موسى لأبيه و أمه ؟ قال : نعم . . . قلت : و كان

الوحي ينزل عليهما جميعاً ؟ قال : الوحي ينزل على موسى و موسى يوحى الى هارون ؟

محمد بن مسلم گوید به امام باقر (ع) گفتم: آیا هارون برادر پدری و مادری موسی (ع)

بود؟ حضرت فرمود: آری .. گفتم: آیا وحی بر هر دوی آنان نازل می شد. حضرت فرمود: وحی بر موسی (ع) نازل می شد و موسی (ع) وحی را به هارون منتقل می کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۶ - ۹

۹ - موسی و هارون (ع) ، با خطابى مشترك از سوى خداوند ، وحى الهى را دریافت کردند .

قال لا تخافا إني معكما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۸ - ۱

۱ - هارون نیز مانند موسی (ع) ، دریافت کننده وحى الهى بود .

إنا قد أوحى إلينا

وحى به يحيى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۱۲ - ۲

۲- يحيى (ع) دریافت کننده وحى و داراى شخصيتى ممتاز در پيشگاه خداوند بود .

يحيى خذ الكتب بقوة

در باره اين كه نداى <يا يحيى> گفته چه كسى بود، دو احتمال وجود دارد: ۱ از جانب خداوند و توسط فرشته وحى؛ ۲ توصيه زكريا به فرزندش يحيى. ظاهر آيه مؤيد احتمال اول است. برداشت ياد شده نيز بر همين اساس است.

وحى به يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۷

۱۷ "عن أبى عبدالله(ع): ... هبط عليه جبرئيل فقال له: يا يعقوب ربك يقرؤك السلام و يقول لك: شكوتنى إلى الناس ...

فلا تعود تشكوني إلى خلقى... فقال: "إنما أشكوا بئى و حزنى إلى الله... ۛ

از امام صادق(ع) روایت شده است: ... جبرئیل بر یعقوب فرود

آمد و گفت: پروردگارت سلام می رساند و می گوید: از من به مردم شکوا کردی ... دیگر چنین کاری نکن ... پس گفت: "إنما أشكوا بثي و حزني إلى الله ...".

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۲، ۱۰

۱۰- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پیامبرانی که از سوی خداوند به آنان وحی می شد .

و أوحينا إليهم

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحينا إليهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. بر این اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <عَلَّمنا> است.

وحی به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۹، ۸

۸ خداوند یوسف (ع) را از طریق وحی به نجات یافتن از چاه کنعان و دیداری مجدد با برادرانش ، نوید داد .

و أوحينا إليه لتبئتهم بأمرهم هذا

جمله <لتبئتهم> (همانا این واقعه را در آینده به برادرانت یادآوری خواهی کرد) دلالت بر نجات یوسف از چاه دارد و نیز حاکی از این است که او برادرانش را در آینده ملاقات خواهد کرد.

۹ عنایت

خاص خداوند به یوسف (ع) با وحی کردن به او در چاه کنعان

أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَّتِ الْجُبِّ وَأَوْحِينَا إِلَيْهِ

۱۰ یوسف (ع) در سنین کودکی، شایستگی دریافت وحی را دارا بود.

فلما ذهبوا به... و أوحينا إليه

۱۳ یادآوری داستان چاه کنعان از سوی یوسف (ع) به برادرانش، محتوای وحی خداوند به یوسف (ع)

و أوحينا إليه لتبئتهم بأمرهم هذا و هم لا يشعرون

۱۴ خداوند به یوسف (ع) خبر داد که ملاقات او با برادرانش، پس از داستان چاه کنعان، در آینده ای دور تحقق خواهد یافت.

لتبئتهم بأمرهم هذا و هم لا يشعرون

جمله حالیه <و هم لا يشعرون> متعلق به <لتبئتن> است؛ یعنی، به آنان خبر می دهی در حالی که متوجه نیستند [و تو را نمی شناسند]. از اینکه هیچ یک از برادران یوسف به هنگام ملاقات با وی، او را نخواهند شناخت، معلوم می شود ملاقات مذکور با فاصله زمانی بسیار اتفاق خواهد افتاد.

۱۵ سلطه داشتن یوسف (ع) بر برادرانش در دیدار مجدد، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف (ع) در چاه کنعان

و أوحينا إليه لتبئتهم بأمرهم هذا و هم لا يشعرون

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لا يشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان

هستی.

۱۶ برادران یوسف از شنیدن و احساس کردن وحی الهی به او ، ناتوان بودند .

و أوحینا إلیه .. و هم لایشعرون

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که عامل حال (و هم لایشعرون) فعل <أوحینا> باشد. بر این اساس مفاد <و هم لایشعرون> چنین می شود: آنان وحی ما را به یوسف (ع) نمی فهمیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۴

۴ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

كذلك كدنا لیوسف

وحی در امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۲

۲ - آبادی ها و شهر های بسیاری ، در جوامع بشری از وجود وحی و پیامبران الهی ، برخوردار بودند .

و كآئین من قریه عتت عن أمر ربّها و رسله

وحی در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - وحی و رسالت ، دارای پیشینه در تاریخ جزیره العرب

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأولین

وحی در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۱، ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در سنین کودکی ، شایستگی دریافت وحی را دارا بود .

فلما ذهبوا به .. و أوحینا إلیه

۱۱ در تلقی وحی الهی و دریافت آن ، رسیدن به سن خاصی شرط نیست .

و أوحینا إلیه

وحی و آسمان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۳،۴

۳ - آسمان محل ظهور و بروز وحی بر پیامبران

قد نرى تقلب وجهك فى السماء

۴ - هر ناحیه ای از آسمان می توانست و احتمال داشت که محل ظهور و پیدایش فرشته وحی بر پیامبر (ص) باشد .

قد نرى تقلب وجهك فى السماء

از اینکه پیامبر(ص) برای مشاهده نزول فرشته وحی به نقطه ای خاص و معین چشم نمی دوخت و صورتش را به هر سویی می چرخانید، به برداشت فوق می توان دست یافت.

وحی و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۶

۶- دریافت وحی الهی ، لازمه منصب رسالت

و ما أرسلنا .. نوحی إليهم

وضوح وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۲

۲ - شیوایی و جاذبه محسوس پیام وحی ، مورد سوء تعبیر کافران

أم يقولون شاعر

کافران، به جای آن که موزون بودن و شیوایی سخنان وحی را، طریق هدایت خود قرار دهند، مورد سوء تعبیر قرار داده و نوعی شعر قلمداد کرده اند که ناخودآگاه در این نقص گیری به تمجید نشستند.

وقت نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۸

۸ زمان و حالت نزول وحی دارای خصوصیتی ویژه می باشد .

و إن تسئلوا عنها حین ينزل القرآن تبدلکم

ویژگی وحی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۴

۴ - وحی و

نزول قرآن ، به صورت قرائت آن بر پیامبر (ص) و جاری ساختن آن بر زبان او بوده است .

سنقرئک

ویژگیهای نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۸ - ۳

۳ - نزول وحی و آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، در قالب الفاظ و به شکل قرائت و روخوانی بر ایشان بود .

فإذا قرأه فاتبع قرءانه

برداشت یاد شده از به کار رفتن واژه <قرائت> استفاده می شود.

ویژگیهای وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۲

۲ - شیوایی و جاذبه محسوس پیام وحی ، مورد سوء تعبیر کافران

أم یقولون شاعر

کافران، به جای آن که موزون بودن و شیوایی سخنان وحی را، طریق هدایت خود قرار دهند، مورد سوء تعبیر قرار داده و نوعی شعر قلمداد کرده اند که ناخودآگاه در این نقص گیری به تمجید نشستند.

هدایت ناپذیری معرضان از وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - انسان رویگردان از هدایت الهی و پیام وحی ، غیرقابل هدایت به وسیله دیگر عوامل

فمن یهدیه من بعد الله

هدایت ناپذیری مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۶

۶ - هدایت ناپذیران از وحی و آیات الهی ، تأثیر ناپذیر از هر پیام و ابزار هدایتی دیگر

فبأی حدیث بعد اللّٰه و ءایته یؤمنون

جمله <فبأی حدیث...> که مفید استفهام تعجیبی است می تواند بیانگر این نکته باشد که اگر انسان

در پرتو آیات الهی هدایت نشود؛ دیگر به هدایتی دست نخواهد یافت؛ چه این که هدایت دیگری نیست تا از آن بهره مند گردد.

هدایتگری وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۵

۵- انسان ، بدون هدایت وحی ، گرفتار نوعی بیماری فکری ، روحی و اخلاقی است .

و ننزل من القراءان ما هو شفاء و رحمه

از اینکه نزول قرآن برای شفابخشی معرفی شده است، حکایت از آن دارد که بدون وحی، بشر گرفتار مرضهای علاج ناپذیر روحی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۷ - ۷

۷- انسان ، بدون وحی و الهام الهی ، غرق در انواع غفلت ها و بی خبری ها است .

و لقد ضربنا للناس فی هذا القراءان من کلّ مثل لعلّهم یتذکرون

برداشت یاد شده از تعبیر <یتذکرون> به دست می آید؛ زیرا تذکر و بیدارباش در جایی به کار می رود که در مقابل آن، غفلت و بی خبری وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۴

۴- نظام آسمان ها ، تحت هدایت وحی الهی (امر و تدبیر خداوند)

و أوحی فی کلّ سماء أمرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - برخورداری از روحیه حق‌پذیری و به دور بودن از لجاجت و عناد، شرط بهره‌وری انسان از هدایت وحی

و لو جعلنه . . . و الذین لایؤمنون فی اذانهم وقر و هو علیهم

از صدر آیه که درباره لجاجت کافران است و نیز فعل مضارع <لایؤمنون> که اشعار به استمرار عدم ایمان دارد می توان استفاده کرد که لجاجت و عناد، در محرومیت انسان از ابزارهای شناخت نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۶ - ۷

۷ - معارف وحی و آیات الهی ، نیرومندترین وسیله و عامل هدایت انسان

فبأی حدیث بعد الله و ءایته یؤمنون

خداوند می فرماید: پس از قرآن دیگر پیامی نیست که بتواند منکران قرآن را هدایت کند. از این بیان استفاده می شود که قرآن بالاترین حد کارایی و روشنگری را دارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲ - ۷

۷ - انسان ، بدون رهنمود های وحی و دین الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

إنی لکم نذیر مبین

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطر ها و تهدید های بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطار های پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطر ها و آفت های بسیاری خواهد شد.

هماهنگی تعالیم وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۹

۹- وحدت و هماهنگی پیام وحی ، در طول تاریخ رسالت پیامبران

و من قبله کتب موسی . . . و هذا کتب مصدق

از این که قرآن، تصدیق گر تورات است و خداوند این تصدیق گری را دلیل حقانیت وحی شمرده، مطلب یاد شده استفاده

می شود.

یقین به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۶

۶ - ایمان و عمل صالح ، از لوازم و مظاهر یقین به وحی و هدایت آسمانی است .

لقوم یوقنون .. أن نجعلهم کالذین ءامنوا و عملوا الصلحت

یهود و نزول وحی بر بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۴

۴ یهودیان به سبب ادعای نازل نشدن وحی بر هیچیک از بشر ظالمترین مردم هستند.

إذ قالوا ما أنزل الله علی بشر من شیء .. و من أظلم ممن افتری علی

یهود و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۶

۶ - تصور جاهلانته یهود در مورد جبرئیل و نظام وحی

قل من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک یاذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ تشبیه وحی و سخنان پیامبر (ص) به هیاهوی چوپان ها ، طعن یهود بر دین اسلام

راعنا لیاً بالستهم و طعناً فی الدین

هدف شوم یهودیان از چوپان خواندن پیامبر (ص) می تواند تشبیه دعوت و سخنان او به هیاهوی چوپانها باشد.

وراثت

آثار وراثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۴ - ۲

۲ نقش وراثت در ساختار شخصیت انسانها *

ذریه بعضها من بعض

درخواست وراثت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۵ - ۱

۱ - دعای ابراهیم (ع) به درگاه خدا، برای قرار گرفتنش

در زمره وارثان بهشت

و اجعلنی من ورثه جنّ النعیم

<من> در این آیه تبعیضیه و <ورثه> جمع وارث است؛ یعنی، مرا یکی از وارثان بهشت قرار بده.

وراثت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۱

۱- بندگان تقوایسته خداوند ، وارثان بهشت اند .

تلك الجنة التي نورث من عبادنا من كان تقياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۷، ۱

۱- به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح ، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که: ۱ الف و لام <الزبور> برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع) باشد؛ چنان که در آیه ۱۶۳، سوره <نساء> آمده است (و آتینا داوود زبوراً)؛ ۲ مقصود از <الذکر> تورات باشد؛ چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده است (انبیاء، آیه ۴۸)؛ ۳ <من بعد الذکر> متعلق به <كتبنا> باشد.

۷- بشارت خداوند به وراثت بهشت برای بندگان صالح خویش

أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <الأرض> بهشت باشد، چنان که در برخی از آیات به صراحت چنین آمده است: <و أورثنا الأرض نتیواً من الجنة حیث نشاء فنعم أجر العالمین> (سوره زمر (۳۹) آیه ۷۴).

وراثت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۲

۲ - بني اسرائيل ، وارث سرزميني آباد

و برخوردار از باغ ها و چشمه سارها ، پس از خارج شدن آنان از مصر

كذلك و اورثنها بنی اسرائیل

ضمیر <ها> در <اورثنها> به مطلق <جنات> بازمی گردد؛ نه جنات مربوط به فرعونیان. بنابراین، آیه یاد شده و آیه قبل، بیانگر این حقیقت است که خداوند، از سویی فرعونیان را از باغ ها و کاخ های شان بیرون کرد و همه آنان را به دریا ریخت و از سوی دیگر بنی اسرائیل را که در مصر فاقد هر گونه امکانات بودند، به جای دیگری منتقل کرد و سرزمینی آباد و پر برکت که عبارت است از ارض مقدس باشد در اختیارشان قرار داد و به آنان فرمود <ادخلوا الأرض المقدسه التي كتب الله لكم>، (مائده (۵) آیه ۲۱).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۸ - ۳،۷

۳- قرار گرفتن امکانات فرعونیان ، در اختیار گروهی دیگر از مردم (بنی اسرائیل)

كذلك و اورثنها قومًا آخرین

برداشت بالا- بنابراین نکته است که مراد از <قومًا آخرین> گروهی از بنی اسرائیل باشد؛ چنان که در آیه ۵۹ سوره <شعراء> آمده است. این گروه ممکن است بخشی از بنی اسرائیل بودند که در خروج از مصر با موسی (ع) همسفر نبودند.

۷- بازگشت بنی اسرائیل به مصر و برخورداری آنان از ثروت و امکانات آن سرزمین ، پس از هلاکت فرعونیان *

كذلك و اورثنها قومًا آخرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <قومًا آخرین> تمام بنی اسرائیل باشد.

وراثة خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۳

۳- خداوند ، یگانه وارث

همه موجودات است .

و نحن الورثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۱

۱- خداوند ، تنها وارث تمامی زمین و زمینیان است .

إنا نحن نرث الأرض و من علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۰ - ۱

۱- خداوند ، وارث و مالک نهایی اموال و فرزندان است .

قال لأنین .. و نرثه ما یقول

مراد از <ما یقول> به قرینه آیه قبل، مال و فرزند است که کافر به کفرورزی خویش، در امید دستیابی به آن بود (لأوتین مالا و ولداً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ - تنها خدا وارث آثار به جا مانده (زمین ، باغ ، خانه و ...) از جوامع هلاک شده پیشین

و کم أهلکنا من قریه .. و کنا نحن الورثین

وراثت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱،۷

۱- به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح ، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که: ۱ الف و لام <الزبور> برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع) باشد؛ چنان که در آیه ۱۶۳، سوره <نساء> آمده است (و آتینا داوود زبوراً)؛ ۲ مقصود از <الذکر> تورات باشد؛ چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده

است (انبیاء، آیه ۴۸)؛ ۳ > من بعد الذکر < متعلق به < کتبنا > باشد.

۷- بشارت خداوند به وراثت بهشت برای بندگان صالح خویش

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <الأرض> بهشت باشد، چنان که در برخی از آیات به صراحت چنین آمده است: <و أَوْرَثْنَا الْأَرْضَ نَتَبَوُّهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ > (سوره زمر (۳۹) آیه ۷۴).

وراثت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۱

۱- بندگان تقوایپیشه خداوند ، وارثان بهشت اند .

تلك الجنة التي نورث من عبادنا من كان تقياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۴،۵

۴ - بهشت جاویدان ، میراث تقوایپیشگان

و أَوْرَثْنَا الْأَرْضَ نَتَبَوُّهُ مِنَ الْجَنَّةِ

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقوایپیشگان

صدقنا وعده و أَوْرَثْنَا الْأَرْضَ نَتَبَوُّهُ مِنَ الْجَنَّةِ

وراثت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰ - ۱

۱ - مؤمنان راستین ، تنها وارثان بهشت

قد أفلح المؤمنون . . أولئك هم الورثون

<أولئك> مبتدا و اشاره به مؤمنانی است که دارای صفات یاد شده در آیات پیشین (آیات ۲ تا ۹) هستند. <الوارثون> خبر مبتدا و <ال> در آن برای تعریف عهد ذهنی یا اسم موصول و به تقدیر <الذین یرثون> می باشد. به هر حال <الوارثون> بیانگر این معنا است که کسانی که به عنوان میراث بر بهشت خوانده می شوند، این دسته از مؤمنان اند. گفتنی است که ضمیر <هم> می تواند ضمیر فصل و مفید حصر باشد (رساننده این

معنا که مسند (الوارثون)، تنها برای مسندالیه ثابت است) و نیز می تواند مبتدا و <الوارثون> خبر آن و جمله <هم الوارثون> خبر <أولئک> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان راستین ، وارثان بهشت اند .

الذین يرثون الفردوس

<الذین> در محل رفع و صفت توضیحی (عطف بیان) است و یا بدل برای <الوارثون> می باشد. <فردوس> واژه ای معرّب و به معنای بوستان است که در این جا به جای <الجنة> به کار رفته است؛ چون با این که مذکر می باشد، به آن ضمیر مؤنث (فیها) ارجاع شده است.

وراثت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۸

۸- یحیی (ع) ، وارث حضرت زکریا (ع) و خاندان یعقوب بود .

یرثنی و یرث من ءال یعقوب . . . یزکریا إنا نبشّرك بغلم اسمه یحیی

ورد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ورد

آداب ورد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۴

۴ پرهیز از آوای بلند در ذکر زبانی ، از آداب لب گشودن به ذکر خداوند است .

و اذکر ربک . . . دون الجهر من القول

<دون> به معنای پایینتر و <جهر> به معنای آشکار کردن و علنی ساختن و <من القول> بیان برای <الجهر> است. بنابراین <الجهر من القول>، یعنی بلند کردن صدا و <دون الجهر من القول>، یعنی ادا کردن لفظ و سخن پایینتر از حد جهر.

اهمیت ورد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۳ خداوند از پیامبر (ص) خواست تا لب به ذکر او گشاید و زبانش را به یاد او مترنم سازد .

و اذکر ربک .. دون الجهر من القول

برداشت فوق بر این اساس است که <دون الجهر .. > عطف بر <فی نفسک > باشد. بر این مبنا آیه شریفه اشاره به دو گونه ذکر دارد: ذکر قلبی که <فی نفسک > آن را بیان می کند، ذکر زبانی که <دون الجهر من القول > به آن اشاره دارد.

۵ انسان ها باید در دل و جان به یاد خدا بوده و در هر صبح و عصر لب به ذکر او گشایند .

و اذکر ربک .. بالغدو و الاصال

<غدوه > (مفرد غدو) به معنای صبح (زمان طلوع فجر تا طلوع خورشید) است. <آصال > جمع و یا جمع الجمع <اصیل > است و اصیل به زمان میان عصر تا مغرب گفته می شود. قابل ذکر است که <ال > در <الغدو > و <الأصال > برای استغراق است و افاده عموم می کند / یعنی هر صبح و عصر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۶ - ۳،۶

۳ یاد کردن خدا در دل و جان و لب گشودن به ذکر وی ، عبادت و پرستش اوست .

و اذکر ربک .. إن الذین عند ربک لایستکبرون عن عبادته

فرمان به ذکر خدا (اذکر ربک) و سپس بیان این حقیقت که مقربان در گاه خدا از پرستش او رویگردان نیستند، بیانگر این است که ذکر خدا مصداق بارزی از پرستش خداوند و عبادت اوست.

۶ پرستش خدا ، به زبان آوردن

اسما و صفاتی که حاکی از تنزیه او باشد و نیز سجده کردن به آستان او ، از مصادیق ذکر و یاد خداوند است .

و اذکر ربک .. إن الذین عند ربک ... و له یسجدون

صدا در ورد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۴

۴ پرهیز از آوای بلند در ذکر زبانی ، از آداب لب گشودن به ذکر خداوند است .

و اذکر ربک .. دون الجهر من القول

<دون> به معنای پایبندی و <جهر> به معنای آشکار کردن و علنی ساختن و <من القول> بیان برای <الجهر> است. بنابراین <الجهر من القول>، یعنی بلند کردن صدا و <دون الجهر من القول>، یعنی ادا کردن لفظ و سخن پایبندی از حد جهر.

وقت ورد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۵

۵ انسان ها باید در دل و جان به یاد خدا بوده و در هر صبح و عصر لب به ذکر او گشایند .

و اذکر ربک .. بالغدو و الاصال

<غدوه> (مفرد غدو) به معنای صبح (زمان طلوع فجر تا طلوع خورشید) است. <أصال> جمع و یا جمع الجمع <اصیل> است و اصیل به زمان میان عصر تا مغرب گفته می شود. قابل ذکر است که <ال> در <الغدو> و <الأصال> برای استغراق است و افاده عموم می کند ، یعنی هر صبح و عصر.

وزارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وزارت

آثار وزارت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- طه - ۲۰ - ۳۱ - ۲

۲- موسی (ع)

، معاونت هارون را برای خود ، موجب توان مندی بیشتر در انجام مسؤولیت می دانست .

هرون أخی . أشدّد به أزی

شرایط تصدی وزارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۲

۱۲ دانش و توان ، دو شرط اساسی برای مدیریت و تصدی وزارت

اجعلنی .. إنی حفیظ علیم

فلسفه وزارت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۳ - ۱

۱ - موسی (ع) تسبیح فراوان و تبرئه مکرر خداوند را از پندار های باطل مشرکان ، در گرو همراهی هارون با او می دانست .

کی نسبّحک کثیراً

مراد از تسبیح به قرینه مأموریت موسی(ع) برای هدایت فرعون تنزیه خداوند از داشتن شریک و هرگونه محدودیتی در الوهیت و ربوبیت است. فاعل <نسبّحک> موسی و هارون(ع) می باشد و <کی نسبّحک> تعلیل برای جمله های اخیر است که درخواست همراهی هارون را مطرح کرده بود؛ یعنی با پشتیبانی هارون، دعوت به توحید که متضمن تنزیه خداوند از داشتن شریک است افزایش خواهد یافت.

وزارت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۱،۵

۱ - خداوند تمامی خواسته های موسی (ع) را پذیرفت و به او شرح صدر و بیان روان عطا کرد و هارون را وزیر او قرار داد .

قال ربّ .. قال قد أوتیت سؤلک یموسی

<سؤال> یعنی احتیاجی که نفس انسان بر تحصیل آن حرص میورزد و فرق آن با آرزو این است که آرزو در فکر انسان می گذرد،

ولی <سؤل> پی گیری می شود. گویا همواره رتبه <سول> بعد از آرزو است.

۵- وادی طوی در کوه طور ، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) و نصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود .

قال ربِّ اشرح .. قال قد أُتیت سؤلک

وزارت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۹

۹ یوسف (ع) در زمان وزارت و اقتدار همچنان انسانی نیکوکار بود .

إنا نریک من المحسنین

یوسف(ع) و وزارت کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار ؛ یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غله در اختیار من باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنى على خزائن الأرض .. و كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ

وسوسه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وسوسه

آثار تداوم وسوسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۵ - ۵

۵ - تکرار وسوسه ، فراهم سازنده زمینه تأثیر آنها در انسان است .

الذی یوسوس

فعل مضارع <یوسوس> به قرینه سیاق آیه که بیانگر ویژگی های وسوسه گران است بر استمرار دلالت دارد.

آثار وسوسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۸

۸- وسوسه ، تزئین و القای آرمان های دروغین ، ابزار شیطان در منحرف ساختن انسان ها

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا.. الشَّيْطَانِ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَى لَهُمْ

مفهوم <أملی> ممکن است به معنای ایجاد آمل و آرزو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۴

۴ انکار معاد ، ناشی از وسوسه های مرموز نفس و نه نارسایی برهان آن *

بل هم فی لبس من خلق جدید .. و نعلم ما توسوس به نفسه

آثار وسوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ پرهیز از گمراه گشتن بر اثر وسوسه های شیطان، توصیه و هشدار خداوند به انسانها

یبنی ءادم لا یفتنکم الشیطن

آثار وسوسه نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲،۳

۲ وسوسه های نفسانی قابیل ، کشتن برادر را بر او هموار ساخت .

فطوعت له نفسه

<طوعت> از مصدر <تطویع> به معنای <تسهیل> و نیز <متابعت> است. برداشت فوق بر اساس معنای اول است.

۳ وسوسه های نفسانی قابیل ، وادار

کننده وی به کشتن هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

آثار وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۳

۳- تأثیر فزون تر وسوسه های شیطانی در مشرکان و افزایش گمراهی آنان بر اثر مهلت های الهی ، دلیل شتاب نورزیدن خداوند در عذاب آنان

فلاتعجل علیهم

<لاتعجل> به وسیله <فاء> بر آیات پیشین (نظیر <فلیمدد له الرحمن مدّاً> و <تؤزّهم أزّاً>) تفریع شده است؛ یعنی، حال که تأخیر عذاب مایه افزایش گمراهی مشرکان و فزونی فریب های شیطانی است، چه ضرورتی در تعجیل عذاب است؟ جمله <إنّما ..> نیز که تعلیل برای <فلاتعجل علیهم> است، همین نکته را تأکید می کند؛ زیرا بر انبوه تر شدن مدارک عذاب مشرکان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۳،۴

۳- آدم و حوا (ع) ، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت ، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند .

فأكلا منها .. و عصیء اءادم ... قال اهبطا منها جميعاً

<هبوط>؛ یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است؛ زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدر نیست.

۴ - شیطان با وسوسه و اغواگری خود ، زمینه ساز اخراج آدم و حوا از بهشت و هبوط آنان به زمین گردید .

فوسوس إلیه الشیطن .. قال اهبطا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۲

۲ - استفاده از شیوه های

نادرست در مبارزه با باطل ، نتیجه القائات شیطانی است .

ادفع بالتي هي أحسن السيئه . . . و قل رب أعوذ بك من همزت الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۰، ۹، ۴، ۱

۱- روی گردانی از حق ، به رغم وضوح آن بر انسان ، نتیجه وسوسه ها و فریب های شیطانی است .

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبُرِهِمْ .. الشيطان سؤل لهم

۴- ارتداد ، معلول مقهور شدن انسان در برابر وسوسه ها و دسیسه های شیطانی است .

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا .. الشيطان سؤل لهم

۹- وسوسه ها و آرمان های شیطانی ، قفل اندیشه و قلب آگاهان حق گریز *

أم على قلوب أفعالها .. الشيطان سؤل لهم و أملى لهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا..> در مقام تبیین و توضیح ذیل آیه قبل باشد (أم على قلوب أفعالها).

در این صورت وسوسه ها و آمال شیطانی منطبق بر <أفعالها> می شود.

۱۰- زیبایی ها و جلوه های راه کفر ، غیر واقعی و زاییده وسوسه های شیطانی است .

الشيطان سؤل لهم و أملى لهم

<سؤل> به معنای وارونه نمایاندن واقعیت ها است ، یعنی ، <زیبایم کردن زشتی ها و متمایل ساختن نفس به جانب آن> و این

تعبیر نشان می دهد که راه کفر و ضد حق و هدایت، فاقد زیبایی واقعی است ، ولی شیطان به دروغ آن را می آراید.

استعاذه از وسوسه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۴، ۷

۷ - پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جنیان و انسان

ها ، مایه مصونیت انسان در برابر آن

قل أعوذ بربّ الناس . . . من الجنّه و الناس

۱۴ - لزوم پناه بردن به خداوند از آثار وسوسه های جن و انس

قل أعوذ بربّ الناس . . . الذى یوسوس فى صدور الناس . من الجنّه و الناس

استعاذه از وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۴، ۷

۷ - پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جنیان و انسان ها ، مایه مصونیت انسان در برابر آن

قل أعوذ بربّ الناس . . . من الجنّه و الناس

۱۴ - لزوم پناه بردن به خداوند از آثار وسوسه های جن و انس

قل أعوذ بربّ الناس . . . الذى یوسوس فى صدور الناس . من الجنّه و الناس

اعراض از وسوسه گران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۳

۳ - لزوم برحذر ماندن از وسوسه گرانی که خود را رسوا نکرده و نیت خویش را برملا نمی سازند .

من شرّ الوسواس الخناس

امکان دفع وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۹ - ۶

۶- انسان در برابر وسوسه ها و توطئه های شیطان ، مختار و بر مخالفت با او تواناست .

إنه ليس له سلطان على الذين ءامنوا و على ربهم يتوكلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۲

۲- انسان در برابر وسوسه ها و توطئه های شیطان ، مختار و بر مخالفت با او تواناست .

إنما سلطنه على الذين يتولونه

اهداف وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۵ - ۳

۳ - ایجاد انگیزه های درونی در مردم ، برای مقابله با ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت خداوند ، هدف شیطان از القای وسوسه به قلب ها است .

بَرَبِّ النَّاسِ . مَلِكِ النَّاسِ . إِلَهِ النَّاسِ . مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ . الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ

اهمیت وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۶

۶ - انسان ، نیازمند یاری خداوند ، حتی در برابر کوچک ترین وسوسه شیطان

و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نِزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

برداشت یاد شده از تنکیر <نزغ> که برای تحقیر می باشد استفاده شده است.

تشخیص وسوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۱ - ۵

۵ اهل تقوا توانا بر تشخیص وسوسه های شیطان به هنگام مواجه شدن با آن وسوسه ها هستند .

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذْ مَسَّهُمْ طُغْيَانٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا

تعقل در وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۶

۶- لزوم تعقل و خردورزی در وسوسه های گمراه کننده شیطان و درس آموزی از سرنوشت شوم قربانیان فریب وی

و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً أفلم تكونوا تعقلون

چاره اندیشی برای وسوسه شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۳

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره

اندیشی است .

من الجَنَّة و الناس

خطر وسوسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۸

۸ علم الهی به اعماق وجود آدمی ، هشداری به وی در تأثیرپذیری از وسوسه های نفس

و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إليه من حبل الوريد

تعبیر و <نحن أقرب..> در پی <نعلم ما توسوس...> می تواند از آن جهت باشد که آدمی با ناظر دیدن خدا، خود را از بند وسوسه های نفس رها می سازد.

خطر وسوسه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۵،۹

۵ - پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جن و انس ، توصیه ای الهی به پیامبر (ص)

قل أعوذ .. من الجَنَّة و الناس

۹ - وسوسه جنیان برای انسان ها ، خطرناک تر از وسوسه هم نوعان شان است .

من الجَنَّة و الناس

تقدیم <الجَنَّة>، به جهت یکنواخت شدن آخر آیه های این سوره و یا ناظر به افزون تر بودن خطر وسوسه جنیان است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

خطر وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۵،۹

۵ - پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جن و انس ، توصیه ای الهی به پیامبر (ص)

قل أَعُوذُ . . من الجِنَّه و الناس

۹ - وسوسه جنیان برای انسان ها ، خطرناک تر از وسوسه هم نوعان شان است .

من الجِنَّه و الناس

تقدیم <الجِنَّه>، به جهت یکنواخت شدن آخر آیه

های این سوره و یا ناظر به افزون تر بودن خطر وسوسه جنیان است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

خطر وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۴

۱۴ - زنان و مردان ، هر دو در خطر فریفته شدن به وسوسه های شیطانی اند .

فلایخر جنکما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۰

۱۰ - انسان ، همواره در خطر وسوسه های شیطان است .

من الجنه

<شیطان> چنانچه در برخی از سوره های دیگر آمده است از جنس جن است.

خنثی سازی وسوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۰ - ۵

۵ خداوند خنثی کننده وسوسه های شیطان در صورت پناه آوردن بندگان به درگاه او

فاستغذ بالله إنه سمیع علیم

جمله <إنه سمیع علیم> به منزله تعلیلی است برای <فاستغذ بالله> (به خدا پناه بر). و چون مجرد شنوایی و دانایی نمی تواند دلیل لزوم استعاذه باشد، می توان گفت شنوایی و دانایی خداوند کنایه از اجابت پناهخواهی است.

راههای نجات از وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- تعقل و خرد ورزی ، راه نجات از وسوسه ها و دام های شیطان

و لقد أضلّ منكم جبلاً كثيراً أفلم تكونوا تعقلون

روش برخورد وسوسه گران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۵ - ۱

۱ - وسوسه گران ، افکار پلید

را در سینه های مردم جای داده ، آنان را از درون به سمت اهداف خود تحریک می کنند .

الذی یوسوس فی صدور الناس

روش وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۷

۷- پوشش خیرخواهی ، روش شیطان برای وسوسه در دل آدمیان و فریب آنان

فوسوس إليه الشیطن فقال هل أدلک

زمینه وسوسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۲

۲ اموال یتیمان، وسوسه انگیز و دست اندرکاران آن اموال در خطر تجاوزگری و تصرفهای عدوانی

و لاتقربوا مال الیتیم

بیان حرمت تصرف با فعل <لاتقربوا> می تواند اشاره به این جهت نیز داشته باشد که داراییهای یتیمان به سبب نبود مدافع لغزشگاهی است وسوسه انگیز که آدمی با کمترین بی احتیاطی به گناه تصرف آلوده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۲

۲- مال یتیم وسوسه انگیز و زمینه ساز لغزش انسان با تصرف به ناحق در آن است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلا بالتی هی أحسن

به کار رفتن واژه <لاتقربوا> (نزدیک نشوید) به جای <لاتأکلوا و لاتصرفوا> (نخورید و تصرف نکنید) ممکن است به این دلیل باشد که: اموال یتیمان به دلیل حامی جدی نداشتن، در معرض دخل و تصرفهای عدوانی و حیف و میلهای به ناحق است.

زمینه وسوسه انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۱۱

۱۱ - شیطان ، از نیازها و خواسته های آدمی برای فریب و

وسوسه در دل آنان بهره می برد .

هل أدلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى

زمینه وسوسه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۷

۷- شیطان ، ایوب (ع) را به خاطر گرفتار بودنش در رنج و عذاب سخت وسوسه می کرد .

أنتى مسنى الشيطان بنصب و عذاب

<مس شیطان> به معنای وسوسه و نزدیک شدن او برای فریب است و <باء> در <بنصب> برای سببیت است؛ یعنی، شیطان وقتی ایوب(ع) را گرفتار رنج و عذاب دید، به وسوسه او پرداخت.

زمینه وسوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۸

۸- آمال و آرزوهای آدمی ، زمینه ساز وسوسه شیاطین و هم نشینان بد

فزیّنوا لهم ما بین أیدیهم و ما خلفهم

برداشت یاد شده بنابر این احتمال است که مراد از <ما بین أیدیهم> وضعیت موجود و مقصود از <ما خلفهم> آینده ای باشد که در پیش دارند.

زمینه وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۸ - ۹

۹- انسان در هر عمل صالح ، مورد هجوم و وسوسه شیطان و نیازمند استعاذه و پناه بردن به خداوند است . *

من عمل صلحًا .. فإذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم

برداشت فوق، بدان احتمال است که قراءت قرآن به عنوان نمونه ای از عمل صالح ذکر شده باشد که در آیه قبل از آن سخن به میان آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

۱۱- خارج شدن از جاده صواب در گفتار ، پیامد وسوسه ها و تلاش های شیطان است .

قل لعبادی يقولوا التی هی أحسن إن الشیطن ینزغ بینهم

سفارش به گفتار پسندیده و نیکو، و سپس تعلیل به <إن الشیطن ینزغ .. > می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۶۸

۶- کفرورزی ، زمینه ساز و هموارکننده راه نفوذ شیطان و وسوسه های او در آدمی

أرسلنا الشیطن علی الکفرین تؤزهم

تعبیر <علی الکافرین > دلالت دارد که خداوند پس از تحقق کفر کافران، شیاطین را مأمور گمراه ساختن آنان می کند و در حقیقت ارسال شیاطین پی آمد کفر است.

۸- گرفتاری کافران به وسوسه ها و تحریکات شیطانی ، نمودی از <استدراج > و رهاشدن آنان در کفر و گمراهی است .

الرحمن مدأ .. ألم تر أننا أرسلنا الشیطن

این آیه با آیه <من کان فی الضلاله فلیمد له الرحمن مدأ > که بیانگر سنت <امهال > بود در ارتباط است و بیانگر نمونه و گواه دیگری بر جریان سنت <فلیمدد .. مدأ > است که همان <امهال > و <استدراج > می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - رنج ها و مصیبت ها ، میدان و بستری مناسب برای وسوسه های شیاطین

أنی مسنی الشیطن بنصب و عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۳

۳ - تمامی انسان ها حتی پیامبر (ص) در

معرض تحریک ها و وسوسه های شیطان قرار دارند .

و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ

<نزغ> در اصل به معنای تحریک کردن است و مراد از آن در آیه شریفه، وسوسه می باشد.

عمومیت وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۹

۹ - همه انسان ها ، حتی خوبان و پاکان ، در معرض وسوسه های شیطان اند .

أَنِّي مَسْنِي الشَّيْطَانَ بِنَصْبٍ وَعَذَابٍ

برداشت یاد شده به خاطر این حقیقت است که وقتی انسان والا-یی چون ایوب(ع) از دست وسوسه های شیطان بنالد و به درگاه الهی شکوائیه ببرد، دیگر مردمان به طریق اولی با چنین وسوسه هایی رو به رو خواهند شد.

عوامل وسوسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۲

۲ - تنها جنیان و انسان ها ، به القای افکار پلید و وسوسه های شیطانی در ذهن بشر می پردازند .

الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

عوامل وسوسه شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۹

۹ فقدان آب برای تحصیل طهارت و برطرف کردن نجاست ها ، مایه وسوسه شیطان و ایجاد نگرانی در پیکارگران بدر

لیطهرکم به و ینذهب عنکم رجز الشیطن

نبودن لام در <یذهب> بیانگر این است که <یذهب...> مترتب بر <لیطهرکم...> است. و تناسب تطهیر با برطرف شدن رجز شیطان اقتضا می کند که مراد از رجز شیطان وسوسه هایی باشد که شیطان بر اثر نبودن آب برای طهارت در

مجاهدان ایجاد می کرده است.

محمد(ص) و وسوسه شیاطین انس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، مواجهه با وسوسه گرانی از جن و انس که مردم را درباره ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت خداوند به تردید می افکندند .

قل أعوذ بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس ... من الجنّه و الن

در برداشت یاد شده، مجموع سوره با این نگاه تفسیر شده است که پیامبر(ص)، در مسیر ابلاغ یکتایی خداوند در ربوبیت، فرمان روایی و الوهیت، با عده ای از جن و انس مواجه شده بود که در سینه های مردم وسوسه ایجاد کرده، هدایت آنان را بر آن حضرت دشوار می ساختند؛ خداوند، آن حضرت را در پناه خود قرار داده و او را به این پناهنده شدن فرا خوانده است تا وسوسه گران و اغواگران مردم را، از سر راه او بردارد.

محمد(ص) و وسوسه شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، مواجهه با وسوسه گرانی از جن و انس که مردم را درباره ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت خداوند به تردید می افکندند .

قل أعوذ بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس ... من الجنّه و الن

در برداشت یاد شده، مجموع سوره با این نگاه تفسیر شده است که پیامبر(ص)، در مسیر ابلاغ یکتایی خداوند در ربوبیت، فرمان روایی و الوهیت، با عده ای از

جن و انس مواجه شده بود که در سینه های مردم وسوسه ایجاد کرده، هدایت آنان را بر آن حضرت دشوار می ساختند؛ خداوند، آن حضرت را در پناه خود قرار داده و او را به این پناهنده شدن فرا خوانده است تا وسوسه گران و اغواگران مردم را، از سر راه او بردارد.

منشأ وسوسه های شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۵

۵- وسوسه گری ها و القآت تحریک آمیز شیاطین ، وابسته به اراده الهی است .

ألم تر أننا أرسلنا الشيطان على الكافرين توتهم

موانع تأثیر وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۶

۶ - توجه به عهد ها و فرمان های الهی و به یاد داشتن همواره آن ، حفاظت کننده آدمی از گرفتار شدن در دام وسوسه های شیطانی است .

و لقد عهدنا .. فَنَسِيَ ... فَأَكَلَا مِنْهَا

موانع وسوسه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۶،۸

۶ - خداوند ، توانا بر خنثی ساختن وسوسه های جن و انس

قل أعوذ بربِّ الناس .. من الجنَّة و الناس

۸ - دارا بودن مقام ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت ، دلیل توانایی خداوند بر حفاظت مردم از خطر وسوسه های جنیان و انسان ها است .

بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس ... من الجنّة و الناس

موانع وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - ناس - ١١٤ - ٦

۶ - خداوند ، توانا بر خنثی ساختن وسوسه های جن و انس

قل أعوذ بربّ الناس . .. من الجنّه و الناس

۸ - دارا بودن مقام ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت ، دلیل توانایی خداوند بر حفاظت مردم از خطر وسوسه های جنیان و انسان ها است .

ربّ الناس . ملك الناس . إله الناس ... من الجنّه و الناس

موانع وسوسه دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۲،۴

۲ - پناه بردن به خداوند و توجه به ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت او ، فرمانی الهی به پیامبر (ص) ، برای محفوظ ماندن آن حضرت از وسوسه های دشمن

قل أعوذ بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس الخنّاس

۴ - خداوند ، بر بی اثر ساختن وسوسه های شدید و مرموز دشمنان ، توانا است .

قل أعوذ بربّ الناس . .. من شرّ الوسواس الخنّاس

موانع وسوسه شیاطین انس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، پناهگاهی شایسته برای پیامبر (ص) ، در برابر تلاش جن و انس برای اغوای مردم و ایجاد تزلزل در دل های آنان

قل أعوذ . .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

موانع وسوسه شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، پناهگاهی شایسته برای پیامبر (ص) ، در برابر تلاش جن و انس برای

اغوی مردم و ایجاد تزلزل در دل های آنان

قل أعوذ .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجّنه و الناس

موانع و سوسه گران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۵

۵ - ربوبیت و فرمان روایی خداوند بر مردم و شایستگی او برای الوهیت ، دلیل توانایی او بر ناکام گذاشتن و سوسه گران

برَبّ الناس . ملک الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس الخناس

نجات از وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۱ - ۵

۵ - پرهیز از شرک و رهایی از وسوسه های شیطان ، مقدمه و پیش شرط ورود به آستان بندگی خدا و گام نهادن در صراط مستقیم الهی است .

ألم أعهد إلیکم بینی ءادم أن لاتعبدوا الشیطن . .. و أن اعبدونی هذا صراط مستقیم

از تقدم توصیه خداوند به پرهیز از اطاعت شیطان، بر فرمان به عبادت خالص خدا و دعوت به صراط مستقیم، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

وسوسه آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۳

۳ - شیطان با وسوسه آدم در بهشت ، سعی در زمینه سازی برای اخراج آنان از بهشت داشت .

فلا یخرجنکمما .. فوسوس إلیه الشیطن

وسوسه ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۹

۱۹ قابیل ، کیفیت قتل برادرش هابیل را از ابلیس آموخت

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از امام سجاده(ع) روایت شده که بعد از خواندن

آیه فوق فرمود: فلم یدر کیف یقتله حتی جاء ابلیس فعلمه . . .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۶، ح ۱۴۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۹

۹ تزویر، وسوسه انگیزی و دروغپردازی، از شیطنتهای ابلیس

إلا إبلیس .. فوسوس لهما الشیطن

خداوند در آیات پیشین شیطان را با واژه <ابلیس> نام برد و آنگاه که توطئه گری و تزویر را یاد نمود، او را با وصف <شیطان> توصیف کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۸

۸ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

وسوسه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۴

۴ - همه انسان ها ، حتی پیامبران ، در معرض هجوم وسوسه های شیطان

و قل رب أعوذ بك من همزت الشیطن

وسوسه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - پوشش خیرخواهی ، روش شیطان برای وسوسه در دل آدمیان و فریب آنان

فوسوس إليه الشیطن فقال هل أدلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۴

۴ - همه انسان ها ، حتی پیامبران ، در معرض هجوم وسوسه های شیطان

و قل رب أعوذ بک من همزت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۴

۴ - پیامبر

(ص)، در معرض تهاجم وسوسه های جنیان و انسان ها

قل أَعُوذُ .. من الجِنَّه و الناس

وسوسه ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۸،۱۳

۸- شکوه ایوب (ع) به درگاه الهی، از دست وسوسه های شیطان در مورد ابتلای آن حضرت به سختی ها و رنج ها

إذ نادى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنِصْبٍ وَعَذَابٍ

۱۳ - > عن أبي عبد الله (ع) قال: لَمَّا طَالَ بَلَاءُ أَيُوبَ وَرَأَى إبْلِيسَ صَبْرَهُ أَتَى إِلَى أَصْحَابِ لَهُ كَانُوا رَهْبَانًا فِي الْجِبَالِ فَقَالَ لَهُمْ: مَرَّوْا بِنَا إِلَى هَذَا الْعَبْدِ الْمَبْتَلَى وَنَسْأَلُهُ عَن بَلِيَّتِهِ ... وَقَالُوا يَا أَيُّوبَ لَوْ أَخْبَرْتَنَا بِذَنْبِكَ فَلانرى تَبْتَلَى إِلَّا لِأَمْرٍ كُنْتَ تَسْتَرُهُ .. . فعند ذلك دعا رَبَّهُ وَقَالَ: > رَبِّ أَنِّي مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنِصْبٍ وَعَذَابٍ < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: چون ابتلای ایوب(ع) طولانی گشت و ابلیس صبر او را دید، نزد دیرنشینانی که از اصحاب وی بودند آمد و به آنان گفت: بیاید تا نزد این بنده مبتلا برویم و از او درباره ابتلایش سؤال کنیم. .. آنان گفتند: ای ایوب! کاش گناهی را که انجام داده ای به ما می گفتی؟ ما را عقیده بر آن است که تو تنها به خاطر چیزی (گناهی) که از ما پنهان می کنی، مبتلا شده ای... پس در آن موقع پروردگارش را خواند و گفت: (رَبِّ أَنِّي مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنِصْبٍ وَعَذَابٍ) <.

وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱،۴

۱ - برخی از جنیان ، در ذهن انسان ها افکار پلید القا کرده ، آنها را وسوسه می کنند .

من الجنّه و الناس

حرف <من> برای تبعیض است و بیان می کند که مراد از <الوسواس الخناس>، برخی از جنیان و انسان ها است. <جنّه> به معنای گروه جن (مفردات) و <ناس> جمع انسان است. (تاج العروس)

۴ - پیامبر (ص) ، در معرض تهاجم وسوسه های جنیان و انسان ها

قل أعود .. من الجنّه و الناس

وسوسه دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مورد هجوم وسوسه های پی گیر دشمنانی بود که مقاصد سوء خود را پوشیده نگه می داشتند .

من شرّ الوسواس الخناس

<وسوسه> به معنای تصورات پست است (مفردات). به شری که به قلب خطور کند و نیز به آنچه خیری در آن نباشد، <وسواس> گفته می شود (مصباح). کلمه <وسواس> اسم مصدر <وسوسه> است و برای مبالغه بر شخص وسوسه کننده اطلاق شده است؛ یعنی، او به قدری وسوسه گر است که گویا خود مصداق <وسوسه کردن> یا <تفکر پلید> است. <خناس> که صیغه مبالغه و یا بیانگر نسبت است از ریشه <خنوس> (گرفته خاطر شدن و نهان ساختن خویش <لسان العرب>) و به معنای <بسیار نهانکار> یا <اهل نهانکاری> می باشد.

وسوسه شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ وسوسه و ظاهر سازی فریبکارانه، روش شیاطین

است.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۶

۶ - نقش مؤثر دعا در ایمن ماندن انسان ها از خطر وسوسه های شیاطین

و قل ربّ أعوذ بک من همزت الشیطن

وسوسه شیاطین انس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۱، ۳

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

۱۱ - برخی از انسان ها ، مانند برخی از جنیان ، شیطان اند و مخفیانه مردم را وسوسه می کنند .

الوسواس الخنّاس . . من الجنّه و الناس

عموم مفسران <شیطان> را مصداق <وسواس خنّاس> قرار داده اند. این آیه نیز او را از نوع جن و انس می داند؛ بنابراین شیطان، عنوانی عام خواهد بود که بر افرادی از بشر و جنیان، تطبیق می کند.

وسوسه شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۱، ۳

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

۱۱ - برخی از انسان ها ، مانند برخی از جنیان ، شیطان اند و مخفیانه مردم را وسوسه می کنند .

الوسواس الخناس .. من الجنه و الناس

عموم مفسران <شیطان> را مصداق <وسواس خناس> قرار داده اند. این آیه نیز او را از نوع جن و انس می داند؛ بنابراین شیطان، عنوانی عام خواهد بود که بر افرادی از بشر و جنیان، تطبیق می کند.

وسوسه شیطان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۸ - ۹

۹ فریبکاری و وسوسه شیطان ، از راه های گوناگون و تدریجی است .

و لا تتبعوا خطوات الشيطان

کلمه <خطوات> که به معنی <گامها> است ؛ بیانگر راههای متعدّد شیطان برای فریبکاری است. و چون گامها همیشه یکی پس از دیگری برداشته می شود، حکایت از تدریجی بودن آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۵۸

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تكونا ملكين أو تكونا من الخلدین

۸ دروغ، اساس کار شیطان در وسوسه گری و فریب دادن آدم و حوا

ما نهیکما ربکما .. أو تكونا من الخلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۰ - ۱،۳،۶

۱ شیطان با وسوسه های خود همواره در صدد واداشتن انسان ها به تخلف از فرمان های خداوند است .

و إما ینزغنک من الشیطن نزع

<نزغه> یعنی او را اندکی تحریک کرد و <نزع> به کلامی گفته می شود که مایه تحریک شود. (لسان العرب). <من الشیطان> حال برای <نزع> می باشد. و مراد از <نزع شیطان> وسوسه اوست، بنابراین <إما ینزغنک ...>، یعنی اگر وسوسه ای از سوی شیطان تو را تحریک کرد. گفتنی است با توجه به آیه قبل، مراد از تحریک، ترغیب کردن به مخالفت با دستورهای خداوند است.

۳ پناه خواستن از خدا به هنگام مواجه شدن با وسوسه

های شیطان ، فرمان خداوند به پیامبر (ص)

إِذَا يَنْزَغُنْكَ .. فَاسْتَغْذِ بِاللَّهِ

۶ باور به شنوایی و آگاهی گسترده خداوند مایه التجا به او در برابر وسوسه گری های شیطان

فَاسْتَغْذِ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۱ - ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ شیطان با گردش در پیرامون آدمی در صدد نفوذ در افکار او و القای وسوسه های خویش است .

إِذَا مَسَّهُمْ طُغْفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ

<طائف> به کسی یا چیزی گفته می شود که پیرامون محوری در چرخش است. <من> در <من الشیطان> می تواند بیانیه باشد. بر این مبنا <طائف> همان شیطان است ؛ یعنی شیطان در پیرامون قلبها می چرخد. همچنین <من> می تواند نشویه باشد که در این صورت مراد از <طائف> وسوسه های شیطانی است که برای جایگیر شدن گرداگرد قلبها می چرخد تا راه نفوذ بیابد.

۲ تقوای پیشگان به هنگام مواجه شدن با شیطان و وسوسه های او ، فرمان های خدا را به یاد آورده و به راهی که مسیر تقواست ، واقف می شوند .

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طُغْفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ

تذکر در اینجا به معنای توجه کردن و به خاطر آوردن دانسته هاست و مراد از دانسته ها، به قرینه آیه ۱۹۹، اوامر الهی است. <ابصار> (مصدر مبصرون) به معنای بینا شدن و آگاهی یافتن است و مراد از آن به دلیل <الذین اتقوا> قرار گرفتن در مسیر تقوای پیشگی و در نتیجه رهیدن از دام شیطان است.

۳ تقوای پیشگان به هنگام احساس وسوسه گری های شیطان با یادآوری فرمان خدا (

استعاذه) به وی پناه می برند و با بصیرت و آگاهی از دام شیطان می رهند .

إذ امسهم طئف من الشيطان تذكروا فإذا هم مبصرون

در برداشت فوق، به قرینه <فاستعد بالله> در آیه قبل، متعلق <تذکروا> لزوم استعاذه گرفته شده است.

۴ باور به شنوایی و آگاهی خدا، زمینه ساز دور ماندن از وسوسه های شیطان و رهیدن از دام اوست .

تذكروا فإذا هم مبصرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که متعلق <تذکروا>، به قرینه فراز قبل (إنه سمیع علیم)، شنوایی و آگاهی خداوند باشد.

۶ تقوا عامل توجه آدمی به خداوند و فرمان های او به هنگام وسوسه انگیزی های شیطان

إن الذين اتقوا إذ امسهم طئف من الشيطان تذكروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ نزول باران در آستانه جنگ بدر برای تطهیر مجاهدان، زمینه ساز برطرف شدن نگرانی ها و وسوسه های ایجاد شده از سوی شیطان

و ينزل عليكم ... و يذهب عنكم رجز الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱

۱ - هشدار خداوند به همه انسان ها، در رابطه با وسوسه و فریبکاری های شیطان

إن الشيطان لكم عدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۴

۴ - انسان در گرایش به کفر، دارای آزادی و اختیارات بوده و وسوسه های شیطان، فقط در حد دعوت و انگیزش است .

إذ قال للإنسن اكفر فلما كفر

امر <أُكفر>، نشانگر نقش شیطان در انگیزش انسان است و

معنای <کفر> با انتساب آن به خود انسان، بیانگر اختیار آدمی در انتخاب راه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۶،۷

۶ - شیطان ، موجودی بس وسوسه گر و پنهان کار

من شرّ الوسواس الخناس

یکی از مصداق های مورد نظر برای <وسواس> به قرینه کلمه <جَنّه> در آخر سوره <شیطان> است.

۷ - شیطان ، فریب کاری که پس از القای فکر پلید در انسان ، خود را کنار کشیده و متواری می شود .

من شرّ الوسواس الخناس

برای فعل <خَنَسَ> چند معنا ذکر شده است؛ از جمله: عقب نشینی کرد؛ بازگشت، متواری و غایب شد (لسان العرب). براساس این معانی، آیه شریفه ترسیمی از وسوسه گری های شیطان دارد که پس از هر وسوسه، خود را عقب کشیده، مخفی می شود؛ تا آن وسوسه کار خود را کرده و زمینه را برای وسوسه بعدی فراهم سازد.

وسوسه قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۵

۵ - مردم سبا ، دل بسته و مفتخر به آداب و عقاید نادرست خود و گرفتار در دسیسه های شیطان

و زین لهم الشیطن أعملهم

وسوسه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۱

۱ - کافران ، گرفتار در دام تحریکات و وسوسه های شیاطین

أرسلنا الشیطن علی الکفرین توّزهم

<أَزَّ> به معنای تهییج و برانگیختن است و <تَوَزَّهْمُ>؛ یعنی، شیاطین، کافران را به سوی گمراهی و انحراف بیشتر سوق داده و تحریک می کنند.

وسوسه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره -

۳ - تمامی انسان ها حتی پیامبر (ص) در معرض تحریک ها و وسوسه های شیطان قرار دارند .

و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ

<نزغ> در اصل به معنای تحریک کردن است و مراد از آن در آیه شریفه، وسوسه می باشد.

۴ - تلاش شیطان ، در واداشتن مؤمنان و پیامبر (ص) به انتقام جویی

ادفع بالتی هی أحسن .. و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ

تأکید در فعل <ینزغَنَّک> اشعار به تلاش شیطان دارد و از آن جا که این آیه در پی توصیه به شیوه برخورد نیکو و به دور از انتقام جویی در برابر بدرفتاری دیگران آمده است، مطلب بالا استفاده می شود.

وسوسه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - تلاش شیطان ، در واداشتن مؤمنان و پیامبر (ص) به انتقام جویی

ادفع بالتی هی أحسن .. و إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ

تأکید در فعل <ینزغَنَّک> اشعار به تلاش شیطان دارد و از آن جا که این آیه در پی توصیه به شیوه برخورد نیکو و به دور از انتقام جویی در برابر بدرفتاری دیگران آمده است، مطلب بالا استفاده می شود.

وسوسه نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ قابیل ، فریفته وسوسه های نفس خویش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

وسوسه های شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ -

۱- کافران ، گرفتار در دام تحریکات و وسوسه های شیاطین

أرسلنا الشیطان علی الکفرین تؤزهم

<أز> به معنای تهییج و برانگیختن است و <تؤزهم> یعنی، شیاطین، کافران را به سوی گمراهی و انحراف بیشتر سوق داده و تحریک می کنند.

۲- فرستاده شدن شیاطین برای تحریک و وسوسه کافران از دید پیامبر (ص) مخفی نیست .

ألم تر أننا أرسلنا الشیطان

۳- شیاطین ، موجوداتی وسوسه گر و تحریک کننده در جهت گمراهی مردم

أرسلنا الشیطان علی الکفرین تؤزهم

وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۹

۹ آزادی انسان در پذیرش دعوت خدا و یا وسوسه شیطان

الشیطان یعدکم .. و الله یعدکم مغفره منه و فضلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۱

۲۱ شیطان با وسوسه ها و دسیسه های خویش ، میان یوسف (ع) و برادرانش فسادانگیزی کرد .

من بعد أن نزع الشیطان بینی و بین إخوتی

<نزع> به معنای تحریک کردن بر فساد است و مراد از <نزع شیطان> وسوسه هایی است که او برای ایجاد فساد به انسانها القا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- بندگان مقرب خدا ، مصون از سلطه شیطان هستند .

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

۵- عبودیت و بندگی خداوند ، بیمه کننده و نیروبخش آدمیان در برابر وسوسه ها و لشکرکشی های شیطان

لأحتکنّ ذرّیته .. إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - شیطان ، موجودی وسوسه گر در دل های آدمیان

فوسوس إلیه الشیطن

۳ - شیطان با وسوسه آدم در بهشت ، سعی در زمینه سازی برای اخراج آنان از بهشت داشت .

فلا یخرجنکما .. فوسوس إلیه الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱،۵

۱ - آدم و حوا (ع) ، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إلیه الشیطن .. فأکلا منها

۵ - تأثیرپذیری آدم از وسوسه شیطان و تناول از درخت ممنوع ، نمودی از فراموش کاری آدم از عهد الهی بود .

و لقد عهدنا .. فنسی ... فأکلا منها

بیان داستان آدم و حوا، و خوردن از درخت ممنوع و پی آمدهای آن، جملگی در توضیح نخستین آیه این مجموعه و بیان فراموش کاری آدم(ع) در مورد عهد الهی و نبودن عزم جدی در او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۱،۴،۷

۱ - استعاذه (پناه بردن) به خدا از وسوسه های شیطان ، از رهنمود های الهی به پیامبر (ص)

و قل ربّ أعوذ بک من همزت الشیطن

<عوذ> (مصدر <أعوذ>) به معنای پناه بردن و <همزه> (مفرد <همزات>) به معنای وسوسه است.

۴ - همه انسان ها ، حتی پیامبران ، در معرض هجوم وسوسه های شیطان

و قل ربّ أعوذ بک من همزت الشیطن

۷- شیطان ، مظهر وسوسه گری و انحراف و دارای افراد و نیرو های متعدد

أعوذ بك من همزت الشيطان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۵

۵ - مردم سبا ، دل بسته و مفتخر به آداب و عقاید نادرست خود و گرفتار در دسیسه های شیطان

و زین لهم الشیطن أعملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۲ - ۳

۳ - هشدار خداوند به فرزندان آدم ، درباره وسوسه های گمراه کننده شیطان

ألم أعهد إلیکم بینی ءادم أن لاتعبدوا الشیطن . . . و لقد أضلّ منکم جبلاً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۷۸

۷ - شیطان ، ایوب (ع) را به خاطر گرفتار بودنش در رنج و عذاب سخت وسوسه می کرد .

أئی مسنی الشیطن بنصب و عذاب

<مس شیطان> به معنای وسوسه و نزدیک شدن او برای فریب است و <باء> در <بنصب> برای سببیت است؛ یعنی، شیطان وقتی ایوب(ع) را گرفتار رنج و عذاب دید، به وسوسه او پرداخت.

۸ - شکوه ایوب (ع) به درگاه الهی ، از دست وسوسه های شیطان در مورد ابتلای آن حضرت به سختی ها و رنج ها

إذ نادى ربّه أئی مسنی الشیطن بنصب و عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۶ - ۱،۴،۱۰

۱ - لزوم استعاذه (پناه بردن) به خداوند ، در برابر وسوسه ها و تهییج های شیطان

و إیما ینزعنک من الشیطن نزع فاستعد بالله

۴ - تلاش شیطان ، در واداشتن مؤمنان و پیامبر (ص) به انتقام جویی

ادفع بالتي هي أحسن .. و إنما ينزعك من الشيطان

تأکید در فعل <یتزغَنک> اشعار به تلاش شیطان دارد و از آن جا که این آیه در پی توصیه به شیوه برخورد نیکو و به دور از انتقام جویی در برابر بدرفتاری دیگران آمده است، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۰ - علم و آگاهی خداوند، مقتضی استعاضه و پناه بردن به او در برابر وسوسه های شیطان

فاستعذ بالله إنه هو السميع العليم

وسوسه گران

اعراض از وسوسه گران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۳

۳ - لزوم برحذر ماندن از وسوسه گرانی که خود را رسوا نکرده و نیت خویش را برملا نمی سازند.

من شرّ الوسواس الخناس

روش برخورد وسوسه گران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۵ - ۱

۱ - وسوسه گران، افکار پلید را در سینه های مردم جای داده، آنان را از درون به سمت اهداف خود تحریک می کنند.

الذی یوسوس فی صدور الناس

موانع وسوسه گران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۵

۵ - ربوبیت و فرمان روایی خداوند بر مردم و شایستگی او برای الوهیت، دلیل توانایی او بر ناکام گذاشتن وسوسه گران

بِرَبِّ النَّاسِ . مَلِكِ النَّاسِ . إِلَهِ النَّاسِ . مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

وصیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وصیت

آثار عمل به وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۹

۹ - آدمی در صورت انجام وظیفه خویش در امر وصیت ، در پیشگاه خدا مسؤول نبوده و مؤاخذه نخواهد شد

، هر چند به وصیت های او عمل نشود .

فإنما إثمہ علی الذین یبدلونه

آثار وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۸

۸ - وصیت از اسباب ملکیت است .

إن ترک خیراً الوصیہ للولدین و الأقربین

آثار وصیت تملیکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۷،۱۰

۷ - وصیت های مالی میت نافذ و دارای ارزش حقوقی است .

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت إن ترک خیراً الوصیہ

تأکید بر امر وصیت و نیز حرمت تغییر و تبدیل مفاد آن - که آیه بعد دلالت بر آن دارد - مستلزم این معناست که: وصیتهای میت دارای اعتبار قانونی و حقوقی است و عمل به آنها واجب است.

۱۰ - وصیت برای پرداخت مال به وارثان ، جایز و دارای اعتبار قانونی است .

الوصیہ للولدین و الأقربین

آثار وصیت ناعادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۴

۴ - احتمال ناعادلانه بودن وصیت و منجر شدن آن به مشاجره صاحبان منفعت ، در جواز واداشتن وصیت کننده به تغییر آن ، کافی است .

فمن خاف .. فلا إثم عليه

برداشت فوق از به کارگیری کلمه <خاف> به دست می آید.

اثبات وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۵

۵ حضور شاهدان به هنگام وصیت ، ملاک اولویت ایشان ، نسبت به کسانی که مدارک دیگری بر اثبات وصیت دارند .

من الذين استحق عليهم الأولين

<اولیان> صیغه تفضیل و به معنای

سزاوارتران است و مراد از آن همان شاهدان نخستین می باشد. اولویت داشتن آنان و سزاوارتر بودنشان نسبت به دیگران یا بدین جهت است که وصیت کننده از آنان خواسته شهادت دهند و آنان را بر این کار برگزیده است اگر چه دیگران نیز وصیت او را شنیده باشند و یا بدین جهت است که این دو شاهد در مجلس وصیت حاضر بوده اند ولی دیگران حضور نداشته اند و از طریقی دیگر به چگونگی وصیت پی برده اند، برداشت فوق ناظر به دومین احتمال است.

احکام وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۶، ۱۷، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ - وجوب وصیت به هنگام فرارسیدن مرگ و پیدایش آثار آن

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت .. الوصیه

۲ - داشتن دارایی فراوان از شرایط وجوب وصیت های مالی است .

کتب علیکم .. إن ترک خیراً الوصیه

مراد از <خیر> مال و دارایی است. برخی از مفسران فراوانی آن را نیز قید کرده و گفته اند: به دارایی اندک کلمه خیر اطلاق نمی شود. مناسبت حکم و موضوع یعنی، وصیت برای پدر و مادر و همه خویشان و نیز نکره آوردن کلمه <خیراً> مؤید این معنا در آیه شریفه است.

۴ - آدمی باید اموالی را برای پرداخت به پدر و مادر و خویشان نزدیک وصیت کند .

کتب علیکم .. الوصیه للولدین و الأقربین

۵ - وصیت های مالی باید در حد متعارف بوده و به گونه ای که مردم آن را نابه جا و ناروا نشمارند .

الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف

معروف مقابل منکر به معنای شناخت شده است و

مراد از آن، چیزی است که مردم در جامعه دینی آن را شایسته بدانند و مورد انکار قرار ندهند.

۷- وصیت های مالی میت نافذ و دارای ارزش حقوقی است .

كتب عليكم إذا حضر أحدكم الموت إن ترك خيراً الوصيه

تأکید بر امر وصیت و نیز حرمت تغییر و تبدیل مفاد آن - که آیه بعد دلالت بر آن دارد - مستلزم این معناست که: وصیتهای میت دارای اعتبار قانونی و حقوقی است و عمل به آنها واجب است.

۸- وصیت از اسباب ملکیت است .

إن ترك خيراً الوصيه للولدين و الأقربین

۹- وصیت های ناعادلانه و غیر متعارف فاقد اعتبار و ارزش حقوقی است . *

الوصيه للولدين و الأقربین

۱۰- وصیت برای پرداخت مال به وارثان ، جایز و دارای اعتبار قانونی است .

الوصيه للولدين و الأقربین

۱۶- > عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) قال : سألته عن الوصيه للوارث ، فقال : تجوز ، قال : ثم تلا هذه الآيه إن ترك خيراً الوصيه للوالدين و الأقربین ;

محمد بن مسلم از امام باقر(ع) از حکم وصیت برای وارث سؤال کرد، حضرت فرمود: وصیت جایز است و سپس آیه فوق را تلاوت نمود.

۱۷- عروه گوید : > إن علی بن أبی طالب دخل علی مولی لهم فی الموت ، و له سبعمائه درهم أو ستمائه درهم ، فقال : ألا أوصی ، قال : لا إنما قال الله > إن ترك خيراً < و لیس لك كثير مال فدع مالک لورثتک ;

علی (ع) بر بالین یکی از موالی بنی هاشم به هنگام مرگش حاضر شد در حالی که آن

شخص هفتصد یا ششصد درهم داشت. به علی (ع) گفت: در مال خود وصیت ننمایم؟ حضرت فرمود: نه! خداوند فرموده: **<إن ترک خیراً>**; یعنی، اگر مال فراوان به جای گذاشته اید وصیت کنید در حالی که تو مال فراوانی نداری پس بگذار این مقدار مال برای ورثه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۱۰، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ - تغییر و تبدیل وصیت میت، حرام و گناه است.

فمن بدله .. فإنما إثمہ علی الذین یبدلونه

۲ - تغییر و تبدیل وصیت های غیر متعارف میت، گناه نیست.*

فمن بدله .. فإنما إثمہ علی الذین یبدلونه

مراد از ضمیر مفعولی در **<بدله>**، وصیت متعارف و عادلانه - که آیه قبل بر آن دلالت دارد - است.

۴ - وصیت های میت، با احتمال و گمان ثابت نمی شود و بدون علم به آنها، اعتبار قانونی ندارد.

فمن بدله بعد ما سمعه

شنیدن وصیت میت (بعد ما سمعه) کنایه از علم به مفاد وصیت است و این قید در حقیقت قید توضیحی است و اشاره به این دارد که: بدون علم به مضمون وصیت، وصیت ثابت نشده و موضوع برای تغییر و تبدیل به وجود نمی آید.

۵ - اعتبار وصیت، در گرو تلفظ وصیت کننده به مواد آن است.*

فمن بدله بعد ما سمعه

برداشت فوق را می توان از به کارگیری کلمه شنیدن (بعد ما سمعه) استفاده کرد.

۱۰ - محمد بن مسلم می گوید: **<سألت أبا عبد الله (ع) عن رجل أوصی بماله فی سبیل الله فقال: أعطه لمن أوصی به له**

و إن كان يهودياً إن الله تبارك و تعالی يقول : فمن بدله بعد ما سمعه فإنما إثمه على الذین یبدلونه ;

از امام صادق(ع) سؤال کردم: شخصی وصیت کرده مالش در راه خدا مصرف شود امام فرمودند: مال را به هر کسی که وصیت کرده بدهید اگر چه آن شخص یهودی باشد. خدای تبارک و تعالی می فرماید: هر کس تغییری در وصیت بدهد بعد از آنکه آن را شنید، همانا گنااهش بر کسانی است که آن را تغییر داده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱،۲،۴،۵،۶،۹،۱۰

۱ - اگر وصیت های مالی ناعادلانه باشد و موجب مشاجره میان صاحبان منفعت شود ، می توان وصیت کننده را به تغییر وصیتش واداشت .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بينهم فلا إثم عليه

<جنف> به معنای ستم و میل به باطل است - که به مناسبت مورد - مقصود وصیت غیر متعارفی است که در حق بازماندگان ستم محسوب می شود. مراد از <إثماً> نیز همین معناست و مقصود از <فأصلح بينهم>: واداشتن وصیت کننده است. به اینکه وصیت ناعادلانه خویش را بگونه ای تغییر دهد که احتمال مشاجره و نزاعی که ممکن است بر اثر آن وصیت ناعادلانه پیش بیاید، منتفی گردد.

۲ - در جواز تغییر وصیت های ناعادلانه و ترغیب وصیت کننده به تغییر آن ، تفاوتی میان صورت عمد و سهو نیست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بينهم فلا إثم عليه

چنانچه گذشت مقصود از <جنفاً> و <إثماً> وصیت ناعادلانه است. این تقسیم حاوی این نکته است که: وصیت ناعادلانه

چه عمدی باشد - که در این صورت وصیت کننده گنهکار است - و چه سهوی و بدون توجه، شایسته تغییر و تبدیل است.

۴ - احتمال ناعادلانه بودن وصیت و منجر شدن آن به مشاجره صاحبان منفعت، در جواز واداشتن وصیت کننده به تغییر آن، کافی است.

فمن خاف .. فلا إثم عليه

برداشت فوق از به کارگیری کلمه <خاف> به دست می آید.

۵ - واداشتن وصیت کننده به تغییر وصیت های ناعادلانه، مصداق حرمت تبدیل وصیت نبوده و وادار کننده، گنهکار نیست.

فمن بدله .. فإنما إثمه على الذين يبدلونه ... فمن خاف ... فلا إثم عليه

۶ - تغییر وصیت های ناعادلانه میت، جایز و تغییر دهنده گنهکار نیست.

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصلح بينهم فلا إثم عليه

می توان آیه شریفه را در فرض حیات وصیت کننده تصویر کرد و نیز می توان زمان آن را پس از مرگ وی دانست. برداشتهای قبلی بر مبنای نخست و برداشت فوق، بر اساس فرض دوم است.

۹ - عمل به وصیت های ناعادلانه میت واجب نیست.

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصلح بينهم فلا إثم عليه

۱۰ - وصی میت، دارای حق ولایت در تغییر و اصلاح وصیت های ناعادلانه میت

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصلح بينهم فلا إثم عليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۱

۳۱ - احکام قصاص و وصیت، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود.

کتب علیکم القصاص ... کتب علیکم ... الوصیه ... تلک حدود اللّٰه

مشارالیه <تلك> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۳

۳ لزوم وصیت مردان برای پرداخت هزینه یکسال به همسران خویش

و الذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً وصیةً لازواجهم متاعاً الی الحول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۴۵، ۴۴، ۲۵، ۲۳، ۲۲

۲۲ پیش از تقسیم ارث، اموال مورد وصیت میت و دین او، باید از اصل مالش جدا شود.

یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین . . . من بعد وصیه یوصی بها او دى

<من بعد> متعلق به جمله <یوصیکم الله> است؛ یعنی تا بعد از تنفیذ وصیت میت و پرداخت دیون او، خداوند سفارش و دستوری به تقسیم میراث ندارد.

۲۳ نافذ بودن وصیت انسان نسبت به اموالش (برای پس از مرگ)

من بعد وصیه یوصی بها او دین

۲۵ تنفیذ وصیت میت و پرداخت دیون او، شرط مالکیت وارثان نسبت به میراث

للذکر مثل حظ الانثیین . . . من بعد وصیه یوصی بها او دین

<لام> در <للذکر> و <لهن> و . . . ، برای تملیک و <من بعد وصیه> بیانگر ظرف تحقق آن است.

۴۴ وصیت غیر مشروع میت، نافذ نیست.

من بعد وصیه یوصی بها او دین

امام صادق (ع) فرمود: اذا اوصی الرجل بوصیه فلا یحل للوصی ان یغیر وصیته . . . الا ان یوصی بغير ما امر الله . . .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۵؛ بحار الانوار، چ اض ایران، ج ۱۰۰،

۴۵ لزوم پرداخت بدهی های میت ، قبل از انجام وصیت وی

من بعد وصیه یوصی به او دین

امام صادق (ع) فرمود: إِنَّ الدَّيْنَ قَبْلَ الوَصِيَّةِ

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۶، ح ۵۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۳، ح ۱۱۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۲ - ۱۱، ۱۲

۱۱ وصیت نباید به گونه ای باشد که به ضرر وارث تمام شود .

من بعد وصیّه .. غیر مضارّ

کلمه <غیر مضار> می تواند حال باشد برای هر یک از وصیت و دین، و اصطلاحاً گفته می شود ذوالحال آن عنوان انتزاعی احد الامرین است، یعنی وصیت میت یا دیون او نباید ضرری باشد و می تواند حال باشد برای مورث؛ یعنی او نباید با وصیت و دین خود برای وارث ضرری ایجاد کند.

۱۲ وصیتی که به ضرر وارث است ، عمل به آن الزامی نیست .

من بعد وصیّه یوصی بها او دین غیر مضارّ

کلمه <غیر مضار> از یکسو وظیفه وصیت کننده را تعیین می کند که مبدا وصیت او باعث ضرر به وارث شود و از سوی دیگر وصیتهایی را که موجب ضرر می گردد، فاقد اعتبار می شمارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۹، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۹، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ وصیت (تقاضای تصرف در مال و غیر مال پس از مرگ) امری مشروع ، لازم الاجرا و دارای اعتبار قانونی

شهمه بینکم .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

توصیه ای از جانب خداوند به هر فرد مسلمان

یا یها الذین ءامنوا شهده بینکم . . . حین الوصیه ائنان ذوا عدل منکم

۴ شهادت دو مرد مسلمان عادل ، طریقی برای اثبات وصیت و حدود آن

شهده بینکم . . . حین الوصیه ائنان ذوا عدل منکم

۵ شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او ءاخرا من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

۶ اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فیقسمان باللّٰه ان ارتبتم . . . لانکتّم شهده اللّٰه

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت آنان، می رساند که مراد از <ءاخرا من غیرکم> غیر مسلمانی است که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

او ءاخرا من غیرکم . . . تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّٰه ان ارتبتم

جمله <تحبسونهما . . .> می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان <ذوا عدل منکم> و <ءاخرا من غیرکم> باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی <ءاخرا من غیرکم> گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۱ اعتبار سوگند شاهدان بر وصیت ، در صورتی است که پس از نماز سوگند یاد کنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّٰه ان ارتبتم

۱۳ سوگند به نام خدا ، تنها سوگند معتبر و دارای ارزش قانونی در شهادت بر

۱۴ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فیقسمان بالله ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قربی

ضمیر در <به> به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در <كان> به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

۱۵ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند .

فیقسمان بالله ... و لانکتّم شهده الله

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله .. إنا اذاً لمن الاثمین

۱۹ شهادت بر وصیت امری بس عظیم

و لانکتّم شهده الله

مراد از <شهده الله>، شهادت بر وصیت است یعنی شاهدان بر وصیت در حقیقت شهادت الهی را بر دوش دارند و این حکایت از اهمیت والای شهادت بر وصیت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳

۳ پی جویی نکردن برای اثبات نادرستی شهادت شاهدان وصیت ، امری شایسته و نیکو است .

فان عثر علی انهما استحقا اثمًا

گرچه عثار و عُثور به معنای ساقط شدن است ولی مجازاً درباره کسی که بدون پی جویی از امر بدان آگاهی می یابد،

استعمال می شود (برگرفته از مفردات راغب) مجهول بودن فعل <عُثِرَ> نیز می تواند اشاره به برداشت فوق

داشته باشد.

۴ دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت ، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام شهادت برآمده و شهادت خویش را ادا کنند

فاخران یقومان مقامهما من الذین استحق علیهم الأولین

مفعول <استحق> کلمه <اثماً> می باشد که به قرینه فraz قبل حذف شده است و <اولیان> فاعل آن می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره <استحقاً اثماً> گفته شده <من الذین استحق...> چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

۵ حضور شاهدان به هنگام وصیت ، ملاک اولویت ایشان ، نسبت به کسانی که مدارک دیگری بر اثبات وصیت دارند .

من الذین استحق علیهم الأولین

<اولیان> صیغه تفضیل و به معنای سزاوارتران است و مراد از آن همان شاهدان نخستین می باشد. اولویت داشتن آنان و سزاوارتر بودنشان نسبت به دیگران یا بدین جهت است که وصیت کننده از آنان خواسته شهادت دهند و آنان را بر این کار برگزیده است اگر چه دیگران نیز وصیت او را شنیده باشند و یا بدین جهت است که این دو شاهد در مجلس وصیت حاضر بوده اند ولی دیگران حضور نداشته اند و از طریقی دیگر به چگونگی وصیت پی برده اند، برداشت فوق ناظر به دومین احتمال است.

۶ شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فیقسمان بالله

۷ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که شهادت

آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فِیْقَسْمَانَ بِاللَّهِ لَشَهَدَتِنَا اِحْقَ مِنْ شَهَدَتِهِمَا

<احق> افضل تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله <فان عشر...> دلالت بر این تفسیر دارد.

۸ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که هرگز با شهادتشان ستمی را روا نداشته اند .

فِیْقَسْمَانَ بِاللَّهِ . . . مَا اعْتَدِينَا

۹ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فِیْقَسْمَانَ بِاللَّهِ اِنَّا اِذَا لَمِنَ الظَّالِمِیْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۱،۲

۱ قوانین و شرایط شهادت بر وصیت (عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و . . .) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذَلِكْ اَدْنٰی اِنْ یَاْتُوْا بِالشَّهَادَةِ عَلٰی وُجُوْهِهَا

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

اَوْ یَخَافُوْنَ اَنْ تَرَدُّ اَیْمٰنٌ بَعْدَ اَیْمٰنِهِمْ

ضمیر در <یخافوا> و <ایمنهم> به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین <ترد ایمن> بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین <او یخافوا ان ترد...> یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق

سوگند به دیگران بازگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۸، ۱۹

۱۸ - مؤمنان ، مجازند تا وصیت کنند که بخشی از مال شان ، به غیر خویشاوندان نسبی ، داده شود .

إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا

مراد از < أَنْ تَفْعَلُوا ..مَعْرُوفًا > به قرینه این که سخن از ارث بردن خویشاوندان نسبی است، تصمیم شخص به اعطای بخشی از مال اش، پس از مرگ، به غیر وارثان است. لازم به ذکر است که <تفعلوا> به تأویل مصدر می رود و مبتدا است و خبرش که چیزی مانند <حسن و...> می باشد محذوف است.

۱۹ - وصیت به اعطای بخشی از مال ، به کسی ، باید بر اساس متعارف باشد .

إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا

اختیارات وصی در وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱۰

۱۰ - وصی میت ، دارای حق ولایت در تغییر و اصلاح وصیت های ناعادلانه میت

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَاصْلَحْ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ

ارزش وصیت مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۷

۷ - وصیت های مالی میت نافذ و دارای ارزش حقوقی است .

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ

تأکید بر امر وصیت و نیز حرمت تغییر و تبدیل مفاد آن - که آیه بعد دلالت بر آن دارد - مستلزم این معناست که: وصیتهای

میت دارای اعتبار قانونی و حقوقی است و عمل به آنها واجب است.

اعتبار وصیت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱

۱ وصیت (تقاضای تصرف در مال و غیر مال پس از مرگ) امری مشروع ، لازم الاجرا و دارای اعتبار قانونی

شده بینکم ... حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

اولویتها در وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۱

۱۱ - اولویت پدر و مادر نسبت به دیگر خویشاوندان در امر وصیت

الوصیه للولدين و الأقربین

برداشت فوق از تقدیم کلمه <والدین> بر <الأقربین> استفاده شده است.

اهمیت وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۸

۸ - اهمیت والای محافظت بر وصیت های عادلانه و مصون داشتن آن از تغییر و تبدیل

فمن خاف ... فلا إثم علیه إن الله غفور رحیم

جمله < إن الله غفور رحیم > را می توان در ارتباط با شخصی که عهده دار تغییر وصیت ناعادلانه است، دانست. بر این فرض، سخن از مغفرت گناه در کاری شایسته و بجا، اشاره به این دارد که تغییر وصیت، امری بس نارواست به گونه ای که اگر وصیت ناعادلانه باشد و وصی نیز به تغییر آن مجاز باشد، گویا امر خلافی را مرتکب شده و نیازمند مغفرت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۱، ۳۴

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

كتب عليكم القصاص . . . كتب عليكم ... الوصيه ... تلك حدود الله فلا تقربوها

مشاراليه <تلك> علاوه بر روزه

و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

۳۴ - روزه و اعتکاف و احکام آن دو و نیز احکام قصاص و وصیت ، از آیات الهی است .

كذلك يبين الله آياته للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ هشدار خداوند به مؤمنان در مورد مقررات ارث ، وصیت و دین میت

و لكم نصف ما ترك من بعد وصيته .. و الله عليم حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۳

۳ سهل انگاری در وصیت به هنگام مشاهده آثار مرگ هر چند در سفر و دیار کافران امری ناشایست برای اهل ایمان

إذا حضر احدكم الموت حين الوصيه

<حين الوصيه> بدل از <اذا> می باشد، یعنی هنگام مشاهده آثار مرگ هنگام پرداختن به وصیت است نه انجام کاری دیگر و این گویای تأکید الهی بر امر وصیت می باشد.

بهترین وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱۴

۱۴ - توصیه به پذیرش آیین الهی و تسلیم خدا بودن ، از بهترین وصیتهاست .

و وصی بها إبرهیم بنیه و یعقوب یبنی .. فلا تموتن إلا و أنتم مسلمون

بی عدالتی در وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٤ - > عن ابى عبدالله (ع) فى قوله : < فمن خاف من موص جنفاً أو إثمأ > قال : يعنى إذا اعتدى فى الوصيه اذا زاد

از امام صادق(ع) درباره آیه <فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا> روایت شده است ؛ یعنی، هنگامی که در وصیت، از اعتدال خارج گردد و بیش از ثلث را وصیت کند.

پاداش وصیت به عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۴

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا..>، جمله ای مانند <من الذی تأخرونه إلى الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

ترك وصیت مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۳

۱۳ - ترك وصیت های مالی نشانه بی تقوایی است .

كتب علیکم .. الوصیه ... حقاً علی المتقین

تغییر جایز وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۲

۲ - تغیر و تبدیل وصیت های غیر متعارف میت ، گناه نیست . *

فمن بدله .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه

مراد از ضمیر مفعولی در <بدله>، وصیت متعارف و عادلانه - که آیه قبل بر آن دلالت دارد - است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱۳، ۱۰، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ - اگر وصیت های مالی ناعادلانه باشد و موجب مشاجره میان صاحبان منفعت شود ، می توان

وصیت کننده را به تغییر وصیتش واداشت .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمأ فاصلح بینهم فلا إثم علیه

<جنف> به معنای ستم و میل به باطل است - که به مناسبت مورد - مقصود وصیت غیر متعارفی است که در حق بازماندگان ستم محسوب می شود. مراد از <إثمأ> نیز همین معناست و مقصود از <فأصلح بینهم>: واداشتن وصیت کننده است. به اینکه وصیت ناعادلانه خویش را بگونه ای تغییر دهد که احتمال مشاجره و نزاعی که ممکن است بر اثر آن وصیت ناعادلانه پیش بیاید، منتفی گردد.

۲ - در جواز تغییر وصیت های ناعادلانه و ترغیب وصیت کننده به تغییر آن ، تفاوتی میان صورت عمد و سهو نیست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمأ فاصلح بینهم فلا إثم علیه

چنانچه گذشت مقصود از <جنفاً> و <إثمأ> وصیت ناعادلانه است. این تقسیم حاوی این نکته است که: وصیت ناعادلانه چه عمدی باشد - که در این صورت وصیت کننده گنهکار است - و چه سهوی و بدون توجه، شایسته تغییر و تبدیل است.

۴ - احتمال ناعادلانه بودن وصیت و منجر شدن آن به مشاجره صاحبان منفعت ، در جواز واداشتن وصیت کننده به تغییر آن ، کافی است .

فمن خاف .. فلا إثم علیه

برداشت فوق از به کارگیری کلمه <خاف> به دست می آید.

۵ - واداشتن وصیت کننده به تغییر وصیت های ناعادلانه ، مصداق حرمت تبدیل وصیت نبوده و وادار کننده ، گنهکار نیست .

فمن بدله .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه ... فمن خاف ... فلا إثم علیه

۶ - تغییر وصیت های ناعادلانه میت ، جایز و تغییر دهنده گنهکار

نیست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بينهم فلا إثم عليه

می توان آیه شریفه را در فرض حیات وصیت کننده تصویر کرد و نیز می توان زمان آن را پس از مرگ وی دانست. برداشتهای قبلی بر مبنای نخست و برداشت فوق، بر اساس فرض دوم است.

۱۰- وصی میت ، دارای حق ولایت در تغییر و اصلاح وصیت های ناعادلانه میت

فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فاصلح بينهم فلا إثم عليه

۱۳- از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند < جنفاً أو إثماً > روایت شده است : < فالجنف الميل إلى بعض ورثته دون بعض : و الاثم ان يأمر بعمارة النيران و اتخاذ المسكر فيحل للوصی ان لا يعمل بشيء من ذلكك ;

مراد از <جنف> تمایل به بعضی از ورثه است و مراد از <اثم> این است که دستور به ساختن آتشکده و ساختن شراب دهد، پس برای وصی جایز است که به آنها عمل نکند.

تغییر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۱۰

۱۰- محمد بن مسلم می گوید : < سألت أبا عبد الله (ع) عن رجل أوصى بماله في سبيل الله فقال : أعطه لمن أوصى به له و إن كان يهودياً إن الله تبارك و تعالی يقول : فمن بدله بعد ما سمعه فإنما إثمه على الذين يبدلونه ;

از امام صادق (ع) سؤال کردم: شخصی وصیت کرده مالش در راه خدا مصرف شود امام فرمودند: مال را به هر کسی که وصیت کرده بدهید اگر چه آن شخص یهودی باشد. خدای تبارک و تعالی

می فرماید: هر کس تغییری در وصیت بدهد بعد از آنکه آن را شنید، همانا گنااهش بر کسانی است که آن را تغییر داده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۸،۱۱

۸ - اهمیت والای محافظت بر وصیت های عادلانه و مصون داشتن آن از تغییر و تبدیل

فمن خاف .. فلا إثم عليه إن الله غفور رحيم

جمله < إن الله غفور رحيم > را می توان در ارتباط با شخصی که عهده دار تغییر وصیت ناعادلانه است، دانست. بر این فرض، سخن از مغفرت گناه در کاری شایسته و بجا، اشاره به این دارد که تغییر وصیت، امری بس نارواست به گونه ای که اگر وصیت ناعادلانه باشد و وصی نیز به تغییر آن مجاز باشد، گویا امر خلافی را مرتکب شده و نیازمند مغفرت الهی است.

۱۱ - چنانچه وصیت ناعادلانه تبدیل و اصلاح شود، خداوند گناه وصیت کننده را خواهد بخشید.

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصح بينهم فلا إثم عليه إن الله غفور رحيم

در برداشت فوق < إن الله غفور > در ارتباط با گناه وصیت کننده (فمن خاف من موص .. إثمًا) ملاحظه شده است.

تلفظ به وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۵

۵ - اعتبار وصیت، در گرو تلفظ وصیت کننده به مواد آن است. *

فمن بدله بعد ما سمعه

برداشت فوق را می توان از به کارگیری کلمه شنیدن (بعد ما سمعه) استفاده کرد.

حرمت تغییر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تغییر و تبدیل وصیت میت ، حرام و گناه است .

فمن بدله .. فإنما إثمه على الذين يبدلونه

روش اثبات وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۴،۵

۴ شهادت دو مرد مسلمان عادل ، طریقی برای اثبات وصیت و حدود آن

شده بینکم .. حين الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

۵ شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او ءاخرا من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

سوگند در وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۴،۱۵،۱۶

۱۰ ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد . منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم او ءاخرا من غیرکم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله < تحبسونهما > ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهی چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

۱۴ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فقسمان بالله ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قریبی

ضمیر در <به>

به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در <کان> به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

۱۵ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند .

فیقسمان بالله .. و لانکتّم شهده الله

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله .. إنا اذاً لمن الاثمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۷،۸

۷ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که شهادت آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان بالله لشهدتنا احق من شهدتهما

<احق> افعال تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله <فان عثر...> دلالت بر این تفسیر دارد.

۸ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که هرگز با شهادتشان ستمی را روا نداشته اند .

فیقسمان بالله .. ما اعتدینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۱،۲

۱ قوانین و شرایط شهادت بر وصیت (عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و ...) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها

به درستی و راستی

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد ایمن بعد ایمنهم

ضمیر در < یخافوا > و < ایمنهم > به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین < ترد ایمن > بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین < او یخافوا ان ترد... > یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران باز گردانده شود.

سوگند گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۹،۱۱،۱۶

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

او ءاخرا من غیرکم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم

جمله < تحبسونهما .. > می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان < ذوا عدل منکم > و < ءاخرا من غیرکم > باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی < و ءاخرا من غیرکم > گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۱ اعتبار سوگند شاهدان بر وصیت ، در صورتی است که پس از نماز سوگند یاد کنند .

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله ان ارتبتم

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله ..

إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْاَثْمِينَ

شرایط اثبات وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۴

۴ - وصیت های میت ، با احتمال و گمان ثابت نمی شود و بدون علم به آنها ، اعتبار قانونی ندارد .

فمن بدله بعد ما سمعه

شنیدن وصیت میت (بعد ما سمعه) کنایه از علم به مفاد وصیت است و این قید در حقیقت قید توضیحی است و اشاره به این دارد که: بدون علم به مضمون وصیت، وصیت ثابت نشده و موضوع برای تغییر و تبدیل به وجود نمی آید.

شرایط تغییر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱۰، ۴

۱ - اگر وصیت های مالی ناعادلانه باشد و موجب مشاجره میان صاحبان منفعت شود ، می توان وصیت کننده را به تغییر وصیتش واداشت .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصلح بينهم فلا إثم عليه

<جنف> به معنای ستم و میل به باطل است - که به مناسبت مورد - مقصود وصیت غیر متعارفی است که در حق بازماندگان ستم محسوب می شود. مراد از <إثمًا> نیز همین معناست و مقصود از <فأصلح بينهم>: واداشتن وصیت کننده است. به اینکه وصیت ناعادلانه خویش را بگونه ای تغییر دهد که احتمال مشاجره و نزاعی که ممکن است بر اثر آن وصیت ناعادلانه پیش بیاید، منتفی گردد.

۴ - احتمال ناعادلانه بودن وصیت و منجر شدن آن به مشاجره صاحبان منفعت ، در جواز واداشتن وصیت کننده به تغییر آن ، کافی است .

فمن خاف ... فلا إثم عليه

برداشت فوق از به کارگیری

کلمه <خاف> به دست می آید.

۱۰- وصی میت ، دارای حق ولایت در تغییر و اصلاح وصیت های ناعادلانه میت

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصلح بينهم فلا إثم علیه

شرایط گواهی بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۱

۱ قوانین و شرایط شهادت بر وصیت (عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و ...) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

شرایط وجوب وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۲

۲- داشتن دارایی فراوان از شرایط وجوب وصیت های مالی است .

کتب علیکم .. إن ترک خیراً الوصیه

مراد از <خیر> مال و دارایی است. برخی از مفسران فراوانی آن را نیز قید کرده و گفته اند: به دارایی اندک کلمه خیر اطلاق نمی شود. مناسبت حکم و موضوع یعنی، وصیت برای پدر و مادر و همه خویشان و نیز نکره آوردن کلمه <خیراً> مؤید این معنا در آیه شریفه است.

شرایط وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ سفارش اکید خداوند مبنی بر ضرر نرساندن به وارثان به واسطه دین و وصیت

من بعد وصیّه یوصی بها او دین غیر مضارّ وصیّه من اللّٰه

برداشت فوق بر این اساس است که <وصیّه>، تأکید بر آخرین بخش آیه باشد که ضرر نزدن به وارث به واسطه وصیّت و دین است.

صحت گواهی

بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۳

۳ پی جویی نکردن برای اثبات نادرستی شهادت شاهدان وصیت ، امری شایسته و نیکو است .

فان عثر علی انهما استحقا ائماً

گرچه عثار و عْثور به معنای ساقط شدن است ولی مجازاً درباره کسی که بدون پی جویی از امر بدان آگاهی می یابد، استعمال می شود (برگرفته از مفردات راغب) مجهول بودن فعل <عْثُر> نیز می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

علاقه به وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۰ - ۵

۵ - اشتیاق و علاقه شدید انسان ها به توصیه و سفارش درباره خانواده و اموال خود ، به وقت رو به رو شدن با مرگ

فلا یستطیعون توصیه و لا إلی أھلھم یرجعون

یاد کرد ناتوانی انسان ها از توصیه و سفارش درباره اموال و کسان خود، می رساند که در سرشت بشر چنین علاقه و تمایلی وجود دارد.

عمل به وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۹

۹ - عمل به وصیت های ناعادلانه میت واجب نیست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إئماً فاصلح بینهم فلا إثم علیہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۲ - ۱۶، ۱۲، ۱۰

۱۰ لزوم اهتمام به وصیت میت و پرداخت دیون او

من بعد وصیّه یوصین بها او دین . . . من بعد وصیّه توصون بها او دین ... من بعد وصیّ

تکرار مسأله وصیت و دین، دلالت بر اهمّیت ویژه آن

دارد.

۱۲ وصیتی که به ضرر وارث است ، عمل به آن الزامی نیست .

من بعد وصیّه یوصی بها او دین غیر مضارّ

کلمه <غیر مضارّ> از یکسو وظیفه وصیت کننده را تعیین می کند که مبادا وصیت او باعث ضرر به وارث شود و از سوی دیگر وصیتهایی را که موجب ضرر می گردد، فاقد اعتبار می شمارد.

۱۶ احکام و حدود ارث ، عمل به وصیت میت و پرداخت دیون وی ، وصیت و سفارش اکید خداوند به مردم

و لکم نصف ما ترک .. وصیّه من الله

<وصیّه>، مفعول مطلق است و می تواند تأکیدی بر کلیه قوانین و احکامی باشد که در آیات پیشین بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۱

۱ لزوم عمل به وصیت میت ، ادای دین او ، احکام و قوانین ارث ، حدود الهی است .

تلک حدود الله

<تلک>، اشاره به تمامی احکامی است که در آیات ارث بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱

۱ وصیت (تقاضای تصرف در مال و غیر مال پس از مرگ) امری مشروع ، لازم الاجرا و دارای اعتبار قانونی

شهمه بینکم .. حین الوصیه ائنان ذوا عدل منکم

کتمان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۲

۲۲ شاهدان بر وصیت در صورت کتمان وصیت های میت و یا تغییر آنها به انگیزه های مادی ، از زمره گنهکارانند .

لانشتری . . . و لانکنم شهده

اللّٰهُ اِنَّا اِذَا لَمِنَ الْاِثْمِيْنَ

کیفیت سوگند در وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۱

۱۱ اعتبار سوگند شاهدان بر وصیت ، در صورتی است که پس از نماز سوگند یاد کنند .

تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلٰوةِ فَيَقْسِمَانِ بِاللّٰهِ اِنْ اَرْتَبْتُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۹

۹ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فَيَقْسِمَانِ بِاللّٰهِ اِنَّا اِذَا لَمِنَ الظّٰلِمِيْنَ

کیفیت گواهی بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۴،۱۵،۱۶

۱۴ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند .

فَيَقْسِمَانِ بِاللّٰهِ اِنْ اَرْتَبْتُمْ لَانَشْتَرِيْ بِهٖ ثَمٰنًا وَّلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰی

ضمیر در <به> به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در <کان> به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

۱۵ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند .

فیقسمان بالله .. و لانکتُم شهدہ اللہ

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله .. إنا اذاً لمن الاثمین

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۶،۷،۸،۹

۶ شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فیقسمان بالله

۷ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که شهادت آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان بالله لشهدتنا احق من شهدتهما

<احق> افضل تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله <فان عثر...> دلالت بر این تفسیر دارد.

۸ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که هرگز با شهادتشان ستمی را روا نداشته اند .

فیقسمان بالله .. ما اعتدینا

۹ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فیقسمان بالله إنا اذا لمن الظلمین

گناه تغییر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۱،۳

۱ - تغییر و تبدیل وصیت میت ، حرام و گناه است .

فمن بدله .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه

۳ - گناه تغییر و تبدیل وصیت های میت ، تنها بر تغییر دهندگان است نه بر وصیت کننده و نه کسانی که بر اثر آن از اموال میت بهره مند می شوند .

فمن بدله .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه

کلمه <إنما> دلالت بر حصر دارد و این حصر ناظر

به وصیت کننده است و نیز کسانی که از وصیت اطلاعی نداشته و بر اثر تغییر آن، اموالی از میت نصیبشان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۲

۲۲ شاهدان بر وصیت در صورت کتمان وصیت های میت و یا تغییر آنها به انگیزه های مادی، از زمره گنهکارانند.

لانشتري . . . و لانکتتم شهده الله إنا اذا لمن الاثمين

گناه وصیت ناعادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۳،۱۱

۳ - وصیت های ناعادلانه اگر از سر عمد باشد، گناه است.

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا

۱۱ - چنانچه وصیت ناعادلانه تبدیل و اصلاح شود، خداوند گناه وصیت کننده را خواهد بخشید.

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصلح بينهم فلا إثم عليه إن الله غفور رحيم

در برداشت فوق <إن الله غفور> در ارتباط با گناه وصیت کننده (فمن خاف من موص . . . إثمًا) ملاحظه شده است.

گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۲، ۱۴، ۱۰، ۸

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تحبسونهما من بعد الصلوه فيقسمان بالله

جمله <تحبسونهما> تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند،

باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۰ ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد. منوط به سوگند است.

ذو عدل منکم اوءاخرا من غیرکم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله < تحبسونهما > ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهدی چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

۱۴ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که شهادتشان را وسیله دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشان خود قرار نداده اند.

فیقسمان بالله ان ارتبتم لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

ضمیر در < به > به شهادت که از سیاق آیه بر می آید و ضمیر در < کان > به مشهود له یعنی کسی که شهادت به سود او تمام شده باز می گردد.

۱۵ شاهدان بر وصیت باید در سوگند خویش بیان دارند که تمام محتوای وصیت را ذکر کرده و چیزی از آن را کتمان نکرده اند.

فیقسمان بالله .. و لانشترتم شهده الله

۲۲ شاهدان بر وصیت در صورت کتمان وصیت های میت و یا تغییر آنها به انگیزه های مادی ، از زمره گنهکارانند .

لانشتری .. و لانشترتم شهده الله إنا اذاً لمن الاثمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت ، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام شهادت برآمده و شهادت خویش را ادا کنند

فاخران یقومان مقامهما من الذین استحق علیهم الأولین

مفعول <استحق> کلمه <اثماً> می باشد که به قرینه فراز قبل حذف شده است و <اولیان> فاعل آن می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره <استحقاً اثماً> گفته شده <من الذین استحق...> چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

۵ حضور شاهدان به هنگام وصیت ، ملاک اولویت ایشان ، نسبت به کسانی که مدارک دیگری بر اثبات وصیت دارند .

من الذین استحق علیهم الأولین

<اولیان> صیغه تفضیل و به معنای سزاوارتران است و مراد از آن همان شاهدان نخستین می باشد. اولویت داشتن آنان و سزاوارتر بودنشان نسبت به دیگران یا بدین جهت است که وصیت کننده از آنان خواسته شهادت دهند و آنان را بر این کار برگزیده است اگر چه دیگران نیز وصیت او را شنیده باشند و یا بدین جهت است که این دو شاهد در مجلس وصیت حاضر بوده اند ولی دیگران حضور نداشته اند و از طریقی دیگر به چگونگی وصیت پی برده اند، برداشت فوق ناظر به دومین احتمال است.

۶ شهادت شاهدان جایگزین در امر وصیت ، تنها با سوگند به خدا معتبر و دارای ارزش قانونی است .

فیقسمان بالله

۷ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در سوگند خویش بیان کنند که

شهادت آنان حق است ، نه شهادت شاهدان پیشین

فیقسمان بالله لشهدتنا احق من شهدتهما

<احق> افعال تفضیل است و هدف از بیان آن حقانیت شهادت دهندگان جایگزین است و نفی حقانیت شاهدان نخستین نه مقایسه بین آن دو و بیان این معنا که یکی صحیح و دیگر صحیح تر باشد. جمله <فان عشر...> دلالت بر این تفسیر دارد.

گواهی بر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۳، ۱۹ - ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۲

۲ ابراز وصیت در حضور دو مرد مسلمان عادل ، توصیه ای از جانب خداوند به هر فرد مسلمان

یا ایها الذین ءامنوا شهده بینکم .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

۴ شهادت دو مرد مسلمان عادل ، طریقی برای اثبات وصیت و حدود آن

شده بینکم .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

۵ شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او ءاخرا من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

۶ اعتقاد به خدا از شرایط اعتبار شهادت غیر مسلمان در امر وصیت

فیقسمان بالله ان ارتبتم .. لانکتتم شهده الله

ضرورت سوگند شاهدان به نام خدا در اعتبار شهادت آنان، می رساند که مراد از <ءاخرا من غیرکم> غیرمسلمانی است که اعتقاد به خداوند داشته باشد.

۷ مرگ ، مصیبت و حادثه ای سخت و ناگوار .

مصیبه الموت

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تجسونهما من بعد الصلوه فيقسمان بالله

جمله <تجسونهما> تا آخر آيه مي تواند مي

تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۹ شهادت غیر مسلمان بر وصیت در صورت شک در راستی و درستی شهادت وی تنها با سوگند پذیرفته می شود و از اعتبار قانونی برخوردار می گردد

و اءاخراں من غیر کم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّٰه ان ارتبتم

جمله < تحبسونهما .. > می تواند ناظر به هر دو طائفه از شاهدان < ذوا عدل منکم > و < اءاخراں من غیر کم > باشد. و می تواند تنها ناظر به طائفه دوم یعنی < و اءاخراں من غیر کم > گرفته شود. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۰ ارزش و اعتبار شهادت شاهدان بر وصیت چه مسلمان و چه غیر مسلمان آنگاه که راستی و درستی شهادتشان مورد تردید باشد. منوط به سوگند است .

ذو عدل منکم او اءاخراں من غیر کم .. تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّٰه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله < تحبسونهما > ناظر به هر دو طائفه از شاهدان بر وصیت باشد و اعتبار شهادت هر شاهی چه مسلمان و چه غیر مسلمان را مقید به سوگند کند.

۱۳ سوگند به نام خدا، تنها سوگند معتبر و دارای ارزش قانونی در شهادت بر وصیت

فیقسمان باللّٰه

شهادت بر وصیت امری بس عظیم

و لانکتُم شهده اللّٰه

مراد از <شهده اللّٰه>، شهادت بر وصیت است یعنی شاهدان بر وصیت در حقیقت شهادت الهی را بر دوش دارند و این حکایت از اهمیت والای شهادت بر وصیت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۲

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد ایمن بعد ایمنهم

ضمیر در <یخافوا> و <ایمنهم> به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین <ترد ایمن> بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین <او یخافوا ان ترد...> یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

گواهی گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۳

۳ پی جویی نکردن برای اثبات نادرستی شهادت شاهدان وصیت ، امری شایسته و نیکو است .

فان عثر علی انهما استحقا اثماً

گرچه عثار و عثور به معنای ساقط شدن است ولی مجازاً درباره کسی که بدون پی جویی از امر بدان آگاهی می یابد، استعمال می شود (برگرفته از مفردات راغب) مجهول بودن فعل <عثر> نیز می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

مالکیت موصی له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۷

دارای ارزش حقوقی است .

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت إن ترک خیراً الوصیه

تأکید بر امر وصیت و نیز حرمت تغییر و تبدیل مفاد آن - که آیه بعد دلالت بر آن دارد - مستلزم این معناست که: وصیتهای میت دارای اعتبار قانونی و حقوقی است و عمل به آنها واجب است.

محدوده وصیت مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۵

۵ - وصیت های مالی باید در حد متعارف بوده و به گونه ای که مردم آن را نابه جا و ناروا نشمارند .

الوصیه للولدين و الأقربین بالمعروف

معروف مقابل منکر به معنای شناخت شده است و مراد از آن، چیزی است که مردم در جامعه دینی آن را شایسته بدانند و مورد انکار قرار ندهند.

مسؤول تغییر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۳

۳ - گناه تغییر و تبدیل وصیت های میت ، تنها بر تغییر دهندگان است نه بر وصیت کننده و نه کسانی که بر اثر آن از اموال میت بهره مند می شوند .

فمن بدله .. فإنما إثمه علی الذین یبدلونه

کلمه <إنما> دلالت بر حصر دارد و این حصر ناظر به وصیت کننده است و نیز کسانی که از وصیت اطلاعی نداشته و بر اثر تغییر آن، اموالی از میت نصیبشان می شود.

مسؤولیت گواهان وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی

بر عهده ایشان و نشان تقوای پیشگی آنان است .

ذلك ادنى ان يأتوا بالشهده على وجهها .. و اتقوا الله و اسمعوا

مشروعیت وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱

۱ وصیت (تقاضای تصرف در مال و غیر مال پس از مرگ) امری مشروع ، لازم الاجرا و دارای اعتبار قانونی

شده بینکم .. حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم

مصارف وصیت مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۱۰

۱۰ - محمد بن مسلم می گوید : > سألت أبا عبد الله (ع) عن رجل أوصى بماله في سبيل الله فقال : أعطه لمن أوصى به له و إن كان يهودياً إن الله تبارك و تعالی يقول : فمن بدله بعد ما سمعه فإنما إثمه على الذين يبدلونه ;

از امام صادق (ع) سؤال کردم: شخصی وصیت کرده مالش در راه خدا مصرف شود امام فرمودند: مال را به هر کسی که وصیت کرده بدهید اگر چه آن شخص یهودی باشد. خدای تبارک و تعالی می فرماید: هر کس تغییری در وصیت بدهد بعد از آنکه آن را شنید، همانا گنااهش بر کسانی است که آن را تغییر داده اند.<

ملاکهای اعتبار وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۴،۵

۴ - وصیت های میت ، با احتمال و گمان ثابت نمی شود و بدون علم به آنها ، اعتبار قانونی ندارد .

فمن بدله بعد ما سمعه

شنیدن وصیت میت (بعد ما سمعه) کنایه از علم

به مفاد وصیت است و این قید در حقیقت قید توضیحی است و اشاره به این دارد که: بدون علم به مضمون وصیت، وصیت ثابت نشده و موضوع برای تغییر و تبدیل به وجود نمی آید.

۵- اعتبار وصیت، در گرو تلفظ وصیت کننده به مواد آن است. *

فمن بدله بعد ما سمعه

برداشت فوق را می توان از به کارگیری کلمه شنیدن (بعد ما سمعه) استفاده کرد.

موانع تغییر وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۸

۸- باور و توجه به دانایی خداوند، بازدارنده انسان از تغییر و تبدیل وصیت های میت

فمن بدله .. إن الله سمیع علیم

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان حرمت تغییر وصیت و گناه بودن آن، این است که: آدمی با توجه به آن، در اندیشه تغییر و تبدیل وصیت بر نیاید.

وصیت برای خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۱، ۱۲، ۴

۴- آدمی باید اموالی را برای پرداخت به پدر و مادر و خویشان نزدیک وصیت کند.

کتب علیکم .. الوصیه للولدین و الأقربین

۱۱- اولویت پدر و مادر نسبت به دیگر خویشاوندان در امر وصیت

الوصیه للولدین و الأقربین

برداشت فوق از تقدیم کلمه <والدین> بر <الأقربین> استفاده شده است.

۱۲- توصیه به پرداخت اموالی به پدر، مادر و خویشان، مقتضای تقوا و پرهیزگاری است.

کتب علیکم .. الوصیه للولدين و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

وصیت برای والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - آدمی باید اموالی را برای پرداخت به پدر و مادر و خویشان نزدیک وصیت کند .

کتب علیکم .. الوصیه للولدين و الأقربین

۱۱ - اولویت پدر و مادر نسبت به دیگر خویشاوندان در امر وصیت

الوصیه للولدين و الأقربین

برداشت فوق از تقدیم کلمه <والدين> بر <الأقربین> استفاده شده است.

۱۲ - توصیه به پرداخت اموالی به پدر ، مادر و خویشان ، مقتضای تقوا و پرهیزگاری است .

کتب علیکم .. الوصیه للولدين و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

وصیت به انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۹،۲۳،۲۴

۱۹ - وصیت به اعطای بخشی از مال ، به کسی ، باید بر اساس متعارف باشد .

إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا

۲۳ - وصیت به اعطای بخشی از اموال به غیر وارثان ، امری ثبت شده در کتاب (تشریح الهی) است .

إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكُتُبِ مَسْطُورًا

۲۴ - در صورت وصیت مورث به اعطای بخشی از مال اش به غیر وارث ، وارثان ، نسبت به آن مال ، از اولویت برخوردار نخواهند بود .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله .. إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ م

وصیت به انفاق مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مؤمنان ، مجازند تا وصیت کنند که بخشی از مال شان ، به غیر خویشاوندان نسبی ، داده شود .

إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا

مراد از < أَنْ تَفْعَلُوا ..مَعْرُوفًا > به قرینه این که

سخن از ارث بردن خویشاوندان نسبی است، تصمیم شخص به اعطای بخشی از مال اش، پس از مرگ، به غیر وارثان است. لازم به ذکر است که <تفعلوا> به تأویل مصدر می رود و مبتدا است و خبرش که چیزی مانند <حسن و...> می باشد محذوف است.

وصیت به بدهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۲۴

۲۴ در پرداخت دیون میت، نیازی به وصیت از جانب او نیست.

من بعد وصیه یوصی بها او دین

وصیت به نفقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۳

۳ لزوم وصیت مردان برای پرداخت هزینه یکسال به همسران خویش

و الذین يتوفون منكم و یذرون ازواجاً وصیه لازواجهم متاعاً الی الحول

وصیت بی اعتبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۹

۹ - وصیت های ناعادلانه و غیر متعارف فاقد اعتبار و ارزش حقوقی است . *

الوصیه للولدین و الأقربین

وصیت در احتضار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۵

۵ شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او اءاخران من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

وصیت در سفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۳،۵

۳ سهل انگاری در وصیت به

هنگام مشاهده آثار مرگ هر چند در سفر و دیار کافران امری ناشایست برای اهل ایمان

إذا حضر احدکم الموت حین الوصیه

<حین الوصیه> بدل از <اذا> می باشد، یعنی هنگام مشاهده آثار مرگ هنگام پرداختن به وصیت است نه انجام کاری دیگر و این گویای تأکید الهی بر امر وصیت می باشد.

۵ شهادت دو مرد غیر مسلمان ، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن ، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند .

او ءاخران من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصبتکم مصیبه الموت

وصیت غیر متعارف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۹

۹ - وصیت های ناعادلانه و غیر متعارف فاقد اعتبار و ارزش حقوقی است . *

الوصیه للولدین و الأقربین

وصیت مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۷، ۱۲، ۱۰

۱۰ - وصیت برای پرداخت مال به وارثان ، جایز و دارای اعتبار قانونی است .

الوصیه للولدین و الأقربین

۱۲ - توصیه به پرداخت اموالی به پدر ، مادر و خویشان ، مقتضای تقوا و پرهیزگاری است .

کتب علیکم .. الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

۱۷ - عروه گوید : <إن علی بن أبی طالب دخل علی مولی لهم فی الموت ، و له سبعمائه درهم أو ستمائة درهم ، فقال : ألا أوصی ، قال : لا إنما قال الله <إن ترک خیراً > و لیس لک کثیر مال فدع مالک لورثتک ;

علی (ع) بر بالین یکی از موالی بنی

هاشم به هنگام مرگش حاضر شد در حالی که آن شخص هفتصد یا ششصد درهم داشت. به علی (ع) گفت: در مال خود وصیت ننمایم؟ حضرت فرمود: نه! خداوند فرموده: <إن ترک خیراً؛ یعنی، اگر مال فراوان به جای گذاشته اید وصیت کنید در حالی که تو مال فراوانی نداری پس بگذار این مقدار مال برای ورثه باشد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱

۱ - اگر وصیت های مالی ناعادلانه باشد و موجب مشاجره میان صاحبان منفعت شود، می توان وصیت کننده را به تغییر وصیتش واداشت.

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصح بینهم فلا إثم علیه

<جنف> به معنای ستم و میل به باطل است - که به مناسبت مورد - مقصود وصیت غیر متعارفی است که در حق بازماندگان ستم محسوب می شود. مراد از <إثمًا> نیز همین معناست و مقصود از <فأصلح بینهم>: واداشتن وصیت کننده است. به اینکه وصیت ناعادلانه خویش را بگونه ای تغییر دهد که احتمال مشاجره و نزاعی که ممکن است بر اثر آن وصیت ناعادلانه پیش بیاید، منتفی گردد.

وصیت معتبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۰

۱۰ - وصیت برای پرداخت مال به وارثان، جایز و دارای اعتبار قانونی است.

الوصیه للولدین و الأقربین

وصیت میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۷

۷ - خداوند، به وصیت های میت آگاه و به عملکرد وصی و بازماندگان او داناست.

فمن بدله ...

فإنما إثمهم على الذين يبدلونه إن الله سميع عليم

وصیت ناعادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱۰، ۹، ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ - اگر وصیت های مالی ناعادلانه باشد و موجب مشاجره میان صاحبان منفعت شود، می توان وصیت کننده را به تغییر وصیتش واداشت .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصلح بينهم فلا إثم عليه

<جنف> به معنای ستم و میل به باطل است - که به مناسبت مورد - مقصود وصیت غیر متعارفی است که در حق بازماندگان ستم محسوب می شود. مراد از <إثمًا> نیز همین معناست و مقصود از <فأصلح بينهم>: واداشتن وصیت کننده است. به اینکه وصیت ناعادلانه خویش را بگونه ای تغییر دهد که احتمال مشاجره و نزاعی که ممکن است بر اثر آن وصیت ناعادلانه پیش بیاید، منتفی گردد.

۲ - در جواز تغییر وصیت های ناعادلانه و ترغیب وصیت کننده به تغییر آن، تفاوتی میان صورت عمد و سهو نیست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصلح بينهم فلا إثم عليه

چنانچه گذشت مقصود از <جنفاً> و <إثمًا> وصیت ناعادلانه است. این تقسیم حاوی این نکته است که: وصیت ناعادلانه چه عمدی باشد - که در این صورت وصیت کننده گنهکار است - و چه سهوی و بدون توجه، شایسته تغییر و تبدیل است.

۴ - احتمال ناعادلانه بودن وصیت و منجر شدن آن به مشاجره صاحبان منفعت، در جواز واداشتن وصیت کننده به تغییر آن، کافی است .

فمن خاف .. فلا إثم عليه

برداشت فوق از به کارگیری کلمه <خاف> به دست می آید.

۵ - واداشتن وصیت کننده

به تغییر وصیت های ناعادلانه ، مصداق حرمت تبدیل وصیت نبوده و وادار کننده ، گنهکار نیست .

فمن بدله .. فإنما إثمه على الذین یبدلونه ... فمن خاف ... فلا إثم علیه

۶ - تغییر وصیت های ناعادلانه میت ، جایز و تغییر دهنده گنهکار نیست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصلح بینهم فلا إثم علیه

می توان آیه شریفه را در فرض حیات وصیت کننده تصویر کرد و نیز می توان زمان آن را پس از مرگ وی دانست. برداشتهای قبلی بر مبنای نخست و برداشت فوق، بر اساس فرض دوم است.

۹ - عمل به وصیت های ناعادلانه میت واجب نیست .

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصلح بینهم فلا إثم علیه

۱۰ - وصی میت ، دارای حق ولایت در تغییر و اصلاح وصیت های ناعادلانه میت

فمن خاف من موص جنفاً أو إثمًا فاصلح بینهم فلا إثم علیه

وقت وجوب وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱

۱ - وجوب وصیت به هنگام فرا رسیدن مرگ و پیدایش آثار آن

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت .. الوصیه

وضو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وضو

احکام وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۲۰

۲۰ وضو و غسل در هوای سرد با وجود خطر جانی ، در حکم خودکشی است .

و لا تقتلوا انفسکم

رسول الله (ص) در پاسخ سؤال از وضو و غسل در هوای سرد با وجود خطر جانی فرمود: و لا تقتلوا انفسکم انّ الله کان بکم رحیماً.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۱۰۲؛

نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۲۰۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۳۸، ۲۴، ۲۱، ۳

۳ وضو، غسل و تیمم در حال مستی، باطل است. *

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

نهی از نزدیک شدن به نماز می تواند اشاره به بطلان وضو و غسل و تیمم نیز باشد، چون نزدیک شدن به نماز با آنها تحقق می یابد.

۲۱ خروج بول و غائط، از موجبات وضو و تیمم

او جاء احد منكم من الغائط .. فلم تجدوا ماءً فتيّموا

<غائط> به محل دفع بول و مدفوع گفته می شود. و آمدن از آن محل، کنایه از خروج بول و مدفوع است.

۲۴ محدث پس از یافتن آب باید غسل کند و یا وضو بگیرد، هر چند پیش از آن به جهت نبود آب تیمم کرده باشد.

یا ایها الذین امنوا .. فتيّموا

مفهوم جمله شرطیه <ان کنتم .. لمستم ... فلم تجدوا ماءً فتيّموا>، این است که در صورت یافتن آب، با تیمم نمی توان نماز خواند. بنابراین کسی که به آب دسترسی نداشته و تیمم کرده در صورت یافتن آب باید غسل کند یا وضو بگیرد.

۳۸ لزوم خرید آب برای وضو، در حد توان مالی

فلم تجدوا ماءً

امام کاظم (ع) درباره میزان مبلغ ضروری برای تهیه آب وضو و غسل در صورت نبودن آب فرمود: ذلک علی قدر جدته.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۷.

جلد -

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ایدیکم ... و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

۲ تمام اجزای دست ، بین آرنج تا سر انگشتان ، باید برای وضو شسته شود .

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلى المرافق

<الی المرافق> توضیح و توصیف برای <ایدیکم> است، نه قید برای <فاغسلوا>. یعنی دستها را بشوئید و مراد از دستها، دست تا مچ و یا تا کتف نیست بلکه دست تا مرفق مقصود است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام باقر(ع) است که در توضیح آیه فوق فرمود: ... و لیس له ان یدع شیئاً من یدیه الی المرفقین الا- غسله لان الله یقول < فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق > ...

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۷.

۳ مسح قسمتی از سر ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم

برداشت فوق بر این مبنا است که <باء> در <برءوسکم> برای تبعیض باشد.

۵ مسح پا تا قوزک های دو طرف آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلى الکعبین

در برداشت فوق <کعب> به معنای قوزک پا گرفته شده است و تشبیه آمدن <کعبین> مؤید این معناست. زیرا هر پا دو قوزک دارد.

۷ لزوم رعایت ترتیب در افعال وضو

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلى المرافق و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

تقدم ذکری صورت بر دستها و مسح سر بر مسح پاها، دلالت بر لزوم ترتیب در شستن و

مسح اعضای وضو دارد. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر(ع) است که در مورد افعال وضو در آیه فوق فرمود: ... ابدأ الوجه ثم باليدین ثم امسح الراس و الرجلین ... ابدأ بما بدأ الله به.

کافی، ج ۳، ص ۳۴، ح ۵ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۹، ح ۷۹.

۱۵ لزوم جستجوی برای یافتن آب جهت وضو و غسل

فلم تجدوا ماء

کلمه <نیافتن> در موردی به کار برده می شود که شخص چیزی را جستجو کند و نیابد.

۱۶ خروج بول و غائط، موجب وضو و ناقض آن است.

او جاء أحد منکم من الغائط .. فلم تجدوا ماء فتمموا

<غائط> در کلام عرب به معنای گودال مستراح است و آمدن از مستراح، کنایه از خروج بول و مدفوع است.

۳۸ لزوم وضو گرفتن برای نماز بعد از بیدار شدن از خواب

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای <اذا قمتم> در آیه فوق فرمود: <اذا قمتم من النوم ..>.

تهذیب، ج ۱، ص ۷، ح ۹، ب ۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۱.

۳۹ لزوم شستن صورت در وضو از رستنگاه مو تا چانه و در پهنا به اندازه ای که ما بین انگشت شصت و وسطی قرار می گیرد

فاغسلوا وجوهکم

از امام باقر(ع) در بیان مقداری از صورت که خداوند دستور شستن آن را در وضو داده است روایت شده: الوجه الذی امر الله بغسله .. ما دارت السبابه و الوسطی و الابهام من قصاص الشعر الی الذقن ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۱۶.

کفایت مسح قسمتی از پا و سر در وضو

و امسحوا براءوسکم و ارجلکم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: .. ان المسح ببعض الرأس لمكان الباء ثم وصل الرجلين بالرأس كما وصل اليدين بالوجه ... فعرفنا حين وصلها بالرأس ان المسح على بعضها ...

کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۶، ح ۷۰.

۴۱ حد مسح پا در وضو، مفصل آن است.

إلى الكعبين

امام باقر(ع) در بیان معنای <کعبین> در آیه فوق فرمود: .. ههنا یعنی المفصل دون عظم الساق ...

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۸، ح ۷۳.

۴۳ لزوم خرید آب برای وضو و غسل، در حد توان مالی به وقت دسترسی نداشتن به آن

فلم تجدوا الماء

از امام کاظم(ع) روایت شده که درباره میزان مبلغ ضروری برای تهیه آب وضو و غسل در صورت نبود آب فرمود: ذلك على قدر جدته.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۱۴۶؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۷.

۴۵ تیمم، باید بر زمین پاکیزه باشد.

فتمموا صعيداً طيباً

از امام صادق(ع) درباره <صعيداً طيباً> در آیه فوق روایت شده: <الصعيد> الموضع المرتفع و <الطيب> الموضع الذي ينحدر عنه الماء.

مرتفع بودن زمین و عبور آب بر روی آن که در حدیث آمده، کنایه از پاکیزه بودن زمین است چون اگر زمین گود باشد، جایگاه کثافات شده و آب در آن مانده و لجن می گردد.

معانی الاخبار، ص ۲۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۲۷۵.

اهمیت وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۳۲ تشریح وضو، غسل و تیمم، از نعمت های الهی

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم... و لکن یرید لیطهرکم ولیم نعمته علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۷

۷ فراهم شدن آب برای غسل و وضو و تطهیر نجاست ها و قذارت ها، از اهداف نزول باران برای مجاهدان بدر

و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به

ذکر نشدن متعلق <یطهرکم> حکایت از عمومیت آن متعلق دارد (نجاستهای ظاهری و باطنی). یعنی خداوند باران را فرو فرستاد تا نجاستهای ظاهری را به وسیله آن برطرف سازید و آنان که جنب هستند غسل کنند و دیگران وضو بسازند.

ترتیب در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۷

۷ لزوم رعایت ترتیب در افعال وضو

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلی المرافق و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

تقدم ذکر صورت بر دستها و مسح سر بر مسح پاها، دلالت بر لزوم ترتیب در شستن و مسح اعضای وضو دارد. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر(ع) است که در مورد افعال وضو در آیه فوق فرمود: ... ابدأ الوجه ثم بالیدین ثم امسح الراس و الرجلین ... ابدأ بما بدأ الله به.

کافی، ج ۳، ص ۳۴، ح ۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۹، ح ۷۹.

شستن دست در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها (وضو) ، برای

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ايديكم .. و امسحوا برءوسكم و ارجلكم

۲ تمام اجزای دست ، بین آرنج تا سر انگشتان ، باید برای وضو شسته شود .

فاغسلوا وجوهكم و ايديكم إلى المرافق

<الی المرافق> توضیح و توصیف برای <ایديکم> است، نه قید برای <فاغسلوا>. یعنی دستها را بشوئید و مراد از دستها، دست تا مچ و یا تا کتف نیست بلکه دست تا مرفق مقصود است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام باقر(ع) است که در توضیح آیه فوق فرمود: ... و ليس له ان يدع شيئاً من يديه الى المرفقين الا- غسله لان الله يقول < فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق> ...

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۷.

شستن صورت در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ايديكم .. و امسحوا برءوسكم و ارجلكم

فلسفه وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۲۹

۲۹ هدف از تشریح وضو ، غسل و تیمم ، طهارت مؤمنان و اتمام نعمت الهی به آنان است ، نه ایجاد حرج و مشقت .

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا .. و لكن يريد ليظهركم وليتم نعمته عليكم

مبطلات وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۶،۳۸

۱۶ خروج

بول و غائط ، موجب وضو و ناقض آن است .

او جاء أحد منكم من الغائط .. فلم تجدوا ماء فتميموا

<غائط> در کلام عرب به معنای گودال مستراح است و آمدن از مستراح، کنایه از خروج بول و مدفوع است.

۳۸ لزوم وضو گرفتن برای نماز بعد از بیدار شدن از خواب

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای <اذا قمتم> در آیه فوق فرمود: <اذا قمتم من النوم ..>.

تهذیب، ج ۱، ص ۷، ح ۹، ب ۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۱.

محدوده مسح پا در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۴۱، ۴۰

۴۰ کفایت مسح قسمتی از پا و سر در وضو

و امسحوا براء و سکم و ارجلکم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: .. ان المسح ببعض الرأس لمكان الباء ثم وصل الرجلين بالرأس كما وصل اليدين بالوجه ... فعرنا حين وصلها بالرأس ان المسح على بعضها ...

کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۶، ح ۷۰.

۴۱ حد مسح پا در وضو ، مفصل آن است .

إلى الكعبين

امام باقر(ع) در بیان معنای <کعبین> در آیه فوق فرمود: .. ههنا یعنی المفصل دون عظم الساق ...

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۸، ح ۷۳.

محدوده مسح سر در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۴۰

۴۰ کفایت مسح قسمتی از پا و سر در وضو

و امسحوا براءوسکم و ارجلکم

امام باقر(ع)

در توضیح آیه فوق فرمود: .. ان المسح ببعض الرأس لمكان الباء ثم وصل الرجلين بالرأس كما وصل اليدين بالوجه ... فعرفنا حين وصلها بالرأس ان المسح على بعضها ...

کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۶، ح ۷۰.

مسح پا در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۵، ۴، ۱

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پا ها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ايديكم ... و امسحوا برءوسكم و ارجلكم

۴ مسح پا تا برآمدگی روی آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسكم و ارجلكم إلى الكعبين

۵ مسح پا تا قوزک های دو طرف آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسكم و ارجلكم إلى الكعبين

در برداشت فوق <کعب> به معنای قوزک پا گرفته شده است و تشبیه آمدن <کعبین> مؤید این معناست. زیرا هر پا دو قوزک دارد.

۶ در مسح پا باید همه آن مسح شود . *

و امسحوا برءوسكم و ارجلكم إلى الكعبين

منصوب بودن <ارجلكم> حکایت از آن دارد که باء تبعیض بر آن داخل نشده است، بلکه <ارجلكم> عطف بر محل <برءوسكم> شده و در حقیقت مفعول بدون واسطه برای <امسحوا> است.

مسح سر در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ايديكم . . . و

امسحوا برءوسکم و ارجلکم

۳ مسح قسمتی از سر ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم

برداشت فوق بر این مبنا است که <باء> در <برءوسکم> برای تبعیض باشد.

واجبات وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۲۱

۲۱ خروج بول و غائط ، از واجبات وضو و تیمم

او جاء احد منکم من الغائط .. فلم تجدوا ماءً فتیمموا

<غائط> به محل دفع بول و مدفوع گفته می شود. و آمدن از آن محل، کنایه از خروج بول و مدفوع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۶

۱۶ خروج بول و غائط ، موجب وضو و ناقض آن است .

او جاء أحد منکم من الغائط .. فلم تجدوا ماءً فتیمموا

<غائط> در کلام عرب به معنای گودال مستراح است و آمدن از مستراح، کنایه از خروج بول و مدفوع است.

واجبات وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۹، ۴۰، ۲، ۱

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم .. و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

۲ تمام اجزای دست ، بین آرنج تا سر انگشتان ، باید برای وضو شسته شود .

فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلی المرافق

<الی المرافق> توضیح و توصیف برای <ایدیکم> است، نه قید برای <فاغسلوا>. یعنی دستها را بشوئید و مراد از دستها، دست تا میچ و یا تا کتف نیست بلکه دست تا مرفق مقصود

است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام باقر(ع) است که در توضیح آیه فوق فرمود: ... و لیس له ان یدع شیئاً من یدیه الی المرفقین الا غسله لان الله یقول < فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق > ...

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۷.

۳ مسح قسمتی از سر، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم

برداشت فوق بر این مبنا است که <باء> در <برءوسکم> برای تبعیض باشد.

۴ مسح پا تا برآمدگی روی آن، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم الی الکعبین

۵ مسح پا تا قوزک های دو طرف آن، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم الی الکعبین

در برداشت فوق <کعب> به معنای قوزک پا گرفته شده است و تشبیه آمدن <کعبین> مؤید این معناست. زیرا هر پا دو قوزک دارد.

۳۹ لزوم شستن صورت در وضو از رستنگاه مو تا چانه و در پهنا به اندازه ای که ما بین انگشت شصت و وسطی قرار می گیرد

فاغسلوا وجوهکم

از امام باقر(ع) در بیان مقداری از صورت که خداوند دستور شستن آن را در وضو داده است روایت شده: الوجه الذی امر الله بغسله ... ما دارت السبابه و الوسطی و الابهام من قصاص الشعر الی الذقن ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۱۶.

وجوب وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۲۱

۲۱ وجوب وضو ، غسل و تیمم ، وجوب غیرى است .

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و

ایدیکم فلم تجدوا ماء فتیمموا

با توجه به اینکه وضو و ... را برای نماز، واجب کرده است، وجوب غیری از آن استفاده می شود.

وضو در مستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۳

۳ وضو، غسل و تیمم در حال مستی، باطل است. *

لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

نهی از نزدیک شدن به نماز می تواند اشاره به بطلان وضو و غسل و تیمم نیز باشد، چون نزدیک شدن به نماز با آنها تحقق می یابد.

وطن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وطن

آثار علاقه به وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۵

۵ وابستگی به خانه و سرزمین، از موانع هجرت در راه خدا

و من یخرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله

تکیه بر خروج از خانه (یخرج من بیته)، اشاره به این دارد که وابستگی آدمیان به خانه و کاشانه، عامل ترک هجرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۷

۷ - دل بستگی به زندگی دنیایی و مرز و بوم خویش، زمینه ساز گریز از حق و هدایت

و قالوا إن نتبع الهدى معك نتخطف من أرضنا

آثار وطن پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۴

۴ شیفتگی فرعونیان به حکومت و سلطنت و وابستگی شدیدشان به موطن خویش ، از عوامل تکذیب موسی و جبهه گیری آنان در برابر وی

یرید أن یخرجکم من أرضکم

ترس از اخراج از وطن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۲

۲ - ترس ربوده شدن از سرزمین مکه به وسیله مشرکان عرب (کوچ اجباری و از دست دادن ملک و خانه و اموال) ، بهانه شرک پیشگان مکه در نپذیرفتن دعوت پیامبر (ص)

و قالوا إن نَّعَى الهدى معك نتخطف من أرضنا

جلای وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۵

۱۵ ضرورت عمل به تکالیف الهی ، هر چند لازمه آن ترک دیار و هجرت به سرزمین دیگر باشد .

قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها

حق سکونت در وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۴

۴ - سکونت در زادگاه و موطن ، حق مشروع انسان ها

الذین أُخرجوا من دیرهم بغير حقّ

حق وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیوار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیوار کم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

ظلم اخراج از وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲

۲ - اخراج ناروای مردم از

موطن و سرزمین خویش ، از آشکارترین ظلم ها

بأنهم ظلموا .. الذين أُخرجوا من ديارهم

با توجه به این که از میان تمام اذیت و آزارهای مسلمانان صدراسلام، آوارگی آنان اختصاص به ذکر شده، برداشت فوق استفاده می شود.

علاقه به وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۶ - ۷

۷ وابستگی انسان به خویش ، شهر و دیار (خانه و کاشانه) مانعی جهت تسلیم در برابر خداوند

و یسلّموا تسلیمًا. و لو انا کتبنا ... ما فعلوه الاّ قليل منهم

محدوده علاقه به وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ - رها کردن تقوای پیشگی و احسان ، به خاطر دلبستگی به وطن و محل سکونت ، عملی ناپسند و عذری ناپذیرفتنی

یعباد الذین ءامنوا اتّقوا ربّکم .. و أرض اللّٰه وسعه

ملاک انتخاب وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - وجود شرایط مناسب و مساعد برای دینداری ، تقوای پیشگی و احسان ، از معیار های شایسته و بایسته در انتخاب وطن و

محل زندگی

یعباد الذین ءامنوا اتّقوا ربّکم .. و أرض اللّٰه وسعه

وطن پرستی

آثار وطن پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۴

۴ شیفتگی فرعونیان به حکومت و سلطنت و وابستگی شدیدشان به موطن خویش ، از عوامل تکذیب موسی و جبهه گیری آنان در برابر وی

یرید أن یخرجکم من أرضکم

وعده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{وعده}

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۲۰، ۱۹، ۴، ۲

۲ خداوند ، نویددهنده پاداش به خردمندان مؤمن

رَبَّنَا وَ اتْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رَسَلِك

۴ وفای خداوند به وعده های خویش ، جلوه ای از ربوبیت او

رَبَّنَا وَ اتْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رَسَلِك

۱۹ نقش دعا در تحقق وعده های الهی و رهایی از خذلان در آخرت

رَبَّنَا وَ اتْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رَسَلِك وَ لَا تَخْزَنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ

اگر دعا در تحقق وعده های الهی تأثیر نداشت، خداوند آن را به عنوان ویژگی مؤمنان خردمند نقل نمی کرد.

۲۰ ایمان ، زمینه تحقق نوید های الهی به خردمندان و رهایی از خواری و خذلان اخروی

فَاَمَّا رَبَّنَا .. رَبَّنَا وَ اتْنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رَسَلِك وَ لَا تَخْزَنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ

با توجه به اینکه <اتنا> عطف است بر <اغفر لنا>، در جمله <فامنا ربنا فاغفر لنا>، معلوم می شود که خردمندان انتظار بر آورده شدن دعا و خواست خویش را، بر ایمانشان به ربوبیت خداوند مترتب ساختند.

آثار ایمان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ - تقوا و ایمان به قیامت و وعده های خدا ، مانع فریفتگی انسان به زندگی دنیا است .

اتقوا ربَّكُمْ وَ اخشوا يَوْمًا .. اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمْ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا

آثار بی اعتنایی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - پیروی بنی اسرائیل از سامری و بی توجهی آنان به وعده الهی ، زمینه ساز گرفتاری آنان به

غضب خداوند بود .

و أضلّهم السامريّ .. أم أردتم أن يحلّ عليكم غضب من ربّكم

<أم> در این آیه منقطه است و مفاد عبارت <أم أردتم> این است که دلیل گوساله پرستی شما، تأخیر وعده نبودن بلکه شما به گونه ای عمل کردید که علاقه مندان به غضب الهی عمل می کنند. بنابراین، جمله <أردتم...> استعاره است و نمای کار آنان را نشان می دهد.

آثار تکذیب وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین كفروا .. قالوا يويلنا ... هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۲

۲- کفر به معاد و انکار حقانیت وعده های الهی ، درپی دارنده کیفری حتمی

فيقول ما هذا إلا أسطير الأولين . أولئك الذين حقّ عليهم القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۷

۷- طغیان گری ، اصرار بر گناه و تکذیب پیام های الهی ، مایه سقوط و تباهی نفس انسان است .

وقد خاب من دسّيها . كذّبت ثمود بطغويها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۱ - ۲

۲ - بخلورزی ، و زراندوزی و تکذیب وعده های خداوند ، زمینه ساز سقوط و هلاکت

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ . . . إِذَا تَرَدَّى

جلد - نام سورہ - سورہ -

۳ - بخل و ثروت اندوزی حاصل از آن و تکذیب وعده های خداوند ، زمینه ساز گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و أما من بخل و استغنی . و کذب ... فأندر تکم ناراً تلظى

آثار خلف وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - > عن هشام بن سالم قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : عِدَةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَبِخْلُفِ اللَّهِ بَدَأَ وَ لَمَقَّتْهُ تَعَرُّضٌ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ : > يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ . كِبْرٌ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ < ;

هشام بن سالم گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: وعده مؤمن به برادر مؤمنش، نذری است که کفاره ندارد. [ولی کسی که خلف وعده کند، نخست با خدا خلف وعده کرده و خود را در معرض خشم او قرار داده است و این، سخن خداوند است که فرمود: یا ایها الذین آمنوا لِمَ تقولون ما لا تفعلون . کبر مقتاً عند الله أن تقولوا ما لا تفعلون].

آثار شک به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- نپذیرفتن دعوت انبیا و وعده های الهی و شک و تردید مستمر در آن ، پیامدار عذاب الهی

قالوا بل جنك بما كانوا فيه يمترون

فعل مضارع <يمترون> با آمدن فعل <كانوا> پیش از آن، بیانگر استمرار مضمون آن است.

آثار عجله در وفای به وعده

جلد - نام سوره - سوره -

۶ - شتاب در کار خیر و تعجیل در وفای به وعده ، موجب جلب رضایت خدا است .

و ما أعجلک .. و عجلت إلیک ربّ لترضی

هر چند که موسی(ع) به جهت جدا شدن از مردم، مورد پرس و جوی خداوند قرار گرفت؛ ولی هدف او از این تعجیل، مورد نقد قرار نگرفته است؛ یعنی، تسریع در وفای به وعده و حضور در میقات، به خودی خود، کار مطلوبی بوده است.

آثار وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - وعده یاری خداوند و آگاهی گسترده او بر جزئیات ماجرای ارشاد فرعون ، مایه امیدواری و آرامش بخش دل های نگران موسی و هارون (ع) بود .

إِنَّا نَخَافُ .. لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - دوری عده ای از آتش جهنم ، براساس وعده نیک الهی به ایشان در دنیا است .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ .. مَبْعُودُونَ

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <الحسنی> صفت برای موصوفی محذوف چون <الوعده> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - وعده ها و تهدید های الهی برای کافران عصر بعثت ، ثمربخش و کارساز نبود .

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا

حرف <بل> از ما قبل است، یعنی، تهدیدهای پیش برای کافران بی تأثیر است. عنوان <الذین كفروا>، ممکن است عنوان مشیر و ناظر به

مصادیق خارجی آن باشد که کافران مکه بودند و نیز می تواند به تمام کافران در طول تاریخ نظر داشته باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

آداب اعلام وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۱

۱- توجه به مشیت خداوند و گفتن < إِنْ شَاءَ اللَّهُ > به هنگام اعلان هرگونه وعده و تصمیم، لازم است.

و لا تقولنَّ . . . إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

<إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ> نیاز به تقدیر دارد زیرا، بدون تقدیر، نهی <لا تقولنَّ..> توجیه پذیر نیست. مناسب ترین تقدیری که مفسران بیان کرده اند، عبارت <إِلَّا- أَنْ تَقْرَنَهُ بِأَنْ يَشَاءَ اللَّهُ> است. در این صورت، مفاد آیه، با توجه به آیه قبل، چنین می شود: <در گفته خود، انجام هیچ کاری را برای زمان آینده، قطعی مساز، مگر آن را به مشیت و خواست خداوند همراه سازی.>

اجتناب از تعجیل در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۳

۳- مؤمنان، وظیفه دار صبر و شکیبایی و پرهیز از درخواست تحقق سریع وعده های خداوند

أَتَى أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

با توجه به اینکه <لا تستعجلوه> مخاطب و <یشرکون> غایب است، به نظر می رسد مخاطب فعل اول مؤمنان باشد.

استهزای وعده عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱۰

۱۰- قوم لوط، از سرزنش حضرت لوط (ع) و وعده وی به عذاب، پندنگرفتند و او را استهزا کردند.

جواب قومه إلا أن قالوا ائتنا بعذاب الله

استهزای وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۹

۹ کفرپیشگان ، عذاب های موعود از ناحیه پیامبران را همواره به استهزا و تمسخر می گیرند .

و حاق بهم ما کانوا به يستهزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و يستعجلونك بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر(ص) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

اعتماد به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- ایمان به خداوند ، مقتضی اعتماد کامل بر وعده ها و گواهی او *

و كفى بالله شهيداً

خداوند، پس از وعده به پیروزی اسلام بر سایر ادیان، فرمود: <و كفى..>. این جمله ممکن است بیانگر این باشد که اگر شما به مقام الوهیت ایمان دارید، لازمه آن، اعتماد به گواهی او است.

اقرار به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۴

۴- اعتراف شیطان در قیامت به حقانیت وعده های خداوند و پوچی وعده های خود

وقال الشیطن . . . إن الله وعدکم وعد

الحق و وعدتكم فأخلفتكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۵

۵- اعتراف کافران به حقانیت وعده های الهی ، پس از لمس و مشاهده آن

و یوم یعرض .. ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

اقرار به درستی وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۴

۴ - بر زبان آوردن راستی و درستی وعده های خداوند و پیامبرش ، امر پسندیده ای است .

هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله

از این که خداوند، سخن مؤمنان را درباره راستی وعده خدا و پیامبرش، بیان می کند، در حالی که عقیده به راستی آن، امری درونی است و نیاز به اظهار ندارد، پسندیده بودن اظهار اعتقاد به راستی وعده خدا و پیامبرش قابل استفاده است.

اقرار به درستی وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۴

۴ - بر زبان آوردن راستی و درستی وعده های خداوند و پیامبرش ، امر پسندیده ای است .

هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله

از این که خداوند، سخن مؤمنان را درباره راستی وعده خدا و پیامبرش، بیان می کند، در حالی که عقیده به راستی آن، امری درونی است و نیاز به اظهار ندارد، پسندیده بودن اظهار اعتقاد به راستی وعده خدا و پیامبرش قابل استفاده است.

اهمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- صدور وعده قیامت ، از جانب خداوند ، خود کافی برای یقین به حقانیت آن

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

برداشت بالا بدان بدان احتمال است که <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها> باشد.

ایمان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - لزوم ایمان به وعده های خداوند و پرهیز از بی اعتنایی به آنها

أَفْطَالٍ عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحْلَ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۴

۴ - ایمان به وعده الهی به نصرت جبهه حق ، زمینه ساز پیدایش روحیه صبر و شکیبایی است .

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

یادآوری <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> که به منزله تعلیل برای فرمان به صبر است، می تواند برای مطمئن ساختن پیامبر(ص) به ثمره صبر باشد. در نتیجه، در صورتی که ایمان حاصل شود که وعده خدا تخلف ندارد، شخص، آمادگی بیشتری برای صبر در راه خدا پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۳

۳ - مسلمانان مدینه ، به وعده های خداوند و پیامبرش ، ایمان راسخ داشتند .

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - مؤمن ، همواره در اندیشه قیامت و مطمئن به تحقق وعده های الهی

و استمع یوم یناد

المناد من مكان قريب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۲

۲ - انسان های عاقل و خردمند ، پذیرای حقانیت وعده های خداوند و تحقق روز جزا

يُؤفِكُ عَنْهُ مِنَ الْفِكْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۳، ۲

۲ - پاداش های موعود خداوند ، نیکو و تصدیق آن بر همگان لازم است .

و صدق بالحسنى

کلمه <حسنى> یا مصدر است (مانند <رجعى>) و یا مؤنث <أحسن> است. در صورت اول معنای تفصیلی نخواهد داشت؛ بلکه با تأویل به مشتق، معنای <حَسَن> دارد. وصف <الحسنى> خود نشانگر مطلوب بودن تصدیق آن است و وعده به فرجام راحت (در آیه بعد) نیز بر سزاوار بودن تصدیق، تأکید کرده است.

۳ - سخاوت مندی ، انفاق و تقواییشگی ، نشانه پذیرش وعده های خداوند و باور داشتن پاداش های الهی است .

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ . وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ

عطف این آیه بر آیه قبل، عطف سبب بر مسبب و یا عکس آن است و در هر صورت، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۷ - ۶، ۸، ۲

۲ - انفاق ، تقوا و ایمان به وعده های خداوند ، فراهم سازنده زمینه برای دستیابی به آینده ای آسوده و راحت

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ .. فسنيسره لليسرى

حرف <سين> در <سنيسره>، برای تأکید است و بعید نیست که برای استقبال و ناظر به این باشد که رسیدن به این نتیجه، نیازمند گذشت زمان و تکرار اعمالی است که آیات پیشین، بیانگر

آن بود.

۶ - سخاوت مندی ، انفاق ، تقواییشگی و تصدیق وعده های الهی ، زمینه ساز امداد های ویژه خداوند و مایه نشاط انسان در انجام دادن تکالیف دینی است .

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى .. فسنیِّسره لیسری

۸ - > عن أبي جعفر (ع) في قول الله عزَّوجلَّ : < ... فسنیِّسره لیسری > قال : لا یرید شیئاً من الخیر إلاَّ یسره الله له ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ <فسنیسره لیسری> روایت شده که فرمود: [هر که در راه خدا بخشش کند و تقوا پیشه سازد و نیکوترین پاداش الهی را تصدیق کند] هیچ خیری را اراده نمی کند، جز آن که خداوند انجام دادن آن را برای او آسان می سازد.

ایمان به وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۳

۳ - مسلمانان مدینه ، به وعده های خداوند و پیامبرش ، ایمان راسخ داشتند .

و لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۵ - ۵

۵ - > قال البزطی : ... و سمعت الرضا (ع) يقول في تفسير < و الیل إذا یغشی > قال : إنَّ رجلاً من الأنصار كان لرجل في حائطه نخله و كان یضیِّر به فشکا ذلك إلى رسول الله (ص) فدعاه فقال : اعطني نخلتك بنخله في الجنة فأبى فبلغ ذلك رجلاً من الأنصار یکنى أبا الدحداح فجاء إلى صاحب النخله فقال : بعني نخلتك بحائطي

فباعه فجاء إلى رسول الله (ص) فقال: يا رسول الله قد اشتريت نخله فلان بحائطي، قال: فقال رسول الله (ص) فلنك بدلها نخله في الجنة فأنزل الله تبارك وتعالى على نبيه (ص) <.. فأما من أعطى > يعنى النخله < و اتقى و صدق بالحسنى > بوعده رسول الله (ص) ... ;

بزنطی گفت: از امام رضا(ع) شنیدم که در تفسیر <و الیل إذا یغشی > سخن می گفت و فرمود: در باغِ مردی از انصار درخت خرمایی متعلق به شخص دیگری بود و آن شخص [به هنگام استفاده از درخت] به مرد انصاری زیان می رساند. مرد انصاری از این عمل به رسول خدا(ص) شکایت کرد؛ رسول خدا(ص) صاحب درخت را فراخواند و به او فرمود: درخت خرمایت را در ازای یک اصله درخت خرما در بهشت، به من واگذار کن و آن مرد امتناع کرد. پس این خبر به مردی از انصار رسید که کنیه او <ابودحداح > بود. وی نزد صاحب آن درخت رفت و گفت: آن درخت خرمایت را در ازای باغ من به من بفروش، او هم فروخت. آن گاه ابودحداح نزد رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: درخت خرمای فلانی را در عوض باغ خود خریدم، رسول خدا(ص) به او فرمود: تو به جای آن درخت، درختی را در بهشت مالک هستی. پس خدای تبارک و تعالی بر پیامبرش [این آیه را] نازل فرمود: <فأما من أعطى > مقصود [بخشیدن] درخت خرما است < و اتقى و صدق بالحسنى > مقصود [تصدیق] وعده رسول خدا است <.

بهشتیان و وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

بی اعتنایی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۶

۶ - بنی اسرائیل با بی توجهی به وعده خداوند (اعطای تورات) ، زمینه گمراهی خویش را فراهم آوردند .

و أضلَّهُم السامریّ .. ألم يعدكم ربكم وعدًا حسنًا

بی ایمانی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

يغفروا للذين لا يرجون أيام الله

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لا يرجون أيام الله> یاد فرموده ، استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعیدهای خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

بیماردلان مدینه و وعده پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۵

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّٰه و رسوله إلاّ غرورًا

بیماردلان مدینه و وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳

۹- ظن و گمان منافقان و بیماردلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنون بالله الظنونا .. و إذ يقول المنفقون ... ما وعدنا الله و رسوله إلاّ

<و إذ يقول > می تواند تفسیر <الظنونا > باشد.

بیماردلان مدینه و وعده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۹

۹- ظن و گمان منافقان و بیماردلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنون بالله الظنونا .. و إذ يقول المنفقون ... ما وعدنا الله و رسوله إلاّ

<و إذ يقول > می تواند تفسیر <الظنونا > باشد.

پوچی وعده های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۴،۵

۴- اعتراف شیطان در قیامت به حقانیت وعده های خداوند و پوچی وعده های خود

و قال الشیطن .. إنّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فأخلفتکم

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفاء .. قال الشیطن ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۶

۱۶- همه وعده ها و نوید های شیطان ، بی اساس و فریب است .

و ما يعدهم الشيطان إلا غرورًا

<غرور> مصدر فعل <غَرَّ> به معنای خدعه و مکر است.

پوچی وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - هشدار الهی به کافران ، در دل نبستن به وعده منافقان

كَمْثَل الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ .. إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

آیه شریفه از یک سو نویدی است به مؤمنان که منافقان به همکاری با کافران وفا نخواهند کرد. و از سوی دیگر تشبیه منافقان به شیطان در بی وفایی به تعهدات خویش، هشدار است به کافران که با ریسمان منافقان به چاه نروند.

تحقق وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۵

۵ - ارتباط اهل ایمان با خدا و تأمین نیازهای جامعه ، فراهم کننده شرایط و زمینه های وعده خداوند (فرمان به مبارزه با توطئه گران)

فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ .. وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۲

۲ اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادى .. اَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبَّنَا حَقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۲

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائیل زمان موسی در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پیروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و تمت كلمت ربك الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببیه است و <ما>،

مصدریه. یعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۶

۱۶ - وعده خداوند به موسی (ع) در مورد برتری و غلبه او در میدان مبارزه با ساحران، به بهترین شکل تحقق یافت.

إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ .. فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَجْدًا قَالُوا آمَنَّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۹

۹ - حقانیت اسلام و وعده های الهی، برای همیشه مخفی نمی ماند و در آینده نزدیک برای همگان روشن خواهد شد.

فَتَرَبَّصُّوا فَمَا تَعْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصَّرَطِ السَّوِيِّ

تحقق وعده عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۳

۳ پیشگویی قرآن در مورد عملی شدن وعده های عذاب بر مشرکان مکه و قبیله پیامبر*

و كَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَ هُوَ الْحَقُّ

از معانی حق، <ثابت> و <واجب> است و در مورد آیه به دلیل اینکه خبر از وقوع حادثه ای در آینده است، یعنی چیزی که تثبیت شده و واقع خواهد شد. لذا اگر مرجع ضمیر <به>، <عذاب> در آیه قبل باشد، جمله <و هو الحق> تأکید بر وقوع حتمی آن در آینده خواهد بود. همان گونه که تاریخ نیز این نکته را به وضوح تأیید کرد.

تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۵ - ۱

۱ - خداوند، توانا بر تحقق بخشیدن به وعده های خود

و إنا على أن نريك ما نعدهم لقدرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه

۷ تحقق وعده الهی بر تأمین تمامی خواسته ها در بهشت جاویدان ، انتظار و توقع متقین از خداوند

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربک وعدًا مسئولاً

<مسئول>؛ یعنی، کسی که مورد سؤال و مطالبه مستحقان و حق داران است و در آیه شریفه به قرینه مقام مقصود این است که متقین، می توانند توقع و انتظار داشته باشند که خداوند به وعده خود عمل کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - همه حقایق و وعده های الهی ، در قیامت برای مجرمان به گونه ای ملموس آشکار می شود .

و لو تری إذ المجرمون .. ربنا أبصرنا و سمعنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - < عن أبي جعفر (ع) فی قوله : > یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا < فإن القوم كانوا فی القبور ، فلما قاموا حسبوا أنهم كانوا نیامًا ، قالوا > یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا < قالت الملائكة > هذا ما وعد الرحمان و صدق المرسلون < ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا..> روایت شده که فرمود: مردم که در قبراند؛ وقتی برمی خیزند می پندارند که در خواب بوده اند [ازاین رو] می گویند: <یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا>. فرشتگان می گویند: <هذا ما وعد الرحمان و صدق المرسلون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۴- پایان یافتن تردیدها و سست انگاری های منکران وحی ، با تحقق وعده های الهی در قیامت

بل هم فی شکّ .. فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین ... إنا مؤمنون

بنابراین که آیات پیشین در رابطه با قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - تحقق وعده های الهی به نزول رحمت یا عذاب ، از سمت آسمان

فی السماء رزقکم و ماتوعدون

برداشت یاد شده بنابراین است که مراد از <ماتوعدون>، همه وعد و وعیدهای الهی باشد و نه خصوص بهشت.

۷- تدبیر ، تقدیر و قدرت الهی در تأمین روزی زمینیان از آسمان ، نشانه قدرت او بر تحقق وعده های خویش *

و فی السماء رزقکم و ماتوعدون

با توجه به این که در آیات پیشین سخن از تحقق رستاخیز و وجود دوزخ و بهشت بود؛ ممکن است این آیه درصدد رفع شبهه انسان در قدرت خدا باشد. از این رو عبارت <و فی السماء رزقکم> به عنوان نمودی از قدرت خداوند یاد شده است.

تخلف از وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ خداوند ، هرگز از وعده های خویش تخلف نمی کند .

انّک لا تخلف المیعاد

تخلف وعده ابلیس

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۹ - ابراہیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۷

۲۷- > قال رسول الله (ص) : إذا جمع الله الأولين و الآخرين و

قضی بینهم و فرغ من القضاء... الکافرون... یأتون إبلیس فبقولون: ... قم أنت فاشفع لنا فإنک أنت أضللتنا فبقوم إبلیس ..
و یقول عند ذلک: < إن الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فاخلفتکم ... > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: آن گاه که خداوند اولین و آخرین انسانها را جمع کرد و میان آنان حکم نمود و از حکم کردن فارغ شد... کافران... نزد ابلیس آیند و گویند:... تو برخیز و برای ما شفاعت کن / پس همانا تنها تو ما را گمراه کردی. پس ابلیس می ایستد... و در این هنگام می گوید: <إن الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فاخلفتکم...>.

تعجیل در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۵

۵- شتاب و بی صبری در مورد تحقق زودرس وعده های خداوند ، روا نیست .

أتی أمر الله فلا تستعجلوه

تکذیب وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۹

۹ - کافران ، به تحقق وعده نصرت خداوند ، ناپاورند .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

مراد از <الذین لا یوقنون> می تواند کافرانی باشد که در آیات پیش از آنان سخن به میان آمده است. لازم به ذکر است که متعلق <لا یوقنون> می تواند همین وعده ای باشد که در آیه آمده است.

تکذیب وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴

۳- مشرکان ، وعده پیامبر (ص) را درباره وقوع قیامت و معاد درست نمی دانستند .

و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقین

تکذیب وعده های هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۵

۵- اظهار ناپاوری قوم عاد ، نسبت به وعده ها و سخنان هود (ع)

قالوا .. فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصدقین

قوم عاد با پیشنهاد نزول عذاب، در واقع می خواستند بنمایانند که به نادرستی و کذب سخنان هود(ع) یقین دارند.

حتمیت وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲

۲ تخلف ناپذیری وعده های الهی

و لقد صدقکم الله وعده

صدق به معنای تحقق وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۷،۹

۷ بهشت ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان دارای اعمال شایسته

سندخلهم جنت .. وعده الله حقاً

<وَعِدَ اللَّهُ> و <حقاً>، مفعول مطلق برای فعل محذوف است. یعنی <وعد الله وعداً حقه حقاً> و حق بودن وعده به این

است که تخلف نشود و در موعد مقرر انجام پذیرد.

۹ وعده های خداوند حق و سخنان او راست و تخلف ناپذیر است .

وعد الله حقاً و من اصدق من الله قیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۶

۲۶ خداوند ، قطعاً به وعده های خویش وفا می کند .

لئن اقمتم الصلوه .. لا کفرن عنکم سیاتکم

و لادخلنکم جنت

لام و نون تأکید در <لاکفرن> و <لادخلنکم> و قسم نهفته در جمله <لئن اقمتم الصلوه>، بیانگر قطعیت وعده های الهی است.

حتمیت وعده های اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۵

۱۵- وصول به وعده های الهی و نیل به آن در طول تاریخ ، دلیل دستیابی حتمی بندگان به آن در آخرت

وعد الرحمن . . . إنّه کان وعده مأثباتاً

<کان> در <إنّه کان . . .> بر دیرباز بودن محتوای جمله و عبارت <إنّه کان...> بر تحقق حتمی موعود در <وعدالرحمن...> دلالت دارد.

حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۴

۱۴ وعده های خدا تخلف ناپذیر است.

و لقد کذبت . . . حتّی أتهم نصرنا و لا مبدل لکلمت اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۴ - ۱،۲،۳

۱ وعده های خداوند تخلف ناپذیر است.

إن ما توعدون لأت

۲ احضار ظالمان در قیامت و بازخواست و کیفر ایشان از وعده های تخلف ناپذیر خداوند

و ینذرونکم لقاء یومکم هذا . . . إن ما توعدون لأت

۳ آدمی توان جلوگیری از تحقق وعده ها و برنامه های خداوند و گریز از آن را ندارد.

إن ما توعدون لأت و ما أنتم بمعجزین

در لسان العرب آمده است: <معنی الاعجاز الغوث و السبق>. یعنی اعجاز فرو نهادن و پیشی گرفتن است. <معجزه> اسم فاعل آن، به معنی فروگذارنده و پیشی گیرنده است. یعنی شما نمی توانید از بروز قیامت و وعده های خداوند جلوگیری کنید

و یا بر آن پیشی گیرید و از شمول آن خارج گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۲

۲ پذیرش توبه بندگان ، وعده حتمی خدا به آنان

ألم يعلموا أن الله هو يقبل التوبة عن عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً عليه حقاً في التوریه و الإنجیل و القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۳

۳ وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

وعد الله حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۳،۵

۳ وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

ألا إن وعد الله حق

۵ وعده خداوند به عذاب مشرکان ستمگر ، حق و تخلف ناپذیر است .

يقولون متى هذا الوعد .. ألا إن وعد الله حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ کلمات خدا (وعده ها و سنن الهی) بدون تغییر و تخلف ناپذیر است .

لا تبدیل لکلمت اللّٰه

۷ بشارت های ویژه به اولیای خدا در دنیا و آخرت ، وعده تخلف ناپذیر الهی

لهم البشرى فى الحيوه الدنيا و فى الآخره لا تبدیل لکلمت اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ خداوند ، به تمامی وعده های خویش وفا می کند .

و ان وعدك الحق

حق بودن وعده ، به این است که: آنچه مورد وعده قرار گرفته امری درست و به جا باشد و نیز وعده کننده به آن ، پایبند بوده و بدان وفا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ وعده های خداوند قطعی و تخلف ناپذیر است .

إن الله لا يخلف الميعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفؤا .. قال الشيطان ... إن الله وعدكم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۴ ، ۳ ، ۱

۱- گمان تخلف وعده خداوند ، گمانی واهی و نادرست است .

فلاتحسبن الله مخلف وعده رسله

۳- وعده های خداوند به پیامبران مبنی بر پیروز گردانیدن آنان بر دشمنان ، تخلف ناپذیر است .

الذين ظلموا .. و قد مكروا مكرهم ... فلاتحسبن الله مخلف وعده رسله

۴- تأخیر عذاب ستمگران به معنای تخلف وعده الهی به رسولان خویش نیست .

و قد مکروا مکرمهم و عند الله مکرمهم .. فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله

جمله <فلا تحسبن الله ..> می تواند پاسخ به این سؤال مقدر باشد که: چرا برخی از ستمگران هنوز دچار عذاب استیصال نشده اند، پس وعده خدا ممکن است تخلف پیدا کند؟

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۶

۶- وعده های الهی تخلف ندارد و در زمان خود واقع می شود .

أتی أمر الله فلا تستعجلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۷

۷- آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتی أمر الله .. خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشرکون

جمله <خلق السماوات ..> می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۸

۸- وعده قطعی و تخلف ناپذیر خداوند به حیات مجدد انسان ها پس از مرگ

لا یبعث الله .. بلی وعداً علیه حقاً

<وعداً> و <حقاً> مفعول مطلق برای فعلهای محذوف می باشند و دلالت بر تأکید می کنند. بنابراین معنای <بلی وعداً علیه حقاً> چنین می شود: آری خبر رستاخیز انسانها، وعده ای است حق و باطل در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۹

۹- قدرت مطلق خداوند ، ضامن تحقق وعده او در زنده کردن دوباره انسان ها و برپایی قیامت

و أقسموا بالله .. لا یبعث الله من یموت بلی وعداً علیه ... إنما قولنا لشیء إذا أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- فسادانگیزی بنی اسرائیل و سرکوبی آنان توسط جنگاورانی قدرتمند، وعده قطعی و تخلف ناپذیر

خداوند

بعثنا علیکم . . . و کان وعداً مفعولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۵،۷،۸

۵- اذعان عالمان اهل کتاب به تخلف ناپذیری وعده های خداوند ، با مشاهده تحقق بشارت خدا در پرتو نزول قرآن

أوتوا العلم من قبله . . . يقولون ... إن کان وعد ربنا لمفعولاً

۷- ربوبیت کامل خداوند نسبت به انسان ها ، مستلزم تخلف ناپذیری وعده های او

سبحن ربنا إن کان وعد ربنا لمفعولاً

۸- معاد و حیات مجدد انسان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند در بینش عالمان *

يقولون . . . إن کان وعد ربنا لمفعولاً

احتمال دارد که مراد از <وعد> به قرینه آیات ۹۷ و ۹۸ همین سوره مسأله حیات مجدد انسانها و معاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۱ - ۷

۷- تحقّق وعده های خداوند ، حتمی و تخلف ناپذیر است .

أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۹

۱۹- وعده های الهی ، حتمی و تخلف ناپذیر است .

و کان وعد ربی حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال كذلك

چنان چه مشارالیه <ذلك> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است؛ یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۴، ۱۳

۱۳- وعده های خداوند تخلف ناپذیر است .

إِنَّهٗ كَانَ وَعْدَهُ مَأْتِيًا

<مَأْتِيًا> اسم مفعول و به معنای <آمده شده> است و در حقیقت تأکیدی بر حتمی بودن وعده های خداوند است؛ یعنی، حتماً نزد آن وعده (بهشت) خواهید رفت؛ زیرا وصول به این وعده ها، از دیرباز محقق بوده است.

۱۴- بهشت ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان

يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ .. وَعَدَ الرَّحْمَنُ ... إِنَّهٗ كَانَ وَعْدَهُ مَأْتِيًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۳

۳- قیامت ، وعده راستین و تخلف ناپذیر الهی

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدَ الْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۹

۹- وعده ها و برنامه های خداوند ، حتمی الوقوع و تخلف ناپذیر است .

وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۵

۵ - وعده های الهی ، قطعی و تخلف ناپذیر است .

وَلَنْ يَخْلَفَ اللَّهُ وَعْدَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۳

۳ - کافران ، از جلوگیری از تحقق وعده الهی مبنی بر حاکمیت فراگیری اهل ایمان و پیروزی و امنیت آنان در هر جای دنیا ، ناتوانند .

وعد الله الذين ءامنوا .. ليستخلفنهم فى الأرض ... لاتحسبنّ الذين كفروا معجزين

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و دو آیه قبل، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان -

۳ تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فيها ما يشاءون خلدین کان علی ربک وعداً مستولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۴

۴ - علم خدا به مواضع فکری و عملی مردم در قبال پیامبر (ص) ، تضمینی بر تحقق وعده ها و وعید های او

و يقولون متی هذا الوعد . . . و إن ربک لیعلم

مطرح ساختن علم الهی به نهان و آشکار خلق (پس از آیات مربوط به وعده عذاب) می رساند که خداوند به اتکای علم خویش، موضع گیری مردم را در قبال پیامبر(ص) جزا خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ - بازگشت موسی (ع) به دامن مادر ، نمود حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لتعلم أن وعد الله حقّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <وعد الله> مطلق وعده های الهی باشد. بنابراین بازگشت موسی(ع) به دامن مادر نمود این است که تمام وعده های الهی، از همین قبیل بوده و تخلف در آن راه ندارد.

۱۲ - بیشتر مردم ، بی بهره از اعتقاد به تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لکن أكثرهم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۴

۴ - دستیابی ره یافتگان به سعادت اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر از سوی خداوند

وعدنه وعداً حسناً فهو لقیه

آن است که خدا هرگز از وعده ای که به هدایت یافتگان داده است، تخلف نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۷ - ۷

۷ - وعده خداوند درباره اعطای پاداش بهترین عمل به اعمال مؤمنان ، وعده ای قطعی و تخلف ناپذیر است .

و الذين ءامنوا ... و لنجزينهم أحسن الذي كانوا يعملون

<لام> و <نون تأکید> در <لنجزينهم> دلالت بر حتمیت دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۹ - ۲

۲ - وعده خداوند به قرار گرفتن مؤمنان دارای عمل صالح در زمره صالحان ، وعده ای قطعی است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لندخلنهم فى الصلحين

<لام> و <نون تأکید> در <لندخلنهم> دلالت بر قطعیت وعده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۲

۲ - وعده های خداوند ، قطعی و تخلف ناپذیر است .

لا يخلف الله وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۳، ۲

۲ - وعده نصرت خدا به پیامبر (ص) حتمی و تخلف ناپذیر است .

فاصبر إن وعد الله حق

متعلق وعده، در این آیه، به قرینه دعوت خداوند از پیامبر(ص) برای صبر پیشه کردن در برابر مخالفت های کافران، می تواند

نصرت خدا باشد.

۳- وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۳،۴،۶

۳- وعده خداوند به پاداش مؤمنان و

کیفر معرضان از آیات خدا، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ... لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ... وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا

<وعد> مفعول مطلق و <حقاً> تأکید آن است و دلالت بر حقانیت و تخلف ناپذیری آن می کند.

۴ - وعده ورود مؤمنان دارای عمل صالح به بهشت و خلود در آن، وعده ای تخلف ناپذیر است .

لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا

۶ - عزت و حکمت خداوند، منشأ تخلف ناپذیری وعده های او است .

وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - وعده الهی به برپایی قیامت، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

وَإِخْشَوْا يَوْمًا... إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

بنابراین که متعلق <وعد>، واژه <یوماً> باشد، نکته یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۵

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جنّی و انسی، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و لَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۱۲، ۹

۹ - بهترین روزی رسان بودن خداوند، تضمین کننده وعده جایگزین ساختن برای مال انفاق شده

و ما أنفقتم من شيء فهو يخلفه و هو خير الرزقين

١٢ - > قال الراوى قلت لأبى عبد الله (ع) . . . قول الله عزوجل > و ما أنفقتم من شىء فهو يخلفه

و هو خير الرازقين < و إني أنفق و لا- أرى خلفاً قال : أفترى الله عزّوجلّ أخلف وعده ؟ قلت : لا- قال : فمّم ذالك . قلت : لا أدري قال : لو أنّ أحدكم إكتسب المال من حلّه و أنفقه في حلّه لم ينفق درهماً إلا أخلف عليه ;

راوی می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: ..سخن خدای عزّوجلّ است که می فرماید: <و ما أنفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین > در حالی که من انفاق می کنم و هیچ چیزی جایگزین آن ندیدم، فرمود: آیا نظر تو این است که خداوند در وعده خود تخلف می کند؟ گفتم نه. فرمود: پس این [توهم تو] از کجا است؟ گفتم نمی دانم. حضرت فرمود: اگر یکی از شما مالی را از راه حلال کسب کند و در راه حلال انفاق نماید، هیچ درهمی را انفاق نمی کند؛ مگر آن که [خدا] جایگزین آن را می دهد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۲

۲ - وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۹

۹ - تحقق وعده خداوند مبنی بر عذاب کافران ، حتمی است .

و یحقّ القول علی الکفرین

مقصود از <قول> طبق نظر مفسران وعده خداوند به عذاب کافران است؛ مثل آیه شریفه <لکن حَقَّتْ کلمه العذاب علی الکافرین>، (زمر، آیه ۷۱).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ -

۱۰ - اعطای کاخ ها و بنا های رفیع به همراه نهر های جاری ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به تقوایپیشگان

لكن الذين اتقوا ربهم غرف .. وعد الله لا يخلف الله الميعاد

۱۱ - وعده های خداوند تخلف ناپذیر است .

لا يخلف الله الميعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۳

۳ - وعده الهی ، تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی است .

صدقنا وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۵، ۶، ۷

۵ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

۶ - وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، حق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا .. فاصبر إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

۷ - تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزار های دشمنان دین است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا .. فاصبر إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> در مقام تعلیل برای <فاصبر> می باشد؛ یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جا ئیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۱

۱۱- معاد و خروج مردگان

از خاک ، وعده حق و تخلف ناپذیر الهی

أتعداننی أن أخرج . . . إنَّ وعد الله حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۷

۷ - وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

مراد از <فتح>، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی <فتحننا> در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۴، ۲، ۱

۱ - وعده های خداوند به خلق ، صادق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ

۲ - وعده رستاخیز ، راست و غیر قابل تخلف است .

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ

تعبیر <ما توعدون> گرچه عام و شامل همه وعده های الهی است؛ لکن ذکر مسأله قیامت و معاد در قسمت بعد، قرینه است بر این که مصداق مورد نظر از آن، وعده قیامت و حیات مجدد انسان ها پس از مرگ می باشد.

۴ - خداوند جهان آفرین حکیم و قادر ، بی نیاز از گزافه گویی و صادق در وعده های خویش

والذريت ذرؤًا . فالحملت وقرًا . فالجريت يسرًا . فالمقسمت أمرًا . إِنَّمَا تُو

با توجه به این که <إِنَّمَا..> جواب سوگندهای آیات پیشین است، از ارتباط نزدیک میان جواب قسم و مقسم به، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - کیفر و پاداش اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إن کنتم غیر مدینین

با این که مسأله

کیفر و پاداش اخروی، امری است که در آینده باید تحقق یابد؛ به کارگیری قالب ماضی (کنتم) برای بیان مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۷

۷ - خداوند ، تحقق بخش وعده های خود به مردان و زنان مؤمن در قیامت ، در مشهد و منظر پیامبر اکرم (ص)

فیضعفه له و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین و المؤمنت

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه <تری>، خطاب به خصوص پیامبر اکرم(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنم است .

أعدَّ الله لهم عذاباً شديداً .. جنت تجرى من تحتها الأنهر ... الله الذى خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۶،۷

۶ - برپایی قیامت و زندگی دشوار و طاقت فرسای محشر ، وعده ای است تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی از سوی خداوند به کافران .

كان وعده مفعولاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <وعده> به <یوم> بازگردد.

۷ - وعده های خداوند ، تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی است .

كان وعده مفعولاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است

که ضمیر <وعدده> به <الله> بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۷ - ۱،۲

۱ - وعده های الهی ، حتمی و تخلف ناپذیر است .

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوْقِع

<إِنَّمَا> مرکب است از <إِنَّ> و <مَا>ی موصوله و حرف <إِنَّ> و <لَام> در <لَوْقِع> برای تأکید است.

۲ - قیامت ، حقیقتی تحقق یافتنی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوْقِع

از آیات بعدی، استفاده می شود که مقصود از وعده در این آیه، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۶ - ۳

۳ - هیچ مانعی ، خداوند را از انجام دادن وعده ها و تهدید های اراده شده اش ، باز نمی دارد .

فَعَالٍ لِّمَا يَرِيدُ

ارتباط این آیه با آیه <إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ..> و <هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ>، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۲

۲ - فراهم ساختن آسانی برای انفاق گران با تقوا و سختی برای ثروتمندان بخیل ، وعده تخلف ناپذیر خداوند و نمونه ای از هدایت گری او است .

فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْسِرِيِّ .. فَنَسِيْسِرُهُ لِّلْعَسْرِيِّ ... إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى

جمله <إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى>، به منزله تعلیل برای آیات پیشین است یعنی، چون هدایت را بر خویش لازم شمرده ایم، برای هر یک از آن دو دسته فرجام مناسب برخوردارشان با هدایت را فراهم می سازیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده رهایی تقوایندگان از آتش دوزخ ، حتمی

و تخلف ناپذیر است .

سَيَجْنِبُهَا الْأَتَقَى

حرف <سین> برای تأکید بر وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۴

۴ - خداوند ، بر وعده خود درباره رساندن انفاق گرانِ باتقوا به فرجامی رضایت بخش ، سوگند یاد کرده است . *

و لسوف یرضی

<لام> در <لسوف> ، لام قسم و یا لام ابتدا است ؛ برداشت یاد شده ، براساس احتمال اول است.

حقانیت وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۹

۹ وعده های خداوند حق و سخنان او راست و تخلف ناپذیر است .

وعد الله حَقًّا و من اصدق من الله قیلا

حقانیت وعده عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۴

۴ مشرکان مکه به زودی حقانی وعده های عذاب الهی را درخواهند یافت.

علی أن یبعث .. لکل نبیا مستقر و سوف تعلمون

پس از تهدید مشرکان مکه در آیات قبل به عذاب الهی ، گویا از سوی آنان سؤالی مطرح شد که چرا عذاب تحقق نمی یابد . این آیه بدین گونه پاسخ می دهد که وقوع عذاب ، حتمی ، ولی منوط به زمان مناسب و شرایط خاص است .

حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۶

۶ گذر زمان و حوادث تاریخ همواره تأیید بر حقانیت وعده های قرآن خواهد بود.

لکل نبیا مستقر و سوف تعلمون

جمله <سوف تعلمون> تصریح به این نکته است که همواره در آینده حقانیت وعده های قرآن را نشان

خواهد داد. و چون این جمله همواره صادق است، پس حوادث هر زمان، تأییدی بر حقانیت قرآن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۳

۳ وعده های خدا، حق و تخلف ناپذیر است .

وعد الله حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۳،۵

۳ وعده های خداوند، حق و تخلف ناپذیر است .

ألا إن وعد الله حق

۵ وعده خداوند به عذاب مشرکان ستمگر، حق و تخلف ناپذیر است .

يقولون متى هذا الوعد .. ألا إن وعد الله حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵

۵- در قیامت، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جميعاً فقال الضعفاء .. قال الشيطان ... إن الله وعدكم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۵

۵- پدیدار ساختن اصحاب کهف و پرده برداشتن از راز خواب و بیداری آنان، زمینه ساز آگاهی مردم بر حقانیت وعده های خداوند بود .

و كذلك أعتزنا عليهم ليعلموا أن وعد الله حق

مراد از ضمیر فاعل در <لِیَعْلَمُوا> همان مفعول محذوفی است که برای <أَعْرَنَّا> در نظر گرفته شده است؛ یعنی: <أَعْرَنَّا النَّاسَ لِیَعْلَمُوا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۲

۲ - عیان شدن وعده ها و وعید

های الهی برای مردمان در قیامت

و أزلقت الجنة للمتقين . و برزت الجحيم للغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - بازگشت موسی (ع) به دامن مادر ، نمود حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لتعلم أن وعد الله حقّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <وعد الله> مطلق وعده های الهی باشد. بنابراین بازگشت موسی(ع) به دامن مادر نمود این است که تمام وعده های الهی، از همین قبیل بوده و تخلف در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۳

۳ - وعده خداوند به پاداش مؤمنان و کیفر معرضان از آیات خدا ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

فبشره بعذاب أليم . . . لهم جنّٰت النعيم ... وعد الله حقّاً

<وعد> مفعول مطلق و <حقّاً> تأکید آن است و دلالت بر حقانیت و تخلف ناپذیری آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۲

۲ - وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّ وعد الله حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۵

۵ - کافران در قیامت ، به درستی وعده های خداوند رحمان پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

هذا ما وعد الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - غافر - ٤٠ - ٥٥ - ٥

٥ - وعده هاي خداوند ، حق و تخلف

ناپذیر است .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱،۲،۵

۱ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

۲ - برپایی قیامت ، وعده ای به حق از جانب خداوند و رخدادی حتمی و تخلف ناپذیر

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ لَآرِيبَ فِيهَا

عطف جمله <السَّاعَةَ..> بر جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ>، می تواند تفسیری و یا از قبیل عطف خاص بر عام باشد. و در هر صورت، مطلب بالا را افاده می کند.

۵ - صدور وعده قیامت ، از جانب خداوند ، خود کافی برای یقین به حقانیت آن

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ لَآرِيبَ فِيهَا

برداشت بالا بدان بدان احتمال است که <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- تحقق وعده خداوند ، به ورود پیروزمندانه مسلمانان به مکه ، گواه تحقق پذیری وعده او در غلبه اسلام بر تمامی ادیان *

لتدخلنَّ المسجد الحرام .. هو الذی أرسل رسوله ... لیظهره علی الدین کلّه

خداوند در آیه قبل، به مؤمنان وعده داد که با ایمنی وارد مکه خواهند شد و این وعده تحقق یافت. حال در این آیه، نوید داده است که اسلام نه بر مشرکان مکه؛ بلکه بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد و این وعده، همانند وعده پیشین تحقق پذیر خواهد بود.

حقانیت وعده های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص -

۲ - اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمن نبأه بعد حين

برخی از مفسران بر این باوراند که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه وعده ها و وعیدهای قرآن است؛ اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

درخواست تحقق وعده عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۴

۴ قریش و مشرکان از سر استهزا، خواهان عملی شدن عذاب موعود بر خود به دست پیامبر(ص) بودند.

و کذب به قومک .. قل لست علیکم بوکیل

چنانچه مرجع ضمیر <به> در <کذب به> عذاب باشد، جمله <قل ..> گویا پاسخی است به سؤال ضمنی مشرکان مبنی بر این که اگر عذاب واقع شدنی است باید پیامبر(ص) آن را عملی سازد. بنابراین جمله <قل لست ..> قرینه ای است بر مطرح شدن سؤال از ناحیه مشرکان.

درخواست تعجیل در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۲،۴

۲- مسلمانان صدراسلام، خواهان تحقق زودرس وعده خدا در مورد غلبه اسلام و توحید بودند .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

در مورد مخاطب <لاتستعجلوه> دو احتمال وجود دارد: اول آنکه تعجیل از جانب مسلمانان صورت می گرفته و دیگر آنکه مشرکان خواهان شتاب در تحقق وعده های الهی (عذاب، یا غلبه توحید، یا قیامت) بودند. برداشت فوق بر مبنای اول است.

۴- مشرکان صدراسلام از سر عناد و از روی استهزا، خواهان تحقق زودرس وعده های الهی (عذاب، غلبه اسلام و

قیامت (بودند .

أتی أمر الله فلا تستعجلوه

محتمل است مخاطب <لا تستعجلوه> مشرکانی باشد که خواهان تحقق وعده های الهی بودند، و از آن جایی که معمولاً کسی خواهان پیروزی دشمن و شکست و خذلان خویش نیست، می توان گفت: تعجیل مشرکان برای آمدن عذاب، از سر عناد و تمسخر بوده است.

دلایل تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أننا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

دلایل حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۹

۹- قدرت شکست ناپذیر خدا و صاحب انتقام بودن او ، دلیل تخلف ناپذیری وعده هایش در یاری رسولان و عذاب کردن ستمگران

فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله إن الله عزیز ذو انتقام

جمله <إن الله عزیز ذو انتقام> به منزله تعلیل برای بخش اول آیه (فلا تحسبن ..) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۵

۱۵- وصول به وعده های الهی و نیل به آن در طول تاریخ ، دلیل دستیابی حتمی بندگان به آن در آخرت

وعد الرحمن . . . إِنَّه کان وعده مَأْتِيًا

<کان> در <إِنَّه کان . . .> بر دیرباز

بودن محتوای جمله و عبارت <إِنَّهٗ كَانَ...> بر تحقق حتمی موعود در <وعدالرحمن...> دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۴

۴ - ربوبیت یگانه و توانمندانۀ خداوند بر نظام هستی ، خود گواه تحقق پذیری وعده های او است .

و ما توعدون . فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهٗ لَحَقٌّ

از ارتباط میان حقانیتِ وعده های خداوند و سوگند به ربوبیت او، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و اليوم الموعود

یاد کردن قیامت پس از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

دلایل حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۸

۸ - پرهیز شعورمندان از کلام دروغین ، دلیل راه نداشتن باطل در حریم وعده های خداوند (آفریدگار شعور) *

إِنَّهٗ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنْكُم تَنْطِقُونَ

تعبیر <مِثْلَ أَنْكُم تَنْطِقُونَ> ممکن است در بیان این معنا آمده باشد که اگر انسان شعورمند، از باطل گریزان است و ارزش را در حقیقت می بیند؛ پس چگونه ممکن است که سخن پروردگار آدمیان و خالق نطق (شعور)، بی حقیقت و وعده اش تحقق ناپذیر باشد.

ذکر حتمیت وعده های خدا

آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۳

۱۳- توجّه به وقوع حتمی وعده های الهی ، بازدارنده انسان از لجاجت و حق ناپذیری *

ءامن إنّ وعد الله حقّ

<إنّ> بیانگر تعلیل است؛ یعنی، ایمان بیاور چون وعده خداوند حق است.

زمان تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۴

۱۴- قیامت ، زمان به وقوع پیوستن وعده های الهی است .

بل زعمتم أنّ نجعل لكم موعدًا

زمینه تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۷

۷- علم و قدرت گسترده ، دو پشتوانه مهم تحقّق وعده های الهی

وعدكم الله .. و آخری لم تقدروا علیها و قد أحاط الله بها و كان الله علی كلّ

از این که خداوند، پس از بشارت های مختلف به مؤمنان، به دو صفت مهم خویش (علم و قدرت فراگیر) اشاره کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۹

۹- تحقق وعده های الهی در حق مؤمنان ، منوط به حفظ صلاحیت ایمانی و عملی خویش *

لتدخلنّ .. إن شاء الله

تعبیر <إن شاء الله> از سوی خداوند می تواند بیانگر این واقعیت باشد که اراده او، آن گاه به امور تعلق می گیرد که زمینه و شایستگی کافی برای تحقق یافتن آن، فراهم باشد.

سرزنش مکذبان وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۱

تویخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر باور نداشتن حقایق وحی و وعده های الهی

أفمن هذا الحديث تعجبون

سند وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۱

۲۱ تورات ، انجیل و قرآن ، سند وعده های خدا به مجاهدان و شهیدان و مایه اطمینان آنان

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرآن

سوءظن به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۱

۱- گمان تخلف وعده خداوند ، گمانی واهی و نادرست است .

فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله

سوگند بر حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ

در این که مرجع ضمیر در <إنه> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

سوگند بر حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَرَّبَّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لِحَقِّ

در این که مرجع ضمیر در <إِنَّهُ> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس

این احتمال است.

شرایط تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۲

۲ وعده های عذاب خداوند در زمان خود و تحت شرایط خاص تحقق خواهد یافت.

قل هو القادر .. لكل نبي مستقر

شک به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۳

۳ - انسان ، به شدت در معرض ناباوری و بی توجهی نسبت به وعده های الهی قرار دارد .

إنما توعدون لصادق

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تأکید در جایی صورت می گیرد که امری مورد غفلت باشد و یا مورد انکار قرار گیرد و از این که سوگندهای مکرر صورت گرفته، شدت غفلت و انکار استفاده می شود.

شک در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۶

۶ - تردید در تحقق وعده های خداوند ، برخاسته از جهل و نادانی است .

لايخلف الله وعده و لكن اكثر الناس لا يعلمون

صبر بر وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- مؤمنان، وظیفه دار صبر و شکیبایی و پرهیز از درخواست تحقق سریع وعده های خداوند

أتی أمر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالی عمّا یشرکون

با توجه به اینکه <لا تستعجلوه> مخاطب و <یشرکون> غایب است، به نظر می رسد مخاطب فعل اول مؤمنان باشد.

عقیده به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص

۱۳ - اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی ، اعتقاد دارند .

و لکنّ اکثرهم لایعلمون

مفعول <لایعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <و لکنّ اکثر الناس لایعلمون أنّ وعد الله حقّ>. مفهوم آن این است که تنها اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی یقین دارند.

عوامل تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ عزت و حکمت الهی ، تضمین کننده تحقق وعده ها و بشارت های او به مؤمنان

أولئك سيرحمهم الله إن الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۳ - ۵

۵ ربوبیت الهی ، مقتضی تحقق قطعی وعده های اوست .

قل إی و ربی إنه لحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - رحمت وسیع و علم گسترده خداوند ، تضمین کننده تحقق وعده او ، مبنی بر تأمین نیازمندی های فقیرانی که در صدد ازدواج اند .

إن یكونوا فقراء یغنیهم الله من فضله و الله وسع علیم

جمله <و الله واسع علیم> استینافیه تعلیلیه است و بیانگر علت و چگونگی بی نیاز کردن فقیران و تهی دستان به وسیله خدا است؛ یعنی، چون خداوند گشایش گر و دانای مطلق به همه حقایق و نیازمندی های انسان است، پس بر انجام وعده خود نیز،

توانا خواهد بود.

عوامل تکذیب وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ -

۳ - طغیان گری قوم ثمود، آنان را به تکذیب پیام های الهی کشاند .

کذبت ثمود بطغویها

حرف <باء> در بطغواها < سببیه است / یعنی، طغیان زمینه ساز تکذیب بود.

عوامل غفلت از وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۲

۲ - انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الخزّصون. الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط <خزّصون> با <غمره> و <سahون> مطلب بالا استفاده می شود.

غفلت از وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۳

۳ - انسان، به شدت در معرض ناباوری و بی توجهی نسبت به وعده های الهی قرار دارد .

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تأکید در جایی صورت می گیرد که امری مورد غفلت باشد و یا مورد انکار قرار گیرد و از این که سوگندهای مکرر صورت گرفته، شدت غفلت و انکار استفاده می شود.

فرعون و تخلف وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۷

۷- فرعون به موسی (ع) اطمینان داد که او و یارانش ، از حضور در میعادگاه تخلف نخواهند ورزید .

موعداً لانخلفه نحن

فرعونیان و تخلف وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۷

۷- فرعون به موسی (ع) اطمینان داد که او و یارانش ، از حضور در میعادگاه

تخلف نخواهند ورزید .

موعداً لانخلفه نحن

فلسفه وعده استغفار به آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۵

۵- حضرت ابراهیم (ع) با وعده استغفار به آزر، سعی در متمایل ساختن او به توحید و درمان سرسختی او داشت .

قال سلم عليك سأستغفر لك ربّي

نرمی پاسخ ابراهیم(ع) و وعده استغفار به او، ممکن است به جهت متنبه ساختن و نرم کردن دل او برای دست برداشتن از بت پرستی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۸

۱۸ - سخن نرم و خالی از عداوت ابراهیم (ع) به آزر، در راستای گرایش دادن وی به ایمان *

حتّى تؤمنوا .. إلا قول إبراهيم

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته زیر است: ۱ از تعبیر <لأستغفرنّ>، عطف و محبت ابراهیم(ع) نسبت به آزر استفاده می شود ۲ واژه استغفار، تعریض به کجروی گذشته، آزر و زمینه سازی برای گرایش یافتن او به راه درست دارد.

فلسفه وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۰

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذين ءامنوا .. يعبدوننى لايشركون بى شيئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعدوننی..> حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد؛
که در هر صورت بیانگر علت و دلیل

اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

کافران و وعده اصلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب .. و إنهم لکذبون

کافران و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أننا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

کفر به وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۹

۹ ایمان نداشتن به وعده های الهی و قیامت ، منشأ ریاکاری

رئاء النَّاسِ و لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر

بدان احتمال که جمله <الذین لا یؤمنون> بیانگر علت و ریشه انفاقهای ریایی باشد.

کمی مؤمنان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی ، اعتقاد دارند .

و لکن اکثرهم لایعلمون

مفعول <لایعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <و لکن اکثر الناس لایعلمون أن وعد الله حق> .

مفهوم آن این است که تنها اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی یقین دارند.

مشرکان و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۶

۶ بیشتر مشرکان ، نسبت به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی و تحقق قطعی وعده های او ، جاهل و ناآگاهند .

ألا إن لله ما فى السموت . . . ألا إن وعد الله حق و لكن أكثرهم لا يعلمون

مکذبان حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن یروا کسفاً . . . یقولوا سحاب مرکوم

مکذبان وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و يستعجلونک بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر(ص) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۲

۲ - کفرپیشگان ، بر تکذیب وعده ها و تهدید های الهی ، اصرار ورزیده و از فرجام پیشینیان عبرت نمی

گیرند .

بل الذین کفروا فی تکذیب

حرف <فی>، ظرفیه و بیانگر غوطهور بودن کافران در تکذیب است. متعلق تکذیب به قرینه <بل هو قرآن مجید> در آیات بعد قرآن است که وعده ها و تهدیدهایی که در آیات قبل آمده بود، بخشی از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۱

۱ - قوم ثمود، پیام های الهی را دروغ پنداشته، پیامبر خدا را تکذیب کردند .

کذبت ثمود

به قرینه <فقال لهم رسول الله> (در آیات بعد)، مراد از تکذیب در جمله <کذبت ثمود>، تکذیب فرستاده الهی و رسالت های او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۱

۱ - گروهی از مردم، پاداش های موعود خداوند را دروغ پنداشته و وعده های الهی را تکذیب می کنند .

و کذب بالحسنی

منافقان مدینه و وعده پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۵

۵ - منافقان و بیمار دلان مدینه، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله إلا غرورًا

منافقان مدینه و وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ظن و گمان منافقان و بیمار دلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنون بالله الظنونا ..

و إذ يقول المنفقون ... ما وعدنا الله ورسوله إلا

<و إذ يقول> می تواند تفسیر <الظنونا> باشد.

منافقان مدینه و وعده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۹

۹ - ظن و گمان منافقان و بیمار دلان مدینه ، در غزوه احزاب ، این بود که وعده خدا و پیامبرش ، جز فریب نیست .

و تظنون بالله الظنونا .. و إذ يقول المنفقون ... ما وعدنا الله ورسوله إلا

<و إذ يقول> می تواند تفسیر <الظنونا> باشد.

منشأ حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - مقام الوهیت خداوند ، مقتضی تخلف ناپذیری وعده های او

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

تصریح به نام <الله> در بیان حقانیت معاد، در بردارنده این پیام است که امکان ندارد مقامی چون خداوند، وعده ای دهد که محقق نشود.

منشأ وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۵

۲۵ وعده الهی به شمول رحمتش بر مؤمنان ، نشأت یافته از حکمت اوست نه عجز از افاضه رحمت فعلی .

أولئك سيرحمهم الله إن الله عزيز حكيم

جمله <إن الله .. > می تواند تعلیلی برای پرسش مقدر باشد، که چرا خداوند نزول رحمت به مؤمنان را موكول به آینده کرده است.

موارد تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۱ - ۶

۶- اصحاب كهف ، نمونه ای از موحدانی كه وعده های خداوند در باره

آنان تحقّق یافته است .

ليعلموا أنّ وعد الله حقّ

کسانی که از اصحاب کهف بازديد به عمل آوردند به دليل ذيل آيه مردمی بودند که ربوبیت خداوند را پذيرفته بودند. عرضه اصحاب کهف بر این مردم، می تواند به عنوان ارائه نمونه ای عینی از امدادهای موعود خداوند باشد تا مردم، با مشاهده آن ها به حقایق و وعده های خداوند، پی ببرند.

مؤمنان به وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۰

۱۰- اشخاص مؤمن ، وعده الهی در مورد بهشت را علی رغم پنهان بودن آن از دیده ها در دنیا پذیرفته و باور دارند .

جنت عدن التي وعد الرحمن عباده بالغيب

در این برداشت یاد شده <بالغیب ..>، حال برای ضمیر محذوف گرفته شده است که به <التي> برمی گردد. در این صورت حرف <با> به معنای ملابست است یعنی، وعده خدا به بندگان، در مورد بهشت هایی است که از دیده ها پنهان است و آنان گرچه بهشت های عدن را ندیده اند ولی به آن ایمان دارند. این نحوه بیان، حاوی نوعی تمجید از مؤمنان به وعده الهی می باشد. هم چنین اگر <بالغیب> حال برای <عباده> گرفته شود و مراد غایب بودن بندگان از بهشت های عدن باشد، همین معنا استفاده می شود.

مؤمنان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۱

۱ - دسته ای از مردم ، پاداش های موعود الهی را تصدیق کرده ، برای رسیدن به آن تلاش می کنند .

صَدَقَ بِالْحَسَنِي

مراد از <الحسنی> به قرینه فعل های <صَدَقَ> و <كذَّبَ> پاداش های نیکو و وعده به آنها است؛ بنابراین مراد از آن، <المثوبه الحسنی> یا <العِدَّة الحسنی> و نظایر آن است. جمله <صَدَقَ بِالْحَسَنِي> بیان یکی از مصداق های <سعی> در آیات پیشین است؛ از این رو شامل تصدیق عملی نیز می شود.

ناپسندی خلف وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - خلف وعده و قرارشکنی ، عملی زشت و غیرخدا پسندانه

لايخلف الله الميعاد

نشانه های بی اعتمادی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۳

۳ - بخلورزی ، ترک انفاق و احساس بی نیازی از پاداش های الهی ، نشانه بی اعتمادی به وعده های خداوند است .

و أمّا من بخل و استغنى و كذّب بالحسنی

از عطف این آیه بر آیه قبل چه عطف سبب بر مسبب باشد و چه عکس آن برداشت یاد شده استفاده می شود.

نشانه های تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۴

۴ مالکیت مطلق و همه جانبه خداوند بر جهان هستی ، نشان توانمندی او بر تحقق بخشیدن به تمامی وعده های خویش است .

ألا إن لله ما فی السموت و الأرض ألا إن وعد الله حق

نقش وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۵،۶

۵ نقش وعده پاداش و تضمین آن در

ترغیب به عمل

لهم اجرهم عند ربهم

۶ وعده پاداش به اهل ایمان دارای عمل صالح از روش های قرآن برای ایجاد انگیزه به ایمان و عمل صالح

لهم اجرهم عند ربهم

نقش وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۸

۸ وعده خداوند بر مخلصان ساختن بهشتیان در بهشت ، مشیت او را محدود نخواهد ساخت و مانع او در موقت قرار دادن آن نخواهد شد .

خالدین فیها . . . إلا ما شاء ربك عطاءً غير مجذوذ

<عطاءً غير مجذوذ> حاکی از دوام بهشت و نعمتهای آن و تأکیدی بر <خالدین فیها> است. استثنای <ما شاء ربك> در ضمن بیان خلود و دوام نعمتهای بهشت گویای این نکته است که وعده های خداوند، موجب آن نمی شود که مشیت او مقید شود و وی را از این که برخلاف آن عمل کند، ناتوان سازد.

نوح(ع) و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۵

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق

وضوح حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - حقانیت وعده های الهی مانند قدرت آدمیان بر نطق ، روشن و انکارناپذیر است .

و ما توعدون . .. إِنَّه لِحَقِّ مِثْلِ مَا أَنْكُم تَنْطِقُونَ

بنابراین که ضمیر <إِنَّه> به <ما توعدون> بازگردد، تمثیل آیه

شریفه در جهت بیان این معنا است که تحقق وعده های الهی، همان قدر روشن است که سخن گفتن آدمیان و قدرت ایشان بر نطق واضح می باشد.

وعده آبادانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۲

۲ - وعده نوح (ع) به قوم خود، مبنی بر آباد شدن باغ ها و نهراهایشان از سوی خداوند در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربکم... و يجعل لکم جنت و يجعل لکم أنهرًا

وعده آرامش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۹، ۱۶، ۱۴

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت... و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمناً

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت... و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمناً

۱۹ - خداوند، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت، تنها خدا را عبادت کنند.

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت... و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمناً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی...> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد؛ یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می

گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

وعدۀ آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعدۀ الهی به تقوایبندگان

جنت .. یدعون فیها بفقہه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

وعدۀ آمرزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۳۰

۳۰ کفر (شکستن پیمان خدا ، ترک نماز و ...) پس از دریافت وعدۀ بهشت و آمرزش گناهان ، ضلالت و انحراف است .

لاکفرن عنکم سیاتکم .. فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک>، جمله <لاکفرن .. و لادخلنکم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۱

۱- وعدۀ قطعی خداوند به بخشش گناه بدکاران ، در صورت روی آوردن آنان به توبه و صلاح

ثم إن ربك للذین عملوا السوء بجهله ثم تابوا من بعد ذلک و أصلحوا إن ربك من بع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۷

۱۷- وعدۀ خداوند به آمرزش مشرکان ، در صورت بازگشت از شرک

تعلی عمّا یقولون .. إنه کان حلیمًا غفورًا

ذکر تعلیل <غفور> در پایان جمله، می تواند نویدی باشد بر مشرکان که علی رغم گناه بزرگ و سخنان ناروا درباره خداوند، امکان آمرزش

آنان، وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۹

۹ - یأس و ناامیدی از رحمت خداوند، در عین وعده او به آمرزش تمامی گناهان بندگان، امری بی جا و نامعقول است.

لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

جمله <إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا> به منزله تعلیل برای جمله <لا-تقنطوا..> می باشد؛ یعنی، از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ چون او همه گناهان را می آمرزد. با این حساب یأس از رحمت خدا، امری بی جا و نامعقول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنان نیک کردار، از مغفرت و پاداشی عظیم

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود، مبنی بر آمرزش گناهان، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر)، در صورت ایمان آوردن آنان

يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِكُم إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى

<أجل> به معنای پایان زندگی و نهایت زمان عمر آدمی و <مسمی> به معنای معین و مشخص است. مقصود از تأخیر اجل مسمی، نازل نشدن عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن مرگ مقدر الهی است که هر انسانی، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

وعده آمرزش به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - خداوند ، با وعده قطعی به پیامبر (ص) ، درباره بخشش پیاپی به آن حضرت تا حد رضایت کامل در آخرت ، او را تسلا داده و بر دور بودن همیشگی آن حضرت از قهر و خشم خود تأکید کرد .

ما وَدْعَكَ .. و لسوف يعطيك ربك فترضى

<لام> در <لسوف> ، حرف ابتدا و برای تأکید است.

وعده اجابت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۲

۲ - استجابت دعای بندگان و برآوردن خواسته های آنان ، وعده الهی است .

و قال ربکم ادعونی أستجب لکم

وعده استغفار به آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۳

۳- حضرت ابراهیم (ع) پس از پایان گفتوگو با آزر ، به او وعده داد که آمرزش گناه شرک او را به زودی از خداوند خواهد خواست .

قال سلم عليك سأستغفر لك ربی

ابراهیم(ع) به قرینه <أخاف> در آیات قبل، آزر را مشرکی که قابل بخشش نباشد و به تعبیر برخی آیات <دشمن خدا> نمی دانست؛ بنابراین به بخشش گناه شرک او امیدوار بود، لذا نه عذاب او را قطعی دانست و نه به او وعده مغفرت حتمی داد، بلکه با اطمینان به مهرورزی خداوند به او، اظهار امیدواری کرد که استغفارش تأثیر بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۶، ۱۷

۱۶ - وعده ابراهیم (ع) به پدرش (جد مادری یا عمویش آزر)، در

مورد استغفار برای او از درگاه خداوند

إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ

۱۷ - عدم برقراری رابطه میان ابراهیم (ع) و قوم مشرک او، مگر در وعده استغفار آن حضرت برای آزر

إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرءُؤُا مِنْكُمْ . . . إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <إِلَّا>، استثنا از برائت ابدی باشد که از بخش پیشین آیه استفاده می شود.

وعده امداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۴

۴ وعده الهی به بنی اسرائیل بر نصرت آنان

اخذ الله ميثق بني اسرائيل . . . و قال الله اني معكم

در برداشت فوق مخاطب در <معكم>، بنی اسرائیل گرفته شده است، نه خصوص نقبای آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۸

۱۸ - وعده تأیید و امداد، از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام در قبال دشمنانشان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ . . . فَأَيُّدِنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عِدْوِهِمْ فَأُصَبِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر یاری شدنشان با اموال و فرزندان از سوی خداوند ، در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا

رَبِّكُمْ . . . و یمددکم بأمول و بنین

و عده امداد غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۹

۹ - خداوند ، مسلمانان صدراسلام را از پیش ، به فتح مکه و امداد های خود وعده داد .

و أُخْرَى تَحْتَوْنَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحَ قَرِيبٍ

و عده امنیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۹، ۱۶، ۱۴

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وَعْدَ اللَّهِ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ . . . وَ لِيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وَعْدَ اللَّهِ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ . . . وَ لِيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

۱۹ - خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وَعْدَ اللَّهِ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ . . . وَ لِيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد؛ یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

و عده با ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ خوار نگشتن و رسوا نشدن در قیامت ، با ارزشترین نوید الهی به خردمندان مؤمن

اتنا ما وعدتنا .. فلا تخزنا ... انك لا تخلف الميعاد

جمله <آتک .. > پس از جمله <و لا تخزنا>، دلالت می کند که عدم خواری، از وعده های الهی به خردمندان مؤمن است. بنابراین عطف <لا تخزنا> بر <اتنا ما وعدتنا>، عطف خاص بر عام است و دلالت بر اهمیت برتر معطوف (لا تخزنا) دارد.

وعده باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر ریزش باران فراوان و پی درپی بر آنان ، در صورت استغفار و ایمان آوردن آنان

فقلت استغفروا ربکم .. یرسل السماء علیکم مدراراً

یکی از معانی <سما>، باران است (صحاح) و در این آیه شریفه در همین معنا به کار رفته است. <مدراراً> به معنای ریزش فراوان و پی درپی است.

وعده بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۲

۲ معاد و بازگشت انسان ها به سوی خدا ، وعده الهی است .

إلیه مرجعکم جمیعاً وعد الله

وعده بازگشت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۰

۱۰ - اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ -

۹- وعده خدا به مادر موسی ، مبنی بر بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

و لتعلم أنّ وعد الله حقّ

این آیه اشاره به وعده ای دارد که خداوند قبلاً به مادر موسی داده بود: <ما او را قطعاً به تو باز خواهیم گرداند>، (إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ).

وعده برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۵

۵- وعده وقوع حتمی قیامت ، از سوی مؤمنان به کافران داده شده بود .

و يقولون متى هذا الفتح إن كنتم صدقین

وعده برگزیدگی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۱

۱۱- برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت ، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لاتخافی و لاتحزنی . . . و جاعلوه من المرسلین

وعده به اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۶

۶- اصحاب کهف ، نمونه ای از موحدانی که وعده های خداوند در باره آنان تحقّق یافته است .

لیعلموا أنّ وعد الله حقّ

کسانی که از اصحاب کهف بازدید به عمل آوردند به دلیل ذیل آیه مردمی بودند که ربوبیت خداوند را پذیرفته بودند. عرضه اصحاب کهف بر این مردم، می تواند به عنوان ارائه نمونه ای عینی از امدادهای موعود خداوند باشد تا مردم، با مشاهده آن ها به حقیقت وعده های خداوند، پی ببرند.

وعده به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱

۱ - وعده خداوند

به اسکان انبیا در سرزمین خویش ، در پی تهدید به اخراج شدن آنان از سوی اقوام کافر

و قال الذین کفروا لرسلم لئخرجنکم من أرضنا. .. فأوحى إليهم ... و لنسکنکم الار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۹، ۶، ۳، ۲

۲- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان ، وعده خداوند به آنان

و أنذر الناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا .. و قد مکروا مکرمهم ... فلاتح

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است <فاء> تفریع در <فلاتحسبن> مؤید این ارتباط است.

۳- وعده های خداوند به پیامبران مبنی بر پیروز گردانیدن آنان بر دشمنان ، تخلف ناپذیر است .

الذین ظلموا .. و قد مکروا مکرمهم ... فلاتحسبن الله مخلف وعده رسله

۶- خنثی و بی نتیجه کردن مکر و ترفند های ستمگران ، وعده خداوند به رسولان خویش

و قد مکروا مکرمهم و عند الله مکرمهم و إن کان مکرمهم لتزول منه الجبال . فلاتحسبن ال

۹- قدرت شکست ناپذیر خدا و صاحب انتقام بودن او ، دلیل تخلف ناپذیری وعده هایش در یاری رسولان و عذاب کردن ستمگران

فلاتحسبن الله مخلف وعده رسله إن الله عزیز ذو انتقام

جمله <إن الله عزیز ذو انتقام> به منزله تعلیل برای بخش اول آیه (فلاتحسبن ..) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۲

۲- نابودی دشمنان ، وعده خداوند به پیامبران و مؤمنان

ثم صدقنهم الوعد. .. و أهلکنا المسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان است .

إِنَّا لَنصِرُ رَسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فاصبر

وعده به انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ وعده خداوند به غوطه ور ساختن مؤمنان انفاقگر ، در دریای رحمت خویش

سیدخلهم الله فی رحمته

وعده به انفاقگران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - وعده پاداش از سوی خداوند ، به همه مجاهدان و انفاق گران صدراسلام

و كلاً وعد الله الحسنی

وعده به اهل تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی كانوا یوعدون

وعدۀ به برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) به برادرانش وعدۀ داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون .. أنا خير المنزلين

وعدۀ به بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعدۀ و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی

خود، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ . إِنَّ فِي هَذَا لَلْبَلَاءَ لِقَوْمِ عَبْدِ بْنِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

و وعده به بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۶

۶ وعده هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل بر سرزمین آنان، از وعده های نیکوی خداوند به قوم موسی

و تمت کلمت ربك الحسنی علی بنی اسرائیل

کلمه <الحسنی> (زیباتر) صفت برای <کلمت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۳

۱۳ تصرف سرزمین فاسقان و دیدن مناظر آن، وعده ای از جانب خداوند به امت موسی

سأوریکم دار الفسقین

در اینکه مراد از <الفسقین> چه کسانی هستند، سه احتمال وجود دارد: فرعونیان، ساکنان سرزمین قدس پیش از ورود قوم موسی به آنجا، متخلفان قوم موسی برداشت فوق ناظر به احتمال اول و دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۹

۹- وعده خداوند به بنی اسرائیل جهت گردآوری آنان در سرزمین فلسطین، پس از فرا رسیدن دومین موعد فساد آنان در آن سرزمین

جئنا بکم لفیفاً

برداشت فوق بدان احتمال است که <وعد الأخره> اشاره ای باشد به آن دو موعدی که خداوند در آغاز این سوره (آیه ۴) برای بنی اسرائیل پیش

بینی کرده و به آنان هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۳

۳ - خداوند ، پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، با آنان قرار گفت و گو نهاد و وعده ارتباط نزدیک داد .

و وعدنکم جانب الطور الایمن

متعلق <واعدناکم> به قرینه <و ما أعجلک عن قومک یا موسی> (در آیات بعد) وعده مناجات و گفت و گو با موسی (ع) بوده است. این مواعده گرچه با همه بنی اسرائیل نبود؛ اما بازگشت منافع آن (از قبیل نزول تورات) به عموم آنان، سبب شد که از آن به عنوان نعمتی بر همه بنی اسرائیل یاد شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۵،۷

۵ - بنی اسرائیل ، پیش از رفتن موسی (ع) به میقات ، وعده خوبی (نزول تورات) از ناحیه خداوند دریافت کرده بودند .

ألم يعدکم ربکم وعدًا حسنًا

استفهام تقریری یا انکاری موسی (ع) از بنی اسرائیل، نشان از داده شدن وعده ای به آنان پیش از رفتن موسی (ع) به میقات دارد. محتوای این وعده را، برخی نزول تورات دانسته اند.

۷ - بنی اسرائیل ، بدون این که در تحقق وعده خداوند (اعطای تورات) به آنان تأخیری شده باشد ، به گمراهی تن در دادند .

ألم يعدکم ربکم .. أفضال علیکم العهد

استفهام در <أفضال> انکاری است. و <عهد> به معنای زمان است. (قاموس) و مراد زمان تحقق وعده ای است که <ألم يعدکم> بر آن دلالت داشت، و ممکن است مراد از <عهد> زمان دوری موسی (ع) باشد.

وعدۀ به بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۷

۷- وعدۀ منافقان مدینه به یهود بنی نضیر ، نسبت به همگامی کامل با آنان در صورت نبرد یا تبعید

الذین نافقوا یقولون .. لئن أُخرجتم لَنُخرجنَّ معکم ... و إن قوتلتم لننصرنَّکم

وعدۀ به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۳۲

۳۲ ترغیب الهی به تحمّل رنج ها و سختی های راه ایمان ، با وعدۀ بهشت و آمرزش گناه مؤمنان آزاردیده و رنج کشیده

فَالَّذین هاجروا .. لا کُفِّرَنَّ عنهم سِئِئاتهم و لا دخلنَّهم جَنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۲

۲ اعلان تحقق وعدۀ های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادى .. ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

وعدۀ به پدران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۲

۲ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعدۀ خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جَنّت عدن الّتی وعدتّهم

وعدۀ به پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۵،۲۲

۱۵ تردید برخی از مسلمانان نبرد احد در حَقّانیت اسلام و وعده رسول خدا (ص) به پیروزی مسلمانان بر دشمنانشان

و طائفه . . . یقولون هل لنا من الامر من شیء

برخی از مسلمانان گمان

می کردند چون به اسلام گرویده اند و اسلام دین حق و الهی است، باید همه امور بر طبق خواسته آنان پیش رود؛ ولی آنگاه که شکست خوردند، به تردید افتادند و گفتند گویا اختیار امور به دست ما نیست و در نتیجه اسلام دین حق نیست و وعده های رسول خدا (ص) بی مورد است.

۲۲ انکار حقایق رسول خدا (ص) و نادرست پنداشتن وعده های الهی به پیروزی، چیزی است که خودگزیانان شرکت کننده در نبرد احد از رسول خدا پنهان می داشتند .

و طائفه .. یخفون فی انفسهم ما لاییدون لک

وعده به تائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۲،۳

۲ - بوستان های ماندنی بهشت، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ

۳ - بوستان های ماندنی بهشت، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران، همسران و فرزندان ایشان

جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَ مِنْ صَلْحٍ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَ اَزْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <مَنْ> در <و مِنْ صَلْحٍ ..> عطف بر ضمیر <هَمْ> در <وَعَدْتَهُمْ...> باشد؛ یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

وعده به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۲،۳

۲ - تأکید فرعون بر قرار گرفتن ساحران در زمره مقربان وی، با پیروزی بر موسی (ع)

إِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

۳- فرعون ، برای جلب حمایت ساحران ، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئن لنا لأجرًا .. و إِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

وعده به زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۷

۷- خداوند ، تحقق بخش وعده های خود به مردان و زنان مؤمن در قیامت ، در مشهد و منظر پیامبر اکرم (ص)

فیضعفه له و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین و المؤمنت

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه <تری>، خطاب به خصوص پیامبر اکرم(ص) باشد.

وعده به شاکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

وعده به شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً عليه حقاً في التوريه و الإنجيل و القرآن

وعدّه به شيعيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٢ - نور - ٢٤ - ٥٥ - ٢٧

٢٧ - > عن على بن الحسين (ع)

انه قرء الآيه < وعد الله الذين آمنوا منكم ... > وقال : هم والله شيعتنا أهل البيت يفعل الله ذالك بهم على يدى رجل منا و هو مهدى هذه الأمة ... ;

از حضرت على بن الحسين(ع) روايت شده است كه آن حضرت در پى تلاوت آيه < وعد الله الذى آمنوا منكم .. > فرمود: سوگند به خدا! آنان شيعيان ما اهل بيت هستند كه خداوند به سبب مردى از خاندان ما كه مهدى(عج) اين امت باشد آنان را خليفه روى زمين قرار خواهد داد...<

وعده به صابران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، وعده مكرر خداوند به يكتاپرستان پايدار بر توحيد

و أبشروا بالجنه التى كنتم توعدون

وعده به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۶

۶ نزول عذاب بر قوم ثمود ، وعده اى از ناحيه خداوند به حضرت صالح (ع)

ذلك وعد غير مكذوب

وعده به صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنين ، به اعطای پاداش نيك ، به مؤمنان نيك كردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحا فله جزاء الحسنی

<جزاء> حال است و بيان اين كه رفتار نيكو (الحسنی) پاداش ايمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۰، ۱۹، ۱۶، ۱۴، ۱۰، ۹، ۳

۳ - خداوند ، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و

جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت ليستخلفنهم فى الأرض

۹ - خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و ليمكّنن لهم دينهم الذى ارتضى

۱۰ - وعده اُکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و ليمكّنن لهم دينهم الذى ارتضى

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و ليبدّلنهم من بعد خوفهم أمّن

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و ليبدّلنهم من بعد خوفهم أمّن

۱۹ - خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و ليبدّلنهم من بعد خوفهم أمّن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <يعبدوننى..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد؛ یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد

می پردازند.

۲۰- عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذین ءامنوا .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی..> حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنان نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد الله الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجراً عظیماً

وعدہ به فرزندان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۲

۲ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جنت عدن التی وعدتھم

وعدہ به فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - وعده خداوند به تأمین نیازمندی های فقیران غیر متأهل ، در صورت اقدام آنان به ازدواج

و أنكحوا الأیمی منکم . . . إن یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله

وعده به قوم نوح

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود، مبنی بر آمرزش گناهان، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر)، در صورت ایمان آوردن آنان

يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

<اجل> به معنای پایان زندگی و نهایت زمان عمر آدمی و <مسمی> به معنای معین و مشخص است. مقصود از تأخیر اجل مسمی، نازل نشدن عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن مرگ مقدر الهی است که هر انسانی، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود، مبنی بر ریزش باران فراوان و پی درپی بر آنان، در صورت استغفار و ایمان آوردن آنان

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ .. يَرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا

یکی از معانی <سما>، باران است (صحاح) و در این آیه شریفه در همین معنا به کار رفته است. <مدراراً> به معنای ریزش فراوان و پی درپی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۲

۲ - وعده نوح (ع) به قوم خود، مبنی بر آباد شدن باغ ها و نهرفهایشان از سوی خداوند در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ .. وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا

وعده به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - جهنم ، وعده الهی به مجرمان و کافران است .

هذه جهنم الّتی کنتم توعدون

۳ - به دوزخ رفتن کافران و مجرمان ، وعده ای که پیوسته به آنان در دنیا ابلاغ شده است .

هذه جهنم الّتی کنتم توعدون

آمدن فعل مضارع به ویژه با فعل <کنتم> نشانگر استمرار و پیوستگی این وعده الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۴

۴ - عذاب اخروی و شکست دنیوی ، وعده الهی به کافران حق ناپذیر

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

وعده به مادر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

إنّا رادّوه إلیک

۱۱ - برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت ، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

ولا تخافی ولا تحزنی . . . و جاعلوه من المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۹

۹ - وعده خدا به مادر موسی ، مبنی بر بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

و لتعلم أنّ وعد الله حقّ

این آیه اشاره به وعده ای دارد که خداوند قبلاً به مادر موسی داده بود: <ما او را قطعاً به توباز خواهیم گرداند>، (إنا رادّوه إليك).

وعده به متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۴

۴ زندگی

در بهشت جاویدان ، وعده خداوند به تقواییشان

جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقواییشان

جَنَّتْ .. یدعون فیها بفقہه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - اعطای کاخ ها و بنا های رفیع به همراه نهر های جاری ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به تقواییشان

لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف .. وعد الله لا يخلف الله الميعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۲

۲ - برآورده شدن تمامی خواسته های تقواییشان ، وعده خداوند به آنان

لهم ما يشاءون عند ربهم

کلمه <عند> برای التزام و وعده به کار می رود؛ مثل <لک عندی..> (برای تو پیش من چنین و چنان است).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۲،۵

۲ - بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقواییشان

صدقنا وعده

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقواییشان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض ننبؤاً من الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱

۱- بهشت و نعمت های آن ، پاداش موعود الهی برای تقوایندگان

الجنّه الّتی وعد المتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق -

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم
یوم نقول لجهنم .. و أزلفت الجنة للمتقين ... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۱

۱ - بهشت وعده اکید خداوند به اهل تقوا

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

وعده به متوکلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۹

۹ وعده خداوند به برخورداری متوکلان از عطا و تفضلش

و قالوا حسبنا الله سيؤتينا الله من فضله

آیه فوق در مقام تعلیم به انسان است و بی تردید آنچه خداوند تعلیم دهد، منطبق با واقعیت می باشد در نتیجه جمله
<سیؤتینا> حاکی از عطای الهی به متوکلان است.

وعده به مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً عليه حقاً في التوریه و الإنجیل و القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

یغفر لکم .. و أُخْرِی تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحَ قَرِیْبٍ

وَعْدَهُ بِمُجَاهِدَانِ صَدْرَاسْلَامٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - وعده پاداش از سوی خداوند ، به همه مجاهدان و انفاق گران صدراسلام

وَ كَلَّا وَعْدٌ

اللّٰه الحسنی

وعدہ بہ مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۲،۳

۲ - جهنم ، وعدہ الہی بہ مجرمان و کافران است .

ہذہ جہنّم الّٰتی کنتم توعدون

۳ - بہ دوزخ رفتن کافران و مجرمان ، وعدہ ای کہ پیوستہ بہ آنان در دنیا ابلاغ شدہ است .

ہذہ جہنّم الّٰتی کنتم توعدون

آمدن فعل مضارع بہ ویژه با فعل < کنتم > نشانگر استمرار و پیوستگی این وعدہ الہی است.

وعدہ بہ محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۶

۶ - اعطای پاداش نیک در دنیا ، وعدہ خداوند بہ احسان کنندگان

للذین أحسنوا فی ہذہ الدنیا حسنہ

برداشت بالا مبتنی بر این دید گاہ است کہ < فی ہذہ الدنیا > ظرف برای < حسنہ > باشد، نہ برای < أحسنوا >؛ چنان کہ در جای دیگر قرآن، بہ این حقیقت تصریح شدہ است: < للذین أحسنوا فی ہذہ الدنیا حسنہ و لدار الآخرہ خیر .. >، (سورہ نحل ۱۶) آیه ۳۰.

وعدہ بہ محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ وعدہ پیروزی بہ پیامبر (ص) در برابر موج توطئه ها و تکذیب های شرکوزان عصر بعثت

أو كذب بأيته إنه لا يفلح المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ١٠٩ - ٩

٩ دلجويي خداوند از پيامبر (ص) در برابر مشكلات رسالت و دادن وعده پيروزي به آن حضرت

و اصبر حتى يحكم الله و هو خير الحكمين

جلد - نام سوره - سوره -

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقّق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵- خداوند ، پیامبر (ص) را به ارائه آیاتی آموزنده تر از داستان اصحاب کهف ، وعده داد .

و قل عسی أن یهدین ربّی لأقرب من هذا رشداً

<هذا> می تواند اشاره به بیان سرگذشت اصحاب کهف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- خداوند به ارائه مطالبی درباره < ذی القرنین > به وسیله آیاتی از قرآن ، وعده حتمی داد .

قل سأتلوا علیکم منه ذکراً

ضمیر در <منه> به <ذی القرنین> برمی گردد و <من> برای تبعیض است ؛ یعنی، بخشی از اخبار و حالات او. مراد از <ذکراً> به قرینه <سأتلوا> آیات قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تداوم نقل اخبار پیامبران و امت های گذشته ، از وعده های خداوند به پیامبر (ص)

كذلك نقصّ عليك من أنباء ما قد سبق

<نقصّ عليك..> وعده خداوند به نقل گوشه هایی از تاریخ پیشینان است.

جلد - نام سوره -

۶ وعده خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اعطای باغ هایی با نهر های روان و قصر ها در قیامت

إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ... وَيَجْعَلُ لَكَ قَصْرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که آیه شریفه، ناظر به جهان آخرت باشد که در این صورت، اعطای باغ ها و قصرها به پیامبر(ص)، وعده خداوند به آن حضرت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ دلداری و وعده خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان، مبنی بر نصرت و راهبری آنان در برابر دشمنانشان

و كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَ نَصِيرًا

آیه شریفه، با بیان وضعیت پیامبران در انجام رسالتشان که همواره بادشمنان تبه کار مواجه بودند می تواند درصدد تعقیب دو هدف باشد: ۱ دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان در برابر کارشکنی های دشمنان آنان. ۲ تشویق و تحریک پیامبر(ص) و مؤمنان به صبر و پایداری در راه خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - داوری میان مؤمنان و کافران به قرآن، وعده حتمی خدا به پیامبر (ص)

وَ إِنَّهُ لَهْدِيٌّ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ . إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ

در صورتی که آیه یاد شده مرتبط با آیه قبل که درباره قرآن است باشد عبارت <يقضی بینهم> به معنای <يقضی بین من آمن بالقرآن و بین من كفر

به < خواهد بود. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ - وعده خداوند ، به پیامبر (ص) برای جلوگیری از آزار و اذیت کافران و منافقان به آن حضرت

و دَعَّ أذْيَهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۵

۵ - خنثی ساختن تبلیغات مکارانه کافران در برابر قرآن ، وعده تسلا بخش خداوند به پیامبر (ص)

و أَكِيدُ كَيْدًا

روی سخن در این آیه به قرینه آیه بعد (فَمَهْلٍ ..) با پیامبر(ص) و به منظور اطمینان بخشیدن به آن حضرت است که در درخواست عقوبت سریع برای کافران شتاب نوردد زیرا خداوند پاسخ مناسب توطئه آنان را خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران ، کافی برای شتاب نوردیدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای آنان

و أَكِيدُ كَيْدًا . فَمَهْلٍ

برداشت یاد شده، از حرف <فاء> در <فَمَهْلٍ> استفاده شده است، یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه

شدى، با خاطرى آسوده به كافران فرصت

ده؛ زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۲، ۲

۲ - خداوند، پیامبر (ص) را به آموختن قرآن و جاری ساختن آن بر زبان او وعده داد.

سنقرئک

<إقراء>؛ یعنی، دیگری را قاری ساختن و حرف <سین> در <سنقرئک> برای تأکید وعده است. بنابراین مفاد آیه شریفه، این است که وحی همچنان ادامه یافته، زبان تو در حال و آینده به قرائت آن توانمند خواهد بود.

۱۲ - خداوند پیامبر (ص) را به داشتن حافظه ای نیرومند و فراموش نکردن آنچه خوانده است، وعده داد.

سنقرئک فلاتنسی

حذف مفعول از فعل های <نقرء> و <لاتنسی>، ممکن است برای افاده عموم باشد؛ یعنی، تو را بر قرائت توانا می سازیم و تو خواننده های خویش را، از یاد نخواهی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۸ - ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) وعده داد که او را به برنامه و شریعتی ساده راهنمایی کرده و بر انجام دادن آن آماده و توانا سازد.

و نیسرک لیسری

<یسری> وصف برای موصوفی محذوف از قبیل <الطریقه> یا <الشریعه> و به معنای سهل تر و آسان تر است. اسناد فعل <نیسرک> به ضمیر خطاب با آن که در این موارد طبیعی آن است که تعبیر <آسان کردن یسری برای پیامبر(ص)> به کار رود؛ نه <آسان ساختن پیامبر(ص) برای یسری> بیانگر آن است که خداوند وعده ایجاد تحولات

درونی در شخص پیامبر(ص) را، به آن حضرت داده است که با سهولت پذیرای برنامه الهی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۷

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را به تدبیر امور آن حضرت و مجازات اخروی مخالفان طغیان گراو ، وعده داد .

لیطغی ... ربك

خطاب در <رَبِّكَ> چه ویژه پیامبر(ص) باشد و چه هر مخاطبی را شامل گردد که در نتیجه پیامبر(ص) بارزترین مصداق مورد نظر خواهد بود برداشت یاد شده استفاده می شود.

وعده به مسافران به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - اختصاص غنایم خیبر به شرکت کنندگان سفر حدیبیه ، براساس وعده قبلی خداوند *

إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها .. قال الله من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنایم، به حاضران صلح حدیبیه باشد؛ چه این که این نکته از نظر تاریخی نیز تأیید شده است.

وعده به مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها ذرونا تتبعكم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن

را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

و عده به مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۴

۴- محبوبیت اجتماعی و ایجاد پایگاه در دل های مردم ، وعده خداوند به مسلمانان رنج کشیده صدراسلام

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ

نزول این آیات در مکه و همچنین ارتباط آن با آیات پیشین که حاوی ادعاهای ناروای مشرکان و فشارهای روحی و تبلیغاتی آنان بود چنین اقتضا دارد که جمله <سَيَجْعَلُ ..>، وعده خداوند به محبوب شدن مؤمنان و یافتن پایگاه مناسب اجتماعی در میان مردمان آن عصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۹، ۶

۶ - خداوند ، مجاهدان صدراسلام را به امداد های غیبی خود و غلبه سریع بر دشمن وعده داده است .

و أُخْرَىٰ تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحَ قَرِيبٍ

۹ - خداوند ، مسلمانان صدراسلام را از پیش ، به فتح مکه و امداد های خود وعده داد .

و أُخْرَىٰ تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحَ قَرِيبٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۸

۱۸ - وعده تأیید و امداد ، از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام در قبال دشمنانشان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ .. فَأَيُّدِنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عِدْوِهِمْ فَأُصِيبُ

و عده به مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- وعده پیامبر (ص) به مشرکان مبنی بر وقوع قیامت در

آینده

و يقولون متى هذا الوعد

وعده به موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، وعده مکرر خداوند به یکتاپرستان پایدار بر توحید

و أبشروا بالجنّه التي كنتم توعدون

وعده به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۵

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أُحْدِثُ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۶

۶ - اعطای معجزاتی در کنار معجزه عصا و یدیبضا به موسی (ع) ، وعده خداوند به او در کوه طور *

بایتی

جمع آوردن <آیات> با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسی(ع) عطا شده بود، می تواند وعده ضمنی خداوند به اعطای معجزاتی دیگر به موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بلعیده شدن سحر ساحران فرعون و بطلان گردیدن ساخته های آنان با عصای موسی (ع) ، وعده خداوند به آن حضرت

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا

فعل <تلقف> و نظایر آن (نزد برخی از اهل لغت) در موردی به کار می رود که چیزی گرفته شود و خورده یا بلعیده گردد
(لسان)

العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - وعده خداوند به موسی (ع) ، درباره رفع عذاب فرعونیان ، در صورت روی آوردن آنان به حق

ادع لنا ربك بما عهد عندك إنا لمهتدون

به قرینه ذیل این آیه و آیه بعد، به دست می آید که مراد از <ما عهد عندك>، وعده خداوند به رفع عذاب از فرعونیان در صورت پذیرش هدایت است.

۱۲ - فرعونیان پس از گرفتاری به عذاب الهی به موسی (ع) وعده دادند که در صورت رفع عذاب ، ایمان خواهند آورد .

و قالوا یاایه السحر ادع لنا ربك بما عهد عندك إنا لمهتدون

وعده به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۴

۴ پیروزی بر سپاه مشرکان قریش و یا تسلط بر کاروان تجاری آنان ، وعده خداوند به اهل ایمان

و إذ يعدكم الله إحدى الطائفتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ جبران خسارت های وارده بر مؤمنان ، در نتیجه مبارزه با دشمنان اسلام ، وعده الهی به ایشان

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام .. و إن خفتم عيله فسوف يغنيكم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۵

۲۵ وعده الهی به شمول رحمتش بر مؤمنان ، نشأت یافته از حکمت اوست نه عجز از افاضه رحمت فعلی .

أولئك سيرحمهم الله إن الله عزيز حكيم

جمله <إن الله... > می

تواند تعلیلی برای پرسش مقدر باشد، که چرا خداوند نزول رحمت به مؤمنان را موکول به آینده کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین ... تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ وعده خداوند به غوطه ور ساختن مؤمنان انفاقگر ، در دریای رحمت خویش

سیدخلهم الله فی رحمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ > عن أبي جعفر (ع) فی قوله : > و لا یزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه < و هی النقمه > أو تحلّ قریباً من دارهم < فتحلّ بقوم غیرهم فیرون ذلک و یسمعون به و الذین حلّت بهم عصاه کفار مثلهم و لا یتعظ بعضهم ببعض و لن یزالوا کذلک > حتی یأتی وعد الله < الذی وعد المؤمنین من النصر و یخزی الله الکافرین ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <و لا یزال .. > روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] > أو تحلّ قریباً من دارهم < [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آید و آنان می بینند و می شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله،

همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و خداوند کافران را خوار می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاء الحسنی

<جزاء> حال است و بیان این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۴

۱۴- بهشت ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان

یدخلون الجنة .. وعد الرحمن ... إنه كان وعده مؤتییًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۲

۲- نابودی دشمنان ، وعده خداوند به پیامبران و مؤمنان

ثم صدقنهم الوعد. .. و أهلکنا المسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۷

۷- وعده خداوند به نجات مؤمنان از غم و گرفتاری ، در صورت دعای خالصانه آنان

فنادی .. و كذلك ننجی المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱- خداوند ، به کسانی که منزلت نیکو و خصلت پسندیده دارند (مؤمنان راستین) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إِنَّ الدِّينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِّنَّا الْحَسَنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

<الحسنی> مؤنث <أحسن> و صفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرینه مقابله با آیه قبل که در

باره کافران و مشرکان بود آیه شریفه در باره مؤمنان راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۶

۶- قیامت (بهشت) ، وعده پیشین خداوند به مؤمنان راستین

هذا یومکم الذی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۰، ۱۹، ۱۶، ۱۴، ۱۰، ۹، ۳

۳ - خداوند ، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

۹ - خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتض

۱۰ - وعده اکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتض

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمن

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمن

۱۹ - خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان

دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و لبيدلتهم من بعد خوفهم آمن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد؛ یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذين ءامنوا . . . یعبدوننی لایشركون بی شیئا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی..> حال برای ضمیر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد؛ که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۴

۴ دلداری و وعده خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، مبنی بر نصرت و راهبری آنان در برابر دشمنانشان

و كذلك جعلنا لكل نبي عدواً من المجرمين و كفى برّبك هاديًا و نصيرًا

آیه شریفه، با بیان وضعیت پیامبران در انجام رسالتشان که همواره بادشمنان تبه کار مواجه بودند می تواند درصدد تعقیب دو هدف باشد: ۱ دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان در برابر کارشکنی های دشمنان آنان. ۲ تشویق و تحریک پیامبر(ص) و مؤمنان به صبر و پایداری در راه خدا.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۳، ۲

۲ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ

۳ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان ایشان

جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <مَنْ> در <و مَنْ صَلَحَ ..> عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم...> باشد؛ یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا .. فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۴

۴ - غنایم خیر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدكم الله .. فعجل لكم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۱

۱ - وعده خداوند به مؤمنان ، در دستیابی آنان به غنایمی ، علاوه بر غنایم خیر

با توجه به این که آیه قبل در زمینه غنائیم خیر بوده، واژه <آخری> در مقایسه با غنائیم خیر به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنان نیک کردار، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد الله الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۷

۷- خداوند، تحقق بخش وعده های خود به مردان و زنان مؤمن در قیامت، در مشهد و منظر پیامبر اکرم (ص)

فیضعفه له و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین و المؤمنت

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه <تری>، خطاب به خصوص پیامبر اکرم(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۶

۶- دستیابی به دو بهره کافی از رحمت الهی، وعده خدا به مؤمنانی است که تقواپیشه کنند و از پیامبر اکرم (ص) پیروی کامل نمایند.

یأیها الذین ءامنوا اتقوا .. یؤتکم کفلین من رحمته

<کفل> (مفرد <کفلین>) به معنای حظ و بهره ای است که کفایت می کند (مفردات راغب). گفتنی است که <یؤتکم...> جواب برای شرط مقدر می باشد و تقدیر آن چنین است: <إن تتقوا و تؤمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته> (اگر تقوا پیشه کنید و از رسول او تبعیت کامل نمایید، از رحمت خود به شما دو بهره کافی خواهد داد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - وعده بهشت از سوی خداوند به مؤمنان راستین

أُولَئِكَ ... يَدْخُلُهُمُ جَنَّاتٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۴

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

يَغْفِرُ لَكُمْ ... وَ أُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحَ قَرِيبٍ

وعده به مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ وعده خداوند به جبران خسارت های مادی مؤمنان صدر اسلام ، که در نتیجه قطع رابطه با مشرکان متوجه آنان می شد .

إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ ... وَ إِن خِفْتُمْ عَلَيْهِ فُسُوفَ يَغْنِيكُمُ اللَّهُ

وعده به مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ شکست نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدَ اللَّهِ

وعده به مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۳

۳- پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

وعده به همسران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۲

۲- بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جَنَّتِ عَدْنُ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ

وعده بهشت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۳۰

۳۰ کفر (شکستن پیمان خدا ، ترک نماز و ...) پس از دریافت وعده بهشت و آمرزش گناهان ، ضلالت و انحراف است .

لاکفرن عنکم سیاتکم ... فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک> ، جمله <لاکفرن ... و لادخلنکم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین .. تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۴

۱۴- بهشت ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان

یدخلون الجنة .. وعد الرحمن ... إنه کان وعده مآتياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۶ - ۴

۴- عکس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند ، انکار و استبعاد معاد است .

جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ . . . وَ يَقُولُ الْإِنْسَنُ أءِذَا مَا مَتَّ

چنانچه دو آیه قبل (> و ما ننزل.. .. سمیاً<) جمالاتی معترضه و بریده از آیات قبل و بعد باشد، آیه مورد

بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۶

۶- قیامت (بهشت) ، وعده پیشین خداوند به مؤمنان راستین

هذا یومکم الذی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقوایندگان

جنت .. یدعون فیها بفککه کثیره و شراب . و عندهم قصرات الطرف أتراب . هذا ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - اعطای کاخ ها و بنا های رفیع به همراه نهر های جاری ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به تقوایندگان

لکن الذین اتقوا ربهم لهم غرف .. وعد الله لایخلف الله المیعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۲،۵

۲ - بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقوایندگان

صدقنا وعده

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقوایندگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض نتبوا من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ

۳ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان

جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَّحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَ اَزْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <مَنْ> در <و من صلح...> عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتھم...> باشد؛ یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، وعده مکرر خداوند به یکتاپرستان پایدار بر توحید

و اَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وَعْدَ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱

۱- بهشت و نعمت های آن ، پاداش موعود الهی برای تقوایندگان

الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنم... و أزلفت الجنة للمتقين... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۱

۱ - بهشت وعده اُکید خداوند به اهل تقوا

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ - وعده بهشت از

سوی خداوند به مؤمنان راستین

أُولَئِكَ . . . يَدْخُلُهُم جَنَّتٌ

وَعْدَهُ بِبَهْشْتِ بَه مَتَقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۱

۱ بهشت ، وعده و نوید خداوند به تقوایندگان

مِثْلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

وَعْدَهُ بِبَهْشْتِ عَدْنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۴

۴- خداوند به بندگان خویش ، وعده ورود به بهشت های عدن داده است .

جَنَّتِ عَدْنِ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ

وَعْدَهُ بِإِدَائِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۵

۵ نقش وعده به پاداش و تضمین آن ، در ترغیب به عمل خیر

فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۶

۶ وعده پاداش و تضمین آن ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و عمل

انّ الله لا يضع اجر المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۷

۲۷ وعده و تضمین پاداش ، از روش های قرآن برای تشویق به ایمان و تقوا

و ان تؤمنوا و تتقوا فلکم اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۲،۲۳

۲۲ نوید پاداش و تضمین آن ، پرتوی از ربوبیت الهی نسبت به مؤمنان

لهم اجرهم عند ربّهم

۲۳ وعده و تضمین اجر و پاداش ، از روش های قرآن برای دعوت مردم به اسلام و ایمان به قرآن

اولئک

لهم اجرهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ وعده پاداش ، از روش های قرآن برای برانگیختن مردم به نیکو کاری

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱۲

۱۲ وعده پاداش بزرگ ، و تهدید به دوزخ ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و دوری از کفر و نفاق

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ .. و سوف یؤت الله المؤمنین أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحاً فله جزاء الحسنی

<جزاء> حال است و بیان این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنان نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد الله الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَاَنْفَقُوا لَهُمْ اَجْرٌ كَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - وعده پاداش از سوی خداوند ،

به همه مجاهدان و انفاق گران صدراسلام

و كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنِي

وعده پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حَتَّى يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

وعده پاداش عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۶

۶ - ترغیب به کار خیر و وعده پاداش به آن ، مقدم بر تهدید در امر تربیت

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ . وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

وعده پاداش مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۱۶

۱۶ - تشویق مردم با وعده به پاداش مادی و معنوی ، از روش های انبیا در هدایت

يَدْعُوَكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ . . . وَ يُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

پاداش مادی از طول عمر و پاداش معنوی از آمرزش ، قابل استفاده است.

وعده پاداش معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶- تشویق مردم با وعده به پاداش مادی و معنوی ، از روش های انبیا در هدایت

یدعوکم لیغفر لکم . . . و یؤخرکم إلی أجل مسمی

پاداش مادی از طول عمر و پاداش معنوی از آمرزش، قابل استفاده است.

وعده پاداش نیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۲

۲ - پاداش های موعود خداوند ، نیکو و تصدیق آن بر همگان لازم است .

و صدق بالحسنى

کلمه <حسنى> یا مصدر است

(مانند <رجعی>) و یا مؤنث <أحسن> است. در صورت اول معنای تفضیلی نخواهد داشت؛ بلکه با تأویل به مشتق، معنای <حَسَن> دارد. وصف <الحسنى> خود نشانگر مطلوب بودن تصدیق آن است و وعده به فرجام راحت (در آیه بعد) نیز بر سزاوار بودن تصدیق، تأکید کرده است.

وعده پاداش نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۶

۶ - اعطای پاداش نیک در دنیا، وعده خداوند به احسان کنندگان

للدین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که <فی هذه الدنيا> ظرف برای <حسنة> باشد، نه برای <أحسنوا>؛ چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصریح شده است: <للدین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه و لدار الآخرة خیر..>، (سوره نحل ۱۶ آیه ۳۰).

وعده پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۲،۳

۲- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان، وعده خداوند به آنان

و أنذر الناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا .. و قد مکروا مکرم .. فلاتح

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است <فاء> تفریع در <فلاتحسبن> مؤید این ارتباط است.

۳- وعده های خداوند به پیامبران مبنی بر پیروز گرداندن آنان بر دشمنان، تخلف ناپذیر است .

الذین ظلموا .. و قد مکروا مکرم .. فلاتحسبن الله مخلف وعده رسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۹

(ص) در برابر مشکلات رسالت و دادن وعده پیروزی به آن حضرت

و اصبر حتى يحكم الله و هو خير الحكمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إن وعد الله حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۴،۶

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

يغفر لكم .. و أخرى تحبونها نصر من الله و فتح قريب

۶ - خداوند ، مجاهدان صدراسلام را به امداد های غیبی خود و غلبه سریع بر دشمن وعده داده است .

و أخرى تحبونها نصر من الله و فتح قريب

وعده پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم يروا أننا نأتى الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم يروا ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

وعده پیروزی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱

۱- نجات پیامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پیروزی بر

آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلك رجلاً.. ثم صدقناهم الوعد فأنجينهم و من نشاء

وعده پیروزی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱۰

۱۰- پیروزی بر مشرکان ، وعده خداوند به پیامبراسلام (ص)

ثم صدقناهم الوعد

آیه شریفه در مقام دل‌داری به پیامبراسلام است و خداوند با بیان جریان عمومی (وعده پیروزی همه پیامبران)، در واقع به آن حضرت نیز وعده پیروزی می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به امداد خویش مطمئن ساخت و به آن حضرت وعده پیروزی بر دشمنان داد .

إذا جاء نصر الله و الفتح

<نصر> به معنای پیروز ساختن و <فَتْح> به معنای گشودن است. (برگرفته از <مقایس اللغه>) حرف <إذا> دلالت بر وقوع حتمی شرط در آینده دارد.

وعده پیروزی به مسلمانان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۴،۵

۴ - خداوند و پیامبرش ، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان ، پیروز خواهند شد .

ما وعدنا الله و رسوله إلا غرورًا

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذين فى قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله إلاّ غرورًا

وعدہ پیروزی به موسیٰ (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۱ - طہ - ۲۰ -

۱۶ - وعده خداوند به موسی (ع) در مورد برتری و غلبه او در میدان مبارزه با ساحران ، به بهترین شکل تحقق یافت .

إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى .. فَأُلْقِ السَّحْرَةَ سَجْدًا قَالُوا آمَنَّا

وعده پیروزی توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعده غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعاً

وعده پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها ذرونا تتبعكم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

وعده پیروزی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۴

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت

بشر در زمین ، وعده اَكید خداوند

وعد الله الذین ءامنوا

منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعدہ پیروزی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۲

۲ - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعدہ خداوند است .

و إنّ جنّدتنا لهم الغلبون

وعدہ پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعدہ خداوند به آنان

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیہ خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبراسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعدہ خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّی حین

وعدہ پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعدہ خداوند به آنان

فتولّ عنهم حتّى حين

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبراسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّى حين

وعده پیروزی موسی(ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۲

۲ - موسی (ع) ، برخوردار از اعتمادی قوی به وعده های خداوند در پیروزی بر مخالفان

قال بل ألقوا

در آیات پیشین، خداوند به موسی(ع) اطمینان داد که بر رخدادهای اشراف کامل دارد و جای نگرانی نیست (لاتخافا إني معكما أسمع و أرى). واگذار کردن صحنه کارزار به دشمنان و به تماشا نشستن موسی(ع) حاکی از اعتماد کامل او به آن وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۷

۷ - شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من أتبعكما الغلبون

وعده پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم ءایتی . . . و يقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعده پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوريكم آيتي . . . و يقولون متى هذا الوعد

برداشت يادشده مبتنى براين است كه مقصود از <وعد> در اين آيه، غلبه مؤمنان و شكست كافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹ - ۱

۱- نجات پيامبران و مؤمنان از

دست دشمنان و پیروزی بر آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلك رجلاً.. ثم صدقناهم الوعد فأنجينهم و من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۴

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده اکید خداوند

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۱

۱ - وعده الهی ، به فروپاشی جماعت مشرکان و ناپایداری آنان در برابر جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولون الدبر

وعده پیروزی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۷

۷ - شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من أتبعكما الغلبون

وعده تأمین فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - رحمت وسیع و علم گسترده خداوند ، تضمین کننده تحقق وعده او ، مبنی بر تأمین نیازمندی های فقیرانی که در صدد ازدواج اند .

إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله و الله واسع عليم

جمله < و الله واسع عليم > استینافیه تعلیلیه است و بیانگر علت و چگونگی بی نیاز کردن فقیران و تهی دستان به وسیله خدا است؛ یعنی، چون خداوند گشایش گر و دانای مطلق به همه

حقایق و نیازمندی های انسان است، پس بر انجام وعده خود نیز، توانا خواهد بود.

وعده تثبیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۹،۱۰

۹ - خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیمکننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۰ - وعده اُکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیمکننّ لهم دینهم الذی ارتض

وعده تملک سرزمین های ناشناخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۳

۳ - وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملک آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و أورثکم . . . و أرضاً لم تطئوها

<وطئ> به معنای <گرفتن به شدت و زور> است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

وعده جایگزینی انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۷،۹

۷ - وعده خداوند به جایگزین ساختن برای اموالی که انفاق می شود .

و ما أنفقتم من شيء فهو يخلفه

۹- بهترین روزی رسان بودن

خداوند ، تضمین کننده وعده جایگزین ساختن برای مال انفاق شده

و ما أنفقتم من شيء فهو يخلفه و هو خير الرزقين

وعده حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده اکید خداوند

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعده حاکمیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده اکید خداوند

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعده حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۶

۶- برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

وعده حکمت به محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۸

اعطای دانش و حکمت ، وعده الهی به محسنان و نیکوکاران

و كذلك نجزي المحسنين

وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۱۰

۱۰ وعده الهی به آمرزش و رحمت استغفارکنندگان

و استغفروا الله ان الله غفور رحيم

گر چه آیه مزبور درباره کوچ از مشعر و عرفات است ؛ ولی تعلیل <ان الله غفور رحيم>، عام است. بنابراین وعده رحمت و آمرزش، به مطلق استغفارکنندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۷

۱۷ وعده الهی به مؤمنان نسبت به برتری آنان در قیامت ، عامل تسلی و مقاومت آنان در برابر استهزای کافران

و الذين اتقوا فوقهم يوم القيمة

به نظر می رسد جمله <و الذين اتقوا...>، پس از عنوان کردن تمسخر تقوایپیشگان از سوی کافران، به منظور تسلی آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۲، ۱۳

۱۲ وعده الهی به نصرت پیامبران و مؤمنان

متي نصر الله الا ان نصر الله قريب

۱۳ زمان یاری و امداد الهی به مؤمنان صبور و مقاوم در برابر گرفتاری ها ، نزدیک است .

الا ان نصر الله قريب

به قرینه جملات سابق (مستهم البأساء ..) به دست می آید که زمان نصرت الهی به مؤمنان صبور نزدیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۷

۷ خداوند ترغیب کننده آدمی به انفاق ، با وعده آمرزش گناهان و فزونی رزق

و الله يعدكم مغفره منه و فضلا

کلمه <فضلا>

به قرینه مقابله آن با وسوسه شیطان بر تهیدستی، به معنای فزونی در رزق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱

۱ وعده الهی به القای رعب و هراس در دل های کفرپیشگان

سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱،۳،۹

۱ وعده الهی به نصرت و یاری پیکارگران مؤمن ، در رویارویی و نبرد با دشمنان دین

و لقد صدقکم الله وعده اذ تحسّونهم باذنه

جمله <و لقد صدقکم الله وعده>، حاکی از این است که خداوند از پیش سرکوبی دشمنان و پیروزی مؤمنان را وعده داده بود.

۳ تحقق وعده الهی به نصرت و پیروزی پیکارگران احد ، آنگاه که در آغاز نبرد ، مشرکان را تا آستانه انقراض کشتند .

و لقد صدقکم الله وعده اذ تحسّونهم باذنه

<اذ تحسّونهم> متعلق به <و لقد صدقکم الله> است ؛ یعنی بیان زمان تحقق وعده الهی است. و <تحسّونهم> از ماده <حَسَّ> به معنای کشتن تا حد انقراض و نابودی است.

۹ تحقق وعده الهی به پیروزی جامعه ایمانی در گرو اتحاد صفوف ، پایداری و پیروی آنان از رهبری

و لقد صدقکم الله وعده .. حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۷،۲۲،۲۷

۱۷ شکست ها و حوادث ناگوار ، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه در مورد حَقّانیت پیامبر (ص) و وعده های خدا به پیروزی آنان

يقولون هل لنا من الامر من شيء

۲۲ انكار حقايت رسول خدا (ص) و نادرست پنداشتن وعده های الهی به پیروزی ، چیزی است که خود گزینان شرکت کننده در نبرد احد از رسول خدا پنهان می داشتند .

و طائفه . . . يخفون في انفسهم ما لا يدون لك

۲۷ پندار های جاهلانه نسبت به خداوند ، منشأ تردید در حقايت اسلام و وعده های خدا و رسول (ص)

يظنون بالله غير الحق . . . يقولون لو كان لنا من الامر شيء ما قتلنا ههنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۲،۶

۲ وعده خداوند به دریافت کامل سزای اعمال در روز قیامت

و انما توفون اجوركم يوم القيمة

<توفون>، از مصدر <توفیه>، به معنای دریافت کامل و تمام است.

۶ وعده پاداش کامل اخروی به پیامبر (ص) ، در برابر ابلاغ رسالت و تحمّل رنج های آن

فان كذبوك . . . و انما توفون اجوركم يوم القيمة

از مصادیق مورد نظر برای <و انما توفون اجوركم>، به قرینه آیه قبل، که در مقام تسلی و دلداری پیامبر (ص) بود، پاداش کامل پیامبر (ص) در برابر ابلاغ رسالت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۴، ۲

۲ خداوند ، نویددهنده پاداش به خردمندان مؤمن

ربنا و اتنا ما وعدتنا على رسلك

۴ وفای خداوند به وعده های خویش ، جلوه ای از ربوبیت او

ربنا و اتنا ما وعدتنا على رسلك

۱۹ نقش دعا در تحقق وعده های الهی و رهایی از خذلان در آخرت

رَبِّنا و

اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه

اگر دعا در تحقق وعده های الهی تأثیر نداشت، خداوند آن را به عنوان ویژگی مؤمنان خردمند نقل نمی کرد.

۲۰ ایمان، زمینه تحقق نوید های الهی به خردمندان و رهایی از خواری و خذلان اخروی

فامنا ربنا .. ربنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه

با توجه به اینکه <اتنا> عطف است بر <اغفر لنا>، در جمله <فامنا ربنا فاغفر لنا>، معلوم می شود که خردمندان انتظار برآورده شدن دعا و خواست خویش را، بر ایمانشان به ربوبیت خداوند مترتب ساختند.

۲۱ خداوند، هرگز از وعده های خویش تخلف نمی کند.

اتک لا تخلف المیعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۶

۶ تضمین تحقق وعده های الهی به خردمندان مؤمن و تضمین رهایی آنان از خواری در قیامت

ربنا اتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمه .. فاستجاب لهم ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۴،۱۵

۱۴ نوید خداوند به نسخ کیفر زنا (حبس ابد)

و التي یأتین الفاحشه .. فامسکوهن ... او یجعل الله لهن سیلاً

۱۵ وعده خداوند به جعل کیفری خفیفتر از حبس ابد برای زنانی که مرتکب زنا و یا مساحقه شوند.

حتى یتوفیهن الموت او یجعل الله لهن سیلاً

جمله <او یجعل الله ..>، حاکی است که کیفر دیگر برای زن زناکار جعل خواهد شد؛ و لام در <لهن>، مشعر به این است که آن

کیفر خفیفتر از حبس ابد می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۷ - ۱

۱ وعده الهی به پذیرش توبه گنهکاران

أَمَّا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۸

۸ وعده خداوند به مصونیت جامعه ایمانی از آسیب مشرکان مکه در صورت شرکت مسلمانان در جنگ بدر (بدر صغرا)

فَقَاتِلْ . . . وَ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفِ بِأَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۵،۶

۵ وعده خداوند به مردم ، مبنی بر پاسخ استفتای آنها درباره حقوق زنان

قُلْ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ فِيهِنَّ

۶ وعده خداوند به بیان و تلاوت آیاتی از قرآن ، درباره احکام زنان یتیم

قُلْ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَ مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكُتُبِ فِي يَتِمَى النِّسَاءِ

در برداشت فوق ، <مایتلی> ، بر ضمیر <فیهن> عطف شده است و اضافه <یتمی> به <النساء> ، اضافه صفت به موصوف است ، یعنی زنانی که یتیم هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۳،۵

۳ وعده خداوند به رفع نیاز مرد و زن ، در صورت وقوع طلاق از روی ناچاری

و إن يتفرقا يغن الله كلا من سعته

۵ توجه به وعده الهی در مورد رفع نیازها، برطرف کننده نگرانی های برخاسته از طلاق های ناگزیر

و إن يتفرقا يغن الله كلا من سعته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء

۳ مالکیت خداوند بر هستی ، پشتوانه وفای او به وعده های خویش

یغن الله کلا .. و لله ما فی السموت و ما فی الأرض

جمله <و لله ما فی السموت ..>، تعلیل جمله <یغن الله کلا من سعته> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۹

۹ وعده خداوند به برخورداری مؤمنان ، از پاداشی بس بزرگ

و سوف یؤت الله المؤمنین أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۲ - ۵

۵ ایمان دارندگان به خدا و تمامی انبیا ، مورد وعده الهی به برخورداری از پاداش های فراوان

و الذین ءامنوا بالله و رسله .. أولئک سوف یؤتیهم أجورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹ - ۱

۱ وعده الهی به مؤمنان دارای عمل صالح ، به آمرزش و پاداش بزرگ

وعد الله الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۴

۴ وعده الهی به بنی اسرائیل بر نصرت آنان

اخذ الله میثق بنی اسرائیل .. و قال الله انی معکم

در برداشت فوق مخاطب در <معکم>، بنی اسرائیل گرفته شده است، نه خصوص نقبای آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۱

۱ وعده حتمی خداوند به آمرزش تمامی گناهان گذشته اهل کتاب در صورت ایمان به خدا، پیامبر

(ص) ، همه کتب آسمانی و پرهیز از گناهان

و لو ان أهل الكتب ءامنوا و اتقوا لكفرنا عنهم سيئاتهم

با توجه به آیه ۵۹ (هل تنقمون منا الا- ان ءامنوا بالله و ما انزل الينا و ما انزل من قبل) و نیز آیه ۶۱ (و اذا جاءوكم قالوا ءامننا)، معلوم می شود مراد از ایمان در <ءامنوا> ایمان به خدا، قرآن، همه کتب آسمانی و ایمان به پیامبر اکرم (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۵

۵ وعده ها و وعید های خداوند ، برخاسته از ربوبیت او و برای رشد و تربیت انسانهاست .

قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً فهل وجدتم ما وعد ربكم حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۴

۴ استجابت دعای موسی در رفع عذاب از فرعونیان از وعده های خداوند به موسی (ع)

ادع لنا ربك بما عهد عندك

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <عهد خدا با موسی> استجابت دعای وی در خصوص برطرف شدن عذاب از فرعونیان باشد، نه مطلق دعاهاى وی. آنان با تجربه های گذشته و یا گفته خود موسی (ع) فهمیده بودند که خداوند به او وعده داده که اگر برای رفع عذاب از فرعونیان دعا کند، دعایش پذیرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۶

۶ وعده هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل بر سرزمین آنان ، از وعده های نیکوی خداوند به قوم موسی

و تمت کلمت

ربك الحسنی علی بنی اسرائیل

کلمه <الحسنی> (زیباتر) صفت برای <کلمت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۳

۳ سخن گفتن خدا با موسی (ع) ، از وعده های الهی به وی در هنگام دعوتش برای مناجات

و لما جاء موسی لمیقتنا و کلمه ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۳

۱۳ تصرف سرزمین فاسقان و دیدن مناظر آن ، وعده ای از جانب خداوند به امت موسی

سأوریکم دار الفسقین

در اینکه مراد از <الفسقین> چه کسانی هستند، سه احتمال وجود دارد: فرعونیان، ساکنان سرزمین قدس پیش از ورود قوم موسی به آنجا، متخلفان قوم موسی برداشت فوق ناظر به احتمال اول و دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۱

۱ موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمرزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست .

و لما سکت عن موسی الغضب

وقوع جمله <و لما سکت .. > ، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی(ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۴

۴ پیروزی بر سپاه مشرکان قریش و یا تسلط بر کاروان تجاری آنان ، وعده خداوند به اهل ایمان

وإذ يعدكم الله إحدى الطائفتين

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۵

۵ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقي في قلوب الذين كفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (ص) و دین الهی

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم و الله عليهم حكيم

وعده خدا به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، نسبت به دور و نزدیک بودن تحقق وعده های الهی به کافران آگاه نبود .

قل إن أدري أقریب ما توعدون أم يجعل له ربي أمداً

<أمد> در اصل به معنای غایب و منتهای شیء است و در این آیه مقصود از آن به قرینه <قریب> مدت طولانی است.

وعده خلافت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱،۲

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده اُکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا

چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲

عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمردند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اُکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعده خلافت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱،۲

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده اُکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲ عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمردند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اُکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعده در هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۸ - ۶

۶ - استفاده از

وعده و وعید و هشدار و تشویق ، روش قرآن برای هدایت مردم است .

هدی ... فبشره بعذاب ... لهم جنّ النعیم

گوشزد کردن فرجام مؤمنان، پس از یادآوری عذاب معرضان از آیات خدا، شیوه ای است که در آن، برای شنونده امید و ترس ایجاد می شود و چنین حالتی شخص را در حالت اعتدال نگه می دارد.

وعده رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ وعده خداوند به غوطه ور ساختن مؤمنان انفاقگر ، در دریای رحمت خویش

سیدخلهم الله فی رحمته

وعده رفع اضطراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت ... و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمنً

وعده رفع ترس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت ... و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمنً

وعده شکر گزاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ مردم هنگام درماندگی و خطر مرگ ، به درگاه خدا دعا کرده و همراه با سوگند ، قول می دهند که جزو سپاسگزاران او خواهند بود .

و

ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين لئن أنجيتنا من هذه لنكونن من ال

وعده شکست دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۴

۴ - عذاب اخروی و شکست دنیوی ، وعده الهی به کافران حق ناپذیر

حتی إذا رأوا ما يوعدون فسيعلمون من أضعف ناصراً و أقلّ عدداً

وعده شکست شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعده غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم يروا أننا نأتى الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم يروا ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

وعده شکست فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من أتبعكما الغلبون

وعده شکست کافران

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۴

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده اکید خداوند

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعده شکست کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم ءایتی . . . و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعده شکست مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبراسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّى حين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۱

۱ - وعده الهی ، به فروپاشی جماعت مشرکان و ناپایداری آنان در برابر جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولّون الدّبر

وعده شیطان

جلد - نام سوره - سوره -

۱ وعده های دروغین و ایجاد آرزو های موهوم ، از روش های شیطان برای گمراه ساختن مردم

و لاضلنهم ... یعدم و یمنیهم و ما یعدم الشیطن الا غروراً

۲ وعده های شیطان ، جز دروغ و فریب نیست .

یعدم و یمنیهم و ما یعدم الشیطن الا غروراً

۳ وعده های دروغین شیطان ، زمینه برانگیختن آرزو های پوچ در انسان

یعدم و یمنیهم و ما یعدم الشیطن الا غروراً

۵ دلخوشی به وعده ها و آرزو های شیطانی ، زیانی آشکار

فقد خسر خسراً مبیناً. یعدم و یمنیهم و ما یعدم الشیطن الا غروراً

جمله < یعدم و یمنیهم > دلیل برای جمله < فقد خسر خسراً مبیناً > است.

وعده عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ گناهی که وعده عذاب دوزخ در پی داشته باشد ، کبیره است . *

سوف نصلیه ناراً .. ان تجتنبوا کبائر

مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آیه فوق فرمود: الکبائر، التي اوجب الله عزّ وجلّ علیها النار.

۷ مشرکان و منکران رسالت پیامبر(ص)، خواهان تحقق زودرس وعده های آن حضرت در مورد نزول عذاب بودند.

و کذبتم به به ما عندی ما تستعجلون به

در آیات متعددی، مانند آیه ۶، ۹ و ۱۱ سوره انعام، به کافران وعده عذاب و کیفر دنیوی داده شده است.

لذا ممکن است مراد از <ما تستعجلون> نزول عذاب باشد که کافران از سر انکار و تمسخر خواهان نزول سریع آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۳

۳ نزول عذاب، امری قانونمند و دارای ضوابط و زمینه های مشخص است.

علی أن یبعث علیکم عذابا .. لکل نبیا مستقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۹ - ۱

۱ نوح (ع)، به کفرپیشگان قومش اعلام کرد که به عذاب دنیوی و اخروی، گرفتار خواهند شد.

فسوف تعلمون من یأتیة عذاب یخزیه و یحلّ علیه عذاب مقیم

با توجه به تکرار کلمه <عذاب> و توصیف عذاب دوم به همیشگی بودن، می توان گفت: مراد از <عذاب یخزیه>، عذاب دنیوی و مقصود از <عذاب مقیم>، آتش دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۹

۹ - لوط (ع)، قوم اش را به خاطر ارتکاب عمل لواط، راهزنی و ارتکاب علنی منکر، به عذاب الهی وعده داد.

أئنکم لتأتون الرجال .. فما کان جواب قومه إلا أن قالوا ائتنا بعذاب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۲

۲ - وعده خداوند، به عذاب شدن کافران حق ناپذیر در عصر بعثت

سأل سائل بعذاب واقع

وعده عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۴

۴ - عذاب اخروی و شکست دنیوی

، وعده الهی به کافران حق ناپذیر

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْأَلُونَ مَنْ أَلْغَفَ نَاصِرًا وَّ أَقَلَّ عَدَدًا

وعده عذاب به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنم .. مثل الذين كفروا برّبهم أعمالهم كرماد اشتدّت به الريح ... ألم

وعده عذاب به مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۵

۵ وعده خداوند به عذاب مشرکان ستمگر ، حق و تخلف ناپذیر است .

يقولون متى هذا الوعد .. ألا إن وعد الله حق

وعده عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۵

۵ - آینده بشر ، شاهد نزول عذاب قهر الهی بر کافران

و إذا وقع القول عليهم

مفسران، کلمه <القول> را کنایه از عذاب گرفته اند.

وعده علم به محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۸

۸ - اعطای دانش و حکمت ، وعده الهی به محسنان و نیکوکاران

و كذلك نجزي المحسنين

وعده عمر طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آمرزش گناهان ، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر) ، در صورت ایمان آوردن

يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

<أجل> به معنای پایان زندگی و نهایت زمان عمر آدمی و <مسمی> به معنای معین و مشخص است. مقصود از تأخیر اجل مسمی، نازل نشدن عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن مرگ مقدر الهی است که هر انسانی، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

وعده غنائم غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - اختصاص غنائم خیبر به شرکت کنندگان سفر حدیبیه، براساس وعده قبلی خداوند *

إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمٍ لِتَأْخُذُوهَا .. قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

برداشت بالا بدان احتمال است که آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنائم، به حاضران صلح حدیبیه باشد؛ چه این که این نکته از نظر تاریخی نیز تأیید شده است.

وعده غنیمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان، در دستیابی به فتح خیبر و غنائم آن، پس از صلح حدیبیه

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمٍ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنائم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنائم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۱

۱ - وعده خداوند به مؤمنان ، در دستیابی آنان به غنایمی ، علاوه

بر غنایم خبیر

و آخری لم تقدرُوا علیها

با توجه به این که آیه قبل در زمینه غنایم خبیر بوده، واژه <آخری> در مقایسه با غنایم خبیر به کار رفته است.

وعدہ فتح مکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۷

۷ - وعدہ قطعی خداوند به فتح بزرگ مکہ در پی صلح حدیبیہ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

مراد از <فتح>، ممکن است فتح مکہ باشد و فعل ماضی <فتحنَا> در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۹

۹ - خداوند، مسلمانان صدر اسلام را از پیش، به فتح مکہ و امداد های خود وعدہ داد.

و آخری تحبونہا نصر من اللہ و فتح قریب

وعدہ قبول توبہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبہ - ۹ - ۱۰۴ - ۲

۲ پذیرش توبہ بندگان، وعدہ حتمی خدا به آنان

ألم يعلموا أن اللہ هو یقبل التوبہ عن عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۴

۴ - پذیرش توبه گنه کاران ، وعده اکید خدا به آنان

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حَسَنًا .. فَأِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

وعده قبول عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۲

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و يقولون متى هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱

۱- تحقق وعده راستین خداوند به برپایی قیامت ، نزدیک است .

و اقترب الوعد الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۶

۶- قیامت (بهشت) ، وعده پیشین خداوند به مؤمنان راستین

هذا یومکم الذی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۸

۸- برپایی قیامت با آفرینش و سازماندهی دوباره جهان ، وعده قطعی خداوند است .

وعدًا علينا إنا كنا فعلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - موضع گیری ناباورانه مشرکان در قبال وعده برپایی قیامت

لقد وعدنا هذا .. إن هذا إلا أسطير الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۲

۲ - وعده پیامبر (ص) به مشرکان مبنی بر وقوع قیامت در آینده

و يقولون متى هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس

۴ - برپایی قیامت ، وعده ای الهی به انسان ها است .

متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - منتهی شدن نظام دنیا به جهان آخرت و قیامت ، وعده مکرر خداوند به خلق

یومهم الذی یوعدون

از فعل مضارع <یوعدون> که دلالت بر استمرار می کند مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۳

۳ - وعده برپایی حتمی قیامت ، از پیام ها و هشدار های مهم خداوند به انسان ها

ءایتی تتلی علیکم .. و إذا قیل إن وعد الله حقّ و الساعة

از این که خداوند، پس از بیان کلی <آیاتی تتلی علیکم> صرفاً به مسأله معاد به عنوان یکی از آن آیات تصریح کرده است،

اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۳

۳- برپایی قیامت ، وعده اعلام شده خداوند به انسان ها

و يقولون متى هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶- برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حتی یلقوا یومهم الذی یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۷ - ۲

۲ - قیامت ، حقیقتی تحقق یافتنی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إنما توعدون لوقع

از آیات بعدی، استفاده می شود که مقصود از وعده در این آیه، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، به مردم وقوع قیامت را وعده داده است .

و الیوم الموعود

مفسران اتفاق نظر دارند که مراد از <الیوم الموعود> قیامت است.

وعده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب .. و إنهم لکذبون

وعده کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

وعدہ کیفر دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۲

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعدہ الہی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است کہ <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد کہ همواره تمامی پیامبران بہ امت خویش وعدہ می دادند و این وعدہ در خاطر امت ہا وجود داشت.

وعدہ کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلائی خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

وعده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۷

۲۷ پندار های جاهلانه نسبت به خداوند ، منشأ تردید در حقایق اسلام و وعده های خدا و رسول (ص)

يُظَنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ .. يَقُولُونَ لَوْ كَانِ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قَتَلْنَا هَهُنَا

وعده مصونیت از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آمرزش گناهان ، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر) ، در صورت ایمان آوردن آنان

يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِكُمُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

<اجل> به معنای پایان زندگی و نهایت زمان عمر آدمی و <مسمی> به معنای معین و مشخص است. مقصود از تأخیر اجل مسمی، نازل نشدن عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن مرگ مقدر الهی است که هر انسانی، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

وعده معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۲

۲ معاد و بازگشت انسان ها به سوی

خدا ، وعده الهی است .

إليه مرجعكم جميعاً وعد الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۵ - ۳

۳- وعده معاد و حیات دوباره انسان ها در قیامت ، یکی دیگر از مهم ترین پیام های پیامبر جامعه پس از نوح

أیعدکم .. و کنتم تراباً و عظماً انکم مخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۸

۱۸- وعده ادیان الهی به معاد ، وعده ای پیشینه دار و پرسابقه در تاریخ بشر

أتعداننی أن أخرج .. فبقول ما هذا إلا أسطیر الأولین

تعبیر <الأولین> ، نشان می دهد که مسأله معاد در میان جوامع بشری، از دیر زمان مطرح بوده است.

وعده معجزه به مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۷

۷ وعده نزول معجزه از سوی خدا به شرک پیشگان بهانه جوی عصر بعثت

و یقولون لولا أنزل علیه ءایه من ربه فقل إنما الغیب لله فانتظروا

وعده مقابله به مثل به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۳

۳- وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران ، کافی برای شتاب نورزیدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای

و أكيد كيدا . فمهّل

برداشت ياد شده، از حرف <فاء> در <فمهّل> استفاده شده است؛ يعنى، حال كه از مكر خداوند درباره كافران آگاه شدى، با خاطري آسوده به كافران فرصت ده؛ زيرا آنان هر چند در هر فرصت به مكر خود

ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

و عده میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقوای پیشگان

جنت .. یدعون فیها بفقکه کثیره و شراب . و عندهم قصرات الطرف أتراب . هذا ما

و عده نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۱

۱۱ - برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت ، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لاتخافی و لاتحزنی .. و جاعلوه من المرسلین

و عده نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۴

۱۴ - رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن خود ، آنان را هم نجات خواهند داد .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱ - خداوند ، به کسانی که منزلت نیکو و خصلت پسندیده دارند (مؤمنان راستین) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

<الحسنی> مؤنث <أحسن> و صفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرینه مقابله با آیه قبل که در باره کافران و مشرکان بود آیه شریفه در باره مؤمنان

راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده رهایی تقوایپیشگان از آتش دوزخ ، حتمی و تخلف ناپذیر است .

سَيَجْنِبُهَا الْأَتَقَى

حرف <سین> برای تأکید بر وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ، وعده خداوند به اهل زکات و انفاق

و سَيَجْنِبُهَا الْأَتَقَى . الذی یؤتی ماله یتزکی

وعده نجات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱،۳

۱- نجات پیامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پیروزی بر آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلك رجلاً .. ثم صدقنهم الوعد فأنجینهم و من نشاء

۳- خداوند ، به وعده خویش مبنی بر نجات پیامبران و مؤمنان و هلاکت دشمنان ، عمل کرد .

ثم صدقنهم الوعد فأنجینهم و من نشاء و أهلکنا المسرفین

<صدق> (مصدر <صدقنا>) در دو چیز استعمال می شود: ۱ در اعتقاد است، که در این صورت به معنای اعتقاد مطابق با واقع خواهد بود. ۲ در جوارح و افعال انسان، که در این صورت به معنای انجام دادن کار به طور شایسته و بایسته خواهد بود. (مفردات راغب). در آیه بالا- معنای دوم منظور است. گفتنی است ماده <صدق> در مواردی به دو مفعول متعدی می شود که این آیه یکی از آن موارد است.

وعدہ نجات به انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ،

وعدہ خداوند به اهل زکات و انفاق

و سيجنبها الأتقى . الذی یؤتی ماله یتزکی

وعدہ نجات به مؤدیان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ، وعدہ خداوند به اهل زکات و انفاق

و سيجنبها الأتقى . الذی یؤتی ماله یتزکی

وعدہ نجات خانواده نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۵

۵ نوح (ع) ، براساس وعدہ خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعدہ های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق

وعدہ نجات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۳، ۱

۱- نجات پیامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پیروزی بر آنان ، وعدہ خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلك رجلاً .. ثم صدقهم الوعد فأنجينهم و من نشاء

۳- خداوند ، به وعدہ خویش مبنی بر نجات پیامبران و مؤمنان و هلاکت دشمنان ، عمل کرد .

ثم صدقهم الوعد فأنجينهم و من نشاء و أهلکنا المسرفين

<صدق> (مصدر <صدقنا>) در دو چیز استعمال می شود: ۱ در اعتقاد است، که در این صورت به معنای اعتقاد مطابق با واقع خواهد بود. ۲ در جوارح و افعال انسان، که در این صورت به معنای انجام دادن کار به طور شایسته و بایسته خواهد بود. (مفردات راغب). در آیه بالا- معنای دوم منظور است. گفتنی است ماده <صدق> در مواردی به دو مفعول متعدی می شود که این

آیه یکی از آن موارد است.

وعده نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخزون .. يقولون سبحن ربنا إن كان

وعده نزول قرآن به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۲

۲ - خداوند ، در آغاز رسالت پیامبر (ص) ، آن حضرت را به نزول آیاتی خواندنی (قرآن) وعده داد .

اقرأ

مشهور این است که سوره <علق> یا <پنج آیه نخست آن>، اولین آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل گردید. تعبیر <اقرأ> در سر آغاز وحی، شروع مناسبی است که در خود دو نکته دارد: ۱. پس از این مطالبی به پیامبر نازل خواهد شد؛ ۲. آن مطالب خواندنی خواهد بود، نه این که به دانستن آن بسنده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن به صورت قابل نوشتن ، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ .. الذی علم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

وعده نصرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر

و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۴

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

يَغْفِرْ لَكُمْ .. وَ أُخْرَى تَحْبُونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ

و عده نصرت به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به امداد خویش مطمئن ساخت و به آن حضرت وعده پیروزی بر دشمنان داد .

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ

<نصر> به معنای پیروز ساختن و <فَتْحٌ> به معنای گشودن است. (برگرفته از <مقایس اللغه>) حرف <إِذَا> دلالت بر وقوع حتمی شرط در آینده دارد.

و عده نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۶ - ۴

۴- عکس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند ، انکار و استبعاد معاد است .

جَنَّتْ عَدْنُ التِّي وَعَدَ الرَّحْمَنُ .. وَ يَقُولُ الْإِنْسَنُ أءَذَا مَا مَتَّ

چنانچه دو آیه قبل (> و ما نَنْزِلُ .. سَمِيًّا<) جملائی معترضه و بریده از آیات قبل و بعد باشد، آیه مورد بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

و عده نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص

۳- پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

وعده های ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱،۶

۱ وعده ابراهیم (ع) به پدرش ، مبنی بر استغفار برای وی

و ما كان استغفار إبراهيم لأبيه إلا عن موعدة وعدها

۶ وعده ابراهیم (ع) به استغفار برای پدرش ، قبل از یقین به بقای وی بر شرک و به امید متمایل ساختن او به ایمان بود .

إلا عن موعدة .. فلما تبين له أنه عدو لله تبرأ منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۳،۵

۳- حضرت ابراهیم (ع) پس از پایان گفتوگو با آزر ، به او وعده داد که آمرزش گناه شرک او را به زودی از خداوند خواهد خواست .

قال سلم عليك سأستغفر لك ربّي

ابراهیم(ع) به قرینه <أخاف> در آیات قبل، آزر را مشرکی که قابل بخشش نباشد و به تعبیر برخی آیات <دشمن خدا> نمی دانست^۲ بنابراین به بخشش گناه شرک او امیدوار بود، لذا نه عذاب او را قطعی دانست و نه به او وعده مغفرت حتمی داد، بلکه با اطمینان به مهرورزی خداوند به او، اظهار امیدواری کرد که استغفارش تأثیر بخشد.

۵- حضرت ابراهیم (ع) با وعده استغفار به آزر ، سعی در متمایل ساختن او به توحید و درمان سرسختی او داشت .

قال سلم عليك سأستغفر لك ربّي

نرمی پاسخ ابراهیم(ع) و وعده استغفار به او، ممکن است به جهت

متنبه ساختن و نرم کردن دل او برای دست برداشتن از بت پرستی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۷، ۱۶

۱۶ - وعده ابراهیم (ع) به پدرش (جد مادری یا عمویش آزر)، در مورد استغفار برای او از درگاه خداوند

إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ

۱۷ - عدم برقراری رابطه میان ابراهیم (ع) و قوم مشرک او، مگر در وعده استغفار آن حضرت برای آزر

إِذْ قَالُوا لَقَوْمُهُمْ إِنَّا بَرءٌ أُنكُم .. إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <إِلَّا>، استثنا از برائت ابدی باشد که از بخش پیشین آیه استفاده می شود.

وعده های اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۶

۱۶ - وعده شکیبایی اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) به هنگام انجام مأموریت ذبح

يَأْتِ أَفْعَلُ مَا تَوَمَّرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

وعده های الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۸

۸ وعده الهی به نزول پنجهزار فرشته برای یاری رزمندگان بدر و یا احد و یا حمراءالاسد، در صورت صابر بودن و تقوا داشتن

ان تصبروا و تتقوا .. یمددکم ربکم بخسمة الاف من الملائكة

برخی مفسران به قرینه جمله <يأتوكم من فورهم هذا>، آیه مورد بحث را درباره قضیه حمراءالاسد دانسته اند که مشرکان

پس از غلبه در احد و انصراف از معرکه، پشیمان شدند و تصمیم بر یورش به مدینه

را داشتند که پیامبر(ص) پس از دریافت این خبر، مسلمانان را برای رویارویی با آنان فراخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰ اصرار کنندگان بر گناه، محروم از وعده الهی به آمرزش گناهانشان

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً... وَمَنْ يَغْفِرَ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يَصِرُوا عَلَى مَا فَعَلُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ وعده خداوند به اعطای پاداش به سپاسگزاران نعمت های الهی

و سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۵ - ۶

۶ وعده الهی به پاداش انفاق کنندگان برای کسب رضایت خداوند

مِثْلَ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ... فَاتَتْ أَكْطَافَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۴

۴ وعده الهی بر پاداش اهل انفاق، بر انگیزنده آدمی به آن

فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۱۰، ۱

۱ اذعان عالمان ژرفنگر ، به وقوع قیامت ، بر اساس وعده الهی

و الراسخون فی العلم .. ربّنا أنّک جامع النّاس لیوم لا ریب فیہ إنّ اللّٰه لا یخلف

۱۰ وعده خداوند ، تخلف ناپذیر است .

انّ اللّٰه لا یخلف المیعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۲

۲ پیروزی ایمان بر کفر ، از وعده های الهی

قل للّٰذین کفروا

ستغلبون و تحشرون الى جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱

۱ جنگ بدر ، شاهد روشن صدق وعده های الهی در مورد شکست کافران

قد كان لكم ايه في فئتین التقتا

بنا به گفته مفسرین، آیه فوق مربوط به جنگ بدر است. گفتنی است که در شأن نزول آیه، اختلافی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۲،۲۳

۲۲ وعده عذاب دردناک به بنی اسرائیل ، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و يقتلون النّبیین بغیر حقّ و يقتلون الذّین یأمرون بالقسط من النّاس فبشرهم بعذاب

رسول الله (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جميعاً من آخر النّهار فی ذلك الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریا و یحیی پیامبر (ع)

و يقتلون النّبیین بغیر حقّ .. فبشرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. انّ نبی الله زکریا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی الله.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳

۱۸ وعده خداوند به عمران که پسری به تو خواهم داد ، سبب شد که همسرش گمان کند حمل او پسر خواهد بود .

رَبِّ اَنْى نذرت لك . . . فتَقَبَّل مِنى

امام صادق (ع): ان الله تعالى اوحى الى عمران، انى واهب لك ذكراً سوياً مباركاً . . . فحدث عمران امرأته حنّه بذلك ...

كافى، ج ۱، ص ۵۳۵، ح ۱ / مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۳۷.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۸

۱۸ وعده قطعی خداوند به یاری و نصرت پیامبر (ص) ، در مباحله با نصارا

فنجعل لعنت الله على الكاذبين

پیشنهاد مباحله از جانب خدا به پیامبر (ص) بوده و این، مستلزم نصرت دادن پیامبر اکرم (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۳، ۱۲

۱۲ وعده خداوند به جبران خسارت های مادی مؤمنان صدر اسلام ، که در نتیجه قطع رابطه با مشرکان متوجه آنان می شد .

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام . . . و إن خفتم عيله فسوف يغنيكم الله

۱۳ جبران خسارت های وارده بر مؤمنان ، در نتیجه مبارزه با دشمنان اسلام ، وعده الهی به ایشان

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام . . . و إن خفتم عيله فسوف يغنيكم الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۹

۹ وعده خداوند به برخوردارى متوكلان از عطا و تفضلش

و قالوا حسينا الله سيؤتينا الله من فضله

آيه فوق در مقام تعليم به انسان است

و بی تردید آنچه خداوند تعلیم دهد، منطبق با واقعیت می باشد در نتیجه جمله <سیؤتینا> حاکی از عطای الهی به متوکلان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۰

۲۰ وعده خداوند به بهره مند ساختن مؤمنان راستین ، از رحمت خاص خویش در قیامت

و المؤمنون و المؤمنت .. أولئك سيرحمهم الله

تعبیر <سیرحمهم> که اختصاص به آینده دارد به جای <یرحم> می تواند اشاره به قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱،۱۷

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین .. تحتها الأنهر

۱۷ از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمود: < إذا صار اهل الجنة فى الجنة .. فيقول لهم تبارك و تعالى : رضای عنکم و محبتی لکم خیر و اعظم مما انتم فيه .. ثم قرء على بن الحسين هذه الآية > وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنات تجرى من تحتها الأنهار .. و رضوان من الله اكبر .. <

آن گاه که بهشتیان در بهشت قرار گیرند .. خدای تبارک و تعالی به آنان می فرماید: رضایت و محبت من درباره شما بهتر و بزرگتر است از نعمتهای بهشتی که غرق در آن هستید. سپس امام (ع) این آیه را قرائت فرمود: خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرهایی از زیر

درختانش جاری است ... و رضایت و خشنودی خدا [از همه اینها] بزرگ تر است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ وعده خداوند به غوطه ور ساختن مؤمنان انفاقگر ، در دریای رحمت خویش

سیدخلهم الله فی رحمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۲

۲ معاد و بازگشت انسان ها به سوی خدا ، وعده الهی است .

إلیه مرجعکم جمیعاً وعد الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۷

۷ وعده نزول معجزه از سوی خدا به شرک پیشگان بهانه جوی عصر بعثت

و يقولون لو لا أنزل علیه آیه من ربه فقل إنما الغیب لله فانتظروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعده غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن

حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا یحزنک قولهم إن العزه لله جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۹

۹ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر مشکلات رسالت و دادن وعده پیروزی به آن حضرت

و اصبر حتى يحكم الله و هو خير الحكمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۶

۶ نزول عذاب بر

قوم ثمود ، وعده ای از ناحیه خداوند به حضرت صالح (ع)

ذلک وعد غیر مکذوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۵، ۱۸

۱۵ شکستو نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتی یأتی وعد الله

۱۸ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > و لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه < و هي النقمه > أو تحلّ قريباً من دارهم < فتحلّ بقوم غيرهم فيرون ذلك و يسمعون به و الذين حلّت بهم عصاه كفار مثلهم و لا يتعظ بعضهم ببعض و لن يزالوا كذلك > حتى يأتى وعد الله < الذى وعد المؤمنين من النصر و يخزى الله الكافرين ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: > و لا يزال .. < روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] > أو تحلّ قريباً من دارهم < [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آید و آنان می بینند و می شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله، همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و خداوند کافران را خوار می سازد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۱

۱ بهشت ، وعده و نوید خداوند به تقوایپیشگان

مثل الجنة التى وعد المتقون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱

۱- وعده خداوند به اسکان انبیا در سرزمین خویش ، در پی تهدید به اخراج شدن آنان از سوی اقوام کافر

و قال الذین کفروا لرسولهم لنخرجکم من أرضنا. .. فأوحى إليهم ... و لنسکنکم الار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۲،۶

۲- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان ، وعده خداوند به آنان

و أنذر الناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا .. و قد مکروا مکرمهم ... فلاتح

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است <فاء> تفریع در <فلاتحسبن> مؤید این ارتباط است.

۶- خنثی و بی نتیجه کردن مکر و ترفند های ستمگران ، وعده خداوند به رسولان خویش

و قد مکروا مکرمهم و عند الله مکرمهم و إن کان مکرمهم لتزول منه الجبال . فلاتحسبن ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۱

۱- وعده قطعی خداوند به بخشش گناه بدکاران ، در صورت روی آوردن آنان به توبه و صلاح

ثم إن ربك للذین عملوا السوء بجهله ثم تابوا من بعد ذلك و أصلحوا إن ربك من بع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۷

۱۷- وعده خداوند به آمرزش مشرکان ، در صورت بازگشت از شرک

تعلی عما یقولون .. إنه کان حلیماً غفوراً

ذکر تعلیل <غفور> در پایان جمله، می تواند نویدی باشد بر مشرکان که علی رغم گناه

بزرگ و سخنان ناروا درباره خداوند، امکان آموزش آنان، وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۹

۹- وعده خداوند به بنی اسرائیل جهت گردآوری آنان در سرزمین فلسطین ، پس از فرا رسیدن دومین موعد فساد آنان در آن سرزمین

جثنا بكم لفيقًا

برداشت فوق بدان احتمال است که <وعد الأخره> اشاره ای باشد به آن دو موعدی که خداوند در آغاز این سوره (آیه ۴) برای بنی اسرائیل پیش بینی کرده و به آنان هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخزون ... يقولون سبحن ربنا إن كان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۴ - ۲۵

۲۵- خداوند ، پیامبر (ص) را به ارائه آیاتی آموزنده تر از داستان اصحاب كهف ، وعده داد .

وقل عسى أن يهدين ربّي لأقرب من هذا رشداً

<هذا> می تواند اشاره به بیان سرگذشت اصحاب كهف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۳ - ۵

۵- خداوند به ارائه مطالبی درباره < ذی القرنین > به وسیله آیاتی از قرآن ، وعده حتمی داد .

قل سأتلوا عليكم منه ذكراً

ضمیر در <منه> به <ذی القرنین> برمی گردد و <من> برای تبعیض است ؛ یعنی، بخشی از اخبار و حالات او. مراد از

<ذکرًا> به قرینه <سأتلوا> آیات قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۷، ۱۸

۱۷- ذوالقرنین ، به وعده های خداوند ، ایمان داشت و به تحقّق آنها ، مطمئن بود .

و کان وعد ربّی حقًّا

۱۸- برپایی قیامت ، وعده خداوند و تخلف ناپذیر است .

و کان وعد ربّی حقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۴

۴- خداوند به بندگان خویش ، وعده ورود به بهشت های عدن داده است .

جنت عدن التي وعد الرحمن عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۶ - ۴

۴- عکس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند ، انکار و استبعاد معاد است .

جنت عدن التي وعد الرحمن ... و يقول الإنسن أءذا ما متّ

چنانچه دو آیه قبل (> و ما ننزل.. سمیًا) جملاتی معترضه و بریده از آیات قبل و بعد باشد، آیه مورد بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۴

۴- محبوبیت اجتماعی و ایجاد پایگاه در دل های مردم ، وعده خداوند به مسلمانان رنج کشیده صدراسلام

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ

نزول این آیات در مکه و همچنین ارتباط آن با آیات پیشین که حاوی ادعاهای ناروای مشرکان و فشارهای روحی و تبلیغاتی آنان بود چنین اقتضا

دارد که جمله <سیجعل ..>، وعده خداوند به محبوب شدن مؤمنان و یافتن پایگاه مناسب اجتماعی در میان مردمان آن عصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۶

۶ - اعطای معجزاتی در کنار معجزه عصا و یدیبضا به موسی (ع) ، وعده خداوند به او در کوه طور *

بایتی

جمع آوردن <آیات> با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسی(ع) عطا شده بود، می تواند وعده ضمنی خداوند به عطا معجزاتی دیگر به موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۲

۲ - موسی (ع) ، برخوردار از اعتمادی قوی به وعده های خداوند در پیروزی بر مخالفان

قال بل ألقوا

در آیات پیشین، خداوند به موسی(ع) اطمینان داد که بر رخدادها، اِشراف کامل دارد و جای نگرانی نیست (لاتخافا إني معكما أسمع و أرى). واگذار کردن صحنه کارزار به دشمنان و به تماشا نشستن موسی(ع) حاکی از اعتماد کامل او به آن وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۲

۲ - بلعیده شدن سحر ساحران فرعون و بطلان گردیدن ساخته های آنان با عصای موسی (ع) ، وعده خداوند به آن حضرت

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا

فعل <تلقف> و نظایر آن (نزد برخی از اهل لغت) در موردی به کار می رود که چیزی گرفته شود و خورده یا بلعیده گردد (لسان العرب).

۳ - خداوند ، پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، با آنان قرار گفت و گو نهاد و وعده ارتباط نزدیک داد .

و وعدنکم جانب الطور الایمن

متعلق <واعدناکم> به قرینه <و ما أعجلک عن قومک یا موسی> (در آیات بعد) وعده مناجات و گفت و گو با موسی (ع) بوده است. این مواعده گرچه با همه بنی اسرائیل نبود، اما بازگشت منافع آن (از قبیل نزول تورات) به عموم آنان، سبب شد که از آن به عنوان نعمتی بر همه بنی اسرائیل یاد شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۵،۷

۵ - بنی اسرائیل ، پیش از رفتن موسی (ع) به میقات ، وعده خوبی (نزول تورات) از ناحیه خداوند دریافت کرده بودند .

ألم یعدکم ربکم وعدًا حسنًا

استفهام تقریری یا انکاری موسی (ع) از بنی اسرائیل، نشان از داده شدن وعده ای به آنان پیش از رفتن موسی (ع) به میقات دارد. محتوای این وعده را، برخی نزول تورات دانسته اند.

۷ - بنی اسرائیل ، بدون این که در تحقق وعده خداوند (اعطای تورات) به آنان تأخیری شده باشد ، به گمراهی تن در دادند .

ألم یعدکم ربکم .. أفضال علیکم العهد

استفهام در <أفضال> انکاری است. و <عهد> به معنای زمان است. (قاموس) و مراد زمان تحقق وعده ای است که <ألم یعدکم> بر آن دلالت داشت، و ممکن است مراد از <عهد> زمان دوری موسی (ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۲

- تداوم نقل اخبار پیامبران و امت های گذشته ، از وعده های خداوند به پیامبر (ص)

كذلك نقص عليك من انباء ما قد سبق

<نقص عليك..> وعده خداوند به نقل گوشه هایی از تاریخ پیشینان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۸ - ۷

۷- وعده خداوند به نجات مؤمنان از غم و گرفتاری ، در صورت دعای خالصانه آنان

فنادی . . . و كذلك ننجی المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱

۱- تحقق وعده راستین خداوند به برپایی قیامت ، نزدیک است .

و اقترب الوعد الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱- خداوند ، به کسانی که منزلت نیکو و خصلت پسندیده دارند (مؤمنان راستین) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إن الذين سبق لهم منا الحسنی أولئك عنها مبعدون

<الحسنی> مؤنث <أحسن> و صفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرینه مقابله با آیه قبل که در باره کافران و مشرکان بود آیه شریفه در باره مؤمنان راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۶

۶- قیامت (بهشت) ، وعده پیشین خداوند به مؤمنان راستین

هذا يومكم الذي كنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۸

۸- برپایی قیامت با آفرینش و سازماندهی دوباره جهان ، وعده قطعی خداوند است

وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جای کره زمین

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ . إِنَّ فِي هَذَا لَلْبَلَاغَ لِقَوْمٍ عَابِدِينَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۶

۶- وعده یاری، حمایت و پشتیبانی از سوی خداوند، به مسلمانان صدراسلام در پیکارشان علیه جبهه کفر

أُذُنٌ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ .. و إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۰ - ۴

۴- خداوند، به مسلمان مورد ستم، وعده قطعی داد که او را نصرت و یاری خواهد داد تا انتقام خود را از ستمگران بازستاند

و من عاقب .. ثم بغى عليه لينصرته الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۹

۹- وعده خداوند به تأمین نیازمندی های فقیران غیر متأهل، در صورت اقدام آنان به ازدواج

و أنكحوا الأيتامى منكم .. إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۸

- ۸

وعدۀ خداوند به برطرف ساختن نیازهای غیر متأهلان فاقد امکانات ازدواج، در صورت رعایت عفت و پاکدامنی

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتّٰی یغنیهم اللّٰه من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۷، ۱۹، ۱۶، ۱۴، ۱۰، ۹، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین، وعده اُکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد اللّٰه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الارض

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲ عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمردند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن، وعده اُکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّٰه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الارض

۳ - خداوند، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام، وعده کرده است.

وعد اللّٰه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الارض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین، وعده اُکید خداوند

وعد اللّٰه الذین ءامنوا

منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

۹ - خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیمکننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۰ - وعده اَکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیمکننّ لهم دینهم الذی ارتض

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیبدلنّهم من بعد خوفهم أمنّ

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیبدلنّهم من بعد خوفهم أمنّ

۱۹ - خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیبدلنّهم من بعد خوفهم أمنّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یعدوننی..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد؛ یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

۲۷ - > عن علی بن الحسین (ع) انه قرء الآیه > و عدالله

الذین آمنوا منکم . . . > و قال : هم واللّه شیعتنا أهل البيت یفعل اللّٰه ذالک بهم علی یدی رجل منّا و هو مهدی هذه الأئمه . . . ;

از حضرت علی بن الحسین(ع) روایت شده است که آن حضرت در پی تلاوت آیه <وعد اللّٰه الذی آمنوا منکم . . .> فرمود: سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما که مهدی(عج) این امت باشد آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۶

۶ وعده خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اعطای باغ هایی با نهر های روان و قصرها در قیامت

إن شاء جعل لك خیرًا من ذلك جنت . . . و یجعل لك قصورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که آیه شریفه، ناظر به جهان آخرت باشد که در این صورت، اعطای باغ ها و قصرها به پیامبر(ص)، وعده خداوند به آن حضرت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۴

۴ زندگی در بهشت جاویدان ، وعده خداوند به تقوایندگان

جنت الخلد التي وعد المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۴

۴ دلداری و وعده خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، مبنی بر نصرت و راهبری آنان در برابر دشمنانشان

و كذلك جعلنا لكل نبي عدواً من المجرمين و كفى بربك هاديًا و نصيرًا

آیه شریفه، با بیان وضعیت

پیامبران در انجام رسالتشان که همواره بادشمنان تبه کار مواجه بودند می تواند درصدد تعقیب دو هدف باشد: ۱ دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان در برابر کارشکنی های دشمنان آنان. ۲ تشویق و تحریک پیامبر(ص) و مؤمنان به صبر و پایداری در راه خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۴

۴ - پذیرش توبه گنه کاران ، وعده اکید خدا به آنان

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلْ حَسَنًا .. فَأِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۲ - ۶

۶ - تهدید کافران به نزدیک بودن بخشی از عذاب دنیوی وعده داده شده به آنان

ردف لكم بعض الذی تستعجلون

مراد از <الذی تستعجلون> می تواند تنها عذاب دنیایی باشد. بنابراین <بعض الذی تستعجلون> یعنی، بخشی از آن عذاب که خواستار شتاب آن هستید، در پی شما است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۲

۲ - داوری میان مؤمنان و کافران به قرآن ، وعده حتمی خدا به پیامبر (ص)

و إِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ . إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ

در صورتی که آیه یاد شده مرتبط با آیه قبل که درباره قرآن است باشد عبارت <يقضی بینهم> به معنای <يقضی بین من آمن بالقرآن و بین من کفر به> خواهد بود. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۴،۵

کافران ، وعده ای حتمی و تخلف ناپذیر

و إذا وقع القول عليهم .. أن الناس كانوا بآيتنا لايوقنون

تعبیر <أنّ الناس..> دربرگیرنده همه کافران است.

۵- آینده بشر ، شاهد نزول عذاب قهر الهی بر کافران

و إذا وقع القول عليهم

مفسران، کلمه <القول> را کنایه از عذاب گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸

۸- وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجاً ممّن یکذب بآیتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۷،۹

۷- وعده خداوند به نشان دادن آیات غیرقابل انکار خویش ، به همه حق ستیزان در زمانی نه چندان دور

سیریکم ءایته فتعرفونها

با توجه به این که مخاطب آیات پیشین منکران توحید و معاد بوده اند، ممکن است مخاطب <سیریکم> و <تعرفونها> نیز همان ها باشند.

۹- وعده خداوند به آشکار ساختن آیات و نشانه های جدید خود در طول زمان هابرای هر نسل

سیریکم ءایته فتعرفونها

احتمال می رود که عبارت <سیریکم آیاته..> وعده ای به نسل های آینده باشد که از درک حضور پیامبر(ص) محروم اند؛ اما خداوند در هر زمان با نشان دادن آیاتی جدید، به آنان معرفت می بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به

آغوش وی

إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ

۱۱- برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

ولا تخافی ولا تحزنی... و جاعلوه من المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۹

۹- وعده خدا به مادر موسی، مبنی بر بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

و لتعلم أنّ وعد الله حقّ

این آیه اشاره به وعده ای دارد که خداوند قبلاً به مادر موسی داده بود: <ما او را قطعاً به تو باز خواهیم گرداند>، (إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۸

۸- اعطای دانش و حکمت، وعده الهی به محسنان و نیکوکاران

و كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۷

۷- شکست نهایی فرعون و غلبه موسی، هارون (ع) و پیروانشان بر وی، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من أتبعكما الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۱

۱ - وعده دوبار اجر (اجر مضاعف) از سوی خداوند ، به ایمان آوردگان از اهل کتاب

الذین ءاتینهم الکتب .. أولئک یؤتون أجرهم مرتین

مفسران، تعبیر <مرتین> را کنایه از اجر مضاعف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۳

۳ - پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۷ - ۵

۵ - تکفیر و نادیده گرفته شدن گناهان مؤمنان دارای عمل صالح ، وعده حتمی خداوند است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنکفرنّ عنهم سیئاتهم

لام و نون تأکید <لنکفرنّ> دلالت بر قطعیت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۱ - ۶

۶ - وعده خداوند ، به برخورداری مؤمنان از پاداش ؛ و کیفر شدن منافقان

و لیعلمنّ الله الذین ءامنوا و لیعلمنّ المنفقین

مراد از علم خداوند به مؤمنان و منافقان، پاداش و کیفر دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۷ - ۶

۶ - وعده خداوند ، به مؤمنان مهاجری که درصدد حفظ ارزش های دین خود بودند ، مبنی بر برخوردار کردنشان از پاداش

إِنَّ أَرْضی وسعه .. کلّ نفس ذائقه الموت ثمّ إلینا ترجعون

برداشت بالاف بنابراین است که <ثمّ إلینا ترجعون> کنایه از اعطای پاداش به مؤمنان و مؤاخذه کافران باشد. در این آیه، به

قرینه مقام، پاداش دهی، به مؤمنان مهاجر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۱،۳،۷

۱ - تقویت جبهه رومیان و چیره ساختن آنان بر ایرانیان ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان عصر بعثت

سیغلبون .. وعد الله لا یخلف الله وعده

<وعد الله> مفعول مطلق فعل محذوف است و نویدهای خداوند در آیات قبل را تأکید می کند.

۳- اکثر انسان ها ، در وفای خداوند به وعده های خویش ،

گرفتار تردیدند .

لايخلف الله وعده و لكن أكثر الناس لا يعلمون

برداشت بالا، بر این اساس است که به قرینه جمله <لايخلف الله وعده> مفعول محذوف <لايعلمون> همان قطعی بودن وعده های خداوند باشد.

۷- اکثر مردم عصر بعثت ، در پیروزی رومیان حتی در صورت وعده خداوند به یاری آنان ، دچار تردید بودند .

وعد الله .. و لكن أكثر الناس لا يعلمون

حرف <ال> در <الناس> برای عهد است و به قرینه آیات بعد که ویژگی های اقتصادی قریش را بیان می کند به مکیان عصر بعثت اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۴،۵

۴ - خداوند و پیامبرش ، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان ، پیروز خواهند شد .

ما وعدنا الله و رسوله إلاّ غرورًا

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله إلاّ غرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱

۱ - مسلمانان مدینه ، با دیدن سپاهیان احزاب متحد ، اذعان داشتند ، آنچه دیده اند ، همان چیزی است که خدا و پیامبرش وعده داده اند .

و لما رء المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۳

۳- وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی

علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملک آنها، اقدامی صورت نمی دادند .

و اورثکم . . . و أرضاً لم تطئوها

<وطئ> به معنای <گرفتن به شدت و زور> است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بود که به همسران خود بگوید در صورتی که آنان ، خداخواهی و آخرت طلبی را پیشه کنند ، خداوند آنان را پاداشی عظیم خواهد داد .

قل لأزوجك . . . و إن كنتن تردن الله و رسوله و الدار الآخرة فإن الله أعد للمح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۱

۱ - خداوند ، به همسران پیامبر ، در صورت اطاعت خاضعانه آنان از خدا و پیامبر (ص) و انجام عمل صالح ، وعده پاداش دوچندان داده است .

و من یقنت منکن لله و رسوله و تعمل صلحاً نؤتها أجرها مرتین

<قنوت> (مصدر <یقنت>) به معنای <اطاعت خاضعانه> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ - وعده خداوند ، به پیامبر (ص) برای جلوگیری از آزار و اذیت کافران و منافقان به آن حضرت

و دَعَّ أذیهم و

تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۷

۷ - وعده خداوند به جایگزین ساختن برای اموالی که انفاق می شود .

و ما أنفقتم من شيء فهو يخلفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۴

۴ - برپایی قیامت ، وعده ای الهی به انسان ها است .

متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده الهی درباره آنان است .

و قرءان مبین . لینذر ... و یحقّ القول علی الکفرین

از عطف جمله <و یحقّ الحقّ...> بر جمله <لینذر> که لام در این جمله برای تعلیل است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - چشیدن عذاب دوزخ برای مشرکان و سران آنان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که <حَقَّ> به معنای <ثَبَّتَ> و <لَزِمَ> است و ثابت و لازم بودن عذاب، حاکی از حتمی و تخلف ناپذیر بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

وَإِنَّ جَنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبراسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقوای پیشگان

جَنَّتْ ... يَدْعُونَ فِيهَا بِفَكَهٍ كَثِيرَةٍ وَ شَرَابٍ . وَ عِنْدَهُمْ قَصْرَاتٌ أُنْتَرَابٍ . هَذَا مَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۶

۶ - اعطای پاداش نیک در دنیا ، وعده خداوند به احسان کنندگان

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که <فی هذه الدنيا> ظرف برای <حسنه> باشد، نه برای <أحسنوا>؛ چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصریح شده است: <للذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه و لدار الآخره

خیر..>، (سوره نحل (۱۶) آیه ۳۰).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۲

۲ - برآورده شدن تمامی خواسته های تقوایندگان ، وعده خداوند به آنان

لهم ما يشاءون عند ربهم

کلمه <عند> برای التزام و وعده به کار می رود؛ مثل <لک عندی..> (برای تو پیش من چنین و چنان است).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۹

۹ - یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، در عین وعده او به آمرزش تمامی گناهان بندگان ، امری بی جا و نامعقول است .

لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

جمله <إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا> به منزله تعلیل برای جمله <لا-تقنطوا..> می باشد؛ یعنی، از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ چون او همه گناهان را می آمرزد. با این حساب یأس از رحمت خدا، امری بی جا و نامعقول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۲،۵

۲ - بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقوایندگان

صدقنا وعده

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقوایندگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض ننبؤاً من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۲،۳

۲ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جَنَّتِ عَدْنُ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ

۳ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان ایشان

جَنَّتِ عَدْنُ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَ

من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریتهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <مَنْ> در <و من صلح ..> عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم...> باشد؛ یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی، در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان است.

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۲

۲ - استجابیت دعای بندگان و برآوردن خواسته های آنان، وعده الهی است.

و قال ربکم ادعونی أستجب لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت، وعده مکرر خداوند به یکتاپرستان پایدار بر توحید

و أبشروا بالجنّة الّتی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - وعده خداوند به موسی (ع) ، درباره رفع عذاب فرعونیان ، در صورت روی

آوردن آنان به حق

ادع لنا ربك بما عهد عندك إتنا لمهتدون

به قرینه ذیل این آیه و آیه بعد، به دست می آید که مراد از <ما عهد عندك>، وعده خداوند به رفع عذاب از فرعونیان در صورت پذیرش هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - منتهی شدن نظام دنیا به جهان آخرت و قیامت ، وعده مکرر خداوند به خلق

یومهم الذی یوعدون

از فعل مضارع <یوعدون> که دلالت بر استمرار می کند مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۴

۱۴- وعده الهی به معاد ، اسطوره ای کهنه و بی اساس ، در نگاه نسل کافر عصیانگر

و الذی قال لولدیة أفّ لکما أتعذانی أن أخرج .. فبقول ما هذا إلا أسطیر الأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۵

۵- اعتراف کافران به حقانیت وعده های الهی ، پس از لمس و مشاهده آن

و یوم یعرض .. ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۷

۲۷- وعده خداوند ، به حفظ و تداوم اعمال و تلاش های شهیدان

و

الذين قتلوا في سبيل الله فلن يضلّ أعمالهم

مراد از <فلن يضلّ> ممکن است هدر نرفتن تلاش ها و ایثارگری های شهیدان، در دنیا باشد؛ یعنی، گرچه شهیدان خود چشم فرومی بندند؛ اما خداوند خود آرمان ها و تلاش هایشان را پاس می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۶

۶- وعده خداوند به پیروزی و ثبات قدم مؤمنان ، در صورت اقدام به جهاد و حمایت از دین

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ ... وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱

۱- بهشت و نعمت های آن ، پاداش موعود الهی برای تقوایندگان

الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳،۱۲

۳- وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

۱۲- اختصاص غنایم خیبر به شرکت کنندگان سفر حدیبیه ، براساس وعده قبلی خداوند *

إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا .. قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

برداشت بالا بدان احتمال است که آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنایم، به حاضران صلح حدیبیه باشد؛

چه این که این نکته از نظر تاریخی نیز تأیید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۴،۲۱

۴ - غنایم خیر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم الله ... فعجل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیر دارد.

۲۱ - < عن علی ... قال : فی قوله تعالی < وعدکم الله مغنم کثیره > ... < تأخذونها > ... < فعجل لکم ... > من ذلک خیر ;

از علی (ع) .. روایت شده که درباره قول خدای تعالی < وعدکم الله مغنم کثیره تأخذونها فعجل لکم > فرمود: از میان غنایم فراوانی که خداوند به شما وعده داده بود خیر را زودتر به شما داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۱

۱ - وعده خداوند به مؤمنان ، در دستیابی آنان به غنایمی ، علاوه بر غنایم خیر

و آخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیه قبل در زمینه غنایم خیر بوده؛ واژه <آخری> در مقایسه با غنایم خیر به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳ - وعده الهی به بهره مندی مؤمنان نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد الله الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنم .. و أزلفت الجنة للمتقين ... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۳

۳ - برپایی نظام کیفر و پاداش ، از بارزترین و مهم ترین وعده های خداوند به خلق

إنما توعدون .. و إن الدین لوقع

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <و إن الدین> عطف تفسیری برای <إنما توعدون> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۱

۱ - بهشت وعده اکید خداوند به اهل تقوا

إن المتقین فی جنت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۱

۱ - کفرپیشگان ، دارای سرنوشتی تأسف بار هنگام فرا رسیدن وعده های خداوند

فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۱

۱ - فرستادن ناقه صالح به سوی قوم ثمود ، وعده الهی برای آزمایش ایشان

إننا مرسلوا الناقه فتنه لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۱

۱ - وعده الهی ، به فروپاشی جماعت مشرکان و ناپایداری آنان در برابر جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولون الدبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالذین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - وعده پاداش از سوی خداوند ، به همه مجاهدان و انفاق گران صدراسلام

و کلاً وعد الله الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۶

۶ - دستیابی به دو بهره کافی از رحمت الهی ، وعده خدا به مؤمنانی است که تقواپیشه کنند و از پیامبراکرم (ص) پیروی کامل نمایند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا .. يُوْتِكُمْ كَفْلِينَ مِنْ رَحْمَتِهِ

< کفل > (مفرد < کفلین >) به معنای حظ و بهره ای است که کفایت می کند (مفردات راغب). گفتنی است که < یوتکم... > جواب برای شرط مقدر می باشد و تقدیر آن چنین است: < إِنْ تَتَّقُوا وَ تَوَمَّنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كَفْلِينَ مِنْ رَحْمَتِهِ > (اگر تقوا پیشه کنید و از رسول او تبعیت کامل نمایید، از رحمت خود به شما دو بهره کافی خواهد داد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ - وعده بهشت از سوی خداوند به مؤمنان راستین

أُولَئِكَ .. يَدْخُلُهُمْ جَنَّاتٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۳

۳ - پشتیبانی همه جانبه از دین اسلام و فروزان نگه داشتن نور آن ، وعده قطعی و حتمی خداوند

و الله متمّ نوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

یغفر لکم ...

و أُخْرَى تَحْبُونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحَ قَرِيبٍ

۶ - خداوند ، مجاهدان صدراسلام را به امداد های غیبی خود و غلبه سریع بر دشمن وعده داده است .

و أُخْرَى تَحْبُونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحَ قَرِيبٍ

۹ - خداوند ، مسلمانان صدراسلام را از پیش ، به فتح مکه و امداد های خود وعده داد .

و أُخْرَى تَحْبُونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحَ قَرِيبٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۸

۱۸ - وعده تأیید و امداد ، از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام در قبال دشمنانشان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ .. فَأَيُّدِنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عِدْوِهِمْ فَأُصِيبُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۵ - ۳

۳ - برپایی قیامت ، وعده اعلام شده خداوند به انسان ها

و يَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حَتَّىٰ يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۴ - ۳

۳ - زندگی خفت بار و ذلت آفرین در آخرت ، وعده همیشگی خداوند به کافران حق ناپذیر

ذلك اليوم الذى كانوا يوعدون

آمدن فعل <كانوا> با فعل مضارع <يوعدون>، بر استمرار وعده الهی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، به مردم وقوع قیامت را وعده داده است .

و

مفسران اتفاق نظر دارند که مراد از <اليوم الموعود> قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۵

۵ - ختنی ساختن تبلیغات مکارانه کافران در برابر قرآن ، وعده تسلا بخش خداوند به پیامبر (ص)

وَأَكِيدُ كَيْدًا

روی سخن در این آیه به قرینه آیه بعد (فَمَهْلٍ ..) با پیامبر(ص) و به منظور اطمینان بخشیدن به آن حضرت است که در درخواست عقوبت سریع برای کافران شتاب نوزد زیرا خداوند پاسخ مناسب توطئه آنان را خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران ، کافی برای شتاب نوزیدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای آنان

وَأَكِيدُ كَيْدًا . فَمَهْلٍ

برداشت یاد شده، از حرف <فاء> در <فمَهْلٍ> استفاده شده است، یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه شدی، با خاطری آسوده به کافران فرصت ده زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

۲ - خداوند ، پیامبر (ص) را به آموختن قرآن و جاری ساختن آن بر زبان او وعده داد .

سنقرئک

<إقراء>؛ یعنی، دیگری را قاری ساختن و حرف <سین> در <سنقرئک> برای تأکید وعده است. بنابراین مفاد آیه شریفه، این است که وحی همچنان ادامه یافته، زبان تو در حال و آینده به قرائت آن توانمند خواهد بود.

۱۲ - خداوند پیامبر (ص) را به داشتن حافظه ای نیرومند و فراموش نکردن آنچه خوانده است ، وعده داد .

سنقرئک فلاتنسی

حذف مفعول از فعل های <نقرء> و <لاتنسی>، ممکن است برای افاده عموم باشد؛ یعنی، تو را بر قرائت توانا می سازیم و تو خواننده های خویش را، از یاد نخواهی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - هیچ یک از وعده های خداوند ، او را بر کاری مجبور نساخته و مشیت او را مقهور خود نمی سازد .

فلاتنسی . إلا ما شاء الله

جمله <فلاتنسی> وعده خداوند به پیامبر(ص) است که قرآن از خاطر او محو نخواهد شد و استثنای <إلا ما شاء الله> در صورتی که مراد استثنای حقیقی نباشد بیانگر این نکته است که حتی پس از این وعده نیز اختیار، از خداوند سلب نمی شود و مشیت او هم چنان حاکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند به پیامبر (ص) وعده داد که او را به برنامه و

شریعتی ساده راهنمایی کرده و بر انجام دادن آن آماده و توانا سازد .

و نیسِرک لیسری

<یسری> وصف برای موصوفی محذوف از قبیل <الطریقه> یا <الشریعه> و به معنای سهل تر و آسان تر است. اسناد فعل <نیسِرک> به ضمیر خطاب با آن که در این موارد طبیعی آن است که تعبیر <آسان کردن یسری برای پیامبر(ص)> به کار رود؛ نه <آسان ساختن پیامبر(ص) برای یسری> بیانگر آن است که خداوند وعده ایجاد تحولات درونی در شخص پیامبر(ص) را، به آن حضرت داده است که با سهولت پذیرای برنامه الهی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ، وعده خداوند به اهل زکات و انفاق

و سیجئبها الأتقی . الذی یؤتی ماله یتزکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۲

۲ - خداوند ، با وعده قطعی به پیامبر (ص) ، درباره بخشش پیاپی به آن حضرت تا حد رضایت کامل در آخرت ، او را تسلا داده و بر دور بودن همیشگی آن حضرت از قهر و خشم خود تأکید کرد .

ما ودّعک .. و لسوف یعطیک ربّک فترضی

<لام> در <لسوف> ، حرف ابتدا و برای تأکید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۲

۲ - خداوند ، در آغاز رسالت پیامبر (ص) ، آن حضرت را به نزول آیاتی خواندنی (قرآن) وعده داد .

اقرأ

مشهور این است که سوره <علق> یا <پنج آیه نخست

آن، اولین آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل گردید. تعبیر <اقرء> در سر آغاز وحی، شروع مناسبی است که در خود دو نکته دارد: ۱. پس از این مطالبی به پیامبر نازل خواهد شد؛ ۲. آن مطالب خواندنی خواهد بود، نه این که به دانستن آن بسنده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن به صورت قابل نوشتن، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ .. الذی علم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۷

۷ - خداوند، پیامبر (ص) را به تدبیر امور آن حضرت و مجازات اخروی مخالفان طغیان گراو، وعده داد.

لیطغی .. ربک

خطاب در <ربک> چه ویژه پیامبر(ص) باشد و چه هر مخاطبی را شامل گردد که در نتیجه پیامبر(ص) بارزترین مصداق مورد نظر خواهد بود برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۱

۱ - خداوند، پیامبر (ص) را به امداد خویش مطمئن ساخت و به آن حضرت وعده پیروزی بر دشمنان داد.

إذا جاء نصر الله و الفتح

<نصر> به معنای پیروز ساختن و <فتح> به معنای گشودن است. (برگرفته از <مقایس اللغه>) حرف <إذا> دلالت بر وقوع حتمی شرط در آینده دارد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۲، ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوریکم آیتی . . . و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

وعده های خدا در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

وعده های خدا در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

وعده های خدا در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و

لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ... و ما زادهم إل

و عده های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۵

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أُحْدِثُ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

و عده های ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۷،۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحاً فله جزاء الحسنی

<جزاء> حال است و بیان این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

۷- ذوالقرنین ، به رعایت نرمش و مدارا در صدور فرمان و ابلاغ خواسته های حکومتی خویش به مؤمنان ، نوید داد .

و سنقول له من أمرنا یسرًا

و عده های رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۴

۱۴- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن خود ، آنان را هم نجات خواهند داد .

قالوا لو هدينا الله لهديناكم

وعدة های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۴

۱۴ - وعده دادن و آرزو پروری

، از شگرد های شیطان در به دام افکندن انسان

و شارکهم ... و عدهم

وعده های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۲،۳

۲ - تأکید فرعون بر قرار گرفتن ساحران در زمره مقربان وی ، با پیروزی بر موسی (ع)

و إنکم إذا لمن المقربین

۳ - فرعون ، برای جلب حمایت ساحران ، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئن لنا لأجراً .. و إنکم إذا لمن المقربین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

وعده های کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون .. يقولون سبحن ربنا إن كان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۸

۸- وجود وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام < قرآن > ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إنّا کنّا من قبله مسلمین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را، تنها از راه مدارک دینی خود به دست آورده بودند.

وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۴،۵

۴ - خداوند و پیامبرش ، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان ، پیروز خواهند شد .

ما وعدنا الله ورسوله إلا غرورًا

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله إلا غرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱

۱ - مسلمانان مدینه ، با دیدن سپاهیان احزاب متحد ، اذعان داشتند ، آنچه دیده اند ، همان چیزی است که خدا و پیامبرش وعده داده اند .

و لما رء المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۲

۲ - وعده پیامبر (ص) به مشرکان مبنی بر وقوع قیامت در آینده

و يقولون متى هذا الوعد

وعده های محمد (ص) در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لما رء المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله .. و ما زادهم إل

وعدہ های منافقان مدینہ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹

۷- وعده منافقان مدینه به یهود بنی نضیر ، نسبت به همگامی کامل با آنان در صورت نبرد یا تبعید

الذین نافقوا يقولون .. لنن أخرجتهم لنخرجنَّ معكم ... و إن قوتلتم لننصرنَّكم

وعده های نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱

۱- وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آمرزش گناهان ، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر) ، در صورت ایمان آوردن آنان

یغفر لکم من ذنوبکم و یؤخرکم إلى أجل مسَّی

<اجل> به معنای پایان زندگی و نهایت زمان عمر آدمی و <مسمی> به معنای معین و مشخص است. مقصود از تأخیر اجل مسمی، نازل نشدن عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن مرگ مقدر الهی است که هر انسانی، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۱

۱- وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر ریزش باران فراوان و پی درپی بر آنان ، در صورت استغفار و ایمان آوردن آنان

فقلت استغفروا ربکم .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

یکی از معانی <سما>، باران است (صحاح) و در این آیه شریفه در همین معنا به کار رفته است. <مدرارًا> به معنای ریزش فراوان و پی درپی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۱،۲

۱- وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر

یاری شدنشان با اموال و فرزندان از سوی خداوند ، در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربکم ... و یمدکم بأموال و بنین

۲- وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آباد شدن باغ ها و نهرهایشان از سوی خداوند در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربکم ... و یجعل لکم جنّات و یجعل لکم أنهرًا

وعده های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون ... أنا خیر المنزلین

وعده هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۳

۳- خداوند ، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعده هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأوريكم آيتي . . . و يقولون متى هذا الوعد

برداشت يادشده مبتنى براين است كه مقصود از <وعد> در اين آيه، غلبه مؤمنان و شكست كافران باشد.

وعدہ ہلاکت مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۳

۳ - خداوند ، شكست

و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعده همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقوایبندگان

جنت .. یدعون فیها بفقکه کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

وفای ابراهیم(ع) به وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۳

۳ اقدام ابراهیم (ع) به استغفار برای پدرش ، تنها به دلیل وعده ای بود که به وی داده بود و نه به خاطر وجود پیوند پدر و فرزندی .

و لو كانوا أولى قریبی .. و ما كان استغفار إبرهیم لأیه إلا عن موعده وعدها أیاه

وفای به وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۶

۲۶ خداوند ، قطعاً به وعده های خویش وفا می کند .

لئن اقمتم الصلوه .. لا کفرن عنکم سیاتکم و لا دخلنکم جنت

لام و نون تأکید در <لاکفرن> و <لادخلنکم> و قسم نهفته در جمله <لئن اقمتم الصلوه> ، بیانگر قطعیت وعده های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- وعده الهی ، تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی است .

صدقنا وعده

وفای خدا به وعده

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۴

۴ خداوند ، به تمامی وعده های خویش وفا می کند .

و ان وعدك الحق

حق بودن وعده ، به این است که: آنچه مورد وعده قرار گرفته امری درست و به جا باشد و نیز وعده کننده به آن ، پایبند بوده و بدان وفا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۳

۳- خداوند ، به وعده خویش مبنی بر نجات پیامبران و مؤمنان و هلاکت دشمنان ، عمل کرد .

ثم صدقنهم الوعد فأنجینهم و من نشاء و أهلکنا المسرفین

<صدق> (مصدر <صدقنا>) در دو چیز استعمال می شود: ۱ در اعتقاد است، که در این صورت به معنای اعتقاد مطابق با واقع خواهد بود. ۲ در جوارح و افعال انسان، که در این صورت به معنای انجام دادن کار به طور شایسته و بایسته خواهد بود. (مفردات راغب). در آیه بالا- معنای دوم منظور است. گفتنی است ماده <صدق> در مواردی به دو مفعول متعدی می شود که این آیه یکی از آن موارد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۱

۱ - سپاس گزاری تقوایپیشگان از خداوند ، به خاطر وفا کردن به وعده های خود درباره آنان

و قالوا الحمد لله الذى صدقنا وعده

وقت تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۲،۴،۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ صریح آگاه نبودن خویش ،

از زمان تحقق وعده های خداوند به مردم

قل إن أدرى أقرب ما توعدون

۲ - پیامبر (ص) ، نسبت به دور و نزدیک بودن تحقق وعده های الهی به کافران آگاه نبود .

قل إن أدرى أقرب ما توعدون أم يجعل له ربّي أمداً

<آمد> در اصل به معنای غایب و منتهای شیء است و در این آیه مقصود از آن به قرینه <قرب> مدت طولانی است.

۴ - پرسش استهزاآمیز کافران حق ناپذیر ، از زمان تحقق وعده های الهی درباره خویش

أقرب ما توعدون أم يجعل له ربّي أمداً

آیه شریفه درصدد پاسخ به پرسش کافران درباره تحقق وعده های الهی است که در آیه قبل مطرح شده بود. از این رو برخی از مفسران نوشته اند که این آیه، درباره <نضربن حارث> است که او و همفکرانش پیوسته می گفتند: <متی هذا الوعد إن کنتم صادقین > (۱۰/۴۸).

ویژگیهای وعده های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۹

۹ - وعده های مشرکان به یک دیگر ، براساس فریب و مکر است .

بل إن يعد الظلمون بعضهم بعضاً إلا غروراً

یقین به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - یقین به حقانیت وعده های خداوند و باور به معاد ، تکلیفی الهی و معرفتی ارجمند است .

أعثرنا عليهم ليعلموا أنّ وعد الله حقّ و أنّ الساعة لا ريب فيها

یقین به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۰

۱۰

- یقین پیدا کردن مادر موسی به درستی و تخلف ناپذیر بودن وعده های خداوند ، یکی دیگر از اهداف بازگرداندن موسی (ع) به آغوش وی

فرددنه إلى أمه .. و لتعلم أنّ وعد الله حقّ

وعده های

آثار ایمان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ - تقوا و ایمان به قیامت و وعده های خدا ، مانع فریفتگی انسان به زندگی دنیا است .

اتقوا ربّکم و اخشوا یومًا .. إنّ وعد الله حقّ فلا تغرنکم الحیوه الدنیا

آثار بی اعتنائی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۹

۹ - پیروی بنی اسرائیل از سامری و بی توجهی آنان به وعده الهی ، زمینه ساز گرفتاری آنان به غضب خداوند بود .

و أضلّهم السامریّ .. أم أردتم أن یحلّ علیکم غضب من ربّکم

<أم> در این آیه منقطعه است و مفاد عبارت <أم أردتم> این است که دلیل گوساله پرستی شما، تأخیر وعده نبودن بلکه شما به گونه ای عمل کردید که علاقه مندان به غضب الهی عمل می کنند. بنابراین، جمله <أردتم...> استعاره است و نمای کار آنان را نشان می دهد.

آثار تکذیب وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین کفروا .. قالوا یویلنا ... هذا ما وعد الرحمن و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۲

۲- کفر به معاد و انکار حقانیت وعده های الهی ، درپی دارنده کیفری حتمی

فيقول ما هذا إلا أسطير الأولين . أولئك الذين حقّ عليهم القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۷

۷- طغیان گری ، اصرار بر گناه و تکذیب پیام های الهی ، مایه سقوط و تباهی نفس انسان است .

و قد خاب من دسّيتها . كذّبت ثمود بطغويها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۱ - ۲

۲- بخلورزی ، و زراندوزی و تکذیب وعده های خداوند ، زمینه ساز سقوط و هلاکت

و أمّا من بخل .. إذا تردّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۳

۳- بخل و ثروت اندوزی حاصل از آن و تکذیب وعده های خداوند ، زمینه ساز گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و أمّا من بخل و استغنى . و كذّب ... فأندرتكم نارًا تلظى

آثار شكّ به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۵

۵- نپذیرفتن دعوت انبیا و وعده های الهی و شک و تردید مستمر در آن ، پیامدار عذاب الهی

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترو

فعل مضارع <یمترو> با آمدن فعل <کانوا> پیش از آن، بیانگر استمرار مضمون آن است.

آثار وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- وعده یاری خداوند و آگاهی گسترده او بر جزئیات ماجرای ارشاد فرعون ، مایه امیدواری و آرامش بخش دل های نگران موسی و هارون (ع) بود .

إِنَّا نَخَافُ .. لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأُرِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۳

۳- دوری عده ای از آتش جهنم ، براساس وعده نیک الهی به ایشان در دنیا است .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ .. مَبْعُودُونَ

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <الحسنی> صفت برای موصوفی محذوف چون <الوعده> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۱

۱- وعده ها و تهدید های الهی برای کافران عصر بعثت ، ثمربخش و کارساز نبود .

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا

حرف <بل> اضراب از ما قبل است؛ یعنی، تهدیدهای پیش برای کافران بی تأثیر است. عنوان <الذین کفروا>، ممکن است عنوان مشیر و ناظر به مصادیق خارجی آن باشد که کافران مکه بودند و نیز می تواند به تمام کافران در طول تاریخ نظر داشته باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

اجتناب از تعجیل در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۳

۳- مؤمنان ، وظیفه دار صبر و شکیبایی و پرهیز از درخواست تحقق سریع وعده های خداوند

أَتَى أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ

با توجه به اینکه <لا تستعجلوه> مخاطب و <یشر کون> غایب است، به نظر می رسد مخاطب فعل اول مؤمنان باشد.

استهزای وعده

های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۹

۹ کفرپیشگان ، عذاب های موعود از ناحیه پیامبران را همواره به استهزا و تمسخر می گیرند .

و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و یستعجلونک بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر(ص) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

اعتماد به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- ایمان به خداوند ، مقتضی اعتماد کامل بر وعده ها و گواهی او *

و کفی بالله شهیداً

خداوند، پس از وعده به پیروزی اسلام بر سایر ادیان، فرمود: <و کفی..>. این جمله ممکن است بیانگر این باشد که اگر شما به مقام الوهیت ایمان دارید، لازمه آن، اعتماد به گواهی او است.

اقرار به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- اعتراف شیطان در قیامت به حقانیت وعده های خداوند و پوچی وعده های خود

و قال الشیطن . . . إنّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فأخلفتکم

جلد - نام سوره - سوره -

۵- اعتراف کافران به حقانیت وعده های الهی ، پس از لمس و مشاهده آن

و یوم یعرض .. ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

اقرار به درستی وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - بر زبان آوردن راستی و درستی وعده های خداوند و پیامبرش ، امر پسندیده ای است .

هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله

از این که خداوند، سخن مؤمنان را درباره راستی وعده خدا و پیامبرش، بیان می کند، در حالی که عقیده به راستی آن، امری درونی است و نیاز به اظهار ندارد، پسندیده بودن اظهار اعتقاد به راستی وعده خدا و پیامبرش قابل استفاده است.

اقرار به درستی وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - بر زبان آوردن راستی و درستی وعده های خداوند و پیامبرش ، امر پسندیده ای است .

هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله

از این که خداوند، سخن مؤمنان را درباره راستی وعده خدا و پیامبرش، بیان می کند، در حالی که عقیده به راستی آن، امری درونی است و نیاز به اظهار ندارد، پسندیده بودن اظهار اعتقاد به راستی وعده خدا و پیامبرش قابل استفاده است.

اهمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- صدور وعده قیامت ، از جانب خداوند ، خود

کافی برای یقین به حقانیت آن

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

برداشت بالا بدان بدان احتمال است که <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها> باشد.

ایمان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - لزوم ایمان به وعده های خداوند و پرهیز از بی اعتنایی به آنها

أَفْطَالٍ عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحْلَ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۴

۴ - ایمان به وعده الهی به نصرت جبهه حق ، زمینه ساز پیدایش روحیه صبر و شکیبایی است .

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

یادآوری <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> که به منزله تعلیل برای فرمان به صبر است، می تواند برای مطمئن ساختن پیامبر(ص) به ثمره صبر باشد. در نتیجه، در صورتی که ایمان حاصل شود که وعده خدا تخلف ندارد، شخص، آمادگی بیشتری برای صبر در راه خدا پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۳

۳ - مسلمانان مدینه ، به وعده های خداوند و پیامبرش ، ایمان راسخ داشتند .

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - مؤمن ، همواره در اندیشه قیامت و مطمئن به تحقق وعده های الهی

و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب

جلد - نام سوره - سوره -

۲ - انسان های عاقل و خردمند ، پذیرای حقانیت وعده های خداوند و تحقق روز جزا

يُؤفِكُ عَنْهُ مِنَ الْفَيْحِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۳، ۲

۲ - پاداش های موعود خداوند ، نیکو و تصدیق آن بر همگان لازم است .

و صدق بالحسنى

کلمه <حسنى> یا مصدر است (مانند <رجعى>) و یا مؤنث <أحسن> است. در صورت اول معنای تفضیلی نخواهد داشت؛ بلکه با تأویل به مشتق، معنای <حَسَن> دارد. وصف <الحسنى> خود نشانگر مطلوب بودن تصدیق آن است و وعده به فرجام راحت (در آیه بعد) نیز بر سزاوار بودن تصدیق، تأکید کرده است.

۳ - سخاوت مندى ، انفاق و تقوایپیشگی ، نشانه پذیرش وعده های خداوند و باور داشتن پاداش های الهی است .

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى . وَ صدق بالحسنى

عطف این آیه بر آیه قبل، عطف سبب بر مسبب و یا عکس آن است و در هر صورت، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۷ - ۶، ۸، ۲

۲ - انفاق ، تقوا و ایمان به وعده های خداوند ، فراهم سازنده زمینه برای دستیابی به آینده ای آسوده و راحت

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى .. فسنيسره لليسرى

حرف <سين> در <سنيسره>، برای تأکید است و بعید نیست که برای استقبال و ناظر به این باشد که رسیدن به این نتیجه، نیازمند گذشت زمان و تکرار اعمالی است که آیات پیشین، بیانگر آن بود.

۶ - سخاوت مندى ، انفاق ، تقوایپیشگی و

تصدیق وعده های الهی ، زمینه ساز امداد های ویژه خداوند و مایه نشاط انسان در انجام دادن تکالیف دینی است .

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى... فسنیسره لیسری

۸ - > عن أبي جعفر (ع) في قول الله عزَّوجلَّ : <... فسنیسره لیسری > قال : لا یرید شیئاً من الخیر إلا یرسه الله له ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدای عزوجل <فسنیسره لیسری> روایت شده که فرمود: [هر که در راه خدا بخشش کند و تقوا پیشه سازد و نیکوترین پاداش الهی را تصدیق کند] هیچ خیری را اراده نمی کند، جز آن که خداوند انجام دادن آن را برای او آسان می سازد.<

ایمان به وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۳

۳ - مسلمانان مدینه ، به وعده های خداوند و پیامبرش ، ایمان راسخ داشتند .

و لما رء المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۵ - ۵

۵ - > قال البنظی : ... و سمعت الرضا (ع) يقول في تفسير < و الیل إذا یغشی > قال : إن رجلاً من الأنصار كان لرجل في حائطه نخله و كان یضرب به فشكا ذلك إلى رسول الله (ص) فدعاه فقال : اعطني نخلتك بنخله في الجنة فأبى فبلغ ذلك رجلاً من الأنصار یکنى أبا الدحداح فجاء إلى صاحب النخله فقال : بعني نخلتك بحائطي فباعه فجاء إلى رسول الله (ص) فقال :

یا رسول الله قد اشتریت نخله فلان بحائطي ، قال : فقال رسول الله (ص) فلک بدل ها نخله فی الجنة فأنزل الله تبارک و تعالی علی نبیه (ص) < . . فأما من أعطی > یعنی النخله < و اتقی و صدق بالحسنی > بوعد رسول الله (ص) . . . ;

بزنطی گفت: از امام رضا(ع) شنیدم که در تفسیر <و الیل إذا یغشی> سخن می گفت و فرمود: در باغِ مردی از انصار درخت خرمایی متعلق به شخص دیگری بود و آن شخص [به هنگام استفاده از درخت] به مرد انصاری زیان می رساند. مرد انصاری از این عمل به رسول خدا(ص) شکایت کرد؛ رسول خدا(ص) صاحب درخت را فراخواند و به او فرمود: درخت خرمایت را در ازای یک اصله درخت خرما در بهشت، به من واگذار کن و آن مرد امتناع کرد. پس این خبر به مردی از انصار رسید که کنیه او <ابودحداح> بود. وی نزد صاحب آن درخت رفت و گفت: آن درخت خرمایت را در ازای باغ من به من بفروش، او هم فروخت. آن گاه ابودحداح نزد رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: درخت خرمای فلانی را در عوض باغ خود خریدم، رسول خدا(ص) به او فرمود: تو به جای آن درخت، درختی را در بهشت مالک هستی. پس خدای تبارک و تعالی بر پیامبرش [این آیه را] نازل فرمود: <فأما من أعطی> مقصود [بخشیدن] درخت خرما است <و اتقی و صدق بالحسنی> مقصود [تصدیق] وعده رسول خدا است <.

بی اعتنایی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۶

۶ - بنی اسرائیل با بی توجهی به وعده خداوند (اعطای تورات) ، زمینه گمراهی خویش را فراهم آوردند .

و أضلّهم السامريّ .. ألم يعدكم ربّكم وعدًا حسنًا

بی ایمانی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

يغفروا للذين لا يرجون أيام الله

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لا يرجون أيام الله> یاد فرموده / استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعید های خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

پوچی وعده های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۴،۵

۴- اعتراف شیطان در قیامت به حقانیت وعده های خداوند و پوچی وعده های خود

و قال الشيطان .. إن الله وعدكم وعد الحق و وعدتكم فأخلفتكم

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفاء .. قال الشيطان ... إن الله وعدكم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۶

۱۶- همه وعده ها و نوید های شیطان ، بی اساس و فریب است .

و ما يعدهم الشیطن إلا غرورا

<غرور> مصدر فعل <غرَّ> به معنای خدعه و مکر است.

پوچی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - هشدار الهی به کافران ، در دل نبستن به وعده منافقان

كَمْثَل الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ .. إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

آیه شریفه از یک سو نویدی است به مؤمنان که منافقان به همکاری با کافران وفا نخواهند کرد. و از سوی دیگر تشبیه منافقان به شیطان در بی وفایی به تعهدات خویش، هشدار است به کافران که با ریسمان منافقان به چاه نروند.

تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۵ - ۱

۱ - خداوند ، توانا بر تحقق بخشیدن به وعده های خود

و إِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعْدُهُمْ لَقَدْرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۷

۷ تحقق وعده الهی بر تأمین تمامی خواسته ها در بهشت جاویدان ، انتظار و توقع متقین از خداوند

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا

<مسئول> یعنی، کسی که مورد سؤال و مطالبه مستحقان و حق داران است و در آیه شریفه به قرینه مقام مقصود این است که متقین، می توانند توقع و انتظار داشته باشند که خداوند به وعده خود عمل کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - همه حقایق و وعده های الهی ، در قیامت برای مجرمان به گونه ای ملموس آشکار می شود .

و لو ترى إذ المجرمون .. ربّنا أبصرنا و سمعنا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < يا ويلنا من بعثنا من مردنا > فإن القوم كانوا في القبور ، فلما قاموا حسبوا أنهم كانوا نيماً ، قالوا < يا ويلنا من بعثنا من مردنا > قالت الملائكة < هذا ما وعد الرحمان و صدق المرسلون > ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <یا ویلنا من بعثنا من مردنا..> روایت شده که فرمود: مردم که در قبراند، وقتی برمی خیزند می پندارند که در خواب بوده اند [ازاین رو] می گویند: <یا ویلنا من بعثنا من مردنا>. فرشتگان می گویند: <هذا ما وعد الرحمان و صدق المرسلون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۴

۴- پایان یافتن تردید ها و سست انگاری های منکران وحی ، با تحقق وعده های الهی در قیامت

بل هم فی شکک .. فارتقب یوم تأتي السماء بدخان مبین ... إنا مؤمنون

بنابراین که آیات پیشین در رابطه با قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۲ - ۶،۷

۶ - تحقق وعده های الهی به نزول رحمت یا عذاب ، از سمت آسمان

فی السماء رزقکم و ماتوعدون

برداشت یاد شده بنابراین است که مراد از <ما توعدون>، همه وعد و وعیدهای الهی باشد و نه خصوص بهشت.

۷ - تدبیر ، تقدیر و قدرت الهی در تأمین روزی زمینیان از آسمان ، نشانه

قدرت او بر تحقق وعده های خویش *

و فی السَّماء رزقکم و ما توعدون

با توجه به این که در آیات پیشین سخن از تحقق رستاخیز و وجود دوزخ و بهشت بود، ممکن است این آیه در صدد رفع شبهه انسان در قدرت خدا باشد. از این رو عبارت <و فی السَّماء رزقکم> به عنوان نمودی از قدرت خداوند یاد شده است.

تعجیل در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۵

۵- شتاب و بی صبری در مورد تحقق زودرس وعده های خداوند ، روا نیست .

أتی أمر الله فلا تستعجلوه

تکذیب وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۹

۹ - کافران ، به تحقق وعده نصرت خداوند ، ناپاورند .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

مراد از <الذین لا یوقنون> می تواند کافرانی باشد که در آیات پیش از آنان سخن به میان آمده است. لازم به ذکر است که متعلق <لا یوقنون> می تواند همین وعده ای باشد که در آیه آمده است.

تکذیب وعده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۳

۳ - مشرکان ، وعده پیامبر (ص) را درباره وقوع قیامت و معاد درست نمی دانستند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تکذیب وعده های هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۵

۵- اظهار ناباوری قوم عاد ، نسبت به وعده ها و سخنان هود (ع)

قالوا .. فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين

قوم عاد با پیشنهاد نزول عذاب، در واقع می خواستند بنمایانند که به نادرستی و کذب سخنان هود(ع) یقین دارند.

حتمیت وعده های اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۵

۱۵- وصول به وعده های الهی و نیل به آن در طول تاریخ ، دلیل دستیابی حتمی بندگان به آن در آخرت

وعد الرحمن .. إِنَّه كان وعده مَأْتِيًا

<كان> در <إِنَّه كان ..> بر دیرباز بودن محتوای جمله و عبارت <إِنَّه كان...> بر تحقق حتمی موعود در <وعدالرحمن...> دلالت دارد.

حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۴

۱۴ وعده های خدا تخلف ناپذیر است.

و لقد كذبت .. حَتَّى أَتَهُم نَصْرَنَا و لا مبدل لكلمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۴ - ۱،۲،۳

۱ وعده های خداوند تخلف ناپذیر است.

إن ما توعدون لأت

۲ احضار ظالمان در قیامت و بازخواست و کیفر ایشان از وعده های تخلف ناپذیر خداوند

و ینذرونکم لقاء یومکم هذا .. إن ما توعدون لأت

۳ آدمی توان جلوگیری از تحقق وعده ها و برنامه های خداوند و گریز از آن را ندارد.

إن ما توعدون لأت و ما أنتم بمعجزین

در لسان العرب آمده است: <معنی الاعجاز الغوث و السبق>. یعنی اعجاز فرو نهادن و پیشی گرفتن است. <معجزه> اسم فاعل آن، به معنی فرو گذارنده و پیشی گیرنده است. یعنی شما نمی توانید از بروز قیامت و

وعددهای خداوند جلوگیری کنید و یا بر آن پیشی گیرید و از شمول آن خارج گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۲

۲ پذیرش توبه بندگان ، وعده حتمی خدا به آنان

ألم يعلموا أن الله هو يقبل التوبة عن عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً عليه حقاً في التوريه و الإنجيل و القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۳

۳ وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

وعد الله حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۳،۵

۳ وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

ألا إن وعد الله حق

۵ وعده خداوند به عذاب مشرکان ستمگر ، حق و تخلف ناپذیر است .

يقولون متى هذا الوعد .. ألا إن وعد الله حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ کلمات خدا (وعده ها و سنن الهی) بدون تغییر و تخلف ناپذیر است .

لا تبدیل لکلمت اللّٰه

۷ بشارت های ویژه به اولیای خدا در دنیا و آخرت ، وعده تخلف ناپذیر الهی

لهم البشرى فى الحيوه الدنيا و فى الآخره لا تبدیل لکلمت اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ خداوند ، به تمامی وعده های خویش وفا می کند .

و ان وعدك الحق

حق بودن وعده ، به این است که: آنچه مورد وعده قرار گرفته امری درست و به جا باشد و نیز وعده کننده به آن ، پایبند بوده و بدان وفا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ وعده های خداوند قطعی و تخلف ناپذیر است .

إن الله لا يخلف الميعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفؤا .. قال الشيطان ... إن الله وعدكم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۴ ، ۳ ، ۱

۱- گمان تخلف وعده خداوند ، گمانی واهی و نادرست است .

فلاتحسبن الله مخلف وعده رسله

۳- وعده های خداوند به پیامبران مبنی بر پیروز گردانیدن آنان بر دشمنان ، تخلف ناپذیر است .

الذين ظلموا .. و قد مكروا مكرهم ... فلاتحسبن الله مخلف وعده رسله

۴- تأخیر عذاب ستمگران به معنای تخلف وعده الهی به رسولان خویش نیست .

و قد مکروا مکرمهم و عند الله مکرمهم .. فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله

جمله <فلا تحسبن الله ..> می تواند پاسخ به این سؤال مقدر باشد که: چرا برخی از ستمگران هنوز دچار عذاب استیصال نشده اند، پس وعده خدا ممکن است تخلف پیدا

کند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۶

۶- وعده های الهی تخلف ندارد و در زمان خود واقع می شود .

أتی أمر الله فلا تستعجلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۷

۷- آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتی أمر الله .. خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشرکون

جمله <خلق السماوات ..> می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۸

۸- وعده قطعی و تخلف ناپذیر خداوند به حیات مجدد انسان ها پس از مرگ

لا یبعث الله .. بلی وعداً علیه حقاً

<وعداً> و <حقاً> مفعول مطلق برای فعلهای محذوف می باشند و دلالت بر تأکید می کنند. بنابراین معنای <بلی وعداً علیه

حقاً> چنین می شود: آری خبر رستاخیز انسانها، وعده ای است حق و باطل در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۹

۹- قدرت مطلق خداوند ، ضامن تحقق وعده او در زنده کردن دوباره انسان ها و برپایی قیامت

و أقسموا بالله .. لا یبعث الله من یموت بلی وعداً علیه ... إنما قولنا لشیء إذا أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۹

۹- فسادانگیزی بنی اسرائیل و سرکوبی آنان توسط جنگاورانی قدرتمند ،

وَعْدَهُ قَطْعِيٌّ وَتَخَلَّفَ نَاطِقِيٌّ خَدَاوَنَدٌ

بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ . . . وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۵،۷،۸

۵- اذعان عالمان اهل کتاب به تخلف ناپذیری وعده های خداوند ، با مشاهده تحقق بشارت خدا در پرتو نزول قرآن

أَوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ . . . يَقُولُونَ ... إِنَّ كَانَ وَعْدَ رَبِّنَا لِمَفْعُولًا

۷- ربوبیت کامل خداوند نسبت به انسان ها ، مستلزم تخلف ناپذیری وعده های او

سَبَّحَنَ رَبَّنَا إِنَّ كَانَ وَعْدَ رَبِّنَا لِمَفْعُولًا

۸- معاد و حیات مجدد انسان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند در بینش عالمان *

يَقُولُونَ . . . إِنَّ كَانَ وَعْدَ رَبِّنَا لِمَفْعُولًا

احتمال دارد که مراد از <وعد> به قرینه آیات ۹۷ و ۹۸ همین سوره مسأله حیات مجدد انسانها و معاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۱ - ۷

۷- تحقّق وعده های خداوند ، حتمی و تخلف ناپذیر است .

أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۹

۱۹- وعده های الهی ، حتمی و تخلف ناپذیر است .

وَكَانَ وَعْدَ رَبِّي حَقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال كذلك

چنان چه مشارالیه <ذلك> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است؛ یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۴، ۱۳

۱۳- وعده های خداوند تخلف ناپذیر است .

إِنَّهٗ كَانَ وَعْدَهُ مَأْتِيًا

<مَأْتِيًا> اسم مفعول و به معنای <آمده شده> است و در حقیقت تأکیدی بر حتمی بودن وعده های خداوند است؛ یعنی، حتماً نزد آن وعده (بهشت) خواهید رفت؛ زیرا وصول به این وعده ها، از دیرباز محقق بوده است.

۱۴- بهشت ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان

يدخلون الجنة .. وعد الرحمن ... إِنَّهٗ كَانَ وَعْدَهُ مَأْتِيًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۳

۳- قیامت ، وعده راستین و تخلف ناپذیر الهی

واقترَبِ الوعدِ الحقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۹

۹- وعده ها و برنامه های خداوند ، حتمی الوقوع و تخلف ناپذیر است .

وعدًا علينا إنا كنا فعلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۵

۵ - وعده های الهی ، قطعی و تخلف ناپذیر است .

و لن يخلف الله وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۳

۳ - کافران ، از جلوگیری از تحقق وعده الهی مبنی بر حاکمیت فراگیری اهل ایمان و پیروزی و امنیت آنان در هر جای دنیا ، ناتوانند .

وعد الله الذين ءامنوا .. ليستخلفنهم فى الأرض ... لاتحسبنّ الذين كفروا معجزين

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و دو آیه قبل، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۳

۳ تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فيها ما يشاءون خلدین کان علی ربّک وعدًا مسئولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۴

۴ - علم خدا به مواضع فکری و عملی مردم در قبال پیامبر (ص) ، تضمینی بر تحقق وعده ها و وعید های او

و يقولون متی هذا الوعد .. و إنّ ربّک لیعلم

مطرح ساختن علم الهی به نهان و آشکار خلق (پس از آیات مربوط به وعده عذاب) می رساند که خداوند به اتکای علم خویش، موضع گیری مردم را در قبال پیامبر(ص) جزا خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ - بازگشت موسی (ع) به دامن مادر ، نمود حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لتعلم أنّ وعد الله حقّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <وعد الله> مطلق وعده های الهی باشد. بنابراین بازگشت موسی(ع) به دامن مادر نمود این است که تمام وعده های الهی، از همین قبیل بوده و تخلف در آن راه ندارد.

۱۲ - بیشتر مردم ، بی بهره از اعتقاد به تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لکنّ اکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۴

۴ - دستیابی ره یافتگان به سعادت اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر از سوی خداوند

قید <هولاقیه> بیانگر آن است که خدا هرگز از وعده ای که به هدایت یافتگان داده است، تخلف نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۷ - ۷

۷ - وعده خداوند درباره اعطای پاداش بهترین عمل به اعمال مؤمنان، وعده ای قطعی و تخلف ناپذیر است .

و الذين ءامنوا .. و لنجزينهم أحسن الذي كانوا يعملون

<لام> و <نون تأکید> در <لنجزينهم> دلالت بر حتمیت دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۹ - ۲

۲ - وعده خداوند به قرار گرفتن مؤمنان دارای عمل صالح در زمره صالحان، وعده ای قطعی است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لندخلنهم فى الصلحين

<لام> و <نون تأکید> در <لندخلنهم> دلالت بر قطعیت وعده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۲

۲ - وعده های خداوند، قطعی و تخلف ناپذیر است .

لا يخلف الله وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۲،۳

۲ - وعده نصرت خدا به پیامبر (ص) حتمی و تخلف ناپذیر است .

فاصبر إن وعد الله حق

متعلق وعده، در این آیه، به قرینه دعوت خداوند از پیامبر(ص) برای صبر پیشه کردن در برابر مخالفت های کافران، می تواند نصرت خدا باشد.

۳- وعده های خداوند، حق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۳،۴،۶

۳- وعده

خداوند به پاداش مؤمنان و کیفر معرضان از آیات خدا، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است.

فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ... لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ... وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا

<وعد> مفعول مطلق و <حقاً> تأکید آن است و دلالت بر حقانیت و تخلف ناپذیری آن می کند.

۴ - وعده ورود مؤمنان دارای عمل صالح به بهشت و خلود در آن، وعده ای تخلف ناپذیر است.

لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا

۶ - عزت و حکمت خداوند، منشأ تخلف ناپذیری وعده های او است.

وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - وعده الهی به برپایی قیامت، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است.

وَإِخْشَوْا يَوْمًا... إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

بنابراین که متعلق <وعد>، واژه <یوماً> باشد، نکته یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۵

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جنی و انسی، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است.

و لَكِنَّ حَقَّ الْقَوْلِ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۹، ۱۲

۹ - بهترین روزی رسان بودن خداوند، تضمین کننده وعده جایگزین ساختن برای مال انفاق شده

و ما أنفقتم من شيء فهو يخلفه و هو خير الرزقين

١٢ - > قال الراوى قلت لأبى عبد الله (ع) . . . قول الله عزوجل > و ما

أنفقتم من شيء فهو يخلفه و هو خير الرازقين < و إني أنفق و لا أرى خلفاً قال : أفترى الله عزوجل أخلف وعده ؟ قلت : لا قال فمّم ذلك . قلت : لا أدري قال : لو أنّ أحدكم إكتسب المال من حلّه و أنفقه في حلّه لم ينفق درهماً إلا أخلف عليه ;

راوی می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: ..سخن خدای عزوجلّ است که می فرماید: <و ما أنفقتم من شيء فهو يخلفه و هو خير الرازقين > در حالی که من انفاق می کنم و هیچ چیزی جایگزین آن ندیدم، فرمود: آیا نظر تو این است که خداوند در وعده خود تخلف می کند؟ گفتم نه. فرمود: پس این [توهم تو] از کجا است؟ گفتم نمی دانم. حضرت فرمود: اگر یکی از شما مالی را از راه حلال کسب کند و در راه حلال انفاق نماید، هیچ درهمی را انفاق نمی کند؛ مگر آن که [خدا] جایگزین آن را می دهد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۲

۲ - وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۹

۹ - تحقق وعده خداوند مبنی بر عذاب کافران ، حتمی است .

و يحقّ القول على الكافرين

مقصود از <قول> طبق نظر مفسران وعده خداوند به عذاب کافران است؛ مثل آیه شریفه <لكن حَقَّتْ كلمه العذاب على الكافرين>، (زمر، آیه ۷۱).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اعطای کاخ ها و بنا های رفیع به همراه نهر های جاری ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به تقوای پیشگان

لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف .. وعد الله لا يخلف الله الميعاد

۱۱ - وعده های خداوند تخلف ناپذیر است .

لا يخلف الله الميعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۳

۳ - وعده الهی ، تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی است .

صدقنا وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۵، ۶، ۷

۵ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

۶ - وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، حق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا .. فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

۷ - تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزار های دشمنان دین است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا .. فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> در مقام تعلیل برای <فاصبر> می باشد؛ یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ -

۱۱- معاد و خروج مردگان از خاک ، وعده حق و تخلف ناپذیر الهی

أَتَعْدَانِي أَنْ أُخْرَجَ .. إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۷

۷- وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

مراد از <فتح>، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی <فتحننا> در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۴، ۲، ۱

۱- وعده های خداوند به خلق ، صادق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ

۲- وعده رستاخیز ، راست و غیر قابل تخلف است .

إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ

تعبیر <ما توعدون> گرچه عام و شامل همه وعده های الهی است؛ لکن ذکر مسأله قیامت و معاد در قسمت بعد، قرینه است بر این که مصداق مورد نظر از آن، وعده قیامت و حیات مجدد انسان ها پس از مرگ می باشد.

۴- خداوند جهان آفرین حکیم و قادر ، بی نیاز از گزافه گویی و صادق در وعده های خویش

وَالذَّرِيتِ ذُرُورًا . فَالْحَمَلِ وَقَرًا . فَالْجَرِيتِ يَسْرًا . فَالْمَقْسَمِ أَمْرًا . إِنَّمَا تُو

با توجه به این که <إِنَّمَا..> جواب سوگندهای آیات پیشین است، از ارتباط نزدیک میان جواب قسم و مقسم به، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۳

۳ - کیفر و پاداش اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إن کنتم

با این که مسأله کیفر و پاداش اخروی، امری است که در آینده باید تحقق یابد، به کار گیری قالب ماضی (کنتم) برای بیان مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۷

۷ - خداوند ، تحقق بخش وعده های خود به مردان و زنان مؤمن در قیامت ، در مشهد و منظر پیامبر اکرم (ص)

فیضعفه له و له اجر کریم . یوم تری المؤمنین و المؤمنت

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه <تری>، خطاب به خصوص پیامبر اکرم(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنم است .

أعدّ الله لهم عذاباً شديداً .. جنّت تجرى من تحتها الأنهر ... الله الذى خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۶،۷

۶ - برپایی قیامت و زندگی دشوار و طاقت فرسای محشر ، وعده ای است تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی از سوی خداوند به کافران .

كان وعده مفعولاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <وعده> به <یوم> باز گردد.

۷- وعده های خداوند ، تخلف ناپذیر و تحقق یافتنی است .

کان وعده مفعولاً

برداشت یاد شده،

مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <وعدده> به <الله> بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۷ - ۱،۲

۱ - وعده های الهی ، حتمی و تخلف ناپذیر است .

إِنَّمَا تُوَعَّدُونَ لَوْقِع

<إِنَّمَا> مرکب است از <إِنَّ> و <مَا>ی موصوله و حرف <إِنَّ> و <لَام> در <لَوْقِع> برای تأکید است.

۲ - قیامت ، حقیقتی تحقق یافتنی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إِنَّمَا تُوَعَّدُونَ لَوْقِع

از آیات بعدی، استفاده می شود که مقصود از وعده در این آیه، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۶ - ۳

۳ - هیچ مانعی ، خداوند را از انجام دادن وعده ها و تهدید های اراده شده اش ، باز نمی دارد .

فَعَالٍ لِّمَا يَرِيدُ

ارتباط این آیه با آیه <إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ..> و <هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ>، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۲

۲ - فراهم ساختن آسانی برای انفاق گران با تقوا و سختی برای ثروتمندان بخیل ، وعده تخلف ناپذیر خداوند و نمونه ای از هدایت گری او است .

فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْسِرَى .. فَنَسِيْرُهُ لِّلْعَسْرَى ... إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى

جمله <إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى>، به منزله تعلیل برای آیات پیشین است یعنی، چون هدایت را بر خویش لازم شمرده ایم، برای هر یک از آن دو دسته فرجام مناسب برخوردارشان با هدایت را فراهم می سازیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده رهایی تقوایندگان

از آتش دوزخ، حتمی و تخلف ناپذیر است.

سَيَجْنِبُهَا الْأَتَقَى

حرف <سین> برای تأکید بر وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۴

۴ - خداوند، بر وعده خود درباره رساندن انفاق گرانِ باتقوا به فرجامی رضایت بخش، سوگند یاد کرده است. *

و لسوف یرضی

<لام> در <لسوف>، لام قسم و یا لام ابتدا است؛ برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۶

۶ گذر زمان و حوادث تاریخ همواره تأیید بر حقانیت وعده های قرآن خواهد بود.

لكل نیا مستقر و سوف تعلمون

جمله <سوف تعلمون> تصریح به این نکته است که همواره در آینده حقانیت وعده های قرآن را نشان خواهد داد. و چون

این جمله همواره صادق است، پس حوادث هر زمان، تأییدی بر حقانیت قرآن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۳

۳ وعده های خدا، حق و تخلف ناپذیر است.

وعد الله حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۳،۵

۳ وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

ألا إن وعد الله حق

۵ وعده خداوند به عذاب مشرکان ستمگر ، حق و تخلف ناپذیر است .

يقولون متى هذا الوعد .. ألا إن وعد الله حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵

۵- در

قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفاء .. قال الشيطان ... إن الله وعدكم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۱ - ۵

۵- پدیدار ساختن اصحاب كهف و پرده برداشتن از راز خواب و بیداری آنان ، زمینه ساز آگاهی مردم بر حقانیت وعده های خداوند بود .

و كذلك أَعَثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

مراد از ضمیر فاعل در <ليعلموا> همان مفعول محذوفی است که برای <أَعَثَرْنَا> در نظر گرفته شده است یعنی: <أَعَثَرْنَا الناس لِيَعْلَمُوا> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۲

۲ - عیان شدن وعده ها و وعید های الهی برای مردمان در قیامت

و أُنزِلَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ . و بَرَزَتْ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - بازگشت موسی (ع) به دامن مادر ، نمود حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لتعلم أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <وعد الله> مطلق وعده های الهی باشد. بنابراین بازگشت موسی(ع) به دامن مادر نمود این است که تمام وعده های الهی، از همین قبیل بوده و تخلف در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۳

۳- وعده خداوند به پاداش مؤمنان و کیفر معرضان از آیات خدا،

وَعْدَهُ أَيْ حَقٌّ وَتَخَلَّفَ نَاطِقٌ أَيْ نَاطِقٌ .

فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ... لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ... وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا

<وَعْدَ> مَفْعُولٌ مُطْلَقٌ وَ <حَقًّا> تَأْكِيدٌ أَنَّ اسْتِوَالَاتِ بَرِ حَقَّانِيَّةِ وَ تَخَلَّفَ نَاطِقٌ بِرِي أَنْ مِي كُنْدُ .

جِلْد - نَامِ سُوْرَه - سُوْرَه - آيَه - فِيش

۱۵ - فَاطِر - ۳۵ - ۵ - ۲

۲ - وَعْدَهُ هَاي خُدَا ، حَقٌّ وَ تَخَلَّفَ نَاطِقٌ اسْتِ .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جِلْد - نَامِ سُوْرَه - سُوْرَه - آيَه - فِيش

۱۵ - يَس - ۳۶ - ۵۲ - ۵

۵ - كَافِرَانِ دَرِ قِيَامَتِ ، بَهِ دَرِ سْتِي وَعْدَهُ هَاي خُدَاوَنْدِ رَحْمَانِ پِي بَرْدَه وَ بَهِ أَنْ اعْتِرَافِ خَوَاهَنْدِ كَرْدِ .

هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ

جِلْد - نَامِ سُوْرَه - سُوْرَه - آيَه - فِيش

۱۶ - غَاْفِر - ۴۰ - ۵۵ - ۵

۵ - وَعْدَهُ هَاي خُدَاوَنْدِ ، حَقٌّ وَ تَخَلَّفَ نَاطِقٌ اسْتِ .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جِلْد - نَامِ سُوْرَه - سُوْرَه - آيَه - فِيش

۱۷ - جَاثِيَه - ۴۵ - ۳۲ - ۵ ، ۲ ، ۱

۱ - وَعْدَهُ هَاي خُدَاوَنْدِ ، حَقٌّ وَ تَخَلَّفَ نَاطِقٌ

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

۲ - بَرِپَايِي قِيَامَتِ ، وَعْدَهُ اِي بَهِ حَقٌّ اَزْ جَانِبِ خُدَاوَنْدِ وَ رَخْدَادِي حْتَمِي وَ تَخَلَّفَ نَاطِقٌ

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

عطف جمله <الساعة..> بر جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ>، می تواند تفسیری و یا از قبیل عطف خاص بر عام باشد. و در هر صورت، مطلب بالا را افاده می کند.

۵ - صدور وعده قیامت ، از جانب خداوند ، خود کافی برای یقین به حقانیت آن

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

برداشت بالا بدان بدان احتمال است که <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ>

تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- تحقق وعده خداوند ، به ورود پیروزمندانه مسلمانان به مکه ، گواه تحقق پذیری وعده او در غلبه اسلام بر تمامی ادیان *

لتدخلنَّ المسجد الحرام .. هو الذی أرسل رسوله ... لیظهره علی الدین کلّه

خداوند در آیه قبل، به مؤمنان وعده داد که با ایمنی وارد مکه خواهند شد و این وعده تحقق یافت. حال در این آیه، نوید داده است که اسلام نه بر مشرکان مکه، بلکه بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد و این وعده، همانند وعده پیشین تحقق پذیر خواهد بود.

حقانیت وعده های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۲

۲ - اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمنَّ نبأه بعد حین

برخی از مفسران بر این باوراند که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه وعده ها و وعید های قرآن است؛ اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

درخواست تعجیل در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۲،۴

۲- مسلمانان صدراسلام ، خواهان تحقق زودرس وعده خدا در مورد غلبه اسلام و توحید بودند .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

در مورد مخاطب <لاتستعجلوه> دو احتمال وجود دارد: اول آنکه تعجیل از جانب مسلمانان صورت می گرفته و دیگر آنکه

مشركان خواهان شتاب در تحقق وعده هاى الهى (عذاب، يا

غلبه توحید، یا قیامت) بودند. برداشت فوق بر مبنای اول است.

۴- مشرکان صدر اسلام از سر عناد و از روی استهزا، خواهان تحقق زودرس وعده های الهی (عذاب، غلبه اسلام و قیامت) بودند.

أتی أمر الله فلا تستعجلوه

محتمل است مخاطب <لا تستعجلوه> مشرکانی باشد که خواهان تحقق وعده های الهی بودند، و از آن جایی که معمولاً کسی خواهان پیروزی دشمن و شکست و خذلان خویش نیست، می توان گفت: تعجیل مشرکان برای آمدن عذاب، از سر عناد و تمسخر بوده است.

دلایل تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أننا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا...> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

دلایل حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۹

۹- قدرت شکست ناپذیر خدا و صاحب انتقام بودن او، دلیل تخلف ناپذیری وعده هایش در یاری رسولان و عذاب کردن ستمگران

فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله إن الله عزیز ذو انتقام

جمله <إن الله عزیز ذو انتقام> به منزله تعلیل برای بخش اول آیه (فلا تحسبن...) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ - وصول به

وعدۀ های الهی و نیل به آن در طول تاریخ ، دلیل دستیابی حتمی بندگان به آن در آخرت

وعد الرحمن . . . إِنَّه كان وعده مَأْتِيًا

<كان> در <إِنَّه كان . . .> بر دیرباز بودن محتوای جمله و عبارت <إِنَّه كان...> بر تحقق حتمی موعود در <وعدالرحمن...> دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۴

۴ - ربوبیت یگانه و توانمندانۀ خداوند بر نظام هستی ، خود گواه تحقق پذیری وعدۀ های او است .

و ما توعدون . فَوَرَّبَّ السَّماءِ و الأَرْضِ إِنَّه لَحَقٌّ

از ارتباط میان حقانیتِ وعدۀ های خداوند و سوگند به ربوبیت او، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعدۀ آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و اليوم الموعود

یاد کردن قیامت پس از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

دلایل حقانیت وعدۀ های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۸

۸ - پرهیز شعورمندان از کلام دروغین ، دلیل راه نداشتن باطل در حریم وعدۀ های خداوند (آفریدگار شعور) *

إِنَّه لَحَقٌّ مِثْلَ ما أَنْكُمْ تنطقون

تعبیر <مِثْلَ أَنْكُمْ تنطقون> ممکن است در بیان این معنا آمده باشد که اگر انسان شعورمند، از باطل گریزان است و ارزش را

می بیند؛ پس چگونه ممکن است که سخن پروردگار آدمیان و خالق نطق (شعور)، بی حقیقت و وعده اش تحقق ناپذیر باشد.

ذکر حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۳

۱۳- توجه به وقوع حتمی وعده های الهی، بازدارنده انسان از لجاجت و حق ناپذیری *

ءامن إن وعد الله حقّ

>إن< بیانگر تعلیل است؛ یعنی، ایمان بیاور چون وعده خداوند حق است.

زمان تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۴

۱۴- قیامت، زمان به وقوع پیوستن وعده های الهی است .

بل زعمتم ألن نجعل لكم موعداً

زمینه تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۷

۷- علم و قدرت گسترده، دو پشتوانه مهم تحقق وعده های الهی

وعدكم الله .. و أخرى لم تقدروا عليها و قد أحاط الله بها و كان الله على كلّ

از این که خداوند، پس از بشارت های مختلف به مؤمنان، به دو صفت مهم خویش (علم و قدرت فراگیر) اشاره کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- تحقق وعده های الهی در حق مؤمنان ، منوط به حفظ صلاحیت ایمانی و عملی خویش *

لتدخلنَّ .. إن شاء الله

تعبیر <إن شاء الله> از سوی خداوند می تواند بیانگر این واقعیت باشد که اراده او، آن گاه به امور تعلق می گیرد که

زمینه و شایستگی کافی برای تحقق یافتن آن، فراهم باشد.

سرزنش مکذبان وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۱

۱ - توبیح مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر باور نداشتن حقایق وحی و وعده های الهی

أفمن هذا الحدیث تعجبون

سند وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۱

۲۱ تورات ، انجیل و قرآن ، سند وعده های خدا به مجاهدان و شهیدان و مایه اطمینان آنان

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

سوءظن به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۱

۱- گمان تخلف وعده خداوند ، گمانی واهی و نادرست است .

فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله

سوگند بر حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَرَّبَّ السَّمَاءِ و الأَرْضِ إِنَّه لِحَقِّ

در این که مرجع ضمیر در <إِنَّه> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

سوگند بر حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَرَّبَّ السَّمَاءِ و

الأرض إنه لحقّ

در این که مرجع ضمیر در <إنه> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

شرایط تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۲

۲ وعده های عذاب خداوند در زمان خود و تحت شرایط خاص تحقق خواهد یافت.

قل هو القادر .. لكل نبي مستقر

شک به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۳

۳ - انسان ، به شدت در معرض ناباوری و بی توجهی نسبت به وعده های الهی قرار دارد .

إنما توعدون لصادق

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تأکید در جایی صورت می گیرد که امری مورد غفلت باشد و یا مورد انکار قرار گیرد و از این که سوگندهای مکرر صورت گرفته، شدت غفلت و انکار استفاده می شود.

شک در وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۶

۶ - تردید در تحقق وعده های خداوند ، برخاسته از جهل و نادانی است .

لايخلف الله وعده و لكن أكثر الناس لا يعلمون

صبر بر وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۳

۳- مؤمنان ، وظیفه دار صبر و شکیبایی و پرهیز از درخواست تحقق سریع وعده های خداوند

أتی أمر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالی عمّا یشر کون

با توجه

به اینکه <لا تستعجلوه> مخاطب و <یشرکون> غایب است، به نظر می رسد مخاطب فعل اول مؤمنان باشد.

عقیده به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی ، اعتقاد دارند .

و لکن اکثرهم لایعلمون

مفعول <لا یعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <و لکن اکثر الناس لایعلمون أنّ وعد الله حقّ>. مفهوم آن این است که تنها اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی یقین دارند.

عوامل تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ عزت و حکمت الهی ، تضمین کننده تحقق وعده ها و بشارت های او به مؤمنان

أولئك سیرحمهم الله إن الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۳ - ۵

۵ ربوبیت الهی ، مقتضی تحقق قطعی وعده های اوست .

قل ای و ربی إنه لحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - رحمت وسیع و علم گسترده خداوند ، تضمین کننده تحقق وعده او ، مبنی بر تأمین نیازمندی های فقیرانی که در صدد ازدواج اند .

إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله و الله واسع عليم

جمله < و الله واسع عليم > استینافیه تعلیلیه است و بیانگر علت و چگونگی بی نیاز کردن فقیران و تهی دستان به وسیله خدا است؛ یعنی، چون خداوند گشایش گر و دانای مطلق به همه حقایق و نیازمندی

های انسان است، پس بر انجام وعده خود نیز، توانا خواهد بود.

عوامل تکذیب وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۳

۳ - طغیان گری قوم ثمود، آنان را به تکذیب پیام های الهی کشاند .

کذبت ثمود بطغویها

حرف <باء> در بطغواها < سببیه است / یعنی، طغیان زمینه ساز تکذیب بود.

عوامل غفلت از وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۲

۲ - انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الخزّصون. الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط <خزّاصون> با <غمره> و <ساهون> مطلب بالا استفاده می شود.

غفلت از وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۳

۳ - انسان، به شدت در معرض ناباوری و بی توجهی نسبت به وعده های الهی قرار دارد .

إِنَّمَا تُوَعَّدُونَ لِصَادِقٍ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تأکید در جایی صورت می گیرد که امری مورد غفلت باشد و یا مورد انکار قرار گیرد و از این که سوگندهای مکرر صورت گرفته، شدت غفلت و انکار استفاده می شود.

فلسفه وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۰

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ،
پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذین ءامنوا

... یعبدوننی لایشركون بی شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی...> حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

کافران و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أننا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا...> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

کمی مؤمنان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی ، اعتقاد دارند .

و لکن اکثرهم لایعلمون

مفعول <لایعلمون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <و لکن اکثر الناس لایعلمون أنّ وعد الله حقّ>. مفهوم آن این است که تنها اندکی از مردم به حقانیت وعده های الهی یقین دارند.

مشرکان و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۶

۶ بیشتر مشرکان ، نسبت به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی و تحقق قطعی وعده های او ، جاهل و ناآگاهند .

ألا إن لله ما فى السموت . . . ألا إن

وعد الله حق و لكن أكثرهم لا يعلمون

مکذبان حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن یروا کسفاً .. یقولوا سحاب مرکوم

مکذبان وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و يستعجلونک بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر(ص) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۲

۲ - کفرپیشگان ، بر تکذیب وعده ها و تهدید های الهی ، اصرار ورزیده و از فرجام پیشینیان عبرت نمی گیرند .

بل الذین کفروا فی تکذیب

حرف <فی>، ظرفیه و بیانگر غوطهور بودن کافران در تکذیب است. متعلق تکذیب به قرینه <بل هو قرآن مجید> در آیات بعد قرآن است که وعده ها و تهدیدهایی که در آیات قبل آمده بود، بخشی از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۱

۱ - قوم ثمود ، پیام های الهی

را دروغ پنداشته ، پیامبر خدا را تکذیب کردند .

کذبت ثمود

به قرینه <فقال لهم رسول الله > (در آیات بعد)، مراد از تکذیب در جمله <کذبت ثمود>، تکذیب فرستاده الهی و رسالت های او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۱

۱ - گروهی از مردم ، پاداش های موعود خداوند را دروغ پنداشته و وعده های الهی را تکذیب می کنند .

و کذب بالحسنی

منشأ حتمیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- مقام الوهیت خداوند ، مقتضی تخلف ناپذیری وعده های او

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

تصریح به نام <الله > در بیان حقانیت معاد، در بردارنده این پیام است که امکان ندارد مقامی چون خداوند، وعده ای دهد که محقق نشود.

منشأ وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۵

۲۵ وعده الهی به شمول رحمتش بر مؤمنان ، نشأت یافته از حکمت اوست نه عجز از افاضه رحمت فعلی .

أولئك سيرحمهم الله إن الله عزيز حكيم

جمله <إن الله .. > می تواند تعلیلی برای پرسش مقدر باشد، که چرا خداوند نزول رحمت به مؤمنان را موکول به آینده

کرده است.

موارد تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۶

۶- اصحاب کهف ، نمونه ای از موحدانی که وعده های خداوند در باره آنان تحقق یافته است .

لِیَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

کسانی که از اصحاب کهف بازدید

به عمل آوردند به دلیل ذیل آیه مردمی بودند که ربوبیت خداوند را پذیرفته بودند. عرضه اصحاب کهف بر این مردم، می تواند به عنوان ارائه نمونه ای عینی از امدادهای موعود خداوند باشد تا مردم، با مشاهده آن ها به حقایق و وعده های خداوند، پی ببرند.

مؤمنان به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۱

۱ - دسته ای از مردم ، پاداش های موعود الهی را تصدیق کرده ، برای رسیدن به آن تلاش می کنند .

و صدق بالحسنى

مراد از <الحسنى> به قرینه فعل های <صدق> و <كذب> پاداش های نیکو و وعده به آنها است؛ بنابراین مراد از آن، <المثوبه الحسنی> یا <العده الحسنی> و نظایر آن است. جمله <صدق بالحسنى> بیان یکی از مصداق های <سعی> در آیات پیشین است؛ از این رو شامل تصدیق عملی نیز می شود.

نشانه های بی اعتمادی به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۳

۳ - بخلورزی ، ترک انفاق و احساس بی نیازی از پاداش های الهی ، نشانه بی اعتمادی به وعده های خداوند است .

و أمّا من بخل و استغنى و كذب بالحسنى

از عطف این آیه بر آیه قبل چه عطف سبب بر مسبب باشد و چه عکس آن برداشت یاد شده استفاده می شود.

نشانه های تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۴

۴ مالکیت مطلق

و همه جانبه خداوند بر جهان هستی ، نشان توانمندی او بر تحقق بخشیدن به تمامی وعده های خویش است .

ألا إن لله ما فى السموت والأرض ألا إن وعد الله حق

نقش وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۸

۸ وعده خداوند بر مخلص ساختن بهشتیان در بهشت ، مشیت او را محدود نخواهد ساخت و مانع او در موقت قرار دادن آن نخواهد شد .

خالدین فیها . . . إلا ما شاء ربك عطاءً غير مجذوذ

<عطاءً غير مجذوذ> حاکی از دوام بهشت و نعمتهای آن و تأکیدی بر <خالدین فیها> است. استثنای <ما شاء ربك> در ضمن بیان خلود و دوام نعمتهای بهشت گویای این نکته است که وعده های خداوند، موجب آن نمی شود که مشیت او مقید شود و وی را از این که برخلاف آن عمل کند، ناتوان سازد.

نوح(ع) و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۵

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابني من أهلي و إن وعدك الحق

وضوح حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۷

۷ - حقانیت وعده های الهی مانند قدرت آدمیان بر نطق ، روشن و انکارناپذیر است .

و ما توعدون . . . إِنَّه لَحَقَّ مِثْلَ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ

بنابراین که ضمیر <إِنَّه> به <ما توعدون>

بازگردد، تمثیل آیه شریفه در جهت بیان این معنا است که تحقق وعده های الهی، همان قدر روشن است که سخن گفتن آدمیان و قدرت ایشان بر نطق واضح می باشد.

وعده های ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱،۶

۱ وعده ابراهیم (ع) به پدرش ، مبنی بر استغفار برای وی

و ما کان استغفار إبرهیم لأیه إلا عن موعده وعدها

۶ وعده ابراهیم (ع) به استغفار برای پدرش ، قبل از یقین به بقای وی بر شرک و به امید متمایل ساختن او به ایمان بود .

إلا عن موعده .. فلما تبین له أنه عدو لله تبرأ منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۳،۵

۳- حضرت ابراهیم (ع) پس از پایان گفتوگو با آزر ، به او وعده داد که آمرزش گناه شرک او را به زودی از خداوند خواهد خواست .

قال سلم عليك سأستغفر لك ربّي

ابراهیم(ع) به قرینه <أخاف> در آیات قبل، آزر را مشرکی که قابل بخشش نباشد و به تعبیر برخی آیات <دشمن خدا> نمی دانست؛ بنابراین به بخشش گناه شرک او امیدوار بود، لذا نه عذاب او را قطعی دانست و نه به او وعده مغفرت حتمی داد، بلکه با اطمینان به مهرورزی خداوند به او، اظهار امیدواری کرد که استغفارش تأثیر بخشد.

۵- حضرت ابراهیم (ع) با وعده استغفار به آزر ، سعی در متمایل ساختن او به توحید و درمان سرسختی او داشت .

قال سلم عليك سأستغفر لك ربّي

نرمی

پاسخ ابراهیم(ع) و وعده استغفار به او، ممکن است به جهت متنیه ساختن و نرم کردن دل او برای دست برداشتن از بت پرستی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۱۷، ۱۶

۱۶ - وعده ابراهیم (ع) به پدرش (جد مادری یا عمویش آزر)، در مورد استغفار برای او از درگاه خداوند

إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ

۱۷ - عدم برقراری رابطه میان ابراهیم (ع) و قوم مشرک او، مگر در وعده استغفار آن حضرت برای آزر

إِذْ قَالُوا لَقَوْمُهُمْ إِنَّا بَرءٌ أُنكُم .. إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <إِلَّا>، استثنا از برائت ابدی باشد که از بخش پیشین آیه استفاده می شود.

وعده های اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۶

۱۶ - وعده شکیبایی اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) به هنگام انجام مأموریت ذبح

يَأْتِ أَفْعَلُ مَا تَوَمَّرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

وعده های الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۸

۸ وعده الهی به نزول پنجهزار فرشته برای یاری رزمندگان بدر و یا احد و یا حمراءالاسد، در صورت صابر بودن و تقوا داشتن

ان تصبروا و تتقوا .. یمددکم ربکم بخسمة الاف من الملئکه

برخی مفسران به قرینه جمله <يأتوكم من فورهم هذا>، آیه مورد بحث را درباره قضیه حمراءالاسد دانسته اند که مشرکان

پس از غلبه در احد و

انصراف از معرکه، پشیمان شدند و تصمیم بر یورش به مدینه را داشتند که پیامبر(ص) پس از دریافت این خبر، مسلمانان را برای رویارویی با آنان فراخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰ اصرار کنندگان بر گناه، محروم از وعده الهی به آمرزش گناهانشان

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً... وَمَنْ يَغْفِرَ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يَصِرُوا عَلَى مَا فَعَلُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ وعده خداوند به اعطای پاداش به سپاسگزاران نعمت های الهی

و سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱،۲

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان، وعده الهی

سَأُورِيكُمْ آيَاتِي... وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> در این آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز، وعده الهی است.

و يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب

کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جای کره زمین

أَنَّ

الأرض يرثها عبادى الصلحون . إنَّ فى هذا لبلغاً لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۵ - ۶

۶ وعده الهی به پاداش انفاق کنندگان برای کسب رضایت خداوند

مثل الذین ینفقون .. فاتت أكلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۴

۴ وعده الهی بر پاداش اهل انفاق، بر انگیزنده آدمی به آن

فلهم اجرهم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۱،۱۰

۱ اذعان عالمان ژرفنگر، به وقوع قیامت، بر اساس وعده الهی

و الراسخون فى العلم .. ربنا أنك جامع الناس لیوم لا ریب فیہ ان الله لا یخلف

۱۰ وعده خداوند، تخلف ناپذیر است .

ان الله لا یخلف المیعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۲

۲ پیروزی ایمان بر کفر، از وعده های الهی

قل للذين كفروا ستغلبون و تحشرون الى جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - آل عمران - ٣ - ١٣ - ١

١ جنگ بدر ، شاهد روشن صدق وعده های الهی در مورد شکست کافران

قد كان لكم ايه في فئتين التقتا

بنا به گفته مفسرين ، آيه فوق مربوط

به جنگ بدر است. گفتنی است که در شأن نزول آیه، اختلافی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲۲، ۲۳

۲۲ وعده عذاب دردناک به بنی اسرائیل، به جهت قتل چهل و سه پیامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهی از منکر

و يقتلون النّبین بغير حقّ و يقتلون الّذين يأمرون بالقسط من النّاس فبشرهم بعذاب

رسول الله (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتل بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جميعاً من آخر النّهار فی ذلك الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰؛ تفسیر تیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریا و یحیی پیامبر (ع)

و يقتلون النّبین بغير حقّ .. فبشرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. انّ نبی الله زکریا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی الله.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۱۸

۱۸ وعده خداوند به عمران که پسری به تو خواهم داد، سبب شد که همسرش گمان کند حمل او پسر خواهد بود.

ربّ ائی نذرت لک .. فتقبّل منی

امام صادق (ع): ان الله تعالی اوحی الی عمران، انی واهب لک ذکراً سوياً مبارکاً

... فحدث عمران امرأته حنه بذلك ...

کافی، ج ۱، ص ۵۳۵، ح ۱؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۳۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۸

۱۸ وعده قطعی خداوند به یاری و نصرت پیامبر (ص)، در مباحثه با نصارا

فنجعل لعنت الله على الكاذبين

پیشنهاد مباحثه از جانب خدا به پیامبر (ص) بوده و این، مستلزم نصرت دادن پیامبر اکرم (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۳، ۱۲

۱۲ وعده خداوند به جبران خسارت های مادی مؤمنان صدر اسلام، که در نتیجه قطع رابطه با مشرکان متوجه آنان می شد.

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام .. و إن خفتم عيله فسوف يغنيكم الله

۱۳ جبران خسارت های وارده بر مؤمنان، در نتیجه مبارزه با دشمنان اسلام، وعده الهی به ایشان

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام .. و إن خفتم عيله فسوف يغنيكم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۹

۹ وعده خداوند به برخورداری متوکلان از عطا و تفضلش

و قالوا حسبنا الله سيؤتينا الله من فضله

آیه فوق در مقام تعلیم به انسان است و بی تردید آنچه خداوند تعلیم دهد، منطبق با واقعیت می باشد در نتیجه جمله <سیؤتینا> حاکی از عطای الهی به متوکلان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۰

۲۰ وعده خداوند به بهره مند ساختن مؤمنان راستین

، از رحمت خاص خویش در قیامت

و المؤمنون و المؤمنات .. أولئك سير حمهم الله

تعبیر <سیر حمهم> که اختصاص به آینده دارد به جای <یرحم> می تواند اشاره به قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۷، ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین .. تحتها الأنهر

۱۷ از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمود: < إذا صار اهل الجنة فى الجنة .. فيقول لهم تبارك و تعالی : رضای عنکم و محبتی لکم خیر و اعظم مما انتم فيه .. ثم قرء على بن الحسين هذه الآية > وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنات تجرى من تحتها الأنهار .. و رضوان من الله اكبر .. > ;

آن گاه که بهشتیان در بهشت قرار گیرند .. خدای تبارک و تعالی به آنان می فرماید: رضایت و محبت من درباره شما بهتر و بزرگتر است از نعمتهای بهشتی که غرق در آن هستید. سپس امام (ع) این آیه را قرائت فرمود: خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرهایی از زیر درختانش جاری است ... و رضایت و خشنودی خدا [از همه اینها] بزرگتر است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ وعده خداوند به غوطه ور ساختن مؤمنان انفاقگر ، در دریای رحمت خویش

سیدخلهم الله فى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۲

۲ معاد و بازگشت انسان ها به سوی خدا ، وعده الهی است .

إليه مرجعکم جميعاً وعد الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۷

۷ وعده نزول معجزه از سوی خدا به شرک پیشگان بهانه جوی عصر بعثت

و يقولون لو لا أنزل علیه آیه من ربه فقل إنما الغیب لله فانتظروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعده غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن

حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا یحزنک قولهم إن العزه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۹

۹ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر مشکلات رسالت و دادن وعده پیروزی به آن حضرت

و اصبر حتی یحکم الله و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۶

۶ نزول عذاب بر قوم ثمود ، وعده ای از ناحیه خداوند به حضرت صالح (ع)

ذکر وعده غیر مکذوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۵، ۱۸

۱۵ شکست ناپودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و

از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتی یأتی وعد الله

۱۸ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > و لا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه < و هي النقمه > أو تحلّ قريباً من دارهم < فتحلّ بقوم غيرهم فيرون ذلك و يسمعون به و الذين حلّت بهم عصاه كفار مثلهم و لا يتعظ بعضهم ببعض و لن يزالوا كذلك > حتى يأتى وعد الله < الذى وعد المؤمنين من النصر و يخزى الله الكافرين ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <و لا يزال . . > روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] > أو تحلّ قريباً من دارهم < [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آید و آنان می بینند و می شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله، همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و خداوند کافران را خوار می سازد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۱

۱ بهشت ، وعده و نوید خداوند به تقوای پیشگان

مثل الجنة التي وعد المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱۴ - ۱

۱- وعده خداوند به اسکان انبیا در سرزمین خویش ، در پی تهدید به اخراج شدن آنان از سوی اقوام کافر

و قال الذين كفروا لرسلكم لن نخرجكم من أرضنا.. فأوحى إليهم... و لنسكننكم الأَرْض

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۲،۶

۲- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان ، وعده خداوند به آنان

و أنذر الناس يوم يأتيهم العذاب فيقول الذين ظلموا .. و قد مكروا مكرهم ... فلاتح

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است <فاء> تفریع در <فلاتحسبن> مؤید این ارتباط است.

۶- خنثی و بی نتیجه کردن مکر و ترفند های ستمگران ، وعده خداوند به رسولان خویش

و قد مكروا مكرهم و عند الله مكرهم و إن كان مكرهم لتزول منه الجبال . فلاتحسبن ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۱

۱- وعده قطعی خداوند به بخشش گناه بدکاران ، در صورت روی آوردن آنان به توبه و صلاح

ثم إن ربك للذین عملوا السوء بجهله ثم تابوا من بعد ذلك و أصلحوا إن ربك من بع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۷

۱۷- وعده خداوند به آمرزش مشرکان ، در صورت بازگشت از شرک

تعلى عما يقولون .. إنه كان حليماً غفوراً

ذکر تعلیل <غفور> در پایان جمله، می تواند نویدی باشد بر مشرکان که علی رغم گناه بزرگ و سخنان ناروا درباره خداوند، امکان آمرزش آنان، وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۹

۹- وعده خداوند به بنی اسرائیل جهت گردآوری آنان در سرزمین فلسطین ، پس از فرا رسیدن دومین موعد فساد آنان در

آن سرزمین

جننا بکم لفیفًا

برداشت فوق بدان احتمال است که <وعد الأخره> اشاره ای باشد به آن دو موعدی که خداوند در آغاز این سوره (آیه ۴) برای بنی اسرائیل پیش بینی کرده و به آنان هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون .. يقولون سبحن ربنا إن كان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۴ - ۲۵

۲۵- خداوند ، پیامبر (ص) را به ارائه آیاتی آموزنده تر از داستان اصحاب كهف ، وعده داد .

و قل عسى أن يهدين ربّي لأقرب من هذا رشداً

<هذا> می تواند اشاره به بیان سرگذشت اصحاب كهف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۳ - ۵

۵- خداوند به ارائه مطالبی درباره < ذی القرنین > به وسیله آیاتی از قرآن ، وعده حتمی داد .

قل سأتلوا عليكم منه ذكراً

ضمیر در <منه> به <ذی القرنین> برمی گردد و <من> برای تبعیض است / یعنی، بخشی از اخبار و حالات او. مراد از <ذکراً> به قرینه <سأتلوا> آیات قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۷،۱۸

۱۷- ذوالقرنین ، به وعده های خداوند ، ایمان داشت و به تحقق آنها ، مطمئن بود .

و كان وعد ربِّي حقًّا

۱۸- برپایی قیامت ، وعده

خداوند و تخلف ناپذیر است .

و کان وعد ربّی حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۴

۴- خداوند به بندگان خویش ، وعده ورود به بهشت های عدن داده است .

جَنَّتْ عَدْنُ التّٰی وَعَدَ الرَّحْمٰنُ عِبَادَهٗ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۶ - ۴

۴- عکس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند ، انکار و استبعاد معاد است .

جَنَّتْ عَدْنُ التّٰی وَعَدَ الرَّحْمٰنُ . . . و یقول الإنسن أءذا ما مَتَّ

چنانچه دو آیه قبل (> و ما نَنْزَلُ . . . سَمِیًّا) جملاتی معترضه و بریده از آیات قبل و بعد باشد، آیه مورد بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۴

۴- محبوبیت اجتماعی و ایجاد پایگاه در دل های مردم ، وعده خداوند به مسلمانان رنج کشیده صدراسلام

إِنَّ الذّٰیْنَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَیَجْعَلُ

نزول این آیات در مکه و همچنین ارتباط آن با آیات پیشین که حاوی ادعاهای ناروای مشرکان و فشارهای روحی و تبلیغاتی آنان بود چنین اقتضا دارد که جمله <سیجعل . . .>، وعده خداوند به محبوب شدن مؤمنان و یافتن پایگاه مناسب اجتماعی در میان مردمان آن عصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۶

به موسی (ع) ، وعده خداوند به او در کوه طور *

بایتی

جمع آوردن <آیات> با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسی(ع) عطا شده بود، می تواند وعده ضمنی خداوند به عطای معجزاتی دیگر به موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۲

۲ - موسی (ع) ، برخوردار از اعتمادی قوی به وعده های خداوند در پیروزی بر مخالفان

قال بل ألقوا

در آیات پیشین، خداوند به موسی(ع) اطمینان داد که بر رخدادهای، اشراف کامل دارد و جای نگرانی نیست (لاتخافا إني معكما أسمع و أرى). واگذار کردن صحنه کارزار به دشمنان و به تماشا نشستن موسی(ع) حاکی از اعتماد کامل او به آن وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۲

۲ - بلعیده شدن سحر ساحران فرعون و بطلان گردیدن ساخته های آنان با عصای موسی (ع) ، وعده خداوند به آن حضرت

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا

فعل <تلقف> و نظایر آن (نزد برخی از اهل لغت) در موردی به کار می رود که چیزی گرفته شود و خورده یا بلعیده گردد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۳

۳ - خداوند ، پس از عبور بنی اسرائیل از دریا ، با آنان قرار گفت و گو نهاد و وعده ارتباط نزدیک داد .

و وعدنکم جانب الطور الایمن

متعلق <واعدناکم> به قرینه <و ما أعجلک عن قومک یا موسی> (در آیات بعد) وعده

مناجات و گفت و گو با موسی(ع) بوده است. این مواعده گرچه با همه بنی اسرائیل نبود؛ اما بازگشت منافع آن (از قبیل نزول تورات) به عموم آنان، سبب شد که از آن به عنوان نعمتی بر همه بنی اسرائیل یاد شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۵،۷

۵ - بنی اسرائیل ، پیش از رفتن موسی (ع) به میقات ، وعده خوبی (نزول تورات) از ناحیه خداوند دریافت کرده بودند .

ألم يعدكم ربكم وعدًا حسنًا

استفهام تقریری یا انکاری موسی(ع) از بنی اسرائیل، نشان از داده شدن وعده ای به آنان پیش از رفتن موسی(ع) به میقات دارد. محتوای این وعده را، برخی نزول تورات دانسته اند.

۷ - بنی اسرائیل ، بدون این که در تحقق وعده خداوند (اعطای تورات) به آنان تأخیری شده باشد ، به گمراهی تن در دادند .

ألم يعدكم ربكم .. أفطال عليكم العهد

استفهام در <أفطال> انکاری است. و <عهد> به معنای زمان است. (قاموس) و مراد زمان تحقق وعده ای است که <ألم يعدكم> بر آن دلالت داشت، و ممکن است مراد از <عهد> زمان دوری موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۹ - ۲

۲ - تداوم نقل اخبار پیامبران و امت های گذشته ، از وعده های خداوند به پیامبر (ص)

كذلك نقض عليكم من أنباء ما قد سبق

<نقض عليكم..> وعده خداوند به نقل گوشه هایی از تاریخ پیشینان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء

۷- وعده خداوند به نجات مؤمنان از غم و گرفتاری ، در صورت دعای خالصانه آنان

فنادی . . . و كذلك ننجی المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱

۱- تحقق وعده راستین خداوند به برپایی قیامت ، نزدیک است .

و اقترب الوعد الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱- خداوند ، به کسانی که منزلت نیکو و خصلت پسندیده دارند (مؤمنان راستین) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

<الحسنی> مؤنث <أحسن> و صفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرینه مقابله با آیه قبل که در باره کافران و مشرکان بود آیه شریفه در باره مؤمنان راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۳ - ۶

۶- قیامت (بهشت) ، وعده پیشین خداوند به مؤمنان راستین

هذا يومكم الذي كنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۸

۸- برپایی قیامت با آفرینش و سازماندهی دوباره جهان ، وعده قطعی خداوند است .

وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۶

۶- وعده یاری ، حمایت و پشتیبانی از سوی خداوند ، به مسلمانان صدراسلام در پیکارشان علیه جبهه کفر

أُذُنٌ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ... وَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۰ - ۴

۴ - خداوند ، به مسلمان مورد ستم ، وعده قطعی داد که او را نصرت و یاری خواهد داد تا انتقام خود را از ستمگران بازستاند

و من عاقب ... ثم بغی علیه لینصرنه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۹

۹ - وعده خداوند به تأمین نیازمندی های فقیران غیر متأهل ، در صورت اقدام آنان به ازدواج

و أنکحوا الأیمی منکم ... إن یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۸

۸ - وعده خداوند به برطرف ساختن نیاز های غیر متأهلان فاقد امکانات ازدواج ، در صورت رعایت عفت و پاکدامنی

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا حتی یغنهم الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۹، ۱۶، ۱۴، ۱۰، ۹، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده اُکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲ عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمردند که با

هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

۳ - خداوند ، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده اکید خداوند

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

۹ - خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتض

۱۰ - وعده اکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتض

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمن

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت

... و لیبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

۱۹ - خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و لیبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله < یعبدوننی .. > استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد؛ یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

۲۷ - > عن علی بن الحسین (ع) انه قرء الآیه < و عد الله الذين آمنوا منكم . . . > و قال : هم والله شیعتنا أهل البيت یفعل الله ذالک بهم علی یدی رجل منا و هو مهدی هذه الأمة . . . ;

از حضرت علی بن الحسین (ع) روایت شده است که آن حضرت در پی تلاوت آیه < وعد الله الذی آمنوا منکم .. > فرمود: سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما که مهدی (عج) این امت باشد آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۶

۶ وعده خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اعطای باغ هایی با نهر های روان و قصر ها در قیامت

إن شاء جعل لك خیرًا من ذلك جنّت . . . و یجعل لك

برداشت فوق، مبتنی بر این است که آیه شریفه، ناظر به جهان آخرت باشد که در این صورت، اعطای باغ ها و قصرها به پیامبر(ص)، وعده خداوند به آن حضرت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۴

۴ زندگی در بهشت جاویدان ، وعده خداوند به تقوایپیشگان

جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۴

۴ دلداری و وعده خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، مبنی بر نصرت و راهبری آنان در برابر دشمنانشان

و كذلك جعلنا لكل نبي عدواً من المجرمين و كفى برئك هادياً و نصيراً

آیه شریفه، با بیان وضعیت پیامبران در انجام رسالتشان که همواره بادشمنان تبه کار مواجه بودند می تواند درصدد تعقیب دو هدف باشد: ۱ دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان در برابر کارشکنی های دشمنان آنان. ۲ تشویق و تحریک پیامبر(ص) و مؤمنان به صبر و پایداری در راه خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۴

۴ - پذیرش توبه گنه کاران ، وعده اکید خدا به آنان

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حَسَنًا .. فَأَتَىٰ غَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۲ - ۶

۶ - تهدید کافران به نزدیک بودن بخشی از عذاب دنیوی وعده داده شده به آنان

ردف لكم بعض الذى تستعجلون

مراد از <الذى تستعجلون> می تواند تنها عذاب دنیایی باشد. بنابراین <بعض الذى تستعجلون> یعنی، بخشی از

آن عذاب که خواستار شتاب آن هستید، در پی شما است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۲

۲ - داوری میان مؤمنان و کافران به قرآن ، وعده حتمی خدا به پیامبر (ص)

و إِنَّ لَهُدًى و رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ . إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ

در صورتی که آیه یاد شده مرتبط با آیه قبل که درباره قرآن است باشد عبارت <يقضی بینهم> به معنای <يقضی بین من آمن بالقرآن و بین من كفر به> خواهد بود. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۴،۵

۴ - پاکسازی نهایی زمین از وجود کافران ، وعده ای حتمی و تخلف ناپذیر

و إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ . . . أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ

تعبیر <أَنَّ النَّاسَ..> دربرگیرنده همه کافران است.

۵ - آینده بشر ، شاهد نزول عذاب قهر الهی بر کافران

و إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ

مفسران، کلمه <القول> را کنایه از عذاب گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸

۸ - وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يَكْذِبُ بآيَاتِنَا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۷،۹

۷ - وعده خداوند به نشان دادن آیات غیرقابل انکار خویش ، به همه

حق ستیزان در زمانی نه چندان دور

سیریکم آیته فتعرفونها

با توجه به این که مخاطب آیات پیشین منکران توحید و معاد بوده اند، ممکن است مخاطب <سیریکم> و <تعرفونها> نیز همان ها باشند.

۹ - وعده خداوند به آشکار ساختن آیات و نشانه های جدید خود در طول زمان هابرای هر نسل

سیریکم آیته فتعرفونها

احتمال می رود که عبارت <سیریکم آیاته..> وعده ای به نسل های آینده باشد که از درک حضور پیامبر(ص) محروم اند؛ اما خداوند در هر زمان با نشان دادن آیاتی جدید، به آنان معرفت می بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - اطمینان بخشی خداوند به مادر موسی و وعده قطعی به بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ

۱۱ - برگزیدن موسی (ع) برای مقام رسالت، وعده الهی به مادرش جهت آرام بخشیدن خاطر وی

و لا تخافی و لا تحزنی... و جاعلوه من المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۹

۹ - وعده خدا به مادر موسی، مبنی بر بازگرداندن فرزندش به آغوش وی

و لتعلم أنّ وعد الله حقّ

این آیه اشاره به وعده ای دارد که خداوند قبلاً به مادر موسی داده بود: <ما او را قطعاً به تو باز خواهیم گرداند>، (إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - اعطای دانش و حکمت ، وعده الهی به محسنان و نیکوکاران

و كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من أتبعكما الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۱

۱- وعده دوبار اجر (اجر مضاعف) از سوی خداوند ، به ایمان آوردگان از اهل کتاب

الذین ءاتینهم الکتب .. أولئک یؤتون أجرهم مرتین

مفسران، تعبیر <مرتین> را کنایه از اجر مضاعف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۳

۳- پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۷ - ۵

۵- تکفیر و نادیده گرفته شدن گناهان مؤمنان دارای عمل صالح ، وعده حتمی خداوند است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنکفرن عنهم سیئاتهم

لام و نون تأکید <لنکفرن> دلالت بر قطعیت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۱ - ۶

۶- وعده خداوند ، به برخورداری مؤمنان از پاداش و کیفر شدن منافقان

و ليعلمنَّ الله الذين ءامنوا و ليعلمنَّ المنفقين

مراد از علم خداوند به مؤمنان و منافقان، پاداش و کیفر دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۷ - ۶

۶ - وعده خداوند ، به مؤمنان مهاجری که درصدد حفظ ارزش های دین خود بودند ، مبنی

بر برخوردار کردنشان از پاداش

إِنَّ أَرْضِي وَسَعَةٌ .. كَلَّ نَفْسَ ذَائِقَةِ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تَرْجِعُونَ

برداشت بالا، بنابراین است که <ثُمَّ إِلَيْنَا تَرْجِعُونَ> کنایه از اعطای پاداش به مؤمنان و مؤاخذه کافران باشد. در این آیه، به قرینه مقام، پاداش دهی، به مؤمنان مهاجر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۱،۳،۷

۱ - تقویت جبهه رومیان و چیره ساختن آنان بر ایرانیان، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان عصر بعثت

سیغلبون .. وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعَدَهُ

<وَعَدَ اللَّهُ> مفعول مطلق فعل محذوف است و نویدهای خداوند در آیات قبل را تأکید می کند.

۳ - اکثر انسان ها، در وفای خداوند به وعده های خویش، گرفتار تردیدند.

لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعَدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

برداشت بالا، بر این اساس است که به قرینه جمله <لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعَدَهُ> مفعول محذوف <لَا يَعْلَمُونَ> همان قطعی بودن وعده های خداوند باشد.

۷ - اکثر مردم عصر بعثت، در پیروزی رومیان حتی در صورت وعده خداوند به یاری آنان، دچار تردید بودند.

وَعَدَ اللَّهُ .. وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

حرف <ال> در <الناس> برای عهد است و به قرینه آیات بعد که ویژگی های اقتصادی قریش را بیان می کند به مکیان عصر بعثت اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۴،۵

۴ - خداوند و پیامبرش، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان، پیروز خواهند شد.

مَا وَعَدْنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّٰه و رسوله إلاّ غرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱

۱ - مسلمانان مدینه ، با دیدن سپاهیان احزاب متحد ، اذعان داشتند ، آنچه دیده اند ، همان چیزی است که خدا و پیامبرش وعده داده اند .

و لما رءا المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا اللّٰه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۳

۳ - وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملک آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و أورثکم . . . و أرضاً لم تطئوها

<وطئ> به معنای <گرفتن به شدت و زور> است. مراد از <و أرضاً لم تطئوها> به رغم ماضی بودن <لم تطئوها> سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند <یورثکم> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بود که به همسران خود بگوید در صورتی که آنان ، خداخواهی و آخرت طلبی را پیشه کنند ، خداوند آنان را پاداشی عظیم خواهد داد .

قل لأزوجکم . . . و إن کتنّ تردن

اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالِدَارُ الْآخِرَةُ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۱

۱ - خداوند ، به همسران پیامبر ، در صورت اطاعت خاضعانه آنان از خدا و پیامبر (ص) و انجام عمل صالح ، وعده پاداش دوچندان داده است .

و من یقنت منکّن لله و رسوله و تعمل صلحاً نوتها أجرها مرتین

<قنوت> (مصدر <یقنت>) به معنای <اطاعت خاضعانه> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ - وعده خداوند ، به پیامبر (ص) برای جلوگیری از آزار و اذیت کافران و منافقان به آن حضرت

و دَعَّ أذیهم و توکل علی اللّٰه و کفی باللّٰه وکیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۷

۷ - وعده خداوند به جایگزین ساختن برای اموالی که انفاق می شود .

و ما أنفقتم من شیء فهو یخلفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۴

۴ - برپایی قیامت ، وعده ای الهی به انسان ها است .

متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۶

۶- برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده

الهی درباره آنان است .

و قرءان مبین . لینذر ... و یحقّ القول علی الکفرین

از عطف جمله <و یحقّ الحقّ ..> بر جمله <لینذر> که لام در این جمله برای تعلیل است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۶

۶ - چشیدن عذاب دوزخ برای مشرکان و سران آنان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند

فحقّ علینا قول ربّنا إنّنا لذائقون

برداشت یاد شده از آن جا است که <حقّ> به معنای <ثبّت> و <لزم> است و ثابت و لازم بودن عذاب، حاکی از حتمی و تخلف ناپذیر بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۲

۲ - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

و إنّ جندنا لهم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فتولّ عنهم حتیّ حین

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر اسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقوایبندگان

جنت .. یدعون فیها بفکله کثیره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعطای پاداش نیک در دنیا ، وعده خداوند به احسان کنندگان

للذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که <فی هذه الدنيا> ظرف برای <حسنة> باشد، نه برای <أحسنوا>؛ چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصریح شده است: <للذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه و لدار الآخرة خیر..>، (سوره نحل (۱۶) آیه ۳۰).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - برآورده شدن تمامی خواسته های تقوایبندگان ، وعده خداوند به آنان

لهم ما یشاءون عند ربهم

کلمه <عند> برای التزام و وعده به کار می رود؛ مثل <لک عندی..> (برای تو پیش من چنین و چنان است).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - یأس و ناامیدی از رحمت خداوند ، در عین وعده او به آمرزش تمامی گناهان بندگان ، امری بی جا و نامعقول است .

لا تقنطوا من رحمه الله إنَّ الله یغفر الذنوب جميعاً

جمله <إنَّ الله یغفر الذنوب جميعاً> به منزله تعلیل برای جمله <لا تقنطوا..> می باشد؛ یعنی، از رحمت خدا مأیوس

نشويد؛ چون او همه گناهان را

می آمرزد. با این حساب یأس از رحمت خدا، امری بی جا و نامعقول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۲،۵

۲ - بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقوایندگان

صدقنا وعده

۵ - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقوایندگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض ننبؤاً من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۲،۳

۲ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جنت عدن التي وعدتهم

۳ - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان ایشان

جنت عدن التي وعدتهم و من صلح من ابائهم و أزوجهم و ذريتهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <من> در <و من صلح...> عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم...> باشد؛ یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی ، در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان است .

إننا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا .. فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - استجابت دعای بندگان و برآوردن خواسته های آنان ، وعده الهی است

و قال ربکم ادعونی أستجب لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إنّ وعد الله حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، وعده مکرر خداوند به یکتاپرستان پایدار بر توحید

و أبشروا بالجنّه الّتی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - وعده خداوند به موسی (ع) ، درباره رفع عذاب فرعونیان ، در صورت روی آوردن آنان به حق

ادع لنا ربّک بما عهد عندک إنّنا لمهتدون

به قرینه ذیل این آیه و آیه بعد، به دست می آید که مراد از <ما عهد عندک>، وعده خداوند به رفع عذاب از فرعونیان در صورت پذیرش هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - منتهی شدن نظام دنیا به جهان آخرت و قیامت ، وعده مکرر خداوند به خلق

یومهم الذی یوعدون

از فعل مضارع <یوعدون> که دلالت بر استمرار می کند مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی کانوا یوعدون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۴

۱۴- وعده الهی به معاد ، اسطوره ای کهنه و بی اساس ، در نگاه نسل کافر عصیانگر

و الذی قال لولدیہ أفّ لکما أتعداننی أن أخرج . . . فیقول ما هذا إلاّ أسطیر الأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۵

۵- اعتراف کافران به حقانیت وعده های الهی ، پس از لمس و مشاهده آن

و یوم یرعرض . . . ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۷

۲۷- وعده خداوند ، به حفظ و تداوم اعمال و تلاش های شهیدان

و الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه فلن یضلّ عملهم

مراد از <فلن یضلّ> ممکن است هدر رفتن تلاش ها و ایثارگری های شهیدان، در دنیا باشد؛ یعنی، گرچه شهیدان خود چشم فرومی بندند؛ اما خداوند خود آرمان ها و تلاش هایشان را پاس می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۶

۶- وعده خداوند به پیروزی و ثبات قدم مؤمنان ، در صورت اقدام به جهاد و حمایت از دین

یأیها الذین ءامنوا إن تنصروا اللّٰه . . . و یتبّت أقدامکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱

۱- بهشت و نعمت های آن ، پاداش موعود الهی برای تقوایندگان

الجَنَّةُ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳،۱۲

- وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

۱۲ - اختصاص غنایم خیبر به شرکت کنندگان سفر حدیبیه ، براساس وعده قبلی خداوند *

إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا .. قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

برداشت بالا بدان احتمال است که آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنایم، به حاضران صلح حدیبیه باشد؛ چه این که این نکته از نظر تاریخی نیز تأیید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۴،۲۱

۴ - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وَعَدَكُمْ اللَّهُ .. فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیبر دارد.

۲۱ - < عن علیّ .. قال : فی قوله تعالی > وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً < .. > تَأْخُذُونَهَا < .. > فَعَجَّلَ لَكُمْ < .. > مِنْ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ؛

از علی (ع) ... روایت شده که درباره قول خدای تعالی <وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ> فرمود: از میان غنایم فراوانی که خداوند به شما وعده داده بود خیبر را زودتر

به شما داد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۱

۱ - وعده خداوند به مؤمنان ، در دستیابی آنان به غنایمی ، علاوه بر غنایم خیر

و آخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیه قبل در زمینه غنایم خیر بوده ، واژه <آخری> در مقایسه با غنایم خیر به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنان نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد الله الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنم .. و أزلفت الجنة للمتقین ... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۳

۳ - برپایی نظام کیفر و پاداش ، از بارزترین و مهم ترین وعده های خداوند به خلق

إنما توعدون .. و إن الدین لوقع

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <و إن الدین> عطف تفسیری برای <إنما توعدون> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۱

۱ - بهشت وعده اکید خداوند به اهل تقوا

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۱

۱ - کفرپیشگان ، دارای سرنوشتی تأسف بار

هنگام فرا رسیدن وعده های خداوند

فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۱

۱ - فرستادن ناقه صالح به سوی قوم ثمود ، وعده الهی برای آزمایش ایشان

إِنَّا مرسلوا الناقه فتنه لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۱

۱ - وعده الهی ، به فروپاشی جماعت مشرکان و ناپایداری آنان در برابر جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولون الدبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالذین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - وعده پاداش از سوی خداوند ، به همه مجاهدان و انفاق گران صدراسلام

و کلاً وعد الله الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۶

۶ - دستیابی به دو بهره کافی از رحمت الهی ، وعده خدا به مؤمنانی است که تقوای پیشه کنند و از پیامبر اکرم (ص) پیروی کامل نمایند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا .. يُوْتِكُمْ كَفْلِينَ مِنْ رَحْمَتِهِ

< کفل > (مفرد < کفلین >) به معنای حظ و بهره ای است که کفایت می کند (مفردات راغب). گفتنی است که < یوتکم... > جواب برای شرط مقدر می باشد و تقدیر آن چنین است: < إِنْ تَتَّقُوا وَ تُوْمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كَفْلِينَ مِنْ رَحْمَتِهِ > (اگر تقوا پیشه کنید و از رسول او تبعیت کامل

نمایید، از رحمت خود به شما دو بهره کافی خواهد داد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ - وعده بهشت از سوی خداوند به مؤمنان راستین

أُولَئِكَ... يَدْخُلُهُمُ جَنَّاتٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۳

۳ - پشتیبانی همه جانبه از دین اسلام و فروزان نگه داشتن نور آن ، وعده قطعی و حتمی خداوند

و الله متمم نوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۹، ۶، ۴

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

يَغْفِرُ لَكُمْ... وَ أُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحَ قَرِيبٍ

۶ - خداوند ، مجاهدان صدراسلام را به امداد های غیبی خود و غلبه سریع بر دشمن وعده داده است .

و أُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحَ قَرِيبٍ

۹ - خداوند ، مسلمانان صدراسلام را از پیش ، به فتح مکه و امداد های خود وعده داد .

و أُخْرَى تَحِبُّونَهَا نَصْرَ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحَ قَرِيبٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۸

۱۸ - وعده تأیید و امداد ، از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام در قبال دشمنانشان

يأيتها الذين ءامنوا كونوا أنصار الله .. فأيدنا الذين ءامنوا على عدوهم فأصب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - ملك - ٦٧ - ٢٥ - ٣

٣ - برپايي قيامت ، وعده اعلام شده خداوند به انسان

و يقولون متى هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حتی یلقوا یومهم الذی یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۴ - ۳

۳ - زندگی خفت بار و ذلت آفرین در آخرت ، وعده همیشگی خداوند به کافران حق ناپذیر

ذلك الیوم الذی كانوا یوعدون

آمدن فعل <كانوا> با فعل مضارع <یوعدون>، بر استمرار وعده الهی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، به مردم وقوع قیامت را وعده داده است .

و الیوم الموعود

مفسران اتفاق نظر دارند که مراد از <الیوم الموعود> قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلائی

خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۵

۵ - ختنی ساختن تبلیغات مکارانه کافران در برابر قرآن ، وعده تسلا بخش خداوند به پیامبر (ص)

و أكید كیداً

روی سخن در این آیه به قرینه آیه بعد (فمهّل ..) با پیامبر(ص) و به منظور اطمینان

بخشیدن به آن حضرت است که در درخواست عقوبت سریع برای کافران شتاب نوزد؛ زیرا خداوند پاسخ مناسب توطئه آنان را خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران، کافی برای شتاب نوزیدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای آنان

و اُکید کیدًا . فمَّهَّل

برداشت یاد شده، از حرف <فاء> در <فمَّهَّل> استفاده شده است؛ یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه شدی، با خاطری آسوده به کافران فرصت ده؛ زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۶ - ۱۲، ۲

۲ - خداوند، پیامبر (ص) را به آموختن قرآن و جاری ساختن آن بر زبان او وعده داد .

سنقرئک

<إقراء>؛ یعنی، دیگری را قاری ساختن و حرف <سین> در <سنقرئک> برای تأکید وعده است. بنابراین مفاد آیه شریفه، این است که وحی همچنان ادامه یافته، زبان تو در حال و آینده به قرائت آن توانمند خواهد بود.

۱۲ - خداوند پیامبر (ص) را به داشتن حافظه ای نیرومند و فراموش نکردن آنچه خوانده است، وعده داد .

سنقرئک فلاتنسی

حذف مفعول از فعل های <نقرء> و <لاتنسی>، ممکن است برای افاده عموم باشد؛ یعنی، تو را بر قرائت توانا می سازیم و تو خواننده های خویش را، از یاد نخواستی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ

۴ - هیچ یک از وعده های خداوند ، او را بر کاری مجبور نساخته و مشیت او را مقهور خود نمی سازد .

فلاتنسی . إلاً ما شاء الله

جمله <فلاتنسی> وعده خداوند به پیامبر(ص) است که قرآن از خاطر او محو نخواهد شد و استثنای <إلاً ما شاء الله> در صورتی که مراد استثنای حقیقی نباشد بیانگر این نکته است که حتی پس از این وعده نیز اختیار، از خداوند سلب نمی شود و مشیت او هم چنان حاکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۸ - ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) وعده داد که او را به برنامه و شریعتی ساده راهنمایی کرده و بر انجام دادن آن آماده و توانا سازد .

و نیسِرک لیسری

<یسری> وصف برای موصوفی محذوف از قبیل <الطریقه> یا <الشریعه> و به معنای سهل تر و آسان تر است. اسناد فعل <نیسِرک> به ضمیر خطاب با آن که در این موارد طبیعی آن است که تعبیر <آسان کردن یسری برای پیامبر(ص)> به کار رود نه <آسان ساختن پیامبر(ص) برای یسری> بیانگر آن است که خداوند وعده ایجاد تحولات درونی در شخص پیامبر(ص) را، به آن حضرت داده است که با سهولت پذیرای برنامه الهی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵ - دوری از آتش دوزخ ، وعده خداوند به اهل زکات و انفاق

و سیجَنبِهَا الْأَتَقَى . الذی یؤتی ماله یتزکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۲

۲ - خداوند ، با وعده قطعی به پیامبر (ص) ، درباره بخشش پیاپی به آن حضرت تا حد رضایت کامل در آخرت ، او را تسلا داده و بر دور بودن همیشگی آن حضرت از قهر و خشم خود تأکید کرد .

ما ودّعک .. و لسوف یعطیک ربّک فترضی

<لام> در <لسوف>، حرف ابتدا و برای تأکید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۲

۲ - خداوند ، در آغاز رسالت پیامبر (ص) ، آن حضرت را به نزول آیاتی خواندنی (قرآن) وعده داد .

اقرأ

مشهور این است که سوره <علق> یا <پنچ آیه نخست آن>، اولین آیاتی است که بر پیامبر(ص) نازل گردید. تعبیر <اقرأ> در سر آغاز وحی، شروع مناسبی است که در خود دو نکته دارد: ۱. پس از این مطالبی به پیامبر نازل خواهد شد؛ ۲. آن مطالب خواندنی خواهد بود، نه این که به دانستن آن بسنده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن به صورت قابل نوشتن ، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ .. الذی علم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۷

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را به

تدبیر امور آن حضرت و مجازات اخروی مخالفان طغیان گراو ، وعده داد .

لیطغی . . . رَبِّكَ

خطاب در < رَبِّكَ > ; چه ویژه پیامبر(ص) باشد و چه هر مخاطبی را شامل گردد که در نتیجه پیامبر(ص) بارزترین مصداق مورد نظر خواهد بود برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به امداد خویش مطمئن ساخت و به آن حضرت وعده پیروزی بر دشمنان داد .

إذا جاء نصر الله و الفتح

< نصر > به معنای پیروز ساختن و < فَتْح > به معنای گشودن است. (برگرفته از <مقایس اللغه >) حرف < إذا > دلالت بر وقوع حتمی شرط در آینده دارد.

وعده های خدا در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

وعده های خدا در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۸

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

وعده های خدا در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان

، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ .. و ما زادهم إل

وعدده های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۵

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أُحْدَثُ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

وعدده های ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۷، ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمَّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاء الحسنی

<جزاء> حال است و بیان این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

۷- ذوالقرنین ، به رعایت نرمش و مدارا در صدور فرمان و ابلاغ خواسته های حکومتی خویش به مؤمنان ، نوید داد .

و سنقول له من أمرنا يسرًا

وعدده های رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۴

۱۴- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن

خود، آنان را هم نجات خواهند داد.

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

وعدہ های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴- وعده دادن و آرزو پروری ، از شگرد های شیطان در به دام افکندن انسان

و شارکهم .. و عدهم

وعده های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۲،۳

۲ - تأکید فرعون بر قرار گرفتن ساحران در زمره مقربان وی ، با پیروزی بر موسی (ع)

و إنکم إذا لمن المقربین

۳ - فرعون ، برای جلب حمایت ساحران ، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئن لنا لأجراً .. و إنکم إذا لمن المقربین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

وعده های کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخزون .. يقولون سبحن ربنا إن كان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۸

۸- وجود وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام < قرآن > ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را، تنها از راه مدارک دینی خود به دست

آورده بودند.

و عده های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۴،۵

۴ - خداوند و پیامبرش ، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان ، پیروز خواهند شد .

ما وعدنا الله ورسوله إلا غرورًا

۵ - منافقان و بیمار دلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ يقول المنفقون و الذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله إلا غرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱

۱ - مسلمانان مدینه ، با دیدن سپاهیان احزاب متحد ، اذعان داشتند ، آنچه دیده اند ، همان چیزی است که خدا و پیامبرش وعده داده اند .

و لما رء المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۲

۲ - وعده پیامبر (ص) به مشرکان مبنی بر وقوع قیامت در آینده

و يقولون متى هذا الوعد

و عده های محمد(ص) در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - توجه مسلمانان مدینه به تحقق وعده های خدا و پیامبرش ، در غزوه احزاب ، باعث شد که آنان ، با دیدن سپاه دشمن بر ایمان شان افزوده شود .

و لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ .. وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا

وعده های منافقان مدینه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۷

۷ - وعده منافقان مدینه به یهود بنی نضیر ، نسبت به همگامی کامل با آنان در صورت نبرد یا تبعید

الذین نافقوا يقولون .. لئن أُخرجتم لنخرجنَّ معکم ... و إن قوتلتم لننصرنَّکم

وعده های نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آمرزش گناهان ، مصونیت از عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن اجل مسمی (مرگ مقدر) ، در صورت ایمان آوردن آنان

یغفر لکم من ذنوبکم و یؤخرکم إلی أجل مسّی

<اجل> به معنای پایان زندگی و نهایت زمان عمر آدمی و <مسّی> به معنای معین و مشخص است. مقصود از تأخیر اجل مسمی، نازل نشدن عذاب الهی و تداوم زندگی تا فرارسیدن مرگ مقدر الهی است که هر انسانی، حتماً با آن روبه رو خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۱

۱ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر ریزش باران فراوان و پی درپی بر آنان ، در صورت استغفار و ایمان آوردن آنان

فقلت استغفروا ربکم .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

یکی از معانی <سما>، باران است (صحاح) و در این آیه شریفه در همین معنا به کار رفته است. <مدرارًا> به معنای ریزش فراوان و پی درپی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۱،۲

وَعْدَهُ نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر یاری شدنشان با اموال و فرزندان از سوی خداوند ، در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربکم ... و یمدکم بأموال و بنین

۲ - وعده نوح (ع) به قوم خود ، مبنی بر آباد شدن باغ ها و نهروهایشان از سوی خداوند در صورت ایمان آوردن و استغفار آنان

استغفروا ربکم ... و یجعل لکم جنّات و یجعل لکم أنهرًا

وَعْدَهُ هَای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون ... أنا خیر المنزلین

وقت تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۱،۲،۴

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ صریح آگاه نبودن خویش ، از زمان تحقق وعده های خداوند به مردم

قل إن أدری أقرب ما توعدون

۲ - پیامبر (ص) ، نسبت به دور و نزدیک بودن تحقق وعده های الهی به کافران آگاه نبود .

قل إن أدری أقرب ما توعدون أم یجعل له ربی أمداً

<أمد> در اصل به معنای غایب و منتهای شیء است و در این آیه مقصود از آن به قرینه <قرب> مدت طولانی است.

۴ - پرسش استهزاآمیز کافران حق ناپذیر ، از زمان تحقق وعده های الهی درباره خویش

أقرب ما توعدون أم يجعل له ربّي

آیه شریفه درصدد پاسخ به پرسش کافران درباره تحقق وعده های الهی است که در آیه قبل مطرح شده بود. از این رو برخی از مفسران نوشته اند که این آیه، درباره <نضربن حارث> است که او و همفکرانش پیوسته می گفتند: <متی هذا الوعد إن کتتم صادقین > (۱۰/۴۸).

ویژگیهای وعده های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۹

۹ - وعده های مشرکان به یک دیگر ، براساس فریب و مکر است .

بل إن يعد الظلمون بعضهم بعضًا إلا غرورًا

یقین به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - یقین به حقانیت وعده های خداوند و باور به معاد ، تکلیفی الهی و معرفتی ارجمند است .

أعثرنا عليهم ليعلموا أن وعد الله حقّ وأن الساعة لا ريب فيها

یقین به وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - یقین پیدا کردن مادر موسی به درستی و تخلف ناپذیر بودن وعده های خداوند ، یکی دیگر از اهداف بازگرداندن

موسی (ع) به آغوش وی

فرددنه إلى أمه .. و لتعلم أن وعد الله حقّ

وعید از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وعید

آثار وعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۹

۹ - ایجاد روحیه تقوا در آدمی ، نیازمند به کارگیری هشدارها و وعیدها است .

و صرّفنا فیہ من الوعد لعلمہم یتّقون

تحقق وعید خدا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۳

۳ بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جوئیای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادى . . . فهل وجدتم ما وعد ربكم حقاً

وعید به پیروان ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۳ - ۲

۲- هشدار و وعده تهدید آمیز خداوند به پیروان گمراه ابلیس

إلا من اتبعك من الغاوین. و إن جهنم لموعدهم أجمعین

وعید به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۲

۲- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان ، وعده خداوند به آنان

و أنذر الناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا . . . و قد مکروا مکرمهم ... فلاتح

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است <فاء> تفریع در

<فلاتحسبن> مؤید این ارتباط است.

وعید به قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۵،۶

۵ نزول عذاب بر قوم ثمود ، وعده ای راستین و تخلف ناپذیر

ذلك وعد غير مكذوب

۶ نزول عذاب بر قوم ثمود ، وعده ای از ناحیه خداوند به حضرت صالح (ع)

ذلك وعد غير مكذوب

وعيد به كافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ عذاب های وعده داده شده به کفرپیشگان ، قانونمند و دارای حساب و کتاب تعیین شده و مشخص

و عنده أم الكتب .

.. و علينا الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنم ... و أزلفت الجنة للمتقين ... هذا ما توعدون

وعید خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۷

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۵

۵ وعده ها و وعید های خداوند ، برخاسته از ربوبیت او و برای رشد و تربیت انسانهاست .

قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

وعید در هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۸ - ۶

۶ - استفاده از وعده و وعید و هشدار و تشویق ، روش قرآن برای هدایت مردم است .

هدی .. فبشره بعذاب ... لهم جنّ النعیم

گوشزد کردن فرجام مؤمنان، پس از یادآوری عذاب معرضان از آیات خدا، شیوه ای است که در آن، برای شنونده امید و ترس ایجاد می شود و چنین حالتی شخص را در حالت اعتدال نگه می دارد.

وعید های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۲، ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ،

وعدۀ الهی

سأوریکم ءایتی . . . و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> در این آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز، وعدۀ الهی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعدۀ می دادند و این وعدۀ در خاطر امت ها وجود داشت.

وعید های

وعید های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱،۲

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان، وعدۀ الهی

سأوریکم ءایتی . . . و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> در این آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز، وعدۀ الهی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعدۀ می دادند و این وعدۀ در خاطر امت ها وجود داشت.

وقت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وقت

ابزار وقت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۲،۴

۲ - ایجاد تقویمی طبیعی و میزانی برای سنجش زمان ، از اهداف آفرینش ماه و پیدایش آن به صورت های مختلف

قل هی موقت للناس

<مواقیت> (جمع میقات) است و میقات به زمان یا مکانی گفته می شود که برای انجام فعل

تعیین می گردد. (لسان العرب)

۴- از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

اختفای وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۵

۵- زمان قیامت ، نامعلوم است .

ثم إذا شاء أنشره

کارهایی که در آیات پیشین به خداوند نسبت داده شد، گرچه مقید به مشیت الهی است و ولی قید <إذا شاء> تنها در مورد محشور شدن انسان ذکر شده است تا این نکته را برساند که هر چند برای آن افعال (خَلَقَهُ، يَسْرَهُ، أَمَاتَهُ و أَقْبَرَهُ) می توان زمانی را حدس زد و ولی در مورد قیامت، تنها باید به خواست خداوند نظر داشت.

اختفای وقت هجوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۳ - ۳

۳- پنهان داشتن زمان یورش بر دشمن و هجوم در لحظه های استراحت او ، روشی مطلوب در جهاد

فالمغیرت صبیحًا

اعلام وقت عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۳

۳- زکریا (ع) ، در مدت سکوت سه روزه ، دخول وقت عبادت را در صبح و عصر ، با اشاره به مردم اعلام می کرد .

فخرج علی قومه من المحراب فأوحی إليهم أن سبحوا بكرة و عشیًا

احتمال می رود جمله <فخرج . . > در باره خروج زکریا(ع) در مدت سه روز باشد. در این صورت، <بکره و عشیاً> ظرف برای فعل های <خرج> و <أوحی> خواهد بود و مفاد آیه چنین می شود: چون

زکریا(ع) وظیفه اعلام دخول وقت عبادت را برعهده داشت، در صبح و عصر آن سه روز که نمی توانست با مردم سخن بگوید، دستور <سَبِّحُوا> را با اشاره به آنان تفهیم می کرد.

اهمیت نماز اول وقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۲ - ۲۰

۲۰ - لزوم خواندن نماز ، در ابتدای وقت آن *

وانحر

در <تاج العروس> آمده است: <نَحَرَ الصَّلَاةَ>؛ یعنی، نماز را در آغاز وقت آن خواند.

اهمیت وقت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۲۲،۲۳،۳۸

۲۲ - آن هنگام که رشته سفید ظاهر شده در افق از رشته سیاه شب تمییز داده شود ، هنگام فجر است .

حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر

حرف <من> در <من الفجر> بیان برای <الخيط الأبيض> است؛ یعنی، آن رشته سفید همان فجر است.

۲۳ - طلوع فجر حد فاصل شب و روز

أحل لكم ليله الصيام .. كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض

<أياماً معدودات> در آیه ۱۸۴، روزه را مخصوص روز می داند و <حتى يتبين ..> شروع روزه را از طلوع فجر قرار داده است. بنابراین، روز در دیدگاه شرع از طلوع فجر آغاز می شود.

۳۸ - <عن ابی عبدالله (ع) فی قوله تعالی > أتموا الصيام إلى الليل < قال : سقوط الشفق ؛

از امام صادق(ع) در معنای <لیل> در آیه <أتموا الصيام إلى الليل> روایت شده که شب با زائل شدن شفق شروع می شود.>

۴- از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- شناخت زمان و تنظیم آن ، برای زندگی انسان امری با اهمیت و حیاتی است .

لتعلموا عدد السنین و الحساب

اهمیت وقت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۵

۵- زمان ولادت ، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًا

اهمیت وقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱۵

۱۵ - > عن الإمام موسى بن جعفر عن أبيه عليهما السلام في قول الله عزوجل <... يسبح له فيها بالغدو والأصال >... قال الصلاة في أوقاتها ;

امام موسی بن جعفر(ع) از پدر بزرگوارش نقل می کند که درباره قول خدای عزوجل <...یسبح له فیها بالغدو و الأصال> فرمود: مقصود خواندن نماز در اوقات معین آن است.<

اهمیت وقت ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- زمان ولادت ، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًا

بهترین وقت آسایش

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۹

۹ - شب ، بهترین و مناسب ترین زمان برای استراحت و آسایش

يَأْتِيكُمْ بَلِيلٌ تَسْكُنُونَ فِيهِ

تصريح خداوند به اين كه شب را براي آسایش و استراحت بشر قرار داده است، می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

بهترین وقت عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۹

۹ سحر گاهان ، بهترین و مناسب ترین وقت برای نماز و عبادت

و الَّذِينَ يَبْتَئُونَ لِرَبِّهِمْ سَجْدًا وَ قِيَمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۳

۳ - شب هنگام ، فرصتی مناسب و شایسته برای عبادت پروردگار

أَمَّنْ هُوَ قِنْتَءَآءَآءِ اللَّيْلِ

یاد شدن وقت شب برای عبادت، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۱

۱ - شب ، بهترین زمان برای برگزاری نماز و انجام دادن عبادت

قَمِ اللَّيْلِ . . . إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ ... وَ أَقْوَمُ قِيَلًا

<ناشئه> مشتق از <نَشَأُ> (حادث شدن، پدید آمدن) و به معنای حادثه و پدیده است (مصباح المنیر). اضافه <ناشئه> به

<اللیل>، می تواند اضافه بیانیه و یا اضافه ظرفیه باشد. گفتنی است که آیه یاد شده تعلیل برای <قم اللیل...> می باشد؛
یعنی، شب را به پاخیز چون شب... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۱

۱ - شب ، فرصتی مناسب برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی و روز ، زمانی

شایسته برای تلاش و رسیدگی به امور زندگی

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

<سبح> در معانی متعددی به کار می رود؛ از جمله سعی و تلاش برای معاش (قاموس المحيط). جمله <إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ>، تعلیل دیگری برای <قم اللیل> است؛ یعنی، چون در روز به خاطر تلاش طولانی برای معاش، فرصت و فراغت برای مناجات و عبادت نیست، شب را برای این کار اختصاص بده.

بهترین وقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۹

۹ سحرگاهان، بهترین و مناسب ترین وقت برای نماز و عبادت

و الَّذِينَ يَبْتَغُونَ لِرَبِّهِمْ سَجْدًا وَ قِيَمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۱

۱ - شب، بهترین زمان برای برگزاری نماز و انجام دادن عبادت

قَمِ اللَّيْلِ .. إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ ... وَ أَقُومِ قِيَلًا

<ناشئه> مشتق از <نَشَأُ> (حادث شدن، پدید آمدن) و به معنای حادثه و پدیده است (مصباح المنیر). اضافه <ناشئه> به <اللَّيْلِ>، می تواند اضافه بیانیه و یا اضافه ظرفیه باشد. گفتنی است که آیه یاد شده تعلیل برای <قم اللیل...> می باشد؛ یعنی، شب را به پاخیز چون شب... .

تعیین وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۱

۱ خداوند برای برپایی قیامت، زمان مشخصی را تعیین کرده است .

و ما تؤخره إلا لأجل معدود

تفاوت وقت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۷ - ۵

۵ - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و

برخی از آنها، برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن الله حين تمسون و حين تصبحون

زمان ها، از حیث این که مقدار حرکت ماده اند، تفاوتی با هم ندارند، اما از این که برخی ایام برای تسبیح خداوند مناسب معرفی شده اند، استفاده می شود که زمان ها، تفاوت معنوی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۶

۶ - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن الله .. و عشیاً و حين تطهرون

جهل به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۴

۴ زمان برپایی قیامت برای انسان ها مجهول است و همچنان مجهول خواهد ماند .

و ما نؤخره إلا لأجل معدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱ - ۲،۳

۲- خدایانِ مشرکان ، هیچ اطلاعی از زمان وقوع قیامت و رستاخیز خود ندارند .

و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر فاعلی در <یشعرون> و <یبعثون> معبودهای باطل باشد که در آیه قبل از آنها سخن به میان آمده است.

۳- معبود های مشرکان ، بی اطلاع از زمان رستاخیز پرستش کنندگان خویش

و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <یبعثون> پرستشگران اصنام باشد که همان ضمیر فاعلی <یدعون> است.

شگفتی وقت افشای رازها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۶

۶ - غفلت از

فرجام اخروی و لحظه برملا شدن اسرار آدمی ، شکفت آور و حالتی نکوهیده است .

أفلا يعلم إذا .. و حصل ما فى الصدور

مفعول <أفلا يعلم> یا محذوف است؛ یعنی: <أفلا يعلم مآله؟> و یا کلمه <إذا> از ظرفیه خارج شده و مفعول به قرار گرفته است؛ یعنی: <أفلا يعلم وقت .. تحصیل ما فى الصدور؟>. در این صورت مراد، توبیخ بر غفلت از حوادث آن زمان است.

علم به وقت عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۴

۴- علم به زمان کیفر و عذاب انسان ها ، در گرو آگاهی به نهان و آشکار آنان است .

إن أدری أقریب .. إنّه یعلم الجهر من القول

علم به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱ - ۴

۴- داشتن حیات و مطلع بودن از زمان وقوع قیامت ، از شرایط الوهیت

أموت غیر أحياء و ما یشعرون أیّان یبعثون

از اینکه خداوند در مقام رد الوهیت معبودهای مشرکان، از آنها به عنوان مردگانی فاقد هرگونه حیات و شعور نام می برد، می توان استفاده کرد که خدا باید دارای حیات و علم باشد.

فضیلت نماز اول وقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۹

۹- نماز صبح در اول فجر ، مورد شهود و نظاره ای ویژه

إن قرءان الفجر کان مشهوداً

چنان که از روایات استفاده می شود <شهود ویژه> عبارت است از شهود ملائکه شب و ملائکه روز که هر دوی آنان، شاهد نماز صبح نماز گزارند.

نقش جهل به وقت قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۴

۲۴- مشخص نبودن زمان وقوع قیامت و نزدیک شمردن آن ، دارای نقش تربیتی و هدایتی برای انسان

قل عسی أن یکون قریبًا

مشخص نکردن زمان دقیق وقوع قیامت از سویی و یادآوری قریب الوقوع بودن آن از سوی دیگر، می تواند برای توجه دادن انسانها به آن باشد تا آنان خود را همواره برای وقوع قیامت آماده کنند.

نقش علم به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۳

۲۳- بی نیازی انسان از دانستن زمان دقیق وقوع رستاخیز و تأثیر نداشتن آن در هدایت و کمال او

قل عسی أن یکون قریبًا

از اصرار قرآن در اثبات اصل معاد و از عدم تعیین وقت مشخص برای آن، استفاده می شود که انسان برای راه یابی به صلاح و هدایت و ایمان به قیامت، نیازی به دانستن زمان دقیق معاد ندارد.

وقت آرامش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۲

۲ - شب ، زمانی مناسب برای آرمیدن و آرامش یافتن

اللّٰه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه

وقت آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۲

۲- شب ، بستری مناسب برای سکون و آرامش انسان

جعل لكم الیل .. لتسکنوا فیه

وقت احتجاج ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۴

۴- گفت وگوی ابراهیم (ع) با آزر ، در زمان

نبوت آن حضرت بوده است . *

إِنَّهٗ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا . إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ

در باره <إذ قال ..> چندین احتمال ادبی وجود دارد. ۱ بدل برای <ابراهیم> باشد که در این صورت حکم مفعول به برای <اذکر> در آیه قبل را دارد. ۲ ظرف برای <کان> و یا <نبیاً> باشد. برداشت فوق بر احتمال دوم مبتنی است.

وقت ارائه معجزه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۹ - ۶

۶- موسی (ع) ، مناسب ترین زمان را برای تبلیغ و ارائه معجزات خویش و منکوب ساختن فرعون برگزید .

قال موعداکم یوم الزینہ و ان یحشرالناس ضحی

روز عید، نوعاً روز فراغت و آمادگی فکری مردم است. انتخاب چنین روزی از سوی موسی(ع) و نیز توجه به حضور گسترده مردم در روشنایی روز، حکایت از انتخاب مناسب آن حضرت دارد.

وقت ارزشمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۵

۵ - سحرگاهان ، لحظاتی مبارک ، برای صالحان *

نَجِّنْهُمْ بِسَحْرِ

تصریح به <سحر> و تعیین زمان نجات خاندان لوط، ممکن است بیانگر مطلب یاد شده باشد.

وقت استراحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۵

۵ - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتاً . و جعلنا الیل لباساً

وقت استراحت مصریان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱

۱ - ورود موسی (ع) به شهر مصر ، در ساعت استراحت و غفلت و بی

و دخل المدینه علی حین غفله من أهلها

<غفلت> به معنای بی خبری و مراد از <علی حین غفله من أهلها> (ساعت بی خبری مردم شهر) زمانی است که مردم دست از کسب و کار می کشند و به خانه هایشان برمی گردند و از آنچه در شهر می گذرد بی خبر می مانند.

وقت استراحت مولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۵، ۱۰

۱۰ - رفت و آمد خدمت کاران به اتاق صاحبان خود، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر، استراحت نیمروزی و هنگام خواب شب، بدون اذن جایز است.

لیستندنکم الذین ملکت أیمنکم .. من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و لا علیهم جنا

۱۵ - ضرورت معاشرت تنگاتنگ خدمت کاران با صاحبان خود و مشقت اجازه خواستن، فلسفه و دلیل لازم نبودن اذن خواستن برای رفت و آمد نزدیک آنان در غیر از سه وقت مقرر

لیستندنکم .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوفون علیکم بعضکم

وقت استراحت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۱، ۴

۴ - پیش از نماز بامداد، وقت استراحت نیمروزی (ظهر) و پس از نماز عشا (هنگام خواب شب)، سه زمان برهنگی و خلوت پدران و مادران محسوب می شود.

لیستندنکم .. ثلث مرّت من قبل صلوه الفجر و حین تضعون ثیابکم من الظهیره و من بعد

۱۱ - رفت و آمد فرزندان به اتاق پدر و مادر، در غیر

از سه وقت پیش از طلوع فجر ، وقت استراحت نیمروزی و پس از نماز عشا ، بدون اذن جایز است .

لیسندنکم .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و

وقت استغفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۵

۱۵- خصوصیت های زمانی ، در اجابت دعا و درخواست آموزش و رحمت دخیل است .

سأستغفر لک ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۸ - ۲

۲ - سحر گاهان ، بهترین و مناسب ترین زمان برای راز و نیاز با خداوند و طلب آموزش از او

و بالأسحار هم یستغفرون

وقت استغفار یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۸

۱۸ > عن أبی عبدالله (ع) : فی قول یعقوب لبنیه < سوف أستغفر لکم ربی > قال : أخرها إلى السحر لیله الجمعه ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا از قول یعقوب که گفت: <سوف أستغفر لکم ربی> روایت شده است که فرمود: یعقوب استغفار را تا سحر شب جمعه به تأخیر انداخت .

وقت اعلام تبری از مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۳

۳ دهم ذیحجه سال نهم هجرت ، روز ابلاغ پیام برائت خدا و پیامبر (ص) به عموم مردم حاضر در مراسم حج

و أذن من الله و رسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر

بر اساس نظر مفسران، سال نهم هجرت، سال اعلام برائت است

و بر پایه روایاتی که از ائمه معصومین (ع) رسیده است، روز حج اکبر، دهم ذیحجه است.

وقت انتقام از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۲

۲- انتقام اصلی خداوند از کفر پیشگان ، موکول به روز قیامت

یوم نبطش البطشه الکبری إنا منتقمون

وقت ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند به خاطر عدم گرایش به ایمان ، مگر با فرارسیدن قیامت

فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم

وقت بازگشت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۶،۷،۸

۶- بازگشت انسان به سوی خدا است .

یوم یرجعون إلیه

۷- خداوند ، آگاه به زمان بازگشت انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

قد یعلم ما أنتم علیه و یوم یرجعون إلیه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <و یوم..> عطف بر <ما أنتم...> باشد.

۸- مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او از زمان رجعت و بازگردانیده شدن انسان به سوی او (زمان رستاخیز)

است .

ألا إنّ لله ما فى السموت و الأرض قد يعلم ما أنتم عليه و يوم يرجعون إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۷ - ۷

۷ - بازگشت به خدا ، بلافاصله پس از مرگ نیست ، بلکه پس از گذشت مدتی طولانی خواهد بود .

كلّ نفس ذائقه الموت ثمّ إلینا ترجعون

<ثمّ> حرف عطف تراخی دلالت

بر نکته بالا می کند.

وقت بازگشت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۹ - ۴

۴- ورود مریم (س) با نوزادش عیسی (ع) بر قوم خویش ، به هنگام روز بود .

فلن أکلم الیوم إنسیًا .. فأشارت إلیه

وقت برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۳،۶،۱۰

۳ پیامبر (ص) موظف به اعلام عدم آگاهی خویش به لحظه فرارسیدن قیامت

قل إنما علمها عند ربی

۶ برپایی و ظهور قیامت دارای وقتی مشخص

لا یجلیها لوقتها إلا هو

۱۰ دانش بشر ناتوان از پیش بینی زمان برپایی قیامت ، حتی به صورت احتمال

لا تأتیکم إلا بغته

در صورتی می توان گفت چیزی ناگهانی و بی خبر تحقق یافت که انسان زمان تحقق آن را، حتی به صورت احتمال و حدس، در ذهن خویش ترسیم نکرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۴

۱۴ زمان برپایی قیامت از امور غیبی است .

لو كنت أعلم الغيب لاستكثرت من الخير

پیامبر(ص) در پاسخ کسانی که می پنداشتند او به زمان برپایی قیامت آگاهی دارد، با جمله <لو كنت أعلم الغیب . . > بیان می دارد که من عالم به غیب نیستم ؛ یعنی زمان برپایی قیامت از امور غیبی جهان است.

وقت برخورد سپاه فرعون با بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۰ - ۱

۱ - نزدیک شدن سپاه فرعون به بنی اسرائیل

، به هنگام طلوع آفتاب

فأتبعوهم مشرقین

واژه <مشرقین> از مصدر <اشراق> (داخل شدن در وقت طلوع خورشید) مشتق شده است و حال از ضمیر فاعل <أتبعوهم> می باشد؛ یعنی، <فلحقوا بهم حالکونهم داخلین فی وقت طلوع الشمس>. گفتنی است که <إتباع> (مصدر <أتبعوا>) در این جا به معنای ملحق شدن است.

وقت بعثت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۱ - ۳

۳ - <قال الصادق (ع): > أُنْتُت <أى بعثت فى أوقات مختلفة ;

امام صادق(ع) درباره <أُنْتُت> فرمود: یعنی [آن گاه که رسولان] در اوقات مختلف مبعوث شوند.<

وقت بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۷

۷- بیداری اصحاب کهف ، هم زمان با یکدیگر و در هنگامی بود که پاسی از روز باقی مانده بود .

قالوا لبثنا يوماً أو بعض .. فابعثوا أحدكم

از گفتگوی اصحاب کهف در باره مشخصات زمان خواب شان و نیز از تصمیم آنان به تهیه غذا از شهر، نکته فوق استفاده می شود.

وقت پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵- قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

يوم الدين

<دين> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۵

۵ - آخرت ، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثمّ يجزيه الجزاء الأوفى

به کار رفتن عبارت <الجزاء الأوفى> برای جزای اخروی، نشانگر آن

است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد؛ اما جزای کامل تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

وقت پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَاَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

وقت پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۹

۹- برخوردارى هر فرد ، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل ، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لِكُلِّ دَرَجَةٍ مَّمَّا عَمَلُوا و لِيُؤْفِقَهُمْ أَعْمَلَهُمْ و هُمْ لَا يُظْلَمُونَ

لام در <لِيُؤْفِقَهُمْ>، بیانگر غایت و هدف است و این که با <واو> آمده است (و لِيُؤْفِقَهُمْ) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخوردارى انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ -

۱۱ - قیامت زمان برداشت و پاداش اعمال نیک است .

فاستبقوا الخیرت این ما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً

جمله <این ما تکنونوا ..> تعلیل جمله قبل است، یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجام کارهای نیک پردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم الله جمیعاً فیبتئهم بما عملوا

وقت پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأما الذین ءامنوا .. و أما الذین کفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

وقت پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقرب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدرى> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدرى أقریب أم بعید ماتوعدون

وقت تأمین معاش

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۳

۳ خداوند، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان، برقرار کرده است.

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <الیل>؛ و به قرینه <لتسکنوا فیه> جمله <لتعملوا فیه>، بعد از لفظ <مبصراً> مقدر است؛ یعنی: هو الذی جعل لکم الیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۳ - ۶

۶ - روز، زمان مناسب برای تلاش و کوشش جهت تأمین زندگی است.

و من ءایته .. و النهار و ابتغاؤکم من فضله

برداشت بالا- همان گونه که برخی مفسران نیز گفته اند، بنابراین اساس است که در آیه، تقدیم و تأخیری به این صورت <و من آیاته منامکم بالیل و ابتغاؤکم من فضله بالنهار> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۲

۲۲ - روز، زمان مناسب برای تلاش اقتصادی و تأمین زندگی

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. یتغون من فضل الله

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که تلاش روزانه (یتغون..)) در برابر شب زنده داری (تقوم...اللیل) واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۱ - ۲

۲ - روز، زمانی مناسب برای فعالیت و فراهم سازی آذوقه زندگانی

و جعلنا النهار معاشاً

از جمله معانی < معاش >، < معیشت > است؛ یعنی، آنچه زندگی به آن

تداوم یابد (لسان العرب). مفاد آیه شریفه با توجه به این معنا، مبالغه در سبب بودن روز برای معیشت و زندگانی است.

وقت تأمین نیاز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۵

۵ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا > يقول : فراغاً طويلاً لنومك و لحاجتك ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا> روایت شده که خدا [به رسول خود] می فرماید: تو در روز برای خواب و رفع نیازهایت، فراغت طولانی خواهی داشت <.

وقت تجمع اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۱ - ۱

۱ - صاحبان بوستان یمنی در سپیده صبح ، همدیگر را صدا زده و در یک جا اجتماع کردند .

فتنادوا مصبحین

<مصبح> (مفرد <مصبحین>) به کسی گویند که در آغاز طلوع فجر (سپیده صبح) وارد شده باشد.

وقت تحقق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۲،۴،۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ صریح آگاه نبودن خویش ، از زمان تحقق وعده های خداوند به مردم

قل إن أدری أقرب ما توعدون

۲ - پیامبر (ص) ، نسبت به دور و نزدیک بودن تحقق وعده های الهی به کافران آگاه نبود .

قل إن أدری أقرب ما توعدون أم يجعل له ربی أمداً

<آمد> در اصل به معنای غایب و منتهای شیء است و در این آیه مقصود از آن به

قرینه <قریب> مدت طولانی است.

۴ - پرسش استهزاآمیز کافران حق ناپذیر ، از زمان تحقق وعده های الهی درباره خویش

أقرب ما توعدون أم يجعل له ربِّي أمدًا

آیه شریفه درصدد پاسخ به پرسش کافران درباره تحقق وعده های الهی است که در آیه قبل مطرح شده بود. از این رو برخی از مفسران نوشته اند که این آیه، درباره <نصرین حارث> است که او و همفکرانش پیوسته می گفتند: <متی هذا الوعد إن کنتم صادقین > (۱۰/۴۸).

وقت تسبیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۷ - ۳،۴

۳ - تسبیح و تنزیه خداوند ، در هر صبح و شام ، لازم است .

فسبحن الله حین تمسون و حین تصبحون

برداشت بالا، بنابراین است که <سبحان> بدل از فعل امر باشد.

۴ - صبح گاهان و شام گاهان ، لحظه هایی ویژه و مناسب برای تسبیح و عبادت خدا است .

فسبحن الله حین تمسون و حین تصبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۲،۴

۲ - تسبیح خداوند به هنگام شام گاه و نیم روز ، لازم است .

فسبحن الله .. و عشیًا و حین تطهرون

۴ - تسبیح خداوند در همه لحظه ها و فرصت ها ، لازم است .

فسبحن الله حین تمسون و حین تصبحون .. و عشیًا و حین تطهرون

احتمال دارد ذکر اوقات یاد شده که وقت های ممتاز شبانه روز است کنایه از همه لحظه های مناسب شبانه روز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۲

۳ - صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذکروا الله .. و سَبِّحُوهُ بَكْرَهُ و أُصِيلاً

بنابراین که <بکره> و <أصیلاً> به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۶

۶ - شبانگاه و بامداد ، بهترین وقت برای تسبیح پروردگار جهان

يَسْبِحُنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که تصریح به شبانگاه و بامداد به خاطر خصوصیت ویژه ای باشد که در آن دو زمان وجود دارد و قهراً این خصوصیت می تواند حاکی از برتری و امتیاز آن دو وقت باشد.

وقت تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱۵

۱۵ - سپیده دم و پسین گاه ، زمان های مناسب برای تسبیح خداوند

أَنْ سَبِّحُوا بِكْرَهُ و عَشِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۶،۷

۶ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ و قَبْلَ غُرُوبِهَا

<باء> در <بحمد ربك> یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب

<سَبِّحْ> گرچه مربوط به پیامبر(ص) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

۷- تسبیح و حمد پروردگار در برخی از

اوقات شب و در دو طرف روز، از وظایف پیامبر (ص) و مؤمنان

و من آتای الیل فسبح و أطراف النهار

<آناء> به معنای <ساعات و اوقات> است و <من> معنای تبعیض دارد. بنابراین <من آناء اللیل> یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. <بحمد ربك> در صدر آیه، قرینه براین است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱۰، ۱۳

۱۰ - منزل های عظمت یافته به اذن خداوند، محل تسبیح شبانه روزی مردمان شایسته است.

فی بیوت أذن الله أن ترفع .. یسبح له فیها بالغدو و الأصال

۱۳ - صبح و شب، موقعیت های بسیار مناسب برای تسبیح و تقدیس خداوند

یسبح له فیها بالغدو و الأصال

قید <بالغدو و الأصال> برای این نیست که تسبیح را به دو وقت صبح و شب مقید سازد. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن این دو وقت از میان دیگر وقت ها بیانگر مناسب تر بودن آن دو، برای تسبیح و عبادت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۶، ۱۲

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سبّح بحمد ربك بالعشی و الإبکر

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبّح بحمد ربك بالعشی و الإبکر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یاد شده برای تسبیح و حمد

به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۹

۹ - آغاز و پایان هر روز ، مناسب ترین لحظات برای یاد خدا و تسبیح او

و تسبّحوه بکره و اُصیلاً

اختصاص یافتن <بکره> و <اُصیلاً> به ذکر، ممکن است کنایه از همه لحظات نباشد، بلکه تأکیدی بر این دو مجال به حساب آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۵،۱۰

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور تسبیح و ستایش پروردگار ، قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلِ الْغُرُوبِ

۱۰ - > عن النبی (ص) فی قوله < و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلِ الْغُرُوبِ > قال : قبل طلوع الشمس صلاه الصبح ، و قبل الغروب صلاه العصر ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ..> روایت شده است که فرمود: [مراد از تسبیح] قبل از طلوع خورشید <نماز صبح> و [مراد از تسبیح] قبل از غروب <نماز عصر> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - شب هنگام ، وقت مناسب برای عبادت ، تسبیح و ستایش خداوند

و من الّیل فاسجد له و سبّحه لیلاً طویلاً

وقت تشخیص جنسیت جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - مشخص شدن جنسیت (نر و ماده بودن) ، پس از استقرار

نطفه در رحم

و أنه خلق الزوجين الذكر و الأنثى . من نطفه إذا تمنى

وصف <إذا تمنى>، می تواند بیانگر این معنا باشد که نوع زوجین و جنسیت آنها، پس از جریان نطفه و استقرار در رحم صورت می گیرد.

وقت تعیین سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۶

۶- شب قدر ، شب سرنوشت

فيها يفرق كل أمر حكيم

با این که در معنای آیه شریفه، احتمال های مختلفی رخ می نماید؛ اما پیام مشترک همه آنها مطلب یاد شده است. به علاوه که ارتباط این آیه با وصف <مبارکه> در آیه قبل، مؤید آن است.

وقت تقدیر آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴ - ۱

۱- شب قدر ، شب تقدیر ، تدبیر و تثبیت امور هستی

فيها يفرق كل أمر حكيم

واژه <يفرق> ممکن است ناظر به معنای حل و تثبیت امور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۵

۵ - مشخصات امور جهان در شب قدر ، تعیین می شود .

ليلة القدر

<قدر> در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ از جمله <تقدیر> (مصباح)؛ <تدبیر امور> (قاموس)؛ <تقسیم ارزاق>، <شرف> و <عظمت> (تاج العروس) و ... برداشت یاد شده ناظر به معنای اول و دوم است. مطلق بودن کلمه <قدر>، آن را شایسته تطبیق بر تمام مقدرات ساخته و <من کلّ أمر> (در ذیل سوره) گواه تعمیم است.

وقت تقسیم روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ -

۱۰ - > عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إنَّ الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال : لا و الله ما ذلك إلا في ليله تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإنَّ في ليله تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليله احدى و عشرين يفرق كلَّ أمر حكيم و في ليله ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلَّ جلاله ذلك و هي ليله القدر التي قال الله : < خير من ألف شهر > ;

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلَّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [در باره آن] فرموده: خیر من ألف شهر <.

وقت تلاش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۱ - ۲

۲ - روز، زمانی مناسب برای فعالیت و فراهم سازی آذوقه زندگانی

و جعلنا النهار معاشاً

از جمله معانی <معاش>، <معیشت>

است، یعنی، آنچه زندگی به آن تداوم یابد (لسان العرب). مفاد آیه شریفه با توجه به این معنا، مبالغه در سبب بودن روز برای معیشت و زندگانی است.

وقت توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی، نسبت به کافران حق ستیز، به شرط توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... ثُمَّ مَاتُوا و هُمْ كَفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ> نخواهد بود.

وقت تهجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- لحظات آرام و تیره شب، لحظاتی مناسب برای ارتباط با خدا و اوج گرفتن در مقامات معنوی

و من الَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ... عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا

هر چند عبادت در همه حالات مناسب است، اما اختصاص به ذکر شب از میان سایر اوقات بخصوص با لفظ <تَهَجَّدْ> که بیدار شدن از خواب را دربردارد می تواند بر نکته فوق دلالت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۵

۵- لزوم پرداختن به تهجد، پس از استراحت

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً

برخی از اهل لغت <ناشئه اللیل> را به برخاستن پس از خوابیدن (القومه بعد النومه) معنا کرده اند (قاموس المحيط).

وقت ثبت عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۷

۸ - نسخه برداری از اعمال آدمیان ، هم زمان با صدور عمل از سوی آنان *

إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ

تعبیر <إِنَّا كُنَّا..> با <ما کتتم...> هم وزن و هر دو ماضی استمراری است. این هماهنگی تعبیرها، افاده می کند که استنساخ عمل، هم زمان با خود عمل صورت گرفته است.

وقت حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۴،۵

۴ - از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

۵ - حج عبادتی است مشروط به وقت و ماهی خاص

قل هی موقیت للناس و الحج

<الحج> عطف به <الناس> می باشد؛ یعنی، هی موقیت الحج.

وقت حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۶،۷

۶ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

<باء> در <بحمد ربك> یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب

<سَبِّحْ> گرچه مربوط به پیامبر(ص) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

۷ - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز ، از وظایف پیامبر (ص) و مؤمنان

و من ءانآي اليل فسبح و أطراف النهار

<آناء> به معنای <ساعات و اوقات> است و <من> معنای

تبعیض دارد. بنابراین <من آناء اللیل> یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. <بحمد ربك> در صدر آیه، قرینه براین است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۶، ۱۲

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْرَکِ

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْرَکِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

وقت خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۰

۲۰ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: <یوم الجمعة سید الأيام... خلق الله فيه آدم واهبط فيه آدم إلى الأرض>

روز جمعه شریف ترین روزهاست... در آن روز خداوند آدم را آفرید و در همین روز او را به زمین فرستاد.

وقت خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۳، ۵

۳ خداوند، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان، برقرار کرده است.

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <اللیل> و به قرینه <لتسکنوا

فیه < جمله > لتعملوا فیه >، بعد از لفظ < مبصراً > مقدر است ؛ یعنی: هو الذی جعل لکم الیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

۵ شب ، ظرفی مناسب برای آرمیدن و روز فرصتی شایسته برای تلاش است .

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۳ - ۳

۳ - شب ، وقتی مناسب و طبیعی برای خواب است .

و من آیته منامکم بالیل و النهار

بنابراین که تقدیم و تأخیری در آیه باشد و < النهار > مجرور به حرف جر محذوف و متعلق به < إبتغاء > و < باللیل > متعلق به < منامکم > باشد، نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۵

۵ - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتاً . و جعلنا الیل لباساً

وقت خواب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۵

۵ - > عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < إِنَّ لَکَ فِی النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلاً > يقول : فراغاً طویلاً لنومک و لحاجتک ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: < إِنَّ لَکَ فِی النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلاً > روایت شده که خدا [به رسول خود] می فرماید: تو در روز برای خواب و رفع نیازهایت، فراغت طولانی خواهی داشت < .

وقت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱۵

۱۵ - ماه رمضان ، زمان مناسب برای دعا به درگاه خداوند

شهر رمضان

... و إذا سألك عبادى عنى فإنى أجب دعوه الدع

برداشت فوق بیانگر وجه ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۹

۹ بامدادان و شامگاهان، فرصتهایی مناسب برای نیایش و دعاست.

یدعون ربهم بالغدوه و العشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۸

۸- سپیده دم و پسین ، فرصت هایی مناسب برای دعا به درگاه خداوند است .

بالغدوه و العشی

مراد از <غده و عشی> ممکن است دو زمان مخصوص باشد و احتمال می رود تمام ساعات شبانه روز مورد نظر باشد.

برداشت بالا، ناظر به نخستین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۵

۱۵- خصوصیت های زمانی ، در اجابت دعا و درخواست آمرزش و رحمت دخیل است .

سأستغفر لك ربّی

وقت ذبح قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۲

۲ - مراسم قربانی ، دارای زمانی معین است .

لکم فیہا منفع إلی أجل مسئی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۳

۳ - مراسم قربانی ، دارای زمان مشخص در هریک از ادیان آسمانی پیشین

و لکلُّ أمَّه جعلنا منسکًا

وقت ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۱ - ۱۴

۱۴ آغاز و پایان روز ، از مناسبترین اوقات برای یاد خدا

و اذکر ربّک . . . بالعشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۲ - ۳

۳ - صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذکروا الله ... و سَبِّحُوهُ بِكْرِهِ و اَصِيلاً

بنابراین که <بکره> و <أصیلاً> به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده فهمیده می شود.

وقت ذکر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ و الْاَبْكَرِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یاد شده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۹

۹ - آغاز و پایان هر روز ، مناسب ترین لحظات برای یاد خدا و تسبیح او

و تَسْبِيحُوهُ بِكْرِهِ و اَصِيلاً

اختصاص یافتن <بکره> و <أصیلاً> به ذکر، ممکن است کنایه از همه لحظات نباشد، بلکه تأکیدی بر این دو مجال به حساب آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۹

۹- قبل از طلوع و غروب خورشید ، لحظه هایی مناسب برای یاد خدا *

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۸ - ۲

۲- لزوم ذکر و یاد کردن پروردگار در ضمن تلاش

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْعًا طَوِيلًا . و اذکر اسم رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۱،۵

۱ - ذکر نام پروردگار و یاد او در سپیده دم و پسین گاه ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر اسم رَبِّكَ بکره و أصیلاً

<بکره>، هم به فاصله میان نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود (لسان العرب) و هم به آغاز روز (مفردات راغب).
<أصیلاً> به فاصله میان عصر و مغرب گفته می شود (صحاح اللغه) و نیز به معنای آخر روز آمده است (العین). <ذکر> هم دو نوع است: ذکر با قلب و ذکر با زبان. (مفردات راغب)

۵ - سپیده دم و پسین گاه ، از اوقات مناسب برای ذکر و یاد خداوند

و اذکر اسم رَبِّكَ بکره و \$ أصیلاً

أصیلاً

وقت روزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۱

۱ - زمان روزه گرفتن ، روزهاست نه شبها

کتب علیکم الصیام .. آیاماً

<آیاماً> ظرف زمان برای <الصیام> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱

۱ - ماه رمضان ، ماهی که برای روزه گرفتن تعیین شده است .

کتب علیکم الصیام .. آیاماً معدودت ... شهر رمضان

<شهر رمضان> خبر برای مبتدای محذوف یعنی، <هی> است که به <آیاماً معدودات> بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۲۱

۲۱ - زمان روزه از طلوع فجر تا شب است .

ثم أتموا

۳۷ - فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت کرده: > فان قال: فلم جعل الصوم في شهر رمضان خاصة دون سائر الشهور؟ قيل لأن شهر رمضان هو الشهر الذي أنزل الله فيه القرآن وفيه فرق بين الحق والباطل كما قال الله عز وجل > شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان < وفيه نبىء محمد (ص) وفيه ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر... ;

اگر سؤال شود چرا روزه تنها در ماه رمضان واجب شده و در ماههای دیگر واجب نشده است؟ در جواب گفته می شود: چون ماه رمضان ماهی است که خداوند قرآن را در آن نازل کرده و در این ماه، حق و باطل را جدا کرده است. همان طور که خداوند فرموده > شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان <. در این ماه حضرت محمد(ص) پیامبر شد و شب قدر در این ماه است، شبی که از هزار ماه بهتر است ... <.

۹ - > عن أبي عبد الله (ع): ... إذا كانت ليلة ثلاث و عشرين (من رمضان) > فيها يفرق كل أمر حكيم < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: .

..هرگاه شب بیست سوم رمضان فرا رسد، هر کار با حکمتی فیصله می یابد<... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۱ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ - > عن اسحاق بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سمعته يقول و ناس يسألونه و يقولون إن الأرزاق تقسم ليله النصف من شعبان فقال : لا و الله ما ذلك إلا في ليله تسع عشره من شهر رمضان و احدى و عشرين و ثلاث و عشرين فإن في ليله تسع عشره يلتقى الجمعان و في ليله احدى و عشرين يفرق كل أمر حكيم و في ليله ثلاث و عشرين يمضى ما أراد الله جلّ جلاله ذلك و هي ليله القدر التي قال الله : > خير من ألف شهر >

اسحاق بن عمار گوید: شنیدم که امام صادق(ع)، در جواب مردمی که از او سؤال می نمودند و می گفتند: ارزاق در شب نیمه شعبان تقسیم می شود، فرمود: سوگند به خداوند، چنین نیست، آن تقسیم انجام نمی گیرد مگر در شب نوزدهم ماه رمضان، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم؛ زیرا در شب نوزدهم دو مجموعه [از چیزهایی که باید مقدم افتد یا مؤخر افتد] فراهم می گردد و در شب بیست و یکم، هر امری که محکم و به هم پیوسته باشد، جدا و تنظیم می شود و شب بیست و سوم آنچه خداوند جلّ جلاله اراده فرموده، تنفیذ و اجرا می گردد و آن شب قدر است که خداوند [درباره آن] فرموده: خیر من ألف شهر<.

۱۱ - > عن زراره عن أبي جعفر

(ع) قال : سألته عن ليلة القدر قال : هي إحدى و عشرين أو ثلاث و عشرين ؛

زراره گوید: از امام باقر(ع) از شب قدر سؤال کردم، حضرت فرمود: شب قدر شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم است.<

۱۲ - > عن ابن عمر قال : قال رسول الله (ص) : التمسوا ليلة القدر ليلة سبع و عشرين ؛

از ابن عمر روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: شب قدر را در شب بیست و هفتم بخواهید.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۵ - ۵

۵ - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف <حتّی> که برای بیان انتهای غایت است دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

وقت شکست حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی

و تنها در اختیار خداوند است .

حَتَّىٰ إِذَا آوَا مَا يُوعَدُونَ.. اقرب ما توعدون... علم الغيب

تعریف <الغيب> برای استغراق است؛ یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد؛ یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

وقت شکست کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لكم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت شکست مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لكم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت شناسی در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۱۷ ضرورت بهره گیری مبلغان دینی ، از فرصت های مناسب برای ارشاد و هدایت مردم

أءنك لأنت يوسف قال أنا يوسف . . من يتق و يصبر

وقت طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۸

۸- بامداد و عصر ، وقت هایی مناسب برای غذا خوردن

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًا

وقت طلوع فجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۲۲

۲۲ - آن هنگام که رشته سفید ظاهر شده در افق از رشته سیاه شب تمیز داده شود ، هنگام فجر است .

حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر

حرف <من> در <من الفجر> بیان برای <الخيط الأبيض> است ، یعنی ، آن رشته سفید همان فجر است.

وقت عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۷ - ۵

۵ - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها ، برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن الله حين تمسون و حين تصبحون

زمان ها، از حیث این که مقدار حرکت ماده اند، تفاوتی با هم ندارند، اما از این که برخی ایام برای تسبیح خداوند مناسب

معرفی شده اند، استفاده می شود که زمان ها، تفاوت معنوی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۵،۶

۵ - ظهر و عشا ، لحظه هایی مناسب و ممتاز برای عبادت خداوند است .

فسبحن الله .. و له الحمد ... و عشياً و حين تطهرون

در

صورتی که مراد از <حین تظہرون> همان لحظه های خاص عصر گاه و نیم روز باشد، این برداشت قابل استفاده است.

۶- زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن الله .. و عشیاً و حین تظہرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۷ - ۶

۶- شب هنگام ، وقت مناسب و شایسته برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی \$

کانوا قليلاً من الیل ما یهجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۷

۷- بخش نخست شب ، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إنّ ناشئہ الیل هی أشدّ وطأ

یکی از معانی <ناشئہ الیل> ، ساعات اول شب است (قاموس المحيط).

وقت عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۸،۹

۸- کیفر و عذاب خداوند ، تابع سنّتِ اجلّ تعیین شده او است .

و لولا أجلّ مسّمی لجاہم العذاب

۹- عذاب تعیین شده برای کافران ، به خاطر اجلّ معین ، تأخیر دارد و لکن تحقق اش قطعی است .

و لولا أجلّ مسّمی لجاہم العذاب

وقت عذاب اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱۳

۱۳ کفرپیشگان قوم شعیب ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند .

فأصبحوا في ديرههم جثمين

<أصبحوا> می تواند به معنای <دخلوا في الصباح> (به صبح وارد شدند) باشد و نیز می تواند به معنای <صاروا> (شدند و گشتند) باشد.

بر اساس معنای نخست، جمله <فأصبحوا> دلالت می کند که هلاکت قوم شعیب در آغاز صبحدم بوده است و صیحه و غرش به قرینه <فاء> در <فأصبحوا> پیش از صبح^۲ یعنی، در شب تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۷ - ۴

۴ - زلزله مدین ، در شب رخ داد .

فأخذتهم الرجفة فأصبحوا فی دارهم جثمین

احتمال دارد که <أصبحوا> به معنای <دخلوا فی الصبح> باشد. بنابراین، زلزله، در شب اتفاق افتاده است.

وقت عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲، ۱۳

۱۲- پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

وقت عذاب قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۹

۹ کفرپیشگان قوم ثمود ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاه به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا في ديرههم جثمين

چنان چه <أصبحوا> به معنای <دخلوا في الصباح> باشد دلالت می کند که هلاکت آنان ، در صبحدم بوده است. در نتیجه صبحه و غرش به قرینه فاء در <فأصبحوا> پیش از صبح^۱ یعنی

در شب بر قوم ثمود نازل شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۳ - ۱

۱- اصحاب حجر (قوم ثمود) پس از تکذیب رسولان و اعراض از معجزات و آیات الهی، صبحگاهان گرفتار صدای وحشتناک و غرش سهمگین شدند.

و لقد كذب أصحاب الحجر المرسلين . و آتینهم آیتنا ... معرضین ... فأخذتهم الصبی

وقت عذاب قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۱،۴

۱- اظهار بی اطلاعی هود (ع)، از کیفیت و زمان نزول عذاب الهی بر کافران قومش

فأتنا .. قال إنما العلم عند الله

۴- هود (ع)، تنها موظف به ابلاغ رسالت خویش و نه تعیین زمان عذاب و آوردن آن

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما العلم عند الله و أبلغكم ما أرسلت به

وقت عذاب قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۸، ۲۳، ۳

۳ فرشتگان، فرا رسیدن زمان عذاب و کیفر قوم لوط را به حضرت لوط (ع) ابلاغ کردند.

إنا رسل ربك لن يصلوا إليك فأسر .. أليس الصبح بقريب

۲۳ صبحگاه ورود فرشتگان به دیار قوم لوط، زمان مقرر شده برای نزول عذاب بر آن قوم

إن موعدهم الصبح

<ال> در <الصبح> جانشین مضاف الیه است. بنابراین <إن موعدهم الصبح> یعنی: پگاه امشب، زمان عذاب موعود قوم لوط می باشد.

۲۸ > عن أبي بصير و غيره عن أحدهما عليهما السلام: ... لما قال جبرئيل:

> إنا رسل ربك < قال له لوط : يا جبرئيل عَجَل ، قال : نعم ، قال : يا جبرئيل عَجَل ، قال : > إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب < . . . فأدخل جناحه تحتها حتى إذا استعلت قلبها عليهم و رمى جدران المدينة بحجار من سَجِيل و سمعت إمرأه لوط الّهْدَه فهلكت منها ;

ابوبصير و غير او از امام باقر يا امام صادق عليهما السلام روايت کرده اند که فرمود: هنگامی که جبرئیل به لوط گفت: ما فرشتگان، فرستادگان پروردگار تو هستیم، لوط به او گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: باشد. لوط گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: <موعده هلاکت آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟>... پس بال خود را به زیر زمین آن دیار فرو برد، آن گاه که آن آبادی بالا رفت آن را به روی آنان واژگون کرد و دیوارهای شهر را با سجیل (سنگ گِل) سنگباران کرد. همسر لوط صدای شدید فرو ریختن دیوارها را شنید و از آن صدا به هلاکت رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۴

۴- عذاب و هلاکت قوم لوط ، در صبحگاهان تحقق پذیرفت .

أن دابر هؤلاء مقطوع مصبحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - نزول عذاب بر قوم لوط ، در صبحگاهان

و لقد صَبَّحَهُم بكرة عذاب مستقر

۲ - وزش طوفان شن بر قوم لوط ، در نخستین ساعات روز

إنا أرسلنا عليهم حاصبا . . . و لقد صَبَّحَهُم بكرة عذاب

وقت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲، ۱۳

۱۲- پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیہ است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۵، ۱۰

۵ - عذاب های تعیین شده از سوی خداوند برای کافران ، دارای اجل و وقت معینی است .

و لولا أجل مسمی لجاہم العذاب

۱۰ - عذاب کافران در موعد مقرر ، به صورت ناگهانی ، آنان را فراخواهد گرفت .

و لیأتینہم بغتہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۷

۷ - کافران ، اگر به خاطر اجل تعیین شده در دنیا ، گرفتار عذاب نشوند ، عذاب اخروی شان قطعی است .

و يستعجلونک بالعذاب و لولا أجل مسمی لجاہم العذاب . . . يستعجلونک بالعذاب و إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲- زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حَتَّىٰ إِذَا آوَا مَا يُوعَدُونَ.. اقرب ما توعدون... علم الغيب

تعريف <الغيب> برای استغراق است؛ یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب>

خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۳

۳- امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران ، به وسیله وحی و الهام خداوند

قل إن أدری أقرب ما توعدون .. إلا من ارتضى من رسول

وقت عذاب گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۶

۱۶- تأخیر یافتن زمان عذاب برخی از گمراهان تا آخرت و ترک عذاب آنان در دنیا ، مهلت خداوند به آنان است .

فليمدد له الرحمن مدًا حتّى إذا رأوا ما يوعدون إمّا العذاب و إمّا الساعة

وقت عذاب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲،۱۳

۱۲- پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقرب أم بعيد ما توعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدري أقریب أم بعید ماتوعدون

وقت غسل در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۵

۱۵ - در صورت مباشرت با همسران ، در شب های رمضان ، باید پیش از طلوع فجر غسل کرد . *

فالن بشروهن و ابتغوا ما كتب الله لكم .. حتى يتبين لكم الخيط الأبيض

برخی از مفسران بر آنند که مراد از < ما كتب الله > تحصیل طهارت است ؛ چنانچه در سوره مائده (آیه ۶) آمده است: < و إن كنتم جنباً فاطهروا .. أو لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيداً طيباً > .

وقت فراغت محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۳

۳ - فراغت بال پیامبر (ص) در شب

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

وقت فضیلت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۸،۱۵

۸- مطلوبیت و فضیلت اقامه نماز صبح در اول وقت (طلوع فجر)

و قرآن الفجر

با اینکه وقت نماز صبح نیز موسع است و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب مجال دارد، اضافه شدن نماز به < فجر > اهمیت و فضیلت اول وقت را می رساند.

۱۵- > عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبي عبد الله (ع) : أخبرني بأفضل المواقيت في صلاة الفجر ؟ فقال : مع طلوع الفجر ان الله عز وجل يقول : > و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً > یعنی صلاة الفجر تشهده ملائكة الليل و ملائكة النهار فإذا صلى العبد الصبح مع طلوع الفجر ثبتت له مرتين اثبتها ملائكة الليل و ملائكة النهار ؛

اسحاق بن عمار گوید: به

امام صادق(ع) عرض کردم: مرا از با فضیلت ترین اوقات نماز صبح خبر ده، حضرت فرمود: نمازی است که همگام با طلوع فجر باشد. همانا خداوند عزوجل می فرماید: <و قرآن الفجر إن الفجر كان مشهوداً> مقصود نماز طلوع فجر است که فرشتگان مأمور شب و فرشتگان مأمور روز همگی با هم در آن هنگام حضور دارند و بر آن شهادت می دهند. پس زمانی که بنده نماز صبح را همگام با طلوع فجر به جا می آورد، نماز صبح او دو بار ثبت می شود: یک بار [توسط] فرشتگان مأمور شب و بار دیگر [به وسیله] فرشتگان مأمور روز.<

وقت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۹

۹ - انجام تکلیف قربانی ، موقوف به زمانی خاص و معین (دهم تا سیزدهم ذی حجه)

و یذکروا اسم الله فی ایام معلومت علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

براساس روایاتی که از اهل بیت(ع) وارد شده است، مراد از <ایام معلومات>، ایام تشریق (دهم تا سیزدهم) ذی حجه است.

وقت قضای روزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۶

۶ - قضای روزه های رمضان ، مشروط به وقتی خاص نیست .

فعدة من ایام آخر

تعیین <ایاماً معدودات> به ماه رمضان - که در آیه بعد مطرح شده - و عدم تعیین <ایام آخر> به روزها و یا ماهی خاص، بیانگر این است که برای قضای روزه های رمضان وقت خاصی در نظر گرفته نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱۸

۱۸ - قضای روزه های ماه رمضان مشروط به زمانی خاص نیست .

فعدة من أيام آخر

دلیل این برداشت، نظیر استدلالی است که در برداشت شماره ۶ در آیه قبل گذشت.

وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۵، ۳، ۱

۱ خداوند برای برپایی قیامت ، زمان مشخصی را تعیین کرده است .

و ما نؤخره إلا لأجل معدود

۳ برای تأخیر قیامت ، دلیل و علتی جز انتظار فرارسیدن زمان مخصوص آن وجود ندارد .

و ما نؤخره إلا لأجل معدود

برداشت فوق ، بر این مبناست که لام در <لأجل> برای تعلیل باشد.

۵ تا برپایی قیامت ، تنها زمانی اندک باقی مانده است .

و ما نؤخره إلا لأجل معدود

کلمه <معدود> (شمارش دار) به اندک بودن تعداد اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۷

۷ دانش بشر ناتوان از پیش بینی زمان برپایی قیامت حتی به صورت احتمال

أو تأتيهم الساعة بغتة وهم لا يشعرون

در صورتی می توان گفت چیزی ناگهانی و بی خبر تحقق یافت که آدمی زمان تحقق آن را حتی به صورت احتمال و حدس تعیین نکرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۸ - ۲

۲- روز قیامت و زمان دقیق برپایی آن ، مشخص و معلوم در نزد خداوند

فأنظرنی إلى یوم یبعثون . قال فإنک من المنظرین . إلى یوم الوقت المعلوم

برداشت فوق، بر این اساس است که مقصود از <الوقت المعلوم> روز رستاخیز و قیامت باشد و نام

گذاری آن روز به <وقت معلوم> برای این است که تنها خدا، زمان دقیق آن را می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۵

۵- نزدیکی برپایی قیامت در نظر خداوند ، علی رغم دور جلوه کردن آن در چشم آدمیان

و ما أمر الساعة إلا كلمح البصر أو هو أقرب

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أمر الساعة> رخداد قیامت باشد نه فرمان برپایی آن؛ که در این صورت آیه می تواند به بینش آدمیان نسبت به دور بودن قیامت اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۰، ۲۱ - ۱۷

۱۷- مشرکان ، انتظار داشتند که پیامبر (ص) به زمان وقوع قیامت آگاه باشد .

و يقولون متى هو قل عسى أن يكون قريباً

۲۰- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ دادن سؤال مشرکان درباره زمان وقوع قیامت به اینکه امید است به زودی تحقق یابد .

متى هو قل عسى أن يكون قريباً

۲۱- زمان وقوع قیامت ، نزدیک است .

و يقولون متى هو قل عسى أن يكون قريباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند به اراده خویش ، زمان برپایی قیامت را از انسان ها مخفی نگه داشته است .

أَكَادُ أَخْفِيهَا

در قاموس آمده است که <أَكَادُ> (در این آیه) به معنای <آرید> است و <أَكَادُ أَخْفِيهَا>؛ یعنی، اراده می کنم که آن را مخفی نگه دارم، براین اساس مراد از اخفای قیامت، پنهان داشتن زمان وقوع آن خواهد

بود، نه اصل وقوع آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۹

۹- زمان فروپاشی نظام طبیعت و برپایی قیامت ، زمانی معین در نزد خداوند

إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

<ال> در <الساعة> برای عهد است. بنابراین <الساعة> آن هنگام اشاره به زمانی مشخص و معین دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۴

۴- زمان برپایی قیامت ، زمانی است مشخص در پیشگاه خداوند .

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً

به کارگیری <ساعة> با الف و لام عهد بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۷۸

۷- خداوند ، آگاه به زمان بازگشت انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ يَوْمَ يَرْجِعُونَ إِلَيْهِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <و یوم..> عطف بر <ما أنتم...> باشد.

۸- مالکیت خداوند بر جهان هستی ، نشان آگاهی او از زمان رجعت و بازگردانیده شدن انسان به سوی او (زمان رستاخیز) است .

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ يَوْمَ يَرْجِعُونَ إِلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- زمان برپایی قیامت ، از امور غیبی و علم آن تنها در اختیار خداوند

قل لا یعلم .. الغیب إلاّ الله و ما یشعرون أیّان یبعثون

از ارتباط <أیّان یبعثون> با <الغیب> استفاده می شود که رستاخیز، خود مصداق و

نمونه ای از امور غیبی است که دانش آن تنها در اختیار خدا است.

۶- آگاهی نداشتن غیرخدا به لحظه برپایی رستاخیز، دلیل شایسته نبودن غیر او برای پرستش

و ما یشعرون أئان یبعثون

با توجه به این که معبودهای دروغین مشرکان، از مصادیق مورد نظر در <ما یشعرون> هستند، از ارتباط آن با صدر آیه استفاده می شود که موجوداتی که زمان رستاخیز بر آنها مکشوف نباشد، اصولاً نمی توانند به عنوان معبود شناخته شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۳

۳- پرستش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا.. و یقولون متی هذا الوعد

مراد از <الوعد> به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۶

۶- زمان برپایی قیامت، در آخرین لحظه های پایانی دنیا است. *

و یوم تقوم الساعة

نامیده شدن قیامت به <الساعة> ممکن است به جهت این باشد که قیامت، در آخرین دقیقه ها و لحظه های عمر دنیا رخ می دهد و از این رو، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۲

۱۲- کافران، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن، همواره، در جهل و بی اطلاعی اند.

یقسم المجرمون... فهذا یوم البعث و لکنکم کنتم لاتعلمون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۴ - ۱

۱ - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱۰، ۹، ۷، ۶، ۵، ۴، ۱

۱ - سؤال های پی در پی مردم ، از پیامبر (ص) درباره وقت وقوع قیامت

يسئلك الناس عن الساعة .. لعل الساعة تكون قريباً

<قریباً> قرینه است بر این که پرسش مردم از قیامت، درباره زمان وقوع آن بوده است.

۴ - آگاهی از زمان وقوع قیامت ، امری برای مردم بس مهم بود .

يسئلك الناس عن الساعة

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، با طرح پرسش هایی از امور غیبی ، مانند < زمان وقوع قیامت > ، در صدد استهزای پیامبر (ص) بودند .

لئن لم ينته المنافقون و الذين في قلوبهم مرض .. يسئلك الناس عن الساعة

بنابراین که <ال> در <الناس> عهد ذکر می باشد و به منافقان و بیماردلان در آیه شصت برگردد، نکته بالا، قابل استفاده است.

۶ - پیامبر (ص) نیز از زمان وقوع قیامت بی اطلاع بود .

يسئلك الناس عن الساعة .. و ما يدريك لعل الساعة تكون قريباً

۷ - پیامبر (ص) هیچ راهی برای آگاهی از زمان وقوع قیامت ندارد .

و ما يدريك لعل الساعة تكون قريباً

<ما> در <ما يدريك> استفهامیه و مبتدا، و جمله بعدی، خبر آن است و معنای عبارت چنین است: چه چیزی تو را آگاه می

کند از وقت وقوع قیامت؟

۹- پاسخ خداوند به پرسش مردم درباره زمان قیامت ، این است

که جز خدا، کسی خیر ندارد .

يسئلك الناس عن الساعة قل إنما علمها عند الله

۱۰ - زمان وقوع قیامت ، از اخبار غیبی است .

قل إنما علمها عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۶، ۵، ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و يقولون متى هذا الوعد .. قل لكم معاد يوم لا تستأخرون عنه ساعه

۵ - زمان وقوع قیامت ، تغییر ناپذیر است .

قل لكم معاد يوم لا تستأخرون عنه ساعه و لا تستقدمون

۶ - زمان وقوع قیامت ، برای هیچ کس روشن نیست .

يقولون متى هذا الوعد .. قل لكم معاد يوم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، به سؤال درباره زمان وقوع پاسخ نداده و تنها به حتمی بودن وقوع آن بسنده کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت ، روزی است قریب الوقوع .

يوم الأزفه

<الأزفه> اسم فاعل از فعل <أزِفَ به معنای <قَرَّبَ> می باشد. <يوم الأزفه> یعنی، روز نزدیک شونده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آگاهی به زمان برپایی قیامت ، در انحصار خداوند است .

إليه يردّ علم الساعة

تقديم <إليه> بر <يردّ> مفيد حصر است.

۲ - قیامت و زمان برپایی آن ، مورد پرسش مشرکان عصر بعثت

إليه يردّ علم الساعة

۳ - آگاهی خداوند از زمان برپایی قیامت ، لازمه ربوبیت او است .

و ما ربّك بظلم .. إليه يردّ علم

با توجه به رجوع ضمیر <إليه> به <ربك> در آیه قبل، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ - امکان برپایی قیامت ، در هر لحظه از زمان

و ما یدریک لعلّ الساعة قریب

۱۲ - زمان وقوع قیامت ، مخفی و پنهان حتی برای پیامبر (ص)

و ما یدریک لعلّ الساعة قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۹

۹ - تعیین زمان برپایی قیامت ، در اختیار خداوند و در گرو مشیت او است .

و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

با توجه به این که زمان جمع آوری موجودات روز قیامت است، از آیه شریفه استفاده می شود که تعیین زمان آن وابسته به اراده و مشیت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۵

۵ - آگاهی به زمان برپایی قیامت مختص خداوند است .

له ملک السموت و الأرض .. و عنده علم الساعة

از تقدم خبر بر مبتدا، حصر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سؤال تمسخر آمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیّان یوم الدّین

از آیات قبل و بعد، تمسخر آمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود؛ زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- واقعه - ۵۶ - ۵۰ - ۴

۴ - زمان برپایی قیامت ، معلوم و مشخص نزد خداوند

إلى ميقت يوم معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۱ - ۴

۴ - زمان برپایی رستاخیز ، خارج از قلمرو دانش بشر

و ننشکم فی ما لاتعلمون

<ما کی موصوله در <فیما>، می تواند کنایه از کیفیت خلقت اخروی و یا کنایه از زمان حیات مجدد یافتن انسان در آخرت باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است؛ یعنی، ما مرگ را بر این اساس مقدر کردیم که در زمانی که نمی دانید، شما را بار دیگر ایجاد کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۱،۷

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

و يقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> حقیقی نیست؛ بلکه از باب تهکم و استهزا است.

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است

بل لَجُوا فِي عَتْوٍ وَ نَفُورٍ .. و يقولون متی هذا الوعد إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۲،۳،۵

۲ - آگاهی از زمان دقیق برپایی قیامت ، تنها در انحصار خداوند است و هیچ کس از آن باخبر نیست .

و يقولون متى هذا الوعد .. قل إنّما العلم عند الله

۳- پیامبر (ص) ، موظف به اعلام بی اطلاعی خویش از زمان فرا رسیدن قیامت

قل إنّما العلم عند

پاسخ پیامبر(ص) (علم به زمان برپایی قیامت تنها در انحصار خداوند است)، می رساند که خود آن حضرت نیز از آن آگاهی نداشت.

۵ - پیامبر (ص) ، تنها عهده دار انذار مردمان ، درباره برپایی قیامت بود ، نه مشخص ساختن زمان دقیق آن .

قل إنّما العلم عند الله و إنّما أنا نذیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که حصر در <إنّما أنا نذیر> حصر اضافی بوده و نسبت به علم به زمان برپایی قیامت سنجیده شده است؛ یعنی، من تنها انذار گر به وقوع قیامت هستم، نه بیش از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتی اذا اوا ما یوعدون .. اقرب ما توعدون... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است؛ یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد؛ یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۳

۳ - امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران ، به وسیله وحی و الهام خداوند

قل إنّ أدری اقرب ما توعدون .. إلا من ارتضی من رسول

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۱،۲

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

یَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۵

۵ - قیامت ، از دیر زمان و در علم خداوند ، دارای زمانی مشخص بوده است .

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ كَانَ مِيقَاتًا

فعل <كان> دلالت دارد که وقت قیامت از پیش مشخص بوده است. <میقات> گرچه اسم آلت است ولی معنای <وقت> دارد؛ نظیر میعاد و میلاد که از اسم آلت بودن خارج شده و به معنای مصدر خود استعمال شده اند. متعلق میقات به قرینه سیاق کلام محشور شدن و مجازات دیدن است؛ یعنی، قیامت وقت مشخص شده برای این حوادث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۱

۱ - تنها خداوند ، خصوصیات قیامت و زمان وقوع آن را می داند .

إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهِيهَا

<منتهاها> به قرینه سیاق آیات پیشین به معنای منتهای علم به قیامت و شناخت خصوصیات و زمان آن است. تقدیم <إلى> ربك <بیانگر حصر است.>

وقت کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شب ، فرصتی مناسب برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی و روز ، زمانی شایسته برای تلاش و رسیدگی به امور زندگی

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

<سبح>

در معانی متعددی به کار می رود؛ از جمله سعی و تلاش برای معاش (قاموس المحيط). جمله <إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ>، تعلیل دیگری برای <قسم الليل> است؛ یعنی، چون در روز به خاطر تلاش طولانی برای معاش، فرصت و فراغت برای مناجات و عبادت نیست، شب را برای این کار اختصاص بده.

وقت کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قیامت، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است.

یوم الدین

<دین> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۵

۵ - آخرت، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثمَّ يَجْزِيهِ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى

به کار رفتن عبارت <الجزاء الأوفى> برای جزای اخروی، نشانگر آن است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد؛ اما جزای کامل تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

وقت کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۹

۹- برخورداری هر فرد ، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل ، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لکلّ درجت ممّا عملوا و

لِيُوفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

لام در <لِيُوفِّيَهُمْ>، بیانگر غایت و هدف است و این که با <واو> آمده است (و لِيُوفِّيَهُمْ) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا

وقت گواهی اخروی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۲ - ۱

۱ - گواهی پیامبران بر امت های خویش ، دارای وقتی معین در عرصه قیامت

وَ إِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتْ . لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ

<أَيِّ> اسم استفهام و یا موصوله و مفید تعظیم و تهویل است. <أُجِّلَتْ> به معنای <أُخِّرَتْ> است. در این برداشت مرجع ضمیر فاعلی <أُجِّلَتْ>، میقات و گواهی پیامبران (قابل استفاده از آیه قبل) دانسته شد.

وقت لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۴، ۶، ۵

۵ لحظه مرگ ، زمان ملاقات انسان با خدا و آشکار شدن حق برای اوست .

یوم یلقونه

مراد از <یوم یلقونه> می تواند مرگ باشد و همچنین می تواند قیامت باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۶ قیامت ، روز ملاقات انسان با خدا

یوم یلقونه

۱۴ از علی (ع) روایت شده که : > و اما قوله تعالی : ..

. < إلى يوم يلقونه بما أخلفوا الله ما وعدوه . . . یعنی البعث فسّمَاهُ اللهُ عز و جل لقائه ۷

مراد از <یوم یلقونه> در آیه شریفه، روز رستاخیز است که خدای عز و جل آن را روز لقای خود نامیده است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۱

۱ قیامت ، روز دیدار با خداست .

إن الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۵

۵ قیامت ، روز دیدار با خداوند

قال الذين لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۳

۳ قیامت ، روز ملاقات انسان ها با خدا

لا يرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵ - ۴،۵،۲

۲ - لقای الهی ، موعد مشخصی دارد .

من كان يرجوا لقاء الله فإنَّ أجل الله لأت

۴ - قیامت ، ظرف تحقق لقاء الله و حضور در پیشگاه خداوند است .

من كان يرجوا لقاء الله فإنَّ أجل الله لأت

<لقاء الله> عبارت است از این که انسان، در جایی قرار بگیرد که میان او و خداوند، هیچ حجابی نباشد و این، همانا، روز قیامت است.

۵- لقاء الله، پس از مرگ، برای مشتاقان به آن، تحقق پیدا می کند.

من كان يرجوا لقاء الله فإنَّ أجل الله لأت

<أجل> در اصل، به معنای <مدت تعیین شده برای هر چیز> است و در <مدت تعیین شده برای حیات انسان> که از آن، به <مرگ> تعبیر

می شود نیز استعمال می شود (مفردات راغب) بنابر معنای استعمالی آن، احتمال دارد مراد از <أجل الله> مرگی باشد که خداوند، برای انسان ها، مقرر کرده است. در این صورت، <فإن أجل الله لأت> اشعار دارد که لقاءالله، پس از مرگ، جامه عمل می پوشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۱۴

۱۴ - قیامت ، جایگاه ملاقات مردم با خداوند است .

و إن كثيرًا من الناس بلقاء ربهم لكفرون

مراد از <لقاء ربهم> برپایی قیامت است. اطلاق <لقاء رب> برای قیامت، از باب اطلاق فعل بر ظرفِ تحقق آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۴

۴ - آخرت ، ظرف ملاقات انسان ها با خداوند است .

الذين .. كذبوا ... و لقاء الأخره

تعبیر از <تکذیب آخرت> به <تکذیب لقای آخرت>، می تواند به منظور بیان این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۲

۲ - قیامت ، روز ملاقات و دیدار با پروردگار

ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۸

۸ - قیامت ، میعاد ملاقات انسان با خداوند است .

وقت مبارزه با موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۳،۴

۳ - گردآوری ساحران ، برای هموردی با موسی (ع) در وقت و روزی معین (پیش از ظهر روز عید) بود .

فجمع السحره

<میقات> به زمان معین گفته می شود و مراد از آن در این جا به قرینه آیه ۵۹ سوره طه پیش از ظهر (ضحی) می باشد. مقصود از <یوم معلوم> به دلیل آیه یاد شده روز جشن (یوم الزینه) است و روز جشن همان روز عید می باشد.

۴- اهمیت زمان و روز خاص در بازتاب هموردی موسی (ع) با ساحران در نگاه فرعونیان

فجمع السحره لمیقت یوم معلوم

تصریح به زمان معین، نشانگر اهمیت و نقش آن است .

وقت مبارزه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۳،۴

۳- گردآوری ساحران ، برای هموردی با موسی (ع) در وقت و روزی معین (پیش از ظهر روز عید) بود .

فجمع السحره لمیقت یوم معلوم

<میقات> به زمان معین گفته می شود و مراد از آن در این جا به قرینه آیه ۵۹ سوره طه پیش از ظهر (ضحی) می باشد. مقصود از <یوم معلوم> به دلیل آیه یاد شده روز جشن (یوم الزینه) است و روز جشن همان روز عید می باشد.

۴- اهمیت زمان و روز خاص در بازتاب هموردی موسی (ع) با ساحران در نگاه فرعونیان

فجمع السحره لمیقت یوم معلوم

تصریح به زمان معین، نشانگر اهمیت و نقش آن است .

وقت محرومیت از تعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲۱

۲۱- قوای جسمی و عقلی در مرحله نهایی پیری ، به درجه ای کاهش می یابد که انسان از فراگیری

محروم می ماند و تمامی دانسته های پیشین خود را از دست می دهد .

منکم من یردّ إلى أرذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئاً

وقت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۱ - ۴

۴ - هرکس ، دارای اجل (زمان مردن) معینی است که فرا خواهد رسید .

و لن يؤخر الله نفساً إذا جاء أجلها

وقت میوه چینی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۲ - ۱

۱ - باغداران یمنی ، همدیگر را به چیدن میوه ها در سپیده صبح تحریک و ترغیب کردند .

أن اغدوا علی حرثکم إن کنتم صرمین

وقت نابودی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۹

۹- زمان فروپاشی نظام طبیعت و برپایی قیامت ، زمانی معین در نزد خداوند

إن زلزله الساعة شیء عظیم

<ال> در <الساعة> برای عهد است. بنابراین <الساعة> آن هنگام اشاره به زمانی مشخص و معین دارد.

وقت نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۴

۴ - نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نَجِیْنَهُمْ بِسَحْرِ

وقت نزول بلا بر باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۹ - ۲

۲ - در خواب بودن باغداران یمنی ، به هنگام نزول بلای ویرانگر بر بوستان آنان

فَطَافَ . . . وَ هُمْ نَائِمُونَ

وقت نزول زبور

جلد - نام سوره -

۱۲- > [النبي (ص)] قال : ... أما العشرون : أنزل الزبور على داود في عشرين يوماً خلون من شهر رمضان و ذلك قوله في القرآن : > و آتينا داود زبوراً < ... ;

پیامبر(ص) فرمود: .. اما بیست ... مقصود بیستم ماه رمضان است که در آن زبور بر داوود نازل شد و این سخن خدا در قرآن است که می فرماید: و آتینا داود زبوراً...<.

وقت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- > عن حُمران أنه سأل أبا جعفر (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ > إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكَةِ < قال : نعم هي ليلة القدر و هي في كلِّ سنة في شهر رمضان في العشر الأواخر فلم ينزل القرآن إلا في ليلة القدر . . . ;

از حمران روایت شده است که از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند عزوجل > إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكَةِ < سؤال کرد؛ حضرت فرمود: آری آن شب مبارک، همان شب قدر است و آن در هر سال در ماه رمضان، در ده روز آخر آن است، و قرآن نازل نگشته مگر در شب قدر. ..<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- قرآن ، در شب قدر نازل شده است .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

وقت نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ زمان و حالت نزول وحی دارای خصوصیتی ویژه می باشد .

و إن تسئلوا عنها حين ينزل القرآن تبدلکم

وقت نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۳ - ۸

۸ نماز را باید در اوقاتی خاص و معین برپا کرد .

ان الصلوه كانت على المؤمنین كتباً موقوتاً

<موقوتاً> از ماده <وقت>، به معنای زمان مشخص و محدود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۷

۷ - بخش نخست شب ، زمان مناسب برای عبادت و نماز

إن ناشئه الیل هی أشدّ وطاً

یکی از معانی <ناشئه اللیل>، ساعات اول شب است (قاموس المحيط).

وقت نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۶

۶ - برگزاری نماز شب ، اختصاص به ساعتی مشخص ندارد .

إن ناشئه الیل

<ناشئه اللیل>، به معنای هر ساعتی از شب نیز آمده است (قاموس المحيط).

۳۷ - > عن علی بن مهزیار قال : كتب ابوالحسن بن الحصین إلى أبی جعفر الثانی (ع) معی جعلت فداک ، قد اختلفت موالوک فی صلاه الفجر فمنهم من یصلی إذا طلع الفجر الأول المستطیل فی السماء و منهم من یصلی إذا اعترض فی أسفل الأفق و استبان . . . فکتب (ع) بخطه و قرأته : الفجر - یرحمک اللہ - هو الخیط الأبیض المتعرض لیس هو الأبیض صعداً .

.. فقال : كلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر . . . ۱

علی بن مهزیار می گوید: ابوالحسن بن حصین در نامه ای که توسط من به امام جواد(ع) فرستاد، نوشت: فدایت شوم، دوستان و شیعیان شما در وقت نماز صبح اختلاف دارند؛ گروهی از آنان، وقتی سپیده اول (فجر کاذب) که در آسمان کشیده می شود طلوع نمود، نماز صبح می خوانند و بعضی نیز وقتی سپیده در پایین افق پخش و آشکار شد نماز می خوانند. امام (ع) با خط خود نوشت و من آن را خواندم که فجر همان نوار سفیدی است که در عرض افق ظاهر می شود و آن سفیدی که به طرف بالا می رود نیست؛ خداوند فرموده: کلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۲،۱۴

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفاً من الیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

۱۴ > عن أبي جعفر (ع) [فی حدیث] : . . . و قال تبارك و تعالی : . . . > أقم الصلاه طرفی النهار < و طرفاه صلاه المغرب

و

الغداه . < و زلفاً من الليل > فهي صلاه العشاء الأخره ... ;

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: .. خداوند تبارک و تعالی فرمود: <أقم الصلاه طرفی النهار> دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود] <زلفاً من الليل> آن نماز عشاء است...<.

وقت نماز عشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۲،۱۴

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفاً من الیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

۱۴ > عن أبی جعفر (ع) [فی حدیث] : ... و قال تبارک و تعالی : ... < أقم الصلاه طرفی النهار > و طرفاه صلاه المغرب و الغداه . < و زلفاً من الليل > فهي صلاه العشاء الأخره ... ;

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: .. خداوند تبارک و تعالی فرمود: <أقم الصلاه طرفی النهار> دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود] <زلفاً من الليل> آن نماز عشاء است...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۴

۴- آخرین وقت نماز عشا ، نیمه شب است .

إلی غسق الیل

برداشت فوق،

مبتنی بر این نکته است که مراد از <عشق اللیل> چنان که مفسران نیز گفته اند نصف شب باشد.

وقت نماز عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۲

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفاً من الیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

وقت نماز قضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ - > عن أبي جعفر (ع) قال : إذا فاتتک صلاه فذکرتها فی وقت أخرى فإن کنت تعلم أنّک إذا صلیت التی فاتتک کنت من الأخری فی وقت فابدأ بالتی فاتتک فإنّ الله عزّوجلّ یقول : < أقم الصلاه لذکری > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هر وقت نمازی از تو فوت شد و در وقت نماز دیگر آن را به یاد آوردی، اگر می دانی با انجام نماز قضا برای به جا آوردن نماز واجب در وقت خود فرصت باقی می ماند، پس ابتدا نماز قضا را به جا آور، چون خدای عزّوجلّ می فرماید: <أقم الصلاه لذکری>. (این استفاده فقهی ناظر به این نکته است که لام در <لذکری> برای توقیت است، در نتیجه معنای آیه این می شود:

که <أقم الصلاة وقت تذكیری إیّاك> .

وقت نماز مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۲،۱۴

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب ، از اوقات مقرر شده برای نماز است .

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلفاً من الیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

۱۴ > عن أبی جعفر (ع) [فی حدیث] : . . . و قال تبارك و تعالی : . . . < أقم الصلاه طرفی النهار > و طرفاه صلاه المغرب و الغداه . < و زلفاً من اللیل > فهی صلاه العشاء الآخره . . . ;

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: . . . خداوند تبارك و تعالی فرمود: <أقم الصلاة طرفی النهار> دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود] <زلفاً من اللیل> آن نماز عشاء است...<.

وقت نماز های مستحبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲۶

۲۶ - > عن زراره عن أبی جعفر (ع) . . . قال : قلت له : < و أطراف النهار لعلک ترضی > قال : یعنی تطوع بالنهار ;

از زراره نقل شده که گفت به امام باقر(ع) عرض کردم: [این که خدا فرموده: <و سبّح>] <و أطراف النهار لعلک ترضی> [مراد

چیست؟] فرمود: یعنی در روز، نماز مستحبی بخوان.<

وقت نماز های یومیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۲، ۱۱، ۷، ۱

۱- فرمان الهی به پیامبر (ص) برای اقامه نمازهایی ، از هنگام زوال خورشید تا نیمه شب و نیز در سپیده صبح

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلى غسق الیل و قرءان الفجر

<دلوك> به معنای رفتن خورشید به سوی غروب، <غسق> به معنای شدت ظلمت است (مفردات راغب). با توجه به معنای لغوی، برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <لدلوك الشمس> زوال خورشید و <غسق الیل> نیمه شب باشد.

۷- وقت نماز های پنجگانه ، موشع (وسعت داده شده) است .

أقم الصلوه لدلوك الشمس إلى غسق الیل و قرءان الفجر

۱۱- > عن زراره قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن هذه الآية > أقم الصلاه لدلوك الشمس إلى غسق الیل > قال : دلوك الشمس زوالها عند كبد السماء > إلى غسق الیل > إلى انتصاف الیل فرض الله فیما بینهما أربع صلوات الظهر و العصر و المغرب و العشاء . . . و > قرآن الفجر > قال : ركعتا الفجر . . . ;

زراره گوید از امام صادق(ع) از این آیه > أقم الصلاه لدلوك الشمس إلى غسق الیل > سؤال کردم، حضرت فرمود: >دلوك الشمس< [یعنی] میل پیدا کردن خورشید از میان آسمان و > إلى غسق الیل< [یعنی] تا نصف شب که خدا میان این دو (ظهر و نصف شب) چهار نماز را واجب کرده است: ظهر، عصر، مغرب و عشا و درباره > قرآن الفجر< [حضرت] فرمود: [آن] دو رکعت نماز صبح است.

..<.

۱۲- > عن أمير المؤمنين (ع) قال: ... دلالة الصلاة ... الشمس يقول الله جلّ وعزّ > أقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل وقرآن الفجر ... < فلا تعرف مواقيت الصلاة إلاّ بالشمس ... ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: راهنمای [وقت] نماز .. خورشید است. خدای عزوجل می فرماید: > اقم الصلاة لدلوك الشمس إلى غسق الليل و قرآن الفجر... < پس اوقات نماز شناخته نمی شود مگر به وسیله خورشید...<.

وقت وجوب وصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱

۱ - وجوب وصیت به هنگام فرار رسیدن مرگ و پیدایش آثار آن

کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت .. الوصیه

وقت ورد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۵

۵ انسان ها باید در دل و جان به یاد خدا بوده و در هر صبح و عصر لب به ذکر او گشایند .

و اذکر ربک .. بالغدو و الاصال

>غدوه< (مفرد غدو) به معنای صبح (زمان طلوع فجر تا طلوع خورشید) است. <آصال> جمع و یا جمع الجمع <اصیل> است و اصیل به زمان میان عصر تا مغرب گفته می شود. قابل ذکر است که <ال> در <الغدو> و <الأصال> برای استغراق است و افاده عموم می کند ؛ یعنی هر صبح و عصر.

وقت ورود موسی(ع) به مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۲،۳

(به حوالی مدین در اثنای روز

و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدِينٍ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّهُ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ

۳- ورود موسی (ع) به محل آب شرب مدین هم زمان با آمدن چوپانان برای آب دادن دام هایشان

و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدِينٍ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّهُ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ

وقت ولادت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۲

۲ - اسحاق (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) از منطقه اصلی زندگی اش ، متولد شد .

و قال إني مهاجر . . . و وهبنا له إسحق

برداشت بنابراین است که در آیات، آنچه بر حضرت ابراهیم(ع) به ترتیب رخ داده، منعکس شده است.

وقت ویرانی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۶ - ۳

۳- ویرانی بوستان باغداران یمنی ، در شب هنگام و ناگهانی بود .

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که صاحبان باغ در سپیده صبح، آن را ویران دیده اند و اگر این ویرانی مربوط به روزهای پیش بود، دست کم به وسیله دیگر باغداران با خبر می شدند.

وقت هجرت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۲۰

٢٠ - تقارن هجرت موسى (ع) به مدین با دوران پیری شعیب (ع)

قالتا... و أبونا شیخ کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٣ - قصص - ٢٨ - ٢٤ - ٥

٥ - هم زمانی هجرت موسی)

ع) به مدین با فصل گرما

ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ

وقت هجوم مجاهدان غزوه ذات السلاسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۵ - ۳

۳ - مجاهدان در غزوه < ذات السلاسل > با اسبان دونده ای که از ضربه سم آنها برق می جهید ، صبحگاهان بر دشمن تاختند و در میان غبار پای اسبان ، خود را به قلب دشمن رساندند .

و العدیت ضبغًا . فالموریت قدحًا . فالمغیرت صبغًا . فأثرن به نفعًا . فوسطن به

براساس بعضی از روایات، این آیات به غزوه < ذات السلاسل > نظر دارد.

وقت هلاکت اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱۳

۱۳ کفرپیشگان قوم شعیب ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند .

فأصبحوا فی دیرهم جنمین

< أصبحوا > می تواند به معنای < دخلوا فی الصباح > (به صبح وارد شدند) باشد و نیز می تواند به معنای < صاروا > (شدند و گشتند) باشد. بر اساس معنای نخست، جمله < فأصبحوا > دلالت می کند که هلاکت قوم شعیب در آغاز صبحدم بوده است و صیحه و غرش به قرینه < فاء > در < فأصبحوا > پیش از صبح یعنی، در شب تحقق یافته است.

وقت هلاکت قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱،۳

۱ - اطلاع یافتن مردم از فرو رفتن قارون با خانه اش در کام زمین در بامداد آن شب

و أصبح الذين تمنّوا مكانه بالأمس

۳ - اقدام خداوند به نابود ساختن قارون ، در شب همان روز

که خود را با تجمل ویژه اش بر مردم نمایانده بود .

فخرج علی قومہ فی زینتہ .. فحسفننا بہ ... و أصبح الذین تمنوا مکانہ بالأمس

قید <بالأمس> (دیروز) در این آیه، بیانگر مطلب یاد شده است.

وقت هلاکت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۹

۹ کفرپیشگان قوم ثمود ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاه به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا فی دیرهم جنمین

چنان چه <أصبحوا> به معنای <دخلوا فی الصباح> باشد دلالت می کند که هلاکت آنان ، در صبحدم بوده است. در نتیجه صبحه و غرش به قرینه فاء در <فأصبحوا> پیش از صبح یعنی در شب بر قوم ثمود نازل شده بود.

وقت هلاکت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۲ - ۱

۱ - قوم نوح ، قومی هلاک شده به اراده خداوند ، قبل از عاد و ثمود

و أنه أهلك عادًا .. و ثمودًا ... و قوم نوح من قبل

وقت شناسی

{وقت شناسی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۱،۱

۱ مراسم حج ، باید در ماههایی مخصوص انجام گیرد .

الحج اشهر معلومات

۲۱ ماه های حج ، شوال ، ذی القعدة و ذی الحجه است و در غير آنها حج صحيح نيست .

الحج اشهر معلومات

امام صادق (ع): <الحج اشهر معلومات > شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه ليس لأحد ان يحج في ما سواهن

كافي، ج ۴، ص ۲۸۹، ح ۱ نورالثقلين، ج

ابزار وقت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۲،۴

۲ - ایجاد تقویمی طبیعی و میزانی برای سنجش زمان، از اهداف آفرینش ماه و پیدایش آن به صورت های مختلف

قل هی موقیت للناس

<مواقیت> (جمع میقات) است و میقات به زمان یا مکانی گفته می شود که برای انجام فعل تعیین می گردد. (لسان العرب)

۴ - از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف، شناخت موسم و زمان حج است.

قل هی موقیت للناس و الحج

اهمیت وقت شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۸، ۲۳، ۲۲

۲۲ - آن هنگام که رشته سفید ظاهر شده در افق از رشته سیاه شب تمیز داده شود، هنگام فجر است.

حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر

حرف <من> در <من الفجر> بیان برای <الخيط الأبيض> است؛ یعنی، آن رشته سفید همان فجر است.

۲۳ - طلوع فجر حد فاصل شب و روز

أحل لكم ليلة الصيام .. كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض

<أياماً معدودات> در آیه ۱۸۴، روزه را مخصوص روز می داند و <حتى يتبين ..> شروع روزه را از طلوع فجر قرار داده است. بنابراین، روز در دیدگاه شرع از طلوع فجر آغاز می شود.

۳۸ - <عن ابی عبدالله (ع) فی قوله تعالی > أتموا الصيام إلى الليل < قال : سقوط الشفق ؛

از امام صادق(ع) در معنای <لیل> در آیه <أتموا الصيام إلى الليل> روایت شده که شب با زائل

شدن شفق شروع می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۴

۴ - از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شناخت زمان و تنظیم آن ، برای زندگی انسان امری با اهمیت و حیاتی است .

لتعلموا عدد السنین و الحساب

وقت شناسی در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ ضرورت بهره گیری مبلغان دینی ، از فرصت های مناسب برای ارشاد و هدایت مردم

أءنک لآنت یوسف قال أنا یوسف . . من یتق و یصبر

وقت ها

تفاوت وقت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۷ - ۵

۵ - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها ، برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن الله حین تمسون و حین تصبحون

زمان ها، از حیث این که مقدار حرکت ماده اند، تفاوتی با هم ندارند، اما از این که برخی ایام برای تسبیح خداوند مناسب معرفی شده اند، استفاده می شود که زمان ها، تفاوت معنوی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۶

۶ - زمان ها ، تفاوت معنوی داشته و برخی از آنها برای عبادت خداوند مناسب ترند .

فسبحن الله .. و عشیاً و حین تطهرون

وقف از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وقف

وقف برای بتها

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۳

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

وقف در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۳

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا یطعمها إلا من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۳

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان

و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

وکالت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وکالت

احکام وکالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۲، ۲۴

۲۲- وکالت از جانب خریدار ، جایز است .

فابعثوا أحدکم بورقکم

جمله <فابعثوا..> گرچه گفته اصحاب کهف است و گفتار و کردار غیر پیامبران برای استنباط حکم شرعی کارایی ندارد، ولی بیان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجید، گویای جواز و صحت است.

۲۴- نامشخص بودن جنس و مقدار کالا ، مانع از صحت وکالت نیست .

فابعثوا .. فلیأتکم برزق منه

کفایت وکالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳ - ۵

۵ - خداوند ، وکیل و کارسازی کفایت کننده ، برای توکل کنندگان است .

و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - خداوند ، کارساز و وکیلی کفایت کننده است .

و کفی باللّه وکیلاً

۱۴ - کفایت کنندگی و کارسازی خداوند ، دلیل وجوب توکل بر او در همه امور است .

و توکل علی الله و کفی باللّه وکیلاً

وکالت جائز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۲

۲۲- وکالت از جانب خریدار ، جایز است .

فابعثوا أحدکم بورقکم

جمله <فابعثوا..> گرچه گفته اصحاب کهف است و گفتار و کردار غیر پیامبران برای استنباط حکم شرعی کارایی ندارد، ولی بیان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجید، گویای جواز و صحت است.

وکالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱۳، ۱۲

۱۲ تنها خداوند، وکیل و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

و هو علی کل شیء وکیل

۱۳ خداوند، ایجادکننده عالم و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

خلق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل

مفاد جمله <و هو علی کل شیء وکیل>، پس از سخن از آفرینش، رد پندار کسانی است که در تدبیر عالم برای غیر خالق نقشی قائل باشند. به عبارت دیگر جمله اول توحید در خلق و جمله دوم توحید در امر را بیان می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ یعقوب (ع) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

وکالت در بیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۴، ۲۲

۲۲- وکالت از جانب خریدار ، جایز است .

فابعثوا أحدکم بورقکم

جمله <فابعثوا..> گرچه گفته اصحاب کهف است و گفتار و کردار غیر پیامبران برای استنباط حکم شرعی کارایی ندارد، ولی بیان آن در قرآن، به زبان مدح و تمجید، گویای جواز و صحت است.

۲۴- نامشخص بودن جنس و مقدار کالا ، مانع از صحت وکالت نیست .

فابعثوا .. فليأتكم برزق منه

وکالت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۷

۷ در دادگاه قیامت ، قضاوت بر اساس علم همه جانبه خداوند است و

جایی برای وکیل مدافع نیست .

و كان الله بما يعملون محيطاً .. فمن يجدل الله عنهم يوم القيمة ام من يكون على

<وکیل> به کسی گفته می شود که کارهای دیگری را بر عهده می گیرد و امور وی را تدبیر می کند و مراد از آن در آیه وکالت در دفاع خواهد بود که از آن به وکیل مدافع تعبیر می شود.

وکیل

محدوده اختیارات وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۲

۱۲ - انبارداران و کسانی که وکیل افراد در نگه داری خوردنی ها و مواد غذایی اند ، می توانند بدون اذن خواستن از صاحبان آنها ، از آن خوردنی ها تناول کنند .

ليس على الأعمى حرج .. أن تأكلوا من بيوتكم ... أو ما ملكتم مفاتحه

برخی از مفسران بر آنند که مقصود از <ما ملکتم مفاتحه> کسانی اند که وکیل و قیم دیگران در آب ملک و حیواناتی مانند گاو، گوسفند و شتر می باشند. این افراد حق دارند بدون اذن خواستن، از خوراکی های موجود در انبارها و نیز از شیر و دیگر فرآورده های حیوانات تحت حفاظت خود، به مقدار مصرف شخصی خود بهره گیرند.

وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۱۴، ۱۲

۱۲ خداوند ، وکیل و کفایت کننده مؤمنان مطیع ، صابر ، نیکوکار و تقوایشه

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ .. لِلَّذِينَ احْسَنُوا مِنْهُمْ و اتَّقُوا ... و قالوا حسبنا الله و

۱۴ خداوند ، کفایت کننده مؤمنان و بهترین وکیل برای آنان

حسبنا الله و نعم الوکیل

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۱ - ۱۶، ۱۵

۱۵ خداوند ، وکیل است .

و کفی باللّه وکیلا

۱۶ خداوند ، وکیلی کفایت کننده برای انسان متوکل

و توکل علی الله و کفی باللّه وکیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲ تنها خداوند، وکیل و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

و هو علی کل شیء وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ خداوند ، نگهبان همه چیز و تدبیر کننده آن است .

و الله علی کل شیء وکیل

<وکیل> به کسی گفته می شود که کار دیگری را به عهده گرفته است و چون در آیه شریفه با <علی> متعدی شده معنای حفاظت و نگهداری نیز در آن اشراب شده است. بنابراین جمله <والله علی...> اشاره به این معنا دارد که: خداوند عهده دار، حافظ و نگهبان امور همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳ - ۶

۶ - خداوند ، < وکیل > (کارساز) است .

و کفی باللّه وکیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، < وکیل > (کارساز) است .

و کفی باللّه وکیلاً

وکیل در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ،

دلیل ، شاهد و . . . نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً

وکیل یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ یعقوب (ع) خداوند را وکیل خویش بر میثاق و تعهد فرزندان قرار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

ولادت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ولادت

آثار ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۱۳

۱۳- اشتهار مریم (س) به عفت و پاکدامنی در بین مردم ، فزاینده نگرانی او از بازتاب منفی تولد عیسی (ع) در افکار عمومی جامعه

یلتینی متّ قبل هذا و کنت نسیّاً منسیّاً

<نسیّ>، چیزی است که اهمیت چندانی ندارد، گرچه هنوز از خاطرها محو نشده باشد (مفردات راغب). توصیف آن به <منسیّاً> (فراموش شده) گویای آن است که صرف شایستگی برای فراموشی، مطلوب مریم نبوده بلکه تحقق فراموشی را آرزو می کرده است. این آرزو نشان می دهد که آن حضرت، پیش از این به عنوان شخصیتی آبرومند در جامعه مطرح بوده و از این که این حادثه بازتاب های منفی در مردم داشته باشد، نگران بوده است.

آیات خدا در ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۵

۵- ناتوانی زکریا (ع) از سخن گفتن با مردم به مدت سه شبانه روز کامل ، نشانه ای الهی بر زمان تحقق یافتن بشارت فرزند بود .

قال ءایتک ألا تکلم الناس ثلاث لیل سویاً

<سویاً> یا صفت برای <ثلاث لیل> است و یا حال برای فاعل <ألا تکلم> و

در هر دو صورت مراد از <سه شب> سه شبانه روز است. آیه چهل و یکم سوره آل عمران شاهد این معنا است. فعل <ألا تكلم> فعل نفی است و مراد از آن، تکلیف زکریا به سکوت نیست، بلکه از صادر نشدن سخنی از زکریا خبر می دهد.

ابراهیم(ع) هنگام ولادت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۶

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است .

وهبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

استهزای ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۳

۳- موضع گیری استهزاآمیز مشرکان مکه ، نسبت به بیان قرآن درباره تولد و زندگی عیسی بن مریم (ع)

و لما ضرب ابن مریم مثلاً إذا قومك منه يصدون

<صدید> (مصدر <یصدون>) به معنای خندیدن و فریاد کشیدن و سر و صدا راه انداختن است. این امور معمولاً به هنگام استهزا، تحقق پیدا می کند.

اعجاز ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۱۱

۱۱- تجلی عظمت و قدرت الهی در بارداری مریم (س) و تولد اعجاز آمیز عیسی (ع)

و جعلناها و ابنها آیه للعلمین

اعلام بشارت ولادت يحيى (ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۸

۸- زکریا (ع) پس از خروج از عبادتگاه، فرا رسیدن زمان تحقق بشارت فرزند را به قوم خویش فهماند.

آن سَبَّحُوا

ظاهر این است که آنچه زکریا(ع) از قوم خود خواسته است، با حادثه پیش آمده در ارتباط باشد؛ یعنی، زکریا(ع)، قضیه را به آنان تفهیم کرده و ضرورت تسبیح و تنزیه خداوند را در چنین مواردی یادآور شده است.

الوهیت و ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۸

۸ ناسازگاری پدیده بودن (حدوث) و فناپذیری، با الوهیت و خدا بودن

قالوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ . . . الا رسول قد خلت من قبله الرسل

فرزندی مسیح(ع) برای مریم اشاره به پدیده و حادث بودن او و بیان رحلت رسولان پیشین اشاره به فناپذیری مسیح(ع) است و هدف از یادآوری این دو صفت استدلال بر خدا نبودن مسیح(ع) می باشد. یعنی مسیح(ع) حادث است و هیچ حادثی نمی تواند خدا باشد و نیز او فناپذیر است و فناپذیر خدا نیست.

امنیت هنگام ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حياً

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و . . .

است.

اهمیت وقت ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۵

۵- زمان ولادت ، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًا

اهمیت ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۵

۵- زمان ولادت ، مرگ و رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

والسلم علی . . . یوم أبعث حیًا

بشارت ولادت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۱ - ۴

۴ - فرستادگان خداوند برای عذاب قوم لوط ، مژده و بشارتی را (تولد اسحاق (ع)) ، نیز به ابراهیم (ع) دادند .

و لما جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری

این آیه، با آیات پنجاه و یک تا شصت و دو سوره حجر یک سیاق دارند، که در آن آیات به ابراهیم(ع) بشارت فرزنددار

شدن داده شده است. آن آیات، قرینه است که <البشری> در این آیه نیز همان بشارت را همراه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۱۱

١١ - > بریده بن معاویه العجلی قال : قلت لأبی عبد اللہ (ع) کم کان بین بشاره ابراهیم باسماعیل و بین بشارته یاسحاق قال کان بین البشارتین خمس سنین قال اللہ سبحانہ فبشّرناه بغلام حلیم یعنی اسماعیل . . . فلما کان فی اللیل أتى ابراهیم آت من ربّه فأراه الرؤیا فی ذبح

ابنه اسماعیل بموسم مکه . . . ثم انطلقا إلى السعی فلما صارا فی المسعی قال ابراهیم (ع) لاسماعیل یابنی ائی أری فی المنام ائی اذبحک فی موسم عامی هذا فماذا ترى قال یا أبت افعل ما تؤمر . . . و فدی اسماعیل بکبش عظیم فذبحه و تصدق بلحمه علی المساکین ;

برید عجلی گوید: به امام صادق(ع) گفتم: بین بشارت ابراهیم به اسماعیل و بشارت او به اسحاق، چه مقدار فاصله بود؟ حضرت فرمود: فاصله دو بشارت پنج سال بود خدا می فرماید: <فبشّرناه بغلام حلیم> یعنی، . . . چون شب شد فرستاده ای از سوی خدا نزد ابراهیم آمد و در خواب ذبح فرزندش اسماعیل را در زمان حج در مکه به او نشان داد... آن گاه هر دو برای سعی به راه افتادند و چون به محل سعی رسیدند، ابراهیم به اسماعیل گفت: پسر! من در خواب دیدم که تو را امسال در زمان حج ذبح می کنم، تو چه نظری داری؟ اسماعیل گفت: ای پدر! آنچه را مأمور شدی انجام ده ... و قوچ بزرگی به جای اسماعیل فدیة شد. پس ابراهیم(ع) آن را ذبح کرد و گوشت آن را به مساکین صدقه داد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۲ - ۱

۱ - بشارت خداوند به ابراهیم (ع) ، به تولد فرزندی به نام اسحاق برای او

و بشّرناه یاسحق

بشارت ولادت اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۳ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تولّد نوجوانی بردبار (اسماعیل) ، بشارت خداوند به ابراهیم (ع)

فبشّرناه بغلام حلیم

<غلام> به پسری می گویند که تازه سیل در آورده باشد و در اصطلاح فارسی به او نوجوان می گویند. گفتنی است مقصود از این نوجوان در این آیه به قرینه آیات بعد اسماعیل (ع) است.

۱۱ - > بریده بن معاویه العجلی قال : قلت لأبی عبد الله (ع) کم کان بین بشاره ابراهیم باسماعیل و بین بشارته یاسحاق قال کان بین البشارتین خمس سنین قال الله سبحانه فبشّرناه بغلام حلیم یعنی اسماعیل . . . فلما کان فی اللیل أتى ابراهیم آت من ربّه فأراه الرؤیا فی ذبح ابنه اسماعیل بموسم مکه . . . ثم انطلقا إلى السعی فلما صارا فی المسعی قال ابراهیم (ع) لاسماعیل یابنّی إنّی أرى فی المنام أنّی أذبحک فی موسم عامی هذا فماذا ترى قال یا أبت افعل ما تؤمر . . . و فدی اسماعیل بکبش عظیم فذبحه و تصدق بلحمه علی المساکین ;

برید عجلی گوید: به امام صادق (ع) گفتم: بین بشارت ابراهیم به اسماعیل و بشارت او به اسحاق، چه مقدار فاصله بود؟ حضرت فرمود: فاصله دو بشارت پنج سال بود خدا می فرماید: <فبشّرناه بغلام حلیم> یعنی، . . . چون شب شد فرستاده ای از سوی خدا نزد ابراهیم آمد و در خواب ذبح فرزندش اسماعیل را در زمان حج در مکه به او نشان داد... آن گاه هر دو برای سعی به راه افتادند و چون به محل سعی رسیدند، ابراهیم به اسماعیل گفت: پسر من! من در خواب دیدم

که تو را امسال در زمان حج ذبح می کنم، تو چه نظری داری؟ اسماعیل گفت: ای پدر! آنچه را مأمور شدی انجام ده ... و قوچ بزرگی به جای اسماعیل فدیة شد. پس ابراهیم(ع) آن را ذبح کرد و گوشت آن را به مساکین صدقه داد.

بشارت ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۱۴

۱۴- > قال الباقر (ع) : إِنْهَا (مریم) بشرت بعیسی فینا هی فی المحراب إذ تمثّل لها الروح الأمين بشرًا سوياً ;

امام باقر(ع) فرمود: همانا او (مریم) به ولادت عیسی(ع) بشارت داده شد، پس در حالی که در محراب بود، ناگهان روح الامین به شکل انسانی کامل اندام بر او ظاهر گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۲

۲- مأمور ویژه الهی با بشارت فرزند به مریم (س) ، خود را مأمور بخشیدن پسری پاک نهاد به وی معرفی کرد .

قال إِنْما أنا رسول ربّك لأهب لك غلماً زكياً

اسناد <هبة فرزند> به جبرئیل به خاطر وساطت او در بخشش الهی است. <زکّی> از ریشه <زکاء> به معنای صلاح گرفته شده است (مصباح). <تزکیه> و <زکاه> در معانی <طهارت> و <نمؤ> و <برکت> و <مدح> استعمال دارد و در هر مورد، معنای مناسب آن مورد نظر است. طهارت و صلاح کودک به شایستگی های ذاتی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۲

۲- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی

بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال كذلك

چنان چه مشارالیه <ذلك> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است؛ یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

بشارت ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱

۱- خداوند، زکریا (ع) را بر فراهم آوردن زمینه تولد یحیی (ع) به رغم سال خوردگی وی و نازایی همسرش مطمئن ساخت .

قال كذلك

جمله <قال كذلك>؛ یعنی، <قال الله الامر كما وعدتك> یا <قال الله الامر كما قلت>؛ در صورت اول، خداوند بر وعده سابقش تأکید میورزد که <ای زکریا همان گونه که گفته ام تو به هر کیفیت دارای پسر خواهی شد و در صورت دوم، خداوند موانع تولد یحیی را تصدیق کرده است؛ یعنی، <واقعیت همان است که تو گفتی و اسباب عادی برای تولد یحیی فراهم نیست، ولی خدای تو گفته است: این کار بر من آسان است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۲

۲- زکریا (ع) ، خواهان علامت و نشانه ای بر الهی بودن بشارت تولد یحیی به وی *

قال رب اجعل لی آیه

علامت خواهی زکریا ممکن است از آن جهت باشد که وی اطمینان یابد آنچه او دریافت داشته، وحی الهی بوده است و نه القآت شیطانی؛ امکان تردید در این امور برای پیامبران با توجه به این نکته است که آنان تنها با امدادهای خداوند از آزار

شیاطین و القآت آنها مصون می ماندند و خداوند گاه با ارائه نشانه و گاه با وسیله دیگر آنان را مطمئن می ساخت.

تاریخ ولادت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۸

۸- اسماعیل (ع) ، پیش از اسحاق (ع) به دنیا آمد و از نظر سنی بزرگتر از او بود .

وهب لی علی الکبر اسمعیل و إسحق

از تقدم ذکرى اسماعیل(ع) بر اسحاق(ع) در این آیه و آیات مشابه تقدم سنی استفاده می شود و تاریخ نیز مؤید این برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۱

۱- تولد اسحاق و یعقوب (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود .

و نَجِّينَهُ و لَوْطًا إِلَى الْأَرْضِ . . . و وهبنا له إسحق و یعقوب

سیر داستان حضرت ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

تاریخ ولادت اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۸

۸- اسماعیل (ع) ، پیش از اسحاق (ع) به دنیا آمد و از نظر سنی بزرگتر از او بود .

وهب لی علی الکبر اسمعیل و إسحق

از تقدم ذکرى اسماعیل(ع) بر اسحاق(ع) در این آیه و آیات مشابه تقدم سنی استفاده می شود و تاریخ نیز مؤید این برداشت

است.

تاریخ ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۲ - ۴

۴- > عن الرضا (ع) قال : ليله خمس و عشرين من ذى القعدة ... ولد فيها عيسى بن مریم (ع) ... ;

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: شب بیست و پنجم ذی القعدة عیسی(ع) تولد یافت.<

تاریخ ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۱۲

۱۲- > عن أبی جعفر (ع) قال : إنّما ولد یحیی بعد البشاره له من اللّٰه بخمس سنین ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: همانا یحیی، پنج سال بعد از آن که خداوند به ولادت او بشارت داد، متولد شد.<

تاریخ ولادت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۶

۶- تولد یعقوب در زمان حیات حضرت ابراهیم (ع) بوده است .

وهبنا له إسحق و یعقوب

بر حسب ظاهر، صدق هبه زمانی است که دریافت کننده در قید حیات باشد. با توجه به این که یعقوب نیز در این آیه موهبت به ابراهیم(ع) دانسته شده، چنین برمی آید که او نیز در زمان حیات ابراهیم متولد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۱،۴

۱- تولد اسحاق و یعقوب (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) بود .

و نَجِّينَهُ وَ لَوْطًا إِلَى الْأَرْضِ . . . وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ

سیر داستان حضرت

ابراهیم در این آیات، بیانگر برداشت یاد شده است. به علاوه این که داستان افکندن ابراهیم به آتش و نجات آن حضرت در زمان جوانی اش بوده است و فرزنددار شدن ابراهیم(ع) در دوران پیری آن حضرت صورت گرفته است.

۴- تولد یعقوب (ع)، در زمان حیات ابراهیم (ع) بود.

و وهبنا له إسحق و یعقوب

یعقوب(ع) فرزند اسحاق و نوه ابراهیم(ع) است و ولی از آن جا که خداوند نام یعقوب را همراه با اسحاق ذکر فرمود و هر دو را به عنوان موهبت خود به ابراهیم یادآور شد، می رساند که یعقوب(ع) در زمان حیات ابراهیم(ع) تولد یافته بود.

ترس هنگام ولادت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱

۱ - تولد موسی (ع)، در فضایی آکنده از خوف و خطر و به دور از چشم دیگران

يَذْبَحُ أَبْنَاءَهُمْ... و أوحينا إلى أم موسى أن أرضعيه

ترسناکی ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- > عن أبي الحسن الرضا (ع) : إنَّ أوحش ما يكون هذا الخلق في ثلاثه مواطن يوم يولد... و يوم يموت... و يوم يبعث... و قد سلّم الله عزّوجلّ على يحيى (ع) في هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : > و سلام عليه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حيّاً... < ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع

برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود.. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی (ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً...>.

تشبیه به ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۷

۷- انسان ها ، مانند زمان تولد ، فاقد هرگونه مال و فرزند و عنوان و اعتبار ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

لقد جئتمونا کما خلقنکم أوّل مرّه

تشبیه حضور انسان ها در قیامت به زمان تولد آنان، ممکن است از جهت همراه نداشتن امکانات مادی و خالی بودن از هرگونه عنوان و اعتبار باشد.

حتمیت ولادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- تولد عیسی (ع) بدون پدر و نشانه بودن او برای قدرت خداوند و رحمت الهی بودن او ، از مقدرات خداوند و غیر قابل تغییر بود .

کذلک .. و لنجعله آیه للناس و رحمه منا و کان أمراً مقضیاً

جمله <کان أمراً مقضیاً> ممکن است تنها در باره تولد عیسی (ع) باشد و ممکن است به هر سه موضوعی که در آیه ذکر شده است، مربوط باشد. <مقضیاً> اسم مفعول از <قضاء> است؛ یعنی آنچه قطعی شده و فیصله یافته باشد. <أمر> در معانی <فرمان> و <حادثه> استعمال می شود. کلمه <مقضیاً> قرینه بر اراده معنای دوم است.

خدا و ولادت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۲،۳،۴

۲ - خداوند ، فرزند کسی نیست .

و لم یولد

۳ - تجزیه شدن ذات خداوند و جدا شدن چیزی از او ، ممکن نیست .

لم یلد

تعبیر ولادت در این آیه، شامل صادر شدن از مبدأ دیگر و انفصال جزء از کلّ نیز می باشد.

۴ - خداوند ، از چیزی به وجود نیامده است .

و لم یولد

زکریا(ع) هنگام ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱،۲،۸

۱- زکریا (ع) ، در زمان فرا رسیدن نشانه وعده داده شده برای پیدایش فرزندش یحیی ، در عبادت گاه بود .

فخرج علی قومه من المحراب

محراب های بنی اسرائیل همان مسجدهای آنها بود که برای نماز در آن اجتماع می کردند(کتاب <العين>). فاء در <فخرج> فصیحه است ؛ یعنی از جملاتی محذوف حکایت می کند. به قرینه آیه قیل، آن محذوف، سخن نگفتن زکریا به مدت سه روز است که چه به اعجاز و چه با اراده خود و به فرمان خداوند در آن سه روز سخن نگفت. تعبیر <فخرج...> آنگاه از عبادتگاه خود بیرون آمد، حاکی از این است که در آن سه روز در عبادتگاه بود.

۲- زکریا (ع) پس از سکوت سه روزه و ناتوانی از سخن گفتن با مردم ، از عبادتگاه بیرون آمد و نزد مردم حاضر شد .

فخرج علی قومه من المحراب

۸- زکریا (ع) پس از خروج از عبادتگاه ، فرا رسیدن زمان تحقق بشارت فرزند را به قوم خویش فهماند

آن سَبِّحُوا

ظاهر این است که آنچه زکریا(ع) از قوم خود خواسته است، با حادثه پیش آمده در ارتباط باشد؛ یعنی، زکریا(ع)، قضیه را به آنان تفهیم کرده و ضرورت تسبیح و تنزیه خداوند را در چنین مواردی یادآور شده است.

سلامتی هنگام ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًا

نکره بودن <سلام> بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و .. است.

عبرت از ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ - چگونگی تولد و زندگی عیسی (ع) ، پیامدار آموزه هایی چند برای بنی اسرائیل

و جعلنه مثلاً لبنی إسرائیل

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <مثل> قرار گرفتن عیسی(ع)، نحوه خلقت و آفرینش آن حضرت باشد.

عظمت منافع ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱۰

۱۰- پیدایش حضرت عیسی (ع) بدون پدر و اسباب متعارف ، کاری هدف مند و دارای منافع گسترده و بسیار بود .

هو علیّ هین و لنجعله آیه للناس

متحمل است عبارت <لنجعله..> عطف بر علتی محذوف باشد، یعنی <خلقناه من غیر آب لأغراض لا- مجال لذكرها و لنجعله> فایده این

حذف <ایهام> است؛ یعنی به قدری اغراض این کار بزرگ و گسترده است که گویا در کلام نمی گنجد.

فلسفه ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱۰

۱۰- پیدایش حضرت عیسی (ع) بدون پدر و اسباب متعارف، کاری هدف مند و دارای منافع گسترده و بسیار بود.

هو علیّ هین و لنجعله آیه للناس

متحمل است عبارت <لنجعله..> عطف بر علتی محذوف باشد؛ یعنی <خلقناه من غیر أب لأغراض لا- مجال لذكرها و لنجعله> فایده این حذف <ایهام> است؛ یعنی به قدری اغراض این کار بزرگ و گسترده است که گویا در کلام نمی گنجد.

کیفیت ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ - چگونگی تولد و زندگی عیسی (ع)، پیامدار آموزه هایی چند برای بنی اسرائیل

و جعلنه مثلاً لبني إسرائيل

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <مثل> قرار گرفتن عیسی(ع)، نحوه خلقت و آفرینش آن حضرت باشد.

معجزه ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱۳، ۱۱، ۴

۴- تولد عیسی (ع)، امری خارق العاده و اعجاز آمیز بود.

قال ربك هو عليّ هين

۱۱- حضرت عیسی (ع) و آفرینش او بدون پدر، نشانه ای بزرگ برای پی بردن مردم به قدرت خداوند

و لنجعلہ آایہ للناس

ضمیر مفعولی <لنجعلہ> به عیسی (ع) بازمی گردد. تنوین <آیہ>، مفید تفخیم است؛ یعنی بدان جهت عیسی (ع) را به تو عطا کردیم که او را برای مردم

آیتی بزرگ قرار دهیم.

۱۳- تولد عیسی (ع) بدون پدر و نشانه بودن او برای قدرت خداوند و رحمت الهی بودن او، از مقدرات خداوند و غیر قابل تغییر بود.

كذلك .. و لنجعله آیه للناس و رحمه منّا و كان أمراً مقضياً

جمله <كان أمراً مقضياً> ممکن است تنها در باره تولد عیسی(ع) باشد و ممکن است به هر سه موضوعی که در آیه ذکر شده است، مربوط باشد. <مقضیاً> اسم مفعول از <قضاء> است یعنی آنچه قطعی شده و فیصله یافته باشد. <أمر> در معانی <فرمان> و <حادثه> استعمال می شود. کلمه <مقضیاً> قرینه بر اراده معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۰ - ۲

۲- تولد عیسی از مریم بدون پدر، معجزه بزرگ الهی بود.

و جعلنا ابن مریم و أمّه آیه

نکره آمدن <آیه> برای تفخیم است و آن به معنای نشانه ای بزرگ می باشد.

معجزه ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۶

۶- تولد یحیی، امری اعجاز آمیز و غیر عادی بود

قال كذلك قال ربك هو علي هين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱

۱- بشارت و وعده خداوند به زکریا، با تولد اعجاز گونه یحیی تحقق یافت.

نبشرك بغلم اسمه یحیی ... ییحیی خذ الکتب

مکان ولادت اسحاق (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۲

۲ - اسحاق (ع) ،

پس از هجرت ابراهیم (ع) از منطقه اصلی زندگی اش ، متولد شد .

و قال إني مهاجر .. و وهبنا له إسحق

برداشت بنابراین است که در آیات، آنچه بر حضرت ابراهیم(ع) به ترتیب رخ داده، منعکس شده است.

وقت ولادت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۲

۲- اسحاق (ع) ، پس از هجرت ابراهیم (ع) از منطقه اصلی زندگی اش ، متولد شد .

و قال إني مهاجر .. و وهبنا له إسحق

برداشت بنابراین است که در آیات، آنچه بر حضرت ابراهیم(ع) به ترتیب رخ داده، منعکس شده است.

ولادت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- حضرت ابراهیم (ع) قبل از تولد اسماعیل و اسحاق (ع) از خداوند خواستار فرزند شده بود .

الحمد لله الذي وهب لي على الكبر إسماعيل و إسحق إن ربي لسميع الدعاء

ولادت اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- حضرت ابراهیم (ع) قبل از تولد اسماعیل و اسحاق (ع) از خداوند خواستار فرزند شده بود .

الحمد لله الذي وهب لي على الكبر إسماعيل و إسحق إن ربي لسميع الدعاء

ولادت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۵

۵ - ناتوانی و نادانی انسان ، در آغاز تولد

ذرنی و من خلقت وحیداً

کلمه <وحیداً> می تواند حال برای مفعول محذوف باشد؛ یعنی،

<خلقته منفرداً>. بر این اساس و به قرینه آیات بعد (و جعلت له مالاً ممدوداً...)، مقصود از <خلقت وحیداً>، ناتوانی و ناداری انسان در آغاز تولد است.

ولادت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۱،۲،۳

۱- تولد انسان ها از مادرانشان ، جلوه ای از قدرت مطلق خداوند است .

إن الله على كل شيء قدير . و الله أخرجكم من بطون أمهتكم

برداشت فوق، با استفاده از ارتباط این آیه با آیه قبل است که در پایان آن، سخن از قدرت بی پایان الهی به میان آمده بود.

۲- انسان به هنگام تولد از مادر ، فاقد هرگونه دانش و آگاهی است .

أخرجكم من بطون أمهتكم لاتعلمون شيئاً

۳- عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی *

و الله أخرجكم من بطون أمهتكم لاتعلمون شيئاً

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

ولادت تکوینی عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۶

۲۶ عیسی (ع) ، برخوردار از ولایت تکوینی

و اذ تخلق من الطین . . . و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

ولادت در الوهیت

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۷

۷ - کسی که از دیگری تولّد یافته ، نمی تواند خدا باشد .

و لم یولد

جمله <لم یولد>، علاوه بر این که تصور هر گونه مبدئی را برای خداوند باطل می داند؛ تعریض به کسانی است که عیسی(ع) را خدا می پنداشتند، با آن که به متولّد شدن آن حضرت معترف بودند.

ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۱۰

۱۰ اتهام ارتباط نامشروع مریم (ع) با مردی نجار به نام یوسف ، و باردار شدن وی به عیسی (ع) ، بهتان بزرگ یهود به ساحت پاک مریم

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

امام صادق(ع): .. الم ینسبوا مریم بنت عمران الی انها حملت بعیسی من رجل نجار اسمه یوسف ...

امالی صدوق، ص ۹۲، ح ۳، مجلس ۲۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۴،۶

۴ مسیح (ع) فرزند مریم نه خدا و نه زده او

المسیح ابن مریم

۶ زاده شدن مسیح (ع) از مریم (ع) گواهی روشن بر خدا نبودن او

لقد کفر الذین قالوا إنّ الله هو المسیح ابن مریم

تصریح به فرزندى مسیح(ع) برای مریم، برای بیان این حقیقت است که فرزند بودن (مخلوق بودن) با الوهیت تنافی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۴

۴ زاده شدن

مسیح (ع) از مادر ، دلیل روشن بر خدا نبودن او

قالوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ . .. ما المسيح ابن مريم

توصیف مسیح(ع) به فرزندی او برای مریم پس از بیان ادعای الوهیت مسیح(ع) رد پندار خدا بودن اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۱

۱- توجه ویژه به آیات سرگذشت مریم و تشریح داستان تولد عیسی در قرآن ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

واذکر فی الکتب مریم

<اذکر> خطاب به پیامبر(ص) است. آن حضرت بدون دستور خاص نیز آیات نازل شده را در قرآن بیان می کرد. هدف از تأکید بر ذکر این آیات، بیان اهمیت ماجرای بارداری مریم به عیسی و تأثیر عمیق آن در جامعه آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۴

۴- خداوند ، هم زمان با ولادت عیسی (ع) ، در نقطه ای پایین تر از مکان استقرار مریم (س) ، جویباری پدیدار ساخت .

فنادیها من تحتها ألا تحزنی قد جعل ربك تحتك سرّياً

<سرّی> به معنای نهر کوچک است و به معنای <رفیع> نیز استعمال شده است، ولی جمله <اشربی> در آیات بعد قرینه بر اراده معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۲۸

۲- حضرت عیسی (ع) در زمان تولد ، دارای جسم و روحی سالم و آماده رشد و کمال بود .

والسلم علیّ یوم ولدت

۸- حضرت عیسی (ع) همانند دیگر

انسان ها ، دارای تولد ، مرگ و رستاخیز و خود معترف به آن است .

یوم ولدت و یوم أموت و یوم أُبعث حیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۴، ۲

۲- توهم فرزند بودن عیسی (ع) برای خداوند ، برخاسته از تحلیل نادرست ماجرای تولد و سخن گفتن معجزنمای او بود .

ذلک عیسی ابن مریم .. ما کان لله أن یتخذ من ولد

نفی فرزند از خداوند پس از بیان قصه تولد عیسی(ع) می تواند بیانگر این نکته باشد که گروهی این نوع امور معجزه آسا را دلیل فرزند خدا بودن او قرار داده اند.

۱۴- ماجرای تولد و سخن گفتن عیسی (ع) ، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر هستی است ؛ نه نشان فرزندگی عیسی (ع) برای خداوند .

ما کان لله أن یتخذ من ولد .. إذا قضی أمرًا فإینما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۶

۶- بارداری مریم (س) و تولد مسیح (ع) ، با دمیده شدن روح الهی در او

فنفخنا فیه من روحنا

ولادت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۱۰، ۲، ۱

۱- حضرت یحیی (ع) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیًا

۲- حضرت یحیی (ع) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان

بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

<سلام> دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد؛ لذا <سلام علیه>؛ یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

۱۰- > عن أبي الحسن الرضا (ع) : إن أوحش ما يكون هذا الخلق في ثلاثه مواطن يوم يولد ... و يوم يموت ... و يوم يبعث ... و قد سلم الله عزوجل على يحيى (ع) في هذه الثلاثه المواطن و آمن روعته فقال : > و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً ... < ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود.. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: <و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً>...>.

ویژگیهای ولادت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۱۱

۱۱- ویژگی های حضرت عیسی (ع) ، از اولین لحظه میلاد او بروز کرد .

فنادیها من تحتها ألاتحزنی قد جعل ربك تحتك سریاً

کلمه <من تحتها> (از

پایین او) دلالت می کند که حضرت عیسی(ع) هنگامی این سخنان را گفته که هنوز مادرش، حتی او را به آغوش نگرفته و بر دامن خویش نشانده بود، شناخت حالات مادر و پی بردن به نیازهای روحی او، بیانگر عمق توان مندی های حضرت عیسی(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۴

۴- عیسی (ع) با سالم خواندن مرحله ولادت خویش از هر عیب و ناپسندی، بر مبرابردن مادرش مریم (س) از اتهامات ناروای مردم تأکید کرد.

والسلم علی یوم ولدت

ویژگیهای ولادت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱

۱ - تولد موسی (ع)، در فضایی آکنده از خوف و خطر و به دور از چشم دیگران

یذبح أبناءهم... و أوحینا إلی أمّ موسی أن أرضعیه

ولایت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{ولایت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۱۱، ۵

۵ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش

ربّ ائی نذرت لک ما فی بطنی

۱۱ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش، به هنگام در حیات نبودن عمران *

ربّ ائی نذرت لک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۷

۷ نصرت و یاری الهی به مؤمنان ، نشانه ای از ولایت او بر ایشان

و الله وليهما .. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

جمله <و لقد نصرکم الله>، می تواند استدلالی باشد برای جمله <و الله

ولیهما>. یعنی خداوند، ولی و حامی مؤمنان است؛ به دلیل اینکه شما را در بدر، در عین ضعف و ناتوانی، یاری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۹

۱۹ مؤمنان مجاهد، از اولیای خداوند و دور از ولایت شیطان هستند. *

أَمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ .. ان كنتم مؤمنين

چون دشمنان دین (کافران و منافقان) از اولیای شیطانند، بنابراین مجاهدان، دور از ولایت شیطان و در نتیجه از اولیای خدا خواهند بود. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که <يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ> به معنای <يَخَوْفُكُمْ أَوْلِيَاءَهُ> باشد.

آثار اعراض از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ نپذیرفتن ولایت و سرپرستی خداوند، آدمی را به دام اولیا و سرپرستانی متعدد گرفتار می سازد.

و ما لكم من دون الله من أولياء

آوردن <ولی> به صورت مفرد به جای <أولياء> در رساندن مقصود (نبود هیچ ولی و سرپرستی جز خدا) کافی بود. بنابراین جمع آوردن <أولياء> اشاره به نکاتی دارد. برداشت فوق ناظر به یکی از آن نکات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۹

۹ آنان که ولایت خداوند را نپذیرند، اسیر ولایت های متعدد و گوناگون می شوند.

أفأخذتم من دونه أولياء

برداشت فوق از جمع آوردن <أولياء> استفاده شده است.

آثار ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۶

۶ توجه صالحان به

ولایت و سرپرستی خدا بر ایشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرک و نهرا سیدن از توطئه های ایشان

ثم کیدون فلا تنظرون .. هو یتولی الصلحین

از اهداف بیان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشرکان، این است که صالحان همواره توجه به یاری خدا داشته باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهرا سند.

آثار رد ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۸

۸ کسانی که ولایت خدا را نپذیرند ، خویشان را به ولایتهایی متعدد و بی اساس گرفتار خواهند کرد .

و ما کان لهم من دون الله من اولیاء

جمع آوردن کلمه <أولیاء> با وجود این که بیان معنای مقصود با کلمه <ولیی> نیز ممکن بود ، اشاره به این نکته دارد که انسان ، اگر ولایت الهی را نپذیرد ، گرفتار تعدد اولیا می شود و ناچار است به ولایتهای متعددی گردن نهد.

آثار عقیده به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۴

۲۴ - اعتقاد به مولویت و سرپرستی خداوند ، مقتضی اعتصام به او و پرهیز از چنگ زدن به دامن غیر او

و اعتصموا بالله هو مولیکم

جمله <هو مولیکم> به منزله تعلیل برای <اعتصموا بالله> است ، یعنی ، به خدا اعتصام کنید زیرا او مولا و قیم شما است.

آثار قبول ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۵

۲۵ پذیرش ولایت خداوند ، زمینه ساز تسلیم شدن در برابر خدا و شایسته بودن برای همزیستی با صالحان

در سرای آخرت

أنت وليّ في الدنيا و الآخره توفني مسلّمًا و ألحقني بالصلحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۶

۱۶ پذیرش ولایت و ربوبیت غیر خدا ، فرو رفتن در تاریکیهاست و پذیرش ولایت و ربوبیت خدا ، راهیابی به نور است .

قل من رب السموت . . . أم هل تستوی الظلمت والنور

آثار قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۵،۴

۴- ضلالت و گمراهی ، پیامد قطعی قرار گرفتن در قلمرو ولایت شیطان و پیروی از او

من تولاه فإنه یضله

۵- گرفتار شدن به عذاب دوزخ ، سرنوشت محتوم و فرجام شوم کسی است که خود را در قلمرو ولایت شیطان قرار دهد و از او پیروی کند .

کتب علیه أنه من تولاه .. ويهدیه إلى عذاب السعير

آثار قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۶

۱۶ پذیرش ولایت و ربوبیت غیر خدا ، فرو رفتن در تاریکیهاست و پذیرش ولایت و ربوبیت خدا ، راهیابی به نور است .

قل من رب السموت . . . أم هل تستوی الظلمت والنور

آثار قبول ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۴

۱۴ پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان ، موجب غضب خداوند بر بنی اسرائیل

تری کثیراً منهم يتولون . . . لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم

آثار محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ . و ما كان لهم من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۴

۴- ذلت و بدفرجامی کافران ، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دمّر الله عليهم . .. ذلك ... و أنّ الكافرين لا مولى لهم

آثار نیاز به ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۹

۹- موجود نیازمند ولایت (سرپرستی و دوستی) ، از سر ذلت موجودی در مانده و دارای کاستی است .

و لم يكن له ولي من الدّلّ

<ولایت> یا به معنای دوستی است و یا به معنای سرپرستی است که در هر دو صورت، در صورتی که از سر ذلت باشد نشانگر وجود نقص و کاستی در شیء مورد حمایت و دوستی است.

آثار ولایت آل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۱۹

۱۹- > عن أبي عبد الله (ع) قال : من تولّى آل محمّد... فهو من آل محمّد... لا انه من القوم بأعيانهم و إنما هو منهم بتولّيه إلیهم و اتباعه إياهم و كذلك... قول إبراهيم : > فمن تبعني فإنه منّي... < ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: کسی که آل

محمد را ولّی خود قرار دهد . . . پس او از آل محمد است ... نه آنکه در حقیقت از قوم آل محمد شود؛ بلکه او از آل محمد است، به خاطر آنکه آنان را ولّی خود برگزیده است و از آنان تبعیت می کند و چنین است ... سخن ابراهیم(ع): >فمن تبعنی فإنه منی ...<.

آثار ولایت ائمه(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۱۸

۱۸- > عن أبي عبد الله (ع) ... [فی قوله] > و شاركهم فی الأموال و الأولاد < ... قال : إن الشیطان لیجیء حتی یقعد من المرأه كما یقعد الرجل منها و یحدث كما یحدث و ینکح كما ینکح قلت : بأی شیء یعرف ذلک ؟ قال : بحبنا و بغضنا ، من أحبنا کان من نطفه العبد و من أبغضنا کان نطفه الشیطان ;

از امام صادق(ع) در باره[سخن خداوند]> و شاركهم فی الأموال و الأولاد< روایت شده است که فرمود: همانا شیطان می آید و بر زنان می نشیند، همان گونه که مردان بر آنان می نشینند و همان می کنند که آنان انجام می دهند . . .[راوی می گوید]گفتم: به چه چیزی این مسأله شناخته می شود؟ حضرت فرمود: به حبّ و بغض نسبت به ما. هر کس ما را دوست بدارد، از نطفه پدرش می باشد و هر کس بر ما بغض بورزد، از نطفه شیطان می باشد.<.

آثار ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۵

۱۵ کسب

عزت ، تنها در گرو محبت خداوند و پذیرش ولایت اوست .

أَيُّتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً

خداوند پس از بیان این حقیقت که هدف منافقان در دوستی با کافران رسیدن به عزت است، می فرماید که عزت‌ها از آن خداست. یعنی اگر طالب عزت هستید، باید ولایت خدا را پذیرا شوید و با او پیمان مودت داشته باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۵

۵ پیروزی اهل ایمان در گرو همبستگی آنان بر محور ولایت الهی

فان حزب الله هم الغلبون

به اصحاب و یارانی که همفکر شخصی باشند و از وی پیروی کنند، حزب آن شخص می گویند. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶ - ۵

۵ گزینش خداوند یگانه به ولایت و سرپرستی، زمینه شمول رحمت الهی بر آدمی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیاً .. من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵- ولایت و نظارت یگانه خدا بر اصحاب کهف ، دلیل علم برتر الهی و عدم آگاهی دیگران به زوایای سرگذشت آنان است .

قل الله أعلم بما لبثوا .. ما لهم من دونه من ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۷

۷- ولایت خداوند و حَقَّائِیت او ، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است .

هنالك الوليه لله الحق هو خير ثوابًا و خير عقبًا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۶، ۲۷ - ۲۵

۲۵ - لزوم ادای تکالیف الهی، برخاسته از حق ولایت خداوند بر آدمی

فأقيموا الصلوه .. هو مولیکم

۲۶ - حق ولایت الهی، تنها مجوز برای تشریح و قانون گذاری

فأقيموا الصلوه و ءاتوا الزکوه و اعتصموا بالله هو مولیکم

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <هو مولاکم> اشاره به این داشته باشد که چون خداوند بر آدمیان حق ولایت دارد، از این رو به جعل مقررات و تکالیف پرداخته است. بنابراین هر گونه تشریح و قانون گذاری، بایستی به گونه ای به ولایت الهی منتهی شود.

۲۷ - مشروعیت ولایت ها و حکومت های بشری، در گرو منتهی شدن آن به ولایت الهی است.

هو مولیکم

با توجه به ظهور <هو مولاکم> در حصر، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۶

۶ - مقام ولایت و سرپرستی خداوند، مقتضی مرجعیت نهایی او برای رفع تنازعات بشری است.

فأله هو الولی .. و ما اختلفتم فیہ من شیء فحکمہ إلى الله

از ارتباط این آیه با آیه قبل، می توان استفاده کرد که ولایت خداوند، مقتضی مرجعیت او در حل اختلافات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۷

۷ - رهایی انسان از گرفتاری های روز قیامت، تنها در پرتو ولایت خداوند و اطاعت از او است.

و لا یغنی عنهم .. و لا ما اتخذوا من دون الله اولیاء

۱- سعادت و نیک فرجامی مؤمنان ، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ينصرکم و يثبت أقدامکم . . . ذلك بأنّ الله مولى الذين ءامنوا

آثار ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۴

۴ توجیه ارتکاب کارهای زشت و ناپسند به پندار اجرای فرمان خداوند، برخاسته از نفوذ و ولایت شیطان است.

إنا جعلنا الشیطين أولیاء للذین لا یؤمنون . . . الله أمرنا بها

آثار ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵ - ۵

۵ شرک و پذیرش ولایت غیر خدا، موجب گرفتاری به عذاب شدید اخروی

أغیر الله أتخذ ولیا . . . ولا تكونن من المشرکین. قل إني أخاف إن عصیت ربی عذاب ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۴

۱۴ - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی در دنیا ، مایه محرومیت از ولایت و نصرت الهی در قیامت

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء . . . و الظلمون ما لهم من ولیّ ولا نصیر

آثار ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ مدعیان ایمان ، در صورت پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، در زمره اهل نفاقند .

بَشْرَ الْمُنْفِقِينَ بَأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

<أولياء> جمع <ولی> می تواند به معنای دوست و یا سرپرست باشد. گفتنی است که در برداشت فوق، <الذین>، وصف برای منافقان گرفته

شده است.

۳ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، در پی دارنده عذابی دردناک

بَشْرُ الْمُنْفِقِينَ بِأَنْ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۰

۱۰ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، خیانت در جنگ ، خدعه با خدا ، سستی در عبادت ، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن ، موجب گمراهی و محرومیت دائمی از هدایت الهی است .

و من يضلل الله فلن تجد له سييلا

از مصادیق مورد نظر برای (من یضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از ۱۳۸ تا ۱۴۳) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۱،۱۶

۱۱ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا ، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من يتولهم منكم فانه منهم

۱۶ مسلمانان پذیرای ولایت یهود و نصارا ، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من يتولهم منكم فانه منهم إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۸

۸ ناکامی و شکست ، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود ، نصارا و دیگر کافران

و من يتول الله و رسوله و الذين ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

حصر در جمله <فان حزب الله ..> می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیبا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

آثار ولايت یتیم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۷

۱۷- قبول سرپرستی اموال یتیم ، تعهدی مسؤولیت آور است . *

و لاتقربوا مال الیتیم .. و أوفوا بالعهد إن العهد کان مسئولاً

احتمالاً <أوفوا..> با توجه به اینکه پس از جمله <لا-تقربوا مال الیتیم> آمده است، از نوع ذکر عام پس از خاص باشد. بنابراین کفالت اموال یتیمان، می تواند از موارد معاهدات باشد.

اجتناب از ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۳

۳ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لاتتخذوا... الکفار اولیاء

<هزوا> به معنای ریشخند زدن و مسخره کردن است.

احکام ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۷

۷- هرگونه ولایت و سرپرستی ، منتهی به ولایت غیر خداوند نامشروع و باطل

فألله هو الولی

از انحصار ولایت در خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

ارزش ولایت امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ پیام مهم و ویژه خداوند در آیه تبلیغ (ولایت علی (ع)) ، دارای ارزشی هم طراز با تمامی رسالت

بلغ ما أنزل .. و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

اعراض از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۷

۷- روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی ، نمودی از کوردلی

کافران است .

كانت أعينهم في غطاء .. أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا

ارتباط محتوایی این آیه با آیات قبل، خصوصاً با توجه به <فاء> در <أفحسب> چنین می نماید که برگزیدن اولیا از سوی کافران، از نتایج کوری و کری و فقدان شناخت آنان است.

اعراض از ولایت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱

۱ ضرورت پرهیز مسلمانان از پذیرش ولایت و حاکمیت یهود و نصارا

يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى أولياء

یکی از معانی ولایت، امارت و سلطنت است. (قاموس المحيط)، بنابراین <ولی> می تواند به معنای امیر و حاکم باشد.

اعراض از ولایت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱

۱ ضرورت پرهیز مسلمانان از پذیرش ولایت و حاکمیت یهود و نصارا

يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا اليهود و النصرى أولياء

یکی از معانی ولایت، امارت و سلطنت است. (قاموس المحيط)، بنابراین <ولی> می تواند به معنای امیر و حاکم باشد.

اعلام ولایت امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۱۹، ۱۲، ۱۱، ۷

۷ انجام وظیفه رسالت الهی از سوی پیامبر (ص)، در گرو ابلاغ پیام ویژه خداوند (اعلام ولایت علی (ع)) به مردم

بلغ ما أنزل . . . و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

۱۱ احساس خطر پیامبر (ص) از ناحیه برخی مردم جهت انجام رسالت ویژه خویش (ابلاغ ولایت علی (ع))

بلغ ما أنزل . . . و الله

۱۲ خداوند ، تضمین کننده حفاظت پیامبر (ص) از خطر احتمالی ابلاغ پیام ویژه الهی (ولایت علی (ع))

بلغ ما أنزل .. و الله يعصمك من الناس

۱۹ اعلام ولایت علی (ع) در روز غدیر خم توسط پیامبر (ص) به امر خداوند

يايها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك

امام باقر(ع): .. فاوحى الله عزوجل اليه <يايها الرسول بلغ ما أنزل اليك من ربك ... > ... فقام بولايه على(ع) يوم غدیر خم

....

کافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۲، ح ۲۹۱.

اولویت در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۳، ۷

۷ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

۱۳ حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن الله بكل شيء عليم

جمله <إن الله .. > پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

اهمیت ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۲۱

۲۱ رسول خدا (ص) بیانگر ولایت کسانی که خداوند به ولایت آنان فرمان داده است .

قد جاءكم الرسول بالحق من ربكم

امام باقر(ع) درباره

<بالحق> در آیه فوق فرمود: بولایه من امر الله تعالی بولایته.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۲۲۱، ذیل آیه: تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۸، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۲۹، ۲۷، ۲۴، ۲۳

۲۳ ولایت و امامت، مکمل اسلام

اليوم اكملت لكم دينكم

۲۴ ولایت و امامت، متمم نعمت خداوند بر مردم

اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي

ذکر اتمام نعمت پس از اكمال دین با تعیین امامت و رهبری، می تواند اشاره به این معنا باشد که تعیین امامت، موجب اتمام نعمت شده است.

۲۷ جایگاه ویژه و والای امامت و ولایت در اسلام

اليوم يئس .. اليوم اكملت لكم دينكم

۲۹ اسلام همراه با ولایت، دین کامل و مورد رضایت خداست.

اليوم ... و رضيت لكم الاسلام ديناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۵

۲۵ بهره مندی یهود و نصارا از نعمت های بیکران خداوند، در گرو برپا داشتن حکومت و ولایت الهی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل .. لا کلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: الولایه.

کافی، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۶ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۰، ح ۴۸۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۴،۹

۴ انسان در جستجوی ولی و سرپرست برای خویش و نیازمند به آن است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا

در استفهام انکاری صدر آیه، موضوعی مسلم فرض شده و آن نیاز به ولی و سرپرست

است. لذا سخن از آن است که چه کسی را باید به عنوان ولی و سرپرست برگزید.

۹ نیازمندی و فقر آدمی، فلسفه احتیاج او به ولی و سرپرست

قل أغیر الله أتخذ ولیا .. و هو یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ > عن محمد بن الفضیل عن ابی الحسن الماضی (ع) قال : قلت : > هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق < قال : .
.. الولایه هی دین الحق قلت : > لیظهره علی الدین کلّه < قال : یظهره علی جمیع الأدیان عند قیام القائم ... ;

محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره > هو الذی أرسل رسوله .. < سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق
است و درباره > لیظهره علی الدین کله < فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۸

۸- > عن أبی جعفر و أبی عبدالله علیهما السلام فی قول الله : > ضرب الله مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی
السّماء < قال : یعنی النبی (ص) و الأئمه من بعده هم الأصل الثابت و الفرع الولایه لمن دخل فیها ;

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که در باره سخن خدا > ضرب الله مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه أصلها
ثابت و فرعها فی السّماء <

فرمودند: یعنی، پیامبر(ص) و ائمه(ع) بعد از او، ریشه های ثابت [آن درخت] و شاخه های آن، ولایت است برای کسی که با [پذیرش آن] تحت ولایت داخل شود.

اهمیت ولایت امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۲۰

۲۰ اعلان نکردن ولایت علی (ع) از سوی رسول خدا (ص) موجب حبط عمل آن حضرت

و إن لم تفعل فما بلغت رسالته

از رسول خدا(ص) روایت شده که بعد از خواندن آیه فوق خطاب به علی(ع) فرمود: و لو لم ابلغ ما امرت به من ولا یتک لحبط عملی . . .

امالی صدوق، ص ۴۰۰، ح ۱۳، مجلس ۷۴، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۴، ح ۲۹۶.

اهمیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ آنان که ولایت خدا و ربوبیت او را بر هستی پذیرفته اند بینایند و کسانی که برای غیر خدا ولایت و تدبیری در جهان معتقدند، کوردلانند .

قل هل یستوی الأعمی والبصیر أم هل تستوی الظلمت والنور

کلمات <أعمی> (کور)، <بصیر> (بینا) و نیز <ظلمات> (تاریکیها) و <نور> (روشنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشرکان و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۵

۵- انسان ها ، هیچ گونه سرپرست و یآوری جز خداوند ندارند .

و ما لكم من دون الله من ولي ولا

ایمان به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۹

۹ ایمان به خدا و سرپرستی او بر انسان ها ، مقتضی توکل بر او و روی بر تافتن از غیر اوست .

هو مولینا و علی الله فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ باور به توحید و ولایت خدا و ربوبیت او ، مراتبی گوناگون دارد و هر انسانی به اندازه استعدادش آن را درمی یابد .

قل من رب السموت و الأرض .. أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها ... كذلك يضرب

ایمان و ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۴

۴ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن ناسازگار با گزینش کافران برای دوستی و ولایت

و لو كانوا یؤمنون بالله و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

برخورداری از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۹

۹ بهای بهشت و برخورداری از ولایت الهی، عمل در پرتو ایمان است.

لهم دارالسلام .. بما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۹

۹ قرار گرفتن در پرتوی ولایت خداوند و یا ولایت ظالمان، در ارتباط با عملکرد انسان است.

و هو ولیهم بما کانوا یعملون .. نولی بعض الظلمین بعضا بما کانوا یکسبون

بطلان ولایت غیر خدا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۵ - ۵

۵ ظهور بطلان ولایت غیر خدا برای مشرکان با آمدن عذاب الهی

و لا تتبعوا .. فما كان دعويهم إذ جاء بأسنا إلا ان قالوا إنا كنا ظلمين

با توجه به جمله <ولا تتبعوا من دونه أولياء> معلوم می شود که مشرکان با نزول عذاب استیصال، حقیقت امر را دریافته و خود را به سبب پذیرش ولایت غیر خدا ستمگر خواندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۹

۹ قیامت، روز ظهور مولویت و مالکیت به حق و پروردگاری بی همتای خداوند و بر ملا شدن بطلان اندیشه مولویت و ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و يوم نحشرهم جميعاً .. و ردوا إلى الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۷

۷ - هرگونه ولایت و سرپرستی، منتهی به ولایت غیر خداوند نامشروع و باطل

فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ

از انحصار ولایت در خداوند، مطلب بالا استفاده می شود.

پاداش ولایت اهل بیت (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکوین - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - <قال الرضا (ع) و لقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبد الله الصادق (ع) ... قال: إن الله عز وجل لا يسئل عباده عمّا تفصل عليهم ولا يمنّ بذلك عليهم والإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عز وجل ما لا يرضى

النعم حَبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالِنَا يَسْتَلُّ اللَّهُ عِبَادَهُ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ التَّبَوُّهِ لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَفَى بِذَلِكَ آدَاهُ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ الَّذِي لَا يَزُولُ ۚ

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجل دربارہ آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان مَنّت نمی گذارد. مَنّت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است ۚ پس چگونه به خالق عزوجل چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و تبوت، از آن بازخواست خواهد کرد ۚ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند.

پرسش از ولایت اهل بیت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - < قَالَ الرضا (ع) و لقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبد الله الصادق (ع) . . . قال : إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يَسْتَلُّ عِبَادَهُ عَمَّا تَفَضَّلَ عَلَيْهِمْ وَ لَا يَمْنَنُ بِذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ الْإِمْتِنَانُ بِالْإِنْعَامِ مُسْتَقْبِحٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ فَكَيْفَ يُضَافُ إِلَى الْخَالِقِ عَزَّوَجَلَّ مَا لَا يَرْضَى الْمَخْلُوقُ بِهِ وَ لَكِنَّ النَّعِيمَ حَبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالِنَا يَسْتَلُّ اللَّهُ عِبَادَهُ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ التَّبَوُّهِ لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَفَى بِذَلِكَ آدَاهُ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ الَّذِي لَا يَزُولُ ۚ

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از

پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منت نمی گذارد. منت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است؛ پس چگونه به خالق عزوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و تبوت، از آن بازخواست خواهد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند.

جاودانگی ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید، ولایت خدا و ربوبیت او، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۳

۳ - تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت، ولایت خداوند است .

و قِيضْنَا لَهُمْ قَرْنًا .. قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا ... نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا ... نحن

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در قیامت تبدیل به دشمنی خواهد شد.

حاکمیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۵

۵- اراده، قدرت و ولایت الهی، یگانه و بدون معارض

و من لایجب داعی الله .. و لیس له من دونه اولیاء

حرمت ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۲،۳

۲ حرمت و ممنوعیت پذیرش ولایت و سرپرستی کافران، برای مؤمنان

لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

۳ حرمت برگزیدن کافران و مقدم داشتن آنان بر مؤمنان، در دوستی و ارتباط و ولایت

لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۳

۱۳ حرمت پذیرش ولایت و حکومت کافران

و لن یجعل الله للکفرین علی المؤمنین سییلا

بنابر اینکه جمله <لن یجعل ..>، در مقام انشاء باشد و نه اخبار. یعنی نباید مؤمنان سلطه کافران را پذیرا باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱

۱ حرمت ایجاد روابط دوستی و موَدّت با کافران و پذیرش سرپرستی آنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

حرمت ولایت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۷

۷ حرمت برقراری روابط دوستی با منافقان و پذیرش ولایت و حکومت

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ... لا تتخذوا الكافرين أولياء

حق ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴

۴ امر به معروف و نهی از منکر، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر.

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۳

۳ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریح <آتقوا الله و اطیعوا> بر جمله <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ> بیانگر این معنا است که: اگر قبول دارید من رسول الهی و امین هستم پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق

ولایت و اطاعت بر مردم

و أطيعون

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُوا أَمْرًا مِّنْهُ> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)، بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول خدا هستم، بر شما لازم است که تقوای او را پیشه کنید و از من فرمان برید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۴

۴ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُوا أَمْرًا مِّنْهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۳

۳ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُوا أَمْرًا مِّنْهُ

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُوا أَمْرًا مِّنْهُ> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول الهی ام، بر شما لازم است که تقوای الهی را رعایت کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۴

۴ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُوا أَمْرًا مِّنْهُ

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُوا أَمْرًا مِّنْهُ> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)؛ بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که ضمن رعایت تقوای الهی از من اطاعت کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- پیامبر (ص) ، دارای حق ولایت بر مردم ، در پرتو جعل و تفویض الهی

أطيعوا الله و

أطيعوا الرسول

اطاعت رسول(ص)، به فرمان الهی جعل و تفویض او واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۶

۶ - پیامبر اکرم (ص) ، دارای حق ولایت و فرماندهی بر انسان ها

و من يطع الله و رسوله يدخله جنت

حقانیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۵

۵- ولایت حق و اصیل ، ویژه خدا است .

أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا عبادي من دوني أولياء

دلایل بی منطقی ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۶

۶- بندگی و نیاز همه موجودات به درگاه خدا، خود، دلیل پوچی پندار ولایت برای آنان در برابر خداوند است.

أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ

با این که معنای آیه، بدون کلمه <عبادی> نیز تمام است، ولی ذکر <عبادی> برای توجه دادن به این نکته است که آنچه به عنوان <ولی> از سوی کافران انتخاب و در

رتبه الوهیت و ربوبیت پنداشته شده است، جملگی عبد خدایند و چگونه است که بی خردان، عبد را در رتبه معبود پنداشته اند؟! بنابراین، آیه، متضمن نوعی استدلال نیز هست.

دلایل رد ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۳

۳- حضور نداشتن شیاطین در کار آفرینش جهان ، نشان عدم صلاحیت آنان برای ولایت و تدبیر امور عالم است .

أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي .. مَا أَشْهَدْتَهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

دلایل ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۹

۲۹ یکتایی خدا و غلبه و تسلط او بر هستی ، دلیل ربوبیت و ولایت اوست .

أَفَاتَّخِذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ .. وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

دین و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲۷

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ آتِخَذَ وَلِيًّا .. قُلْ إِنِّي أَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ

جمله <إني أمرت ... > حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغیر الله أتخذ ... > نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱۴

۱۴ - لازم است که اتکا و توجه انسان ، تنها به ولایت و

نصرت الهی باشد .

ما لکم من دونه من ولیّ و لاشفیع أفلاتدکرون

ذلت نیازمند به ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۹

۹- موجود نیازمند ولایت (سرپرستی و دوستی) ، از سر ذلت موجودی در مانده و دارای کاستی است .

و لم یکن له ولیّ من الذلّ

<ولایت> یا به معنای دوستی است و یا به معنای سرپرستی است که در هر دو صورت، در صورتی که از سر ذلت باشد نشانگر وجود نقص و کاستی در شیء مورد حمایت و دوستی است.

رد ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۳

۳ معبود های مشرکان در روز رستاخیز ، اظهار می دارند که حق بر گفتن سرپرستانی جز خدا را نداشته و سزاوار این کار نبوده اند .

قالوا سبحنک ما کان ینبغی لنا أن نتخذ من دونک من أولیاء

<أولیاء> می تواند از <ولایت> (به فتح <واو>) به معنای سرپرست باشد و هم می تواند از ولایت (به کسر <واو>) به معنای <نصرت> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای اول است.

رد ولایت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۲

۲ مدعیان ایمان در صورت قطع رابطه دوستی با اهل ایمان و پذیرفتن ولایت آنان ، در شمار منافقانند .

بَشَرِ الْمُنْفِقِينَ .. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

زَمِينَهُ ذَكَرَ وَلَايَتِ خُودِ

جِلْد - نَامِ سُورِهِ - سُورِهِ - آيَةِ - فَيْشِ

١٦ - سُورِي - ٤٢ - ٢٨ - ٩

٩ - دَرِيَاْفَتِ

باران ، پس از نیاز و ناامیدی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی بر هستی و روی آوری به ستایش او

و هو الذی ينزل الغيث من بعد ما قنطوا .. و هو الولی الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۹

۹ - بلاها و تنگناهای زندگی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی و یآوری خواستن از او

و ما أصبکم .. و ما لکم من دون الله من ولی و لانصیر

زمینه قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ نپذیرفتن ولایت و سرپرستی خداوند ، آدمی را به دام اولیا و سرپرستانی متعدد گرفتار می سازد .

و ما لکم من دون الله من أولیاء

آوردن <ولی> به صورت مفرد به جای <أولیاء> در رساندن مقصود (نبود هیچ ولی و سرپرستی جز خدا) کافی بود. بنابراین جمع آوردن <أولیاء> اشاره به نکاتی دارد. برداشت فوق ناظر به یکی از آن نکات است.

زمینه ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۹

۲۹ - اقامه نماز ، پرداخت زکات و اعتصام به خداوند ، زمینه ساز برخورداری از ولایت و جلب یاری و نصرت او

فاقیموا الصلوه .. فنعم المولی و نعم النصیر

برداشت فوق ، بدان احتمال است که <فنعم المولی> .. مترتب بر تکالیف پیشین باشد که انجام آن ، موجب بهره مندی از ولایت ویژه و نصرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۳

۳- ایمان ، عامل قرار گرفتن تحت ولایت و سرپرستی خداوند

اللّٰه مولى الذین ءامنوا

زمینه ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۱۲

۱۲- تسلیم اغوا و ظاهرسازی های شیطان شدن ، ولایت او را در پی دارد .

فزیّن لهم الشیطن أعملهم فهو ولیّهم الیوم

زمینه ولایت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۹

۹ قرار گرفتن در پرتوی ولایت خداوند و یا ولایت ظالمان، در ارتباط با عملکرد انسان است.

و هو ولیهم بما كانوا یعملون . . . نولی بعض الظلمین بعضا بما كانوا یکسبون

زمینه ولایت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۳

۳ - جدایی موسی (ع) از دستگاه فرعونى ، زمینه اعطای رسالت و سرپرستی بنی اسرائیل به وی از جانب خداوند

ففررت منکم . . . فوهب لی ربی حکماً و جعلنی من المرسلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تفریع <وهب> بر <ففررت> اشاره به تأثیر جدایی موسی(ع) از دستگاه فرعون در

شایستگی وی برای دریافت حکم و رسالت داشته باشد. گفتنی است که در برداشت فوق واژه <حکم> به معنای ولایت و سرپرستی گرفته شد و مراد از آن سرپرستی بر بنی اسرائیل و هجرت دادن آنان از سرزمین مصر می باشد.

سرزنش قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از

سوی برخی مردم ، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أَفْتَحْذُونَهُ وَ ذَرِّتَهُ أَوْلِيَاءَ مَنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

همزه <استفهام> در <أَفْتَحْذُونَهُ> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

سرزنش قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم ، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان ، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است .

أَفْتَحْذُونَهُ وَ ذَرِّتَهُ أَوْلِيَاءَ مَنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

همزه <استفهام> در <أَفْتَحْذُونَهُ> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

سرزنش قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ آنان که ولایت خدا و ربوبیت او را بر هستی پذیرفته اند بینایند و کسانی که برای غیر خدا ولایت و تدبیری در جهان معتقدند ، کوردلانند .

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ

کلمات <أعمى> (کور)، <بصیر> (بینا) و نیز <ظلمات> (تاریکیها) و <نور> (روشنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشرکان و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱

۱- کافران به جهت پذیرش ولایت غیر خدا، مورد ملامت اویند .

أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا عبادي من دوني أولياء

استفهام در آیه، برای انکار و توییح است؛ یعنی، گزینش غیر

خدا، به عنوان ولی، کاری نادرست و سزاوار توبیخ است. و مراد از <اتخاذ ولی> در آیه اطاعت معبودان و انتظار یاری از آن ها است.

سرزنش ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۱،۲

۱ - سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به واسطه پذیرش ولایت غیر او

أم اتّخذوا من دونه أولياء

۲ - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی ، امری شگفت انگیز و ملامت بار

أم اتّخذوا من دونه أولياء

سرزنش ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۹

۹ پذیرش ولایت کافران ، هرگز مایه عزت و سربلندی نخواهد شد .

أیبتغون عندهم العزّه فإن العزّه لله جميعاً

سقوط ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۵

۵ سرپرستان مسجدالحرام در صورت بازداشتن اهل ایمان از ورود به آن ، گنهکارند و از حق ولایت و سرپرستی محروم خواهند شد .

یصدون .. و ما كانوا أولیاءه إن أولیاءه إلا المتقون

شرایط ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۷

۷ لیاقت و برتری ، از شرایط سرپرستی و مدیریت

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ

چون حق مدیریت مردان بر زنان به لحاظ برتری آنان دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۷۸

۷ پیاداشتن همواره نماز با تمامی شرایط آن و کوتاهی نورزیدن در پرداخت

زکات ، شرط شایستگی برای ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم الله .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

اقامه نماز به معنای برپا داشتن آن با تمامی شرایط است و فعل مضارع < یقیمون > و < یؤتون >، حاکی از استمرار و تداوم اقامه نماز و پرداخت زکات است.

۸ حالت خضوع و فروتنی در پرداخت صدقه و زکات ، از شرایط لازم برای تصدی حکومت و ولایت بر اهل ایمان

انما ولیکم الله .. الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۲

۲- داشتن اطلاع و آگاهی همه جانبه به ابعاد امور ، شرط ضروری ولایت و سرپرستی است .

أفتتخذونه و ذریته أولیاء من دونی .. ما أشهدتهم خلق السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - قدرت و توانایی ، شرط شایستگی برای ولایت و سرپرستی است .

فالله هو الولی .. و هو علی کل شیء قدير

شرایط ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۹

۹ - شرط بهره مندی از ولایت و سرپرستی خداوند ، تقوا است .

والله ولی المتّقین

شرایط ولایت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۲

۲ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار

، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إِنَّ الدِّينَ إِامَنُوا وَ هَاجَرُوا .. أَوْلِيَاءَ بَعْضِ

مشارالیه <أَوْلِيَاءَ> و مرجع ضمیر در <بَعْضِهِمْ>، <الدِّينَ> اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر مثلاً اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

شگفتی قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

همزه <استفهام> در <أَفْتَتَّخِذُونَهُ> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

شگفتی قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۹

۱۹- پذیرش ولایت شیطان و نسل او از سوی برخی مردم، با وجود عداوت شیاطین با آدمیان، کاری ناشایست و شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

همزه <استفهام> در <أَفْتَتَّخِذُونَهُ> مفید معنای انکار همراه با تعجب است.

شگفتی ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۲

۲ - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی ، امری شگفت انگیز و ملامت بار

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ

شؤون ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ -

۷- توان مندی بر رفع اختلافات و داوری بایسته ، از شؤون ولایت

فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ .. و ما اختلفتم فيه من شيء

شؤون ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ آفرینش و تأمین نیازمندیهای موجودات، از شؤون ولایت مطلقه الهی است.

قل أغير الله أتخذ وليا فاطر السموت والأرض و هو يطعم و لا يطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۷ - ۶

۶ اقتدار بر رساندن هر گونه خیر و شر، از شؤون ولایت الهی است.

أغير الله أتخذ وليا .. و إن يمسسك الله بضر ... فهو على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۲۲

۲۲ آمرزش گناه خطاکاران و گسترانیدن رحمت بر ایشان ، از شؤون ولایت و سرپرستی خداوند بر بندگان خویش است .

أنت ولینا فاغفر لنا و ارحمنا

تفریع جمله <اغفر لنا و .. > بر <أنت ولینا> به وسیله حرف فاء، حاکی از برداشت فوق است.

ظالمان و ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ ستمکاران ، شایسته ولایت و سرپرستی نیستند .

و لا تتركوا إلى الذين ظلموا .. و ما لكم من دون الله من أولياء

عقل و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲۷

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل

أغير الله أتخذ وليا .. قل إني أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله <إني أمرت .. > حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغير الله أتخذ ... > نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

عقیده به ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ شرک (اعتقاد به وجود مولویت و ربوبیت برای غیر خدا) پنداری باطل و افترا بر خداوند است .

و ردوا إلى الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۳

۳ - اعتقاد انسان به ولایت غیر خدا ، ظلم و ستم بر خویشتن

و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر . أم اتّخذوا من دونه أولیاء

عقیده به ولایت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۹

۱۹ مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش ، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أفأخذتم من دونه أولیاء .. أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق علیهم

جمله <خلقوا كخلقه > صفت برای <شركاء > است. <خلق > در هر دو مورد (<كخلقه > و <الخلق >) مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. <تشابه > (مصدر تشابه) به قرینه کلمه <علی > به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. <أم > در جمله فوق أم منقطعه و

حاوی استفهام انکاری است و می‌رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده‌های خدا مشتبه شود.

علم در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۵۱ - ۲

۲- داشتن اطلاع و آگاهی همه جانبه به ابعاد امور، شرط ضروری ولایت و سرپرستی است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي .. مَا أَشْهَدُتَّهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

عوامل محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رَعْد - ۱۳ - ۳۷ - ۹

۹ خداوند پیامبر (ص) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به محروم کردن از یاری و حفاظت خویش تهدید کرد.

لَنْ أَتَّبِعْت أَهْوَاءَهُمْ .. مَالِكٌ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيِّ وَلَاوِاقٍ

<ولِيٌّ> به معنای یاور و <واق> اسم فاعل از <وقایه> به معنای نگهدارنده است. <من الله> می‌تواند متعلق به محذوف و حال برای <ولِيٌّ> و <واق> باشد. بر این مبنا جمله <مالک...> چنین معنا می‌شود: برای تو از جانب خداوند هیچ یاور و نگه‌دارنده‌ای نخواهد بود؛ یعنی، امدادهای خداوند به تو نخواهد رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - سُورَى - ۴۲ - ۸ - ۱۴

۱۴ - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی در دنیا، مایه محرومیت از ولایت و نصرت الهی در قیامت

و الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ .. وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

عوامل ولایت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ حاکمیت و ولایت یافتن ظالمان معلول کردار ظالمانه مردم جامعه است.

و كذلك نولى بعض الظلمين بعضا بما كانوا يكسبون

فرجام شوم ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۵

۵- گرفتار شدن به عذاب دوزخ ، سرنوشت محتوم و فرجام شوم کسی است که خود را در قلمرو ولایت شیطان قرار دهد و از او پیروی کند .

كتب عليه أنه من تولاه.. ويهديه إلى عذاب السعير

قبول ولایت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۱۲

۱۲ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، پذیرای ولایت و دوستی با اهل کتاب و دیگر کافران ، علی رغم دشمنی آنان با دین

يأبها الذين ءامنوا لاتتخذوا الذين .. أولياء و اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

لحن مذمت گونه جمله < و اتقوا الله ان كنتم مؤمنين > می رساند که گروهی از مسلمانان با کافران روابط دوستی برقرار کرده بودند.

قبول ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ آدمی بر سر دو راهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲۷، ۱۸، ۱۲، ۲

۲ ولایت الهی، تنها ولایت مورد پذیرش پیامبر (ص)

قل أغیر الله أتخذ ولیا

۱۲ پذیرش ولایت خالق روزی دهنده بی نیاز، حکم فطرت و عقل است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا

فاطر السموت و الأرض و هو يطعم و لا يطعم

۱۸ پذیرش ولایت خداوند، مستلزم تسلیم شدن محض در برابر اوست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا .. قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر الله أتخذ ولیا .. قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله <إنی أمرت .. > حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغیر الله أتخذ ... > نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۰

۱۰ پیروی از قرآن، پذیرش ولایت خداوند و فرمانبرداری از اوست.

اتبعوا ما أنزل إلیکم من ربکم و لاتتبعوا من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۸

۸ پذیرش ولایت خداوند شرط بهره‌وری از هدایت اوست.

و فریقا حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا الشیطن أولیاء من دون الله

مفهوم جمله <إنهم .. > بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۱

۲۱- پذیرش ولایت شیطان، غیرقابل جمع با پذیرش ولایت خدا است.

أفتتخذونه و ذرّیته أولیاء من دونی

قبول ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۵،۱۰

۵ پذیرش سرپرستی شیاطین بجای خدا، عامل تثبیت گمراهی و

دور ماندن از هدایت الهی

فريقا حق عليهم الضلله إنهم اتخذوا الشيطان أولياء من دون الله

۱۰ پذیرندگان ولایت شیاطین، بی خبر از گمراهی خویش و در پندار برخورداری از توفیق هدایت هستند.

و يحسبون أنهم مهتدون

قبول ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۸ - ۸

۸ شرک و بت پرستی، عصیان از بندگی خداوند و پذیرش سلطه شیطان است.

ان يدعون من دونه الا اثناً .. قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۳

۱۵ وانهادن ولایت خداوند و پذیرش ولایت شیطان، زیان آشکار

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

۱۶ اطاعت از دستورات شیطان، در حقیقت پذیرش ولایت اوست.

و لامرنهم فليغيرن خلق الله و من يتخذ الشيطان ولياً

۱۹ پذیرندگان ولایت شیطان، مردمی زیانکار با خسارتی آشکار

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

۲۳ آدمی بر سر دو راهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ دوزخ ، فرجام پذیرندگان ولایت شیطان

و من يتخذ الشيطان ولياً .. أولئك ماويهم جهنم ولا يجدون عنها محيصاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۵

۵- پذیرش ولایت شیطان و پیروی از او ، شرک به خداوند است .

الذین يتولّونه .

.. هم به مشرکون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <باء> در <به> برای سببیت باشد و ضمیر آن به <قبول و پذیرش> که در معنای <یتولونه> (از او فرمان می برند) اشراب شده است برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۹، ۲۸، ۲۱

۲۱- پذیرش ولایت شیطان، غیرقابل جمع با پذیرش ولایت خدا است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي

۲۸- گزینش ولایت شیطان به جای ولایت خدا، انتخابی ظالمانه و زشت است.

أَفْتَتَّخِذُونَهُ .. بئس للظلمين بدلاً

مخصوص به <ذم> در فعل <بئس> ابلیس است. و <بدلاً> تمیز برای آن، لذا معنای جمله، چنین می شود که: <شیطان، بد جایگزینی است (به جای خداوند) برای ظالمان>.

۲۹- پیروان شیطان و گزینش کنندگان ولایت او، ظالم اند.

بئس للظلمين بدلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۱

۱- پیروی از شیطان، به معنای پذیرش ولایت و سرپرستی او است.

و يَتَّبِعْ كُلَّ شَيْطَانٍ ... مِنْ تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يَضِلُّهُ

قبول ولایت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۶

۶- پیروی از تمایلات جاهلانه ظالمان، به معنای پذیرش ولایت و رهبری آنان است.

و لا تتبع أهواء .. و إنّ الظالمين بعضهم أولياء بعض

با توجه به این که <إِنَّ الظالمين بعضهم أولياء..> تعلیل برای نهی <لا تتبع> است، مفاد آیه شریفه چنین خواهد بود: اگر پیامبر یا موحد دیگری، در برابر خواسته یا خواسته های هواپرستان جاهل تسلیم شود، در حقیقت رهبری

و ولایت آن هواپرستان ظالم را پذیرفته است.

قبول ولایت غیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۲

۲۲ پذیرش اندیشه و فرمان های دیگران ، قبول ولایت آنهاست .

و لاضلنهم و لامننهم و لامرنهم . . . و من يتخذ الشيطان ولياً

قبول ولایت غیر اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۸

۱۸ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عزوجل < و من یرد فیہ بالحاد بظلم > فقال : من عبد فیہ غیر الله عزوجل أو تولی فیہ غیر اولیاء الله فهو ملحد بظلم . . . ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عزوجل < و من یرد فیہ بالحاد بظلم > روایت شده است که فرمود: کسی که در مکه، غیر از خدای عزوجل را پرستش کند، یا ولایت غیر اولیای خدا را بپذیرد، <الحاد به ظلم > کرده است.

قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲۵

۲۵ پذیرش ولایت غیر خدا، شرک است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا . . . و لا تكونن من المشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵ - ۴

۴ شرک و پذیرش ولایت غیر خدا، عصیان بر اوست.

أغير الله أتخذ وليا .. و لا تكونن من المشركين. قل إني أخاف إن عصيت ربي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - ٣ - ٧ - اعراف

٩ اطاعت

و پیروی از دیگران در حقیقت پذیرش ولایت آنهاست.

اتبعوا .. و لاتتبعوا من دونه اولیاء

با اینکه کلمه ای مانند <احدا> به جای <اولیاء> می توانست بیانگر معنای مقصود باشد، ولی کلمه <اولیاء> به کار برده شده تا اشاره باشد به اینکه پیروی و فرمانبرداری مساوی با پذیرش ولایت و سرپرستی پیروی شونده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۲

۲ عذاب سهمگین خداوند در انتظار جوامع مختلف از قوانین دین و پذیرنده ولایتهای غیر خداوند

و لاتتبعوا من دونه .. و کم من قریه أهلکنها

بیان هلاکت جوامع پیشین پس از فرمان به رعایت قوانین دین و سرپیچی از ولایت غیر خدا <اتبعوا ما أنزل الیکم .. >، بیانگر آن است که عذاب امتهای پیشین به سبب تخلف آنان از این فرمان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۸

۸ کسانی که ولایت خدا را نپذیرند، خویشان را به ولایتهایی متعدد و بی اساس گرفتار خواهند کرد .

و ما کان لهم من دون الله من اولیاء

جمع آوردن کلمه <اولیاء> با وجود این که بیان معنای مقصود با کلمه <ولئى> نیز ممکن بود، اشاره به این نکته دارد که انسان، اگر ولایت الهی را نپذیرد، گرفتار تعدد اولیا می شود و ناچار است به ولایتهای متعددی گردن نهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۲

۲۲ پذیرش سرپرستی و ولایت غیر خدا شرک است .

أفأخذتم من دونه اولیاء .. أم

جعلوا لله شركاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۴

۴- كافران ، از ولايت خدا روى گردان و سرنهاده بر آستان شماری از بندگان اویند .

يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰- کسانی که غیر خدا را معبود و ولی خود ساخته اند ، به خطا ، خود را کام روا و نیک کردار می پندارند .

أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ .. وَ هُمْ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يَحْسِنُونَ صِنْعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۱ - ۲،۴۸

۲ - انتخاب کنندگان ولی و کارسازی غیر از خدا ، همانند عنكبوت اند که برای خود خانه ای بی بنیاد ، بنا کرده است .

مِثْلَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمِثْلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا

۴ - کسانی که ولايت و کارسازی خدا را رها کنند و به سراغ غیر خدا بروند ، مبتلا به اولیای متعددی می شوند .

مِثْلَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمِثْلِ الْعَنْكَبُوتِ

جمع آورده شدن <أولیاء> احتمال دارد که ناظر به واقعیت خارجی باشد و آن، این است که گریزندگان از ولايت الهی، ارباب و اولیای متعدد پیدا می کنند.

۸ - ولی و کارساز گیرندگان غیر خدا ، جاهلانه و از سر بی خبری ، انتخاب کرده اند .

مِثْلَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمِثْلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا .. لَوْ كَانُوا ي

قبول ولايت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

۱۰ پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، جبهه گیری در مقابل خداوند است .

لاتتخذوا الكافرين أولياء .. أتريدون أن تجعلوا الله عليكم سلطاناً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۵ - ۲

۲ مؤمنان ، در صورت پذیرش ولایت کافران ، محکوم به نفاق خواهند بود .

لاتتخذوا الكافرين أولياء .. إنَّ المنافقين في الدرك الأسفل من النار

ظاهراً جمله <إنَّ المنافقين ..> ، بیان علت برای جمله <لاتتخذوا...> است. بنابراین مراد از <المنافقين> ، همان کسانی خواهند بود که ولایت کافران را پذیرا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۷

۱۷ ناکامی و زیانکاری ، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت کافران

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۳۲

۳۲ بیمار دلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله یقوم .. ذلك فضل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۳،۱۳

۳ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لا تتخذوا .. الكفار أولياء

<هزوا> به معنای ریشخند زدن و مسخره کردن است.

۱۳ پذیرش ولایت و دوستی کافران و تمسخر کنندگان اسلام ، ناسازگار با ایمان و تقوا

و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰

۷ بنی اسرائیل همکیشان خود را از پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان نهی نمی کردند .

لا یتناهون عن منکره فعلوه . . . تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

آیه مورد بحث بیان مصداقی است از <منکر> که در آیه قبل مطرح شده بود.

۸ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت کافران و پیوند های مودت آمیز با آنان

کانوا لا یتناهون عن منکر . . . تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . . . تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

۱۰ عصیان ، تجاوزگری و ترک نهی از منکر ، زمینه ساز پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان *

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون . . . کانوا لا یتناهون ... یتولون الذین کفروا

بدان احتمال که مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان، نتیجه اعمال ناپسندی باشد که در آیات قبل درباره بنی اسرائیل بیان شد.

۱۶ جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری ، تجاوزپیشگی ، ترک نهی از منکر ، و پذیرش ولایت کافران

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لا یتناهون ... و فی العذاب هم خلدون

۱۷ غضب الهی و عذاب همیشگی ، دستاور پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان

یتولون الذین کفروا لبئس . . . ان سخط الله علیهم

و فی العذاب هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ پذیرش ولایت و دوستی با کافران نشانه فسق و خروج از حدود الهی است .

ما اتخذوهم أولیاء و لكن كثيراً منهم فسقون

قبول ولایت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۶، ۱۷ - ۱۱

۱۱ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من يتولهم منكم فانه منهم

۱۶ مسلمانان پذیرای ولایت یهود و نصارا، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من يتولهم منكم فانه منهم إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

۱۷ دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان، ظلم و موجب محرومیت از هدایت الهی

و من يتولهم منكم فانه منهم إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۰، ۱۳، ۱۱، ۶، ۲

۲ شتاب زدگی بیماردلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی، در پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

در برداشت فوق <یسرعون فیهم> به قرینه آیه قبل به معنای <یسارعون فی تولیهم> گرفته شده است.

۶ شتاب بیماردلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فتری الذین فی قلوبهم مرض یسرعون فیهم

۱۱ سرزنش و توبیخ خداوند از مسلمانانی که با یهود و نصارا رابطه مودت آمیز داشته و پذیرای ولایت آنها هستند .

فتری

الذین فی قلوبہم مرض یسرعون فیہم

۱۳ داشتن پناہگاهی امن در صورت شکست اسلام ، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (ص) با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

یقولون نخشی ان تصینا دائره

۲۰ پشیمانی ، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

یسرعون فیہم .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسہم ندمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۶

۱۶ ناکامی پذیرندگان ولایت و دوستی یهود و نصارا ، در بهره گیری از روابط دوستانه با آنان

حبطت اعمالہم فاصبحوا خسیرین

بدان احتمال که مراد از <اعملہم> تلاشهایی است که بیمار دلان برای ایجاد روابط دوستانه با یهود و نصارا، داشتند / بر این اساس مقصود از <خسارت> بهره نجستن از ایجاد رابطه با یهود و نصارا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴،۵

۴ پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا ، ارتداد و بازگشت از دین است .

و من یتولہم منکم فانه منہم .. یا ایہا الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینہ

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود از مصادیق مورد نظر برای مرتدان، مسلمانانی هستند که علی رغم نھی خداوند با یهود و نصارا ارتباط دوستی و ولایی برقرار می کنند.

۵ ارتداد برخی مسلمانان صدر اسلام ، با پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبہم مرض .. یا ایہا الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۸ ناکامی و شکست ، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود ، نصارا و دیگر کافران

و من يتول الله و رسوله و الذين ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

حصر در جمله <فان حزب الله...> می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیبا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

قبول ولایت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ بسیاری از بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) دارای روابط دوستانه با مشرکان مکه و پذیرای ولایت آنان بودند .

تری کثیراً منهم يتولون الذين كفروا

بنا به گفته برخی از مفسران مراد از <الذين كفروا> مشرکان مکه می باشد.

۶ پذیرش ولایت مشرکان و دوستی با آنان از جمله اعمال ناپسند و رایج در بین انبوهی از یهودیان عصر پیامبر (ص)

لبئس ما كانوا يفعلون. تری کثیراً منهم يتولون الذين كفروا

جمله <يتولون الذين كفروا> مصداقی برای جمله <لبئس ما كانوا يفعلون> است. وبه قرینه آیه ۸۲ (و لتجدن اقربهم موده ...) که مسیحیان را دوستار مسلمانان معرفی کرده است، معلوم می شود، مراد از بنی اسرائیل در این بخش از آیات، یهودیان است.

قبول ولایت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من يتولهم منكم فانه منهم

مسلمانان پذیرای ولایت یهود و نصارا ، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من يتولهم منكم فانه منهم إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

۱۷ دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان ، ظلم و موجب محرومیت از هدایت الهی

و من يتولهم منكم فانه منهم إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۰، ۱۳، ۱۱، ۶، ۲

۲ شتاب زدگی بیمار دلان سست ایمان و محروم از هدایت الهی ، در پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض يسرعون فيهم

در برداشت فوق <يسرعون فيهم> به قرینه آیه قبل به معنای <يسارعون فی تولیهم> گرفته شده است.

۶ شتاب بیمار دلان سست ایمان در دوستی و پذیرش ولایت یهود و نصارا ، پیامد محرومیت آنان از هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فتري الذین فی قلوبهم مرض يسرعون فيهم

۱۱ سرزنش و توبیخ خداوند از مسلمانانی که با یهود و نصارا رابطه مودت آمیز داشته و پذیرای ولایت آنها هستند .

فتري الذین فی قلوبهم مرض يسرعون فيهم

۱۳ داشتن پناهگاهی امن در صورت شکست اسلام ، انگیزه دوستی مسلمانان بیمار دل عصر پیامبر (ص) با یهود و نصارا و

پذیرش ولایت آنان

يقولون نخشى ان تصيبنا دائره

۲۰ پشیمانی ، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

يسرعون فيهم .. فيصبحوا على ما اسروا في انفسهم ندمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۶

۱۶ ناکامی پذیرندگان ولایت و دوستی یهود و نصارا، در

بهره گیری از روابط دوستانه با آنان

حبطت اعمالهم فاصبحوا خسرین

بدان احتمال که مراد از <اعملهم> تلاشهایی است که بیمار دلان برای ایجاد روابط دوستانه با یهود و نصارا، داشتند، بر این اساس مقصود از <خسارت> بهره نجستن از ایجاد رابطه با یهود و نصارا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴،۵

۴ پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا، ارتداد و بازگشت از دین است .

و من يتولهم منكم فانه منهم . . . یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود از مصادیق مورد نظر برای مرتدان، مسلمانانی هستند که علی رغم نهی خداوند با یهود و نصارا ارتباط دوستی و ولایی برقرار می کنند.

۵ ارتداد برخی مسلمانان صدر اسلام، با پذیرش ولایت و دوستی یهود و نصارا

فتری الذین فی قلوبهم مرض . . یا ایها الذین ءامنوا من یرتد منکم عن دینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۸

۸ ناکامی و شکست، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود، نصارا و دیگر کافران

و من يتول الله و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

حصر در جمله <فان حزب الله . . > می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیبا دائرة) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

قدرت در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری -

۱۱ - قدرت و توانایی ، شرط شایستگی برای ولایت و سرپرستی است .

فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ .. و هو على كلّ شيء قدير

کفر ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱ - پذیرش ولایت غیر خدا ، کفر و در پی دارنده عذاب دوزخ است .

أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

کیفر قبول ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱ - پذیرش ولایت غیر خدا ، کفر و در پی دارنده عذاب دوزخ است .

أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

محبت در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۵

۲۵ - محبت و دل سوزی ، درون مایه ضروری برای هر ولایت حق و سرپرست لایق است .

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

خداوند، با به رخ کشیدن عداوت شیطان، سزاوار نبودن پذیرش ولایت او را یادآور شده است و مفهوم آن این است که رهبری ولایت، باید از کینه‌ورزی و عداوت به دور بوده و آمیخته با محبت باشد.

محرومان از ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱

۱ - کسانی که خداوند، آنان را گمراه کند، از هرگونه سرپرست و یاور محروم اند.

و من یضلل الله فما له من ولی من بعده

محرومان از ولایت اخروی

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - ستم پیشگان ، محروم از هرگونه ولی و یآوری در قیامت

و الظلمون ما لهم من ولی و لانصیر

محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۸

۱۸ - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هواهای نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب محروم شدن از ولایت و یاری خداوند است .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءك من العلم مالک من الله من ولی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۱

۱۱ خداوند ، مخالفان پیامبر (ص) و تفرقه افکنان در جامعه ایمانی را از ولایت خویش خارج و به حال خودشان رها می سازد .

و من یشاقق الرسول . . . و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۷

۷ شرکورزی و پرستش غیر خدا ، کرداری ناشایسته و مایه محرومیت از ولایت و حمایت های خداوند است .

و هو یتولی الصلحین

مصدق مورد نظر برای صلاح و صالحان، به قرینه آیات گذشته، توحید و مؤمنان موحد است و در مقابل آن شرک و مشرکان خواهد بود. بنابراین مفهوم جمله <و هو ... > عدم حمایت خداوند از مشرکان است.

محمد(ص) و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲

۲ ولایت الهی، تنها ولایت

مورد پذیرش پیامبر(ص)

قل أغير الله أتخذ وليا

محمد(ص) ولایت امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۸

۱۸ فرمان خداوند به پیامبر (ص) برای نصب علی (ع) به ولایت و سرپرستی امت

انما وليکم الله و رسوله و الذین ءامنوا الذین . . . یؤتون الزکوه و هم رکعون

امام باقر(ع): امر الله عزوجل رسوله بولایه علی(ع) و انزل علیه > انما وليکم الله و رسوله و الذین ءامنوا . . .

کافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۶، ح ۲۶۴؛ الدرالمشور، ج ۳، ص ۱۰۵.

مدح ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۳۰

۳۰ - ستایش خدا از سرپرستی خود نسبت به مسلمانان و یاری رساندن به آنان

هو سمیکم المسلمین . . . فنعم المولی و نعم النصیر

مشرکان و ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱۶

۱۶ - مشرکان، به شفاعت و ولایت و سرپرستی غیر خدا، اعتقاد داشتند .

أم یقولون . . . ما لکم من دونه من ولی و لاشفیع أفلاتتذکرون

مشمولان ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۴

۴ هدایت یافتگان هشیار و متذکر، مقرب درگاه پروردگار و در پرتوی ولایت او قرار دارند.

فمن یرد الله . . . لقوم ینذکرون. لهم دارالسلام عند ربهم و هو ولیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۵

- پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و كذلك أوحينا .. يدخل من يشاء في رحمته... و الظلمون ما لهم من وليّ و لا نصير

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا که مشمولان رحمت الهی (یدخل من يشاء في رحمته) در برابر ستمگران قرار گرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۹

۹ - پیامبر (ص) تحت ولایت و تربیت ویژه الهی

ذلكم الله ربّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۸، ۲۳

۲۳ - خدا ، مولا و سرپرست امت اسلامی

سَمِّكُمْ الْمُسْلِمِينَ .. هو مولیکم

۲۸ - خدا ، سرپرست و یاور خوب و شایسته برای امت اسلامی

هو سَمِّكُمْ الْمُسْلِمِينَ .. و اعتصموا بالله ... فنعم المولى و نعم النصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۴، ۶، ۱

۱ خداوند سرپرست پیامبر (ص) و یاور او در برابر کید ها و توطئه های مشرکان

ثم کیدون فلا تنظرون. إن ولی الله

۴ خداوند سرپرست و یاری دهنده همه صالحان است .

و هو يتولى الصالحين

۶ توجه صالحان به ولایت و سرپرستی خدا بر ایشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرک و نهرا سیدن از توطئه های ایشان

ثم كيدون فلا تنتظرون .. هو يتولى الصالحين

از اهداف بيان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشركان، این است که صالحان همواره

توجه به یاری خدا داشته باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهراسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۴،۶

۱۴- اصحاب کهف ، تدبیر کننده و سرپرستی جز خداوند نداشتند .

ما لهم من دونه من ولی

مراد از ضمیر در <لهم> اصحاب کهف است.

۶- تنها خداوند بر تمام اسرار هستی آگاه است .

قل الله أعلم بما لبثوا له غیب السموت و الأرض

جمله <له غیب..> به قرینه <الله أعلم> علاوه بر بیان مالکیت خداوند بر اسرار هستی، بر آگاهی فراگیر او نیز دلالت دارد.

مشمولان ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۸

۸- امتیاهی که تحت تأثیر اغوای شیطان ، تسلیم انبیا نشدند ، تحت ولایت شیطانند .

أُمُّ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ

معرضان از ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۸

۸ رویگردانان از ولایت خداوند، در وادی ولایتهای متعدد غیر خدا سرگردان هستند.

و لا تتبعوا من دونه أولیاء

بدیهی است حرمت تبعیت از غیر خداوند مشروط به این نیست که پیروی شونده متعدد باشد. بنابراین آوردن کلمه <أولیاء>

به صورت جمع می تواند اشاره به این باشد که آدمی با دور شدن از ولایت خدا و قرآن همواره تحت سیطره حاکمانی متعدد قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۵ - ۲

۲ جوامع بی اعتنا به قوانین دین و اعراض کنندگان از ولایت خداوند، از ظالمان هستند.

اتبعوا .

.. قالوا إنا كنا ظلمين

ظالم خواندن اقوام هلاک شده پیشین پس از فرمان به تبعیت از قوانین دین و بر حذر داشتن مردم از پذیرش ولایت غیر خدا، بیانگر آن است که پذیرش ولایت غیر خدا و پیروی نکردن از قوانین دین، ظلم است.

معرضان از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۴

۴- کافران ، از ولایت خدا روی گردان و سر نهاده بر آستان شماری از بندگان اویند .

يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ

ملاک ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۸

۱ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ آتَّخِذَ وَلِيًّا فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ

۸ ولایت و سرپرستی، تنها در خور آفریننده و روزی دهنده موجودات است.

قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ آتَّخِذَ وَلِيًّا فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعَمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۶

۱۶ آفریننده هستی تنها حقیقت شایسته و توانمند برای سرپرستی و ولایت بر آدمیان

فاطر السموات والأرض أنت ولي في الدنيا والآخرة

یوسف (ع) پس از توصیف خداوند به پدید آورنده آسمانها و زمین (هستی) او را ولی خویش می خواند تا به این حقیقت

اشاره کند که: چون خدا خالق هستی است ، ولی و سرپرست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۱،۲۸

۱۱ تنها کسی شایسته ولایت و

سرپرستی است که بر نفع رسانی و دفع ضرر توانا باشد .

لايملكون لأنفسهم نفعًا ولا ضرًا

۲۸ ربوبیت و ولایت تنها برازنده خالق هستی است .

أفأخذتم من دونه أولياء .. قل الله خلق كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۷

۱۷- شایستگی برای ولایت و سرپرستی موجودات ، در انحصار مالک آگاه و هوشمند جهان هستی است .

له غيب السموت و الأرض أبصر به و أسمع ما لهم من دونه من ولي

منشأ ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۵۶، ۵، ۳، ۲

۲ خداوند ، معرف فردی از مؤمنان برپا دارنده نماز و ادا کننده زکات برای سرپرستی دیگران ، با ذکر نشانی معین و مشخص

انما وليکم الله .. الذين يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه و هم رکعون

با توجه به اینکه جمله <و هم راکعون> جمله ای است حالیه و عامل آن فعل <یؤتون> است و نیز با توجه به ظهور <رکوع> در معنای مصطلح آن یعنی رکوع نماز، معلوم می شود صفات شمرده شده، مخصوصاً آخرین صفت، عنوان مشیر دارد ؛ یعنی برای معرفی شخصی معین است.

۳ پرداخت زکات در حال رکوع نماز ، نشانه فرد تعیین شده در بین مسلمانان صدر اسلام برای حکومت و ولایت بر آنان

و يؤتون الزكوه و هم رکعون

۵ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما وليکم الله و رسوله و الذين ءامنوا .. و يؤتون الزكوه و

هم رکعون

۶ ولایت و رهبری پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست.

انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه <ولیی> علی رغم جمع بودن خبر آن، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(ص) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۷

۲۷ - مشروعیت ولایت ها و حکومت های بشری، در گرو منتهی شدن آن به ولایت الهی است.

هو مولیکم

با توجه به ظهور <هو مولاکم> در حصر، برداشت یاد شده به دست می آید.

منشأ ولایت امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۵

۵ نصب علی (ع) به امامت و ولایت بر اهل ایمان، حکم نازل شده به رسول خدا (ص) در آیه تبلیغ

بلغ ما أنزل إليك

بر اساس شأن نزولهای متعدد و روایات فراوان، مراد از <ما انزل الیک>، امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب(ع) است.

منشأ ولایت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ ولایت رسول خدا (ص) بر مؤمنان، نشأت یافته از مقام رسالت آن حضرت

و يطيعون الله ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۴،۵

۴- پیامبر (ص)، دارای حق ولایت بر مردم

، در پرتو جعل و تفویض الهی

أطيعوا الله و أطيعوا الرسول

اطاعت رسول(ص)، به فرمان الهی جعل و تفویض او واجب شده است.

۵- ولایت پیامبر (ص) بر مردم، نشأت یافته از منصب رسالت الهی آن حضرت

أطيعوا الله و أطيعوا الرسول

وصف <الرسول>، می تواند مشعر به علیت باشد؛ یعنی، رسالت پیامبر(ص)، ولایت بر خلق را برای او به ارمغان آورده است.

موانع ولایت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۸

۸- به کارگیری نیروهای ناصالح، ناسازگار با ولایت دل سوزانه و برحق است.

و ما كنت متخذ المضلین عضداً

موانع ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۸

۱۸ ایمان به خداوند و آیات او مانع ولایت و حاکمیت شیاطین بر انسان

إنا جعلنا .. للذین لا یؤمنون

موانع ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵ - ۶

۶ ترس از عذاب قیامت، مانع از شرک و پذیرش ولایت غیر خدا

أغير الله أتخذ وليا .. إني أخاف إن عصيت ربي عذاب يوم عظيم

مهربانی در ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۵

۲۵- محبت و دل سوزی ، درون مایه ضروری برای هر ولایت حق و سرپرست لایق است .

أفتتخذونه و ذریته أولیاء من دونی و هم لكم عدو

خداوند، با به رخ کشیدن عداوت شیطان، سزاوار نبودن پذیرش ولایت او را یادآور شده است و مفهوم آن این

است که رهبری ولایت، باید از کینه‌وزی و عداوت به دور بوده و آمیخته با محبت باشد.

نشانه های ولایت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۵

۲۵- محبت و دل سوزی ، درون مایه ضروری برای هر ولایت حق و سرپرست لایق است .

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

خداوند، با به رخ کشیدن عداوت شیطان، سزاوار نبودن پذیرش ولایت او را یادآور شده است و مفهوم آن این است که رهبری ولایت، باید از کینه‌وزی و عداوت به دور بوده و آمیخته با محبت باشد.

نشانه های ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنّت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد آتیتنی من الملک و علمتني .. أنت ولی فی الدنيا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - تنظیم معیشت و نزول باران ، پس از یأس و ناامیدی انسان ، جلوه ای از ولایت ستوده و بی نقص خداوند است .

و لو بسط الله الرزق .. و لكن ینزل بقدر ما یشاء ... و هو الذی ینزل الغیث ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۲

۲- ره یافتن مؤمنان نیک کردار به بهشت ، نمودی از ولایت الهی بر آنان

بأنَّ الله مولى الذين ءامنوا .. إنَّ الله يدخل الذين ءامنوا و عملوا الصلح

نعمت ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۳۸

۳۸ - > بعض اصحابنا رفعه فی قول الله عز و جل > و لتكبروا الله على ما هداكم > قال : > التكبير < التعظيم لله ، و > الهدايه < الولايه ؛

از امام معصوم (ع) درباره سخن خداوند عز و جل که فرموده > و لتكبروا الله على ما هداكم < روایت شده که مراد از > تكبير <، تعظيم و بزرگداشت خداست و مراد از > هدايت < ولایت است (یعنی خدا را به عظمت یاد کنید به خاطر نعمت ولایت) <.

نعمت ولایت اهل بیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - > قال الرضا (ع) و لقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبد الله الصادق (ع) . . . قال : إنَّ الله عزَّوجلَّ لا يسئل عباده عمَّا تفضَّل عليهم و لا يمنَّ بذلك عليهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزَّوجلَّ ما لا يرضى المخلوق به و لكنَّ النعيم حبنا أهل البيت و مولاتنا يسئل الله عباده عنه بعد التوحيد و التَّوَهُُّ لأنَّ العبد إذا وفي بذلك آداه إلى نعيم الجنَّة الذي لا يزول ؛

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منت نمی گذارد. منت نهادن به جهت نعمت

بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است؛ پس چگونه به خالق عزوجل چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و نبوت، از آن بازخواست خواهد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند.

نقش ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۷

۱۷ محبت و دوستی و انتخاب ولی و سرپرست ، دارای نقشی اساسی و کارآمد در هدایت و گمراهی

انما وليکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

با توجه به اینکه آیه مورد بحث، ناظر به آیات پیشین است و در آن آیات پذیرش ولایت یهود و نصارا، مایه محرومیت از هدایت الهی دانسته شده بود، معلوم می شود پذیرش ولایت خدا، پیامبر(ص) و مؤمنان واجد شرایط، مایه هدایت است.

نیاز به ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان در قیامت ، نیازمند ولایت و یآوری است .

و الظلمون ما لهم من ولی و لانصیر

نیاز به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۴

۴ - انسان ، نیازمند ولایت و یآوری از جانب خداوند ، در تمامی حالات زندگی خویش

و من یضلل الله فما له من ولی من بعده

این که گمراهان با محروم

شدن از ولایت الهی ره به جایی نمی برسد، نشانگر آن است که انسان ها در تمامی حالات زندگی خویش نیازمند امداد و ولایت الهی اند.

ولایت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۹

۹ قیامت ، روز ظهور مولویت و مالکیت به حق و پروردگاری بی همتای خداوند و بر ملا- شدن بطلان اندیشه مولویت و ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و یوم نحشهم جميعاً .. و ردوا إلى الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۵

۱۵ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۵

۱۵ - پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و كذلك أوحینا .. یدخل من یشاء فی رحمته... و الظلمون ما لهم من ولیّ و لا نصیر

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از آن جا که مشمولان رحمت الهی (یدخل من یشاء فی رحمته) در برابر ستمگران قرار گرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۳

۳ - قیامت ، صحنه بروز ولایت مطلقه الهی است .

و ما كان لهم من أولياء ينصرونهم من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۶، ۱۳، ۱۲، ۱۱

۱۱ پذیرش ولایت خداوند، از بین برنده هر نوع سستی در انجام وظایف دینی

اذ همت .. و الله وليهما

<و الله وليهما>، با لحن اعتراض گونه اش (در حالی که خداوند سرپرست و حمایت کننده شماست، سستی چرا؟) به این نکته اشاره دارد که پذیرش ولایت الهی و اعتقاد به آن، مانع از هر گونه سستی در راه انجام وظایف الهی است.

۱۲ سستی و هراس در هنگامه های دشوار (همانند جنگ) و تصمیم به نافرمانی از پیامبر (ص)، به تنهایی، موجب خروج از ولایت و حمایت الهی نیست.

اذ همت .. و الله وليهما

جمله <و الله وليهما>، در عین اعتراض به گروههایی که قصد انحراف از جنگ و نافرمانی از رسول خدا (ص) را داشتند، بیانگر این است که این تصمیمشان، باعث نشد که ولایت الهی از آنان منقطع شود.

۱۳ افتادن بندگان به ورطه انحراف، در صورت قطع ولایت و حمایت الهی از آنان

اذ همت .. و الله وليهما

جمله <و الله وليهما>، بیانگر علت انصراف مسلمانان از تصمیم بر مخالفت پیامبر (ص) است. بنابراین قطع ولایت، موجب گرفتار شدن آدمی به انحراف و مخالفت پیامبر (ص) است.

۱۶ پذیرش ولایت خداوند، مستلزم توکل و اتکا به او در هر حال و در همه امور

و الله وليهما و على الله فليتوكل المؤمنون

جمله <و على الله فليتوكل>، با کلمه <ففاء>، تفریع به جمله <و الله وليهما> شده است یعنی حال که خداوند ولی شماست، تنها

به او توکل کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۷

۷ نصرت و یاری الهی به مؤمنان ، نشانه ای از ولایت او بر ایشان

و الله وليهما .. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

جمله <و لقد نصرکم الله>، می تواند استدلالی باشد برای جمله <و الله وليهما>. یعنی خداوند، ولی و حامی مؤمنان است؛
به دلیل اینکه شما را در بدر، در عین ضعف و ناتوانی، یاری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۱،۵،۶،۷،۸،۹

۱ تنها خداوند مولی و سرپرست اهل ایمان و بهترین یاور آنان است .

بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

۵ اطاعت و پیروی جامعه ایمانی از کفرپیشگان ، موجب خروج از ولایت خداوند و محرومیت از یاری او

ان تطیعوا الذین کفروا .. بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

۶ پذیرش ولایت خداوند ، موجب بهره مندی از پشتیبانی وی و زمینه ساز پیروزی بر کافران

بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

تقدیم ذکری ولایت الهی بر یاری او، نشانه تقدّم خارجی آن است؛ یعنی آنگاه خداوند شما را یاری خواهد کرد که تنها
ولایت او را پذیرا باشید.

۷ پذیرش ولایت الهی و عقیده به خدا به عنوان بهترین یاور ، مانع اطاعت از کافران و پذیرش ولایت آنان

ان تطیعوا الذین .. بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

چون معمولاً- اطاعت آدمی از کسی برای جلب یاری اوست، قرآن با بیان اینکه خداوند تنها سرپرست و بهترین یاور است به
مؤمنان

می فهماند که با یاری خداوند هیچ نیازی به یاری کافران نخواهید داشت تا مجبور شوید از آنان تبعیت کنید.

۸ توجه به ولایت الهی و اعتقاد به یاری حتمی خداوند، از عوامل تقویت روحیه اهل ایمان در هنگامه های دشوار و نبرد با دشمنان

بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

۹ پذیرش ولایت خداوند و اعتقاد به یاری حتمی او، مانع واپسگرایی و زیانکاری جامعه ایمانی و باعث رشد و سعادت

یردو کم علی اعقابکم فتقلبوا خاسرین. بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

پیامد پذیرش ولایت کافران، واپسگرایی و خسارت است. بنابراین پذیرش ولایت خداوند به قرینه مقابله آن با پذیرش ولایت کافران باعث رشد و سعادت خواهد بود.

ولایت امام علی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵۳، ۵۴

۵۳ اعلام جانشینی و ولایت علی (ع) توسط رسول خدا (ص)، موجب کمال دین و تمام نعمت و رضای پروردگار

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی

از رسول خدا (ص) روایت شده که هنگام نزول آیه فوق فرمود: ان کمال الدین و تمام النعمه و رضی الرب بارسالی الیکم بالولایه بعدی لعلی ابن ابی طالب (ع).

امالی صدوق، ص ۲۹۱، ح ۱۰، مجلس ۵۶، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۱۱، ح ۳.

۵۴ ولایت علی (ع)، آخرین فریضه نازل شده از سوی خداوند

الیوم اکملت لکم دینکم

امام باقر (ع): امر الله عزوجل رسوله بولایه علی (ع) ... و كانت الولایه اخر الفرائض فانزل الله عزوجل > الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی < يقول الله عزوجل: ... قد اکملت لکم الفرائض.

كافى،

ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۸۷، ح ۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۵، ۱۸

۵ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام، از آن خدا، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

۱۸ فرمان خداوند به پیامبر (ص) برای نصب علی (ع) به ولایت و سرپرستی امت

انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا الذین .. یؤتون الزکوه و هم رکعون

امام باقر(ع): امر الله عزوجل رسوله بولایه علی(ع) و انزل علیه > انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا ..

کافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۶، ح ۲۶۴؛ الدرالمشثور، ج ۳، ص ۱۰۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ خداوند هرگز به مخالفان پیام ویژه الهی (ولایت و امامت علی (ع)) مجال توطئه علیه پیامبر (ص) را نخواهد داد.

بلغ .. إن الله لایهدی القوم الکفرین

بدان احتمال که متعلق حذف شده از فعل >یهدی< به قرینه (و الله یعصمک من الناس) توطئه های کافران باشد، یعنی

خداوند کافران را به توطئه علیه پیامبر(ص) موفق نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۶

۶ > عن ابی جعفر (ع) فی قوله تعالی : > یا

أيها الذين آمنوا لا تتخذوا آبائكم و اخوانكم اولياء ان استحبوا الكفر على الايمان < قال : فإن الإيمان ولایه علی بن ابی طالب (ع) ;

از امام باقر (ع) درباره قول خدای تعالی: <ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر پدران و برادران شما کفر را بر ایمان ترجیح دادند، آنان را ولی خود نگیرید. > روایت شده است: به درستی که ایمان، ولایت علی بن ابی طالب (ع) است <.

ولایت امام مهدی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۳ - ۷

۷- > عن سدير الصيرفي قال : دخلت ... على ... أبي عبدالله الصادق (ع) ... قال : ... نظرت في كتاب الجفر ... و تأملت منه مولد قائمنا و غيبته ... و بلوى المؤمنين في ذلك الزمان و تولد الشكوك في قلوبهم من طول غيبته و إرتداد أكثرهم عن دينهم و خلعهم ريقه الإسلام من أعناقهم التي قال الله تقديس ذكره : < و كلّ إنسان ألزمنه طائره في عنقه > يعنى الولاية ;

از سدير صيرفي روایت شده است که گفت: بر امام صادق (ع) وارد شدم .. فرمود: ... در کتاب حفر نگاه کردم ... و در آن در باره تولد و غیبت قائممان تأمل کردم: ... و [دیدم از] آزمایش مؤمنین در آن زمان و پیدایش شک در دل‌هایشان از طولانی شدن عیبت آن حضرت و مرتد شدن اکثر مؤمنان از دینشان و گسستن ریسمان اسلام از گردن‌هایشان، ریسمانی که خداوند تقديس ذکره می فرماید: < و كلّ إنسان ألزمنه

طائره في عنقه < که مقصود ولایت می باشد >.

ولایت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریح <آتقوا الله و اطیعون> بر جمله <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ> بیانگر این معنا است که: اگر قبول دارید من رسول الهی و امین هستم پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریح <فاتقوا الله و اطیعون> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

و أطيعون

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا أَمْرًا رَبِّي> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)، بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول خدا هستم، بر شما لازم است که تقوای او را پیشه کنید و از من فرمان برید.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول الهی ام، بر شما لازم است که تقوای الهی را رعایت کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح <َاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)؛ بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که ضمن رعایت تقوای الهی از من اطاعت کنید.

ولایت اولیای مقتول در دوران صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۸

۸ - وجود قانون ولایت اولیای مقتول برای خونخواهی وی ، در عصر صالح پیامبر

لَنبِئَنَّهٗ وَ أَهْلَهٗ ثُمَّ لَنَنْقُوْلَنَّ لُوْئِيْهٖ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكْكَ أَهْلَهٗ

ولایت باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۴

۴ ولایت غیر خداوند، بی اساس و باطل است.

ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق

ولایت بر اصحاب کهف

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۴، ۱۵

۱۴- اصحاب كهف ، تدبير كننده و سرپرستی جز خداوند نداشتند .

ما لهم من دونه من ولی

مراد از ضمير در <لهم> اصحاب كهف است.

۱۵- ولايت و نظارت يگانه خدا بر اصحاب كهف ، دليل علم برتر الهی و عدم آگاهی ديگران به زوایای سرگذشت آنان است .

قل الله أعلم بما لبثوا .. ما لهم من دونه من ولی

ولايت بر بنی اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ - هارون ، دارای حق ولايت و اطاعت بر بنی اسرائيل در زمان غیبت موسی (ع) بود .

و لقد قال لهم هرون .. فاتبعوني و اطيعوا أمري

فرمان هارون(ع) به پیروی و اطاعت مردم از او، حاکی از ثبوت حق ولايت و اطاعت او، بر عهده بنی اسرائيل است.

ولايت بر پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۸

۸- امتهایی که تحت تأثیر اغوای شیطان ، تسلیم انبیا نشدند ، تحت ولايت شیطانند .

أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ

ولايت بر زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۴،۵،۷،۱۱

۴ عدم وجوب پرداخت نصف مهر تعیین شده از سوی شوهر، در صورت گذشتن ولی زن از حق وی

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

چون آیه در مقام بیان وظیفه ضروری شوهران در قبال زنان مُطلقه است، ظاهر این است که <الّا>، بیانگر موارد استثناء و

سقوط این وظیفه است و این معنا در آن صورت است که <الذی...> حمل بر ولیّ زن شود؛ نه شوهر.

۵ اختیار ازدواج زن در صورتی که شرعاً دارای ولیّ باشد با ولیّ اوست .

الذی بیده عقده النکاح

بنابراینکه مراد از کلمه <الذی>، ولیّ زن باشد و این ولیّ، توصیف شده به اینکه نکاح به دست اوست.

۷ چشمپوشی زن، شوهر و ولیّ زن از حقوق خویش (مهریه)، به تقوا نزدیکتر است .

و ان تعفوا اقرب للتقوی

در صورتی که خطاب <ان تعفوا> به کلیه افراد اعم از زن و مرد و ولیّ باشد.

۱۱ ولیّ زن مطلقه می تواند از حقّ وی (نصف مهر)، صرفنظر کند .

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

برخی مفسران برآنند که مراد از <الذی...> ولیّ زن است؛ البته این حکم در صورتی است که زن، ولیّ شرعی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۹، ۱۱، ۶، ۲، ۱

۱ مدیریت و سرپرستی زنان هر جامعه بر عهده مردان است .

الرجال قوامون علی النساء

در برداشت فوق، کلمه <الرجال> و <النساء>، مطلق مردان و زنان گرفته شده، نه خصوص شوهران و همسران آنان. قوام به کسی گفته می شود که تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد.

۲ شوهران، وظیفه دار سرپرستی و مدیریت همسران خویش

الرجال قوامون علی النساء

به قرینه <بما انفقوا>، مراد از <الرجال> شوهران و <النساء> همسران آنان خواهد بود؛ زیرا هزینه زندگی زنان بر عهده شوهران خویش است و نفقه مطلق زنان

بر عهده مردان نیست.

۶ برتری مردان بر زنان ، فلسفه تشریح حق سرپرستی و مدیریت آنان بر همسران خویش

الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض

۱۱ تأمین هزینه های زندگی از سوی مردان ، فلسفه تشریح حق مدیریت و سرپرستی آنان بر همسران خویش

الرجال قوامون على النساء ... و بما انفقوا من اموالهم

۱۹ اطاعت از شوهر و حفظ حقوق وی ، وظیفه زن در برابر حق سرپرستی و تأمین زندگی وی از سوی مرد است .

الرجال قوامون ... و بما انفقوا ... فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله

مراد از <بما حفظ الله> ، حقوقی است که خداوند برای زنان مقرر کرده و آنها را بر عهده مردان قرار داده است. و <باء> مقابله در <بما حفظ> می رساند که لزوم اطاعت و حفظ حقوق شوهران در مقابل تعهداتی است که خداوند بر عهده شوهران قرار داده است.

ولایت بر فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۷

۷- مردان ، در دوران جاهلیت بر فرزندان خود ولایت و اختیار تام داشتند .

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب

اینکه خداوند از تصمیم مشرکان درباره زنده نگه داشتن نوزادان دختر خود و یا در گور کردنشان سخن می گوید و کس دیگری را دخیل و معترض نمی داند، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

ولایت بر فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۱۱، ۵

۵ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش

رَبِّ اَنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي

ولایت همسر عمران بر فرزند خویش ، به هنگام در حیات نبودن عمران *

رَبِّ اَتَى نَذْرَت لَكَ

ولایت بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۹

۹ - پیامبر (ص) تحت ولایت و تربیت ویژه الهی

ذَلِكُمُ اللّٰهُ رَبِّي

ولایت بر مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۶

۶ ولایت و سرپرستی بر مسجد الحرام ، تنها شایسته تقوای پیشگان است .

و ما كانوا أولياؤه إن أولياؤه إلا المتقون

ولایت بر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۷

۷ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند ، دیگران را ولی و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفأخذتم من دونه أولياء

تفریع جمله <اخذتم...> به وسیله حرف <فاء> بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد \$ که مشرکان نیز آنها را باور دارند می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آن خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجه و بدون دلیل است.

ولایت بر موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۷، ۱۶

۱۶- موجودات آسمان ها و زمین ، فاقد ولی و سرپرستی جز خدا

له غیب السموت و الأرض .. ما لهم من دونه من ولی

محتمل است که ضمیر <لهم> به قرینه <السموات و الأرض> به موجوداتی که در آن ها است، بازگردد. در چنین مواردی، اهمیت عقلا، دیگران را

تحت الشعاع قرار می دهد و ضمیر، مناسب آنان آورده می شود.

۱۷- شایستگی برای ولایت و سرپرستی موجودات ، در انحصار مالک آگاه و هوشمند جهان هستی است .

له غیب السموت و الأرض أبصر به و أسمع ما لهم من دونه من ولی

ولایت بر موجودات آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۶

۱۶- موجودات آسمان ها و زمین ، فاقد ولی و سرپرستی جز خدا

له غیب السموت و الأرض .. ما لهم من دونه من ولی

محتمل است که ضمیر <لهم> به قرینه <السموات و الأرض> به موجوداتی که در آن ها است، بازگردد. در چنین مواردی، اهمیت عقلا، دیگران را تحت الشعاع قرار می دهد و ضمیر، مناسب آنان آورده می شود.

ولایت بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۲

۲ کافران ، فاقد صلاحیت سرپرستی و حق ولایت بر مؤمنان

يأبها الذين ءامنوا لاتتخذوا الكفرين أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۹، ۷، ۵، ۳، ۱

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما وليكم الله و رسوله و الذين ءامنوا الذين .. و يؤتون الزكوه و هم ركعون

در برداشت فوق، ركوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۳ پرداخت زکات در حال رکوع نماز ، نشانه فرد تعیین شده در بین مسلمانان صدر اسلام برای حکومت و ولایت

بر آنان

و یوتون الزکوه و هم رکعون

۵ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام، از آن خدا، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا .. و یوتون الزکوه و هم رکعون

۷ پیاداشتن همواره نماز با تمامی شرایط آن و کوتاهی نورزیدن در پرداخت زکات، شرط شایستگی برای ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم الله .. الذین یقیمون الصلوه و یوتون الزکوه و هم رکعون

اقامه نماز به معنای برپا داشتن آن با تمامی شرایط است و فعل مضارع <یقیمون> و <یوتون>، حاکی از استمرار و تداوم اقامه نماز و پرداخت زکات است.

۸ حالت خضوع و فروتنی در پرداخت صدقه و زکات، از شرایط لازم برای تصدی حکومت و ولایت بر اهل ایمان

انما ولیکم الله .. الذین یقیمون الصلوه و یوتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۹ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان، به جز ولایت خدا، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ ولایت رسول خدا (ص) بر مؤمنان، نشأت یافته از مقام رسالت آن حضرت

و یطیعون الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیامبر اکرم (ص)، دارای ولایتی تام بر مؤمنان است .

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ

۲ - ولایت پیامبر (ص) بر مؤمنان، از ولایت خود آنان بر امورشان، برتر است .

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ

۲۷ - > عن النبي (ص) قال : ما من مؤمن إلا و أنا أولى الناس به في الدنيا و الآخره اقرأوا إن شئتم : > النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم < فأئما مؤمن ترك مالا فليرثه عصبته من كانوا . فإن ترك ديناً أو ضياعاً فليأتني فأنا مولاة ;

از نبی اکرم (ص) روایت شده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر این که من به ولایت بر او از مردم دیگر در دنیا و آخرت سزاوارترم. اگر خواستید، بخوانید: >النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم< پس هر مؤمنی که مالی را بعد از خود بگذارد، خویشان اش هر که باشند، آن رابه ارث می برند. اگر بدهی برجا گذاشته باشد و یا نان خوران فقیری از او باقی مانده اند، باید به من رجوع کند؛ زیرا من ولی او هستم <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۱

۱- سعادت و نیک فرجامی مؤمنان، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ينصركم و يثبت أقدامكم .. ذلك بأن الله مولى الذين ءامنوا

ولایت پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۷

۷- مردان، در دوران جاهلیت بر فرزندان خود ولایت و اختیار تام داشتند .

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب

اینکه

خداوند از تصمیم مشرکان درباره زنده نگه داشتن نوزادان دختر خود و یا در گور کردنشان سخن می گوید و کس دیگری را دخیل و معترض نمی داند، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - ولایت داشتن پدر بر دختر در ازدواج ، در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

قال إني أريد أن أنكحك .. علي أن تأجرني ثمنى حجج

ولایت پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۰

۲۰ تنها خداوند شایسته ولایت بر انسان

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۷

۷ ولایت خداوند، تنها ولایت شایسته و بایسته پذیرش است.

ولا تتبعوا من دونه أولياء

ولایت تشریحی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۴

۴ یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و كذلك مكنا ليوسف في الأرض يتبوا منها حيث يشاء

جمله <مَكَّنَا لِيُوسِفَ . . . > هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریحی ؛ یعنی ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

ولایت تکوینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۱۸

۱۸ اعطای ولایت تکوینی از جانب خدا ، برای برخی از بندگان

خاصّ خود

و اذ قال ابرهیم .. یا تینک سعياً

ولایت تکوینی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۴

۴ یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و کذلک مکّنا لیوسف فی الأرض یتبوا منها حیث یشاء

جمله <مکّنا لیوسف ..> هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریحی ؛ یعنی ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

ولایت حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۵

۵ حرمت دوستی با کافران و پذیرش ولایت آنان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا لبئس ما قدمت

ولایت حقیقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۲

۲ خداوند، مولا و سرپرست حقیقی آدمیان است.

ثم ردوا إلی الله مولیهم الحق

ولایت خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۶

۱۶ آفریننده هستی تنها حقیقت شایسته و توانمند برای سرپرستی و ولایت بر آدمیان

فاطر السموت و الأرض أنت ولیّ فی الدنيا و الآخره

یوسف(ع) پس از توصیف خداوند به پدید آورنده آسمانها و زمین (هستی) او را ولیّ خویش می خواند تا به این حقیقت اشاره کند که: چون خدا خالق هستی است ، ولیّ و سرپرست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۸

۲۸ ربوبیت و ولایت تنها برازنده خالق هستی است .

أفأخذتم من

دونه اولیاء .. قل الله خلق كل شیء

ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۴،۱۰

۴ - سرپرستی انسان ها و تدبیر امورشان ، تنها به دست خدا و در اختیار اوست .

و ما لکم من دون الله من ولی و لانصیر

۱۰ - مالکیت و حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، مقتضی نبود هیچ سرپرست و یآوری برای بندگان جز او

له ملک السموت و الأرض و ما لکم من دون الله من ولی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۴،۱۳،۱۲،۸،۴،۲،۱

۱ شمول ولایت خاص الهی ، بر مؤمنانی که به طاغوت کفر ورزند .

فمن یکفر بالطاغوت .. الله ولی الذین امنوا

۲ ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، موجب جلب سرپرستی ، یآوری و دوستی خداوند

فمن یکفر بالطاغوت .. الله ولی الذین امنوا

برای <ولیی>، معانی متعددی گفته شده است ؛ از آن جمله که با آیه شریفه تناسب دارد، سرپرست، یاور و دوست است.

۴ هدایت مؤمنان از تاریکی ها به نور ، پرتویی از ولایت الهی بر آنان

الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور

جمله <یخرجهم .. > پس از طرح ولایت الهی نسبت به مؤمنان، به منزله بیان و یا ارائه نمونه ای است از ولایت خداوندی.

۸ مؤمنان از ولی واحد (خداوند) برخوردار هستند و کافران از اولیای متعدد

الله ولی الذین امنوا .. و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت

۱۲ عدم پذیرش ولایت الهی ، منجر به انحراف آدمی و

پذیرش ولایت طاغوتیان

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا .. و الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّاغُوْت

۱۳ هر ولایتی جز ولایت الهی، طاغوتی است.

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا .. و الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّاغُوْت

برداشت فوق مبتنی بر این است که اولاً- تمامی انسانها تحت ولایت و سرپرستی هستند؛ به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر. ثانیاً این ولایت یا از آن خداست و یا از آن طاغوت؛ بدون فرض قسم سوّم. بنابراین خارج شدن از ولایت الهی، مساوق ورود در ولایت طاغوت است.

۱۴ اتحاد اهل ایمان به علّت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر، به لحاظ حاکمیت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا .. و الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّاغُوْت

چون مؤمنان از یک <ولی> برخوردارند، پس به وحدت می رسند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددند و در نتیجه متشتت خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۸،۹

۸ نمرود، نمونه ای از منحرفان راه رشد، محرومان از ولایت الهی، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبين الرّشد .. اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ ... الم تر الى الَّذِيْ حَاجَّ اِبْرٰهِيْمَ

خداوند پس از بیان ایمان و کفر (ولایت <اللّه> و <طاغوت> در آیات پیشین) برای نشان دادن نمونه خارجی، داستان ابراهیم (ع) و نمرود را بیان کرده که ابراهیم (ع) نمونه ای از ایمان و نمرود، نمونه ای از کفر است.

۹ حضرت ابراهیم (ع)، نمونه ای از هدایت یافتگان به راه رشد، بهره مندان از ولایت الهی

و روندگان به سوی نور

قد تبين الرشد .. الله ولي الذين امنوا ... الم تر الى الذي حاج ابراهيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۱۹،۲۰،۲۶

۱۹ اعتقاد و اقرار و اعتراف مؤمنان به ولایت الهی بر آنان

ربنا .. انت مولينا

۲۰ عفو، غفران و رحمت نسبت به مؤمنان، از شؤون ولایت الهی

و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولينا

جمله <انت مولينا> به منزله دلیل برای درخواست مطالب قبلی است؛ یعنی خدایا چون تو مولای ما هستی عفو کن و ...

۲۶ نصرت و یاری مؤمنان در رویارویی با کافران، از شؤون ولایت الهی بر مؤمنان

انت مولينا فانصرنا على القوم الكافرين

تفریع جمله <فانصرنا> بر <انت مولينا> بیانگر آن است که ولایت الهی بر مؤمنان، مقتضی یاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۷،۹

۱۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللهم مالك الملك .. لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم .. > است.

۹ متضاد بودن پذیرش ولایت خداوند با پذیرش ولایت کفار

و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۹

۹ خداوند ، ولی و سرپرست مؤمنان

و الله وليّ المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳

۲ ایجاد رعب و هراس در دل های کفرپیشگان ، نمونه ای از نصرت خداوند به پذیرندگان ولایت او

بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین. سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب

جمله <سنلقى .. >، پس از جمله <و الله خیر الناصرین >، بیانگر مصداقی از یاری خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۱۰، ۷

۷ خداوند ، دوست و سرپرستی کافی است .

و کفی بالله ولیاً

۱۰ مؤمنان با اعتماد به ولایت و نصرت الهی ، نباید از دشمنی مخالفان ضعف و ترسی به خود راه دهند .

و الله اعلم باعدائکم و کفی بالله ولیاً و کفی بالله نصیراً

هدف از بیان ولایت و نصرت الهی پس از معرفی یهودیان به عنوان دشمن، این است که مبدا با تصور دشمنی یهود از آنان بهراسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۰، ۱۵

۱۵ وانهادن ولایت خداوند و پذیرش ولایت شیطان ، زیان آشکار

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً

۲۰ تنها خداوند شایسته ولایت بر انسان

و من یتخذ الشیطن ولیاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۳۸

۳۸ خداوند برای وکالت و سرپرستی و تدبیر جهان ، کافی است .

و کفی بالله وکیلا

وکیل به کسی گفته می شود که کاری را به عهده بگیرد و تدبیر کند و چون سخن از جهان هستی بود، مراد از وکیل، سرپرست و مدبر

جهان هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۱

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۰، ۹، ۶، ۵، ۱

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا الذین . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۵ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

۶ ولایت و رهبری پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه <ولی> علی رغم جمع بودن خبر آن ، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(ص) و دیگر

واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

۹ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی

نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

برداشت

فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان، نصارا و دیگر کافران

و من يتولهم منكم فانه منهم .. انما وليكم الله و رسوله و الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۱،۳

۱ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط، از زمره حزب الله (یاران و پیروان خدا)

و من يتول الله و رسوله و الذين ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

<الذين ءامنوا> اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

۳ پذیرش ولایت خداوند، پیامبر (ص) و مؤمنان شایسته ولایت، انفکاک ناپذیر و وابسته به یکدیگر

و من يتول الله و رسوله و الذين ءامنوا

عطف <رسوله> و <الذين ءامنوا> بر <الله> بدون تکرار فعل (یتول)، می رساند که ولایت آنها بهم پیوسته بوده و رویگردانی از ولایت هر یک به منزله اعراض از ولایت تمامی آنها می باشد. مفرد آوردن کلمه <ولئى> در آیه قبل این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱،۸

۱ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

۸ ولایت و سرپرستی، تنها در خور آفریننده و روزی دهنده موجودات است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو

يطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۷ - ۵

۵ تنها خدای قادر بر رساندن هر گونه ضرر و یا منفعت به آدمی، شایسته پرستش و ولایت می باشد.

أغیر الله أتخذ ولیا .. و إن یمسسک الله بضر ... فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۱،۲

۱ آدمیان پس از مرگ، به سوی خداوند (مولای حقیقی خود) باز می گردند.

ثم ردوا إلی الله مولیهم الحق

۲ خداوند، مولا و سرپرست حقیقی آدمیان است.

ثم ردوا إلی الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۵

۵ خداوند خود امور ره یافتگان به دارالسلام را بر عهده خواهد داشت.

لهم دارالسلام عند ربهم و هو ولیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۷

۷ ولایت خداوند، تنها ولایت شایسته و بایسته پذیرش است.

ولا تتبعوا من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۲۰

۲۰ خداوند سرپرست همه انسانهاست .

أنت ولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- انفال - ۸ - ۴۰ - ۱،۲،۳

۱ اهل ایمان باید با باور به یاری خداوند و سرپرستی او ، به جهاد با کافران فتنه انگیز پردازند .

و إن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

متعلق <تولوا> دست برداشتن از فتنه انگیزی است ؛ یعنی <إن تولوا عن الانتهاء

فلم یتروا الفتنة >. و جواب شرط، به قرینه آیه قبل، جمله ای همانند <فقاتلوهم> است.

۲ خداوند ، سرپرست و یآوری نیک برای مؤمنان

نعم المولی و نعم النصیر

۳ باور اهل ایمان به سرپرستی خدا و یاری او ، مایه نهراسیدن آنان از دشمنان دین و اجرای فرمان جهاد

فإن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

جمله <فاعلموا .. > علاوه بر رساندن مضمون خود به منظور تقویت روحیه مسلمانان برای جهاد با دشمنان فتنه انگیز ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۴،۵

۴ اتکای مؤمنان راستین بر ولایت و حمایت خداوند ، در جهاد و اقدام به تکالیف

قل لن یصیبنا إلا ما كتب الله لنا هو مولینا

۵ خدا ، سرپرست و صاحب اختیار انسانهاست .

هو مولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۷

۷ برای انسان ها ، هیچ سرپرست و یآوری جز خداوند نیست .

و ما لکم من دون الله من ولی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۷

۷ خدا ، مولا و مالک حقیقی انسانهاست .

و ردوا إلى الله مولاهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۶

۶ تنها خداوند ، ولی و سرپرست انسانهاست .

و ما كان لهم من دون الله من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۹

۹ تنها

خداوند ، یاور و سرپرست انسانهاست .

و ما لکم من دون الله من اولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ تنها خداوند سرپرست و یاور انسانهاست .

ما لهم من دونه من وال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۷۸

۷ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند ، دیگران را ولیّ و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفأخذتم من دونه أولیاء

تفریح جمله <أخذتم...> به وسیله حرف <فاء> بر بیان کارها و شؤنی که برای خداوند برشمرده شد \$ که مشرکان نیز آنها را باور دارند می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آن خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجه و بدون دلیل است.

۸ تنها خداوند ولیّ و اختیاردار امور انسانهاست .

أفأخذتم من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۱

۱- آدمی ، به هنگام شداید ، به ولایت و تسلط مطلق خداوند بر همه امور ، پی می برد .

و لم تکن له فئه ینصرونه .. هنالك الولیه لله الحقّ

تردید نیست که ولایت خداوند (چه به معنای حاکمیت و تدبیر و چه به معنای نصرت) همواره، حاکم و نافذ است، لذا اشاره

به مکان و واقعه خاص با واژه <هنالك> از آن جهت است که در چنین موقعیت هایی، آدمی، به آن نکته واقف می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۵۰

۲۲- ولایت الهی ، تنها ولایت شایسته پذیرش و اتکا است .

أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۵،۷

۵- ولیّ مطلق ، در عالم آخرت ، فقط خداوند است .

و ما لكم من دون الله من وليّ ولا نصير

۷- خداوند ، انسان ها را تشویق می کند که او را یار و ولیّ ، بگیرند و نه فرودستانش را .

و ما لكم من دون الله من وليّ ولا نصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰- سرپرستی و شفاعت از شؤون تدبیر و مدیریت خداوند است .

ثم استوی علی العرش ما لكم من دونه من ولیّ ولا شفیع

این که خداوند، پس از ذکر مدیریت خویش، وجود هر نوع ولایت و شفاعت را از غیر خود نفی کرده، می رساند که ولایت و شفاعت، تنها از آن مدیر هستی و شأنی از شؤون او است.

۱۱- انسان ها ، هیچ سرپرستی جز خداوند ندارند .

الله الذی خلق .. ما لكم من دونه من ولیّ

۱۲- یکتایی خدا در خلق و تدبیر عالم ، دلیل وجود نداشتن سرپرست و یآوری برای انسان ها جز خود او است .

الله الذی خلق .. ما لكم من دونه من ولیّ ولا شفیع

احتمال دارد ذکر <ما لكم من دونه..> پس از بیان یکتایی خداوند در آفرینندگی و تدبیر، به این منظور باشد که چون همه چیز در دست اقتدار او است، کسی جز او نمی تواند

ولّی و شفیع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۲

۲ - ولایت و سرپرستی هستی ، تنها از آن خداوند است .

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء

از لحن تهدیدآمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۸

۱۸ - ولایت و نصرت الهی ، جلوه ای از رحمت او است .

یدخل من یشاء فی رحمته و الظلمون ما لهم من ولّی و لا نصیر

از مقابله دو بخش از آیه شریقه (یدخل من یشاء فی رحمته < و >الظالمون..). مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۵

۵ - ولایت و سرپرستی انسان ها ، در انحصار خداوند است .

فالله هو الولّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۸

۸ - ولایت منحصر و بی همتا ، قدرت نامحدود و مرجعیت نهایی در تشریح و داوری ، از ویژگی های پروردگار جهان

فالله هو الولّی .. ذلکم الله ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - ولایت بی نقص و شایسته ستایش ، مخصوص خداوند است .

و هو الولیّ الحمید

برداشت یاد شده بدین احتمال که <حمید>، وصف <ولّیّ> باشد نه خبر بعد از خبر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۶

۶ - تنها خداوند ، سرپرست و یاور

حقیقی انسان ها ، در دنیا و آخرت است .

ولا یغنی . . ما اتخذوا من دون الله اولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۹ - ۸

۸ - خداوند ، سرپرست و حامی تقوایندگان

و الله ولی المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۲

۲ - خداوند ، ولی (سرپرست و حامی) مؤمنان

بأن الله مولى الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۵ - ۱

۱ - ولایت و مالکیت مطلقه دنیا و آخرت ، از آن خداوند است .

فله الأخره و الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۶،۷

۶ - خداوند ، مولا و سرپرست حقیقی انسان ها است .

و الله مولیکم

۷ - تشریح خداوند ، از موضع مولویت او نسبت به انسان ها است .

قد فرض الله لكم . . . و الله مولیکم

یادآوری مولا و سرپرست بودن خداوند پس از تشریح قانون شکستن سوگند می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

ولایت در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۵

۵ - ولیّ مطلق ، در عالم آخرت ، فقط خداوند است .

و ما لکم من دون الله من ولیّ و لا نصیر

ولایت در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۶

۶ ولایت مادر نسبت به فرزند ، در ادیان گذشته

رَبِّ اَتَى نَذرت لَكَ مَا فِى بطنى

ولایت در ازدواج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۹

۹ ولایت مردان (پدران و ...) بر زنان ، در امر ازدواج

و لا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا

بنابراین اگر ولایت مردان نبود، خطاب به خود زنان می شد که به ازدواج مشرکان درنیایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۵

۵ اختیار ازدواج زن در صورتی که شرعاً دارای ولی باشد با ولی اوست .

الَّذى بیده عقده النکاح

بنابراینکه مراد از کلمه <الذی>، ولی زن باشد و این ولی، توصیف شده به اینکه نکاح به دست اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ ازدواج با کنیز ، مشروط به اذن مالک اوست .

فانكحوهنّ باذن اهلهنّ

<اهل کنیز>، همان مالک اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - ولایت داشتن پدر بر دختر در ازدواج ، در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

قال إني أريد أن أنكحك .. علي أن تأجرني ثمنی حجج

ولایت در انصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۷

۱ خداوند هر یک از مؤمنان مهاجر و انصار را ولیّ دیگری قرار داد و به پشتیبانی همه جانبه از یکدیگر فراخواند .

إن الذین ءامنوا و هاجروا .. أولیاء بعض

جمله <أولئک بعضهم أولیاء بعض> جمله ای خبری

است و مراد از آن انشاء و جعل ولایت است.

۷ خداوند بین مهاجران و انصار با مؤمنان غیر مهاجر، ولایتی مقرر نداشته و پشتیبانی از ایشان را بر مهاجران و انصار واجب نکرد.

و الذین ءامنوا و لم یهاجروا ما لکم من ولیتهم من شیء

<ولایت> به معنای حمایت کردن و یاری رساندن است. کلمه <شیء> مبتدا و <من> در آن زایده می باشد. <من> در <من و لا یتهم> بیانیه و بیانگر معنای شیء است. کلمه لکم خبر برای <من شیء> می باشد. گفتنی است در برداشت فوق ضمیر در <ولا یتهم> مفعول گرفته شده و فاعل آن ضمیری است خطاب به مهاجران انصار. بنابراین معنای جمله چنین می شود: هیچ حق ولایتی برای شما نسبت به ایشان جعل نشده است. یعنی نباید ایشان را یاری کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن الله بكل شیء علیم

جمله <إن الله...> پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

ولایت در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۳، ۷

۷ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان، بر غیر خویشان اولویت دارند.

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتب الله

حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

جمله <إِنَّ اللَّهَ .. > پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

ولایت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۱

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لا نصیراً

ولایت در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۱، ۷

۱ خداوند هر یک از مؤمنان مهاجر و انصار را ولیّ دیگری قرار داد و به پشتیبانی همه جانبه از یکدیگر فراخواند .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ هَاجَرُوا .. أَوْلِيَاءَ بَعْضٍ

جمله <أَوْلِيَاءَ بَعْضٍ > جمله ای خبری است و مراد از آن انشاء و جعل ولایت است.

۷ خداوند بین مهاجران و انصار با مؤمنان غیر مهاجر ، ولایتی مقرر نداشته و پشتیبانی از ایشان را بر مهاجران و انصار واجب نکرد .

و الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ لَمْ يَهَاجَرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وِلْيَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ

<ولایت > به معنای حمایت کردن و یاری رساندن است. کلمه <شیء > مبتدا و <من > در آن زایده می باشد. <من > در

<من ولا-یتهم > بیانیه و بیانگر معنای شیء است. کلمه لکم خبر برای <من شیء > می باشد. گفتنی است در برداشت فوق

ضمیر در

<ولایتهم> مفعول گرفته شده و فاعل آن ضمیری است خطاب به مهاجران انصار. بنابراین معنای جمله چنین می شود: هیچ حق ولایتی برای شما نسبت به ایشان جعل نشده است. یعنی نباید ایشان را یاری کنید.

۱۱ مؤمنان غیر مهاجر در صورت هجرت، همسان با دیگر مهاجران در برخورداری از حقوق ولایت و حمایت مقرر شده در میان مؤمنان

ما لکم من ولایتهم من شیء حتی یهاجروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱،۷

۱ خداوند از انصار و مهاجران نخستین خواست تا کسانی را که در آینده ایمان می آورند و هجرت می کنند و به جهاد می پردازند، از خود بدانند و حقوق ولایت را درباره آنان رعایت کنند.

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معکم فأولئک منکم

مخاطبان آیه، انصار و مهاجران نخستین هستند. مضاف إليه کلمه <بعد>، کلمه <ایمانکم> و یا <الهجره الاولى> است. جمله <فأولئک منکم> اشاره به این دارد که تمام قوانین و حقایقی که درباره انصار و مهاجران نخستین بیان شده درباره آنان نیز عیناً وجود دارد.

۷ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان، بر غیر خویشان اولویت دارند.

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتب اللّٰه

ولایت در مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱،۲،۷

۱ خداوند هر یک از مؤمنان مهاجر و انصار را ولی دیگری قرار داد و به پشتیبانی همه جانبه از یکدیگر فراخواند.

إن الذین ءامنوا و هاجروا .. أولیاء

جمله <أولئك بعضهم أولياء بعض> جمله ای خبری است و مراد از آن انشاء و جعل ولایت است.

۲ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إن الذین ءامنوا و هاجروا .. أولیاء بعض

مشارالیه <أولئك> و مرجع ضمیر در <بعضهم>، <الذین> اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر مثلاً اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند. ۷ خداوند بین مهاجران و انصار با مؤمنان غیر مهاجر، ولایتی مقرر نداشته و پشتیبانی از ایشان را بر مهاجران و انصار واجب نکرد.

و الذین ءامنوا و لم یهاجروا ما لکم من ولیتهم من شیء

<ولایت> به معنای حمایت کردن و یاری رساندن است. کلمه <شیء> مبتدا و <من> در آن زایده می باشد. <من> در <من ولایتهم> بیانیه و بیانگر معنای شیء است. کلمه لکم خبر برای <من شیء> می باشد. گفتنی است در برداشت فوق ضمیر در <ولایتهم> مفعول گرفته شده و فاعل آن ضمیری است خطاب به مهاجران انصار. بنابراین معنای جمله چنین می شود: هیچ حق ولایتی برای شما نسبت به ایشان جعل نشده است. یعنی نباید ایشان را یاری کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن الله بکل

جمله <إِنَّ اللَّهَ... > پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

ولایت دنیوی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۵

۱۵ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره

ولایت رهبری دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۲۰

۲۰ امداد و نصرت خداوند ، پیامد پذیرش ولایت رهبران الهی *

و اجعل لنا من لدنک ولیّاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً

تقدیم تعیین <ولیّ> بر تعیین <نصیر>، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

ولایت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ کافران و منکران آیات الهی تحت نفوذ و ولایت شیاطین هستند.

ذلک من ءایة الله .. إنا جعلنا الشیطین أولیاء للذین لا یؤمنون

جمله <ذلک من آیات الله> در آیه قبل می تواند بیانگر متعلق <لا یؤمنون> باشد.

ولایت شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۹

۱۹ مؤمنان مجاهد، از اولیای خداوند و دور از ولایت شیطان هستند . *

أَئِمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ . . ان كنتم مؤمنين

چون دشمنان دین (کافران و منافقان) از اولیای شیطانند، بنابراین مجاهدان، دور از ولایت شیطان و در

نتیجه از اولیای خدا خواهند بود. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که <یخوف اولیاء> به معنای <یخوفکم اولیاء> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۱

۲۱ انحراف در تفکر و ایجاد آرزوهای باطل و سپس تحت فرمان گرفتن ، راه و روش شیطان برای اغوای مردم و سرپرستی آنان

و لاضلنهم و لامننهم ... و لامرنهم فلیغیرن خلق الله و من یتخذ الشیطن ولیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۴

۴ مؤمنان دارای اعمال صالح ، خارج از نفوذ ولایت شیطان هستند .

و من یتخذ الشیطن ولیاً .. و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

چون پذیرندگان ولایت شیطان، اهل دوزخ شمرده شدند و در مقابل، مؤمنان صالح به بهشت وعده داده شده اند، معلوم می شود که مؤمنان هرگز ولایت شیطان را نپذیرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۵

۵ بدعتگذاران در دین، عناصری پیرو شیطان و تحت ولایت او هستند.

إنا جعلنا الشیطن أولیاء للذین لا یؤمنون .. الله أمرنا بها

ولایت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۳، ۱۲

۱۲ عدم پذیرش ولایت الهی ، منجر به انحراف آدمی و پذیرش ولایت طاغوتیان

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا . . . وَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوْت

۱۳ هر ولايتی جز ولايت الهی ، طاغوتی است .

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا . . . وَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوْت

برداشت فوق

مبتنی بر این است که اولاً- تمامی انسانها تحت ولایت و سرپرستی هستند؛ به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر. ثانیاً این ولایت یا از آن خداست و یا از آن طاغوت؛ بدون فرض قسم سوم. بنابراین خارج شدن از ولایت الهی، مساوق ورود در ولایت طاغوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۲

۱۲ رها شدن در ورطه ولایت و حکومت گمراهان، پیامد مخالفت با رسول خدا (ص)

و من یشاقق الرسول... و يتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى

ولایت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ عیسی (ع)، برخوردار از ولایت تکوینی

انّی اخلق لکم... فانفخ فيه فيكون طيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۱۴

۱۴ پندار غلط و خلافگویی یهود، در مورد تولد و مرگ حضرت عیسی (ع)

قولهم علی مریم بهتناً عظيماً. و قولهم إنا قتلنا المسيح... ما لهم به من علم

ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۴

۴ ولایت غیر خداوند، بی اساس و باطل است.

ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۸

۸ رویگردانان از ولایت خداوند، در وادی ولایت‌های متعدد غیر خدا سرگردان هستند.

و لا تتبعوا من دونه أولياء

بدیهی است حرمت

تبعیت از غیر خداوند مشروط به این نیست که پیروی شونده متعدد باشد. بنابراین آوردن کلمه <أولیاء> به صورت جمع می تواند اشاره به این باشد که آدمی با دور شدن از ولایت خدا و قرآن همواره تحت سیطره حاکمانی متعدد قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۸

۸ تبعیت از ولایتهای غیر الهی و تکذیب آیات خداوند، ناسپاسی نعمتهای اوست.

و لاتتبعوا من دونه أولیاء .. قلیلا ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۹

۹ گرایش انسان ها به کفر و شرک ، نه دلالت بر خروج آنان از سیطره خدا دارد و نه بیانگر ولایت غیر خدا بر آنان است .

أولئک لم یکنوا معجزین فی الأرض .. ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

خداوند، با بیان ریشه کفرورزی کافران (ماکانوا ..)، پس از اعلام ولایت خدا بر آنان، به این حقیقت اشاره می کند که: مخالفت کافران با برنامه های الهی به خاطر خروج آنان از حاکمیت خدا و سلطه غیر او بر ایشان نیست؛ بلکه به دلیل ناتوانی آنان از درک معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۹

۹ آنان که ولایت خداوند را نپذیرند ، اسیر ولایت های متعدد و گوناگون می شوند .

أفاتخذتم من دونه أولیاء

برداشت فوق از جمع آوردن <أولیاء> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۱

- خداوند ، ناظر و مراقب عملکرد نهان و آشکار کسانی است که غیر او را ولی و سرپرست خویش بر می گیرند .

و الذين اتَّخذوا من دونه أولياء الله حفيظ عليهم

ولایت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۲

۱۲ قرآن، ولی و پیشوایی شایسته برای انسانهاست.

و لا تتبعوا من دونه أولياء

برداشت فوق بر این مبناست که ضمیر در <من دونه> به <ما أنزل ..> برگردانده شود.

ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱۹، ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۹، ۱۸

۱ با اعتقاد به قدرت مطلقه الهی ، مجالی برای پذیرش ولایت کافران از سوی مؤمنان نمی باشد .

قل اللهم مالك الملك .. لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم ..> است.

۸ کسی که ولایت کافران را بپذیرد ، خداوند او را به خود وامی گذارد .

و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

۹ متضاد بودن پذیرش ولایت خداوند با پذیرش ولایت کفار

و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

۱۱ حاکمیت و سرپرستی کافران بر امور مؤمنان ، زمینه انحطاط و بی ارزشی مؤمنان در پیشگاه خدا

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء .. و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

خروج از ولایت خدا، مستلزم انحطاط است.

۱۳ پذیرش سرپرستی کافران، جز در اضطرار و تقیه، جایز نیست.

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. الْآنَ اتَّقُوا مِنْهُمْ تَقِيَةً

بنابراینکه ولایت به معنای سرپرستی باشد.

تحدیر و هشدار مؤکد خداوند ، نسبت به مؤمنانی که پذیرای ولایت و سرپرستی کافران شده اند .

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. و يَحذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

۱۶ ترس از خداوند ، موجب پرهیز از پذیرش ولایت کافران

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. و يَحذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ

۱۹ توجه انسان به بازگشت به خدا و اعتقاد به آن ، عامل مقاومت در برابر ولایت کافران

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۹ - ۱۳، ۶

۶ روابط پنهانی با کافران و برگزیدن ولایت آنان ، از حیطة علم الهی خارج نیست .

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ .. قُلْ إِنْ تَخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ ... يَعْلَمُهُ اللَّهُ

۱۳ تهدید خداوند نسبت به کسانی که ولایت کافران را بدون تقیه بپذیرند .

لَا يَتَّخِذُ .. قُلْ إِنْ تَخَفُوا ... يَعْلَمُهُ اللَّهُ ... وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۲، ۳، ۴، ۷

۲ اطاعت از کفرپیشگان ، نشانه پذیرش ولایت و سرپرستی آنان

إِنْ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا .. بَلِ اللَّهُ مَوْلِيكُمْ

کلمه <بل> برای اضراب و نفی ولایت غیر خداوند است و چون در آیه قبل سخن از ولایت و پذیرش آن نیامده که با <بل> آن را نفی کند، معلوم می شود که همان اطاعت از کافران، در حقیقت پذیرش ولایت آنان است.

۳ ناشایستگی کافران برای ولایت و سرپرستی و یاری جامعه ایمانی

إِنْ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا ..

بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

۴ ضرورت پرهیز جامعه ایمانی از پذیرش ولایت کفرپیشگان و یاری جویی از آنان

ان تطیعوا الذین کفروا .. بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

از جمله <بل الله مولیکم>، انحصار ولایت به خداوند استفاده می شود و مفهوم آن بر حذر داشتن مسلمانان از پذیرش ولایت غیر خداوند است که از مصادیق مورد نظر به قرینه آیه قبل، ولایت و سرپرستی کافران است.

۷ پذیرش ولایت الهی و عقیده به خدا به عنوان بهترین یاور، مانع اطاعت از کافران و پذیرش ولایت آنان

ان تطیعوا الذین .. بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

چون معمولاً- اطاعت آدمی از کسی برای جلب یاری اوست، قرآن با بیان اینکه خداوند تنها سرپرست و بهترین یاور است به مؤمنان می فهماند که با یاری خداوند هیچ نیازی به یاری کافران نخواهید داشت تا مجبور شوید از آنان تبعیت کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۴،۷

۴ عدم جواز پذیرش ولایت و سرپرستی کفار

الذین یتخذون الکفرین اولیاء من دون المؤمنین

در برداشت فوق، <ولی>، به معنای سرپرست گرفته شده است.

۷ دستیابی به عزت و شکوه، هدف منافقان در پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان

الذین یتخذون الکفرین اولیاء .. أیتغون عندهم العزّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۳

۳ گروهی از مسلمانان صدر اسلام، پذیرای دوستی و ولایت کفار، در عین نهی خداوند حتی از همنشینی با آنها

الذین یتخذون الکفرین اولیاء .. یکفر بها

و يستهزأ بها فلا تقعدوا معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۲،۳،۸،۹

۲ کافران ، فاقد صلاحیت سرپرستی و حق ولایت بر مؤمنان

يأيتها الذين ءامنوا لاتتخذوا الكافرين أولياء

۳ ایمان به خداوند ، ناسازگار با پذیرش دوستی و سرپرستی کافران

يأيتها الذين ءامنوا لاتتخذوا الكافرين أولياء من دون المؤمنين

۸ مؤمنان با پذیرش ولایت کافران ، حجت روشن خداوند را علیه خویش فراهم می کنند .

يأيتها الذين ءامنوا لاتتخذوا .. أتريدون أن تجعلوا الله عليكم سلطاناً مبيناً

۹ هشدار و تهدید خداوند به پذیرندگان ولایت کافران و دوستی آنان

لاتتخذوا الكافرين أولياء .. أتريدون أن تجعلوا الله عليكم سلطاناً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من يتولهم منكم فانه منهم .. انما وليكم الله و رسوله و الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۵

۵ حرمت دوستی با کافران و پذیرش ولایت آنان

تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا لبئس ما قدمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ ایمان به خدا، پیامبر (ص) و کتب آسمانی راه رسیدن به استقلال و رهایی از یوغ بندگی کافران

و لو كانوا یؤمنون .. ما اتخذوهم أولیاء

برداشت فوق بر این مناست که ولی به معنای سرپرست باشد.

ولایت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۳

۳ پیامبر (ص) ، دارای منصب حکومت و ولایت

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول

تکرار کلمه <اطيعوا> دلالت بر این دارد که مراد از اوامر رسول خدا (ص)، آن اوامری نیست که از طریق وحی خداوند ابلاغ شده، بلکه دستوراتی است که از ناحیه رسول خدا صادر می شده که همان اوامر حکومتی و ولایتی آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ گستره دین اسلام و حکومت و ولایت پیامبر (ص) ، فراگیر پیروان دیگر ادیان آسمانی

فاحکم بینهم بما أنزل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۹، ۶، ۵، ۱

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما وليکم الله و رسوله و الذین ءامنوا الذین . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۵ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما وليکم الله و رسوله و الذین ءامنوا . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

۶ ولایت و رهبری پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما وليکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه <ولی> علی رغم جمع

بودن خبر آن ، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(ص) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

۹ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۱،۳

۱ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، از زمره حزب الله (یاران و پیروان خدا)

و من یتول الله و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

<الذین ءامنوا> اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

۳ پذیرش ولایت خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان شایسته ولایت ، انفکاک ناپذیر و وابسته به یکدیگر

و من یتول الله و رسوله و الذین ءامنوا

عطف <رسوله> و <الذین ءامنوا> بر <الله> بدون تکرار فعل (یتول)، می رساند که ولایت آنها بهم پیوسته بوده و رویگردانی از ولایت هر یک به منزله اعراض از ولایت تمامی آنها می باشد. مفرد آوردن کلمه <ولّی> در آیه قبل این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۴

۴ پیامبر (ص) ، دارای مقام ولایت و مؤمنان موظف به پیروی بی چون و چرا از آن حضرت

كان .. أن يتخلفوا عن رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۲۷، ۴، ۲، ۱

۱ - پیامبر اکرم (ص)، دارای ولایتی تام بر مؤمنان است.

النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

۲ - ولایت پیامبر (ص) بر مؤمنان، از ولایت خود آنان بر امورشان، برتر است.

النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

۴ - مقام نبوت، برای پیامبر (ص) حق ولایت و تصمیم‌گیری ایجاد کرده است.

النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

۲۷ - > عن النبي (ص) قال: ما من مؤمن إلا وأنا أولى الناس به في الدنيا والآخرة اقرأوا إن شئتم: > النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم < فأئما مؤمن ترك مالا فليرثه عصبته من كانوا. فإن ترك ديناً أو ضياعاً فليأتني فأنا مولاه ;

از نبی اکرم (ص) روایت شده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر این که من به ولایت بر او از مردم دیگر در دنیا و آخرت سزاوارترم. اگر خواستید، بخوانید: >النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم< پس هر مؤمنی که مالی را بعد از خود بگذارد، خویشان اش هر که باشند، آن رابه ارث می برند. اگر بدهی برجا گذاشته باشد و یا نان خوران فقیری از او باقی مانده اند، باید به من رجوع کند؛ زیرا من ولی او هستم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۶ - ۲، ۷

۲ - پیامبر (ص) غیر از اوامر و نواهی خداوند، دارای اوامر و نواهی ولایی لازم الاتباع است.

ما كان لمؤمن ولا مؤمنة إذا قضى الله ورسوله أمراً أن يكون لهم الخيرة من أمرهم

۷- تمرد از فرمان های ولایی پیامبر (ص)، در حد تمرد از فرمان های خداوند است.

و من يعص الله ورسوله فقد ضلّ ضللاً مبيناً

این که نتیجه تمرد از خدا و پیامبر(ص) یکی شمرده شده است، نشان می دهد که تمرد از فرمان رسول الله در حد نافرمانی از خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۶

۶- پیامبر اکرم (ص)، دارای حق ولایت و فرماندهی بر انسان ها

و من يطع الله ورسوله يدخله جنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۲ - ۳

۳- پیامبر (ص)، دارای منصب حکومت و ولایت

و أطيعوا الله و أطيعوا الرسول

برخی از مفسران بر این عقیده اند که مقصود از <أطيعوا الرسول>، اطاعت در امور حکومتی و ولایی است؛ زیرا اگر مراد احکام و اوامر الهی باشد، ذکر <أطيعوا الله> کافی است و تکرار <أطيعوا> درباره پیامبر(ص)، مؤید همین برداشت است.

ولایت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۹

۹ ولایت مردان (پدران و...) بر زنان، در امر ازدواج

ولا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا

بنابراین اگر ولایت مردان نبود، خطاب به خود زنان می شد که به ازدواج مشرکان درنیایند.

ولایت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من يتولهم منكم فانه منهم .. انما وليكم الله و رسوله و الذين ءامنوا

ولایت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱،۲

۱ بسیاری از بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) دارای روابط دوستانه با مشرکان مکه و پذیرای ولایت آنان بودند .

تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

بنا به گفته برخی از مفسران مراد از <الذين كفروا> مشرکان مکه می باشد.

۲ روابط دوستانه و ولایی بنی اسرائیل با کافران مشرک رابطه ای مداوم ، علنی و آشکار

تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

کلمه <تری> می رساند که روابط دوستانه بنی اسرائیل با مشرکان علنی بوده و فعل مضارع <یتولون> حاکی از استمرار و تداوم آن روابط می باشد.

ولایت مطلق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۵

۱۵ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنيا و الآخره

ولایت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ پذیرش ولایت معبودانی نیازمند و ناتوان از رفع نیاز دیگران، نشانه بی‌خردی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

استفهام انکاری همراه با توییح و تعجب در <قل أغیر الله> حکایت از آن دارد که پذیرش ولایت غیر خدا توجیه صحیحی ندارد و کاری ست دور

از منطق و خرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۱ - ۳

۳ - مشرکان ، معبودان خود را ، به عنوان کارساز و ولیّ برای خود ، انتخاب می کنند .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئاً

با توجه به آیه بعد که در آن، از معبودان مشرکان سخن گفته شده است احتمال دارد مراد از <أولیاء> همان معبودان مشرکان باشد.

ولایت مقبول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۲

۲۲- ولایت الهی ، تنها ولایت شایسته پذیرش و اتکا است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته اولیاء من دونی

ولایت ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۵

۵ ممنوعیت پذیرش ولایت و سرپرستی منافقان گسترش دهنده آیین کفر *

وَدّوا لو تکفروا .. فلا تتّخذوا منهم اولیاء

در برداشت فوق، <ولیّ> به معنی سرپرست گرفته شده است.

ولایت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ ممنوعیت پذیرش ولایت و سرپرستی منافقان گسترش دهنده آیین کفر *

وَدَّوْا لَوْ تَكْفُرُونَ .. فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ

در برداشت فوق، <ولیی> به معنی سرپرست گرفته شده است.

ولایت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۲ - ۱۲

۱۲ - ولایت مؤمنان بر یکدیگر در اصلاح اعمال خلاف *

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جُنْفًا أَوْ إِثْمًا فَاصْلِحْ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل

۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللهم مالك الملك .. لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم .. > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۷

۷ نصرت و یاری الهی به مؤمنان ، نشانه ای از ولایت او بر ایشان

و الله وليهما .. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

جمله <و لقد نصرکم الله>، می تواند استدلالی باشد برای جمله <و الله وليهما>. یعنی خداوند، ولی و حامی مؤمنان است؛
به دلیل اینکه شما را در بدر، در عین ضعف و ناتوانی، یاری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۱

۱ تنها خداوند مولی و سرپرست اهل ایمان و بهترین یاور آنان است .

بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۲

۲ مدعیان ایمان در صورت قطع رابطه دوستی با اهل ایمان و پذیرفتن ولایت آنان ، در شمار منافقانند .

بشر المنفقین .. الذين يتخذون الكافرين اولياء من دون المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱،۲،۶،۹

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر

انما وليکم الله ورسوله و الذین ءامنوا الذین . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۲ خداوند ، معرف فردی از مؤمنان برپا دارنده نماز و ادا کننده زکات برای سرپرستی دیگران ، با ذکر نشانی معین و مشخص

انما ولیکم الله . . . الذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه و هم رکعون

با توجه به اینکه جمله <و هم را رکعون> جمله ای است حالیه و عامل آن فعل <یؤتون> است و نیز با توجه به ظهور <رکوع> در معنای مصطلح آن یعنی رکوع نماز، معلوم می شود صفات شمرده شده، مخصوصاً آخرین صفت، عنوان مشیر دارد / یعنی برای معرفی شخصی معین است.

۶ ولایت و رهبری پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه <ولی> علی رغم جمع بودن خبر آن ، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(ص) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

۹ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم الله ورسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۱،۳

۱ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا ، پیامبر (ص)

(و مؤمنان واجد شرایط ، از زمره حزب الله (یاران و پیروان خدا)

و من يتول الله و رسوله و الذين ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

<الذين ءامنوا> اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

۳ پذیرش ولایت خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان شایسته ولایت ، انفکاک ناپذیر و وابسته به یکدیگر

و من يتول الله و رسوله و الذين ءامنوا

عطف <رسوله> و <الذين ءامنوا> بر <الله> بدون تکرار فعل (یتول)، می رساند که ولایت آنها بهم پیوسته بوده و رویگردانی از ولایت هر یک به منزله اعراض از ولایت تمامی آنها می باشد. مفرد آوردن کلمه <ولئى> در آیه قبل این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۷، ۲۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ روح ولایت و دوستی ، حاکم بر جامعه مؤمنان

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض

۲ عموم مؤمنان (زنان و مردان مؤمن) دارای نوعی ولایت و سرپرستی بر یکدیگر از جانب خداوند هستند .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ولئى> به قرینه <یأمرون .. و ینهون> به معنای سرپرست باشد.

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

۵ امر به معروف و نهی از منکر ، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن

۲۶ صفوان جمال می گوید: قلت لأبی عبد الله (ع) ... : تأتینی المرأه المسلمه قد عرفتنی بعملی ... و لیس لها محرم قال : فإذا جائتک المرئہ المسلمه فاحملها فإن المؤمن محرم المؤمنه و تلا هذه الآیه > المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض < ;

به امام صادق (ع) عرض کردم: زن مسلمانی نزد من می آید و مرا به شغلم [که مسافربری است] می شناسد .. و محرمی همراه ندارد؟ فرمود هر گاه زن مسلمانی نزد تو آمد، او را به مسافرت ببر ؛ زیرا مرد مؤمن محرم (معمد) زن مؤمنه است. سپس امام (ع) این آیه را تلاوت فرمود: المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض <.

۲۷ از امام حسین (ع) روایت شده ... و به امیرالمؤمنین (ع) نیز نسبت داده شده که فرمودند : ... خدا می فرماید : ... > المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر < فبدء الله بالامر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضه منه لعلمه بأنها إذا ادیت و اقیمت استقامت الفرائض کلها هینها و صعبها ... ؛

... > مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند <. خداوند [قبل از نماز و زکات] از امر به معروف و نهی از منکر آغاز کرد ؛ زیرا می دانست اگر این دو فریضه عملی گردد همه فرایض آسان و مشکل آن پابرجا می شود <.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۲،۳

۲ - ولایت پیامبر (ص) بر مؤمنان، از ولایت خود آنان بر امورشان، برتر است.

النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

۳ - مؤمنان، دارای ولایت و حق تصمیم‌گیری درباره امور مختلف خودند.

النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

ولایت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۲

۲ ایجاد رابطه ولایی با کافران و حمایت از ایشان و درخواست حمایت از آنان، بارور سازنده فتنه و تباهی بزرگ در زمین

و الَّذِينَ كَفَرُوا... إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ

ضمیر مفعولی در <لا تفعلوه> به قانونهایی که در آیه قبل مطرح شد و نیز به دستوری که از صدر همین آیه به دست می‌آید برمی‌گردد. در برداشت فوق ضمیر به قطع ولایت با کافران، که از جمله <الذین کفروا...> استفاده شده، برگردانده شده است.

ولایت والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۵ - ۵،۶

۵ ولایت همسر عمران بر فرزند خویش

رَبِّ اُنِّى نَذَرْتُ لَكَ مَا فِى بَطْنِى

۶ ولایت مادر نسبت به فرزند، در ادیان گذشته *

رَبِّ اُنِّى نَذَرْتُ لَكَ مَا فِى بَطْنِى

ولایت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ - هارون ، دارای حق ولایت و اطاعت بر بنی اسرائیل در زمان غیبت موسی (ع) بود .

و لقد قال لهم هرون .. فاتَّبِعُونِي و أَطِيعُوا أَمْرِي

فرمان

هارون(ع) به پیروی و اطاعت مردم از او، حاکی از ثبوت حق ولایت و اطاعت او، بر عهده بنی اسرائیل است.

ولایت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من يتولهم منكم فانه منهم .. انما وليكم الله و رسوله و الذين ءامنوا

ویژگیهای ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۵

۱۵ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولی فی الدنیا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۳

۳ - تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت ، ولایت خداوند است .

و قیضنا لهم قرناء .. قال الذین كفروا ... نجعلهما تحت أقدامنا ... نحن أولیاؤکم

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در قیامت تبدیل به دشمنی خواهد شد.

ولایت تکوینی

{ولایت تکوینی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللهم مالك الملك .. لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم .. > است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ عیسی (ع) ، برخوردار از ولایت تکوینی

انّی اخلق لکم .. فانفخ فیه فیکون طیراً

ولایت تکوینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۱۸

۱۸ اعطای ولایت تکوینی از جانب خدا ، برای برخی از بندگان خاصّ خود

و اذ قال ابرهیم .. یأتینک سعياً

ولایت تکوینی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۴

۴ یوسف (ع) دارای ولایت از جانب خداوند برای تصرف در تمامی سرزمین مصر

و کذلک مکّنا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

جمله <مکّنا لیوسف ..> هم شامل اقتدار تکوینی است و هم گویای اقتدار تشریحی ؛ یعنی ، خداوند به او اجازه دخل و تصرف در همه سرزمین مصر را عطا کرد.

ولایت خدا

آثار اعراض از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ نپذیرفتن ولایت و سرپرستی خداوند ، آدمی را به دام اولیا و سرپرستانی متعدد گرفتار می سازد .

و ما لکم من دون الله من أولیاء

آوردن <ولی> به صورت مفرد به جای <أولیاء> در رساندن مقصود (نبود هیچ ولی و سرپرستی جز خدا) کافی بود. بنابراین جمع آوردن <أولیاء> اشاره به نکاتی دارد. برداشت فوق ناظر به یکی از آن نکات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۹

۹ آنان که ولایت خداوند را نپذیرند ، اسیر

ولایت های متعدد و گوناگون می شوند .

أفأخذتم من دونه أولياء

برداشت فوق از جمع آوردن <أولياء> استفاده شده است.

آثار ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۶

۶ توجه صالحان به ولایت و سرپرستی خدا بر ایشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرک و نهراسیدن از توطئه های ایشان

ثم کیدون فلا تنظرون .. هو یتولی الصلحین

از اهداف بیان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشرکان، این است که صالحان همواره توجه به یاری خدا داشته باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهراسند.

آثار رد ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۸

۸ کسانی که ولایت خدا را نپذیرند ، خویشان را به ولایتهایی متعدد و بی اساس گرفتار خواهند کرد .

و ما کان لهم من دون الله من أولياء

جمع آوردن کلمه <أولياء> با وجود این که بیان معنای مقصود با کلمه <ولئى> نیز ممکن بود ، اشاره به این نکته دارد که انسان ، اگر ولایت الهی را نپذیرد ، گرفتار تعدد اولیا می شود و ناچار است به ولایتهای متعددی گردن نهد.

آثار عقیده به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۴

۲۴ - اعتقاد به مولویت و سرپرستی خداوند، مقتضی اعتصام به او و پرهیز از چنگ زدن به دامن غیر او

و اعتصموا باللّٰه هو مولیکم

جمله <هو مولیکم> به منزله تعلیل برای <اعتصموا باللّٰه> است؛ یعنی، به خدا اعتصام کنید؛ زیرا او

مولا و قَیم شما است.

آثار قبول ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۵

۲۵ پذیرش ولایت خداوند ، زمینه ساز تسلیم شدن در برابر خدا و شایسته بودن برای همزیستی با صالحان در سرای آخرت

أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره توفنی مسلماً و ألحقنی بالصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۶

۱۶ پذیرش ولایت و ربوبیت غیر خدا ، فرو رفتن در تاریکیهاست و پذیرش ولایت و ربوبیت خدا ، راهیابی به نور است .

قل من رب السموت . . . أم هل تستوی الظلمت والنور

آثار محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إنّ الظلمین فی عذاب مقیم . و ما کان لهم من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۴

۴- ذلّت و بدفرجامی کافران ، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دمّر الله علیهم . . . ذلک . . . و أنّ الکفرین لا مولی لهم

آثار ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۵

۱۵ کسب عزت ، تنها در گرو محبت خداوند و پذیرش ولایت اوست .

أَيُّتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا

خداوند پس از بیان این حقیقت که هدف منافقان در دوستی

با کافران رسیدن به عزت است، می فرماید که عزتها از آن خداست. یعنی اگر طالب عزت هستید، باید ولایت خدا را پذیرا شوید و با او پیمان موّدت داشته باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۵

۵ پیروزی اهل ایمان در گرو همبستگی آنان بر محور ولایت الهی

فان حزب الله هم الغلبون

به اصحاب و یارانی که همفکر شخصی باشند و از وی پیروی کنند، حزب آن شخص می گویند. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶ - ۵

۵ گزینش خداوند یگانه به ولایت و سرپرستی، زمینه شمول رحمت الهی بر آدمی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا .. من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵- ولایت و نظارت یگانه خدا بر اصحاب کهف، دلیل علم برتر الهی و عدم آگاهی دیگران به زوایای سرگذشت آنان است.

قل الله أعلم بما لبثوا .. ما لهم من دونه من ولیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۷

۷- ولایت خداوند و حقّانیت او، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است.

هنالك الولیه لله الحقّ هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵ - لزوم ادای تکالیف الهی ، برخاسته از حق ولایت خداوند بر آدمی

فأقيموا الصلوه .. هو

۲۶ - حق ولایت الهی ، تنها مجوز برای تشریح و قانون گذاری

فَأَقِمْوَا الصَّلٰوةَ وَاَتُوا الزَّكٰوةَ وَاَعْتَصِمُوا بِاللّٰهِ هُوَ مَوْلٰیكُم

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <هو مولاکم> اشاره به این داشته باشد که چون خداوند بر آدمیان حق ولایت دارد، از این رو به جعل مقررات و تکالیف پرداخته است. بنابراین هر گونه تشریح و قانون گذاری، بایستی به گونه ای به ولایت الهی منتهی شود.

۲۷ - مشروعیت ولایت ها و حکومت های بشری ، در گرو منتهی شدن آن به ولایت الهی است .

هو مولیکم

با توجه به ظهور <هو مولاکم> در حصر، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۶

۶ - مقام ولایت و سرپرستی خداوند ، مقتضی مرجعیت نهایی او برای رفع تنازعات بشری است .

فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلٰیءُ . . . و مَا اَخْتَلَفْتُمْ فِیْهِ مِنْ شَیْءٍ فَحُكْمُهُ اِلٰی اللّٰهِ

از ارتباط این آیه با آیه قبل، می توان استفاده کرد که ولایت خداوند، مقتضی مرجعیت او در حل اختلافات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۷

۷ - رهایی انسان از گرفتاری های روز قیامت ، تنها در پرتو ولایت خداوند و اطاعت از او است .

و لَا یغْنِیْ عَنْهُمْ . . . و لَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ اَوْلِیَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۱

۱- سعادت و نیک فرجامی مؤمنان ، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ينصركم و يثبت أقدامكم .. ذلك

بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا

اعراض از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۷

۷- روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی ، نمودی از کوردلی کافران است .

كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غَظَاءٍ .. أَفْحَسَبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يُتَّخَذُوا

ارتباط محتوایی این آیه با آیات قبل، خصوصاً با توجه به <فاء> در <أفحسب> چنین می نماید که برگزیدن اولیا از سوی کافران، از نتایج کوری و کری و فقدان شناخت آنان است.

اهمیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ آنان که ولایت خدا و ربوبیت او را بر هستی پذیرفته اند بینایند و کسانی که برای غیر خدا ولایت و تدبیری در جهان معتقدند ، کوردلانند .

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ

کلمات <أعمى> (کور)، <بصیر> (بینا) و نیز <ظلمات> (تاریکیها) و <نور> (روشنی) محتمل است مثالها و نظیرهایی برای مشرکان و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۵

۵ - انسان ها ، هیچ گونه سرپرست و یاوری جز خداوند ندارند .

و ما لكم من دون الله من ولي ولا نصير

ایمان به ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۹

۹ ایمان به خدا و سرپرستی او بر انسان ها

، مقتضی توکل بر او و روی بر تافتن از غیر اوست .

هو مولینا و علی الله فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ باور به توحید و ولایت خدا و ربوبیت او ، مراتبی گوناگون دارد و هر انسانی به اندازه استعدادش آن را درمی یابد .

قل من رب السموت و الأرض . .. أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها ... كذلك يضرب

برخورداری از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۹

۹ بهای بهشت و برخورداری از ولایت الهی، عمل در پرتو ایمان است.

لهم دارالسلام . .. بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۹

۹ قرار گرفتن در پرتوی ولایت خداوند و یا ولایت ظالمان، در ارتباط با عملکرد انسان است.

و هو ولیهم بما كانوا يعملون . .. نولی بعض الظلمین بعضا بما كانوا یکسبون

جاودانگی ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیزهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۳

۳ - تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت ، ولایت خداوند است .

و قیضنا لهم قرناء .. قال الذین کفروا ... نجعلهما تحت أقدامنا ... نحن أولیاءکم

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در قیامت تبدیل به دشمنی خواهد شد.

حاکمیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۵

۵- اراده ، قدرت و ولایت الهی ، یگانه و بدون معارض

و من لایجب داعی الله .. و لیس له من دونه أولیاء

حقانیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۵

۵- ولایت حق و اصیل ، ویژه خدا است .

أفحسب الذين كفروا أن يتّخذوا عبادي من دوني أولياء

دلایل ولایت خدا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - رعد -

۲۹ یکتایی خدا و غلبه و تسلط او بر هستی ، دلیل ربوبیت و ولایت اوست .

أفأخذتم من دونه أولياء .. و هو الواحد القهّـر

دین و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲۷

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر الله أتخذ ولیا .. قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله <إنی أمرت .. > حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغیر الله أتخذ ... > نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱۴

۱۴ - لازم است که اتکا و توجه انسان ، تنها به ولایت و نصرت الهی باشد .

ما لکم من دونه من ولیّ و لاشفیع أفلاتتدّکرون

زمینه ذکر ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۹

۹ - دریافت باران ، پس از نیاز و ناامیدی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی بر هستی و روی آوری به ستایش او

و هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا .. و هو الولیّ الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۹

۹ - بلاها و تنگناهای زندگی ، زمینه

ساز توجه انسان به ولایت الهی و یآوری خواستن از او

و ما أصبکم .. و ما لکم من دون اللّٰه من ولیّ و لانصیر

زمینه ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۹

۲۹ - اقامه نماز، پرداخت زکات و اعتصام به خداوند، زمینه ساز برخورداری از ولایت و جلب یاری و نصرت او

فاقیموا الصلوه .. فنعم المولی و نعم النصیر

برداشت فوق، بدان احتمال است که <فنعم المولی..> مترتب بر تکالیف پیشین باشد که انجام آن، موجب بهره مندی از ولایت ویژه و نصرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۳

۳- ایمان، عامل قرار گرفتن تحت ولایت و سرپرستی خداوند

اللّٰه مولى الذین ءامنوا

شرایط ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۹

۹ - شرط بهره مندی از ولایت و سرپرستی خداوند، تقوا است.

و اللّٰه ولیّ المتّقین

شؤون ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ آفرینش و تأمین نیازمندیهای موجودات، از شؤون ولایت مطلقه الهی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۷ - ۶

۶ اقتدار بر رساندن هر گونه خیر و شر، از شؤون ولایت الهی است.

أغیر الله أتخذ ولیا .. و إن یمسکک الله بضر ...

فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۲۲

۲۲ آمرزش گناه خطاکاران و گسترانیدن رحمت بر ایشان، از شؤن ولایت و سرپرستی خداوند بر بندگان خویش است.

أنت ولینا فاغفر لنا و ارحمنا

تفریع جمله <اغفر لنا و .. > بر <أنت ولینا > به وسیله حرف فاء، حاکی از برداشت فوق است.

عقل و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲۷

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر الله أتخذ ولیا .. قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله <إنی أمرت .. > حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغیر الله أتخذ ... > نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

عوامل محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۹

۹ خداوند پیامبر (ص) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به محروم کردن از یاری و حفاظت خویش تهدید کرد.

لئن اتبعت أهواءهم .. مالک من الله من ولیّ ولاواق

<ولیّ > به معنای یاور و <واق > اسم فاعل از <وقایه > به معنای نگهدارنده است. <من الله > می تواند متعلق به محذوف و حال برای <ولیّ > و <واق > باشد. بر این مبنا جمله <مالک ... > چنین معنا می شود: برای

تو از جانب خداوند هیچ یاور و نگه دارنده ای نخواهد بود / یعنی، امدادهای خداوند به تو نخواهد رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۴

۱۴ - انتخاب غیر خدا به عنوان ولی در دنیا، مایه محرومیت از ولایت و نصرت الهی در قیامت

و الذین اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ... و الظلمون ما لهم من ولی و لا نصیر

قبول ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ آدمی بر سر دو راهی پذیرش ولایت خداوند و یا پذیرش ولایت شیطان

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۸، ۱۲، ۲۷

۲ ولایت الهی، تنها ولایت مورد پذیرش پیامبر(ص)

قل أغیر الله أتخذ ولیا

۱۲ پذیرش ولایت خالق روزی دهنده بی نیاز، حکم فطرت و عقل است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

۱۸ پذیرش ولایت خداوند، مستلزم تسلیم شدن محض در برابر اوست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا... قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

۲۷ هماهنگی عقل و شرع در حکم به لزوم پذیرش ولایت خداوند

قل أغیر الله أتخذ ولیا... قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جمله <إني أمرت .. > حکایت از صدور فرمانی تشریحی بر ضرورت تسلیم در برابر خداوند است. جمله استفهام انکاری <أغیر الله أتخذ ... > نیز اشاره به حکم عقل در این مورد دارد، بنابراین

عقل و شرع یکسان بر ضرورت پذیرش ولایت خداوند حکم می رانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۱۰

۱۰ پیروی از قرآن، پذیرش ولایت خداوند و فرمانبرداری از اوست.

اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم ولا تتبعوا من دونه أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۸

۸ پذیرش ولایت خداوند شرط بهرهوری از هدایت اوست.

و فریقا حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا الشیطن أولیاء من دون الله

مفهوم جمله <إنهم...> بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۱

۲۱- پذیرش ولایت شیطان ، غیرقابل جمع با پذیرش ولایت خدا است .

أفتتخذونه و ذرّیته أولیاء من دونی

محرومیت از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۱

۱۱ خداوند ، مخالفان پیامبر (ص) و تفرقه افکنان در جامعه ایمانی را از ولایت خویش خارج و به حال خودشان رها می سازد .

و من یشاقق الرسول .. و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۷

۷ شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا، کرداری ناشایسته و مایه محرومیت از ولایت و حمایت‌های خداوند است.

و هو يتولى الصالحين

مصدق مورد نظر برای صلاح و صالحان، به قرینه آیات گذشته، توحید و مؤمنان موحد است و در مقابل آن شرک و مشرکان خواهد بود.

بنابراین مفهوم جمله <و هو ... > عدم حمایت خداوند از مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۸

۱۸ - پیروی از آرا و قوانین مبتنی بر هواهای نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب محروم شدن از ولایت و یاری خداوند است .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءك من العلم مالک من اللّٰه من ولیّ و لانصیر

محمد(ص) و ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۲

۲ ولایت الهی، تنها ولایت مورد پذیرش پیامبر(ص)

قل أغیر اللّٰه اتّخذ ولیا

مدح ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۳۰

۳۰ - ستایش خدا از سرپرستی خود نسبت به مسلمانان و یاری رساندن به آنان

هو سمّیکم المسلمین .. فنعم المولی و نعم النصیر

مشمولان ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۱،۴،۶

۱ خداوند سرپرست پیامبر (ص) و یاور او در برابر کیدها و توطئه های مشرکان

ثم كيدون فلاتنظرون. إن ولي الله

۴ خداوند سرپرست و یاری دهنده همه صالحان است .

و هو يتولى الصالحين

۶ توجه صالحان به ولایت و سرپرستی خدا بر ایشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرک و نهرا سیدن از توطئه های ایشان

ثم كيدون فلاتنظرون .. هو يتولى الصالحين

از اهداف بیان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشرکان، این است که صالحان همواره توجه به یاری خدا داشته

باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهراسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۴،۶

۱۴- اصحاب کهف ، تدبیر کننده و سرپرستی جز خداوند نداشتند .

ما لهم من دونه من ولی

مراد از ضمیر در <لهم> اصحاب کهف است.

۶- تنها خداوند بر تمام اسرار هستی آگاه است .

قل الله أعلم بما لبثوا له غیب السموت و الأرض

جمله <له غیب..> به قرینه <الله أعلم> علاوه بر بیان مالکیت خداوند بر اسرار هستی، بر آگاهی فراگیر او نیز دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۳،۲۸

۲۳ - خدا ، مولا و سرپرست امت اسلامی

سَمَّيْكُمْ الْمَسْلَمِينَ .. هُوَ مَوْلِيكُمْ

۲۸ - خدا ، سرپرست و یاور خوب و شایسته برای امت اسلامی

هُوَ سَمَّيْكُمْ الْمَسْلَمِينَ .. وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ ... فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۴

۴ هدایت یافتگان هشیار و متذکر، مقرب درگاه پروردگار و در پرتوی ولایت او قرار دارند.

فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ .. لِقَوْمٍ يَذْكُرُونَ. لَهُمْ دَارُالْسَلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَليهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - پیروان وحی ، بهره مند از نصرت و ولایت الهی در قیامت

و كذلك أوحينا .. يدخل من يشاء في رحمته... و الظلمون ما لهم من وليّ و لا نصير

ستمگران (کسانی که از پیام وحی سرپیچی کنند) از ولایت و نصرت الهی محروم خواهند بود و از

آن جا که مضمولان رحمت الهی (یدخل من یشاء فی رحمته) در برابر ستمگران قرار گرفته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۹

۹ - پیامبر (ص) تحت ولایت و تربیت ویژه الهی

ذلکم الله ربّی

معرضان از ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۴

۴- کافران ، از ولایت خدا روی گردان و سرنهاده بر آستان شماری از بندگان اویند .

يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ

نشانه های ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنّت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد آتیتنی من الملک و علمتني .. أنت ولی فی الدنيا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - تنظیم معیشت و نزول باران ، پس از یأس و ناامیدی انسان ، جلوه ای از ولایت ستوده و بی نقص خداوند است .

و لو بسط الله الرزق .. و لكن ینزل بقدر ما یشاء ... و هو الذی ینزل الغیث ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۲

۲- ره یافتن مؤمنان نیک کردار به بهشت ، نمودی از ولایت الهی بر آنان

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا .. . إِنَّ

اللّٰهُ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَ

نِيَاظَ بِهِ وَوَلَايَةَ خَدَا

جَلْد - نَام سوره - سوره - آيه - فِيش

١٦ - سُورَى - ٤٢ - ٤٤ - ٤

٤ - انسان ، نيازمند ولايت و ياوري از جانب خداوند ، در تمامي حالات زندگي خويش

و من يضلّل اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ

اين كه گمراهان با محروم شدن از ولايت الهی ره به جایی نمی برند، نشانگر آن است كه انسان ها در تمامي حالات زندگي خویش نيازمند امداد و ولايت الهی اند.

ولايت خدا

جَلْد - نَام سوره - سوره - آيه - فِيش

١ - بقره - ٢ - ١٠٧ - ١٠ - ٤،١٠

٤ - سرپرستی انسان ها و تدبير امورشان ، تنها به دست خدا و در اختيار اوست .

و مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

١٠ - مالکيت و حاکميت انحصاری خدا بر هستي ، مقتضی نبود هيچ سرپرست و ياوري برای بندگان جز او

لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

جَلْد - نَام سوره - سوره - آيه - فِيش

٢ - بقره - ٢ - ٢٥٧ - ١٣،١٤،١٢،١٢،٤٨،٢،١

١ شمول ولايت خاص الهی ، بر مؤمنانی كه به طاغوت كفر ورزند .

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ .. اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا

٢ ايمان به خداوند و كفر به طاغوت ، موجب جلب سرپرستی ، ياوري و دوستی خداوند

فمن يكفر بالطّٰغوت . . . اللّٰه وليّ الذين امنوا

برای <ولّٰی>، معانی متعدّدی گفته شده است ؛ از آن جمله که با آیه شریفه تناسب دارد، سرپرست، یاور و دوست است.

۴ هدایت مؤمنان از تاریکی ها به نور ،

پرتویی از ولایت الهی بر آنان

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ

جمله <یخرجهم...> پس از طرح ولایت الهی نسبت به مؤمنان، به منزله بیان و یا ارائه نمونه ای است از ولایت خداوندی.

۸ مؤمنان از ولّیّ واحد (خداوند) برخوردار هستند و کافران از اولیای متعدد

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا .. و الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوْت

۱۲ عدم پذیرش ولایت الهی، منجر به انحراف آدمی و پذیرش ولایت طاغوتیان

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا .. و الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوْت

۱۳ هر ولایتی جز ولایت الهی، طاغوتی است.

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا .. و الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوْت

برداشت فوق مبتنی بر این است که اولاً- تمامی انسانها تحت ولایت و سرپرستی هستند؛ به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر. ثانیاً این ولایت یا از آن خداست و یا از آن طاغوت؛ بدون فرض قسم سوّم. بنابراین خارج شدن از ولایت الهی، مساوق ورود در ولایت طاغوت است.

۱۴ اتحاد اهل ایمان به علّت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر، به لحاظ حاکمیت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا .. و الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوْت

چون مؤمنان از یک <ولی> برخوردارند، پس به وحدت می رسند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددند و در نتیجه متشتت خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۸،۹

۸ نمرود، نمونه ای از منحرفان راه رشد، محرومان از ولایت الهی، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبیین

الرّشد .. الله وليّ الذّين ... الم تر الى الذّی حاجّ ابرهیم

خداوند پس از بیان ایمان و کفر (ولایت <الله> و <طاغوت> در آیات پیشین) برای نشان دادن نمونه خارجی، داستان ابراهیم (ع) و نمرود را بیان کرده که ابراهیم (ع) نمونه ای از ایمان و نمرود، نمونه ای از کفر است.

۹ حضرت ابراهیم (ع) ، نمونه ای از هدایت یافتگان به راه رشد ، بهره مندان از ولایت الهی و روندگان به سوی نور

قد تبین الرّشد .. الله وليّ الذّين امنوا ... الم تر الى الذّی حاجّ ابرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۲۶ ، ۲۰ ، ۱۹

۱۹ اعتقاد و اقرار و اعتراف مؤمنان به ولایت الهی بر آنان

ربّنا .. انت مولینا

۲۰ عفو ، غفران و رحمت نسبت به مؤمنان ، از شوون ولایت الهی

و اعف عَنّا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا

جمله <انت مولینا> به منزله دلیل برای درخواست مطالب قبلی است؛ یعنی خدایا چون تو مولای ما هستی عفو کن و ..

۲۶ نصرت و یاری مؤمنان در رویارویی با کافران ، از شوون ولایت الهی بر مؤمنان

انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین

تفریع جمله <فانصرنا> بر <انت مولینا> بیانگر آن است که ولایت الهی بر مؤمنان، مقتضی یاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۷ ، ۹

۱۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللهم مالک الملک .. لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

گویا آیه مورد

بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم .. > است.

۹ متضاد بودن پذیرش ولایت خداوند با پذیرش ولایت کفار

و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۹

۹ خداوند ، ولی و سرپرست مؤمنان

و الله ولي المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۲

۲ ایجاد رعب و هراس در دل های کفرپیشگان ، نمونه ای از نصرت خداوند به پذیرندگان ولایت او

بل الله مولیکم و هو خیر النصیرین . سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب

جمله <سنلقى .. > ، پس از جمله <و الله خیر النصیرین > ، بیانگر مصداقی از یاری خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۵ - ۱۰، ۷

۷ خداوند ، دوست و سرپرستی کافی است .

و کفی بالله ولیاً

۱۰ مؤمنان با اعتماد به ولایت و نصرت الهی ، نباید از دشمنی مخالفان ضعف و ترسی به خود راه دهند .

و الله اعلم باعدائکم و کفی بالله ولیاً و کفی بالله نصیراً

هدف از بیان ولایت و نصرت الهی پس از معرفی یهودیان به عنوان دشمن، این است که مبدا با تصور دشمنی یهود از آنان بهراسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۵،۲۰

۱۵ وانهادن ولایت خداوند و پذیرش ولایت شیطان ، زیان آشکار

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

۲۰ تنها خداوند شایسته

و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۳۸

۳۸ خداوند برای وکالت و سرپرستی و تدبیر جهان ، کافی است .

و کفی بالله وکیلا

وکیل به کسی گفته می شود که کاری را به عهده بگیرد و تدبیر کند و چون سخن از جهان هستی بود، مراد از وکیل، سرپرست و مدبر جهان هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۱

۱۱ خداوند ، در قیامت ولی (سرپرست) و نصیر (یاری دهنده) است .

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۰،۹،۶،۵،۱

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا الذین . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۵ ولایت و سرپرستی بر مؤمنان صدر اسلام ، از آن خدا ، رسول او و امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع)

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

۶ ولایت و رهبری پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما وليكم الله و

مفرد آوردن کلمه <ولئى> علی رغم جمع بودن خبر آن ، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(ص) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

۹ هر گونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من یتولهم منکم فانه منهم .. انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۱،۳

۱ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، از زمره حزب الله (یاران و پیروان خدا)

و من یتول الله و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

<الذین ءامنوا> اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

۳ پذیرش ولایت خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان شایسته ولایت ، انفکاک ناپذیر و وابسته به یکدیگر

و من یتول الله و رسوله و الذین ءامنوا

عطف <رسوله> و <الذین ءامنوا> بر <الله> بدون تکرار فعل (یتول)، می رساند که ولایت آنها بهم پیوسته بوده و رویگردانی از ولایت هر یک به منزله اعراض از ولایت تمامی آنها می باشد. مفرد آوردن کلمه <ولئى> در آیه قبل این معنا را تأیید

می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۸

۱ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

۸ ولایت و سرپرستی، تنها در خور آفریننده و روزی دهنده موجودات است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۷ - ۵

۵ تنها خدای قادر بر رساندن هر گونه ضرر و یا منفعت به آدمی، شایسته پرستش و ولایت می باشد.

أغیر الله أتخذ ولیا .. و إن یمسک الله بضر ... فهو علی کل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۱،۲

۱ آدمیان پس از مرگ، به سوی خداوند (مولای حقیقی خود) بازمی گردند.

ثم ردوا إلی الله مولیهم الحق

۲ خداوند، مولا و سرپرست حقیقی آدمیان است.

ثم ردوا إلی الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۵

۵ خداوند خود امور ره یافتگان به دارالسلام را بر عهده خواهد داشت.

لهم دارالسلام عند ربهم و هو وليهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳ - ۷

۷ ولایت خداوند، تنها ولایت شایسته و بایسته پذیرش است.

و لاتتبعوا من دونه أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف -

۲۰ خداوند سرپرست همه انسانهاست .

أنت ولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۰ - ۱،۲،۳

۱ اهل ایمان باید با باور به یاری خداوند و سرپرستی او ، به جهاد با کافران فتنه انگیز پردازند .

و إن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

متعلق <تولوا> دست برداشتن از فتنه انگیزی است ؛ یعنی <إن تولوا عن الانتهاء فلم یتروکوا الفتنه> . و جواب شرط، به قرینه آیه قبل، جمله ای همانند <فقاتلوهم> است.

۲ خداوند ، سرپرست و یآوری نیک برای مؤمنان

نعم المولی و نعم النصیر

۳ باور اهل ایمان به سرپرستی خدا و یاری او ، مایه نهراسیدن آنان از دشمنان دین و اجرای فرمان جهاد

فإن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

جمله <فاعلموا .. > علاوه بر رساندن مضمون خود به منظور تقویت روحیه مسلمانان برای جهاد با دشمنان فتنه انگیز ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۴،۵

۴ اتکای مؤمنان راستین بر ولایت و حمایت خداوند ، در جهاد و اقدام به تکالیف

قل لن یصیبنا إلا ما كتب الله لنا هو مولینا

۵ خدا ، سرپرست و صاحب اختیار انسانهاست .

هو مولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۷

۷ برای انسان ها ، هیچ سرپرست و یآوری جز خداوند نیست .

و ما لکم من دون اللّٰه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۷- یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۷

۷ خدا ، مولا و مالک حقیقی انسانهاست .

و ردوا إلى الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۲۰ - ۶

۶ تنها خداوند ، ولی و سرپرست انسانهاست .

و ما كان لهم من دون الله من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۹

۹ تنها خداوند ، یاور و سرپرست انسانهاست .

و ما لكم من دون الله من أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ تنها خداوند سرپرست و یاور انسانهاست .

ما لهم من دونه من وال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۷۸

۷ مشرکان با وجود دلایل روشن بر ولایت خداوند ، دیگران را ولی و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أف اتخذتم من دونه أولياء

تفریح جمله <اتخذتم...> به وسیله حرف <فاء> بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد \$ که مشرکان نیز آنها را باور دارند می رساند که ولایت بر انسانها تنها از آن خداست و پندار ولایت غیر او ، پنداری ناموجه و بدون دلیل است.

۸ تنها خداوند ولی و اختیاردار امور انسانهاست .

أف اتخذتم من دونه أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۴ - ۱

۱- آدمی ، به هنگام شدايد ، به ولایت و تسلط مطلق خداوند بر همه امور ، پی می

و لم تكن له فئة ينصرونه .. هنالك الوليه لله الحق

تردیدی نیست که ولایت خداوند (چه به معنای حاکمیت و تدبیر و چه به معنای نصرت) همواره، حاکم و نافذ است، لذا اشاره به مکان و واقعه خاص با واژه <هنالك> از آن جهت است که در چنین موقعیت هایی، آدمی، به آن نکته واقف می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۲

۲۲- ولایت الهی ، تنها ولایت شایسته پذیرش و اتکا است .

أفتتخذونه و ذرّيته أولياء من دوني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۲ - ۵،۷

۵ - ولیّ مطلق ، در عالم آخرت ، فقط خداوند است .

و ما لكم من دون الله من وليّ ولا نصير

۷ - خداوند ، انسان ها را تشویق می کند که او را یار و ولیّ ، بگیرند و نه فرودستانش را .

و ما لكم من دون الله من وليّ ولا نصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ - سرپرستی و شفاعت از شؤون تدبیر و مدیریت خداوند است .

ثم استوى على العرش ما لكم من دونه من وليّ ولا شفيع

این که خداوند، پس از ذکر مدیریت خویش، وجود هر نوع ولایت و شفاعت را از غیر خود نفی کرده، می رساند که ولایت و شفاعت، تنها از آن مدبر هستی و شأنی از شؤون او است.

۱۱ - انسان ها ، هیچ سرپرستی جز خداوند ندارند .

اللّٰه الذى خلق . . ما

لکم من دونه من ولی

۱۲ - یکتایی خدا در خلق و تدبیر عالم ، دلیل وجود نداشتن سرپرست و یآوری برای انسان ها جز خود او است .

اللّٰه الذی خلق .. ما لکم من دونه من ولی و لاشفیع

احتمال دارد ذکر <ما لکم من دونه.. > پس از بیان یکتایی خداوند در آفرینندگی و تدبیر، به این منظور باشد که چون همه چیز در دست اقتدار او است، کسی جز او نمی تواند ولی و شفیع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۲

۲ - ولایت و سرپرستی هستی ، تنها از آن خداوند است .

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء

از لحن تهدیدآمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۸

۱۸ - ولایت و نصرت الهی ، جلوه ای از رحمت او است .

یدخل من یشاء فی رحمته و الظلمون ما لهم من ولی و لا نصیر

از مقابله دو بخش از آیه شریقه (یدخل من یشاء فی رحمته < و >والظالمون..) مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۵

۵ - ولایت و سرپرستی انسان ها ، در انحصار خداوند است .

فاللّٰه هو الولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- ولایت منحصر و بی همتا، قدرت نامحدود و مرجعیت نهایی در تشریح و داوری، از ویژگی های پروردگار جهان

فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ .

.. ذلکم اللہ ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - ولایت بی نقص و شایسته ستایش ، مخصوص خداوند است .

و هو الولیّ الحمید

برداشت یاد شده بدین احتمال که <حمید>، وصف <ولّی> باشد نه خبر بعد از خبر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۶

۶ - تنها خداوند ، سرپرست و یاور حقیقی انسان ها ، در دنیا و آخرت است .

ولا یغنی . . . ما اتّخذوا من دون اللّٰه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۹ - ۸

۸ - خداوند ، سرپرست و حامی تقوایپیشگان

واللّٰه ولیّ المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۲

۲ - خداوند ، ولیّ (سرپرست و حامی) مؤمنان

بأنّ اللّٰه مولیّ الذّین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۵ - ۱

۱- ولایت و مالکیت مطلقه دنیا و آخرت ، از آن خداوند است .

فَللّٰهِ الْاٰخِرَةُ وَالْاٰوَّلٰی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۶،۷

۶ - خداوند ، مولا و سرپرست حقیقی انسان ها است .

و اللّٰه مولیکم

۷ - تشریح خداوند ، از موضع مولویت او نسبت به انسان ها است .

قد فرض اللّٰه لکم .. و اللّٰه مولیکم

یادآوری مولا و سرپرست بودن خداوند پس از تشریح قانون شکستن سوگند می تواند گویای حقیقت یاد شده

باشد.

ویژگیهای ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۵

۱۵ ولایت و سرپرستی خدا محدود به زمان و مکان نبوده و در دنیا و آخرت نافذ است .

أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۳

۳ - تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت ، ولایت خداوند است .

و قیضنا لهم قرناء .. قال الذین كفروا ... نجعلهما تحت أقدامنا ... نحن أولیاؤکم

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در قیامت تبدیل به دشمنی خواهد شد.

ولایت و امامت

{ولایت و امامت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۲۶

۲۶ تمامیت و کمال حج ، به دیدار امام است .

و اتمّوا الحج

امام باقر (ع): تمام الحج لقاء الإمام.

کافی، ج ۴، ص ۵۴۹، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۶۵۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۷

۱۷ صله و کمک مالی به امام مسلمین، از مصادیق قرض به خداوند است.

من ذا الذی یقرض الله قرضاً

امام کاظم (ع) درباره آیه <من ذا الذی...> فرمود: نزلت فی صله الإمام

کافی، ج ۱، ص ۵۳۷، ح ۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۴۳۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران -

۵ ولایت و سرپرستی ، ضرورت نظام اجتماعی *

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

به نظر می آید تعیین ولی و سرپرست در آیه، مفروغ عنه گرفته شده و تنها نسبت به مصداق آن تذکر داده شده است.

۶ ایمان ، ملاکی مهم برای شایستگی مدیریت و سرپرستی در نظام اسلامی

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قُلْ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمَلِكِ .. لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قُلْ اللَّهُمَّ .. > است.

۸ کسی که ولایت کافران را بپذیرد ، خداوند او را به خود وامی گذارد .

و مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ

۱۰ جایگاه مهم ولایت و سرپرستی در نظام اجتماعی اسلام

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ .. و مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ

۱۱ حاکمیت و سرپرستی کافران بر امور مؤمنان ، زمینه انحطاط و بی ارزشی مؤمنان در پیشگاه خدا

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. و مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ

خروج از ولایت خدا، مستلزم انحطاط است.

۱۳ پذیرش سرپرستی کافران ، جز در اضطرار و تقیه ، جایز نیست .

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. الاَّ أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تَقِيَةً

بنابراینکه ولایت به معنای سرپرستی باشد.

۱۵ تحذیر و هشدار مؤکد خداوند ، نسبت به مؤمنانی که پذیرای ولایت و سرپرستی کافران شده اند .

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء .. و يحذركم الله نفسه و الى الله المصير

١٦ ترس از

خداوند ، موجب پرهیز از پذیرش ولایت کافران

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. و يَحذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ

۱۹ توجه انسان به بازگشت به خدا و اعتقاد به آن ، عامل مقاومت در برابر ولایت کافران

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. و إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۱ - ۸،۱۱

۸ کردار انسان ، نمایانگر غلظه ها و گرایش های درونی است .

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي

۱۱ جلب محبت خدا ، هدف نهایی دین و دینداری است .

فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ

زیرا می فرماید تبعیت از پیامبر (ص)، موجب محبت خدا خواهد شد.

ولی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

وَلِيِّ

آگاهی ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۷

۱۷- شایستگی برای ولایت و سرپرستی موجودات ، در انحصار مالک آگاه و هوشمند جهان هستی است .

لَهُ غِيبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصَرَ بِهِ وَ أَسْمَعَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيِّ

اختیارات ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ جواز بهره گیری متعارف ولیّ از مال یتیم ، در قبال خدمت به او ، در صورت فقر

و من كان فقيراً فليأكل بالمعروف

۱۹ جواز بهره گیری متعارف ولیّ یتیم از مال وی ، مشروط به صرف وقت خود در جهت مصلحت آن و کم نبودن (کافی

بودن) آن مال

و من كان فقيراً فليأكل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: ذلك رجل يحبس نفسه عن المعيشه فلا بأس ان يأكل بالمعروف اذا كان يصلح

لهم اموالهم فان كان المال قليلا فلا ياكل منه شيئاً . . .

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۶۹.

۲۰ جواز بهره گیری سرپرست یتیم از دارایی وی، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: المعروف هو القوت و انما عنی الوصی او القیم فی اموالهم و ما یصلحهم.

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۴۶، ح ۶۷.

۲۱ جواز برداشت سرپرست یتیم از دارایی وی به عنوان قرض، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: معناه من كان فقيراً فليأخذ من مال اليتيم قدر الحاجة و الكفايه على وجه القرض ثم يردّ عليه ما أخذ اذا وجد.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۱۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

دفع ضرر در ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ تنها کسی شایسته ولایت و سرپرستی است که بر نفع رسانی و دفع ضرر توانا باشد.

لا يملكون لأنفسهم نفعاً ولا ضرراً

شرایط ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ ستمکاران ، شایسته ولایت و سرپرستی نیستند .

ولا تتركوا إلى الذين ظلموا .. و ما لكم من دون الله من أولياء

منفعت رسانی در ولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ تنها کسی شایسته ولایت و سرپرستی است که بر نفع

رسانی و دفع ضرر توانا باشد .

لايملكون لانفسهم نفعًا ولا ضرًا

ولّي مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۷

۷ مشركان با وجود دلايل روشن بر ولايت خداوند ، ديگران را وليّ و سرپرست خویش می پنداشتند و به آنان روی می آوردند .

أفأخذتم من دونه أولياء

تفریع جمله <اخذتم ..> به وسیله حرف <فاء> بر بیان کارها و شؤونی که برای خداوند برشمرده شد \$ که مشركان نیز آنها را باور دارند می رساند که ولايت بر انسانها تنها از آن خداست و پندار ولايت غير او ، پنداری ناموجه و بدون دليل است .

ولّي يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری يوسف (ع) از قدرت و مکتب و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولايت خداوند بر او بود .

قدء اتيتني من الملك و علمتني .. أنت وليّ في الدنيا و الآخره

وليد بن مغيره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آرزوهای ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۱

۱ - ولید بن مغیره ، هرگز به تمامی آرزوهای مادی خود نرسید و عطش زیاده خواهی او سیراب نگردید .

ثمّ يطمع أن أزيد . كلاً

استكبار ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۳

۳ - ولید بن مغیره ، دارای خوی استکبار و برتری طلبی

و استکبر

اظهار دشمنی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۲ - ۱

۱ - ظاهر شدن عناد و دشمنی ولید بن مغیره ، در چهره او به هنگام روبه رو شدن با آیات الهی قرآن

ثم عبس و بسر

<عبس> به معنای روی ترش کردن و اخم نمودن است. <بسر> نیز به دو معنا آمده است: ۱ رو ترش کردن (این معنا معادل معنای <عبس> است). ۲ عجله کردن و گرفتن پیش از وقت.

اعراض ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۱

۱ - روی گردانی کامل ولید بن مغیره ، از آیات الهی و دعوت پیامبر اسلام (ص)

ثم أدبر و استکبر

<إدبار> (مصدر <أدبر>) به معنای پشت کردن است و مقصود از آن اعراض و روی گردانی کامل است.

امکانات مادی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۴ - ۱

۱ - ولید بن مغیره ، برخوردار از وسایل و امکانات بسیار زندگی

و مهّدت له تمهیداً

انگیزه دشمنی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيْتِنَا عَنِيْدًا . . . إِنَّهٗ فَكَّرَ وَقَدَّرَ

بینش باطل ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۳

۳ - قرآن ، در دیدگاه غرض آلود ولید بن مغیره ، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین

بود .

فقال إن هذا إلا سحر يؤثر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یؤثر> از ماده <أثر> (روایت و مطلب نقل شده از پیشینیان) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۱

۱ - قرآن ، در نظر غرض آلود ولیدبن مغیره ، ساخته و پرداخته انسان است .

إن هذا إلا قول البشر

تداوم توطئه ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۱ - ۱

۱ - اندیشه عمیق و مستمر ولیدبن مغیره ، علیه قرآن و رسالت پیامبر (ص)

ثمّ نظر

<ثمّ> در <ثمّ نظر> یا برای تراخی زمانی است و یا رتبی. در هر دو صورت بیانگر نظر و اندیشه عمیق و مستمر کافرانی است که پیش از این، به فکر و حسابگری علیه دین مشغول بودند (إنّه فکّر و قدّر و...).

تفکر ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إنّه كان لأيتنا عينًا . . . إنّه فکّر و قدّر

توطئه ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۲ - ۲

۲ - چاره اندیشی عجولانه و شتاب آلود و لیدبن مغیره ، علیه قرآن و پیامبر (ص)

إِنَّهٗ فَكَّرٌ وَقَدَّرٌ .. ثُمَّ نَظَرَ . ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۹

۲ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، طرحی حساب شده از سوی ولید بن مغیره

إِنَّهٗ فِكْرٌ وَقَدَرٌ .. فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ

تهدید ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۱

۱ - تهدید شدن ولید بن مغیره به عذاب و شکست ، از سوی خداوند

ذَرْنِي وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا

مطابق نظر مفسران، این آیه تا آیه ۲۵ درباره ولید بن مغیره (یکی از سران مکه) نازل شده است (مجمع البیان). گفتنی است کلمه <وَحِيدًا> در این برداشت، حال برای <یا> در <ذَرْنِي> است و عبارت <ذَرْنِي وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا> (مرا تنها بگذار با آن کس که خلقش کردم) و مانند آن، برای تهدید می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، ولید بن مغیره را به عذابی سخت و طاقت فرسا تهدید کرد .

سَأَرْهَقُهُ صُعُودًا

<إِرْهَاقٌ>، به معنای به کاری دشوار واداشتن یا کار دشواری را بر شخصی تحمیل کردن است. <صُعُودٌ> در اصل، به گردنه و راه دشوار کوه گفته می شود (قاموس المحيط). برای هر امر شاق و طاقت فرسا نیز استعاره آورده می شود. بنابراین <سَأَرْهَقُهُ صُعُودًا> یعنی، به زودی او را بر کاری بس سخت و طاقت فرسا وادار خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۶ - ۱

۱ - تهدید ولید بن مغیره ، به عذاب دوزخ از سوی خداوند

سأصلیه سقر

تہمتہای ولید بن مغیرہ

جلد - نام سورہ - سورہ

- آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۱،۲،۳

۱ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، از سوی ولیدبن مغیره

فقال إن هذا إلا سحر

۲ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، طرحی حساب شده از سوی ولیدبن مغیره

إنه فكر و قدر .. فقال إن هذا إلا سحر

۳ - قرآن ، در دیدگاه غرض آلود ولیدبن مغیره ، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین بود .

فقال إن هذا إلا سحر يؤثر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یؤثر> از ماده <أثر> (روایت و مطلب نقل شده از پیشینیان) باشد.

ثروتمندی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۲ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، فردی ثروتمند و دارای اموال فراوان

ذرنی و من خلقت وحیداً . و جعلت له مالاً ممدوداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۴ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، برخوردار از وسایل و امکانات بسیار زندگی

و مهّدت له تمهیداً

حق ستیزی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۲

۲ - ولید بن مغیره ، فردی عنود و حق ستیز

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيُّتِنَا عَنِيْدًا

حق ناپذیری ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۲

۲ - ولید بن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثُمَّ أَدْبَرَ

برداشت یاد شده، از <إدبار و روی گردانی> از آیات الهی و سخن بحق پیامبر(ص) استفاده می شود.

دشمنی ولید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۵

۵ - برخی از عناصر زنازاده (ولیدبن مغیره) ، سردمدار دشمنی و مخالفت با پیامبر (ص)

و لاتطع کلّ ... زنیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۲،۳

۲ - ولیدبن مغیره ، فردی عنود و حق ستیز

إنّه کان لأیتنا عنیداً

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره

(

ثمّ یطمع أن أزید . کلاً

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیدبن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کلاً) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

رذایل اخلاقی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدوداً .. ثمّ یطمع أن أزید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۲،۳

۲- ولیدبن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثم أدبر

برداشت یاد شده، از <إدبار و روی گردانی> از آیات الهی و سخن بحق پیامبر(ص) استفاده می شود.

۳- ولیدبن مغیره ، دارای خوی استکبار و برتری طلبی

و استکبر

زنازادگی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۶

۶ - > عن أبي عبدالله و أبي جعفر (عليهما السلام) أن الوحيد ولد الزنا ;

از امام صادق و امام باقر(ع) روایت شده که مقصود از <وحدید>، زنازاده است (کسی که برای او پدری شناخته نشده).<

زیاده طلبی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدوداً .. ثم يطمع أن أزيد

طمع ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۵ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، فردی طمع کار و افزون خواه

و جعلت له مالاً ممدوداً .. ثم يطمع أن أزيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - ولیدبن مغیره ، هرگز به تمامی آرزوهای مادی خود نرسید و عطش زیاده خواهی او سیراب نگردید .

ثم يطمع أن أزيد . کلاً

۳ - دل‌داری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره

(

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ . كَلَّا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولید بن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کَلَّا) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

عجله ولید بن مغیره

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۲ - ۲

۲ - چاره اندیشی عجولانه و شتاب آلود و لیدبن مغیره ، علیه قرآن و پیامبر (ص)

إِنَّهٗ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ... ثُمَّ نَظَرَ . ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ

فرزندان و لید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۳ - ۱

۱ - و لیدبن مغیره ، دارای فرزندان همیشه حاضر

و بنین شهوداً

فلسفه دین ستیزی و لید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۴

۴ - خوی استکبار و برتری طلبی ، عامل اصلی دین ستیزی و مخالفت و لیدبن مغیره ، با آیات الهی و پیامبر اسلام (ص)

و استکبر

خداوند در آیه ۱۶، و لیدبن مغیره را به عنوان مخالف و دشمن آیات قرآن معرفی کرده (إِنَّهٗ كَانَ لَآيَاتِنَا عَنِيدًا) و در آیه مورد بحث، از او به عنوان مستکبر و برتری طلب یاد نموده است. از این نکته می توان استفاده کرد که مخالفت و دشمنی او با قرآن و پیامبر اسلام (ص)، ناشی از خوی استکبار و برتری طلبی او بود.

فلسفه مخالفت و لید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۴

۴ - خوی استکبار و برتری طلبی ، عامل اصلی دین ستیزی و مخالفت و لیدبن مغیره ، با آیات الهی و پیامبر اسلام (ص)

و استکبر

خداوند در آیه ۱۶، ولیدبن مغیره را به عنوان مخالف و دشمن آیات قرآن معرفی کرده (إِنَّهٗ كَانَ لَآيَاتِنَا عَنِيدًا) و در آیه مورد بحث، از او

به عنوان مستکبر و برتری طلب یاد نموده است. از این نکته می توان استفاده کرد که مخالفت و دشمنی او با قرآن و پیامبر اسلام(ص)، ناشی از خوی استکبار و برتری طلبی او بود.

قدرت طلبی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۳

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران عنود ، قدرت طلب و افزون خواه (همچون ولیدبن مغیره)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ . كَلَّا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مخالفان پیامبر(ص) از جمله ولیدبن مغیره از ثروت اندوزان و قدرت مندان بودند. نفی ازدیاد قدرت و ثروت آنان با تعبیر (کَلَّا) از سوی خداوند، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) باشد.

قیاس ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيْتِنَا عَنِيْدًا .. إِنَّهٗ فَكَّرَ وَقَدَّرَ

لجاجت ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۲

۲ - ولیدبن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثُمَّ أَدْبَرَ

برداشت یاد شده، از <إدبار و روی گردانی> از آیات الهی و سخن بحق پیامبر(ص) استفاده می شود.

لعن بر وليد بن مغيره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۱

- ۱

ولیدبن مغیره ، مورد نفرین خداوند

فقتل کیف قدر

عبارت <قتل>، برای نفرین و دعا علیه کسی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۱

۱ - ولیدبن مغیره ، مورد نفرین شدید و سخت خداوند

ثم قتل کیف قدر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه تکرار آیه پیش و به منظور مبالغه ادا شده است و <ثم> برای دلالت بر تفاوت رتبه است؛ یعنی، عقوبت و نابودی کافران، به شدیدترین وجهی است.

مخالفت ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۳

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص)، در برابر مخالفت ها و کارشکنی های سران کفر و شرک (همچون ولیدبن مغیره)

ذرنی و من خلقت وحیداً

ولید بن مغیره و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۱

۱ - قرآن، در نظر غرض آلود ولیدبن مغیره، ساخته و پرداخته انسان است.

إن هذا إلا قول البشر

ویرانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

ویرانی

آثار ویرانی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۹ - ۱،۲

۱ - توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قالوا سبحن ربنا إنا كنا ظلمین

۲ - باغداران یمنی ، از مشاهده نابودی محصولات خویش از خواب غفلت بیدار شده و به تسبیح و تنزیه خداوند پرداختند .

قالوا سبحن ربنا

حتمیت ویرانی شهرها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۴

۴- ویرانی شهرها و مرگ و میر همه مردمان قبل از قیامت ، امری حتمی ، غیر قابل تغییر و نوشته شده در کتاب تقدیر الهی است .

كان ذلك في الكتب مسطورًا

<ال> در <الكتاب> برای معرفه و عهد است و مراد از آن، لوح محفوظ و کتاب تقدیر است.

زمینه ویرانی روستاها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۴

۴ - کفر و گناه ، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهرها و روستاها (نابودی باغ ها ، نهرها و ...)

استغفروا ربکم ... و یمددکم بأمول و بنین ... و يجعل لکم أنهرًا

زمینه ویرانی شهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۲ - ۴

۴ - کفر و گناه ، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهرها و روستاها (نابودی باغ ها ، نهرها و ...)

استغفروا ربکم ... و یمددکم بأمول و بنین ... و يجعل لکم أنهرًا

عذاب با ویرانی شهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۱

۱ جوشش آب های سیل آسا ، بارش باران های طوفان زا ، زیر و زبر شدن آبادیها ، فرو ریختن سنگ های عذاب و ایجاد صیحه و غرش های تخریب گر ، نمونه هایی است از عقوبت های الهی

و عذاب های استیصال .

و كذلك أخذ ربك

<ذلك> اشاره به عذابهایی است که در این سوره بیان شده است؛ از قبیل طوفان نوح ، زیر و زبر شدن آبادیهای قوم لوط و

...

عوامل ویرانی شهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳،۴

۳ - ویرانی شهر ها ، تباهی جامعه و ذلت عزّتمندان ، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إِنَّ الملوک إذا دخلوا قرية أفسدوها و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

۴ - تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إِنَّ الملوک . . و كذلك يفعلون

عوامل ویرانی شهرهای قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۳ - ۳،۴

۳ - ظلم و طغیان ، عامل نابودی شهر های قوم لوط

إنّهم كانوا هم أظلم و أظعی . و المؤتفکه أهوی

از این که در آیه قبل، قوم نوح <أظلم> و <أظعی> معرفی شده اند، اصل ظلم و طغیان برای اقوام دیگری که در این بخش آمده اند، ثابت می شود.

۴ - عذاب الهی ، باعث پرتاب شدن شهر های قوم لوط ، به طرف بالا و سپس سقوط و هلاکت آنها

و المؤتفکه أهوی

<أهوی> معادل <أسقط> (فرو افکند) است.

ملاک ویرانی مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۸

۸ - مساجدی که مردم در آن حضور نیابند و در آنها ذکر خدا نگویند ، در حقیقت مساجدی ویرانه اند .

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه

و سعی فی خرابها

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که جمله <سعی فی خرابها> (در تلاش برای تخریب مساجد هستند) تفسیر و توضیح جمله <منع مساجد الله أن یذکر فیها اسمہ> باشد.

منشأ ویرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۷

۷ - ویرانی و آبادانی سرزمین ها ، به اراده خدا و نشان قدرت او است .

کم أهلکنا من قبلهم .. أنا نسوق ... فنخرج به زرعاً

منشأ ویرانی شهرهای قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۳ - ۱

۱ - شهرهای قوم لوط ، از جمله سرزمین های نابودشده به اراده خداوند

و المؤتفکه أهوی

مفسران، <المؤتفکه> را شهرهای قوم لوط دانسته اند؛ یعنی، <والقری المؤتفکه>.

وقت ویرانی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۶ - ۳

۳ - ویرانی بوستان باغداران یمنی ، در شب هنگام و ناگهانی بود .

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که صاحبان باغ در سپیده صبح، آن را ویران دیده اند و اگر این ویرانی مربوط به روزهای پیش بود، دست کم به وسیله دیگر باغداران با خبر می شدند.

ویرانی باغ سوخته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۶ - ۱

۱ - باغداران یمنی ، با مشاهده باغ خویش هیچ اثری از آن ندیده و گمان بردند که راه را گم کرده اند .

فلما رأوها قالوا إنا لضالون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است

که در این جا معنای اصلی و لغوی <ضالّون> مراد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۲ - ۲

۲ - اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به پروردگار ، پس از مشاهده ویرانی باغ خویش و توبه و پشیمانی از کردار خود

إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَغِبُونَ

ویرانی خانه دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۱۳، ۱۲، ۳

۳- توطئه کنندگان علیه دین الهی ، در داخل خانه های خود با فرو ریختن سقف خانه ها بر روی آنان ، به هلاکت رسیدند .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

ذکر قید <من فوقهم> پس از بیان <فخر علیهم السقف> (سقف بر آنها فرو ریخت) با اینکه ریزش سقف همواره از بالاست، می تواند برای بیان این منظور باشد که آنان در داخل خانه های خود، زیر آوار مدفون شدند.

۱۲- > عن أبي جعفر (ع) فی قول الله : > فأتی الله بنینهم من القواعد > قال : کان بیت غدر یجتمعون فیه ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا >فأتی الله بنینهم من القواعد< فرمود: [آن بنیان] خانه خیانتی بود که در آن اجتماع می کردند.<

۱۳- > عن ابی جعفر (ع) فی قوله : > قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد > فخر علیهم السقف من فوقهم و أتاهم العذاب من حیث لا یشعرون قال : بیت مکرهم ای ماتوا فألقاهم الله فی النار . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده

است که درباره قول خدا <.. فأتى الله بنيانهم من القواعد...> فرمود: مقصود این است که خدا خانه مکرشان را ویران کرد؛
یعنی، مردند و خدا آنان را در آتش افکند.

ویرانی خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۱،۴

۱ - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان ، نشانه ای گویا از فرود آمدن کیفر الهی بر آنان

أنا دمرنهم و قومهم أجمعين . فتلك بيوتهم خاويه

<خواء> (مصدر <خاويه>) به معنای ویرانی و نیز خالی از سکنه شدن است. در برداشت فوق هر دو معنا لحاظ شده است.

۴ - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان ، در بردارنده درس عبرتی بزرگ برای اهل فهم و دانش

فتلك بيوتهم خاويه .. إن في ذلك لآيه لقوم يعلمون

واژه <آیه> در آیه یاد شده معادل <عبره> و تنکیر آن بیانگر بزرگی است؛ یعنی، <إن في ذلك لعبره عظیمه لقوم
يعلمون>.

ویرانی سد ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۹

۹- موانع هجوم یاجوج و مأجوج به همسایگان خود ، در آستانه قیامت ، منهدم خواهد شد .

فإذا جاء وعد ربّي جعله دكاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۹ - ۳،۷

۳- از پیدایش درگیری های داخل میان یاجوج و مأجوج ، پس از ویرانی سد ذوالقرنین خبر داده است . *

فإذا جاء وعد ربّي جعله دكاء .. و تركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض

بدان احتمال که ضمیر در <بعضهم> به یا جوج و مأجوج

بازگردد؛ یعنی، پس از ویرانی سد، آن‌ها، به کشمکش‌ها و تهاجمات گسترده به هم دست خواهند زد.

۷- ویرانی سد ذوالقرنین، از علایم نزدیکی قیامت است. *

فَإِذَا جَاءَ وَعْدَ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ .. وَ نَفَخَ فِي الصُّورِ فُجْمَعَنَّهُمْ جَمْعًا

ویرانی سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۳

۳ شهر قوم لوط، به وسیله بارانی از سنگ گل، به ویرانه‌ای تبدیل شد.

و لَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مِنْ السَّيِّئِ

آنچه به صورت باران بر قوم لوط بارید به قرینه آیات دیگر از جمله آیه ۸۲ سوره <هود> (و أمطرنا عليها حجارة من سجيل منضود) سنگ گل و کلوخ بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۱

۱ - بارش بارانی از سنگ گل (سجیل) بر قوم لوط، پس از هلاکت آنان و ویرانی کامل دیارشان

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ . وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا

<إمطار> (مصدر <أمطرنا>) به معنای بارانیدن است. <مطرًا> مفعول <أمطرنا> و تنکیر آن تنکیر تنويع است؛ یعنی، <بر روی آنان نوعی باران فرو ریختیم>. در سوره حجر (آیه ۷۴) نوع باران را بیان کرده است: <فجعلنا عاليها سافلها و أمطرنا عليهم حجارة من سجيل؛ شهرشان را زیرورو کردیم و بر آنان سنگ‌هایی از سجیل (سنگ گل) فرو ریختیم>.

ویرانی شهر بصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۳ - ۵

۵ - > عن أبي بصير عن أبي عبدالله (ع)

فی قول الله ... > و المؤتفکه أهوی < قال : هم أهل البصره هی المؤتفکه ... ;

ابی بصیر از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند .. > و المؤتفکه أهوی < روایت نموده که مراد، اهل بصره هستند. آن جا شهر زیور و شده است...<.

ویرانی شهر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۵ - ۱

۱ - مأموران عذاب قوم لوط ، شهر آن قوم را ، با عذابی آسمانی ، درهم کوبیدند .

إنا منزلون علی أهل هذه القریه رجراً من السماء .. و لقد ترکنا منها ءایه

ویرانی شهر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۸

۸ وازگون شدن بسیاری از شهر های آباد با نزول عذاب الهی

و المؤتفکت

>اتفکک < به معنای انقلاب و زیر و رو شدن است. بنابراین مقصود از >مؤتفکات < به قرینه مقام، شهرهایی است که با عذاب و قهر الهی زیر و رو شده اند.

ویرانی شهرهای اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۹

۹ - غیر مسکونی شدن شهر های جوامع هلاک شده پیشین ، پس از نابودی آنها

فتلک مسکنهم لم تسکن من بعدهم

ویرانی شهرهای امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۹ - ۱،۲

۱- خداوند ، آبادی های فراوانی را از امت های پیشین ، ویران ساخت و مردم آنها را هلاک کرد .

و تلك القرى اهلكنهم

۲- ستم گری و کفر برخی از جوامع

پیشین ، مایه هلاکت آنان با عذاب ویران کننده الهی است .

أهلکنهم لما ظلموا

مراد از ظلم در <ظلموا> به قرینه آیات قبل اعراض از آیات خدا است.

ویرانی شهرهای قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۳ - ۲

۲ - هلاکت قوم لوط ، به وسیله زیور و شدن سرزمین آنان

و المؤمنفکه أهوی

<ائتفک> به معنای زیور و شدن است. <قرای مؤتفکه>؛ یعنی، آبادی هایی که با اهلش زیور و شده اند.

ویرانی کاخ فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۶

۱۶ خداوند پس از هلاکت فرعونیان ، کاخ ها و خوش نشین های آنان را بکلی ویران کرد .

و دمرنا ما کان یصنع فرعون و قومه و ما کانوا یعرشون

<تدمیر> (مصدر دمرنا) به معنای نابودن کردن است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

